

# روزها و رویدادها

مؤلفان: علی بری دیزجی، علی اصغر کریمی شرفشاده، مجید صفائی، محمد نبی ابراهیمی و وحید صفائی

فهرست مطالب

رویدادهای تیر

۱ تیر ۱۳۶۰

تأسیس سازمان تبلیغات اسلامی

۱ تا ۷ تیر ماه

هفته قوه قضائیه

۲۶ ژوئن / ۵ تیر

روز جهانی مبارزه با مواد مخدر

۶ تیر ۱۳۶۰

سوء قصد به جان حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی)

فاجعه انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایران، شهادت آیت الله شهید دکتر بهشتی و ۷۲ تن از یاران انقلاب

۹ تیر ۱۳۹۹ / ۳۰ ژوئن ۱۹۲۰

قیام مردم عراق به رهبری آیت الله محمد تقی حائری شیرازی

۹ تیر ۱۳۶۵

عملیات کربلا ۱ آزاد سازی شهر مهران

۱۱ تیر ۱۳۶۱

شهادت آیت الله محمد صدوقی

۱۲ تیر ۱۳۴۹

ارتحال علامه عبدالحسین امینی

۱۲ تیر ۱۳۶۷ / ژوئیه ۱۹۸۸

سقوط هواپیمای مسافربری جمهوری اسلامی ایران توسط ناو وینسنس آمریکا

۱۴ تیر ۱۳۴۱ / ۵ ژوئیه ۱۹۶۲

سالروز استقلال الجزایر

۲۱ تیر ۱۳۴۱

فاجعه خونین مسجد گوهرشاد

۲۱ تیر ۱۳۵۹

کودتای نافرجام پایگاه شهید نوژه

۲۱ تیر / ۱۱ ژوئیه

روز جهانی جمعیت

۲۳ تیر ۱۳۶۱

عملیات رمضان

۳۱ - ۲۵ تیر

هفته بهزیستی

۲۶ تیر ۱۳۴۷ / ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸

کودتای حزب بعث عراق

۲۷ تیر ۱۳۶۷

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از سوی جمهوری اسلامی ایران

۲۷ تیر ۱۳۶۹

هفته نیروهای انتظامی

۲۸ تیر ۱۳۳۴

در گذشت آیت الله محمد حسین کاشف الغطاء

۲۹ تیر ۱۳۶۲

عملیات والفجر ۲

۳۰ تیر ۱۳۳۱

قیام سی ام تیر به رهبری آیت الله کاشانی

رویدادهای مرداد

۵ مرداد ۱۳۵۸

اقامه اولین نماز جمعه پس از پیروزی انقلاب

۵ مرداد ۱۳۶۷

عملیات مرصاد

۹ مرداد ۱۳۵۳

روز اهدای خون

۱۰ مرداد ۱۳۹۳ / اول اوت ۱۹۱۴

آغاز جنگ جهانی اول

۱۱ مرداد ۱۳۸۸

شهادت آیت الله شیخ فضل الله نوری رهبر نهضت مشروطه مشروعه

۱۲ مرداد ۱۳۵۹

تاسیس شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی

۱۴ مرداد ۱۳۵۸

نهضت مشروطیت ایران

۶ اوت ۱۹۴۵ / ۱۵ مرداد ۱۳۲۴

بمباران اتمی هیروشیما

۱۵ مرداد ۱۳۶۶

شهادت سرلشکر خلبان عباس بابایی

۱۶ مرداد ۱۳۵۹

تشکیل جهاد دانشگاهی

۲۱ مرداد ۱۳۷۶

شهادت میرزا رضا کرمانی

۲۴ مرداد ۱۳۶۲

تشکیل نخستین مجلس خبرگان رهبری

۲۶ مرداد ۱۳۶۹

ورود آزادگان سرافراز به ایران اسلامی

۲۸ مرداد ۱۳۳۲

کودتای امریکایی

۲۸ مرداد ۱۳۵۸

تشکیل مجلس خبرگان بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

رویدادهای شهریور

۲ شهریور ۱۳۵۷

شهادت سید علی اندرزگو

۳ شهریور ۴۷۴ / ۲۵ اوت ۱۰۹۵

آغاز جنگهای صلیبی

۳ شهریور ۱۳۲۰ / ۲۵ اوت ۱۹۴۱

اشغال ایران توسط قوای متفقین و اخراج رضا شاه

۸ شهریور ۱۳۶۰

شهادت مظلومانه رجائی و باهنر

۹ شهریور ۱۳۵۷

ناپدید امام موسی صدر

اولسپتامبر ۱۹۳۹ / ۱۰ شهریور ۱۳۱۸

آغاز جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹ - ۱۹۴۵)

۱۱ شهریور ۱۳۶۵

عملیات کربلای ۳

۱۲ شهریور ۱۲۹۴ / ۳ سپتامبر ۱۹۱۵

شهادت رئیسعلی دلواری

۱۳ شهریور ۱۳۷۰

روز تعاون

۱۴ شهریور ۱۳۶۰

شهادت آیت الله حاج شیخ علی قدوسی

۱۷ شهریور ۱۳۵۷

فاجعه خونین هفده شهریور

۱۸ شهریور ۱۳۴۸

در گذشت ناگهانی و مرموز جلال آل احمد

۱۹ شهریور ۱۳۵۸

ارتحال آیت الله سید محمود طالقانی

۲۰ شهریور ۱۳۶۰

شهادت اولین شهید محراب ، آیت الله اسدالله مدنی

۱۷ سپتامبر ۱۹۷۰ / ۲۶ شهریور ۱۳۴۹

سپتامبر سیاه ، کشتار فلسطینیان در اردن

۱۷ سپتامبر ۱۹۸۲ / ۲۶ شهریور ۱۳۶۱

قتل عام فلسطینیان در اردوگاههای صبرا و شتیلا

۳۱ شهریور - ۶ مهر

هفته دفاع مقدس

فهرست مطالب

رویدادهای تیر

۱ تیر ۱۳۶۰

تأسیس سازمان تبلیغات اسلامی

تاریخچه تبلیغ

تعریف تبلیغ

امام خمینی (ره) و مسأله تبلیغات

روند شکل گیری سازمان تبلیغات اسلامی :

تصویب وظایف اساسی سازمان تبلیغات اسلامی

۱ تا ۷ تیر ماه

هفته قوه قضائیه

مقام معظم رهبری و قوه قضائیه

وظایف قوه قضائیه

اصل یکصد و پنجاه و شش

۲۶ ژوئن / ۵ تیر

روز جهانی مبارزه با مواد مخدر

سابقه مواد مخدر در جهان

سابقه مواد مخدر در ایران

نقش دول استعماری در شیوع اعتیاد

وضعیت مصرف مجاز مواد مخدر در جهان

مهمترین مراکز تولید مواد مخدر قاچاق در جهان

۱ - منطقه مثلث طلایی

۲ - هلال طلایی

برآورد ارزش افزوده مواد مخدر

تحلیلی پیرامون وضعیت مواد مخدر در جهان و ایران

۶ تیر ۱۳۶۰

سوء قصد به جان حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی)

پیام امام خمینی (ره) به مناسبت سوء قصد نافرجام به جان آیت الله خامنه ای

پیام حضرت آبت الله بهشتی

پیام نخست وزیر

۷ تیر ۱۳۶۰<sup>۸</sup>

فاجعه انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایران ، شهادت آیت الله شهید دکتر بهشتی و ۷۲ تن از یاران انقلاب

چگونگی تشکیل حزب جمهوری اسلامی

زندگی نامه آیت الله شهید دکتر بهشتی

آثار و تالیفات شهید مظلوم دکتر بهشتی

شخصیت و ابعاد سیاسی - اجتماعی شهید آیت الله دکتر بهشتی

اسامی شهدای انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی

اسامی مجروحان حادثه هفتم تیر

چگونگی تعطیل فعالیت‌های حزب جمهوری اسلامی

پیام امام خمینی (ره) به مناسبت فاجعه ۷ تیر

فرازهایی از بیانات امام خمینی (ره) در رابطه با شهادت دکتر بهشتی و شهدای حزب جمهوری اسلامی ایران ، در دیدار با جمعی از

روحانیون تهران

۹ تیر ۱۳۹۹ / ۳۰ ژوئن ۱۹۲۰

قیام مردم عراق به رهبری آیت الله محمد تقی حائری شیرازی

قیام نجف و نهضت معارضین اسلامی

بروز نقش آیت الله شیرازی به عنوان رهبر دینی

ثورة العشرین و نقش رهبری مسلمان شیعه

عوامل شکست انقلاب ۱۹۲۰

۹ تیر ۱۳۶۵

عملیات کربلا ۱ آزاد سازی شهر مهران

حمله عراق به مهران

ضرورت انجام عملیات

پس از مهران چه شد؟

ارزیابی عملیات کربلا ۱

۱۱ تیر ۱۳۶۱

شهادت آیت الله محمد صدوقی

زندگی‌نامه

امام (ره) و آیت الله صدوقی

پیام امام خمینی (ره) به مناسبت شهادت آیت الله صدوقی دهم ماه مبارکرمضان ۱۴۰۲

شهید صدوقی از زبان مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای

۱۲ تیر ۱۳۴۹

ارتحال علامه عبدالحسین امینی

خاندان وی

اولین تالیف علامه

بزرگترین اثر علامه (کتاب الغدیر)

تالیفات علامه امینی

تاسیس بوستان هدایت

دیدگاه علامه امینی درباره ولایت فقیه

نماز آخر

۱۲ تیر ۱۳۶۷ / ژوئیه ۱۹۸۸

سقوط هواپیمای مسافربری جمهوری اسلامی ایران توسط ناو وینسنس آمریکا

p شرح حادثه

قطعه نامه ۶۱۶ شورای امنیت (۱۹۸۸)

۱۴ تیر ۱۳۴۱ / ۵ ژوئیه ۱۹۶۲

سالروز استقلال الجزایر

مبارزات مردم الجزایر

پیروزی نهایی

عباس مدنی رهبر جبهه نجات اسلامی

۲۱ تیر ۱۳۴۱

فاجعه خونین مسجد گوهرشاد

اعلامیه

نقش بهلول واعظ در ماجرای گوهرشاد

۲۱ تیر ۱۳۵۹



کودتای نافرجام پایگاه شهید نوژه

سازمان کودتای (نقاب )

وظایف شاخه ها:

ستاد فرماندهی پاریس

طرح عملیات کودتا

طرح اشغال پایگاه نوژه

اهداف تعیین شده برای بمباران

اهداف تعیین شده برای تسخیر

امشب قرار است کودتا شود

امام خمینی (ره) و کودتا

مقام معظم رهبری و کودتا

۲۱ تیر / ۱۱ ژوئیه

روز جهانی جمعیت

جمعیت و محیط زیست

جمعیت و مسکن

جمعیت و آموزش و پرورش

جمعیت و قانون

جمعیت و توسعه اقتصادی

صندوق جمعیت مللمتحد

۲۳ تیر ۱۳۶۱

عملیات رمضان

دلایل ورود به داخل خاک عراق

تهدید شهر بصره

موقعیت منطقه عملیاتی شهر بصره

ماموریت و طرح مانور

شرح عملیات (مراحل اول تا پنجم)

مرحله اول

مرحله دوم

مرحله سوم

مرحله چهارم

مرحله پنجم

۳۱ - ۲۵ تیر

هفته بهزیستی

خدمات بهزیستی در ایران

روشهای موجود برای ارائه خدمات بهزیستی

خدمات امور توانبخشی

شورای عالی مشارکتهای مردمی

سازمان بهزیستی و سالمندان

معلولیت و بهزیستی

ارائه خدمات به معلولان

۲۶ تیر ۱۳۴۷ / ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸

کودتای حزب بعث عراق

سرنگونی رژیم سلطنتی عراق

تاریخچه حزب بعث عراق

کودتای ۸ فوریه ۱۹۶۳ - اولین کودتای بعثی ها

کودتای ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸ دومین کودتای بعثی ها

۲۷ تیر ۱۳۶۷

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از سوی جمهوری اسلامی ایران

دفاع مقدس و قطعنامه های شورای امنیت

بیانیه نخست شورای امنیت

صدر قطعنامه ۴۷۹

قطعنامه ۵۲۲

قطعنامه ۵۴۰

صدر قطعنامه ۵۵۲

صدر قطعنامه ۵۸۲

صدر قطعنامه ۵۸۸

قطعنامه ۵۹۸

موضع عراق در قبال قطعنامه ۵۹۸

پذیرش کامل قطعنامه از طرف جمهوری اسلامی ایران

برقراری آتش بس

آغاز مذاکرات صلح

پذیرش مجدد عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر

۲۷ تیر ۱۳۶۹

هفته نیروهای انتظامی

بخشی از رهنمودهای امام خمینی (ره) به پرسنل نیروی انتظامی

رهنمودهایی از مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) به پرسنل نیروی انتظامی

۲۸ تیر ۱۳۳۴

در گذشت آیت الله محمد حسین کاشف الغطاء

مرجعیت مرحوم آیت الله محمد حسین کاشف الغطاء:

آثار مرحوم محمد حسین کاشف الغطاء:

تالیفاتی که به چاپ نرسیده است

ترجمه ها

۲۹ تیر ۱۳۶۲

عملیات والفجر ۲

شرح عملیات

۳۰ تیر ۱۳۳۱

قیام سی ام تیر به رهبری آیت الله کاشانی

دیدار نماینده شاه با آیت الله کاشانی

رویدادهای مرداد

۵ مرداد ۱۳۵۸

اقامه اولین نماز جمعه پس از پیروزی انقلاب

نخستین نماز جمعه در اسلام

خطبه دوم حضرت رسول در اولین نماز جمعه

نماز جمعه از دیدگاه روایات و اخبار و کلمات بزرگان

اقامه اولین نماز جمعه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران

۵ مرداد ۱۳۶۷

عملیات مرصاد

آشکار شدن چهره نفاق سازمان مجاهدین خلق!

اعلان جنگ مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران

عملیات مرصاد؛ مرگ سیاسی و نظامی سازمان منافقین

۹ مرداد ۱۳۵۳

روز هدای خون

شناخت خون

ترکیبات خون

عامل ار - هاش (H.R)

گروههای خونی

تاسیس سازمان انتقال خون ایران

نگهداری

۱۰ مرداد ۱۳۹۳ / اول اوت ۱۹۱۴

آغاز جنگ جهانی اول

۱۱ مرداد ۱۲۸۸

شهادت آیت الله شیخ فضل الله نوری رهبر نهضت مشروطه مشروعه

بررسی اعمال و گفتار شیخ شهید

از هجرت به قم تا فتح تهران

نحوه شهادت شیخ فضل الله نوری

انتقال مخفیانه جنازه شهید به قم

پس از شهادت شیخ

نظرات بزرگان درباره شیخ شهید

۱۲ مرداد ۱۳۵۹

تاسیس شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی

۱۴ مرداد ۱۲۵۸

نهضت مشروطیت ایران

مهاجرت علما به حرم حضرت عبدالعظیم در اعتراض به دولت

پذیرش در خواسته‌های متحصنین توسط شاه

تصویب قانون اساسی و مرگ مظفرالدین شاه

۶ اوت ۱۹۴۵ / ۱۵ مرداد ۱۳۲۴

بمباران اتمی هیروشیما

چرا بمب اتم به کار برده شد؟

اثرات انفجارات اتمی در ژاپن

۱۵ مرداد ۱۳۶۶

شهادت سرلشکر خلبان عباس بابایی

شهید بابایی در آمریکا

عید قربان : اسماعیل نیروی هوایی در مسلخ عشق

سخنان مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا در مورد شهید بابایی :

تشکیل جهاد دانشگاهی

ضرورت تشکیل جهاد دانشگاهی و تبیین روند تکامل آن

ساختار، اهداف و وظایف جهاد دانشگاهی

محورهای فعالیت و تواناییهای تخصصی

۲۱ مرداد ۱۳۷۶

شهادت میرزا رضا کرمانی

آشنایی میرزا رضا با سید جمال الدین اسد آبادی :

قتل ناصر الدین شاه

شهادت میرزا رضای کرمانی

۲۴ مرداد ۱۳۶۲

تشکیل نخستین مجلس خبرگان رهبری

خبرگان در قانون اساسی :

فصل هشتم - رهبر یا شورای رهبری

اصل یکصد و هفتم

اصل یکصد و هشتم

اصل یکصد و نهم

اصل یکصد و دهم

اصل یکصد و یازدهم

اولین مجلس خبرگان رهبری : (مجلس خبرگان دوم)

پیام امام خمینی به مناسبت افتتاح مجلس خبرگان (رهبری)

نتایج اولین اجلاس مجلس خبرگان رهبری

۲۶ مرداد ۱۳۶۹

ورود آزادگان سرافراز به ایران اسلامی

تشکیل ستاد رسیدگی به امور آزادگان

۲۸ مرداد ۱۳۳۲

کودتای امریکایی

خارج کردن رهبری از دست آیت الله کاشانی

خروج شاه از ایران مقدمه ای برای کودتا

شایعه همکاری آیت الله کاشانی با سپهبد زاهدی

نامه آیت الله کاشانی به دکتر محمد مصدق در ۲۷ مرداد ۱۳۳۲

جواب سربالای دکتر مصدق و پیروزی زاهدی

جناب آقای هامراسکیولد دبیر کل سازمانملل متحد

۲۸ مرداد ۱۳۵۸

تشکیل مجلس خبرگان بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

افتتاح مجلس خبرگان ، بررسی قانون اساسی

شهادت مجلس خبرگان

رویدادهای شهریور

۲ شهریور ۱۳۵۷

شهادت سید علی اندرزگو

نحوه شهادت شهید اندرزگو

۳ شهریور ۴۷۴ / ۲۵ اوت ۱۰۹۵

آغاز جنگهای صلیبی

علل هجوم صلیبیها

آغاز جنگهای صلیبی

آزاد سازی بیت المقدس به دست سپاهیان اسلام

۳ شهریور ۱۳۲۰ / ۲۵ اوت ۱۹۴۱

اشغال ایران توسط قوای متفقین و اخراج رضا شاه

اعلان بیطرفی ایران

اوضاع داخلی ایران

آغاز اشغال ایران توسط متفقین

عوارض سوء تجاوز متفقین

نفوذ آمریکا به ایران پس از شهریور ۱۳۲۰

آغاز فعالیت احزاب پس از شهریور ۱۳۲۰

۸ شهریور ۱۳۶۰

شهادت مظلومانه رجائی و باهنر

بیانات امام خمینی (ره) در جمع اقشار مختلف مردم به مناسبت شهادت آقایان محمدعلی رجایی و دکتر محمد جواد باهنر

زندگینامه شهید محمد علی رجایی

زندگینامه شهید حجت الاسلام دکتر محمد جواد باهنر

۹ شهریور ۱۳۵۷

ناپدید امام موسی صدر

از تولد تا هجرت

فعالیت‌های امام موسی صدر در لبنان

خط کلی و روش امام صدر پیش از جنگ

روش امام صدر

اولسپتامبر ۱۹۳۹ / ۱۰ شهریور ۱۳۱۸

آغاز جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵ - ۱۹۳۹)

کنفرانس مسکو

اثرات جنگ

تصویب نظام بانکداری بدون ربا ۱۰ شهریور ۱۳۶۲

تاریخچه بانکداری اسلامی در جهان

چگونگی پیدایش بانک

صرافان پایه گذاران اصلی بانکها

اولین اثرات عملیات ربوی بانکها در قرن نوزدهم

تاریخچه بانکداری در ایران



بانکداری در دوران قاجاریه :

چهره بانکها پس از کودتای ۱۲۹۹

تاسیس بانک مرکزی

بانک و بانکداری پس از پیروزی انقلاب اسلامی

مساله حذف بهره

قانون عملیات بانکی بدون ربا

فصول - اهداف و وظایف نظام بانکی در جمهوری اسلامی ایران لله

۱۱ شهریور ۱۳۶۵

عملیات کربلای ۳

مختصری از موقعیت جغرافیایی منطقه و اهمیت آن

۱ - ارزش سیاسی اسکله

۲ - زمینه سازی برای تصرف و تهدید ام القصر

شرح عملیات

شب اول (۶۵/۶/۹)

شب دوم عملیات

رسیدن نیروها و شروع عملیات در اسکله

استقرار بر روی اسکله و حملات هوایی دشمن

روز سوم ، تشدید حملات و تهدیدات دشمن و تصمیم به عقب نشینی

۱۲ شهریور ۱۲۹۴ / ۳ سپتامبر ۱۹۱۵

شهادت رئیسعلی دلواری

بوشهر و تاریخچه هجوم انگلیسیها به آن

دومین هجوم قوای انگلیس به بوشهر

رئیسعلی سمیل مبارزه با استعمار

۱۳ شهریور ۱۳۷۰

روز تعاون

اهداف بخش تعاون

تقسیم بندی تعاونیها

۱ - تعاونیهای تولیدی

۲ - تعاونیهای خدماتی

۳ - تعاونیهای توزیعی

ارزشهای معنوی تعاونیها

۱۴ شهریور ۱۳۶۰

شهادت آیت الله حاج شیخ علی قدوسی

پیام امام خمینی (ره)

شهید قدوسی از دیدگاه مقام معظم رهبری

آیت الله هاشمی رفسنجانی درباره شهید قدوسی گفته اند

۱۷ شهریور ۱۳۵۷

فاجعه خونین هفده شهریور

سیزدهم شهریور ۱۳۵۷ (عید سعید فطر) - برگزاری راهپیمایی بزرگ در تهران

جمعه سرخ یا ۱۷ شهریور: اعلام حکومت نظامی و قتل عام مسلمانان

پیام امام خمینی (ره) به مناسبت کشتار بی رحمانه مردم تهران

۱۸ شهریور ۱۳۴۸

در گذشت ناگهانی و مرموز جلال آل احمد

بازگشت به خویشتن خویش

مرگ مشکوک جلال

آثار جلال آل احمد

نامه جلال آل احمد به امام (ره) از بیت الله الحرام

نظر امام خمینی (ره) درباره جلال آل احمد

نظر حضرت آیت الله خامنه ای ، رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره جلال آل احمد

جلال آل احمد از زبان مرحوم آیت الله طالقانی

ارتحال آیت الله سید محمود طالقانی

پیام امام خمینی (ره) به مناسبت ارتحال آیت الله طالقانی :

۲۰ شهریور ۱۳۶۰

شهادت اولین شهید محراب ، آیت الله اسدالله مدنی

پیام امام خمینی (ره) به مناسبت شهادت آیت الله مدنی

۱۷ سپتامبر ۱۹۷۰ / ۲۶ شهریور ۱۳۴۹

سپتامبر سیاه ، کشتار فلسطینیان در اردن

۱۷ سپتامبر ۱۹۸۲ / ۲۶ شهریور ۱۳۶۱

قتل عام فلسطینیان در اردوگاههای صبرا و شتیلا

حضور فلسطینی ها در لبنان

جنگ لبنان (ژوئن و سپتامبر ۱۹۸۲)

۳۱ شهریور - ۶ مهر

هفته دفاع مقدس

سابقه برخوردهای مرزی ایران و عراق قبل از شروع جنگ

چرا قرارداد ۱۹۷۵ الجزیر، متزلزل شد؟

ادوار مختلف جنگ تحمیلی

الف - دوره اول

۱ - مقطع اول : آغاز حملات عراق

۲ - مقطع دوم : دفع تجاوز عراق

ب : دوره دوم

۱ - مقطع اول : تعقیب و تنبیه متجاوز

۲ - مقطع دوم : رویارویی دوباره عراق

۳ - مقطع سوم : تهاجم دوباره سراسری عراق

۴ - مقطع چهارم : دفع دوباره تهاجم عراق

ولتكن منكم امةٌ يدعون الى الخير و يامرون بالمعروف و ينهون عن المنكر و اولئك هم المفلحون .(۱)

(ما) معتقدیم این مجموعه ای که امروز به عنوان سازمان تبلیغات اسلامی گرد هم آمده اند، بالاترین و مهمترین و منسجم ترین مجموعه ای هستند که در طول تاریخ تبلیغات تمان داشته ایم .

چهره نورانی اسلام را برای جهانیان روشن نمایید که اگر این چهره با آن کمال جمیل که قرآن و سنت در همه ابعاد به آن دعوت کرده اند، از زیر نقاب مخالفان اسلام و کج فهمی های دوستان خودنمایی نماید، اسلام جهانگیر خواهد شد. مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی )

رشد، شکوفایی و توسعه فرهنگها به تناسب و گستره اوجی است که از حصارها، محدودیتها و مرزهای جغرافیایی می گیرند. یک مکتب و ایدئولوژی به همان میزان می تواند از قدرت و قدمت بیشتری بهره مند باشد که بتواند در میدان حضور، با ملل و مردم بیشتری از جوامع بشری ارتباط برقرار کند. امروزه گرچه حقانیت مکاتب و فرهنگها را با میزان گستره جغرافیایی ، حضور آنها در میان ملل و اقوام مختلف نمی توان محک زد، اما یک مکتب و ایدئولوژی ، اگر برای ایجاد چنین ارتباط و موقعیتی جهش و اوج نداشته باشد، مسلماً در همان خاستگاه خود، در برابر امواج تهاجم فرهنگهای بیگانه دچار نابودی تدریجی خواهد شد. بر همین اساس مقوله تبلیغ و پیام رسانی در متن و شان رسالت انبیا و پیروان صالح آنان به مثابه یک اصل و ضرورت اجتناب ناپذیر عینیت پیدا کرده است تا مشعل هدایت در جوامع بشری جاودان و تحقق عنایت خلقت آفرینش تأمین شود.

تبلیغات ، به معنای مجموعه اعمال گفتاری ، نوشتاری ، رفتاری و تصویری است که به منظور نفوذ و تأثیر گذاری در شخصیت ، افکار، عقاید و احساسات مخاطبان سازماندهای می شود و برای جهت بخشیدن به آنان در راستای هدف و مقصدی مشخص ، هویت پیدا می کند. تبلیغات در بینش و فرهنگ اسلامی از جایگاه رفیع و ویژه ای برخوردار است . امام راحل (ره ) تبلیغات را از اصول بسیار مهم اسلام عزیز معرفی نموده اند. این اصل و ضرورت مهم ، همان شناساندن خوبیها و تشویق به انجام آنها و ترسیم بدیها و نشان دادن راه گریز و منع از آنهاست .

تاریخچه تبلیغ

تاریخ ، یعنی بعد زمانی تبلیغ را نمی توان از تاریخ حیات انسان تفکیک کرد.

تبلیغات با نقطه آغازین خلقت انسان و هبوط آدم بر زمین پیوند دارد، چرا که انسان از یکسو دارای فکر و اعتقاد است و از سوی دیگر مصالح حیاتی ویژه ای دارد که این دو اشکال گوناگون شخصیت مادی و معنوی او را تشکیل می دهند. بعلاوه میل به نفوذ و عشق به بقای شخصیت و دفاع از مصالح فردی و اجتماعی از فرطهایی است که از خصیصه (حب ذات) سرچشمه می گیرد. با توجه به این مقدمه کوتاه، طبیعی است که انسان برای منتقل کردن تفکرات و معتقدات، یعنی: بخشی از وجود خویش و دیگر ایده ها و سببل ها که با مصالح زندگی گره خورده است تلاش کند و در راه گسترش آنها که نهاد (شخصیت ادبی) اوست از هر وسیله ممکن یاری جوید. این همان تبلیغ است، یعنی رساندن و منتقل کردن افکار، عقاید و بازگو کردن ایده ها برای دیگران و سعی در گسترش آنها و جاودانه ساختن خود از این طریق.

به عبارت دیگر، تبلیغ از حیات فکری و ادبی و مصالح حیاتی انسان سرچشمه گرفته و از آن جدا شدنی نیست و علی رغم تحول و تطور وسایل ارتباطی و خبر رسانی و تبلیغ که در روند نشیب و فراز فراوان داشته و دارد. اصل تبلیغ با اهدافی گوناگون ثابت و همیشگی است.

از این خصیصه عمومی که بگذریم، پای معتقدات مذهبی در مسأله تبلیغ به نحو دیگری به میان می آید، چرا که در دین، رساندن پیام الهی به عنوان یک تکلیف مطرح است و بر این اساس و با توجه به این که دین و عقاید مذهبی نیز همواره ملازم با انسانها بوده اند، نتیجه می گیریم که تبلیغ در چارچوبه ادیان و مذاهب، پا به پای سیر تکاملی اندیشه ها و معتقدات انسانی بخشی از فعالیت های مذهبی را به خود اختصاص داده است. علی علیه السلام درباره عهد و میثاق الهی با فرزند آدم، در ابلاغ رسالت خداوندی می فرماید: (۲)

(خداوند سبحان از فرزندان آدم پیامبرانی را برگزید و از آنان بر وحی و تبلیغ رسالت، پیمان گرفت تا رسم امانت نگهدارند. آنگاه که بیشتر مردم عهد خدا را دگرگون ساخته و حق او را نادیده انگاشته و شریکان به او نسبت دادند. و شیاطین با نیرنگ راه پرستش حق را بر آنان بستند، پس خدا رسولان خود را به سوی آنان گسیل داشت و پیام آوران خود را پیاپی فرستاد تا از مردم پایبندی به فطرت را بخواهند و نعمتهای فراموش شده خدا را به یادشان آورند و با تبلیغ حجت را بر آنها تمام کنند و گنجینه های عقل ها را برانگیزند و آیات قدرت خداوندی را به آنها نشان دهند.)

این گفتار ارزشمند، رسالت الهی پیام آوردن خدا را در طول تاریخ حیات انسان و آنگاه که انسانها به راه انحراف کشیده می شدند، شیاطین انس و جن، راه را بر بنی آدم قطع می کردند، بیان می دارد و تاکید می کند که رسالت تبلیغ حقیقی است، همپای فطرت و همدوش با احکام عقل و همجهت الهی و رمز رشد و تعالی کاروان انسانی در گستره زمان و بستر خاک ....

تعریف تبلیغ

تبلیغ در مفهوم کلی آن عبارت است از: رساندن پیام به دیگری از طریق برقراری ارتباط به منظور ایجاد دگرگونی در بینش و رفتار اوست و بر سه عنصر اصلی: پیام دهنده، پیام گیرنده و محتوای پیام مبتنی است. یا به عبارت دیگر تبلیغ عبارت است از روش یا روشهای به هم پیوسته (در قالب یک مجموعه)، برای بسیج و جهت دادن به نیروهای اجتماعی و فردی از طریق نفوذ در شخصیت، افکار، عقاید و احساسات آنها، به منظور رسیدن به یک هدف مشخص، که این هدف ممکن است سیاسی، نظامی، فرهنگی و... مشروع و یا نامشروع باشد.

تعریف تبلیغ در اسلام معنی و مفهوم خاصی پیدا می کند. با کمی تامل در آیات الهی چنین به دست می آید که تبلیغ عبارت است از رسانیدن پیام خداوند به مردم به عنوان یک تکلیف اسلامی و محتوای پیام عبارت است از رسالت و دستورات آسمانی با هدف اتمام حجت و هدایت انسانها به سوی کمال.

این تبلیغ براساس حکمت و مبانی منطقی و به دور از تحریف و خلافگویی صورت می پذیرد.

امام خمینی (ره) و مسأله تبلیغات (۳)

(مسأله تبلیغات یک امر مهمی است که می شود گفت که در دنیا در راس همه امور قرار گرفته است، و می توان گفت که دنیا بر دوش تبلیغات است و... توجه داشته باشید که بالاترین چیزی که می تواند این انقلاب را در اینجا به ثمر برساند و در خارج صادر کند، تبلیغات است، تبلیغات صحیح. آنچه که هست، هیچ مبالغه نکنید. ما متاعمان یک متاعی است که محتاج به مبالغه نیست... باید با تبلیغات صحیح، اسلام را آن گونه که هست به دنیا معرفی نمایید... برای خدا تبلیغات کنید که تبلیغات امر مهمی است. به همان اندازه که تبلیغات برای مستکبرین و زورگویان مضر است به همان اندازه و یا بیشتر برای مستضعفین مفید است...  
...سلاح تبلیغات برنده تر از کاربرد سلاح در میدانهای جنگ است...)

روند شکل گیری سازمان تبلیغات اسلامی:

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نهاد شورای عالی تبلیغات اسلامی در اول تیرماه ۱۳۶۰ به صورت نهادی منسجم، مستقل و وابسته به ولایت فقیه با اراده امام فقیه (ره) و به منظور پرداختن به امر تبلیغات به وجود آمد:

(تبلیغات دینی مردمی، سازماندهی و هدایت نیروهای مؤمن و تشکلهای مردمی و ایجاد شبکه های وسیع ارتباطی با حزب الله،

احیاء، اشاعه معارف، فرهنگ و تاریخ شیعه، تنویر افکار عمومی در مقابله با تبلیغات سوء تهاجم فرهنگی دشمنان، رفع نیازهای فرهنگی اقشار جامعه بویژه جوانان، تدوین و انتشار کتب، جزوات و نشریات مناسب به منظور معرفی علوم، معارف فرهنگ، تمدن

اسلامی و تبیین مواضع انقلاب اسلامی، سازماندهی و اعزام مبلغ و مربی دینی به داخل به خارج آن) از متن انقلاب متولد شد و در

گذرگاههای حساس و خطیر سالهای گذشته که سرشار از بحران و توطئه، همراه با دسیسه و تهاجمات مختلف دشمنان اسلام در

حذف انقلاب و فرهنگ اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم بوده است، نضج گرفت و رشد کرد و بزرگانی چون آیات

عظام جنتی ، مهدوی کنی و امامی کاشانی و نیز شهیدان گرانقدری چون حجت الاسلام حقانی و... در این مسیر زحمتهای فراوانی کشیدند.

این نهاد انقلابی در سیر تکاملی خود، در ۱۳۶۸/۱/۱۴ با دست خط مبارک امام خمینی (ره) به سازمان تبلیغات اسلامی تغییر نام یافت و آیت الله جنتی از سوی ایشان به ریاست این سازمان برگزیده شد.

امام خمینی (ره) در حکمی خطاب به ایشان فرمودند: (۴)

(...امیدوارم با تلاش پیگیر و با استفاده از همه نیروهای مؤمن به انقلاب و اسلام، از عهده این مهم برآیید. تبلیغات که همان

شناساندن خوبیها، تشویق به انجام آن، ترسیم بدیها و نشان دادن راه گریز و منع از آن است، از اصول بسیار مهم اسلام عزیز است

ان شاء الله در محدوده توانتان، نقاط کور و مجهول را برای مردم شریف ایران و جهان اسلام باز و روشن نمایید و چهار چوب اسلام

ناب محمدی (۶) که در ترسم قهر و خشم و کینه مقدس و انقلابی علیه سرمایه داری غرب و کمونیزم متجاوز شرق است و نیز راه

مبارزه علیه ریا، حيله و خدعه را به مردم و بخصوص جوانان سلحشورمان نشان دهید.

این مسأله که، نظام در اهداف خود جدی است و با هیچ کس شوخی ندارد و در صورت به خطر افتادن ارزشهای اسلامی در هر

موقعیت قاطعانه برخورد می نماید، باید به عنوان یک اصل خدشه ناپذیر برای تمامی دست اندکاران و مردم تبلیغ گردد...

تصویب وظایف اساسی سازمان تبلیغات اسلامی

پس از ارتحال امام (ره) و پایان هشت سال دفاع مقدس، ضرورت گسترش فعالیتهای فرهنگی و تبلیغی دو چندان شد و رهبر آگاه

و دلسوز انقلاب اسلامی در دیدار با مبلغان و مسئولان و کارگزاران فرهنگی کشور برای تبلیغ و استفاده از بارهای نوین تبلیغ تاکید

داشته اند تا آن که در تاریخ ۷۱/۴/۱۱ مقام معظم رهبری هیئت امنای (۵) سازمان تبلیغات اسلامی را تعیین و آیت الله جنتی را به

ریاست هیئت امناء انتخاب فرمودند و در تاریخ ۷۱/۴/۸ حجت الاسلام و المسلمین محمدی عراقی را به عنوان رئیس سازمان

تبلیغات اسلامی منصوب نمودند.

از اقدامات اولیه هیئت امناء، تصویب وظایف اساسی سازمان بود که توسط مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله

العالی) در تاریخ ۱۳۷۱/۱۲/۲۶ به سازمان تبلیغات اسلامی ابلاغ شد.

وظایف اساسی سازمان تبلیغات اسلامی

وظایف سازمان در ۲۱ مورد به شرح زیر تدوین شده است :

۱ - سیاستگذاری، برنامه ریزی، هدایت، سازماندهی، پشتیبانی و نظارت بر تبلیغات دینی مردمی .

۲- زمینه سازی برای سازمان یافتن نیروهای مؤمن و پیدایش تشکل های لازم و برنامه ریزی و هماهنگی به منظور تقویت و هدایت مداوم انجمنهای اسلامی و جمعیتهای مشابه و نظارت بر فعالیت آنها در جهت ارتقاء کیفیت حضور نیروهای حزب الله در صحنه های فرهنگی و اجتماعی .

۳- تلاش در جهت احیا و اشاعه معارف ، فرهنگ و تاریخ تشیع از همه راههای ممکن با تاکید بر وحدت تمام مذاهب اسلام و حراست از آن ، با همکاری مراجع و نهادهای ذی ربط.

۴- تحقیق و بررسی در خصوص تبلیغات سوء و تهاجم فرهنگی دشمنان و شناسایی و تحلیل ترفندهای تبلیغی علیه السلام و انقلاب اسلامی با هماهنگی سایر دستگاههای ذی ربط و ارائه سیاستهای لازم در جهت خنثی سازی آنها و تنویر افکار عمومی .

۵- انجام مطالعات راهبردی و بررسیهای کاربردی در زمینه نیازهای فرهنگی اقشار مختلف جامعه بویژه جوانان و طراحی برنامه ها و شیوه های تبلیغی نوین و اصلاح و احیای روشهای سنتی در تبلیغات اسلامی .

۶- تدوین و انتشار کتب و نشریات مناسب و ضروری به منظور معرفی فرهنگ و تمدن اسلامی و تبیین مواضع انقلاب اسلامی و انجام پژوهشهای لازم بویژه در زمینه نظام تربیتی ، مبانی سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی حکومت اسلامی و حمایت از پژوهشگران متعهد.

۷- تلاش در جهت هدایت افکار عمومی با استفاده از رسانه های همگانی و فعالیت مستقیم رسانه ای در صورت لزوم .

۸- شناسایی ، معرفی آثار نمونه فرهنگی ، هنری افراد و شبکه های تبلیغی - مردمی جامعه اسلامی ، تهیه ، عرضه فرآورده ها و آثار نمونه فرهنگی - هنری در جهت ارائه الگوهای مناسب هنرمندان متعهد و انقلابی و حمایت از آنان .

۹- برنامه ریزی ، زمینه سازی و انجام اقدامات لازم برای هر چه فعالتر شدن افراد تائثیر گذار، مانند: روحانیون ، دانشگاهیان ، معلمان و هنرمندان در جهت رشد فرهنگ اسلامی و مقابله با آثار نامطلوب فرهنگهای بیگانه .

۱۰- برنامه ریزی ، نظارت و هماهنگی در برگزاری هر چه بهتر مراسم و شعائر انقلابی و دینی در داخل و خارج از کشور با مشارکت کلیه نهادهای مردمی و دولتی .

۱۱- همکاری با وزارتخانه ، دستگاه های دولتی و وابسته به دولت و نهادهای انقلابی به منظور تعمیق و گسترش فرهنگ و معارف اسلامی در محیط سازمانهای دولتی و نهادهای انقلابی .

۱۲- تاسیس و اداره مؤسسات آموزشی و مراکز دانشگاهی در جهت تربیت مبلغان کار آمد، هنرمندان متعهد و مربیان دینی .

۱۳- تاسیس مراکز اطلاع رسانی تخصصی ، تبلیغی و دینی .

۱۴- سازماندهی و اعزام مبلغ در سراسر کشور بویژه مناطق محروم با همکاری روحانیت و مردم .

۱۵- سازماندهی و اعزام مبلغ و مربی دینی به خارج از کشور با همکاری مراجع ذی ربط.



۱۶ - هدایت و حمایت انجمنهای اسلامی و تشکلهای اسلامی - مردمی خارج از کشور و نظارت بر آنها.

۱۷ - برنامه ریزی فرهنگی و تبلیغی جهت ایرانیان و علاقمندان فرهنگ فارسی در خارج از کشور با تاکید بر خدمات متقابل اسلام و ایران ، با همکاری و هماهنگی مراجع ذی ربط.

۱۸ - برگزاری کنفرانسها، جشنواره ها و نمایشگاه های بین المللی مردمی در داخل و خارج از کشور به منظور تعمیق و گسترش معارف اسلامی و فراهم کردن زمینه شرکت هنرمندان و شبکه های تبلیغی - مردمی در کنفرانسها، نمایشگاهها و جشنواره های فرهنگی .

۱۹ - انجام همکاریهای فرهنگی - تبلیغی با مراکز اسلامی و فرهنگی داخل کشور و مراکز اسلامی و فرهنگی خارج از کشور در راستای اهداف سازمان و به منظور تاءمین ارتباط افراد و مراکز اسلامی و فرهنگی - مردمی . داخل کشور با سایر ملل و ایجاد زمینه های فرهنگی برای تاءلیف قلوب آنان با هماهنگی سایر مراجع ذی ربط.

۲۰ - نظارت بر ترجمه متون دینی و تعیین ضوابط و مقررات مربوط به تهیه ، ترجمه و انتشار این متون جهت بهره برداری در خارج از کشور.

۲۱ - نظارت بر چاپ و نشر قرآن کریم و انجام فعالیتهای قرآنی از طریق تربیت مربی ، تدوین جزوات آموزشی و همکاری با وزارتخانه های ذی ربط جهت گسترش آموزش و معارف قرآن کریم .

۱ تا ۷ تیر ماه

هفته قوه قضائیه

جهت ارج نهادن به مقام والای قضاء و قضاوت و تکریم از مقام شامخ شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی اولین مسئول دستگاه قضائی جمهوری اسلامی ایران ، پیشنهاد مورخه ۱۳۷۲/۵/۱۷ قوه قضائیه ، مبتنی برنامگذاری هفته اول تیر ماه به عنوان هفته قوه قضائیه در تاریخ ۱۳۷۳/۴/۲۷ در شورای فرهنگ عمومی مطرح شد و به تصویب رسید.

امام خمینی (ره) و قوه قضائیه :

(...در اسلام همه کس حتی پیامبر عظیم الشان - صلی الله علیه و آله - در مقابل قانون بی امتیاز در یک صف هستند و احکام قرآن و اسلام بر همه جاری است و شرف و ارزش انسانها در تبعیت از قانون است که همان تقواست و متخلف از قانون ، مجرم و قابل تعقیب است . و بر دستگاههای قضائی است که از متعديان به جان و شرف و مال و بندگان دفاع کنند و آنان را به سزای خود نشانند و من برای چندمین بار اعلام می کنم که هر گروه و شخصی اگرچه از بستگان و اقربای اینجانب باشند، خود مسؤ ول اعمال و اقوال خود هستند و اگر خدای نخواستہ تخلف از احکام اسلام کردند، دستگاه قضایی موظف است آنان را مورد تعقیب قرار دهد و

هر کس و هر دستگاه ، چه قضات شرع و چه دادگاه ها و چه غیر اینها، هر کس تعديات خود را به اسم من و یا به انتساب به من اجرا کنند مجرم و مفتری است ) (۶)

(عرض من به قضات این است که کوشش کنند، توجه کنند به اینکه اگر با کوشش آنها مسئله قضاوت حل نشود، تا آخر قضیه قضاوت به زمین خواهد ماند، کوشش کنند که اولاً علما و اشخاص دانشمند را معرفی کنند و ثانياً آنها که متصدی امور قضائی هستند توجه کنند به اینکه مساله بسیار مشکل مهمی و پر مسوولیتی بر عهده آنهاست . حتی مسوولیت قضیه قضا از همه مسوولیت هائی که در یک کشور هست بالاتر است برای اینکه قاضیان متصدی اموری هستند که جان مردم ، مال مردم ، نوامیس مردم در گرو کارهای آنها و قضاوت آنهاست . (والقاضی علی شفیخ جهنم ) باید توجه کنند که خدای نخواستہ جانی به واسطه فتوای آنها و یا قضاوت آنها بدون مجوز شرعی از بین نرود، مالی از بین نرود، حیثیتی ، آبروئی از بین نرود که بسیار اهمیت دارد این مطلب و امروز اهمیتمش بیشتر از سابق است ، سابق قضیه این نبود که اگر قاضی تخلف می کرد، اصل اسلام را مشوه کند، امروز قلم هائی هست که اگر چنانچه یک قاضی یا چند قاضی ولو اشتباها یک کاری انجام بدهد، یا خدای نخواستہ عمدا انجام بدهد، این را پای روحانیت حساب می کنند و پای جمهوری اسلامی حساب می کنند و بالاخره پای اسلام حساب می کنند و لهذا قاضی امروز مسؤل حیثیت اسلام است ، مسؤل حیثیت جمهوری اسلام است و مثل قضات در طول تاریخ نیست که فقط مسءول باشد نسبت به آن قضاوتی که در مورد شخصی می کرد. امروز قضاوت علاوه بر آن بعدی که همیشه داشته است ، یک بعد خاصی دارد و آن بعد خاص آن چیزی است که برمی خورد به حیثیت اسلام اگر چند قاضی در چند محل اشتباه بکنند و یا بعضی از آنها مثلاً خدای نخواستہ عمداً یک کاری را انجام بدهند، این اسباب این می شود که قلم هائی که می خواهند این جمهوری اسلامی را از بین ببرند، یکی را چند چند را صدها جلوه می دهند و با قلم های خودشان به اصل جمهوری اسلامی و به اسلام حمله می کنند. بنابراین اگر سابق شغل قضا یک شغل در عین حال بسیار مهم و پرمسوولیتی بود، امروز مسوولیت او بسیار زیادتر است ، باید بگوئیم صد چندان است . این یک عرضی است که به متصدیان قضا، چه در حال و چه بعدها که تصدی می کنند، عرضی بود که کردم .(۷)

مقام معظم رهبری و قوه قضائیه

(... تکلیف اصلی قوه ی قضائیه ، عبارت از اقامه ی قسط و عدل است . این ، در حرکت و دعوت انبیا، شاید اصلیتیرین امر مربوط به زندگی مردم باشد. حالا آن مسایل معنوی و تعالی روحی و امثال اینها، به جای خود محفوظ است . در عین حال ، آنچه که مربوط به اداره ی زندگی مردم می شود، هیچ چیزی به قدر عدل و قسط - نه در قرآن و نه در حدیث - مورد توجه قرار نگرفته است . البته ، رفاه زندگی مردم و تاءمین امنیت که یکی از لوازم زندگی آنهاست ، وجود دارد؛ اما تکیه یی که روی عدل شده - که قیام همه ی امور بر قیام عدل می باشد - روی هیچ چیز دیگر نشده است .

... البته ، عدل فقط به وسیله ی قوه ی قضائیه اجرا نمی شود؛ بلکه همه ی دست اندرکاران حکومت اسلامی به سهم خود در اقامه ی عدل موظف هستند؛ منتها ضامنش قوه ی قضائیه است ... .

... بنابراین ، قوه ی قضائیه باید به معنای واقعی ، مرجع و ملجاء و پناهگاه همه مردم باشد. این هم نمی شود جز به همان استقلال . استقلال به این معناست که وقتی قاضی می خواهد حکم بکند، نگاه نکند که این حکم موجب خوشایند یا عدم خوشایند چه کسانی می شود.

به نظر من ، قانون گرایی در قوه ی قضائیه ، اهم امور است . اصلا ملاک عدل و اقامه ی آن ، قانون است . اگر چیزی بر طبق قانون تحقق پیدا کرد، عدالت است و خلاف عدالت آن است که برخلاف قانون انجام بشود... (۸)

۱۳۶۸/۶/۲۰

(قضا در یک کشور، معیار سلامت آن کشور است . اگر دستگاه قضایی سالم بود، می توان نتیجه گرفت که وضع عمومی جامعه و کشور از جهت برخورداری از عدالت و دوری از تبعیض و ستم و اجحاف و تجاوز و این غصه های بزرگ بشری ، سالم است . یعنی اگر فرض کنیم که کسی از یک کشور هیچ خبر نداشته باشد، به دستگاه قضایی آن کشور برود و تفحصی بکند، ببیند که در آن جا قضاتی عادل و قاطع ، سیستم و سازمانی منسجم و کارآمد، قوانینی حساب شده و عادلانه وجود دارد، و مشاهده کند که آنها خوب کار می کنند، قاعدتا باید نتیجه بگیرد که وضع این کشور خوب است .) (۹)

وظایف قوه قضائیه (۱۰)

فصل یازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی طی اصول ۱۵۶ تا ۱۷۴ به قوه قضائیه پرداخته و در اصول نخست (۱۵۶) وظایف زیر مشخص نموده است :

اصل یکصد و پنجاه و شش

(قوه قضائیه قوه ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است ):

۱ - رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات ، تعدیات ، شکایات ، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبیه که قانون معین می کند.

۲ - احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادیهای مشروع .

۳ - نظارت بر حسن اجرای قوانین .

۴ - کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام .

۵ - اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین .

قوه قضائیه با یک نظر اساسی ترین قوای سه گانه است که در مدیریت هر حکومتی نقش دارد و در نظام اسلامی نیز به دلیل خصیصه ای خود خود نقش موثرتری دارد، چه با وجود حتی عالیترین قانون و مجریان شایسته در صورتی که نظارتی در که نباشد و با متخلف برخورد نشود نظام حکومتی موفق نخواهد بود. این وظیفه مهم نظارت و برخورد با متخلف از جمله وظایف قوه قضائیه است. اختلافات حقوق و مسائل مدنی و یا جرائمی که کم و بیش در هر جامعه ای وجود دارد و باید به آنها رسیدگی شده و حل و فصل شود و در یک کلام استقرار عدالت و گسترش آن باز به عهده همین قوه است. راز اصلی استقلال این قوه طبیعت نوع وظائفی است که به عهده دارد که اگر تحت تاثیر و نفوذ دیگر قوا بخصوص قوه مجریه و سازمانهای وابسته به آنها قرار گیرد هرگز نمی تواند حق و عدل را رعایت کرده و امنیت و آرامش را برای همه قشرها فراهم کند که در بحثهای مربوط به اصل پنجاه و هفتم توضیح داده شده است. (۱۱)

به همین دلیل یک فصل مستقل برای آن در قانون اساسی باز شده و عمده وظائف آن برای پشتیبانی حقوق فردی و اجتماعی و استقرار عدالت در شش بند مذکور آمده است که توضیح مختصری در هر یک داده می شود.

۱ - تظلمات: مربوط به مواردی است که اشخاص مراجعه و ادعا می کنند که فلانی به ما ظلم و ستم کرده، از ما رفع ظلم کنید. تعدیات، مواردی است که افرادی به حقوقشان تجاوز شده گرچه شکایت یا تظلمی در کار نباشد و یا تعدی کننده، هر شخصیت حقیقی یا حقوقی باشد.

شکایات، مواردی است که مراجعه می کنند و از کسی یا کسانی شکایت می کنند که حق یا مالی را از ما برده اند که گاهی ممکن است طرفین همین ادعا را داشته باشند.

دعاوی، مواردی است که ادعایی نسبت به امری توسط فرد یا افرادی مطرح می شود که مثلا این خانه یا اتومبیل از ماست که در بعضی موارد به تخاصم و دعوی طرفین منتهی می شود که اصطلاحا خصم یا تخاصم گفته می شود گرچه هیچ دشمنی در کار نباشد.

و امور حسبیه کارهایی است که در جامعه باید انجام گیرد و لازم نیست شخص معینی باشد مثل سرپرستی ایتام، حفظ اموال و حقوق غیب و قصر (۱۲) تا اوقاف و... که رسیدگی و صدور حکم در این امور پس از مشخص شدن، حق یکی از وظائف قوه قضائیه است.

۲ - زنده کردن حقوق عامه مردم، مثل برخورد با کسانی که نسبت به مدارس، مساجد، بیمارستانها، راه ها، پارکها، شهرها، روستاها و... تصرفات نامشروع و غیرقانونی داشته اند و اجازه دادن به کسانی که حق بهره برداری دارند، کسانی که مانع حق تشکیل جلسه و جامعه و انجمن و نشریه و کتاب و روزنامه و بحث و گفتگو و نوشتن و... شده اند و گسترش عدل و آزادیهای مشروع، که احیاء و مراقبت از آنها باز از وظائف قوه قضائیه است.

۳ - نظارت بر حسن اجرای قوانین ، از راههایی که بعدا در اصول مربوط به بازرسی کل دیوان عالی و دیوان عدالت خواهد آمد.

۴ - کشف جرم و تعقیب کردن مجرم تا دستگیری و در اختیار قرار گرفتن وی و مجازات او به تناسب جرم یا تعزیر، یا مجازاتهایی

که قاضی تصمیم می گیرد و اجرای حدود یعنی مجازاتهای تعیین شده الهی و مقررات که همه اینها باید توسط مجلس شورای اسلامی تنظیم و تصویب شده باشد تا هر کس طبق سلیقه شخصی مجرم را مجازات نکند. رویه واحدی که در اصل یکصد و شصت و یک به آن اشاره خواهد شد در موارد خود توضیح داده شده و به عهده قوه قضائیه گذارده شده است (۱۳).

۵ - اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین که با بررسی و دقت در حدود این اقدامات معلوم می شود که چه

مواردی مربوط به قوه قضائیه است و باید عمل شود، مثلا، مبارزه با فقر و جهل که قطعا از عوامل جرم زا هستند یا مبارزه با بیسوادی و فرهنگ مبتذل که عوامل جرم می باشند از وظائف قوه قضائیه نیست ، چنانچه پس از اطلاع از توطئه یا تشکیل مرکز فساد، پیشگیری با ورود به منزل یا محل و دستگیری افراد یا هر اقدام لازم دیگر که توطئه خنثی شده و مرکز فساد متلاشی شود قطعا از وظائف قوه قضائیه است . موارد مشکوک فراوانی وجود دارد که خوشبختانه پس از بحثهای مقدماتی واگذاری این کار به کمیسیونی مستقر در دادستانی کل و تشکیل جلسات مرتب و شرکت در مجامع بین المللی مربوط که انشاء الله مساله تا حدودی روشن تر خواهد شد.

اما اصلاح مجرمین که باز به عهده قوه قضائیه است توسط سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی که وابسته به قوه قضائیه است و رئیس آن طبق قانون توسط رئیس قوه قضائیه منصوب می شود انجام می گیرد.

اینها فشرده و خلاصه ای از وظائف قوه قضائیه است که با وظائف و مسئولیتهای رئیس قوه قضائیه که در اصل یکصد و پنجاه و هشتم (۱۴) مشخصا ذکر شده ، تفاوت دارد.

۲۶ ژوئن / ۵ تیر

روز جهانی مبارزه با مواد مخدر

این مواد مخدر مایه فساد است ، فساد را باید برداشت تا دیگران اصلاح شوند. هر عقلی و هر عاقلی این معنا را تصدیق دارد که با این طور فسادها که جوانهای ما را به نیستی تقریبا می کشاند باید مبارزه بشود.

امام خمینی (ره)

کنفرانس بین المللی مبارزه با اعتیاد و قاچاق مواد مخدر را از تاریخ ۱۷ تا ۲۶ ژوئن ۱۹۸۷ در شهر (وین) به منظور ابراز عزم سیاسی

ملتها در امر مبارزه با پدیده خانمسوز و شوم مواد مخدر تشکیل شد و در آن سندی با عنوان O.M.C

(۱۵) به تصویب کشورهای شرکت کننده رسید. این سند خطمشی همه جانبه اقدامات در امر کنترل مواد مخدر را از سوی کشورهای شرکت کننده مشخص و آنان را متعهد نموده است تا اقدامات بین المللی در خصوص مبارزه با قاچاق مواد مخدر را قاطعانه دنبال کنند.

در این کنفرانس سندی در چهار فصل تنظیم گردید که بیش از ۳۵ مورد اقدام عملی را همچون ارزیابی میزان مصرف، پیشگیری از طریق آموزش، نقش رسانه ها در بازگشت معتادین به دامن اجتماع و معالجه آنان، ریشه کنی مزارع غیر مجاز خشخاش، نابودی شبکه های عمده قاچاق مواد مخدر، همکاریهای حقوقی کشورها و... را در خود جای داده است. این سند در ۲۶ ژوئن مصادف با ۵ تیر ماه به اتفاق آراء مورد تایید و تصویب کشورهای شرکت کننده قرار گرفت و سالروز تصویب این سند به نام روز جهانی مبارزه با مواد مخدر اعلام گردید.

علی رغم امضای این سند توسط اکثریت کشورها، متأسفانه اقدامات عملی لازم در جهت مبارزه با مواد مخدر صورت نمی پذیرد. تنها کشور موفق که توانسته در این راه اقدامات جدی و موفقیت آمیزی را انجام دهد، جمهوری اسلامی ایران است که به عنوان یک الگوی موفق و سمبل مبارزه و ابداع کننده شیوه های موفق در جهان شناخته شده است. غرب و در راس آنها آمریکا، عمیقاً از گسترش تفاهمات منطقه ای و همکاریهای بین المللی با جمهوری اسلامی ایران در راستای مبارزه با مواد مخدر به هراس افتاده و همواره مخالفت خود را با مطرح شدن ایران اسلامی به عنوان الگو اعلام داشته است، و نه تنها هیچ گونه همکاری در جهت نابودی باندهای مافیایی مواد مخدر انجام نداده بلکه در مواقع لازم کارشکنی هایی نیز در جهت جلوگیری از فعالیتهای جمهوری اسلامی ایران به عمل آورده است.

سابقه مواد مخدر در جهان

اگر چه تاریخی دقیقی از کشت و مصرف مواد افیونی در دست نمی باشد، لیکن براساس برخی اسناد موجود، سابقه آشنایی بشر با مواد مخدر را حدود ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد برآورد می نمایند.

(پلین) دانشمند رومی قرن اول میلادی اولین کسی است که شیره غلیظ خشخاش را به نام اپیوم عرضه کرد. اپیوم از ریشه اپوس OPOS به معنی شیره که آن هم از کلمه اهی پی نا AHIPENA از زبان سانسکریت گرفته شده و بنا به تلفظهای دیگر افیون یا هیپون خوانده می شود.

به کار بردن کلمه تریاک Theriac بجای افیون یک غلط مصطلح و کاملاً مرسوم است، زیرا تریاک در زبان انگلیسی و تریاق در زبان فرانسوی نام یک پادزهر است که از حدود ۷۰ گیاه تهیه شده و گاهی پوست یک نوع مار به نام Tiriak را نیز به آن می افزودند.

کلمه خشخاش هم یک لغت عربی است و در فارسی این گیاه را کوکنار می نامند.

اگرچه پیشینه دقیقی از مصرف تریاک در ایران وجود ندارد و اقوال مختلفی در این خصوص مطرح می باشد، لیکن همگان اتفاق نظر دارند که دول استکباری و در راس آنها انگلیس، همزمان با ایجاد تفرقه و خصومت بین دولتهای ایران و عثمانی، بشدت مواد مخدر را رواج دادند که حتی برخی از شاهان صفوی نیز به آن روی آورده و معتاد شدند.

با شروع حکومت قاجار، بر مبنای سیاست انگلیس که خواهان تضعیف همسایگان هندوستان بود، تریاک کشی چنان در ایران رواج یافت که حتی تصویر ناصرالدین شاه را همانند نقش سکه بر حقه های و افور منقوش ساختند و بدینسان به آن رسمیت بخشیدند و در همین ایام نیز کشت خشخاش را ترویج کردند و برای اولین بار در ماهان کرمان مرغوب ترین نوع این محصول را کاشتند. در زمان حکومت سلسله پهلوی و در اوج حمایتهای غرب از آن رژیم و علی رغم قوانینی که تدوین و تصویب شد، سطح زیر کشت تا میزان ۳۳۰۰۰ هکتار افزایش یافت و علاوه بر تریاکهای سنتوری که اسباب تعیش طبقه اشراف و ثروتمندان، وکلا و نمایندگان مجلس، درباریان و خوانین بود، برای اولین بار مرزهای کشور به روی هروئین گشود شد و از حدود دهه چهارم شمسی جوانان این مرز و بوم در معرض یکی از مهمترین توطئه های استکبار جهانی (مواد مخدر) قرار گرفتند و ایران که در مسیر ترانزیت مواد مخدر آسیا به اروپا قرار دارد بزرگترین لطمات را متحمل شد. با پیروزی انقلاب اسلامی، توطئه های استکبار جهانی علیه نظام اسلامی و ملت ایران گسترش یافت. امام (ره) دستور مبارزه شدید با قاچاق مواد مخدر را صادر فرمودند و این کار را یک نقشه حساب شده و هدفدار بیان نمودند: (این مواد مخدر) یک نقشه است که برای سرتاسر کشور است ... برای فلج کردن جوانهای ماست).

ایشان عوامل توطئه را معرفی نموده و قدرتهای بزرگ را در این کار دخیل دانستند.

(این هم یک توطئه است که قدرتهای بزرگ به این وسیله به ما ضربه می زنند.)

امام (ره) ضمن خائن توصیف کردن قاچاقچیان، و نصیحت کردن به جوانان، مصرف هر گونه مواد مخدر را نیز حرام اعلام نمودند: (این قاچاقچی ها درجه اول خائنین هستند به این مملکت ... کسانی که معلوم شود شغل آنها جمع آوری مواد مخدر و پخش آن بین مردم است در حکم مفسد فی الارض است.)

(جوانهای ما باید برای خاطر اسلام و ملت و کشور و حیثیت و نوامیس خودشان دست از آن مراکز بکشند.)

(برای اشخاص که در این باب نیستند حرام است بروند و هروئینی گردند. چه هروئین چه تریاک و چه مشروبات.)

استکبار جهانی که شکست عظیمی را از انقلاب اسلامی متحمل شده بود جهت غوطه ور کردن جوانان کشور در دام اعتیاد، با توطئه های حساب شده توزیع مواد مخدر را در ایران افزایش داد. مبارزه با قاچاق مواد مخدر با رهنمودهای امام (ره) و با همت جوانان حزب اللهی در قالب کمیته های انقلاب اسلامی آغاز شد. این مبارزه، با تشکیل ستاد مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۶۷ و تصویب قانون جدید مبارزه با مواد مخدر، مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۶)، بتدریج شکل سیستماتیک به خود گرفت و با ادغام

نیروهای انتظامی موج فزاینده ای به خود گرفته است و ستاد مبارزه با مواد مخدر (۱۷) که ریاست آن را رئیس جمهور بر عهده دارد هماهنگی لازم را در زمینه ادامه این مبارزه انجام می دهد.

نقش دول استعماری در شیوع اعتیاد

پس از سازمان یافتن استعمار نو در کشورهای انگلیس ، فرانسه ، پرتغال ، اسپانیا و هلند از قرن شانزدهم ، این دولتها استفاده از مواد فیونی را به منظور ایجاد سلطه بر ملت‌های مظلوم جهان سوم آغاز کردند و در این راه از ابزارهای ضد فرهنگی (تحمیق و استعمار) ترفندهای دارویی و درمانی (منافع استعمال تریاک ) و حربه های اقتصادی و اجتماعی ، نهایت استفاده را به عمل آوردند و دامنه این تهاجم را به رویارویی نظامی نیز کشاندند که وقوع جنگ اول تریاک در ۱۸۳۹ میلادی و جنگ دوم تریاک در ۱۸۵۶ میلادی بین دولتین انگلیس و چین گواه غیر قابل انکاری در پرونده دولتهای استعمارگر غربی است .

نباید تصور کرد که جنگ مواد مخدر پایان یافته و دیگر تکرار نخواهد شد، بلکه این جنگی است که در دهه های اخیر به صورت پنهانی در جریان بوده و هر روز قربانیان جدیدی گرفته است . حمایت دولتهای استکباری غربی بویژه آمریکا از برخی دست نشاندگان خود که بزرگترین تولید کنندگان و یا صادر کنندگان مواد مخدر محسوب می شوند، نمونه آشکاری از جنگ پنهان و نامرئی است که در حال حاضر در جریان می باشد.

کنت دمارانش رئیس سابق سازمان جاسوسی فرانسه ، در کتاب خود به نام جنگ جهانی چهارم توضیح داده است که چگونه از مواد مخدر به طور پنهانی علیه نیروهای کشورهای دیگر استفاده می شود. وی در ملاقاتی که با رئیس جمهور وقت آمریکا رونالد ریگان در سال ۱۹۸۰ داشته ، طرحی (۱۸) را جهت رویارویی ایالات متحده با شوروی سابق در افغانستان مطرح می کند که در یکی از مراحل آن استفاده از مواد مخدر را علیه سربازان ارتش سرخ در افغانستان پیشنهاد می کند. او خطاب به رئیس جمهور می گوید: (آقای رئیس جمهور! عامل سوم شاید از همه دیوصفتانه تر باشد. راستی شما با این همه مواد مخدر که توسط آژانس اطلاعات دفاعی ، گارد ساحلی ، اف . بی . آی و پست خدمات گمرکی توقیف می شود، چه می کنید؟)

رئیس جمهور پاسخ داد: (خوب من نمی دانم ، فکر می کنم آنها را نابود می کنیم .)

من جواب دادم : (کار اشتباهی است . ما باید آنها را به طور مجانی پخش کنیم .)

ریگان از این پیشنهاد دمارانش تعجب می کند. او در ادامه می گوید:

این دقیقا همان کاری است که ساکنان ویتنام شمالی در ویتنام با سربازان داوطلب شما کردند. آنها این کار را طبق برنامه انجام داده بودند. اگر این اقدام صورت گیرد، شما دولت شوروی را از کار خواهید انداخت ... این طرحی زیرکانه است و چیزی است که برای انجام گرفتن طراحی است . مبارزه جنگی ، بدون آنکه که حتی یک گلوله از روی خشم شلیک شود.



جالب اینجاست که دمارانش هزینه این طرح را نیز خیلی کم پیش بینی می کند و برای کل عملیات فقط یک میلیون دلار بودجه در نظر می گیرد.

بعضی از ماموران سازمان جاسوسی سیا اظهار می دارند که این سازمان همیشه برای عملیات پنهانی خود در جهان نیاز به اسلحه و پول دارد و به همین دلیل مایل است با قاچاقچیان مواد مخدر که قادرند این نیازند را تامین کنند همکاری نماید. خلبانانی که به طور قرار دادی برای (سیا) کار کرده اند اظهار می دارند که آنها در پروازهای خود به آمریکای مرکزی سلاح و تجهیزات می بردند و در مراجعت به فلوریدا مواد مخدر می آوردند.

رامون میلیان یکی از مدیران پولی و مالی سران قاچاقچیان مواد مخدر در کلمبیا که در آمریکا زندانی است . راجع به بانکها و موسسات مالی آمریکا می گوید:

(آنها (آمریکاییها) مواد مخدر را یک جرم تلقی نمی کنند بلکه آن را نوعی ماجراجویی بازرگانی می دانند.)

یکی از سران قاچاقچیان در نامه ای در ژوئن ۱۹۸۷، به دادگستری آمریکا نوشته است :

(در فاصله سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۵ رئیس سیا در لائوس ، تئودور به شکلی در کار قاچاق دست داشت و ریچارد آریتاژ امور مالی را به عهده داشت که از طریق بانکهای استرالیا انجام می داد.)

وضعیت مصرف مجاز مواد مخدر در جهان

مصرف مواد افیونی مجاز افزایش چشمگیری داشته است . در حال حاضر مصرف سالیانه داروهای مخدر مورد نیاز پزشکی به طور

متوسط معادل ۲۳۵ تن مرفین (معادل ۲۳۵۰ تن تریاک ) می باشد که مرفین مورد نیاز آن از تریاک تولیدی کشورهای مجاز و یا

مستقیماً از گاه خشخاش استخراج می شود. کشورهای بلغارستان ، هند، یونان ، جمهوری اسلامی ایران ، ترکیه ، روسیه و

یوگسلاوی سابق از نظر سازمان ملل مجاز به تولید و صدور مرفین هستند که علی رغم محدودیتهای قانونی ، بخشی از مرفین به

دست آمده از کشت مجاز خشخاش وارد شبکه قاچاق می شود که ترکیه (۱۹) نمونه بارز این عملکرد منفی است و این کشور یکی از

مهمترین بازارهای فروش در آمریکا و اروپا محسوب می شود. به طور مثال وقتی بفرض یک کشاورز ترکیه ای در مقابل ده کیلو

تریاک هزار فرانک دریافت می کند حاصل این ده کیلو تریاک یک کیلو مرفین است که در پاریس بیش از سه هزار فرانک ارزش

دارد و بعد از آن که در آزمایشگاههای ساحل فرانسه به صورت هروئین در آمد به ارزش دوازده هزار فرانک می رسد. در ایالات

متحده به محض ورود تا حدود صد و بیست هزار فرانک معامله می شود. سپس با گلوکز و بیکربنات مخلوط می گردد و حدود نیم

میلیون فرانک بازدهی دارد، یعنی چند برابر بهای اصلی .

مهمترین مراکز تولید مواد مخدر قاچاق در جهان

کشت قاچاق مواد مخدر غیر مجاز به طور عمده در دو منطقه معروف به مثلث طلایی واقع در جنوب شرقی آسیا و هلال طلایی واقع در جنوب غربی آسیا صورت می گیرد.

این مواد به مقیاس کمتری در سه کشور آمریکای جنوبی : گواتمالا، کلمبیا، مکزیک و نیز پنج کشور آسیای میانه و همچنین در لبنان کشت می شود.

در مجموع در دو منطقه هلال طلایی و مثلث طلایی بیش از ۹۴ درصد کل مواد مخدر جهان تولید می شود.

#### ۱ - منطقه مثلث طلایی

منطقه مثلث طلایی شامل تایلند، شمال شرقی میانمار (برمه) و شمال غرب و غرب لائوس می باشد. بخش عمده ای از مواد مخدر تولید شده در این منطقه به هروئین تبدیل می شود و از طریق اقیانوس آرام، چین، تایوان و هنگ کنگ به آمریکا ترانزیت می گردد. همچنین مالزی، سنگاپور و استرالیا نیز مراکز مهم قاچاق و ترانزیت هروئین تولید شده در تایلند، برمه و لائوس می باشند. منطقه جنوبی تایلند از مهمترین مراکز تبدیل تریاک به هروئین می باشد. مثلث طلایی از نظر قاچاقچیان بین المللی لقب معادن زر به خود گرفته است.

#### ۲ - هلال طلایی

این منطقه به طور عموم شامل محدوده استان سرحد شمالی در اطراف پیشاور (پاکستان) و در استانهای میمند، قندهار و... جنوب افغانستان می باشد که در آنها کشت خشخاش صورت می گیرد و پس از استحصال تریاک و سایر مشتقات اولیه یا نیمه مصنوع (نظیر مرفین و هروئین) و تامین نیاز داخلی به سایر کشورها ترانزیت می شود. طبق ارزیابی سال ۱۹۹۴ سازمان ملل متحد، میزان تولید تریاک در افغانستان ۳۶۰۰ تن و پاکستان ۱۲۸ تن می باشد. که سالیانه نزدیک به ۱۵۰ تن از مواد پادتنی هروئین و مرفین به دست آمده و به غرب ترانزیت می شود.

سالیانه ۴۰۰ الی ۶۰۰ تن تریاک به صورت عمده وارد جمهوری اسلامی ایران می گردد. گستردگی مناطق زیر کشت در افغانستان جغرافیای طبیعی، شرایط سیاسی و جنگ داخلی در این کشور، امکان بر آورد دقیقی از میزان تولید واقعی تریاک را فراهم نمی سازد. مهمترین مسیرهای ترانزیت مودت مخدر از راه زمینی هلال طلایی (افغانستان) به جمهوری اسلامی ایران، و از ترکیه و آلمان و فرانسه می باشد.

از پاکستان مواد مخدر به هند، عمان، یمن، مصر و ایتالیا قاچاق می شود.

مهمترین معبر هلال طلایی به اروپا مسیر سنتی بالکان بوده که با توجه به فروپاشی بلوک شرق این مسیر مقداری تغییر یافته است.

برآورد ارزش افزوده مواد مخدر

ارزیابی به عمل آمده توسط سازمان ملل حاکی است که بیش از ۹۰ درصد از ارزش افزوده مواد مخدر، در مرحله توزیع می باشد. به عنوان نمونه در پاکستان توزیع کنندگان ۰/۹ قیمت خرده فروشی هروئین را به خود اختصاص داده اند.

بیشترین درصد سود حاصله از قاچاق نصیب قاچاقچیان ترک ، اروپایی و آمریکایی می شود. در این میان ترکیه به عنوان عمده قاچاق بین آسیا و اروپا بیشترین سود حاصله ناشی از قاچاق مواد مخدر را به دست می آورد.

بخش عمده ای از درآمد قاچاق به خارج انتقال یافته و یا صرف خرید لوازم لوکس قانونی و غیر قانونی می شود و بر اقتصاد کشورها تأثیر منفی و حالت تورم زایی دارد. اگر چه ممکن است کشورها در کوتاه مدت از منافع اقتصادی قاچاق مواد مخدر برخوردار شوند، لیکن در بلند مدت به دلیل این که سرمایه گذاری وجوه حاصله از قاچاق در بخشهای خاصی از اقتصاد کشورها صورت می گیرد و افزایش میزان نقدینگی را به دنبال دارد و سرمایه گذاری عادی را تحت الشعاع قرار می دهد موجب تورم ، بی اعتنایی دولتها، رقابت ، ناسالم اقتصادی و فساد اداری و اجتماعی می گردد.

یکی دیگر از ابعاد در آمدزایی مواد مخدر برای کشورهای توسعه یافته سیستم اطلاعاتی - انتظامی و قضائی آنها جهت شناسایی اموال و املاک قاچاقچیان و مصادره آنها می باشد.

### تحلیلی پیرامون وضعیت مواد مخدر در جهان و ایران

شواهد بسیاری وجود دارد که اکثریت قریب به اتفاق کشورهای دنیا از اشعار مبارزه با مواد مخدر بیشتر از عمل به آن منتفع می شوند. از میان ۵۱ کشور جهان که قانون آنها برای قاچاق مواد مخدر مجازات اعدام پیش بینی شده ، تنها ۴ کشور جمهوری اسلامی ایران ، عربستان ، چین و مالزی این قانون را اجرا می نمایند.

آمریکاییان اعلام کرده اند که سالیانه بیش از ۷۶ میلیارد دلار بابت هزینه های اعتیاد از دست می دهند و بیش از ۱۳ میلیارد دلار نیز توسط دولت فدرال هزینه می شود تا بتواند با مصرف مواد مخدر مقابله کند. حال این سوال پیش می آید، آمریکاییان که مدعی هستند سالیانه بیش از ۸۹ میلیارد دلار از مواد مخدر خسارت می بینند و جهت مقابله با آن هزینه صرف می نمایند، چرا حاضر نمی شوند ۱/۱۰ یا ۱/۲۰ یا حتی ۱/۵۰ آن را جهت تغییر کشت در هلال طلایی و سایر مراکز تولید، سرمایه گذاری کنند؟

چرا اهرم شورای امنیت سازمان ملل متحد برای مبارزه قاطع با مواد مخدر به کار گرفته نمی شود؟ یکی از بدترین مسائلی که در پاسخ به این ابهامات در ذهن متبادر می شود، این است که اردوگاه غرب و در راس آنها آمریکا از روند مواد مخدر و مبارزه با آن در کشورهای جهان سوم نه تنها ناراضی نیست ، بلکه مایل به استمرار این روند می باشد و به شیوه های مختلف به افزایش تولید و تقویت شبکه های ترانزیت و قاچاق مواد مخدر دامن می زند. استمرار برادرکشی و عدم ثبات در افغانستان از ایجاد یک حکومت اسلامی در کنار مرزهای جمهوری اسلامی ایران جلوگیری می کند و به نفع غرب و بخصوص آمریکا است .

افغانه ، خسته از طولانی شدن جنگ و درگیریها و در نهایت تنگدستی ، برای جبران خسارات وارده و تامین نیاز روز افزون جبهه های داخلی و تامین روزانه خود، بهترین شیوه را در افزایش تصاعدی سطح زیر کشت خشخاش و تولید تریاک ، هروئین و مرفین یافته اند و ناگهان میزان تولید تریاک از ۶۸۵ تن در سال ۱۹۹۳ به ۳۶۰۰ تن (حدود ۴/۵ برابر) در سال ۱۹۹۵ رسیده است . این مواد به طور طبیعی توسط سوداگران مرگ به سوی جمهوری اسلامی ایران و پاکستان سرازیر می شود.

به تحقیق از نظر استکبار غرب ، افزایش تعداد معتادان پاکستان که مردمش نزدیکترین دیدگاه ها را نسبت به انقلاب اسلامی دارند، خوشایند خواهد بود و لذا از افزایش معتادان این کشور (به میزان ۱۰۰۰ طی ۱۰ سال ، ۳۰۰۰۰۰ نفر در سال ۸۵ به ۳۰۰۰۰۰۰ نفر در سال ۹۵ افزایش یافته ) استقبال خواهند کرد.

از سوی دیگر افزایش تولید مواد مخدر مستقیماً به افزایش فعالیتهای شرارت آمیز، وقوع درگیریها مسلحانه ، تلفات انسانی طرفین و افزایش خسارات مادی در مواجهه بین نیروهای دولتی ۳ کشور با اشرار و قاچاقچیان مسلح منجر می شود و یا مواد مخدر به داخل ایران منتقل شده و در صورت کشف و دستگیری متهمین به انباشته شدن زندانها، افزایش سطح اعدامها و سایر تبعات آن منتهی می گردد و یا به مصرف معتادین می رسد و... طبعاً هیچ یک از اینها باعث نگرانی غرب و در راس آنها آمریکا نخواهد بود.

۶ تیر ۱۳۶۰

سوء قصد به جان حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی )

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی رضوان الله تعالی علیه و تشکیل حکومت اسلامی در ایران که با رای قاطع مردم غیور همراه بود، توطئه های استکبار جهانی علیه نظام نوپای اسلامی فزونی گرفت . سردمداران استکبار که منافع خویش را از دست رفته می دیدند با تجهیز و تقویت گروهکها و جریانات ضد انقلاب در صدد نابودی نظام مقدس جمهوری اسلامی برآمدند. در همین راستا جریانات ضد انقلابی که تا چندی قبل با حيله و تزویر و ادعاهای خلقی بودن و حمایتهای کاذب سعی داشتند خود را انقلابی معرفی کنند، نقاب از چهره خویش برداشتند و هر کدام به شکلی در صدد براندازی حکومت اسلامی برآمدند. اما قاطعیت رهبری امام (ره) و وحدت و یکدلی مردم ، توطئه ها را نقش بر آب کرد. گروهکها و ضد انقلاب که آرزوهای خود را به در دست گرفتن قدرت بر باد رفته و خود را در آستانه نابودی می دیدند به عناوین مختلف شروع به ضدیت با نظام اسلامی کردند و با برپایی میتینگها و ایجاد آشوب در گوشه و کنار کشور و اخلال در نظم و امنیت شهرها مبارزه علنی علیه انقلاب اسلامی را آغاز کردند. این گروهکهای منحرف که در جریان پیروزی انقلاب از موقعیت سوء استفاده کرده و به جمع آوری و دزدی و غارت سلاح و مهمات پرداخته بودند، با سلب آسایش و امنیت از مردم انقلابی و ایجاد رعب و وحشت شروع به بمب گذاری در گوشه و کنار کشور و کشتن مردم عادی و ترور روحانیون مبارز و انقلابی که رهبری انقلاب را بر عهده داشتند نمودند، و با به شهادت رسانیدن شخصیتهای

برجسته ای چون استاد مطهری ، دکتر بهشتی ، دکتر مفتاح ، آیت الله قاضی طباطبایی ، آیت الله مدنی و آیت الله دستغیب و... درصدد برآمدند که انقلاب اسلامی را به شکست بکشانند.

یکی از این گروه‌ها که در ترور شخصیت‌های نظام قدم پیش گذارد، گروهک ضاله فرقان (۲۰) بود که با ترورهای کورکورانه سعی داشت به اهداف پلید و شوم خود دست یابد.

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) که در آن وقت نماینده امام (ره) در شورای عالی و دفاع و امام جمعه تهران بودند، با روشنگری‌های متفکرانه و هوشمندانه خویش مردم را نسبت به ماهیت پلید این گروهک‌ها آشنا و نظرات آنها را در سخنرانی‌های خود مطرح می ساختند. همین امر موجب گردید که گروهک فرقان از میان بردن معظم له را هدف خود قرار داد. اما از آنجا که لطف و عنایت خداوند متعال و اراده حق تعالی بر این بود که ایشان برای آینده نظام اسلامی حفظ گردند، از این توطئه جان سالم به در بردند و به مقام جانبازی نایل شدند.

روز ششم تیرماه ۱۳۶۰ حضرت آیت الله خامنه ای که پست خطیر امام جمعه تهران و نمایندگی امام خمینی (ره) را در شورای عالی دفاع به عهده داشتند همانند هفته های گذشته در مسجد ابوذر تهران واقع در خیابان قزوین در جمع خیل مشتاقان حضور یافته تا به شبها و پرسشهای مختلف مردم صمیمی و بیدار دل جنوب تهران پاسخ دهند.

پس از نماز ظهر که به امامت ایشان و با شرکت صفوف به هم فشرده مردم برگزار شد، آیت الله العظمی خامنه ای مجدداً برای پاسخ به پرسشهای مردم پشت تریبون قرار گرفتند.

طبق معمول دو ضبط گفت و شنودها، روی تریبون گذاشته می شد. دقایقی بعد از پرسش و پاسخ ، جوانی حدوداً ۲۵ ساله ، قد بلند باکت خاکستری رنگ از میان جمعیتی که دور معظم له حلقه زده بودند، گذشت و خود را به تریبون رساند و ضبط صوتی رال که در دست داشت روی آن قرار داد و رفت . دقایقی از رفتن وی نگذشته بود که صدای مهیبی مسجد را لرزاند و آیت الله خامنه ای از سمت راست بدن مورد اصابت ترکشها قرار گرفت و با از دست دادن تعادل خود به روی زمین افتاد.

ضبط صوت فلزی به شکل مستطیل ، و وسط آن مواد منفجره تعبیه شده بود و روی قسمتی از آن که در محل انفجار افتاده بود و عبارت (هدیه گروه فرقان ) که با مائیک نوشته شده بود به چشم می خورد.

پس از انفجار، مردم و محافظان حضرت آیت الله خامنه ای ایشان را به بیمارستان بهارلو منتقل و پس از پانسمانهای اولیه با هلی کوپتر به بیمارستان قلب منتقل نمودند. یک تیم پزشکی مجرب به سرپرستی دکتر منافی وزیر بهداری وقت تشکیل شد و بلافاصله ایشان مورد عمل جراحی قرار گرفتند. ترکشها از ناحیه بالای کتف راست ، زیر بغل و بالای ران راست و چپ اصابت و استخوان ترقوه را نیز شکسته بود. پس از انجام عمل دکتر منافی خاطر نشان کرد که حال مصدوم لحظه به لحظه رو به بهبودی است و خطر رفع شده و از مردم خواستند به علت ممنوع الملاقات بودن ایشان از تجمع مقابل درب بیمارستان بپرهیزند.

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای در ساعت ۶/۴۰ صبح روز بعد به هوش آمده و صبحانه خوردند. بدین ترتیب اعلام شد که حال ایشان رضایت بخش است و جای نگرانی وجود ندارد.

در اولین دقایق پس از به هوش آمدن حضرت آیت الله خامنه ای ، سیمای ملکوتی ، ایشان بر تلویزیون نقش بست . در بستر نقاهت خبرنگار از ایشان پرسید که احساس جنابعالی نسبت به این سوء قصد و خطری که جان شما را تهدید کرد چیست ؟ آیت الله خامنه ای در پاسخ ، این نجوای عاشقانه را با روحی فارغ از جهان مادی که ترجمان احساسات پاک یک فرزند به پدر، و شاگرد به استاد و مرید خالص به مرادش بود، فرمود:

سر خم می سلامت ، شکند اگر سبویی (۲۱)

پاسخی که در نهایت سادگی در برگیرنده یک مشرب زلال عرفانی بود، پاسخی آکنده از ایثار توأم با معرفت ، پاسخی که روح شهادت طلبی را در کالبد این انقلاب دمید و خوف را از موج خیز عشق راند. عشاق حیرت زده به این روح بلند اقتدا کردند، هم آوا با این نغمه ملکوتی نماز عشق خواندند و حماسه ها آفریدند و دنیا را به تعجب واداشتند.

نکته جالب توجه این است که در انفجار فقط چاشنی بمبی که در داخل ضبط صوت کار گذاشته بود عمل کرده و خود بمب به طرز معجزه آسایی منفجر نشده بود و این از الطاف و تفضلات الهی بود که این گنجینه گرانمایه و عزیز برای رهبری امت اسلام بعد از امام خمینی (ره) حفظ شود تا سکاندار شایسته و لایقی جهت هدایت کشتی انقلاب اسلامی در اقیانوس متلاطم استکبار جهانی باشد.

پیام امام خمینی (ره) به مناسبت سوء قصد نافرجام به جان آیت الله خامنه ای(۲۲)

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج سید علی خامنه ای دامت افاضاته ،

خداوند متعال را شکر که دشمنان اسلام را از گروهها و اشخاص احمق قرار داده است و خداوند را شکر که از ابتدای انقلاب شکوهمند اسلامی هر نقشه که کشیدند و هر توطئه که چیدند و هر سخنرانی که کردند ملت فداکار را منسجم تر و پیوندها را مستحکم تر نمود و مصداق (لا زال یوید هذا الدین بالرجل الفاجر) تحقق پیدا کرد. اینان هر جا سخن گفتند خود را رسواتر کردند و هر چه مقاله نوشتند ملت را بیدارتر نمودند و هر چه شخصیتها را ترور نمودند قدرت مقاومت را در صفوف فشرده ملت بالاتر بردند. اکنون دشمنان انقلاب با سوء قصد به شما که از سلاله رسول اکرم و خاندان حسین بن علی هستید و جرمی جز خدمت به اسلام و کشور اسلامی ندارید و سربازی فداکار در جبهه جنگ و معلمی آموزنده در محراب و خطیبی توانا در جمعه و جماعات و راهنمایی دلسوز در صحنه انقلاب می باشید، میزان تفکر سیاسی خود را طرفداری از خلق و مخالفت با ستمگران را به ثبت رساندند. اینان با سوء قصد به شما عواطف میلیونها انسان متعهد را در سراسر کشور بلکه جهان جریحه دار نمودند. اینان آن قدر از بینش سیاسی بی

نصیبند که بیدرنگ پس از سخنان شما در مجلس و جمعه و پیشگاه ملت به این جنایت دست زدند و به کسی سوء قصد کردند که آوای دعوت او به صلاح و سداد در گوش مسلمین جهان طنین انداز است. اینان در این عمل غیر انسانی به جای برانگیختن و رعب، عزم میلیونها مسلمان را مصمم تر و صفوف آنان را فشرده تر نمودند. آیا با این اعمال وحشیانه و جرایم ناشیانه وقت آن نرسیده است که جوانان عزیز فریب خورده از دام خیانت آنان رها شوند و پدران و مادران، جوانان عزیز خود را فدای امیال جنایتکاران نکنند و آنان را از شرکت در جنایات آنان بر حذر دارند؟ آیا نمی دانند که دست زدن به این جنایات جوانان آنان را به تباهی کشیده و جان آنان به دنبال خود خواهی مثنی تبهکار از دست می رود؟ ما در پیشگاه خداوند متعال و ولی بر حق او حضرت بقیه الله - ارواحنا فداه - افتخار می کنیم به سربازانی که در جبهه و پشت جبهه که شبها را در محراب عبادت و روزها را در مجاهدت در راه حق تعالی به سر می برند. من به شما خامنه ای عزیز تبریک می گویم که در جبهه های نبرد با لباس سربازی و در پشت جبهه با لباس روحانی به این ملت مظلوم خدمت نموده و از خداوند تعالی سلامت شما را برای ادامه خدمت به اسلام و مسلمین خواستارم.

والسلام علیکم و رحمه الله

روح الله الموسوی الخمینی ۶۰ / ۴ / ۷

پیام حضرت آبت الله بهشتی

بسمه تعالی

جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای سید علی خامنه ای دامت افاضاته، سوء قصد نافرجام دشمنان اسلام و انقلاب و میهن اسلامی به آن برادر، بار دیگر نشان داد که این دشمنان قسم خورده اسلام و ملت در راه مقاصد شوم خود از هیچ جنایتی خودداری نمی کنند. این تلاشهای ددمنشانه خشم ملت را نسبت به این خودفروختگان روزبه روز بر افروخته تر و آنها را در جامعه منزوی تر خواهد داشت.

از خداوند متعال خواستارم که نعمت سلامت را هر چه زودتر به آن برادر عزیز و مجاهد بازگرداند و به جهاد در سنگر اسلام همچنان ادامه دهند.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

سید محمد حسینی بهشتی

پیام نخست وزیر

بسم الله الرحمن الرحيم

برادر مجاهد حجت الاسلام و المسلمین آقای سید علی خامنه ای،

به قطع و یقین می دانم که روح بزرگ و ایثارگر آن برادر مجاهد شهادت در راه اسلام و انقلاب اسلامی را فیضی عظیم و الهی می داند و در راه بندگی خدا و خدمت به اسلام و امام و امت شهید پرور از بذل جان خویش دریغ نداشته و ندارد. در عین حال خدای بزرگ را سپاس می گویم که نقشه شوم و پلید جنایتکاران را در سوء قصد به جان شما نقش بر آب ساخت و آن یار فداکار امام و امت را از خطر قطعی و حتمی نجات داد.

سلامت عاجل و توفیق آن برادر مجاهد را در راه خدمت به اسلام و مسلمین از درگاه احدیت مسئلت می نمایم .

برادر شما محمد علی رجایی

۷ تیر ۱۳۶۰<sup>^</sup>

فاجعه انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایران ، شهادت آیت الله شهید دکتر بهشتی و ۷۲ تن از یاران انقلاب

ساعت ۲۰ و ۳۰ دقیقه روز یکشنبه ۷ تیر ماه ۱۳۶۰ تعدادی از شخصیت‌های مختلف کشور (نمایندگان مجلس - هیات دولت و...) بتدریج به سالن اجتماعات دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایران واقع در سرچشمه تهران وارد شدند. نوای ملکوتی قرآن کریم در فضای سالن طنین انداخته و صالحان را بشارت تحقق وعده الهی می داد. در همان وقت تعدادی دیگر از اعضای حزب از جمله شهید بزرگوار آیت الله دکتر بهشتی وارد جلسه شدند. پس از پایان قرائت قرآن کریم و اعلام برنامه ، آیت الله بهشتی آغاز سخن نمود. بحث روز درباره تورم بود، اما عده ای از اعضای خواسته بودند که راجع به انتخابات ریاست جمهوری نیز صحبت شود. شهید دکتر بهشتی سخنانش را با این جملات آغاز کرد: ما بار دیگر نباید اجازه دهیم استعمارگران برای ما مهره سازی کنند و سرنوشت مردم ما را به بازی بگیرند. تلاش کنیم کسانی را که متعهد به مکتب هستند و سرنوشت مردم را به بازی نمی گیرند انتخاب شوند. این آخرین کلمات آن بزرگوار بود که از لبان حقگوی ایشان بیرون تراوید. ناگهان برقی جهید و نوری خیره کننده و صدایی مهیب برخاست . زمین تکان سختی خورد و دیوارها بشدت لرزید. گویی زلزله به پا شده است . در کمتر از ثانیه ای از سالن اجتماعات حزب جمهوری اسلامی جز تلی از خاک چیزی نماند. در چند ثانیه بیش از هفتاد تن از بهترین عزیزان انقلاب زیر خروارها خاک مدفون شدند و روح فرزندان رشید اسلام و معلمان بزرگ شهادت و ایثار در ملکوت اعلی به طیران درآمد. همگان ذکر خدا بر لب به سوی وعده گاه الهی رهسپار شدند و بدین ترتیب جنایتی که تاریخ بشری هرگز شبیه بدان را در صفحات خود ثبت نکرده و به یاد نداشت به وقوع پیوست و توحش غربی و نفاق داخلی همگام با هم به جشن شهادت فرزندان امام خمینی (ره) پایکوبی کردند.

عامل بمب گذاری در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی منافق نفوذی به نام محمد رضا کلاهی بود که خود جزء نیروهای خدماتی حزب به حساب می آمد و پس از انفجار موفق به فرار شد.

چگونگی تشکیل حزب جمهوری اسلامی



در دنیای سیاه و ظلمانی پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، چند اصل مهم و پر نقش در فرهنگ جامعه های انسانی بخصوص جامعه های عقب نگهداشته شده یا مستضعف جای خود را باز کرده بودند که در واقع ستونهای امپراتوری بزرگ جهانخوارگی و استکبار در سراسر جهان به حساب می آمدند.

یکی از این اصول این بود که به مردم تلقین کرده بودند که هیچ ملتی نمی تواند بدون تکیه بر یکی از قدرتهای شرق یا غرب روی پای خود بایستد. هر وقت هر جا انقلابی می شد می گفتند حتما دست یکی از این دو، پشت پرده کار می کند. این که در بسیاری از این انقلابها گرایشهای شرقی و غربی وجود داشته جای انکار نیست، اما آنچه مهم است این است که از همین نکته یک اصل ساخته بودن و به مغز ملتها فرو کرده بودند (که هرگز امکان ندارد انقلابی بشود و متکی به این دو قدرت نباشد). نتیجه چنین طرز تفکری خطرناک بود و انقلابها را دچار تردید می نمود که آیا بدون تکیه به غرب یا شرق می توانند انقلاب را به جایی برسانند یا نه ؟

انقلاب اسلامی بدون ذره ای تکیه بر شرق یا غرب پیروز شد و راه خود را تاکنون به لطف خداوند بزرگ با پیاده کردن عملی شعار (نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی) ادامه داده است، در عمل پوچی این اصل خطرناک را که یکی از ستونهای امپراتوری جهانخواران بود به اثبات رساند و به ملتها فهماند که با تکیه بر خدا و نیروی انسانی ایمان و اراده می توان بر قدرتهای مادی شرق و غرب پیروز شد و بدون تردید این یکی از خدمات مهم انقلاب اسلامی به ملتهای تحت استضعاف به شمار می آید.

اصل دیگری که از سیطره فرهنگ استعماری به اذهان ملتهای عقب نگهداشته شده را پیدا کرده است، این بود که هر تشکلی باید در پی تامین خواسته های شخصی اعضاء همان تشکل باشد و یا اصولا هیچ تشکلی نمی تواند جز تامین اهداف گروهی خود، کار دیگری صورت دهد. تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، بسیار نادر بودند تشکل هایی که توانسته باشند فراتر از خواسته های گروهی خود اندیشیده و عمل کرده باشند. به همین دلیل اصل بدینی نسبت به هر تشکل سیاسی توانسته بود جای خود را در ذهن های ملتها باز کند. این اصل انحرافی و خطرناک توانست در طول سالیان دراز به مسلمانان خیانت و به جهانخواران خدمت کند. تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، جمعی از یاران صادق و لایق و وفادار امام (ره) که چهره های شناخته شده دوران طولانی مبارزه علیه طاغوت بودند و همواره با جمع همفکران درد آشنای خود تلاش سازنده ای برای ایجاد یک تشکل صد در صد اسلامی داشتند، در ۳۰ بهمن ۱۳۵۷ موجودین حزب جمهوری اسلامی را اعلام نمودند.

عملکرد صحیح و دقیق حزب جمهوری اسلامی توانسته بود پوچی این اصل انحرافی را که هیچ تشکلی نمی تواند جز تامین اهداف گروهی خود، کاری صورت دهد عملا به اثبات برساند و افق جدیدی را در برابر چشمان ملتهای مسلمان کشور باز کند و به آنها بفهماند که می توانند با حفظ معیارهای اسلامی از تشکل و انسجامی برخوردار باشند که همچون سنگری خواهد بود برای دفاع از

یکپارچگی امت اسلامی . خون پاک شهدای عزیزی که در سنگر این حزب و برای پاسداری از اسلام عزیز جان دادند گواه صادقی است بر این مدعا.(۲۳)

زندگی نامه آیت الله شهید دکتر بهشتی

آیت الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی در دوم آبانسال ۱۳۰۷ در محله لومبان اصفهان به دنیا آمد. شهید بهشتی تحصیلات خود را تا پایانسال دوم دبیرستان در آن شهر گذارند. به خاطر علاقه شدیدی که به علوم اسلامی داشت به حوزه علمیه اصفهان وارد شد. دروس علمی را تا اواخر سطوح عالیه در همانحوزه خواند و در سال ۱۳۲۵ راهی حوزه علمیه قم گردید. ایشان پس از طی یک سلسلهآموزش ها و استفاده از محضر اساتید و مراجع ، بخصوص حضرت آیت الله خمینی با عدهای از فضلالی حوزه ، درس اصول و فقه آیت الله داماد را که مورد علاقه طلاب جوان بودبنیانگذاری کرد. همچنین به همراه دوستان دیگر چون آیت الله شهید مطهری و فقهای دیگر در درس خارج امام خمینی (ره) حاضر شدند.

شهید بهشتی پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۳۰ دوره لیسانس دانشکده الهیات و معارف اسلامی و همچنین در سال ۱۳۳۸ دوره دکترای این دانشکده را به پایان رسانید. وی از سال ۱۳۳۰ تدریس در دبیرستانها قم را آغاز کرد، و در سال ۱۳۳۳ دبیرستان دین و دانش قم را تاسیس نمود . از جمله خدمات فرهنگی ارزنده شهید بهشتی ، می توان از ایجاد آموزش زبان و علوم روز را برای فضلالی حوزه علمیه قم نام برد. در همین رابطه کانون اسلامی دانش آموزان و فرهنگیان قم را پایه گذاری کرد. شهید بهشتی کرد. شهید بهشتی در سال ۱۳۴۲ مدرسه علمیه حقانی را تاسیس کرد و به کمک جمعی از فضلالی حوزه علمیه اقدام به تشکیل گروه تحقیقانی پیرامون حکومت در اسلام نمود. در همان اوقات توسط سازمان امنیت (ساواک) از قم به تهران انتقال یافت و در سال ۱۳۴۳ در تهیه برنامه جدید تعلیمات دینی مدارس شرکت کرد و یک سال بعد یعنی در سال ۱۳۴۴ به آلمان عزیمت کرد. در آنجا علاوه بر یک سلسله آموزشها و حرکتها به طور طبیعی ناشی از اصالت فکری و عمق مغز ایدئولوژیک وی به بنیانگذاری گروه فارسی زبان در انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا اقدام کرد. کنفرانسهای آموزشی و آگاهی دهنده ای را که از سال ۴۴ تا ۴۹ در مجامع دانشگاهی و کلیسایی آلمان برگزار می کرد، از جمله اصیل ترین فعالیتهای اسلامی وی به حساب می آید.

شهید بهشتی در سال ۱۳۴۹ به تهران بازگشت و جلسات تفسیر قرآن ایجاد کرد. در همین رابطه با همکاری شهید دکتر باهنر و دیگران در آموزش و پرورش مشغول تهیه کتاب تعلیمات دینی مدارس شدند. در آذرماه ۱۳۵۷ ضمن تلاش گسترده ای جهت ایجاد روحانیت مبارز تهران به اتفاق شهید آیت الله استاد مطهری و شهید آیت الله دکتر محمد مفتاح و آیات عظام مهدوی کنی و امامی کاشانی کوشید و جمعی دیگر از علمای مبارز در سراسر ایران به عنوان یک هسته اساسی از آن حمایت کردند. و حضرات آیات عظام سید علی خامنه ای (مقام معظم رهبری) ، مشکینی ، ربانی املشی ، طبسی و شهید هاشمی نژاد نیز به آن پیوستند. قابل ذکر است که هسته مبارزانی روحانیت متعهد پس از انقلاب در شکل (حزب جمهوری اسلامی) تبلور یافت .

شهید آیت الله بهشتی علاوه بر تسلط به زبانهای آلمانی و انگلیسی بر ادبیات فارسی، عربی، منطق، فلسفه و تفسیر با بهره گیری از درس خارج فقه و اصول مرحوم آیت الله العظمی بروجردی و امام خمینی (ره) و مرحوم و آیت الله داماد در این دو رشته صاحب نظر شد و اهل نظر، او یکی از والاترین اسلام شناسان معاصر می دانند.

زندگی دکتر بهشتی سرشار از مبارز علیه دشمنان اسلام بود. به طور مثال هنگامی که حزب توده با تشکیلات قوی در صحنه سیاست کشور حضور داشت، شهید بهشتی علاوه بر فعالیتهای ایدئولوژیک، در بالا بردن سطح روحیه جوانان سخنرانهای بسیار کرد و در برابر ایادی حزب توده قد علم کرد و با افکار انحرافی آنها به مبارز پرداخت.

طی سالهای ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ در دفاع از حکومت ملی دکتر محمد مصدق به همراه روحانیت مبارزه از چهره های فعال و کارسازی بود که در به راه انداختن تظاهرات ضد رژیم در اصفهان نقش مهمی داشت. مبارزات آیت الله دکتر بهشتی به دور از هر گونه جنجال و تبلیغات انجام می گرفت.

بهشتی تنها مرد علم و بیان و قلم نبود بلکه در میدان مبارزه نیز مردانه جنگید.

بویژه از آغاز قیام امام خمینی (ره) در سال ۱۳۴۱ به همکاری با جمعیتهای مؤتلفه اسلامی برخاست و به عضویت شورای روحانیت آن انتخاب گردید.

جمعیتهای مؤتلفه اسلامی سازمانی بود که از درون مبارزات انجمنهای ایالتی و ولایتی برخاست و مدیریت مبارزه را تا سال ۱۳۵۰ به عهده داشت. او در برگزاری راه پیمانی های عظیم چهارم شوال و تاسوعا و عاشورا و ۲۸ صفر نقشی موثر داشت. سخنرانیهای پرشور آیت الله بهشتی مخصوصا در روز ۱۶ شهریور در مسجد صاحب الزمان (عج) تحریک فراوانی به مردم داد. هنگامی که امام در پاریس بودند برای تبادل نظر با امام (ره) به آنجا رفت و سپس به فرمان امام (ره) به عضویت شورای انقلاب اسلامی ایران برگزیده شد. نقش موثر و رهبری کننده ایشان در آن زمان کاملا محسوس بود.

شهید آیت الله بهشتی هنگام شهادت علاوه بر رهبری حزب جمهوری اسلامی و عضویت شورای انقلاب، رئیس دیوان عالی کشور نیز بود.

آثار و تالیفات شهید مظلوم دکتر بهشتی

۱ - خدا از دیدگاه قرآن

۲ - نماز چیست ؟

۳ - بانکداری و قوانین مالی اسلام

۴ - یک قشر جدید در جامعه

۵ - روحانیت در اسلام و در میان مسلمین

۶ - مبارزه پیروز

۷ - شناخت دین

۸ - نقش ایمان در زندگی انسان

۹ - کدام مسلک

۱۰ - شناخت

۱۱ - مالکیت

شخصیت و ابعاد سیاسی - اجتماعی شهید آیت الله دکتر بهشتی

شخصیت بارز و ابعاد مبارزاتی شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی را نمی توان در یک یا چند مقاله و کتاب بیان کرد. لیکن می توان گفت : دکتر بهشتی از چهره های درخشان فکری و سیاسی بود که انقلاب اسلامی به تاریخ اسلام هدیه کرده است . عظمت وی در این است که از یکسو همواره بر لزوم تشکیلات تاکید ورزیده و در جهت تحقق آن کوشیده است ، چرا که از قرنهای پیش نیروهای اسلامی فاقد تشکیلات منسجم بودند و از همین ناحیه ضربه های خوفناک و مهلکی را متحمل شدند، و از سوی دیگر انقلاب را از انحراف و توقف مصون نگهداشت .

بیئتش سیاسی نیرومند او موانع را تشخیص می داد و برای رفع آن اقدامات لازم را به عمل می آورد. آگاهی سیاسی او عظیم و گسترده بود. او انگیزه های محوری و اصلی آن سوی موضعگیری های نفاق آمیز گروهکها را به سرعت تشخیص می داد و برای خنثی ساختن آنها مبادرت می ورزید. در یک کلام می توان گفت : دکتر بهشتی مرد عمل بود و نه فقط مرد گفتار، سخنران بود اما به مرز سخن بسنده نمی کرد. منطق او استوار بود و به کنه مسائل آگاه بود و مسائل را تحلیل می کرد و به طور مستدل راه های حل را به یاران پیشنهاد می کرد. تدبیر و تدبیر یکی از ویژگیهای دیگر او بود، می دانست که در کدام موقع کدام سخن یا اقدام مناسب است و سخن را چگونه باید گفت و کار را تحت چه عنوانی باید به انجام رساند که هم وصول به هدف سهل باشد و هم بهانه ای به دست مخالفان داده نشود.

شهید بهشتی در به راه انداختن جریانهای اصیل اسلامی پیشتاز بود. تا پیروزی انقلاب او در تحقق خواسته های امام و خنثی ساختن مانورهای سازشگرانه لیبرالها نقش اصلی را ایفا می کرد. وی خطاب به روشنفکران وابسته و لیبرالها نهیب می زد که : (انقلاب اسلامی ما متولیانی این چنین نیاز ندارد)

شهید مظلوم نقش مهمی در تاسیس مجلس خبرگان و حفظ اصالت آن داشت .

او شدیداً اصرار می ورزید که باید ملت به کسانی رای دهند که سوابق آنها نشان داده باشد که معتقد به اسلام انقلابی اند. در تحقق این هدف او سهم بسزایی در ایجاد ائتلاف سازمانهای اصیل اسلامی در جهت معرفی نمایندگان مجلس خبرگان و تدوین قانون

اساسی اسلامی بویژه اصول مربوط به ولایت فقیه داشت . و سرانجام بهشتی بود که خطر ناکترین آفت انقلاب یعنی خط لیبرالیسم و نفاق را رسوا کرد و پرچمداران آن را مفتضح ساخت .

اندیشه سیاسی و اجتماعی شهید مظلوم بهشتی ناشی از ایدئولوژی اسلامی و نحوه برداشت او از تعالیم اسلام بود، او را باید یک عالم اسلام شناس و یک مصلح روحانی دانست که به شیوه صد درصد اسلامی بدون دنباله روی از غرب یا التقاط میان اسلام و شیوه های غربی ، طالب اصلاح جامعه بود. او می اندیشید که اسلام هم دین است و هم دولت ، هم ایدئولوژی است و هم نظام حکومتی . بنابراین او عالمی بود ربانی از تبار ابوذر و عمار که آرزو داشت اسلام در همه ابعادش از جمله بعد سیاسی اش ، مجددا در جامعه اسلامی و در جهان پیاده شود و خود واحدی مستقل از گرایشهای شرقی و غربی و نیرویی منفرد در قبال دو ابر قدرت و اقمارشان در عرصه جهانی حضور داشته باشد.

پس از قیام شکوهمند روحانیت به رهبری امام خمینی (ره) مبارزات عقیدتی و سیاسی شهید بهشتی به طور رسمی و به صورت سازمان یافته با تکیه بر رهبری امام که بهشتی تربیت یافته مکتب او بود در ابعاد گوناگون آغاز شد. مبارزات عقیدتی وی بر این اساس بود که در مجامع روشنفکران راجع به مسائل اسلامی ، آرا و نظرات نوینی اظهار می کرد که با طرز تفکر قشریون سنتی وفق نمی داد و لهدا برخی از آنان با وی به نزاع می پرداختند و بیش از همه یاران امام و انقلاب او را هدف تیرهای تهمت و افترا قرار می دادند، و از سوی دیگر آماج تیرهای سهمگین وابستگان به شرق و التقاطیون ماتریالیست و منافقان چندین چهره قرار گرفت که سرانجام در ۷ تیر به صورت انفجار عقده ها و احقاد جاهلی درآمد.

شهید بهشتی بسیار خونسرد و بردبار بود، از تهمتها باکی نداشت و همواره در قبال این بی حرمتیها مردانه می ایستاد و خم به ابرو نمی آورد. او گاهی چنان از طرف مخالفان با اتهامات ساختگی در فشار قرار می گرفت که حوزه واکنش در برابر آنها برایش تنگنا می آفرید.

بهشتی یک مصلح واقعی بود که با اخلاق خویش و سکوت علی وارش درس وارستگی و تهذیب را القاء می کرد. او در تاسیس و سازمان دادن و هماهنگ کردن و تاکید بر لزوم تشکیلات مجامع اسلامی مهارت شگرفی داشت ، اما نقش عمده وی جهت دادن و توجیه این مجامع به اسلام راستین انقلابی و هدایت آنها در کانال واقعی و صراط مستقیم و جلوگیری از انحرافات و برداشتهای غلط، و غربگرایی و شرق زدگی قشر روشنفکر بود.

رابطه و سابقه او با امام خمینی (ره) و اعتماد کامل امام (ره) به وی ، شهید بهشتی را در سالهای مبارزه به صورت یکی از صاحبان سر امام و راز دار انقلاب در آورده بود و نقش خود را در این رهگذر به خوبی ایفا می کرد.

دکتر بهشتی مردی بسیار تیز هوش و کاردان و مدبر بود و در کارهای انقلابی مانند اعتصابها، راه پیماییها، نوشتن اعلامیه ها، جبهه گیریها و برخوردها صاحب نظر و قطب ارشاد و مرجع رجوع و تصمیم گیرنده بود. وی در انجام کارهای حساس همواره از دوستان

نزدیک و با وفای خویش مدد می گرفت . به این جهات عدیده ، دشمنان انقلاب اسلامی به یاری نابخردان داخلی دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی را در سرچشمه تهران مورد هدف قرار دادند، چرا که اولین هدفشان از میان برداشتن رهبر حزب یعنی شهید آیت الله دکتر بهشتی بود.

اسامی شهدای انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی

۱ - آیت الله دکتر سید محمد حسینی بهشتی - رئیس دیوان عالی کشور

۲ - رحمان استکی - نماینده مردم شهر کرد

۳ - دکتر سید محمد باقری لواسانی - نماینده مردم تهران

۴ - دکتر سید رضا پاک نژاد - نماینده مردم یزد

۵ - علیرضا چراغ زاده دزفولی - نماینده مردم رامهرمز

۶ - حجت الاسلام غلامحسین حقانی - نماینده مردم بندرعباس

۷ - حجت الاسلام محمد علی حیدری - نماینده مردم نهاوند

۸ - حجت الاسلام سید محمد تقی حسینی طباطبائی - نماینده مردم زابل

۹ - عباس حیدری - نماینده مردم بوشهر

۱۰ - دکتر سید شمش الدین حسینی نائینی - نماینده مردم نائین

۱۱ - سید محمد کاظم دانش - نماینده مردم شوش و اندیمشک

۱۲ - علی اکبر دهقان - نماینده مردم تربت جام

۱۳ - دکتر عبدالحمید دیالمه - نماینده مردم بوشهر

۱۴ - حجت الاسلام دکتر غلامرضا دانش آشتیانی - نماینده مردم تفرش و آشتیان

۱۵ - حجت الاسلام سید فخر الدین رحیمی - نماینده مردم ملاوی لرستان

۱۶ - سید محمد جواد شرافت - نماینده مردم شوشتر

۱۷ - میر بهزاد شهریاری - نماینده مردم رودباران

۱۸ - حجت الاسلام محمد حسین صادقی - نماینده مردم درود و ازنا

۱۹ - دکتر قاسم صادقی - نماینده مردم مشهد

۲۰ - حجت الاسلام سید نور الله طباطبائی نژاد - نماینده مردم اردستان

۲۱ - حجت الاسلام حسن طیبی - نماینده مردم اسفراین

- ۲۲ - سیف الله عبدالکریمی - نماینده مردم لنگرود
- ۲۳ - حجت الاسلام عبدالوهاب قاسمی - نماینده مردم ساری
- ۲۴ - حجت الاسلام عماد الدین کریمی - نماینده مردم نوشهر
- ۲۵ - حجت الاسلام محمد منتظری - نماینده مردم نجف آباد
- ۲۶ - عباسعلی ناطق نوری - نماینده مردم نور
- ۲۷ - مهدی نصیری لاری - نماینده مردم لارستان
- ۲۸ - حجت الاسلام علی هاشمی سنجانی - نماینده مردم اراک
- ۲۹ - دکتر حسن عباسپور - وزیر نیرو
- ۳۰ - دکتر محمد علی فیاض بخش - وزیر مشاور و سرپرست سازمان بهزیستی کشور
- ۳۱ - دکتر محمود قندی - وزیر پست و تلگراف و تلفن
- ۳۲ - موسی کلانتری - وزیر راه و ترابری
- ۳۳ - دکتر جواد اسد الله زاده - معاون بازرگانی خارجی وزارت بازرگانی
- ۳۴ - عباس ارشاد - معاون دفتر آموزش سازمان بهزیستی
- ۳۵ - مهدی امین زاده - بازرگانی داخلی وزارت بازرگانی
- ۳۶ - محمد صادق اسلامی - معاون پارلمانی و هماهنگی وزارت بازرگانی
- ۳۷ - مهندس محمود تفویضی زواره - معاون وزارت راه و ترابری
- ۳۸ - دکتر هاشم جعفری معبری - معاون امور مالی وزارت بهداشت
- ۳۹ - ایرج شهواری - معاون وزارت آموزش و پرورش
- ۴۰ - عباس شاهوی - معاون وزارت بازرگانی
- ۴۱ - دکتر حسن عضدی - معاون وزارت فرهنگ و آموزش عالی
- ۴۲ - علی اکبر فلاح شورشانی - معاون اداری و مالی وزارت آموزش و پرورش
- ۴۳ - حبیب الله مهمانچی - معاون امور پارلمانی و هماهنگی وزارت کار
- ۴۴ - غلامعلی معتمدی - معاون رفاه تعاون وزارت کار
- ۴۵ - سید کاظم موسوی - معاون وزارت آموزش و پرورش
- ۴۶ - حسن اجاره دار (حسینی) - عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی و سردبیر نشریه عروة الوثقی

- ۴۷ - عباس ابراهیمیان - عضو حزب جمهوری اسلامی
- ۴۸ - حجت الاسلام علی اکبر اژه ای - عضو دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی
- ۴۹ - علی اصغر آقازمانی - عضو حزب جمهوری اسلامی
- ۵۰ - محمود بالاگر - عضو حزب جمهوری اسلامی
- ۵۱ - حسن بخشایش - عضو حزب جمهوری اسلامی
- ۵۲ - محمد پور ولی - عضو حزب جمهوری اسلامی
- ۵۳ - رضا ترابی - عضو حزب جمهوری اسلامی
- ۵۴ - مهندس مهدی حاجیان مقدم - مسئول آموزش واحد مهندسين حزب جمهوری اسلامی
- ۵۵ - محمد خوش زبان - عضو حزب جمهوری اسلامی
- ۵۶ - علی درخشان - عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی
- ۵۷ - جواد سرافراز - عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی
- ۵۸ - حجت الاسلام حسین سعادت - عضو حزب جمهوری اسلامی (مسئول آموزش شهرستانها)
- ۵۹ - حبیب الله مهدی زاده طالعی - عضو حزب جمهوری اسلامی
- ۶۰ - سید محمد موسوی فر - عضو حزب جمهوری اسلامی
- ۶۱ - محسن مولائی - عضو حزب جمهوری اسلامی
- ۶۲ - جواد مالکی - عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی
- ۶۳ - حجت الاسلام عبدالحسین اکبری مازندرانی ساوی - عضو هیئت پنج نفره کشاورزی منطقه مازندران
- ۶۴ - مهندس حسین اکبری - مدیر عامل بانک کشاورزی
- ۶۵ - مهندس هادی امینی - عضو واحد مهندسين حزب مهندسين اسلامی
- ۶۶ - سید محمد پاک نژاد - عضو هیئت مدیره چوب و کاغذ
- ۶۷ - محمد رواقی - مدیر شرکت فرش ایران
- ۶۸ - مهندس توحید رزمجومین - عضو هیئت مدیره گروه صنعتی ملی
- ۶۹ - علی اکبر سلیمی جهرمی - دبیر کل سازمان امور اداری و اسستخدامی
- ۷۰ - جواد سرحدی - مدیر عامل سازمان تعاون مصرف شهر و روستا
- ۷۱ - محمد حسن محمد عینی (۲۴)



۷۲ - حبیب مالکی - فرماندار ایرانشهر

۷۳ - مهندس محمد علی مجیدی - مشاور عمرانی وزارت کشور

اسامی مجروحان حادثه هفتم تیر

۱ - علی اصغر باغانی - نماینده سبزوار

۲ - بهرام تاج گردون - نماینده گچساران و کهگیلویه

۳ - ایرج صفاتی دزفولی - نماینده آبادان

۴ - مرتضی فضلعلی - نماینده گرمسار

۵ - اسماعیل فردوسی پور - نماینده فردوس و طبس

۶ - سید محمد کیاوش - نماینده اهواز

۷ - محمود مروی سماورچی - نماینده طرقله و چناران

۸ - مرتضی محمودی - نماینده قصر شیرین

۹ - قدرت اله نجفی - نماینده شهرضا

۱۰ - حسین کاظم زاده اردبیلی - وزیر بازرگانی

۱۱ - سید جلال سعادتیان - معاون وزارت بهداشت

۱۲ - مسعود صادقی - معاون وزارت بهزیستی

۱۳ - محمد حسن اصغر نیا - استاندار سمنان

۱۴ - حجت الاسلام و المسلمین - مسیح مهاجری - (سر دبیر روزنامه جمهوری اسلامی)

۱۵ - مسعود موسوی - کارمند حزب جمهوری

۱۶ - علی موسوی - کارمند حزب جمهوری

۱۷ - محمود جمالی - کارمند حزب جمهوری

۱۸ - زین العابدین رئیسی - کارمند حزب جمهوری

۱۹ - حیدر علی علیزاده - کارمند حزب جمهوری

۲۰ - هدایت عبدی - کارمند حزب جمهوری

۲۱ - دانش مهر - کارمند حزب جمهوری

۲۲ - مسعود صادقی آزاد - کارمند نخست وزیری

۲۳ - ابراهیم عبدی - دانشجویی حزب جمهوری

۲۴ - محمد غریب - دانشجویی حزب جمهوری

۲۵ - مهدی فاضلی - دانشجویی حزب جمهوری

۲۶ - ابراهیم فردوسی - دانشجویی حزب جمهوری

چگونگی تعطیل‌فعلیتهای حزب جمهوری اسلامی

در سال ۱۳۶۶ آیات عظام آقایان خامنه ای و هاشمی رفسنجانی به رهبر کبیر انقلاب امام خمینی (ره) پیشنهاد می کنند که فعالیت‌های حزب جمهوری اسلامی را در صورت موافقت معظم له تعطیل نمایند.

امام (ره) نیز در پیامی به شرح زیر به این پیشنهاد پاسخ مثبت دادند.

بسمه تعالی

جنابان حجج اسلام آقای خامنه ای و آقای هاشمی دام توفیقهما موافقت می شود. لازم است تذکر دهم که حضرات آقایان موسسین محترم حزب، مورد علاقه این جانب می باشند. امیدوارم همگی در این موقع حساس با اتفاق و اتحاد در پیشبرد مقاصد عالیّه اسلام و جمهوری اسلامی کوشا باشید.

ضمناً تذکر می دهم که اهانت به هر مسلمانی چه عضو حزب باشد یا نه، بر خلاف اسلام و تفرقه اندازی در این موقع از بزرگترین گناهان است. (۲۵)

والسلام علیکم و رحمۀ الله

روح الله الموسوی الخمینی

پیام امام خمینی (ره) به مناسبت فاجعه ۷ تیر (۲۶)

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

ملتی که برای اقامه عدل اسلامی و اجرای احکام قرآن مجید و کوتاه کردن دست جنایتکاران ابرقدرت و زیستن با استقلال و آزادی قیام نموده است، خود را برای شهادت و شهید دادن آماده نموده است و به خود باکی راه نمی دهد که دست جنایت ابرقدرتها از آستین مشت جنایتکار حرفه ای بیرون آید و بهترین فرزندان راستین او را به شهادت رساند.

مگر شهادت ارثی نیست که از موالیان ما که حیات را عقیده و جهاد می دانستند و در راه مکتب پرافتخار اسلام با خون خود و جوانان عزیز خود از آن پاسداری می کردند به ملت شهید پرور ما دسیده است؟ مگر عزت و شرف و ارزشهای انسانی، گوهرهای گرانبهایی

نیستند که اسلاف صالح این مکتب، عمر خود و یاران خود را در راه حراست و نگهداری از آن وقف نمودند؟

مگر ما پیرامون پاکان سرباخته در راه هدف نیستیم که ار شهادت عزیزان خود به دل تردیدی راه دهیم؟ مگر دشمن قدرت آن را دارد که با جنایت خود مکارم و ارزشهای انسانی شهیدان عزیز ما را از آنان سلب کند؟ مگر دشمنهای فضیلت می توانند جز این خرقة خاکی را از دوستان خدا و عاشقان حقیقت بگیرند؟

بگذار این ددمنشان که جز (من) و (ما)های خود نمی اندیشند و (یا کلون کما تاء کل الانعام) عاشقان راه حق را از بند طبیعت رها کرده و به قضای آزاد جوار معشوق برسانند.

ننگتان باد تفاله های شیطان و عارتان باد ای خود فروختگان به جنایتکاران بین المللی که در سوراخها خزیده و در مقابل ملتی که در برابر ابرقدرتها برخاسته است، به خرابکاریهای جاهلانه پرداخته اید.

عیب بزرگ شما و هواداران آن است که نه از اسلام و قدرت معنوی آن و نه از ملت مسلمان و انگیزه غذاکاری و اطلاعی دارید. شما ملتی را که برای سقوط رژیم پلید پهلوی و رها شدن از اسارت شیطان بزرگ ده ها جوان عزیز خود را فدا کرد و با شجاعت بی مانند ایستاد و خم به ابرو نیاورد، نشناخته اید. شما ملتی را که معلولان نشان در تخت های بیمارستان آرزوی شهادت می کنند و یاران را به شهادت دعوت می کنند، نشناخته اید. شما کوردلان با آن که دیده اید با به شهادت رساندن شخصیت‌های بزرگ صفوف

فداکاران در راه اسلام فشرده تر و عزم آنان مصمم تر می شود، می خواهید با به شهادت رساندن عزیزان ما این ملت فداکار را از صحنه بیرون کنید. شما تا توانسته اید به فرزندان اسلام چون شهید بهشتی و شهدای عزیز مجلس و کابینه با حربه از کار افتاد و کوس رسوایی همه تان بر سر بازارها زده شد، در سوراخها خزیده و دست به جنایاتی جاهلانه زده که به خیال خام خود ملت شهید پرور و غذاکار را با این اعمال وحشیانه بترسانید و نمی توانید که در قاموس شهادت واژه وحشت نیست. اکنون اسلام به این شهیدان و شهید پروران افتخار می کند و با سرافرازی همه مردم را دعوت به پایداری می نماید و ما مصمم هستیم که روزی رخس بینیم و این جان که از اوست تسلیم وی کنیم.

ملت ایران در این فاجعه بزرگ ۷۲ تن بیگناه به عدد شهدای کربلا از دست داد. ملت ایران سرافراز است که مردانی را به جامعه تقدیم می کند که خود را وقف خدمت به اسلام و مسلمین کرده بودند. ملت عزیز! این کوردلان مدعی مجاهدت برای خلق گروهی را از خلق گرفتند که از خدمتگذاران فعال و صدیق خلق بودند. گیرم که شما با شهید بهشتی که مظلوم زیست و مظلوم مرد و خار چشم دشمنان اسلام و خصوص شما بود دشمنی سرسختانه داشتید، با بیش از ۷۰ نفر بیگناه که بسیارشان از بهترین خدمتگذاران خلق و مخالف سرسخت با دشمنان کشور و ملت بودن چه دشمنی داشتید؟ جز آن که شما با اسم خلق از دشمنان خلق و راه صاف کنان چپاولگران شرق و غرب می باشید. ما اگر چه دوستان و عزیزان وفاداری را از دست دادیم که هر یک برای ملت ستمدیده استوانه ای بسیار قوی و پشتوانه ای ارزشمند بودند، ما گرچه برادران بسیار متعهدی را از دست دادیم که (اشداء علی الکفار و رحماء بینهم) بودند و برای ملت مظلوم و نهادهای انقلابی سدی استوار و شجره ای ثمر بخش به شمار می رفتند، لکن سیل خروشان

خلق و امواج شکننده ملت با اتحاد و اتکال به خدای بزرگ هر کمبودی را جبران خواهد کرد. ملت ایران با اعتماد به قدرت لایزال قادر متعال همچون دریایی مواج به پیش می رود و در مقابل ابرقدرتها و تفاله های آنان با صفی مرصوص ایستاده است و شما درماندگان عاجز را که در سوراخها خزیده اید و نفسهای آخر را می کشید به جهنم می فرستد و خداوند بزرگ پشت و پناه این کشور و ملت است .

این جانب باز دیگر این ضایعه عظیم را به حضور بقیه الله - ارواحنا له الفدا - و ملت های مظلوم جهان و ملت رزمنده ایران تبریک و تسلیت عرض می کنم . من با بازماندگان شریف و عزیز این شهدا در غم و سوگ شریک و رحمت واسعه خداوند رحمان را برای این مظلومان و صبر و شکیبایی را برای بازماندگان محترم آنان از درگاه خداوند متعال خواستارم . رحمت خدا و درود بی پایان ملت بر شهدای انقلاب از ۱۵ خرداد ۴۲ تا هفتم تیر ماه ۶۰ و سلام و تحیت بر مظلومان جهان و مظلومان ایران در طول تاریخ .

روح الله الموسوی الخمینی

۱۳۶۰/۴/۹

فرازهایی از بیانات امام خمینی (ره) در رابطه با شهادت دکتر بهشتی و شهدای حزب جمهوری اسلامی ایران ، در دیدار با جمعی از روحانیون تهران (۲۷)

بسم الله الرحمن الرحيم

من هم در نوبت خودم به جامعه روحانیت و ملت ایران و به مسلمین و به مستضعفین تمام عالم هم تهنیت و هم تسلیت عرض می کنم . تسلیت برای این که ما در جبهه ها از ۱۵ خرداد و تاکنون بسیاری از جوانان و متدینین ، زنها و مردها، از دست دادیم و این یک واقعه بزرگی و ثلمه بزرگی بر اسلام و مسلمین بود و خصوصا این جنایت اخیری که واقع شد و دست آمریکا از آستین این خائن ها بیرون آمد و یک همچو جنایتی به مسلمین وارد کردند و کسانی که جز به مصلحت مسلمین اندیشه نمی کردند، از وکلای مجلس و از دولت وزرایی که بسیار ارزشمند بودند، وکلایی که ارزشمند بودند و از قوه قضائیه هم مثل آقای بهشتی که از اول شکل گرفتن جمهوری اسلامی مورد هدف بود، شما شاهد بودید که تمام این ارگانهای اسلامی مورد هدف بودند، مجلس مورد هدف بود. مجلس خبرگان وقتی که دیدند بسیاری از آنها یا اکثر آنها از علما هستند مورد هدف واقع شد. مجلس شورا وقتی که دیدند اکثریت آنها اشخاص متعهد و بسیاری از آنها از علما هستند مورد هدف واقع شد. قوه قضائیه وقتی که دیدند به دست اشخاص دانشمند متعهد فعال واقع شد مورد هدف واقع شدند. این یک جریان بود و هست ، الان ما بسیاری از دوستانمان و علاقه مندان به اسلام را از دست دادیم ، لکن من به ملت ایران تهنیت عرض می کنم که چنین فرزندان را تحویل جامعه داد و در پیشگاه خدای تبارک و تعالی فرستاد و باز هم ایستاده است و خم به ابرو نیاورده ...

قیام مردم عراق به رهبری آیت الله محمد تقی حائری شیرازی

با شروع جنگ جهانی اول ، انگلیسی ها به بهانه جلوگیری از نفوذ آلمان با نیروی نظامی عظیم خود از دهانه شط العرب به عراق حمله کردند.

در آن ایام سرزمین عراق جزو قلمرو حکومت عثمانی به شمار می رفت و از داشتن یک دولت مستقل بی بهره بود نیروی کافی و سازماندهی شده که بتواند در برابر انگلیسی ها مقاومت کند وجود نداشت . انگلیسی ها خیلی سریع (فاو) را که در دهانه شط العرب قرار دارد. تصرف کردند و سپس بصره و نواحی اطراف آن را در ۶ نوامبر ۱۹۱۴ به اشتغال درآوردند. حکومت عثمانی با آلمان متحد بود و انگلیس و فرانسه صرف از این بهانه ، وعده استقلال و آزادی را بعد از ایام جنگ به سرزمین های تحت قلمرو عثمانی یعنی عراق و سوریه می دادند. دخالت نظامی انگلیس نه تنها برخلاف تمام موازین بین المللی بود بلکه سلطه و استیلای کفار بر سرزمین های اسلامی محسوب می شد. مردم عراق با روشنگریهای علما و خطبا از خطر سلطه نظامی انگلیس و استیلای او بر ثروتها و معادن نفت عراق و سرنوشت دردناک خود آگاه شدند و برای رویارویی با نیروهای اشغالگر به رهبران مذهبی یعنی مراجع تقلید متوسل شدند و از آنان تقاضای اعلان جهاد نمودند. علمای عراق تنها به صدور حکم جهاد اکتفا نکردند بلکه عملا در جبهه های مختلف دشت به بسیج نیرو زدند و به مقابله با نیروهای انگلیسی پرداختند و این خود از فصول درخشان مقاومت مسلحانه در نیروهای اسلامی است . در مجموع مقاومت علما و روحانیون عراق مصائب و مشکلات زیادی برای انگلیسی ها به وجود آورد و اگر پیروزی نهایی متفقین و شکست آلمان نبود، انگلیسی ها موفق به اشغال عراق نمی شدند. شکست آلمان در جنگ جهانی اول باعث درهم شکستن حکومت عثمانی شد و کشورهای انگلستان و فرانسه بخشهایی از این سرزمین بزرگ را به اشغال خود درآوردند. بدین ترتیب که فرانسه لبنان را و انگلیس عراق و فلسطین را به چنگ آورد.

بدین سان سرزمین عراق و شهر بزرگ و تاریخی آن بغداد در سال ۱۹۱۷ میلادی به وسیله انگلیسی ها اشغال شد.

قیام نجف و نهضت معارضین اسلامی

تا تابستان ۱۹۱۷ تنها بعضی از شهرهای اصلی واقع در مناطق اشغالی شامل مقررات نظامی و غیر نظامی وضع شده توسط دولت اشغالگر می شدند. از ابتدای اشغال عراق ، نجف مرکز اصلی جهاد بود و قیاما و تحولاتی علیه اشغالگران و عثمانیها صورت گرفته بود، این تحولات در پیشرفت حرکت اسلامی معارض با انگلیس تاثیر عمیقی داشت . از جمله این تحولات یکی تاسیس جمعیت اسلامی سری به نام (جمعیت نهضت اسلامی ) در نوامبر سال ۱۹۱۷ بود و دیگری ورود آیت الله شیخ محمد تقی شیرازی از سامرا به نجف و از آنجا به کربلا و اقامت در این شهر بود.

(سید محمد علی بحر العلوم) و (شیخ محمد جواد جزایری) از موسسین (جمعیت نهضت اسلامی) بودند. این دو به عنوان علمای سرشناس در محافل سیاسی و مردمی شناخته می شدند.

(جمعیت نهضت اسلامی) اولین سازمان سیاسی - اسلامی به حساب می آمد که در عراق و هنگام جنگ تاسیس شد. پس از آن که این جمعیت حاکم سیاسی انگلیس در نجف را در ۱۹ مارس ۱۹۱۸ به قتل رساند، درگیری میان اهالی نجف و قوای اشغالگر بالا گرفت تا جایی که می توان این تاریخ را آغاز قیام نجف به حساب آورد. واکنش فرمانده نیروهای انگلیسی در عراق در مقابل این عمل، صدور فرمان محاصره شهر و استمرار آن تا عملی شدن شروط سنگین و طاقت فرسا بود. محاصره شهر چهل و شش روز طول کشید و در نتیجه آن هفتصد نظامی انگلیسی و چهل رزمنده از اهالی و انقلابیون کشته شدند. در چهارم ماه مه ۱۹۱۸ بعد از تسلیم شدن انقلابیون محاصره شهر لغو و دادگاههایی برای محاکمه افراد تشکیل شد که این دادگاهها ۱۳ نفر را محکوم به اعدام و ۱۷۰ نفر را تبعید کردند. شیخ جواد جزایری و سید محمد علی بحر العلوم رهبران نهضت جزء محکومین به اعدام بودند که با وساطت آیت الله محمد تقی شیرازی و شیخ محمدره امیرخزعل این حکم مبدل به اخراج از عراق شد.

بروز نقش آیت الله شیرازی به عنوان رهبر دینی

پس از آمدن و استقرار یافتن آیت الله شیرازی، بار دیگر فعالیتهای سیاسی - اسلامی آغاز شد که هماهنگی بین تلاشهای علمای کربلا و نجف، ارتباط با عشایر و توجه به تلاشهای سازماندهی شده مخفی و آمادگی برای مقابله با اشغالگران از بارزترین نمودهای فعالیت دوباره این حرکت بود. تاسیس جمعیت سری به نام (جمعیت ملی اسلامی) نیز اولین موفقیت در این جهت به حساب می آید که هدف اصلی آن فعالیت علیه انگلستان بود. آیت الله شیرازی کار نظارت و هدایت جمعیت را عهده دار بودند، اما ریاست مستقیم آن به عهده فرزند ایشان شیخ محمد رضا بود. آیت الله شیرازی، خود جمعیت سری دیگری را تحت همان عنوان سرپرستی می کرد که عده ای از علما و ادبای اسلامی نیز جزو آن بودند. این جمعیت علاوه بر تبلیغ و ترغیب اهالی علیه انگلستان، در جهت ایجاد توافق و از بین بردن اختلاف میان روسای عشایر فرات مرکزی نیز تلاش می کرد، به طوری که در گسترش حرکت علیه انگلستان بسیار تاثیر گذاشت. بعد از صدور فتوای معروف (۲۸) آیت الله محمد تقی حائری (۲۹) شیرازی مبنی بر این که (هیچ احدی از مسلمانان نمی تواند غیر مسلمان را برای امارت و سلطنت بر مسلمانان انتخاب کند) نتایج قابل توجهی در روند انقلاب عراق به دست آمد. یکی ایجاد عوامل جدیدی که اجرای نتایج همه پرسی را در تحمیل یک نماینده بلند مرتبه با حاکم انگلیسی برای عراق دشوار ساخت. دوم بروز نقش آیت الله شیرازی به عنوان زعیم دینی سیاسی موازی و همپراز با مراجع اعلا سید کاظم یزدی، بعضی از آثار این تحول، در وقایعی که پس از صدور فتوای آیت الله شیرازی به وقوع پیوست و در حمایت علمای کربلا از این فتوا و پیروی از آیت الله شیرازی در صدور فتوهای مشابه ظهور کرد. همچنین علمای کاظمین تحت تاءثیر این فتوا، دادن رأی مثبت به غیر از تشکیلات حکومت اسلامی در عراق را برای مسلمانان حرام ساختند. آنچه باعث افزایش اهمیت فتوای آیت الله

شیرازی و تاءثیر آن شد، انتشار سریع این فتوا در بیشتر شهرها و مناطق عراق بود. حمایتی که آیت الله شیرازی به دست آورد در پاسخ مثبت وسیعی که به صدور فتوای او داده شد، در گسترش نفوذ و نقش وی برای عهده دار شدن زعامت مطلق دینی - سیاسی پس از وفات مرجع اعلا سید کاظم یزدی در ۳۰ آویل ۱۹۱۹ سهم بسزایی داشت .

نقش زعامت آیت الله شیرازی را به دو مرحله متمایز از هم می توان تقسیم کرد: مرحله اول با عهده دار شدن مقام مرجعیت در ماه مه ۱۹۱۹ آغاز و تا مارس ۱۹۲۰ ادامه می یابد و مرحله دوم از این تاریخ تا هنگام در گذشت وی در ۱۷ اوت ۱۹۲۰ میلادی ادامه دارد.

ویژگی مرحله اول ، اقدام آیت الله شیرازی در جهت تقویت نقش رهبری دینی در مبارز با طرحهای انگلیسی ، مقابله با اشغال و حل بعضی از مسائلی که نهضت اسلامی با آن مواجه بود، می شد.

ثوره العشرین و نقش رهبری مسلمان شیعه

با آغاز سال ۱۹۲۰، مسیر مبارزه و گسترش محدوده آن علیه حکومت اشغالگر تحولات مهمی رخ داد. در حالیکه علمای شهرهای مقدس شیعه نشین و رؤ سای عشایر و زعمای فرات مرکزی برای یک درگیری همه جانبه و مسلحانه علیه نیروهای اشغالگر آماده می شدند، عده ای از علما و رهبران سیاسی بغداد نیز برای گسترش مبارزات سیاسی مسالمت آمیز علیه انگلستان ، خود را آماده می کردند، در نتیجه این تحولات بالاخره در ۳۰ ژوئن ۱۹۲۰ یک سلسله عملیات و تهاجمات نظامی علیه نیروهای اشغالگر و مواضع آنها در فرات مرکزی آغاز شد که به سرعت به انقلابی فراگیر مبدل ، و بیشتر مناطق عراق را فرا گرفت و مدت پنج ماه نیز ادامه یافت . نظر تاریخی ۳۰ ژوئن ۱۹۲۰/۹ تیر آغاز این انقلاب به حساب می آید. و قیام مذکور به (ثوره العشرین) یا ثوره العراقیه الکبری ( معروف شد.

از آنجا که این انقلاب در سال ۱۹۲۰ واقع شد به ثوره العشرین (انقلاب بیست ) معروف شد. گروه کثیری از علمای نجف ، کربلا و کاظمین در گسترش چهارچوبه مبارزه علیه دولت اشغالگر و ایجاد آمادگی برای (ثوره العشرین ) سهیم بودند، اما نقش اساسی با آیت الله شیرازی بود که هم از مقام و موقعیت مرجعیت برخوردار بود، هم کفایت و شایستگی این امر را داشت و هم سایر علمای رهبری وی را به رسمیت می شناختند. ایشان به عنوان اولین گام در اول ماه مارس ۱۹۲۰ فتوایی صادر کرد که طی آن اشتغال به کار در اداره اشتغال انگلیس را برای مسلمانان حرام نمود و فتوی او باعث شد که عده زیادی از کار در اداره مذکور استعفا دهند. در ادامه مبارزه ، تصمیمات و کارهای زیادی انجام گرفت . صدور فتوایی از طرف ایشان که در آن مطالبه حقوق بر همه عراقیها را واجب دانسته و توسل به قدرت دفاعی را جایز دانستند (۳۰) باعث شد که حرکت مردم عراق بر علیه اشغالگران بیشتر گردد و مسلمانان ترغیب به اخراج اشغالگران شوند.

عوامل شکست انقلاب ۱۹۲۰

قیام مردم عراق در شهرهای مختلف با سرکوب شدید نیروهای اشغالگر مواجه شد و در نهایت نیز بعد از پنج ماه مبارزه با امضای آتش بس میان طرفین در نوامبر ۱۹۲۰ به پایان رسید. این انقلاب علی رغم این که در بعضی شهرها با پیروزی علما و مردم پایان گرفت و حتی منجر به تشکیل حکومت موقت اسلامی در شهرها کربلا که مرکز اصلی قیام بود شد، ولی نقش ضعف زیادی داشت که در کسب پیروزی کامل و عدم انقلابیون نقش بسزایی داشت.

این نقاط ضعف عبارتند از:

۱ - بیشتر رهبران مذهبی این انقلاب ایرانی بودند و زبان عربی را بخوبی صحبت نمی کردند و همین امر موجب می شد که نتوانند توده های مردم عراق را مستقیماً مخاطب قرار دهند.

۲ - رهبران مذهبی در سه شهر مقدس عراق کربلا، نجف و کاظمین مستقر بودند و در شهرها دیگر پایگاهی نداشتند تا به مردم ارتباط نزدیک داشته باشند.

۳ - جهل و بیسوادی عمومی و پایین بودن سطح آگاهی دینی که در همه جای کشور بویژه در روستاها چشمگیر بود.

۴ - وجود احزاب متعدد سیاسی موازی با رهبری علمای مذهبی که علی رغم این که خدمات زیادی برای انقلاب کردند اما نقش رهبری را برای خود قائل بودند و همین امر باعث شد که ملک فیصل به سلطنت برسد در حالی که علمای مذهبی خواهان حکومت اسلامی در عراق بودند.

۹ تیر ۱۳۶۵

عملیات کربلا ۱ آزاد سازی شهر مهران

به دنبال عملیات عافلگیر کننده والفجر ۸ تصرف شهر استراتژیک فاو توسط رزمندگان اسلام و بهم خوردن توارزن سیاسی - نظامی به نفع جمهوری اسلامی، رژیم عراق شیوه ای جدید برگزید و صدد فعال شدن در جبهه های زمینی و تبدیل موضع دفاعی به حالت تهاجمی بر آمد، و این استراتژی را بعد از اشتعال مهران استراتژی جدیدی موسوم به استراتژی دفاع متحرک (۳۱) نامگذاری کرد. حرکت جدید دشمن که بعد از بازپس گیری منطقه والفجر ۹ (منطقه چوارتا) از تاریخ ۱۶ / ۱۲ / ۶۴ شروع شد، در تاریخ ۲۷ / ۲ / ۶۵ با اشغال مجدد مهران به اوج خود رسید و با ضربه سختی که در جریان آزاد سازی مهران و ارتفاعات استراتژیک آن منطقه متحمل شد، پایان یافت.

از هنگام شروع تهاجمات جدید ارتش عراق، وحدت وهمدلی نیروهای رزمنده جمهوری اسلامی ایران به شکل زیبایی جلوه گر شده و برادران ارتشی و سپاهی و بسیج مردمی پایه پای هم در مقابل تهاجمات دشمن به مقاومتی دلیرانه دست زدند.

حمله عراق به مهران



ساعت یک بامداد ۲۷ / ۲ / ۶۵، عراق در منطقه مهران دست به تهاجم زد و این شهر و حومه آن و برخی از ارتفاعات منطقه را تصرف کرد. در این زمان ارتش جمهوری اسلامی ایران، با نیرویی به استعداد ۶ گردان پیاده و ۲ گردان زرهی، مسئولیت خطوط پدافندی خودی را در این منطقه به عهده داشت و نیروی سپاه نیز به دلیل اشتغالات فروان در خطوط مختلف عملیاتی، پشتیبانی از این منطقه را به طور کامل بر عهده نگرفته بود.

در مجموع دشمن در طول ۱۰ روز جنگ و پیشروی، ۹۰ تیپ پیاده و زرهی و مکانیزه و یک گردان کماندویی را وارد عمل کرد و با پشت سر گذاشتن شهر مهران و تصرف ارتفاعات قلعه آویزان و تا پشت جاده کمر بندی مهران، یعنی بیش از ۲۰ کیلومتری عمق خاک ایران، پیشروی کرد و موضع گرفت.

دشمن بعثی با تبلیغات گسترده ای سعی نمود که اشغال مهران را همسان پیروزی فاو قلمداد کند. از این رو اعلام کرد که تنها در مقابل عقب نشینی جمهوری اسلامی از عراق و مشخصا فاو، مهران را باز پس خواهد کرد!

ضرورت انجام عملیات

پس از اشغال مهران، برخی شواهد نشان می داد که با وجودی که دشمن در حملات قبل از آن (فکه، شرهانی، زبیدات و حاج عمران) و تا حدودی در مهران ناموفق بوده است، از حملات زمینی خود دست برد نداشته و همچنان در محورهایی خود را آماده تک می کند و به نظر می رسد چنانچه نیروهای خودی به دشمن زمان می دادند، قصر شیرین و سپس سومار نیز مانند مهران، در اختیار دشمن قرار می گرفت؛ در این صورت ادامه این وضعیت ممکن بود علاوه بر از دست دادن نقاط استراتژیک و بعضی شهرهای مرزی، بر روی روحیه نیروهای خودی نیز اثر سوء بگذارد که بالطبع تبعات سیاسی هم برای نظام به دنبال داشت. در مقابل، تصرف هر نقطه شبیه مهران، باعث تقویت روحیه دشمن می شد و درجات و مدالهای متعددی بر دوش و سینه نظامیان صدام آویخته می شد. (۳۲) علاوه بر ضرورت سیاسی - نظامی انجام عملیات علیه تهاجمات دشمن، امام (ره) نیز مکررا درباره مهران سوال می کردند. به طوری که در دو نوبت به مسئولین جنگ فرموده بودند:

پس از مهران چه شد؟

عملیات کربلای ۱:

پس از تصرف مهران توسط دشمن، فرماندهی سپاه پاسداران، قرارگاه نجف را در منطقه مستقر و فعال کرد و اقدامات عملی را جهت متوقف کردن دشمن و نیز برنامه ریزی لازم را برای آزاد سازی مهران شروع کرد. این قرارگاه پس از بررسیهای لازم و جمع آوری اطلاعات کافی از منطقه، عملیات کربلای یک را در سه مرحله به شرح ذیل طراحی کرد.

مرحله اول - تامین ارتفاعات قلعه آویزان ایران تا روستای امامزاده سید حسن.

مرحله دوم - تامین ارتفاعات جبل حمرین تا شیار میک سوخته و در امتداد آن، تامین روستاهای بهین بهرورزان و هرمزآباد.

مرحله سوم - تصرف خاکریز والفجر ۳ که از روستای فرخ آباد تا زیر ارتفاعات ۲۲۳ قلعه آویزان امتداد داشت و خود به خود در این مرحله آزادی مهران نیز تامین می شد.

یگانهای شرکت کننده از نیروهای سپاه در این عملیات عبارت بودند از:

لشکر ۲۷ حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم)، لشکر ۱۷ علی ابن ابیطالب (علیه السلام)، لشکر ۴۱ ثار الله، لشکر ۲۵ کربلا، لشکر ۱۰ سیدالشهداء (علیه السلام)، لشکر ۵ نصر، تیپ ۲۱ امام رضا (علیه السلام)، تیپ ۱۵ امام حسن (علیه السلام)، تیپ ۶۶۲ بیت المقدس، گردان مستقل ۳۸ زرهی. گروه ۶۳ توپخانه و گردان ادوات قرارگاه نجف و همچنین تیپ ۴۵ مهندسی جواد الائمه و لشکر ۴۳ مهندسی امام علی (علیه السلام) و جهاد ستاد نجف (که جهاد تهران، فارس و... را تحت امر داشت) برای عملیات آماده شدند.

علاوه بر اینها، تیپ ۱۱۴ امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز با دو گروهان نیرو به صورت ادغام با تیپ ۴ زرهی لشکر ۲۱ حمزه ارتش در خط باغ کشاورزی به صورت پدافندی با ماموریت تظاهر به تک در شب عملیات، مستقر بودند.

براساس طرح ارتش، نیروهای هوایی با تعهد ۱۰ سورتی پرواز و هوانیروز با دو تیم آتش و تخلیه مجروح و توپخانه نیروی زمینی با سه گردان انواع توپخانه، در عملیات شرکت می کردند.

سرانجام حدود ساعت ۲۲/۳۰ دوشنبه ۶۵/۴/۹ عملیات کربلای یک با رمز (یاابوالفضل العباس ادرکنی) آغاز، و نیروهای خودی به دشمن حمله کردند و در بیشتر محورها خطوط دشمن را شکسته، در داخل مواضع دشمن نفوذ کردند. همزمان با شروع عملیات، تیپ ۴ زرهی لشکر ۲۱ حمزه همراه بانیهوایی از تیپ ۱۱۴ امیرالمؤمنین (علیه السلام) در محور باغ کشاورزی تظاهر به تک کرده، با اجرای آتش توپخانه و تیر مستقیم، دشمن را به خود مشغول کردند.

صبح روز عملیات، تیپ ۱ کماندویی سپاه چهارم عراق وارد منطقه شد و در محور امامزاده سید حسن پاتک کرد که این پاتک با مقاومت رزمندگان لشکر ۲۷ حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) سپاه پاسداران مواجه شد و تیز پروازان هوانیروز با انهدام چندین دستگاه تانک دشمن، در دفع پاتک نیروهای پیاده را یاری کردند.

تا پایان روز اول، اهداف مرحله دوم عملیات تامین شد.

در شب دوم عملیات، رزمندگان اسلام از تیپ ۲۱ امام رضا (علیه السلام) با سه گردان نیرو عملیات را آغاز و پس از پاکسازی هرمزآباد تا ۵۰۰ متری شهر مهران پیشروی کردند. در شروع روز دوم عملیات (۶۵/۴/۱۱) رزمندگان دلیر اسلام ضمن ادامه پیشروی، تعدادی از نیروهای عراقی را به اسارت درآوردند و یگانهای تیپ ۲۱ امام رضا (علیه السلام) که تا شب گذشته تا پشت دیوارهای شهر مهران پیشروی کرده بودند، از دو محور شهر مهران را دور زدند و به طرف روستاهای فرخ آباد و رستم آباد پیشروی کردند و ضمن پاکسازی و تصرف آنها در غرب مهران، عمل الحاق را انجام دادند و با احداث خاکریز شهر مهران را به محاصره درآوردند.

ارتش عراق عمده نیروهای خود را از شهر مهران خارج کرده بود و آن تعدادی که در شهر باقی مانده بودند با کمترین مقاومت تسلیم شدند. شهر مهران تا غروب روز ۱۱ تیر ماه ۱۳۶۵ از لوٹ وجود نیروهای اشغالگر پاک و آزاد گردید.

عملیات کربلای یک تا شش روز بعد از آغاز عملیات ادامه یافت و رزمندگان سلحشور اسلام در روز ششم (۶۵/۴/۱۵) با تسلط کامل بر قله ۲۲۳ و یالهای آن این عملیات را با پیروزی کامل به پایان رسانیدند.

### ارزیابی عملیات کربلای ۱

عملیات موفق کربلای یک پایانی بود بر استراتژی دفاع متحرک عراق و نیز نقطه شروع امیدوار کننده ای برای نیروهای خودی جهت انجام عملیاتهای محدود ایذایی .

منفعل کردن سیاست تهاجمی عراق هدفی عمده بود که نیروهای خودی بخوبی توانستند به آن دست یابند. سرعت عمل ، اعتقاد یگانها، حفاظت عملیات ، فریب دشمن ، تناسب سازمان رزم با طرح مانور، انجام کارهای مهندسی لازم و... از جمله عوامل بارز و موثر در این عملیات بود.

این عملیات منجر به آزادسازی ۱۷۵ کیلومتر مربع از خاک خودی و دشمن ، آزاد سازی جاده دهلران - مهران - ایلام ، شهر مهران و بیش از هشت روستای آن ، ارتفاعات حساس و سرکوب قلعه آویزان و حمربین ، خصوصا بلندترین قله منطقه ۲۲۳ و دو پاسگاه مرزی شد، همچنین عقبه های دشمن از جمله شهرهای بدره و زرباطیه در برد دید و تیر نیروهای ایرانی قرار گرفت .

۱۱ تیر ۱۳۶۱

### شهادت آیت الله محمد صدوقی

شهید آیت الله صدوقی که به حق شیخ الشهداء و سومین شهید محراب نامیده شده است ، نماینده امام خمینی (ره) در استان و امام

جمعه یزد بود، در آخرین نماز جمعه اش که مصادف با دهم ماه مبارک رمضان ۱۴۰۲ مطابق با یازدهم تیر ماه ۱۳۶۱ بود، بعد از

ادای فریضه جمعه در حالی که جایگاه را ترک می کرد، منافقی قسی القلب به ایشان نزدیک شد و با به آغوش کشیدن آن پیر زاهد

و منفجر کردن نارنجکی که در دست داشت ، آیت الله صدوقی را به شهادت رساند و این همان معراج سریع به سوی الله بود که

شهید آرزویش را داشت و بارها از خدا خواسته بود. این عالم شهید از یاران صدیق و باوفای امام خمینی (ره) و یاور مردم محروم بود

و خود را از مردم جدا نمی دانست .

زندگینامه

در سال ۱۳۲۷ هجری قمری در خانواده ای روحانی در یزد متولد شد. نام او را محمد گذاشتند. پدر او آقا میرزا ابوطالب صدوقی که از

روحانیون معروف یزد و امامت مسجد روضه محمدیه را بر عهده داشت و یکی از مراجع برتر دوران خود به شمار می رفت .

محمد در سن هفت سالگی پدر و در سن نه سالگی مادر خویش را از دست داد.

وی تحصیلات حوزوی را تا حدود لمعه و قوانین را در مدرسه عبدالرحیم خان یزد به پایان رساند و در سال ۱۳۴۸ قمری جهت ادامه تحصیلات عازم اصفهان شد و یک سال بعد برای ادامه تحصیل به قم عزیمت ، و نزدیک به ۲۱ سال جهت کسب علوم و معارف اسلامی و استفاده از محضر اساتید بزرگ حوزه در آن شهر اقامت گزید. در آغاز از محضر آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی موسس و مدیر حوزه علمیه قم چند سالی کسب فیض نمود.

بعد از ارتحال آیت الله حائری (ره) در سال ۱۳۵۵ قمری با توجه به این که مرجعیت آن زمان آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی در نجف اقامت داشتند و سرپرستی حوزه بلا تکلیف مانده بود، بنابه پیشنهاد امام خمینی (ره) و عده ای از مدرسین حوزه از حضرت آیت الله بروجردی که در آن زمان در بیمارستان فیروز آبادی بستری بودند و محل سکونتشان بروجرد بود، دعوت به عمل آوردند تا به قم بروند و سرپرستی حوزه علمیه قم و طلاب را در آن شرایط خاص به عهده گیرند و برای این امر آیت الله شیخ محمد صدوقی به همراه چند تن دیگر عازم شدند و موفق به جلب نظر حضرت آیت الله بروجردی گشتند و آن بزرگوار رحل اقامت در قم افکندند. آیت الله صدوقی نقش عمده ای در سازماندهی حوزه بر عهده گرفت و ضمن تدریس علوم دینی به شاگردان حوزه ها، خود نیز از محضر بزرگانی چون آیات عظام سید محمد تقی خوانساری ، حجت ، صدر و بروجردی استفاده نمود.

آیت الله صدوقی در سال ۱۳۳۰ به یزد مراجعت کرد و بنابه پیشنهاد روحانیون سرشناس یزد در آن شهر ماندگار، و به تدریس مشتاقان پرداخت و در ضمن ایجاد تغییراتی ، مدارس دینی را نوسازی نمود.

امام (ره) و آیت الله صدوقی

آیت الله صدوقی در سال ۱۳۴۹ قمری به قم رفت و در آنجا با امام خمینی (ره) و تفکرات و روحیات ایشان بیش از پیش آشنا شد. امام (ره) در آن وقت یکی از مدرسین خیلی مبرز حوزه قم بودند و حضرت آیت الله صدوقی هفته ای چند جلسه به خدمت ایشان می رسیدند.

با شروع نهضت امام (ره) در سال ۱۳۴۳ و ادامه آن ، آیت الله صدوقی نیز با نهضت ایشان همراه و همگام با نهضت شد نقش بزرگی را در سازماندهی روحانیون و روشنگری مردم یزد ایفا کرد و از آن تاریخ در تمام فراز و نشیبهای حرکت انقلاب اسلامی از یاران امام (ره) و از مروجان افکار متعالی رهبر کبیر انقلاب اسلامی بشمار می رفت .

پس از تبعید امام (ره) به ترکیه و سپس به نجف اشرف ، ارتباط مرحوم صدوقی با امام (ره) قطع نشد، بلکه آن شهید بزرگوار از طریق مراسلات با امام (ره) رابطه برقرار، و تا آخرین حد توان خویش ، امام (ره) را در مبارزه با رژیم همراهی کرد.

آیت الله در حین مبارزات مردم مسلمان ایران برای سرنگونی رژیم پهلوی ، پیامهای امام (ره) را که توسط تلفن به او می رسید، به اطلاع علمای مشهد، تبریز و شیراز و دیگر شهرها می رساند.

شهید صدوقی در مبارزه با شاه یکی از محورهای مبارزه محسوب می شد. او اعلامیه هایی در محکوم نمودن جنایات رژیم از جمله فاجعه سینما رکس آبادان صادر کرد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در مورد مسائل مهم انقلاب همواره مورد مشورت پیشتازان روحانیت مبارز بود.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز در مورد مسائل مهم همواره مورد مشورت پیشتازان روحانیت مبارز بود. شهید آیت الله صدوقی در تاریخ ۳۱ مرداد ۱۳۵۸ به عنوان امام جمعه منصوب شده (۳۳) و هنگامی که حادثه تاسف بار زلزله کرمان به سال ۱۳۶۰ روی داد از طرف امام خمینی (ره) مسئول رسیدگی به زلزله زدگان آن استان شد و زحمات زیادی را در این راه متحمل گشت (۳۴).

پیام امام خمینی (ره) به مناسبت شهادت آیت الله صدوقی (۳۵) دهم ماه مبارکرمضان ۱۴۰۲

قربانی شدن و قربانی دادن در راه انقلاب و پیروزی آن اجتناب ناپذیر است بویژه انقلابی که برای خداست ... قربانی برای یک انقلاب بزرگ نشانه یک پیروزی و نزدیک شدن به هدف است .

(... چه کسی اولی به شهادت است در زمانی که کفر بنی امیه اسلام را تهدید می کرد، از فرزند معصوم پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و فرزندان و اصحاب او و چه کسی اولی به شهادت است در عصری که استکبار جهانی و فرزندان خلف آن در داخل و خارج، اسلام عزیز را تهدید می کنند، از امثال شهید بزرگوار ما و فقیه متعهد و فداکار اسلام شهید صدوقی عزیز - رضوان الله علیه - شهید بزرگی که در تمام صحنه های انقلاب حضور داشت و یار و مددکار گرفتاران و مستمندان بود.

(... این مدعیان خدمت به خلق و قیام برای خلق که در بیغوله ها خزیده و در حال انقلاب به چپاول اسلحه و مهمات بیت المال خلق فعالیت شبانه روزی نمودند، اینک که خداوند تعالی چهره کریه شان را آشکار کرد و دستشان را از مال و جان خلق الله کوتاه نمود، چنین خدمتگذاران را از این خلق می گیرند.

(... این جانب دوستی عزیز که بیش از ۳۰ سال با او آشنا و روحیات عظیمش را از نزدیک درک کردم از دست دادم و اسلام

خدمتگذاری متعهد و ایران فقیهی فداکار و استان یزد سرپرستی دانشمند را از دست داد و در ازاء آن به هدف نهایی که آمال این شهیدان است نزدیک شد.

شهید صدوقی از زبان مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای

(این بزرگوار از کسانی بود که در انقلاب بزرگ اسلامی ما نقش قابل توجهی داشت . از جمله خصوصیات حضرت آیت الله صدوقی که او را در حرکات انقلابی به صورت فردی موثر درمی آورد، شجاعت آن مرد بود... در حمله بیت المقدس حاضر بود و همه مردم در تلویزیون دیدند که ایشان چه رزمنده خستگی ناپذیری بود و دنبال کار خود بود و خستگی نداشت و یک خصوصیت دیگر ایشان که واقع "مهم بود این بود که تسلیم و مطیع امام بود... نکته دیگری که در کار ایشان وجود داشت که بسیار جالب بود و مهم بود روح رهبری اشان بود. آقای صدوقی را من در یزد رهبر به معنای واقعی یافتیم .)

شیخ عبدالحسین امینی ، معروف به (علامه امینی) و (صاحب الغدیر) در سال ۱۳۲۰ هجری قمری در تبریز بدنیا آمد. در آغاز در کنار پدر - که از عالمان پرهزگر آن سامان بود - پرورش یافت و در مدارس آن شهر مقدمات علوم را بیاموخت .

آنکه در محضر عالمانی چون سید محمد مولانا (۳۶) و سید مرتضی خسرو شاهی (۳۷) و شیخ حسین (۳۸) به فراگرفتن مراحل دیگری از علوم اسلامی پرداخت . سپس راهی نجف شد. در آنجا نزد استادان بزرگ به ادامه تحصیل نشست ، از جمله سید محمد فیروز آبادی (م ۱۳۴۵ ق ) و سید ابوتراب خوانساری (و ۱۳۴۶ ق ) و پس از در گذشت این دو استاد به محضر دیگر عالمان راه یافت .

### خاندان وی

پدر علامه امینی ، حجت الاسلام حاج میرزا احمد امینی (۱۲۸۷ - ۱۳۷۰ ق ) - چنانکه یاد شد - خود از افاضل و عالمان نامی تبریز بود، که موقعیت علمی وی از طرف فقهایی چون آیت الله میرزا علی آقای شیرازی و حاج میرزا علی ایروانی (شاگرد روحانی انقلابی ، میرزا محمد تقی شیرازی م ۱۳۳۸ ق ) مورد تایید قرار گرفته بود. او شخصیتی بود برجسته که به حسن سیرت و تقوی موصوف و عمری را به ورع و پرهیزکاری گذارنیده بود. علامه حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی ، شرح حال وی را در (طبقات اعلام الشیعه ) (نقباء البشر، ج ۱/۱۲۴) آورده است و از جمله گوید: (هو الشیخ المیرزا احمد بن المولی نجفعلی الامینی التبریزی ، عالم فاضل ، و له تعلیقۀ علی (المکاسب ) کان مولعا بالکتابۀ و الاستنساخ ، کتب بخطه کتبا کثیرۀ من تالیف القدماء، مثل (صفات الشیعه ) للصدوق ... و کان جمیل الصورة حسن الخلق ... ذکر الشیخ محمد خلیل الزین فی مقدمۀ (شهداء الفضیلۀ و هو والد العلامة الشیخ عبدالحسین الامینی ، صاحب الغدیر و غیره )

نیای علامه امینی ، مولی نجفعلی مشهور به امین الشرع (۱۲۵۷ - ۱۳۴۰ ق ) نیز از فاضلان و متقیان تبریز بود. او علاقه ای شدید به گردآوری کلمات ائمه اطهار داشت و در این مقوله ، مجموعه هایی چند گرد آورده بود. به فارسی و ترکی نیز شعر می سرود. و نسبت این خاندان به (امینی )، از همین لقب (امین الشرع ) نیای آنان بود. بدین گونه خاندان علامه امینی ، خود خاندانی بود اهل علم و فضل و تقوی و اخلاق و دارای سابقه در خدمات دینی .

عبدالحسین همان گونه که دروس متداول حوزه های علمیه را فرا می گرفت و به حفظ اشعاری چون (الفیه ابن مالک ) در علم نحو می پرداخت ، در سایه هدایت پدر اشعاری هم از بزرگان دین حفظ کرد. از اولین شعرهایی که پدر، فرزند و شاگردش را به آموختن و حفظ آن تشویق کرد، شعری از حضرت علی (علیه السلام ) بود که در این ابیات حضرت خود را معرفی نموده اند: (۳۹)

و حمزه سيدالشهداء عمى

و جعفر الذى يضحى و يمسى

يطير مع الملائكه ابن امى

و بنت محمد سكنى و عرسى

منوط لحمها بدمى و لحمى

و سبطا احمد ولدائى منها

فانكم له ، سهم كسهمى

سبقتكم الى الاسلام طرا

على ما كان من فهمى و علمى

فاوجب لى ولايته عليكم

رسول الله يوم غدير خم

فويل ثم ويل ثم ويل

ترجمه :

محمد پیامبر خدا(ص)، برادر مهربان و پدر زن من است و حمزه سرور شهیدان عموی من .

و جعفر، آن که روز و شب با فرشتگان هم پرواز است پسر مادر من است .

دخت پیامبر(ص)، مایه آرامش دل و همسر من است خون و گوشت او با خون و گوشت من بستگی دارد.

و دو نوه پیامبر(ص)، پسران من و فاطمه اند به من بگویید کدامیک از شما چنین بهره ای دارید؟

پیش از همه شما آگاهانه اسلام اختیار کردم .

و پیامبر خدا(ص)، در روز غدیر خم، به امر خدا، ولایتم را بر شما واجب نمود.

پس وای بر آن که در روز باز پسین به ملاقات خدا رسد، در حالی که به من ظلم نموده باشد.(۴۰)

این اشعار در جواب نامه معاویه است که خود را این گونه نموده بود:

من دارای فضایی هستم، پدرم در جاهلیت، بزرگ و آقا بود، در اسلام به پادشاهی رسیدم . خویشاوند پیامبر، دایی مومنان و

نویسنده وحی الهی هستم .

امام علی (علیه السلام) چون دید پسر هند جگرخوار این همه فضایل برای خود می شمرد این ابیات را در جواب نامه او فرستاد.

معاویه تا اشعار را خواند دستور داد که از دسترس مردم شام دور نگهداشته شود که مبادا به آن بزرگوار متمایل گردند.

بیهقی می گوید: (حفظ این اشعار بر همه شیعیان علی (علیه السلام) لازم است تا مفاخر آن حضرت را بدانند.)

شیخ عبدالحسین به مسائل اعتقادی و علوم دینی خصوصا مباحث امامت و رهبری علاقه نشان می داد و شیفته سخنان پدر و

استادش در این باره بود.

اهتمام به قرآن و حدیث بخصوص به نهج البلاغه وی را عاشق امام علی (علیه السلام) کرد. قرآن و نهج البلاغه دو کتاب گرانقدر

برای این محصل جوان بود. وی این دو کتاب را بارها مطالعه و در معانی آن ها دقیق شد. گاهی به هنگام مطالعه این دو کتاب می

گریست و نم اشک بر گونه اش جاری می شد و حقایق تابناک این دو کتاب چون دری گرانمایه در سینه وی ثبت می گردید.

عشق به امام علی (علیه السلام) و علاقه به تحصیلات عالی، وی را به کوی عشق هدایت کرده بود. امینی هوا خواه علی (علیه

السلام) بود خود می دانست که علی (علیه السلام) او را به شهر خویش فراخوانده است . او همواره زیر لب زمزمه می نمود:

ملک در سجده آدم، زمین بوس تو نیت کرد

که در حسن تو لطفی دید بیس از حد انسانی



شهر نجف با سابقه دیرینه از عصر شیخ طوسی مهد علم و تقوی و فضیلت بود و بزرگ دانشگاه عالم تشیع محسوب می گشت و مکان مناسبی برای تحصیل علوم اسلامی بود.

در ایران اوضاع آشفته ای حاکم بود، رضاخان در صدد خلع احمد شاه و رسیدن به سلطنت بود. مجلس شورای ملی نیز به دو گروه هواداران رضاخان به رهبری (تدین) و مخالفین او به رهبری شهید مدرس تقسیم شده بود. جو حاکم بر کشور جو اختناق و خفقان بود و زمینه مساعدی برای تحصیل و تدریس علمای اسلام وجود نداشت. امینی که با هجرت به نجف اشرف درصدد تکمیل معارف الهی بود در بدو ورود در محضر درس حضرات آیات سید محمد فیروز آبادی (متوفی ۱۳۴۵ هجری قمری) و سید ابوتراب خوانساری (متوفی ۱۳۴۶ هجری قمری) حاضر شد و به فراگیری حقایق مکتب توحید پرداخت.

اولین تالیف علامه

علامه امینی در اولین تالیف خویش ابداع و ابتکاری به کار برد که پیش از آن کسی به انجامش نشده بود. با تالیف گرانبهای شهداء الفضیله در سال ۱۳۳۵ هجری قمری سبقت را از همگان ربود و بر گذشتگان و معاصران خویش برتری یافت. از کتابهای قدیمی خطی کمیاب گزارشاتی درباره علمای گذشته و قریب العهد که در راه حق شهید شده اند فراهم آورد و به جاودانگی رساند.

علامه امینی با تالیف کتاب (شهداء الفضیله) پرچمدار علم، مظهر راستی و صفا، مدافع حریم ولایت و امامت و مجاهدی نستوه شناخته شده، و از این رو مورد توجه دانشمندان عصر خود قرار گرفت. حضرات آیات سید ابوالحسن اصفهانی، حاج آقا حسین طباطبایی قمی، شیخ محمد حسین غروی اصفهانی و علامه محقق شیخ آقا بزرگ تهرانی هر یک با تمجید و تقریظی علامه مجاهد را آن گونه که شایسته بود ستودند. علامه در آن موقع بیش از سی و سه سال نداشت و با القابی چون (العلامة البارع، علم الیقین، جمال الملة و الدین، ...) انه من افاذ الذهر و حسنات العصر و رجالات الامة) ستایش می شد.

علامه امینی در کتاب (الشهداء الفضیله) مواضع ۱۳۰ تن از علمای دین و پیروان علی (علیه السلام) و آل علی (علیه السلام) را از قرن چهارم تا چهاردهم به رشته تحریر درآورد.

بزرگترین اثر علامه (کتاب الغدیر)

حضرت آیت الله امینی زمانی همت به تالیف (الغدیر) گماشت و خواست خاطره سال دهم هجرت و واقعه غدیر را زنده کند که وهابیت ریشه گرفته و درصدد نابودی تمام آثار و بقایای ائمه (علیهم السلام) بود. وهابیهها که خود ویران ساختن گنبد و بارگاه ائمه اطهار و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) را واجب می دانستند، همه طوایف مسلمانان را کافر می شمردند و متهم به شرک و الحاد می نمودند و کشتن آنان را روا می دانستند.

علامه امینی به عنوان یک اسلام شناس، یک مصلح و فیلسوف اجتماعی پا به میدان نهاد تا با احیای (غدیر) مدینه فاضله اسلامی را به امت اسلامی عرضه دارد. رسالت امینی، احیای اندیشه های ناب اسلامی بود و ایشان نسبت به تهاجم گسترده غرب به اسلام

نیز توجه داشت، تهاجمی که در ترکیه با به قدرت رسیدن آتاترک و در ایران با به قدرت رسیدن رضاخان در حال توسعه بود. علامه امینی با تالیف (الغدیر) خاطرات عصر نبوی را تجدید می کند، عصری که سروری از آن امت قرآنی است و رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) رهبری آن را بر عهده دارد و بعد از خود علی ابن ابیطالب (علیه السلام) را به عنوان وصی و جانشین معرفی کرده است.

امینی احیاگر سنت نبوی، با الغدیر جلوه های شوکت و عظمت امت اسلامی را در خاطره ها زنده می دارد و اصل اصیل و محور حکومت قرآنی، جریان غدیر خم را یادآور می شود.

امینی در عصری زندگی می کند که شکست دولت عثمانی روی داده است، شکستی که اگر اصل (غدیر) و رهبری امت آن گونه که پیامبر اسلام و قرآن کریم فرموده بودند، اجرا می شد، روی نمی داد و انگلیس را جرات آن نبود که عراق را جزء مستعمرات خویش درآورد. (۱۹۱۷ م)

علامه امینی در عصر افول قدرت عثمانی و جایگزینی استعمار غرب به تالیف (الغدیر) پرداخت تا با یاد غدیر دریایی خروشان و مواج از امت اسلامی فراهم آورد و سد استعمار و استبداد را فرو ریزد.

داستان بزرگ و مهم غدیر خم داستان ولایت کبری، داستان آراستن و کامل ساختن دین است و اتمام نعمات و خشنودی پروردگار است.

علامه نستوه در پی اسناد حدیث غدیر، ۲۴ کتاب تاریخی و ۲۷ محدث و ۱۴ مفسر قرآن و ۷ متکلم اسلامی را می یابد که به نقل حدیث نبوی پرداخته اند. آنگاه راویان حدیث غدیر از صحابه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را به ترتیب حروف الفبا ذکر می کند. وی ۱۱۰ تن از اصحاب را نام می برد که حدیث غدیر را روایت کرده اند و به نام ۸۴ تابعی اشاره می کند؛ سپس طبقات راویان حدیث غدیر از علما را بر می شمرد. از علمای قرن دوم هجری تا قرن چهاردهم ۳۶۰ تن را ذکر می کند که به نقل حدیث شریف غدیر موفق شده اند.

علامه مجاهد برای یافتن مدارک معتبر بارها به اقصی نقاط جهان مسافرت می کند. از آن جمله سفری به هند می کند و با سید سعید العلماء موسوی فرزند شمس العلماء سید ناصر حسین نواده میر حامد حسین صاحب عبقات الانوار ملاقات می نماید.

علامه مصلح با جمع آوری اجتماعات پیشوایان شیعه و گواهی بزرگان صحابه و شعرای حماسه سرای عصر توحید و سخنان راه پویان خستگی ناپذیر، تمامی زمینه های شک و تردید را از بین می برد و معلوم می دارد که حدیث غدیر جز از ذات پاک و بی

آلایش حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) صادر نشده است.

سال ۱۳۶۴ هجری قمری (۱۳۲۴ هجری شمسی) چاپ اول کتاب در نجف آغاز می شود و تا نه جلد آن به طبع می رسد و در سراسر ممالک اسلامی و غیر آن منتشر می شود. با پذیرش الغدیر در جهان اسلام، واقعه غدیر به عنوان محور حرکت اسلامی و بنیان حکومت دینی و مذهبی اسلام قرار می گیرد.

تالیفات علامه امینی (۴۱)

مرحوم علامه امینی علاوه بر تالیف کتاب (شهداء الفضیلة) و کتاب بزرگ (الغدیر) کتب دیگری نیز از خود بجای نهاده است که عبارتند از:

۱ - کامل الزیارات ابن قولویه (تحقیق و تعلیق)

۲ - ادب الزائر لمن یتئم الحائر

۳ - سیرتنا و سنتنا و سیره نبینا و سنته

۴ - اعلام الانام فی معرفه الملک العلام (در توحید) به فارسی

۵ - تفسیر آیه (قالو ربنا امتنا اثنتین ...)

۶ - تفسیر آیه (و اذ اخذ ربک من بنی آدم ...) (به نام الميثاق الاول)

۷ - تفسیر آیه (و کنتم ازواجاً ثلاثه)

۸ - تفسیر آیه (و لله الاسماء الحسنی)

۹ - تفسیر سوره (حمد)

۱۰ - ثمرات الاسفار (در ۲ جلد)

۱۱ - حاشیه بر رسائل شیخ انصاری

۱۲ - حاشیه بر (مکاسب) شیخ انصاری

۱۳ - رساله در حقیقت زیارات (در پاسخ علمای پاکستان)

۱۴ - رساله در علم درایه

۱۵ - رساله در نیت

۱۶ - ریاض الانس (در جلد هر جلد ۱۰۰۰ صفحه)

۱۷ - العتره الطاهره فی الکتاب العزیز

تاسیس بوستان هدایت

در سال ۱۳۷۳ هجری قمری ، هشت سال پس از انتشار نخستین جلد الغدير (مکتبه الامام اميرالمؤمنين (عليه السلام ) کتابخانه

عمومی امام اميرالمؤمنين (عليه السلام ) با همت والای علامه مجاهد در روز غدیر افتتاح می شود و در سایه کوشش مستمر حضرت آیت الله امینی و یارانش با نسخه برداری از کتب نایاب و منحصر بفرد، گنجی در پرتو ولایت در نجف به وجود می آید. شیفتگان مولی الموحدين علی (عليه السلام ) نیز هر یک به نوبه خویش با شور و شغف بسیار در تهیه نسخه های خطی و چاپی کتابخانه به موسس آن یاری می رسانند و در حدود ۴۲۰۰۰ جلد کتاب به زبانهای مختلف فراهم می شود.

حضرت علامه امینی با تاسیس این کتابخانه در نجف اشرف می خواهد تا دانشگاه بزرگ عالم تشیع به قدر ممکن از کتاب بی نیاز شود. نجف در نظر ایشان پایگاه ولایت و مرکز تشیع است و بر خود لازم می داند تا با تاسیس کتابخانه ای بزرگ ، انقلاب فرهنگی و تحول عظیمی را که با تالیف الغدير به وجود آمده است ، به کمال برساند.

دیدگاه علامه امینی درباره ولایت فقیه

در عصر علامه مجاهد، دانشمندان و مجتهدان دینی هر یک به روشی به مقابله با نظام طاغوت برآمدند و هر یک با ایجاد نهضتها و حرکتها اصلاحی به مقابله با تجاوز و استعمار برخاستند و در احیای ارزشهای اسلامی پافشاری کردند.

نواب صفوی از شاگردان مخلص مکتب غدیر علامه امینی شد و به مبارزه علیه طاغوت پرداخت . روش علامه نستوه از گونه ای دیگر بود. وی معتقد بود. وی معتقد بود که باید کاری ریشه ای انجام داد.

علامه امینی ، با مطرح نمودن ولایت و امامت و بحثهای عمیق علمی و کاوشگرانه پیرامون آن از نخستین متفکران اسلامی بود که به ولایت فقیه در عصر غیبت رسید و بحث و درس اختصاصی پیرامون آن را امری لازم و ضروری دانست . ایشان حکومت را از آن ولی فقیه به حساب آورد و گفت : (دیگران غاصبند و این مقام حق مسلم آن فریادگر است .)

در جای دیگر به صراحت هر چه تمامتر ندا برداشت :

(الامام الخمينی ذخیره الله للشیعة ) امام خمینی ذخیره خدا برای جهان تشیع است . چه او از طلوع فجر صادق خبر داشت و رسالتی که بر دوش مجدد قرن نهاده شده بود. از این رو علامه شاگردی تربیت کرد چونان نواب صفوی تا حکومت علوی را فریاد زند و با یاران خویش پایه های حکومت غاصبان را به لرزه درآورد.

نماز آخر

تلاش بی پایان ، معمار مدینه غدیر را دچار فتور جسمی کرد و بیمار شد. بیماری اندک اندک رو به فزونی گرفت . وی از کار باز ماند.

مصلح کبیر در بستر بیماری بود که حضرت آیت الله العظمی حکیم (ره ) رخت از جهان بر بست . بیماری و بستری شدن علامه حدود دو سال به طول انجامید و معالجات خارج از کشور هم مفید واقع نشد، تا این که آیتی از آیات الهی و عاشقی از عاشقان ولایت و

مجاهدی نستوه روز جمعه ۱۲ تیر ماه ۱۳۴۹ برابر ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۹۰ هجری قمری نزدیک ظهر به درود جهان گفت . وی که همواره در نماز بود و جز به عبادت خدای کعبه خدمت به مولود آن کاری دیگر نداشت در هفتاد سالگی از دنیا رفت . جنازه علامه پس از مدتی به نجف اشرف منتقل گردید و در کتابخانه ای که خود تاسیس کرده بود به خاک سپرده شد و در جوار مولای خویش امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در کتابخانه عمومی (مکتبۀ الامام امیرالمؤمنین العامه) که خود تاسیس کرده بود به خاک سپرده شد.

۱۲ تیر ۱۳۶۷ / ژوئیه ۱۹۸۸

سقوط هواپیمای مسافربری جمهوری اسلامی ایران توسط ناو وینسنس آمریکا  
روز یکشنبه ۱۲ تیر ۱۳۶۷ مطابق با ۳ ژوئیه ۱۹۸۸ هواپیمای ایرباس هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران با ۲۵۷ مسافر و ۱۶ خدمه فرودگاه بندرعباس را به مقصد دوبی ترک گفت . سطح پرواز این هواپیما ۱۴۰۰۰ پا تعیین شده بود. در ساعت ۲۴:۱۰ به وقت محلی ، سطح پروازی ۱۲۰۰۰ پا را گزارش نمود و از آن لحظه به بعد دیگر تماسی از طرف خلبان گرفته نشد. در واقع از این لحظه به بعد هواپیما مورد اصابت ۲ فروند موشک سطح به هوای ناو وینسنس ایالات متحده آمریکا قرار گرفته و در نزدیکی تنگه هرمز بین شارجه و بندرعباس در نزدیکی جزیره ایرانی (هنگام) منفجره و سقوط کرده بود.

در این فاجعه تمامی سرنشینان هواپیما به شهادت رسیدند و نیز ۶۶ کودک زیر ۱۲ سال و ۵۲ زن در میان قربانیان بودند و ۴۶ تبعه کشورهای یوگسلاوی ، کویت ، افغانستان ، هندوستان ، پاکستان ، ایتالیا، شارجه و دوبی از جمله وابسته نظامی پاکستان در ایران و خانواده اش در میان کشته شدگان بودند.

شرح حادثه

یک سال پس از تجاوز رژیم عراق علیه ایران در سال ۱۳۶۰ حمله به کشتیهای تجاری در خلیج فارس شروع شد و با اعلام مین گذاری سواحل بندر امام خمینی (ره) و حمله به دو کشتی تجاری در تاریخ ۲۱ / ۱۰ / ۱۳۶۰ امنیت خلیج فارس توسط عراق مختل شد و به دنبال تحویل هواپیماهای سوپراتاندارد و این حملات که عراق به صراحت مسئولیت آن را بر عهده می گرفت ، شورای امنیت عکس العمل مناسبی نشان نداد، ولی در اقبال انتساب چند حمله به ایران و شکایت شورای همکاری خلیج فارس ، شورای همکاری خلیج فارس ، شورای امنیت در ۱۱ / ۳ / ۱۳۶۳ مطابق با اول ژوئن ۱۹۸۴ مبادرت به صدور قطعنامه ۵۵۲ نمود و در آن خواستار توقف این حملات شد.

از آغاز جنگ تا ۱۰ ژوئیه ۱۹۸۴، ۱۱۲ کشتی در خلیج فارس مورد حمله موشکی قرار گرفت . جمهوری اسلامی ایران در ژانویه

۱۹۸۵ به دبیر کل وقت سازمان ملل اعلام داشت که از هر گونه اقدامی برای تأمین آزادی و امنیت کشتیرانی که در خلیج فارس

صورت گیرد حمایت و استقبال خواهد کرد، اما حملات به کشتیها ادامه یافت . تا تیر ۱۳۶۶ حدود ۸/۵ میلیون تن کالا از محوله های

کشتیها در خلیج فارس به زیر آب رفت . ۴۱ کشتی کاملاً نابود، و به ۳۴ تن محوله کالا آسیب وارد، و بیش از ۲۰۰ تن از ملوانان کشورهای مختلف به قتل رسیدند و به همین تعداد نیز مجروح شدند.

بدین ترتیب عراق در هدف خود مبنی بر بین الملل کردن جنگ خلیج فارس تا اندازه زیادی موفق شد و قدرتهای غربی و در رأس آنها آمریکا حضور گسترده و تهدیدآمیزی در خلیج فارس یافتند و بالاخره کشتی های کویتی با پرچم آمریکا در خلیج فارس حرکت کردند و اسکورت نظامی نفتکشها و کشتی های تجاری مورد نظر آمریکا در خلیج فارس آغاز شد. ۲۱ سپتامبر ۱۹۸۷ کشتی (ایران اجر) مورد حمله نیروهای نظامی آمریکا واقع شد. همچنین حملات نظامی آمریکا به سکوهای نفتی ایران دخالت آشکار آن دولت در منطقه به نفع عراق و علیه جمهوری اسلامی ایران را به وضوح نشان داد.

یکی از نتایج شوم این همه تشنج آفرینی رژیم عراق و دامن زدن ایالات متحده به ناامنی در خلیج فارس ، حمله به هواپیمای مسافربری جمهوری اسلامی ایران بود که در مورخه ۱۳۶۷/۴/۱۲ مطابق با ۳ ژوئیه ۱۹۸۸ برفراز آبهای سرزمینی ایران و در آبهای حوالی جزیره هنگام توسط دو موشک از ناو آمریکایی وینسنس - که خود به آبهای سرزمینی ایران تجاوز کرده و در آن مستقر بود - شلیک و تمامی مسافران و خدمه هواپیما به وضع اسفناکی به شهادت رسیدند.

متعاقب این تجاوز آشکار، جمهوری اسلامی ایران در روز ۱۴ تیر ۱۳۶۷ طی نامه ای به رئیس شورای امنیت خواستار تشکیل جلسه فوری شورا برای رسیدگی به موضوع شد. ۲۵ تیر ۱۳۶۷ مطابق با ۱۶ ژوئیه ۱۹۸۸ شورا تشکیل جلسه داد. از سوی جمهوری اسلامی ایران دکتر ولایتی وزیر امور خارجه وقت ایران و از جانب آمریکا جرج بوش معاون وقت رئیس جمهوری در جلسه حضور داشتند. وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران در فرآزی از سخنان خود عنوان کرد:

حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس تنها منادی مرگ و بی قانونی و شرارت بوده و جز ناامنی چیزی به ارمغان نیاورده است . عمل جنایتکارانه آمریکا در حمله به هواپیمای کشوری به هیچ وجه در قالب دفاع مشروع قابل توجیه نیست .

قطعه نامه ۶۱۶ شورای امنیت (۱۹۸۸) (۴۲)

شورای امنیت پس از استماع سخنان دکتر ولایتی و جرج بوش در جلسه شماره ۲۸۲۱ خود در تاریخ ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۸ (۱۳۶۷/۴/۲۹) طرح قطعنامه پیشنهادی را به عنوان قطعنامه شماره ۶۱۶ تصویب کرد. متن قطعنامه به شرح زیر است :

(شورای امنیت ، با بررسی نامه مورخه ۵ ژوئیه ۱۹۸۸ جانشین نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران خطاب به رئیس شورای امنیت و با استماع بیانات نماینده جمهوری اسلامی ایران ، وزیر امور خارجه علی اکبر ولایتی و سخنان نماینده ایالات متحده آمریکا معاون رئیس جمهور جرج بوش ، با ابراز تاسف عمیق از این که یک هواپیمای غیر نظامی (ایران ایر) در پرواز برنامه ریزی شده بین المللی ۶۵۵ در پرواز بر فراز تنگه هرمز به وسیله موشک شلیک شده از ناو جنگی ایالات متحده آمریکا (وینسنس ) منهدم گردید، با تاکید بر ضرورت تبیین حقایق سانحه توسط بازرسی بی طرفانه ، با اضطراب عمیق از تشنج دائم التزاید در منطقه خلیج فارس )،

۱ - تاسف عمیق خود را از ساقط ساختن هواپیمای غیر نظامی ایران به وسیله موشکی که از یک ناو جنگی آمریکا شلیک شده و تسلیت عمیق خود را به خاطر از دست رفتن غم انگیز جان انسانهای بی گناه ابراز می دارد.

۲ - همدردی صمیمانه خود را به خانواده های قربانیان سانحه غم انگیز و دولتها و کشورهای آنان اعلام می دارد.

۳ - از تصمیم سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری در پاسخ به درخواست جمهوری اسلامی ایران مبنی بر ایجاد گروه تحقیق

برای بررسی تمام حقایق موجود و جنبه های فنی زنجیره حوادث مربوط به این پرواز و انهدام هواپیما و همچنین از اعلام ایالات

متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران مبنی بر تصمیمشان برای همکاری با بررسی سازمان هواپیمایی کشوری استقبال می کند.

۴ - از تمامی اعضای کنوانسیون ۱۹۴۴ شیکاگو در مورد هواپیمای کشوری بین المللی درخواست می کند که در همه شرایط مقررات

و رویه های سلامت هوانوردی کشوری بویژه ضوابط آن کنوانسیون به منظور جلوگیری از چنین پیشامدهایی را دقیقاً مراعات نمایند.

۵ - لزوم اجرای فوری و کامل قطعنامه ۵۹۸ (۱۹۸۷) شورا را به عنوان تنها مبنای حل جامع ، عادلانه ، شرافتمندانه و پایدار منارعه

میان ایران و عراق ابراز و پشتیبانی خود را از دبیر کل برای اجرای این قطعنامه اعلام و خود را ملتزم به همکاری با دبیر کل برای

تسریع در اجرای طرح اجرایی او می نماید.

در بررسی این قطعنامه ، صرف نظر از کاربرد نام ناقصی به جای خلیج فارس و قطع نظر از ارتباطی که در قطعنامه بین مساله جنگ

و ساقط ساختن هواپیمای ایرانی ایجاد شده و یابیشی بینی نشدن محکومیت و جبران خسارت وارده و سایر مسئولیتهای ناشی از

حمله مشاهده می شود که شورای امنیت از شورای ایکنائو با آن که یک مرجع فنی و تکنیکی و بالاترین ارگان مسئول امنیت و

سلامت پروازهای بین المللی است ، به دنبال در خواست جمهوری اسلامی ایران برای تشکیل جلسه رسیدگی به موضوع و پس از

بررسی در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۲۳ (۱۴ ژوئیه ۱۹۸۸) به صدور بیانیه بسنده کرد و در آن ضمن ابراز تاسف عمیق و همدردی و با تاکید بر

اصل عدم کاربرد زور علیه هواپیماهای غیر نظامی کاربرد سلاح علیه یک هواپیمای مسافری (بدون ذکر جزئیات) را تقبیح کرد و

هیاتی را مامور رسیدگی به موضوع نمود. قطعنامه شورای امنیت از نظر محتوا و کلمات به کار رفته در آن ، از بیانیه شورای ایکنائو

قوی تر و محکم تر است . مضافاً این که با توجه به ساختار شورای امنیت و جو فشار و تهدیدی که در هنگام تصویب قطعنامه ۶۱۶

علیه جمهوری اسلامی ایران وجود داشت و نیز وضعیت جبهه های جنگ ، می توان صدور قطعنامه ۶۱۶ را نوعی موفقیت برای

جمهوری اسلامی ایران به حساب آورد. جمهوری اسلامی ایران علاوه بر شورای امنیت و شورای ایکنائو شکایت خود را در دیوان بین

المللی دادگستری لاهه نیز مطرح کرد.

در بررسی سانحه مشخص شد که هواپیمای مسافری برفراز آبهای سرزمینی ایران مورد هدف واقع ، و در حوالی جزیره هنگام سقوط

کرده است . و در این تهاجم ناو وینسنس به آبهای سرزمینی ایران تجاوز کرده است . قبل از این واقعه نیز توسط نیروهای آمریکایی

، به هواپیماهای گشت ایرانی از لحظه برخاستن از باند بندرعباس تا لحظه فرود اخطار داده می شد. معنای این اقدام آن است که

نیروهای آمریکایی حتی برفراز خاک جمهوری اسلامی ایران نیز هواپیماهای ایرانی را مورد تهدید قرار می دادند در ۸ ژانویه ۱۹۸۸ آمریکاییان مرتکب نقص حریم هوایی ایران برای رهگیری شدند. از دیگر سو نیروهای آمریکایی بدون مجوز شورای امنیت در منطقه حضور پیدا کرده و با نقض بی طرفی در خلیج فارس علیه ایران و به نفع عراق عملاً در کار بازرسی کشتیها از سوی جمهوری اسلامی ایران ممانعت به عمل می آوردند و نیز در مقابل تهاجم عراق به کشتیهای تجاری ساکت و در برابر عمل متقابل ایران عکس العمل نشان می دادند و تا آنجا پیش رفتند که سکوهاى نفتی ایران و کشتی ایران (ایران اجر) را مورد حمله قرار داده و به آتش کشیدند.

ماده ۲ (۴) منشور ملل متحد کلیه اعضا را از تهدید به زور یا استعمال زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری که با مقاصد ملل متحد مابینت داشته باشد، منه نموده است .

نیروهای نظامی آمریکا مستقر در آبهای خلیج فارس و دریای عمان در زمان حادثه و قبل از آن عملاً تمامین ارضی ایران را با استفاده از انواع ترفندها مورد تجاوز قرار داد و به انحاء مختلف کشتیها و هواپیماهای ایران را مورد تهدید قرار داد. حمله آمریکا به هواپیمای مسافری در حریم هوایی ایران و در مسیر هوایی بین المللی مشخص و اعلام شد که نقض قاعده حقوقی عدم توسل به زور و همچنین نقض آشکار تمامیت ارضی یک دولت عضو سازمان ملل می باشد. همچنین مصداق کامل تجاوز مندرج در بند (ب) ماده ۳ ضمیمه قطعنامه تعریف تجاوز مورخه ۱۹۷۴ مجمع عمومی سازمان ملل می باشد که به استناد آن کاربرد هر نوع سلاح توسط یک دولت علیه سرزمین دولت دیگر، محاصره بنادر یا سواحل یک دولت نیروهای مسلح دولتی دیگر را، از مصادیق تجاوز دانسته است و بالاخره بند (ت) ماده مزبور مبین آشکار تجاوز آمریکا به ناوگان هوایی دولت جمهوری اسلامی ایران محسوب می شود.

هر چند مجمع عمومی سازمان ملل در قطعنامه ۳۳۱۴ توجه شورای امنیت را به تعریف تجاوز جلب و به آن توصیه کرده است که در احراز تجاوز، تعریف مزبور را به نحو مقتضی راهنمای خود قرار دهد، اما عملاً شورای امنیت در قضیه مطروحه با جو حاکم بر شورا از کنار قضیه گذشته و دولت ایران را به اجرای قطعنامه ۵۹۸ سوق داده است و نهایتاً حمایت کامل نسبت به ایمنی هواپیماهای بین المللی و بویژه ممنویت مطلق توسل به زور که در ضمیمه دوم کنوانسیون شیکاگو مورد تاکید قرار گرفته و به صورت قاعده مسلم حقوق بین الملل درآمده است از طرف شورای امنیت کاملاً نادیده گرفته شده است .

عنصر تخصصی سازمان ملل متحد یعنی ایکائو (۴۳) نیز از مسائل سیاسی به دور نمانده و به جای بررسی فنی و ارائه طریق به شورای امنیت به ابراز تاسف و تسلیمیت به بازماندگان سانحه پرداخت (۴۴).



به دلیل حاکمیت چنین اوضاعی بر سازمان ملل متحد، آمریکا پس از سرنگونی هواپیما اعلام نمود که در نظر ندارد هیچ تجدید نظری در دستورات جنگی موجود به عمل آورد و با تشکیل نیروهای شورای امنیت برای برقراری امنیت در خلیج فارس بکرات مخالفت کرد.

۱۴ تیر ۱۳۴۱ / ۵ ژوئیه ۱۹۶۲

سالروز استقلال الجزایر

الجزایر دهمین کشور بزرگ دنیا است که در شمال آفریقا واقع و از نظر وسعت دومین کشور قاره آفریقا محسوب می شود. مساحت آن ۷۴۱،۳۸۱،۲ کیلو متر مربع می باشد. فاصله شرق به غرب الجزایر ۲۴۱۴ کیلومتر و جنوب تا شمال آن ۲۰۹۲ کیلو متر و طول سواحلش با دریای مدیترانه ۱۱۰۴ کیلو متر تخمین زده شده است و دارای ۷۴۷۶ کیلومتر مرز بین المللی می باشد. این کشور با تونس ۹۵۸ کیلومتر، با لیبی ۹۸۲ کیلومتر، با مراکش ۱۶۳۷ کیلومتر، با نیجر ۹۵۶ کیلومتر، با مالی ۱۳۷۶ کیلومتر و با موریتانی ۴۶۳ کیلومتر مرز مشترک دارد. الجزایر از نظر اقلیمی به ۳ ناحیه متفاوت، بخش ساحلی، فلات مرکزی، و ناحیه صحرایی تقسیم شده است. آب و هوای آن در بخش شمال دارای تابستانهای گرم و خشک و زمستانهای مرطوب و معتدل است. جمعیت الجزایر ۲۹،۱۸۳،۳۲۰ نفر (۱۹۹۷) و پایتخت آن الجزایر ۱،۵۰۷،۰۰۰ نفر جمعیت دارد.

در الجزایر بربرها و اعراب از نظر نژادهای و ترکیب قومیت از اکثریت ۹۹ درصد برخوردارند که هویت عربی یافته اند و زبان رسمی عربی است و زبانهای بربر و فرانسه نیز رواج دارد. زبان دوم مردم زبان فرانسه می باشد که یادگار دوران سلطه استعماری فرانسه بر این سرزمین است، اسلام دین رسمی مردم الجزایر (۹۹ درصد سنی) است. امروزه اقلیتی مسیحی و یهودی نیز در این کشور وجود دارند.

الجزایر با دو کشور مراکش و تونس در جمع (المغرب) نامیده می شود. این سرزمین از آغاز تاریخ، مسکن و ماوای بربرها بوده است. در حدود قرن ۱۲ قبل از میلاد فنیقیها آن را به تصرف خود درآوردند و کارتاژها نیز به مدت ۶ قرن بر آن حکمرانی کردند. در سال ۱۴۶ قبل از میلاد تحت تسلط امپراتوری روم بود و سپس زیر سیطره حکومت بیزانس (روم شرقی) قرار گرفت. در قرن هفتم میلادی برابر با اواسط قرن اول هجری این کشور به تصرف مسلمانان درآمد و سالهای متمادی مسلمین بر آن حکم راندند و اکثریت مردم این کشور به اسلام روی آوردند و زبان عربی را به عنوان زبان رسمی و زبا رایج به رسمیت شناختند. بعدها دیگر اقدام این کشور نیز بتدریج با اعراب آمیختند و تمامی تحت نفوذ فرهنگ و تمدن عالی اسلامی قرار گرفتند.

در طی اعصار و قرون متمادی چند سلسله از امرای محلی بر این سرزمین حکم راندند که مهمترین آنها (المروارید) و (المحدث) می باشند که با پشتیبانی دولت مراکش تاسیس شده بودند. سپس استعمار اسپانیا پیدا شد. این امر با نارضایتی بسیار مردم روبرو، و

موجب شورشهای فراوانی گردید. در قرن ۱۶ میلادی الجزایر به تصرف دولت عثمانی در آمد و در سال ۱۸۳۰ میلادی فرانسویان با یک بهانه واهی سعی در تسخیر این کشور مسلمان نشین کردند که با مقاومت شدید مردم روبرو شدند.

فکر عملی اشغال الجزایر از جانب فرانسه به سال ۱۸۲۷ میلادی باز می گردد که به دنبال اقدام (ناپلئون بناپارت) برای اشغال جزیره مالت قوت گرفت. از سال ۱۸۰۸ نهادهای فرانسوی کار تهیه نقشه و پروژه کامل اشغال الجزایر را در اجرای دستورات ناپلئون اول آغاز کردند. در ۵ ژوئیه ۱۸۳۰ الجزایر به اشغال فرانسه درآمد. و مقامات ترک، که به بر این کشور حکومت می کردند و آن را جزء قلمرو عثمانی درآورده بودند از این کشور اخراج شدند. به علت سرنگونی خاندان (بوربون) و سقوط دولت در فرانسه، طرح واگذاری قسمتهای دیگر الجزایر به یک کنگره اروپایی به منظور تصمیم گیری در مورد آینده آن منفی شد و چهار سال تصمیم گیری به تعویق افتاد. در سال ۱۸۳۴ نیز دولت فرانسه به دنبال گزارش، یک کمیسیون ویژه، تصمیم به الحاق الجزایر به فرانسه گرفت و برای اجرای این طرح، فرماندار کل برای این کشور منصوب کرد. در طی ربع قرن بعدی تاریخ الجزایر در راستای تثبیت استیلای فرانسه بر این کشور و انضمام کامل آن بوده است، و علی رغم مقاومت شدید و مخالفت مردم صورت گرفت.

(امیر عبدالقادر الجزایری) یکی از رهبران و مجاهدان برجسته مسلمانان بود که با نیروهای خود مقاومت جانانه ای را بخصوص در نواحی غربی کشور از خود نشان داد. فرانسه پس از آن که استیلای خود را بر الجزایر کامل کرد، در سال ۱۸۵۷ با سرعت در جهت اجرا و تحقق اهداف خود گام برداشت و این کشور را به صورت قسمتی از خاک فرانسه در ساحل شمالی آفریقا درآورد و آن را پایگاهی به منظور تسلط بر سایر کشورهای اسلامی منطقه و به استثمار کشاندن آنها قرار داد.

در سال ۱۹۰۰ دولت فرانسه به الجزایر خود مختاری اداری و مالی داد که از طریق هیاتی به نام کارگزاران مالی اعمال می شد که اعضای ۲/۳ آن را مستعمره نشینان اروپایی و ۱/۳ دیگر را الجزایریها تشکیل می دادند. طی هفتاد سال از ۱۸۳۰ تا ۱۹۰۰ مردم مسلمان الجزایر از نظر اقتصادی در تنگنا، و از نظر فرهنگی و اجتماعی نیز در مراتب پایینی بودند.

جنگ علیه و فرانسویان توسط مجاهدان الجزایری تا قرن بیستم ادامه یافت و بعد از جنگ جهانی اول با رهبری علمای مسلمان و دانشجویان و سپس با ورود مردم شدت یافت. نقش علما همچون (شیخ ابراهیمی) و (ابن بادیس) تعیین کننده مبارزه و جهاد بوده است.

جنگ جهانی دوم اثر منفی بر جهاد ملت مسلمان الجزایر گذاشت. فرانسویان مخفیانه با عناصر محافظه کار تماس گرفتند و با هم کنار آمدند. معروف ترین این عناصر (فرحت عباس) بود که (جمعیه البیان و الحریه) را به منظور ایجاد حکومت خود مختار و فدرالی با فرانسه تاسیس کرد. اما مردم الجزایر به ماهیت آنان پی بردند و در سال ۱۹۴۵ تظاهرات گسترده ای ترتیب دادند و ضمن آن خواهان استقلال کامل از فرانسه شدند. در طی تظاهرات حدود ۱۵ هزار شهید در شهرهای مسطیف و قاعله به خاک و خون غلطیدند و در مقابل ۱۰۰ سرباز فرانسوی نیز کشته شدند و متعاقب این تظاهرات و توقیف فرحت عباس و انحلال جنبش و

دوستاناران بیانیه آزادی بسیاری از رهبران ناسیونالیست متقاعد شدند که توسل به قوه قهریه را به عنوان تنها راه حصول به هدفشان انتخاب کنند. در مارس ۱۹۴۶ فرحت عباس آزاد شد و اتحادیه دوکراتیک بیانیه الجزایر را به منظور فراهم آوردن مقدمات و زمینه تشکیل دولت خود مختار و غیر مذهبی الجزایر در چارچوب ممالک متحده فرانسه تاسیس کرد. این اتحادیه علی رغم موفقیت‌هایی که در انتخابات مجلس فرانسه به دست آورد، به هیچ یک از اهداف یاد شده دست نیافت ، لذا در سپتامبر ۱۹۴۶ از مجلس فرانسه خارج و در انتخابات بعدی نیز شرکت نکرد.

### مبارزات مردم الجزایر

در عصر حکومت استعمارگران فرانسوی بر الجزایر، برنامه های دراز مدت اسلام زدایی و تحقیر مسلمانان انجام گرفت . از جمله این برنامه های استعماری ، سیاست انضمام و همانند سازی برای محو وجزه مشخصه جامعه بومی از جمله حذف تشکیلات قوی حقوق اسلامی ، جلوگیری از انجام فرائض دینی ، حذف روشهای تدریس مدارس دینی و به دست گرفتن محاکم قضائی ، تدوین برنامه های آموزش به سبک غرب ، حتی مسیحی کردن مردم الجزایر را به مورد اجرا گذاشتند. برای مبارزه با این عوامل فساد شخصیت‌های مسلمان برجسته ای چون عبدالقادر خزیه و عبدالمجید ابن بادیس قیام کردند.

عبدالقادر جزایری : مردم الجزایر به این شخص مبارز، قهرمان ملی لقل داده اند. او به سال ۱۲۴۸ هجری قمری که الجزایر در اشغال فرانسویان بود، علیه آنان دست به قیام زد. مردم او را پادشاه عرب یا (امیرالمؤمنین) نام نهادند. عبدالقادر علی رغم این که می گفت فرانسویها کافران حربی هستند و برای مقابله با آنها تنها دو راه وجود دارد، یا باید به پیروزی دست یافت یا به شهادت رسید چند معاهده مهم با فرانسویها امضا کرد. او در سال ۱۸۳۹ علیه فرانسویان اعلان جنگ داد و این مساله باعث وحدت و همبستگی بیشتر الجزایریها شامل اعراب و بربرها شد.

جنگهای یاد شده باعث گسترش قلمرو الجزایر و شکست دشمن شد، به نحوی که ناگزیر از ترک جنگ گردید. در سالهای بعد نیز جنگهای دیگری در گرفت . یکی از آنها در سال ۱۸۴۳ بود که در نهایت منجر به شکست عبدالقادر شد و او بناچار به مراکش پناهنده شد.

پادشاه وقت مراکش بر اثر شکست از فرانسویها، عبدالقادر را رها کرد و او با بازگشت به سرزمین خویش به فعالیت‌های جدیدی دست زد که موثر نیفتاد و سرانجام نیز به سال ۱۸۴۷ به اسارت فرانسویها تن در داد.

عبدالمجید بن بادیس : او موسس (جمعیت العلماء المسلمین) می باشد. جامعه یا اتحادیه مذکور به رهبری این شخصیت مهم در دفاع از هویت اسلامی و حفظ فرهنگ ملی بیش از هر نهاد و سازمان دیگری فعال بوده است .

در سال ۱۹۳۲ جامعه علما تحت شعار (الجزایر میهن من ، عربی زبان من و اسلام دین من است ) با همکاری گسترده اقدام به تاسیس حدود ۶۰۰ مدرسه قرائت قرآن کرد.

مردان مبارز و بزرگی نظیر (شیخ بشیر الابرهمی) و یا (شیخ ابومردان بونی) که امام مسجد بودند، و رهبری مبارزات را بر عهده داشتند، مسجد را مرکز فرماندهی خود قرار دادند و با اتکا به روح اسلام با فرانسویان مبارزه را شروع کردند. قیام مردم مسلمان الجزایر در مقابل اشغالگران فرانسوی از همان بدو تجاوز دشمن آغاز و تا بیرون راندن آنان تقریباً به طور پیوسته ادامه یافت.

سیر زمانی و توالی انقلابها و قیامهای مردم الجزایر اجمالاً به شرح زیر بوده است:

۴۷ - ۱۸۳۰ میلادی قیام شیخ عبدالقادر جزایری همراه با پدرش محی الدین حسنی

۴۷ - ۱۸۴۵ میلادی قیام ابومعزه در کوههای ظهره

۵۴ - ۱۸۵۲ میلادی قیام محمد بن عبدالله در جنوب. این قیام سپس به مدت ۲۰ سال توسط پسر وی سیدی سلیمان ادامه یافت

۵۴ - ۱۸۵۱ میلادی قیام ابوبغله در منطقه قبائل

۱۸۵۷ میلادی قیام لا لا فاطمه در منطقه جرجره

۱۸۵۹ میلادی قیام بنی سناسن در مرز مراکش

۱۸۶۳ میلادی قیام اولاد و قبائل سیدی شیخ در جنوب

۷۱ - ۱۸۷۰ میلادی قیام شیخ حداد و مقرانی

۱۹۱۶ میلادی قیام اوراس

۱۹۴۵ میلادی قیام بزرگ منطقه قسطنطنیه که طی آن ۴۵۰۰۰ مسلمان الجزایر کشته شدند. این قیام توسط خالد الجزایری یکی از نوادگان امیرعبدالقادر صورت گرفت.

سرانجام از اوائل نوامبر ۱۹۵۴ انقلاب الجزایر به طلایه جبهه آزادیبخش ملی تحقق یافت. براساس اسناد و مدارک موجود قیامها و نهضت‌های دیگری نیز صورت گرفت که اهداف عمده این قیامها اخراج فرانسویان از سرزمین الجزایر و حفظ آداب و سنن اسلامی و قومیت عربی بوده است.

پیروزی نهایی

در جنگ جهانی دوم، الجزایر که هنوز مستعمره فرانسه بود، به کشورهای متفق پیوست و در سالهای ۱۹۴۳ ژنرال به عنوان رهبر دولت در تبعید فرانسه مقرر خود را در شهر الجزایر قرار داد و این شهر تا سال ۱۹۴۴ به عنوان پایتخت موقت دولت فرانسه درآمد. در سال ۱۹۵۹ دو گل به کشور الجزایر خود مختاری اعطا کرد، لیکن مبارزان به جهاد بی امان خویش برای به دست آوردن استقلال ادامه دادند، تا این که دو گل در سال ۱۹۶۲ قرار داد معروف (اویان) را که متضمن استقلال الجزایر بود به امضا رسانید و این کشور

پس از سالها تلاش بی‌امان و با دادن بیش از یک میلیون کشته در ۵ ژوئیه سال ۱۹۶۲ به استقلال رسید و دارای حکومت جمهوری شد که ریاست آن را احمد بن بلا به عهده گرفت .

پس از کسب استقلال ، حرکت‌های مرموزی نیز در این کشور رخ داد، از جمله هواری بومدین وزیر دفاع این کشور در سال ۱۹۶۵ پس از یک کودتای نظامی به قدرت رسید و پس از مرگ او، شاذلی بن جدید در سال ۱۹۷۸ به ریاست جمهوری نائل شد. جبهه نجات اسلامی به رهبری عباس مدنی در انتخابات ژوئن ۱۹۹۰ الجزایر پیروزی بزرگی به دست آورد به طوری که اداره محلی حدود ۲۲ حوزه از مجموع ۴۸ حوزه شهری این کشور به دست جبهه نجات اسلامی افتاد.

پس از این انتخابات ، دولت شاذلی بن جدید تصمیم گرفت مبارزه دامنه داری را علیه جبهه نجات اسلامی شروع کند.

با شروع بحران خلیج فارس در ماه اوت ۱۹۹۰ و اشغال کویت توسط عراق ، اوضاع الجزایر به صورت بی‌سابقه ای تحت تاثیر این بحران قرار گرفت . ترس و نگرانی دولت از پیروزی جبهه نجات در انتخابات پارلمانی و شهرداریها و به دنبال فشار خارجیها و نظامیان بر دولت نتایج انتخابات لغو شد و رهبران جبهه نجات اسلامی دستگیر شدند. این امر سبب بروز درگیریها و خشونت‌های شدید داخلی گردید که تاکنون (سال ۱۳۷۷ شمسی ، ۱۹۸۸ میلادی ) ادامه دارد.

براساس قانون اساسی ۱۹۷۶ الجزایر، تنها حزب سیاسی قانونی کشور، جبهه آزادیبخش ملی (جبهه التحریر الوطنی ) است که ائتلاف

آزادی بین گروههای ناسیونالیستی فعال در مبارزات استقلال الجزایر علیه فرانسه و دخیل در رهبری این مبارزات مسلحانه ، به

حساب می‌آید. با این حال از جهات متعدد به صورت یک حزب جهت یابی و پویایی خود را از دست داده و از جهات متعدد به

صورت یک حزب بی‌پیام و بی‌رسالت درآمده است . کیفیت رهبری این حزب نیز به واسطه دسته بندیها و مبارزات و مخاصمات

گروهی ، روبه انحطاط گذاشته است . این حزب ، جهان بینی و طرز نگرش سوسیالیستی دارد، ایدئولوژی سیاسی آن در سال ۱۹۷۲

تحت عنوان (سانترالیسم دموکراتیک ) تعیین شده و وظایف ویژه آن بسط و توسعه جهت دهی و راهنمایی و انگیزش و نظارت بر

دولت و نه جانشین سازی خود به جای دولت توصیف شده است . این حزب توسط دبیر خانه اجرایی که متشکل از پنج عضو است

اداره می‌شود. عضویت در این حزب براساس ۱۷ فدراسیون ، ۱۰۹ بخش یا دایره و ۱۱۲ کمون یا بلدیة تقسیم شده است . حزب

مزبور به یک دبیرخانه ، یک کمیته مرکزی ، یک دفتر سیاسی فدراسیونها، دوایر و قسمت‌ها تقسیم گردیده است . دبیرکل این حزب

خود به خود کاندیدای ریاست جمهوری نیز خواهد بود. زیر چتر جبهه آزادیبخش ملی ، تعدادی سازمانهای فراگیر نظیر سازمان

جوانان جبهه آزادیبخش ملی (منطقه شباب جبهه التحریر الوطنی ) و اتحاد ملی زنان الجزایر (الاتحاد الوطنی النساء الجزائریات )

فعالیت می‌کنند.

در پی شورشهای اکتبر ۱۹۸۸ الجزایر، شاذلی بن جدید قول انجام اصلاحات و تجدید نظر در قانون اساسی را داد. در ۲۳ فوریه

۱۹۸۹ نظام سیاسی از حالت تک حزبی به دموکراسی چند حزبی تبدیل شد و در پی آن احزاب جدید بتدریج اعلام موجودیت کردند.

جبهه نجات اسلامی که پنج ماه بعد از شورشهای اکتبر ۱۹۸۸ تشکیل شد در اساسنامه خود ضمن تاکید بر حمایت از وحدت اسلام و خارج کردن الجزایر از عقب ماندگی، اسلام را به عنوان جانشین ایدئولوژیهای وارداتی و حلال مشکلات الجزایر دانسته است.

این جبهه در تاریخ اول مارس ۱۹۸۹ در مسجد (عبدالحلیم بن بادیس) اعلام موجودیت کرد. ریاست جبهه نجات اسلامی را عباس مدنی که استاد فلسفه است بر عهده دارد. ارگان رسمی جبهه نجات اسلامی (المنقذ) نام دارد که بیانگر نقطه نظرات رسمی رهبران این جبهه می باشد.

عباس مدنی رهبر جبهه نجات اسلامی

عباس مدنی رهبر جبهه نجات اسلامی در سال ۱۹۳۱ در (سیدی اوکیا) واقع در جنوب شرقی الجزایر چشم به جهان گشود. پیش از قدم گذاردن به راه سیاست و تعهد به نهضت ملی گرا، از شاگردان مشهور مکتب قرآن بوده است. معهذاً عدم موفقیت وی در عملیات بمب گذاری در مرکز رادیو الجزایره در روز آغاز جنگ استقلال در اول نوامبر ۱۹۵۴ باعث شد تا تمامی طول هفت سال مبارزه را در زندان سپری کند. مدنی پس از کسب بورسیه از دولت مستقل، موفق به کسب مدرک دکترا در علوم تربیتی شد. بدین ترتیب راه به موسسه علوم اجتماعی الجزایره یافت و آن را به یک ذخیره مبارزه اسلام گرا در خدمت اسلام سیاسی تبدیل کرد. صعود برق آسا و اشتهار نامش در پی شورشهای خونین اکتبر ۱۹۸۸ آغاز و در همین هنگام برخلاف تصمیم اتخاذ شده از سوی رهبران اسلامگرا ایجاد نخستین حزب اسلامی الجزایر (جبهه نجات اسلامی) را اعلام داشت.

جبهه نجات اسلامی در سپتامبر ۱۹۸۹ مشروعیت یافت و به سرعت صدها هزار عضو در میان جوانان فقیر و مستضعف کشور به خود جذب کرد. جوانانی که هر جمعه هزاران نفر از آنان در مساجد و اطراف آنها به گرد عباس مدنی و علی بلحاج نفر دوم جبهه جمع می شدند. در ژوئن ۱۹۹۰ مدنی نیروهای بی قرار خود را به نخستین پیروزی انتخاباتی رهنمون شد و آرای نخستین انتخابات محلی چند حزبی الجزایر را از هنگام استقلال این کشور در سال ۱۹۶۲ به خود اختصاص داد. وی در این حال جبهه نجات اسلامی را امانتدار مشروعیت مردم در مقابل جبهه آزادیبخش ملی، حزب واحد سابق که از ۳۰ سال قدرت مطلق، دیگر فرسوده شده بود، معرفی کرد. دعوت مردم به برپایی یک اعتصاب عمومی نامحدود در مه و ژوئن ۱۹۹۱ که به منظور وادار کردن شاذلی بن جدید به برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و قانونگذاری پیش از موعد انجام گرفت، به رویارویی با ارتش انجامید و... به برقراری حکومت نظامی در ۵ ژوئن ۱۹۹۱ و باز داشت رهبران عمده اسلامگرا از جمله عباس مدنی و علی بلحاج منجر شد. چند ماه بعد، جبهه نجات اسلامی به رغم از دست دادن رهبران خود تحت رهنمودهای دو تن از نزدیکان عباس مدنی یعنی (عبدالقادر حسانی) مهندس شیمی و (رابح کبیر) در دسامبر ۱۹۹۱ در نخستین انتخابات قانونگذاری چند حزبی به پیروزی دست یافت. موج پر تلاطم اسلامگرایان، نگرانی شدیدی در صفوف سران مملکتی و حامیان جناح دموکراتیک آنها فراهم آورد و به دنبال آن شاذلی بن جدید از قدرت کناره گرفت، رای گیری متوقف شد و حالت بحران سیاسی در الجزایر برقرار گردید.

انحلال جبهه نجات اسلامی در آوریل ۱۹۹۲ راه را برای به وجود آمدن گروههای مسلح اسلامی گشود.

براساس آمار رسمی درگیریهای متعدد میان این گروهها با نیروهای نظامی الجزایر هزاران کشته و زخمی تاکنون بر جای گذاشته است .

۲۱ تیر ۱۳۴۱

فاجعه خونین مسجد گوهرشاد

اسلام زدایی در کشورهای اسلامی ، بویژه در منطقه خاورمیانه ، مهمترین استراتژی استعمار بود. این استراتژی شیطانی با به قدرت رسیدن رضاخان به طرز پیچیده و زمانبندی شده ای در ایران به مرحله اجرا در آمد. اما به سبب برخورد قاطع مردم به رهبری روحانیت از جمله موضع گیری تند و کفرستیزانه آیت الله بافقی (۴۵) مدت ۸ سال طرح حجاب زدایی از زنان مسلمان ایران به تعویض افتاد. در این هشت سال از سال ۱۳۰۵ الی ۱۳۱۴ شمسی ، روحانیت در معرض شدیدترین حملات روانی و یورشهای تبلیغاتی قرار گرفت . طرح مودیانه (استفاده از عمامه مستلزم داشتن تصدیق دولتی است )، خود بخشی از این حملات روانی بود. نظام رضاخان بر این باور بود که با جنگ عظیم روانی که بر پا کرده ، روحانیت پویا و متعهد به موضع ضعف کشانده شده و قادر به مقاومت در برابر طرحها سلطه طلبانه استعمار نخواهد بود؛ این است که همزمان با اجباری شدن کلاه بین المللی و شاپو برای مردان زمزمه های حجاب زدایی زنان نیز بلند شد؛ نطقهایی جهت آماده سازی اذهان عمومی ایراد گردید؛ جشنها و میتینگهای سازمان یافته ای تشکیل شد تا زمینه پذیرش یکی از خطرناکترین و اسارت بارترین طرحهای سلطه جویانه استعماری فراهم آید. برخلاف پیش بینی تئوریسین های وابسته به نظام و پس از آن همه تهاجمات وسیع روانی که در طول سالها سلطه عوامل بیگانه علیه روحانیت به عمل آمده بود، روحانیت بیدار و آگاه پس از شنیدن این زمزمه ها و گفتارهای دولتیان در جشنها و میتینگها، به طور مخفی جلساتی برگزار کردند.

منزل آیت الله یونس اردبیلی محل دیدار و پایگاه مقاومت اکثریت علما و مدرسین درجه اول حوزه علمیه مشهد گردید.

در یکی از این جلسات پیشنهاد شد که آیت الله حاج آقا حسین قمی به تهران برود و به طور مستقیم با رضاشاه مذاکره کند.

حاج آقا حسین قمی با این پیشنهاد موافقت نمود و قبل از عزیمت به روحانیون و واعظین مشهد گفت : (من می روم تا با شاه

صحبت کنم ، شاید او از تصمیم منصرف گردد؛ شما نیز باید مردم را آگاه و هوشیار نمایید تا درک کنند که چه توطئه عظیمی در

کار است .)

حاج آقا حسین پس از رسیدن به تهران بلافاصله به باغ سراج الملک شهر ری برده شد و ممنوع الملاقات گردید.

از سوی دیگر مسجد گوهرشاد چند روزی بود که محل اجتماع و سخنرانی علیه لباس بیگانه و اسلام زدایی شده بود، با باز داشت آیت الله قمی حال و هوای دیگری یافت. اجتماعات وسیعتر و اعتراضات گسترده تر و سخنرانان کلامشان آتشین تر و شعار مردم تندتر گردید.

همزمان بازداشت آیت الله قمی، از مرکز به شهربانی مشهد دستور داده شد که وعظ معروف را سریع دستگیر کنند. در اجرای این دستور، شیخ غلامرضا طبسی و شیخ شمس نیشابوری دو تن از وعظ خراسان دستگیر شدند اما، گردهمایی فراینده مردم در مسجد گوهرشاد برای شنیدن سخنان روحانیت ادامه یافت.

علما و مجتهدین در یکی از جلساتشان که در منزل مرحوم آیت الله سید یونس اردبیلی برقرار شده بود، تصمیم گرفتند که تلگرافی به رضاشاه مخابره و او را از اقدامات ضد دینی خود منصرف سازند. این تلگراف به امضای هشت تن از علمای متعهد و مسئول رسیده و ارسال شد؟ و قرار شد که خطبای معروف و مشهوری چون شیخ مهدی واعظ خراسانی و شیخ عباسعلی محقق و شیخ محمد تقی نیشابوری معروف به بهلول و... در مسجد گوهرشاد به منبر بروند و مردم را از عمق فاجعه ای که در حال شکل گرفتن بود آگاه سازند.

صبح روز جمعه ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۵۴ قمری برابر با ۲۰ تیر ۱۳۱۴ شمسی، قزاقان مستقر در مشهد برای متفرق ساختن مردم وارد عمل شدند. قزاقان رضاخان بی محابا به روی مردم آتش گشودند و حدود یکصد نفر را کشته و یا زخمی کردند، اما مردم متفرق نشده و مقاومت کردند.

پس از این هجوم مردم با ابرازی از قبیل داس، بیل، چوب و... به طرف مسجد سرازیر شدند.

مسجد گوهرشاد لبریز از جمعیت گردید. روحانیون به ترتیب بر بالای منبر حضرت صاحب الزمان قرار گرفتند و به سخنرانی پرداختند.

در روز شنبه ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۵۴ برابر با ۲۱ تیر ماه ۱۳۱۴، در مسجد جای سوزن انداختن نبود. شعارهای ضد سلطنت و ضد حجاب زدایی داده می شد. مسجد یکپارچه سرود مقاومت سر داده بود.

وحشت مقامات دولتی مشهد را فرا گرفته بود مرکز تلگرافخانه مشهد به سبب این وحشت محل رفت و آمد نمایندگان حکومت شده بود.

سرانجام رضاشاه دستور داد که مسجدیان را تار و مار، و همه را دستگیر و مجازات نمایند.

سران قشون، سران شهربانی و آگاهی، نیروهای خویش را هماهنگ کردند و قرار گذاشتند پس از نیمه شب تهاجم خود را آغاز کنند. قزاقان قبلا در نقاط حساس شهر و اطراف مسجد گوهرشاد مستقر شدند و مسلسل‌های سنگین را بر بامهای مشرف به حیاط مسجد جای دادند.



اسدی نایب التولیه رضاشاه از نقشه کشتار مطلع شده بود و چون می دانست که مجتهدین هم در مسجد هستند، درصدد بر آمد که آنها را از مسجد خارج کند. لذا به دروغ پیام فرستاد که چون تلگراف شما را رضاشاه پاسخ گفته است، بهتر است برای مذاکره تشریف بیاورید.

بدین ترتیب اسدی توانست با این حمله مجتهدین را از کشیکخانه مسجد به دار التولیه کشاند، زیرا می دانست که اگر چشم زخمی به مجتهدین برسد، خراسان یکپارچه آتش خواهد شد.

توپهای سنگین در خیابان تهران روبروی مسجد گوهرشاد استقرار یافت. پاسی از نیمه های شب ۲۱ تیرماه گذشته بود که صدای غرش مسلسلها در شهر پیچید و قشون شرق به فرماندهی سرلشکر ایرج مطبوعی برای به خاک و خون کشیدن مردم به حرکت درآمد. عده ای از ماموران مخفی رژیم قبلا وارد مسجد شده که از داخل وارد عمل شوند و راه را برای ورود نیروهای حکومت به داخل مسجد همواره سازند.

هنگامی که سپیده سر زد، دیگر نه صدای گلوله ای بود و نه ندای (یا علی و یا حسین). اینک قزاقان با کشتن بیش از دو هزار تا پنج هزار تن و اسیر کردن هزار و پانصد نفر، توانستند مقاومت مسجد را درهم بشکنند و دل استعمارگران بین المللی را شاد و مسرور سازند. کامیونهای بسیاری (ده کامیون شمارش شده بود) اجساد مبارزین را که جز سلاح ایمان و شهادت سلاح دیگری نداشتند، جابه جا کردند. به گفته شاهدان عینی، ماموران دولتی، شهدا را همراه با زخمیها در خندقهایی که در محله خستمالها و باغ خونی مشهد پیش بینی شده بود دفن کردند.

از صبح روز یکشنبه ۲۲ تیر ۱۳۱۴ بازداشت روحانیون آغاز شد و روحانیونی که در نهضت خونین گوهرشاد شرکت داشتند یا بازداشت شدند و یا اگر توانستند مخفی شدند تا در موقعیت مناسب، ایران را به سوی نجف ترک کنند. سه روز بعد از کشتار وحشیانه مردم در مسجد گوهرشاد، دولت فروغی اعلامیه ای به شرح زیر صادر کرد:

#### اعلامیه

(بر طبق راپورت واصله از ایالت خراسان، شب نوزدهم، شیخ بهلول نامی که سوء سوابق او از شرارت و فساد معلوم و سابقا تحت تعقیب نیز واقع شده بود در مشهد مقدس جمعی از عوام ساده لوح را در مسجد به عنوان موعظه دعوت کرده و دو سه روز این عمل را مداومت داده و ارادل و اوباش را دور خود جمع و عنوان کلاه و لباس را پیش کشیده، یاهه سرایی ها نموده، کار را به هتاکی رسانید. مامورین انتظامات خواستند بدوا به ملایمت و نصیحت او را از این رفتار و گفتگوهای خلاف و مفسدت آمیز باز دارند. مساعی آنها ثمری نبخشید و بیم اختلال نظم رفته و مردم از این جهت اظهار نگرانی نمودند. ماموران انتظامی درصدد تفرقه آنها برآمدند. مقاومت نموده مامورین نظمیه را مورد حمله قرار دادند و بعضی از آنها را مجروح و مقتول نمودند. مامورین ناچار از نظامیان استمداد

کردند. اشرار با آنها هم ستیز نموده و آلات ضرب و قتل که همراه داشتند به کار بردند. نظامیان هم مجبور شدند با استعمال اسلحه گرم حفظ نظم را به آنها الزام نمایند. در نتیجه اراذل و اوباش که باعث این بی نظمی شده بودند، بعضی گرفتار و بعضی متفرق شدند و لیکن متاسفانه شیخ بهلول که این مفسده را برپا کرده بود موفق به فرار شد. امنیت و انتظام کاملاً برقرار گردید. فعلاً نظمی مشغول تعقیب قضیه و کشف حقایق می باشد.

وزارت داخله محمود جم

۱۳۱۴/۴/۲۴

پس از این کشتار فجیع حوزه علمیه مشهد تعطیل ، و تعدادی از مدارس دینی تخریب گردید. شهر کاملاً به تصرف قزاقان درآمد. عبور و مرور تحت کنترل شدید قرار گرفت . ورود و خروج از مشهد مستلزم داشتن گذرنامه از شهربانی شد.

نقش بهلول واعظ در ماجرای گوهرشاد

در ماجرای مسجد گوهرشاد، شیخ محمد تقی نیشابوری معروف به بهلول واعظ، نقش اساسی را بر عهده داشت . او با سخنان نافذ خود مردم را دعوت به مقاومت در برابر دیکتاتوری رضاخان کرد.

بهلول ، مردم را در مسجد به عنوان اعتراض به محاصره محل اقامت آیت الله قمی در تهران و پشتیبانی از خواسته های ایشان جمع کرده بود، که به دنبال آن واقعه دلخراش کشتار مردم بی گناه توسط عمال رضاخان پیش آمد.

رژیم رضاخان به منظور انحراف افکار عمومی ، بهلول را عامل بیگانه معرفی نمود، و اعلام داشت که به تحریک انگلسیها واقعه گوهرشاد را به وجود آورده است .

نویسنده کتاب نهضت روحانیون ایران (۴۶) در دیداری که با بهلول در نجف داشته است می نویسد:

در سال ۱۳۴۶ شمسی شنیدم که به بهلول از زندان افغانستان آزاد شده و به مصر رفته و پس از مدتی اقامت در آنجا به نجف اشرف آمده است و حتی منبر می رود و همه او را دیده اند و می توانند ببینند در سال ۱۳۴۷ که برای زیارت به عتبات رفتم سراغ بهلول را

گرفتم ، گفتند: در خانه حضرت آیت الله آقای حاج سید عبدالله شیرازی است . به اتفاق آقای شیخ محمد صادقی تهرانی (دکتر

صادقی ) که آن موقع در عراق بود و آقای حاج شیخ عبدالرسول قائمی روحانی آبادان ، برای دیدار بهلول به منزل آیت الله شیرازی

رفتیم . بهلول خوابیده بود و با ورود ما بیدار شد. شیخی واقعا بهلول وار، لاغر اندام ، و پیرمردی شاد و با نشاط که پس از حدود چهل سال که از ایران دور بود هنوز لهجه نیشابوری خود را حفظ کرده بود.

آقای دکتر صادقی گفت :

آقا بهلول ! آقای دورانی مورخ است (گفته ایشان بود) می خواهد ماجرای مسجد گوهر شاد و فرار شما و ماجرای بعدی را از زبان

خودتان بشنود شاید روزی آن را منتشر سازد. بهلول شروع به نقل مطالب کرد و گفت :

(من تعجب می کنم که دستگاه رضاخان مرا متهم کردند که وابسته به انگلیسیها بوده ام و انگلیسیها مرا بودند. در صورتی که دلیل

خلاف و دروغ بودن آن بسیار روشن است. وقتی خبر رسید که مرحوم آیت الله حاج آقا حسین قمی که آن روز در مشهد، مرجع

بزرگ بود در تهران به دستور رضاخان محبوس شده، من با مشورت مرحوم آقا شیخ مرتضی آشتیانی و آیت الله زاده خراسانی بنای

مقاومت گذاشتیم و گفتم تا آیت الله قمی آزاد نشود، دست از تحصن در مسجد گوهر شاد بر نمی داریم.

در یک حمله مأمورین به مردم ۲۲ کشته و ۶۷ نفر زخمی شدند، هفت نفر سرباز هم به مردم پیوستند. در این حمله سربازان شکست

خوردند و عقب نشستند. ۱۷ تفنگ از سربازان به عنیمت گرفتیم ۱۰ تا ۱۵ تفنگ دیگر هم مردم داشتند. خبر رسید که جمعیت زیادی

از خارج شهر به کمک ما می آیند.

وقتی مأمورین متوجه این وضع شدند اعلام کردند که آرام باشید. آقای حاج آقا حسین را آزاد می کنیم. اسلحه ای که از سربازان

گرفته اید تحویل دهید، ولی ما گفتیم باور نمی کنیم و تا روز پنچشنبه صبر می کنیم.

سحرگاه شب جمعه مأمورین حمله کردند. ما هم چهار در مسجد گوهرشاد را بسته و در اختیار داشتیم. ولی یک در مسجد که تحت

اختیار نواب احتشام رضانی بود، چون دولت با وی وارد مذاکره شده بود که اگر در را باز کند تا مأمورین وارد شوند او را به مقام

تولیت آستانه می رسانند به ما خیانت کرد، و سربازان از همان راه وارد مسجد شده و به مردم هجوم آوردند. ما که دیدیم سربازان

دست به قتل عام مردم می زنند بنا گذاشتیم فرار کنیم تا افراد بیشتری کشته نشوند. من تعجب می کنم که چطور درباره من تردید

کرده اند، چون خود مأمورین پس از کشتار مردم مرتب فریاد می زدند؛ (مردم از مسجد خارج شوید). من هم عمامه و قبا را درآورده و

در لای جمعیت از دری خارج شدم.

با هفت نفر از همراهان به در خانه ای رسیدیم. زنی در را باز کرد و ما را برد به خانه و بعد از هفت هشت ساعت ما را از کوچه پس

کوچه عبور داد تا به بیرون شهر رساند. در آنجا از رفقا جدا شده و یگراست قصد مرز افغانستان کردم که یک دولت متعصب اسلامی

بود، به امیدی که مرا تحت حمایت خود قرار خواهد داد.

در مرز دستگیر شدم و چون به داخله افغانستان بردند خودم را معرفی کردم که من برای دفاع از اسلام قیام کرده ام و از شما

تقاضای پناهندگی سیاسی می کنم.

ولی آنها ترتیب اثر به کار دینی من ندادند و مرا زندگی کردند، و جمعا ۳۱ سال در زندانهای مختلف افغانستان به سر بردم. اخیرا که

آزاد شدم به مصر رفتم و از آنجا به عراق آمده ام.

این بود خلاصه اظهارات بهلول که برای نویسنده این سطور نقل کرد، و من باور نمی کردم روزی تناسب پیدا کند آن را بنویسم و به

اطلاع ملت ایران برسانم، تا خدا چنین خواست.

باید توضیح دهم که شیخ محمد تقی نیشابوری معروف به بهلول هم اکنون زنده و در خراسان است. در آن زمان واعظی معروف و دارای حافظه ای نیرومند و بیانی نافذ و شهادتی کم نظیر و از لحاظ زندگی به تمام معنی وارسته و زاهد بوده و هنوز نیز هست. می گفت: در زندان افغانستان دویست هزار بیت شعر گفتم و همه را از بر دارم. بهلول می افزود گمان نکنم که من شعری بگویم یا مطلبی بخوانم و از بر نکنم یا فراموش نمایم!

امروز به فلان زندانی مثل می زنند که ۱۵ سال یا ۲۰ سال و بیشتر در زندان بود، ولی خوانندگان بدانند، شیخ محمد تقی بهلول واعظ انقلابی ضد رضاخان، ۳۱ سال در زندانهای مختلف افغانستان زندانی بوده و پس از این مدت طولانی باز هم با همان روح انقلابی و شور و نشاط منبر می رود و مردم را برای دفاع از اسلام و مبارزه با زور و ظلم و بیگانگان دعوت به مقاومت می کند، و اصرار دارد که برای پیروزی قطعی باید مردم صفوف خود را در خط رهبری و ولایت فشرده کنند و یقین بدانند که در این صورت پیروزی حتمی است.

۲۱ تیر ۱۳۵۹

کودتای نافرجام پایگاه شهید نوژه (۴۷)

از اولین روزی که انقلاب اسلامی ایران با سرنگونی رژیم پهلوی که استوارترین سنگر غرب آمریکا در منطقه به شمار می رفت به پیروزی رسید و تحولات زیر بنایی را در ایران آغاز کرد، استکبار جهانی که منافعش به خطر افتاده بود تلاشهای وسیعی را جهت به سازش کشانیدن ایران اسلامی و تضعیف آن آغاز کرد.

جمهوری اسلامی ایران با خروج از پیمان نظامی سنتو (۴۸) که موجب انحلال این اتحادیه نظامی غربی شد، اعلام کرد که ایران دیگر حافظ منافع آمریکا در منطقه نمی باشد. غرب امیدوار بود با زمینه ای که در ایران از نظر فرهنگی - اقتصادی و تسلیحاتی وجود داشت، نفوذ قبلی خود را بتدریج به دست آورد و بار دیگر ایران را جولانگاه مطالع استعماری خویش قرار دهد.

اسناد لانه جاسوسی آمریکا بهترین گواه بر این واقعیت است که امپریالیسم غرب چگونه تلاش می کرد تا روزنه ای برای نفوذ مجدد به ایران بیابد.

شیطان بزرگ به دلیل اطلاعات کاذب رهبران ضد انقلاب و ایادی داخلی آنها تصور می کرد قادر است در اندک زمانی تغییرات زیر بنایی به وجود آورد و روند رویدادهای ایران را همچون دوران پهلوی بر وفق مراد خود گرداند، بنابراین به انواع و اقسام ترفندهای و حيله ها متوسل شد.

مهمترین حوادث ماه های نخست انقلاب تا انعقاد اولین نطفه های یک کودتای نظامی به شرح زیر است:

- اشغال پادگانهای مهاباد و پسوه و پیرانشهر در روزهای نخست پیروزی انقلاب اسلامی بوسیله گروهکهای محارب و وابسته

- درگیری گسترده نوروز ۱۳۵۸ در سنج با تلاش وسیع گروههای مسلح مستقر در کردستان برای به سقوط کشاندن پادگان لشکر ۲۸. در جهت تکمیل خلع سلاح پادگانهای مهاباد، پسوه و پیرانشهر به منظور فراهم ساختن شرایط سقوط کلیه پادگانهای محور سنج - ارومیه .

- ۵۸/۱/۶: درگیری خونین گنبد کاووس

- ۵۸/۱/۳۱: فاجعه درگیری نقده

- ۵۸/۲/۳: ترور سپهبد ولی...قرنی اولین رئیس ستاد ارتش

- ۵۸/۲/۱۲: ترور استاد آیت الله مرتضی مطهری

- ۵۸/۳/۴: ترور نافر جام حجت الاسلام و المسلمین اکبر هاشمی رفسنجانی

- ۵۸/۹/۲۷: ترور دکتر محمد مفتاح

مجموعه این توطئه ها چنان برای ضد انقلاب امیدوار کننده بود که حتی شاه مخلوع را نیز به بازگشت به ایران امیدوار ساخت ، تا بدانجا که او در مصاحبه ای اعلام داشت که قصد ندارد از تاج و تخت کناره گیری کند.

به دنبال این توطئه ها، سازمانی به نام (نقاب ) شکل گرفت که وظیفه آن بررسی و مطالعه بر روی زمینه موجود برای انجام یک کودتا و احتمال موفقیت آن به عنوان ممکن ترین روش براندازی بود(۴۹).

سازمان کودتای (نقاب )

در دی ماه ۱۳۵۸ یکی از هواداران شاپور بختیار به نام مهندس قادسی نمودار سازمانی را تهیه کرد و نام آن را (نقاب ) که جمع حروف اول (نجات قیام انقلاب بزرگ ) است به گفته آنها ناظر بر این معنا بوده که : (حرکت مردم تا خروج شاه از ایران ، اصیل و سازنده بود ولی پس از آن منحرف شده است ، لذا وفاداران به اصالت قیام باید درصدد اصلاح آن برآیند).

در نمودار سازمان یاد شده یک قسمت مرکزی پنج نفری مشخص شده بود. در زیر آن مسئول تهران ، مسئول امور شهرستانها، مسئول امور وزارتخانه ها، مسئول امور دانشگاهها، انتشارات و تبلیغات ، مسئول امور ایلات و مسئول امور چریکی تجسم شده بود. در راس سازمان (نقاب ) شورایی به نام رئیس و ذیل آن پنج شاخه قرار داشت :

۱ - شاخه بافت

۲ - شاخه نگر

۳ - شاخه نشر

۴ - شاخه اطلاعات

۵ - شاخه عمل

۱ - شاخه بافت : جذب افراد و گروههای جدید و معرفی آنها به شاخه های سازمان سازماندهی عشایر به عنوان بازوهای قوی

کودتای احتمالی و نیز تشکیل کمیته های مخفی در وزارتخانه و ادارات به مثابه دستهای پنهان کودتاگران در اندام دولت .

۲ - شاخه نگر: تهیه و تدوین برنامه های تبلیغی مانند اعلامیه و نوار و پوستر و...

۳ - شاخه نشر: توزیع تولیدات شاخه نگر

۴ - شاخه اطلاعات : جذب و معرفی افراد معتمد به سازمان (نقاب )، محافظت از مجموعه تشکیلات آن در برابر ردیابی نهادهای

انقلابی . اعضای این شاخه را تعدادی از افراد کمیته مشترک ضد خرابکاری سابق - شهربانی و رکن ۲ ارتش و ساواک ( تشکیل

می دادند.

۵ - شاخه عمل : سازماندهی نیروهای نظامی و طراحی عملیات یک کودتا.

شاخه عمل که عملاً رکن اصلی سازمان نقاب را تشکیل می داد، زیر نظر یک شورای نظامی متشکل از سرهنگ محمد باقر بنی

عامری ، سرتیپ سرهنگ داده نادری ، سرتیپ آیت الله محققى ، ستوان یکم ناصر رکنی (رابط نیروی هوایی و کودتا)، سرهنگ

هادی ایزدی (رابط نیروی زمینی و کودتا)، استوار یکم محمد مهدی حیدری (رابط تیپ نوهده با کودتا)، علیرضا ژیان (رابط نیروی

دریایی و کودتا) و تعدادی دیگر بود.

شاخه عمل به عنوان یک شاخه مادر، در بر گیرنده شاخه های زیر بود:

شاخه هوایی ، شاخه لشکر ۱، شاخه لشکر ۲، شاخه لشکر ۹۲ زرهی اهواز، شاخه نیروی دریایی و شاخه نوهده

(نقاب ) برای ارزیابی مسائل و تصمیم گیری سه نوع جلسه برگزار می کرد:

۱ - جلسات جمعی نظامی که حدود ۱۰ الی ۱۲ نفر در آن جلسات بودند و مطالب آن ابتدا در مورد نحوه عملیات تاکتیکی ، پیشرفت

کار، بویژه در مورد نیروی عوایی ، دریافت اطلاعات از طریق عامل ساواک در مورد منزل امام (ره )، سپاه پاسداران و سایرین و تبادل

نظر در مورد آنها، رفع اختلافات در مورد چگونگی عملیات نیروی زمینی و هوایی و هماهنگی آنها، ابلاغ اطلاعات رسیده از شاخه

سیاسی در مورد هماهنگی های ابرقدرتها و دول غربی ، تعیین مشاغل نظامی و نحوه کار فرماندهان پس از پیروزی کودتا.

۲ - جلسات دو یا سه نفره بین واحدهای درگیر در عملیات کودتا، در این جلسات جزئیات مسائل کلی که در جلسات عمومی و

جمعی مذاکره شده بود، مطرح می گردید و اشکالات آنها بررسی و برطرف می شد.

۳ - جلسات شاخه سیاسی که همیشه یک نفر از گروه نظامی نیز در آن شرکت می کرد. در این جلسات اشکالاتی که باید با پاریس

مطرح می شد و یا تدارکاتی که گروه نظامی احتیاج داشت و گروه سیاسی باید آنها را برطرف می کرد، و همچنین بررسی دستورات

رسیده از پاریس مرد شور و گفتگو قرار می گرفت .

ستاد فرماندهی پاریس مرکب از عده ای از چهره های سیاسی و نظامی رژیم گذشته بود که ستاد نظامی شاپور بختیار را تشکیل می دادند. علاوه بر آنها، نمایندگان اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل و عراق نیز در ارتباط با ستاد بودند. وظیفه این ستاد علاوه بر ارائه طرح کلی کودتا و انجام هماهنگی ها و پشتیبانیهای مختلف جهانی با کودتا و برآوردن نیازهای مالی و لجستیکی سازمان بود. تغییر در ساختار:

پس از سفر محمد باقر بنی عامری رئیس شاخه عمل به پاریس در اسفند ۱۳۵۸ و ارائه گزارش پیشرفت کار به شاپور بختیار که به تصویب اولویت کودتا انجامید، سازمان نقاب که به منظور مطالعه و زمینه سازی کودتا تشکیل شده بود دستخوش تغییر و تحول متناسب با کودتا گردید. ساختار جدید مرکب بود از:

۱ شاخه نظامی ۲ - شاخه سیاسی ۳ - شاخه پشتیبانی

طرح عملیات کودتا

از نظر رهبران نقاب ، فتح تهران مساوی با پیروزی در سراسر کشور تلقی می شد.

آنان با تجربه و تصویری که از چگونگی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ داشتند، تصور می کردند که با سقوط تهران ، مراکز نظامی - اداری سایر شهرها، با توجه به ضرباتی که همزمان با عملیات تهران توسط شاخه های کودتا در سراسر کشور بر آنها وارد می شود و به تبعیت از تغییر قدرت در مرکز، با رهبران کودتا اعلام همبستگی ، و منتظر فرمانهای (شورای نظامی ) می شوند.

با این تصویر، طبیعی تر این بود که مبدا و مرکز عملیات کودتا در تهران شناسایی می شد.

در طرح کودتا پایگاه یکم نیروی هوایی در مهر آباد به عنوان مرکز ثقل کودتا انتخاب شده بود و بزرگترین نقطه قوت این پایگاه همان امتیازی بود که بزرگترین نقطه ضعف آن نیز محسوب می شود. پایگاه در تهران بود و این امتیاز بزرگی بود. اما این پایگاه در مناطق مسکونی محصور و در دسترس مردم بود و این ضعف بزرگی محسوب می شد .

کودتاگران از این بیم داشتند که در روز عملیات پس از پروازهای نخستین و بمباران اهداف تعیین شده ، مردم از هر سو به پایگاه هجوم ببرند و پس از خارج کردن پیگاه از دست محافظین ، در سطح باندهای پرواز هواپیماها پراکنده شوند و امکان فرود و صعود را از هواپیماها بگیرند و کودتا با شکست مواجه شد، و لذا آنان در صدد شناسایی پایگاهی بر آمدند که :

۱ - دارای هواپیما باشد.

۲ - به تهران نزدیک باشد.

۳ - خارج از شهر باشد.

۵ - رهبران عملیات هوایی کودتا حداکثر آشنایی را با پرسنل و اماکن آن داشته باشند و با توجه به ویژگیهای یاد شده ، (پایگاه شهید نوژه ) توسط کودتا مطلوب تشخیص داده شد. این پایگاه نخست از نظر داشتن هواپیماهای قابل تجهیز به سلاح سنگین ، بر پایگاه مهرآباد برتری داشت ، دوم نزدیکترین پایگاه به تهران بود، سوم در ۶۰ کیلومتری همدان (دور از دسترس مردم ) قرار داشت ، چهارم این که تیمسار آیت الله محققى ، تیمسار سعید مهدیون ، سروان حمید نعمتی ، سروان بیژن ایران نژاد و... در آنجا خدمت کرده بودند و اماکن و پرسنل پایگاه را می شناختند.

#### طرح اشغال پایگاه نوژه

برای تصرف پایگاه نوژه به عنوان کلید عملیات کودتا، ۱۲ هدف تعیین شده بود و برای نیل به اهداف تعیین شده ۱۲ تیم مرکب از کلاه سبزه های تیپ نوهده (حدود ۱۰۰ نفر)، ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر از فریب خوردگان ایل بختیاری و ۱۲ نفر راهنما (از داخل پایگاه ) در نظر گرفته شده بود. نیروهای هواپرد حداکثر تا ساعت یک بامداد ۱۳۵۹/۴/۱۹ باید در محلی که سرتیپ سرهنگ زاد نادری تعیین کرده بود حاضر می شدند و اندکی بعد ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر از عشایر ایل بختیاری که از اصفهان حرکت می کردند، جهت تسلیح و سازماندهی برای پشتیبانی از تیمهای ۱۲ گانه چتر باز به آنان ملحق می شدند. سپس سرگرد کوروش آذرتاش (فرمانده تیپ ۲۳ نوهده پیش از انقلاب ۹ فرماندهی آنان را جهت سقوط پایگاه نوژه به دست می گرفت .

پس از تصرف کامل پایگاه نوژه ، تیمسار آیت الله محققى برای شروع و رهبری عملیات هوایی ، در اتاق فرماندهی عملیات هوایی استقرار می یافت و همزمان با استقرار او در پست فرماندهی ، سروان حمید نعمتی ، سروان محمد ملک ، سروان کیومرث آبتین و سروان فرخ زاد جهانگیری که هر کدام سرپرست یک تیم بودند آماده به پرواز درآوردن نخستین اسکادران هوایی شامل ۱۶ هواپیما از ۵۳ فروند هواپیمای مجهز به سلاح سنگین که برای عملیات در نظر گرفته شده بود، می شدند.

در طرح عملیات نظامی کودتا، عملیات هوایی در تضمین پیروزی نقش محوری داشت و برگ برنده کودتا محسوب می شد. لذا برای عدم برخورد عملیات هوایی با هرگونه مانع احتمالی ، باید تا لحظه شروع کودتا، اقدامات از هر جهت طبق برنامه کودتا پیش می رفت . یکی از نیازهای اساسی این بود که در روز کودتا هواپیماها باید مسلح به سلاح سنگین و آماده پرواز باشند. وجود جو خصومت میان عراق و ایران می توانست زمینه ساز چنین تمهیدی باشد. به همین جهت به بنی عامری پیشنهاد کردند که از طریق پاریس این مشکل حل شود تا حالت خصمانه عراق و ایران همچنان داغ نگهداشته شود تا ارتش و نیروی هوایی مجبور باشد هواپیماهای جنگنده را همواره مسلح به مهمات سنگین نگهدارد.

پیرو هماهنگی های انجام شده ، حملات زمینی و هوایی عراق علیه ایران با نزدیک شدن زمان کودتا گسترش یافت . در مقایسه با ۱۳۹۹ حمله ای که عراق در فاصله ۵۸/۱/۱۳ تا ۵۹/۲/۱۳ انجام داد، از ۵۹/۳/۱ تا ۵۹/۴/۱۹، ۱۵ حمله هوایی و زمینی به ایران صورت



گرفت. در روز ۵۹/۴/۱۸ منطقه باویس، تپه رش، پاسگاه شورشیرین و پاسگاه انجیره مورد حمله زمینی و سومار و نخجیر مورد حمله هوایی رژیم عراق قرار گرفتند. همچنین در روز ۵۹/۴/۱۹ حوالی سنج آماج حمله هوایی و ارتفاعات غرب پاره هدف حمله زمینی قرار گرفت.

قرار بر این بود که در پی حملات هوایی عراق، آژیر قرمز پایگاه که در عین حال به معنای رمز عملیات هوایی کودتا بود، به صدا درآید و پرسنل هوایی به آماده کردن هواپیماها مشغول شوند. پس از آماده شدن هواپیماها و پس از روشن شدن هوا، خلبانان وابسته به کودتا در ظاهر برای حرکت به سمت مرزها و تلافی حملات عراق و در واقع برای حرکت به سوی تهران و بمباران اهداف از پیش تعیین شده، از روی باند پرواز می کردند.

اهداف تعیین شده برای بمباران

با رسیدن هواپیماها به تهران، نقاط زیر مورد حمله قرار می گرفت:

بیت امام (ره) در جماران، فردگاه مهرآباد، نخست وزیری، ستاد مرکزی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ستاد مرکزی کمیته های انقلاب اسلامی، پادگان ولی عصر (عج)، پادگان امام حسین (علیه السلام) و چند پادگان و مرکز مهم دیگر.

بیت امام (ره) نه فقط اولین هدف عملیات هوایی را تشکیل می داد، بلکه بمباران آن نیز با سایر اهداف کاملا متفاوت بود. برای این منظور ۳ هواپیما به خلبانی سه تن از ماهرترین خلبانان کودتا در نظر گرفته شده بود. هواپیمای اول ماموریت داشت ۴ بمب ۷۵۰

پوندی (شعاع تخریب ۷۵۰ فوت) بر روی هدف رها کند. هواپیمای دوم دو عدد موشک ماوریک شلیک می کرد. ماموریت هواپیمای سوم پرتاب ۴ بمب ضد نفر خوشه ای (هر بمب مرکب از ۶۵۰ نارجک تاخیری) بود. پس از پایان بمباران های مکرر و متنوع

جماران، هواپیمای اول به سمت رادیو و تلویزیون می رفت و دو هواپیمای دیگر محدوده بمباران شده جماران را زیر رگبار مسلسل می گرفتند و چنانچه میزان انهدام را کافی تشخیص نمی دادند از هواپیماهای دیگر کمک می گرفتند.

پس از بمباران جماران و مهرآباد (به جهت سلب قدرت مقابله هوایی) با شکستن دیوار صوتی، پیروزی نخستین مرحله کودتا (عملیات هوایی) به نیروی زمینی اعلام و علامت آغاز مرحله دوم کودتا یعنی تسخیر مراکز زمینی به وسیله قوای مسلح داده می شد.

حمله به بیت امام (ره) مرکز ثقل کودتا را تشکیل می داد و به معنای به دست آوردن کلید پیروزی کودتا بود. بر سران کودتا کاملا

مشخص بود که تا زمانی که امام (ره) زنده بود، مردم با یک کلمه ایشان به خیابانها می ریختند و کودتا را عقیم می کردند. به

همین جهت از بین بردن ایشان یکی از مهمترین هدف های کودتا بود و برای اجرای آن بیش از سایر هدفها، هواپیما و مهمات سنگین در نظر گرفته شده بود.

اهداف تعیین شده برای تسخیر

پس از بمبارانهای هوایی و شکسته شدن دیوار صوتی در تهران ، این مراکز باید اشغال می شد:

صدا و سیما، فرودگاه مهرآباد، ستاد نیروی زمینی ، ستاد ارتش جمهوری اسلامی ، پادگان حر، پادگان قصر، پادگان جمشیدیه و زندان اوین .

کودتاگران در صورتی که از تصرف صدا و سیما عاجز می ماندند قصد داشتند آن را بمباران کنند تا این رسانه همگانی موثر در بسیج مردم علیه کودتا از دست جمهوری اسلامی خارج شود. همچنین در سطح شهر تهران باید گروههای مسلح پخش می شدند و با اعمال خشونت و ارباب مردم ، سعی در قرق کردن شهر می کردند. همچنین در نظر بود تعدادی غیر نظامی مسلح ، با اضافه شماری از ماموران ساواک منحل و عده ای تک تیرانداز ماهر و گروه ویژه محمد باقر بنی عامری به نام (گروه نجات گروگان ) به دنبال بمبارانهای هوایی ، مسئولین جمهوری اسلامی را مورد حمله قرار دهند و در صورت کمترین مقاومت در جا حکم اعدام را اجرا کنند. نکته لازم به ذکر این که سید ابوالحسن بنی صدر ابتدا در لیست کسانی بود که باید ترور شوند، اما بعدا تصمیم گرفتند او را سالم دستگیر کنند. در شهرستانها نیز همزمان با پخش خبر بمباران جماران و دیگر مراکز نظامی و سیاسی و اعلام اسامی مراکز تخلیه شده در شمال غربی ، غرب ، جنوب و شرق ایران نیروهای خود فروخته و خائن وارد عمل می شدند.

امشب قرار است کودتا شود

این توطئه در شرایطی طرح شد که اصولا مسئولین کشور احتمال توطئه ای به این گستردگی را نمی دادند. در آن زمان جمهوری اسلامی ، سازمان اطلاعاتی چندانی نداشت و در تشکیلات دولت افرادی مانند سید ابوالحسن بنی صدر به عنوان رئیس جمهور و فرمانده کل قوا حضور داشتند. تحت چنین شرایطی با ابعاد گسترده ای که توطئه داشت ، نافرجام ماندن آن بعید به نظر می رسید، اما از آنجا که خواست و اراده خداوند بر این نبود، مکر و حيله های آنان راه به جایی نبرد و بدین صورت کودتای نوژه ، این طرح بزرگ برای براندازی جمهوری اسلامی عقیم ماند.

یکی از خلبانانی که شش ماه قبل از کودتا توسط گروه پشتیبانی مورد شناسایی قرار گرفته بود، سه روز مانده به موعد کودتا در پایگاه نوژه مطلع شد که برای ایفای نقش در کودتا در نظر گرفته شده است . او جهت آگاهی از ماموریتش باید در تهران با سروان حمید نعمتی ملاقات می کرد. حمید نعمتی در ملاقات با خلبان مزبور به او می گوید: ماموریت تو بمباران بیت امام (ره) است و ما می توانیم تا پنج میلیون نفر را بکشیم ، گویا شگرد حمید نعمتی این بود که در نخستین دیدار توجیهی کودتا، به خلبانان عضوگیری شده ، چنین جمله ای را می گفت تا از میزان آمادگی آنها برای شرکت در کودتا و کشتار میلیونی (در صورت لزوم ) اطلاع یابد. خلبان یاد شده در مقابل نوع ماموریت و وسعت کشتار غافلگیر و مردد شد. اما به دلیل تصویری که از تعداد و قدرت کودتاگران داشت بیمناک شد که اگر واکنش منفی نشان دهد در معرض خطر قرار گیرد. پس از خروج از خانه حمید نعمتی ، تشویش و نگرانی بر جان او چنگ انداخت . در برابر وضع پدید آمده احساس بلاتکلیفی می کرد. دلش می خواست که موضوع را با کسی در میان گذارد اما با که

؟ چهره مادرش ، آن زن ساده و پاکدل و دیندار در نظرش نقش بست . اما مادرش چه کمکی می توانست بکند؟ ولی چاره ای نبود، مگر همیشه در مواقع استیصال جز مادر پناهنگاهی داشته است ؟

به خانه می رود و موضوع را در حضور برادر کوچکتر با مادرش در میان می گذارد:

(مادرم بشدت ناراحت شد و گفت تو نه تنها این کار را نباید بکنی بلکه باید خبر بدهی و جلوی این کار را بگیری و اگر اطلاع ندهی شیرم را حلال نمی کنم .)

آنچه در این گفتگو میان مادر و فرزند رخ داد حادثه ای است که ابعاد آن محدوده یک خانواده کوچک را در می نورد و عمق و پهنای یک ملک و یک تاریخ را فرا گرفت . فرزند بر سر دو راهی قرار گرفته بود. یا به مادر، زادگاه ، مردم و دین پشت کند و نیرویی را که از خرمن هستی او جذب جان خود کرده به صورت بمب از سینه پرنده آهنین بر سر افراشته مردم و امام خود رها کند، و یا به کسانی که به مادران خود پشت کرده اند پشت نماید و حادثه را متوقف کند. در آخرین دقیقه هایی روز سه شنبه و نخستین لحظات سحرگاه چهارشنبه روز سرنوشت ساز کودتا، خلبان تصمیم خود را می گیرد و در عین ترس از نابودی که به وسیله کودتاگران و آماه پذیرش شهادت در این راه ، در ساعت نیم بامداد از خانه خارج می شود. پس از پرس و جوهای مختلف و دوندگی های متعدد، حدود اذان صبح خود را به منزل حضرت آیت الله العظمی خامنه ای می رساند. مقام معظم رهبری واقعه را این چنین تعریف می کنند:

(یک شبی من حدود اذان صبح دیدم که در منزل ما را بشدت می زنند. من از خواب بیدار شدم . رفتم می گویند یک ارتشی آمده و با شما یک کار واجب دارد. دیدم یک نفر تکیه داده به دیوار، با حال کسل و آشفته و خسته و سرش را فرو برده . گفتم شما با من

کار دارید؟ بلند شد و گفت بله . گفتم چکار داری ؟ گفت کار واجب دارم فقط به خودتان می گویم ، و یادم نیست ، شاید گفت مربوط به کودتا است . من به حرفش حساس شدم . بعد از خواندن نماز صبح به حرفهایش گوش فرا دادم . البته احتمال این هم بود

که سوء نیتی داشته باشد، اما دیدم ، نمی شود به حرفش گوش نداد. او هم اصرار داشت که تنها به من بگوید، به هیچ قیمتی اگر کس دیگری بود نمی گفت . یک جایی گوشه حیاط نشستیم . گفتم : قضیه چیست ؟ گفت : بناست کودتایی بشود. گفتم : تو از کجا

می دانی ؟ بنا کرد شرح دادن ... آثار بی خوابی و خیابان گردی و خستگی و افسردگی شدید و سراسیمگی و هیجان دو او پیدا بود. خلاصه آنچه گفت این بود که در پایگاه همدان اجتماعی تشکیل شده و تصمیم بر کودتایی گرفته و پولهایی به افراد زیادی داده اند،

به خود من هم پول داده اند... قرار است جماران و چند جای دیگر را بمباران کنند. پرسیدم کی قرار است این کودتا انجام شود؟ گفت : امشب . من دیدم مساله خیلی جدی است و بایستی آن را پیگیری کنیم . البته در این بین احتمال این را می دادم که یک سیاست

باشد که بخواهند ما را سرگرم کنند، اما در عین حال اصل قضیه آن قدر مهم بود که با وجود این احتمالات لازم بود که قضیه را پیگیری کنیم .)

چند ساعت پس از افشای کودتا به وسیله خلبان یاد شده یکی از درجه داران تیپ ۲۳ نوهده نیز به کمیته مستقر در اداره دوم ستاد مشترک مراجعه می کند و پس از افشای کودتا و اعتراف به این که قرار است به همراه عده ای دیگر در براندازی جمهوری اسلامی شرکت کند، یک پاکت حاوی بخشی از طرح عملیات کودتا را در اختیار کمیته فوق قرار می دهد. بدین ترتیب به فاصله چند ساعت از سوی دو عنصر جذب شده به کودتا، اقدام به (ضد کودتا) می شود و چشمان انقلاب در برابر خطری که در چند گامی اش کمین کرده بود گشوده می گردد.

این ضد کودتا گرچه به وسیله دو فرد که از اقدام یکدیگر بی اطلاع بودند صورت گرفت ، ولی عمل این دو در واقع ترجمان اراده یک ملت انقلابی علیه ضد انقلاب بود.

از همان زمان که احتمال وقوع کودتا احساس شده بود ستادی مرکب از واحدهای اطلاعات سپاه پاسداران ، گروه مهندسی و... انجمن اسلامی نیروی هوایی ، تعدادی از پرسنل مومن نیروی زمینی و تیپ نوهده به نام (ستاد خنثی سازی کودتا) تشکیل گردید ولی این ستاد اطلاعات موثر و کارا از کودتا در اختیار نداشت ، اما اطلاعات تا حدود زیادی پس از افشای کودتا به وسیله خلبان فوق و تا حدود کمتری توسط درجه دار تیپ ۲۳ نوهده رد اختیار ستاد خنثی سازی کودتا قرار گرفت و عملاً از نبض عملیات کودتا به وسیله این دو آگاه شدند.

با جمع بندی اطلاعات و تکمیل آن با اطلاعاتی که از قبل جمع آوری شده بود به سرعت عملیات مقابله با کودتای قریب الوقوع و خنثی کردن آن در دو محور پاک لاله و پایگاه نوژه طرح ریزی شد. پارک لاله محل تجمع ۴۰ تن از خلبانانی بود که باید توسط اتوبوس به پایگاه هوایی نوژه می رفتند و به دیگر خلبانان کودتا می پیوستند.

عمده نیروهای به کار گرفته شده برای خنثی سازی کودتا در پایگاه نوژه متمرکز گردید و عملیات مربوط به پایگاه نوژه در دو قسمت داخل و خارج پایگاه به اجرا گذاشته شد. بدن سان همزمان با شروع کودتا، نیروهای انقلاب متشکل از برادران سپاهی و پرسنل متعهد و فداکار نیروی هوایی وارد عمل شدند و آن چنان درسی به خائنان و اربابان مستکبرشان دادند که برای همیشه در صفحات درخشان تاریخ انقلاب خواهد درخشید.

امام خمینی (ره) و کودتا (۵۰)

امام امت پس از پایان عملیات خنثی سازی کودتا (۱۳۵۹/۴/۲۰) در حسینیه جماران سخنرانی کردند. ایشان در بخشهایی از سخنان خود در رابطه با کودتا چنین فرمودند:

(می خواهند توطئه بکنند و آن هم این طور توطئه ای که معلوم است که اگر چنانچه موفق به کشفش هم نشده بودیم و قیام هم کرده بودند، [مردم] خفه می کردند آنها را... اگر این فانتوم ها هم بلند شده بود که اینها می خواستند چه بکنند، پدر اینها را در می آوردند مگر ملت ما حالا دیگر نشسته آنجا که یک فانتوم و دو فانتوم کاری انجام بدهد. این احمق ها نفهمیدند این را که با چهار تا

مثلا سرباز (سربازها که با اینها موافق نیستند) با چهار نفر از این درجه دارها مثلا و امثال اینها می شود یک مملکت / چهل و / سی و پنج میلیونی که همه مجهز هستند، اینها بتوانند فتح کنند. اینها غلط فکر کردند، اینها نفهمیدند که شوروی با همه قدرتی که دارد و با همه ابزاری که دارد و با همه سلاح های مدرنی که دارد، در افغانستان پوزه اش به خاک مالیده شد. در عین حال که ...

- حضار: توطئه چپ و راست کوبنده اش روح الله است -

امام: صبر کنید، صبر کنید خواهش می کنم، شماها کوبنده هستید، روح الله کی است؟

مقام معظم رهبری و کودتا

مقام معظم فرماندهی کل قوا حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی)

در یکی از سخنرانیهای خود در سال ۱۳۷۴ درباره کودتای نوژه چنین می فرمایند:

(شاید ملت ایران نداند آن کسانی که موجب شدند توطئه کودتای بسیار خطرناک پایگاه شهید نوژه خنثی شود، خود جوانهای ارتش بودند که آمدند به ما اطلاع دادند. یک جوان خلبان نیمه شب آمد در خانه ما را زد و ما را با اصرار زیاد وادار کرد که حرفش را گوش کنیم و گفت که این کودتا دارد ظرف ۲۴ ساعت آینده انجام می گیرد. بعد هم که عناصر، دنباله گیر این قضیه شدند، خود نظامیان و ارتشیهای متدین آن پایگاه بیشترین نقش را در خنثی سازی آن کودتا داشتند. یعنی آن کسی که در این صحنه از ارتش دفاع کرد، خود ارتش بود، خودش نگذاشت که این چنگال دشمن به او وصل شود و دشمن بتواند توطئه خودش را در ارتش پیاده کند.)

۲۱ تیر / ۱۱ ژوئیه

روز جهانی جمعیت

در ژوئن ۱۹۸۹ مجمع کنترل برنامه توسعه ملل (P.D.N.U)

(۵۱) توصیه کرد که ۱۱ ژوئیه (۲۱ تیرماه) توسط مجمع عمومی به عنوان روز جهانی جمعیت شناخته شود، تا در نتیجه ۵ میلیارد جمعیت حاضر جهان، آن روز را گرامی بدارند و در این روز افکار عمومی جهان را به خطر افزایش جمعیت و تدابیر و برنامه های توسعه و نیاز به حل مشکلات ناشی از افزایش جمعیت جلب کنند.

در اواسط سال ۱۹۹۵ جمعیت جهان ۵/۷ میلیارد نفر بود. براساس برنامه های سازمان ملل تا سال ۲۰۱۵ که جمعیت جهان بین ۷/۱

- ۷/۸ میلیارد نفر پیش بینی شده است، افزایش جمعیت سالانه به طور میانگین بیش از ۸۶ میلیون نفر خواهد بود. (۵۲)

در آغاز قرن بیست و یکم جمعیت جهان بالغ بر ۶ میلیارد و دویست میلیون نفر خواهد شد و زمین این کره خاکی زیبا برای ادامه حیات و زندگی با مشکل مواجه خواهد شد. سرانجام در سال ۲۰۲۵ حدود ۸/۵ میلیارد موجود انسانی حق شان را از طبیعت و زمین پیر طلب خواهند کرد! جمعیت جهان دیوانه وار به شکل انفجاری افزایش می یابد و این نوع افزایش در تمامی طول عمر بشر وجود

نداشته که در طول فقط ۴۲ سال جمعیت جهان دو برابر شود. یعنی از رقم ۲/۵ میلیارد نفر در سال ۱۹۵۰ میلادی به میزان ۵/۵ میلیارد نفر در سال ۱۹۹۲ برسد.

این جمعیت کثیر گویی با دهان باز و گرسنه به دنیا می آید تا آخرین آثار و بقایای محیط زیست طبیعی بر کره زمین را نابود کنند و همه ذخایر طبیعی را بلعیده و از کره ای که زیباترین حدیث آفرینش خداوندی را در جلوه های بی پایان جنگلهای سرسبزش ، کوهستانهای رفیعش و اقیانوسهای نیلگونش ... به تصویر کشیده است ، به برهوتی خشک و لم یزرع مبدل سازند.

براساس آمارهای انتشار یافته در هر دقیقه ۲۳۲ نوزاد در جهان متولد می شوند. یعنی در هر ساعت مجموعاً ۱۳،۹۲۰ انسان کوچک به ساکنان کره خاکی افزوده می شود. در یک شبانه روز زمین از ۳۳۴،۰۰۰ نوزاد تازه وارد استقبال می کند. این در حالی است که در هر دقیقه تنها ۹۷ نفر انسان ، یعنی روزانه ۱۴۰،۰۰۰ انسان به دیار باقی می شتابند. مقایسه این ارقام نشان می دهد که میزان تولد ۲/۴ برابر میزان مرگ و میر است و تناسب لازم بین این دو برقرار نیست و این امر سبب افزایش بی رویه جمعیت جهان می گردد.

#### جمعیت و محیط زیست

افزایش جمعیت و گسترش شهرنشینی ، کاربرد نامناسب و استفاده بی رویه از زمین و محیط زیست را به دنبال دارد و دشواریهای بیشماری را در بخش اقتصاد کشورهای در حال توسعه فراهم می آورد. تا دو دهه پیش تنها کشورهای صنعتی با آلودگی آب و هوا دست به گریبان بودند، اما امروزه کشورهای در حال توسعه همچون ایران نیز به گونه ای جدی در معرض این تهدید قرار گرفته اند. در بیشتر شهرها مشکلات گوناگونی در زمینه جمع آوری و دفع فاضلاب به چشم می خورد و باستثنای چند شهر، دفع فاضلاب به وسیله چاه های غیر بهداشتی صورت می گیرد. مصرف روزافزون کودهای شیمیایی و سموم کشاورزی نیز تهدیدی دیگر برای سلامت محیط دریاچه ها و رودها به شمار می آید.

پیامدهای ناگوار آلودگی محیط زیست نه تنها موجب بروز بیماریهای مختلف جسمی و روانی نوظهور در نسل حاضر شده ، بلکه نسلهای آینده را نیز مورد تهدید قرار داده است .

#### جمعیت و مسکن

در فرآیند بی رویه افزایش جمعیت ، مساله مسکن به یکی از مسائل پیچیده بسیاری از جوامع تبدیل شده است ، افزایش هزینه مسکن از یک سو و فزونی جمعیت از سوی دیگر، به این مشکل دامن می زند و دشواری تهیه سرپناه را برای بسیاری از خانواده ها دو چندان می سازد.

#### جمعیت و آموزش و پرورش

رشد پرشتاب و بی وقفه جمعیت، آثار ناخوشایندی بر نظام آموزش و پرورش کشورها دارد. در کشورهایی که رشد جمعیت آنها ۲/۵ درصد است، درصد باسوادی بزرگسالان نزدیک به ۶۳ درصد است، در حالیکه در کشورهای توسعه یافته صنعتی که رشد جمعیت سالانه آنها در محدوده ۰/۵ درصد مهار شده است. ۹۹ درصد بزرگسالان از نعمت سواد برخوردارند.

در کشور ایران در سالهای اخیر، نهضت سواد آموزی که به فرمان امام (ره) تشکیل شده، تلاشهای گسترده ای در جهت ریشه کم ساختن بیسوادی انجام داده است، اما متأسفانه هنوز این معضل بزرگ به طور کامل ریشه کن نشده است و بموازات رشد جمعیت روزبروز بر شمار افراد لازم التعلیم افزودن می شود. در چنین وضعیتی به دلیل ناکافی بودن امکانات آموزشی کشور بمرور سطح فرهنگ از نظر کمی و کیفی کاهش می یابد.

## جمعیت و قانون

در جهانی که افزایش تعداد انسانها تغییرات خطرناکی در نظامهای زیست محیطی ایجاد می کند، تنها کار مطلوب همان تثبیت جمعیت است. تاکنون در ۱۳ کشور جهان که تعداد کل ساکنان آن حدود ۲۶۶ میلیون نفر است، نرخ زاد و ولد به حدی نزول کرده که تعداد موالید و مرگ و میر آنها به تعادل رسیده است. این کشورها همگی در اروپا واقعند. این امر با بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه امکان پذیر شده و یا مشکلات خود به خود کاهش یافته است.

تجربیات نشان می دهد که رشد سریع جمعیت و پیشرفت اجتماعی در دراز مدت با هم سازگار نیستند. چین و ژاپن سرمشق بسیار خوبی در کاهش سریع جمعیت هستند. پس از آن که ژاپن امپراتوری زمان جنگ خود را از دست داد با این واقعیت مواجه شد که می بایست برای تامین نیازهای خود به طور عمده به منابع موجود کشور تکیه کند و با بدترین شرایط زندگی بسیاری از زوجهای ژاپنی تصمیم گرفتند خانواده کوچکتری داشته باشند. در نتیجه میزان باروری زنان ژاپن تا جایی سقوط کرد که در تاریخ جمعیت نگاری جهان سابقه نداشت. در فاصله سالهای ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۶ ژاپن نرخ رشد جمعیت خود را از ۲/۲ کمتر از ۱ رساند. دو دهه بعد حکومت چین هم به این نتیجه رسید که کاهش سریع نسبت زمین به جمعیت این کشور، پیشرفت اقتصادی آینده اش را به خطر خواهد انداخت، در نتیجه تصمیم جدی به کاهش نرخ موالید کشور گرفت. نرخ رشد جمعیت چین بین سالهای ۷۶ - ۱۹۷۰ از ۲/۶ در سال به ۱/۳ نزول کرد. موقعیتهای ژاپن و چین در زمینه تنظیم خانواده نشان می دهد که وقتی ملتها در مورد کاهش رشد جمعیت خود جدی باشند، نتایج مثبتی کسب می کنند. همه کشورهایی که توانسته اند خانواده های خود را کوچکتر کنند به طور مشخصی در چهار مساله اقدام مشابهی انجام داده اند:

۱ - برنامه ملی فعال در زمینه آموزش جمعیت داشته اند.

۲ - خدمات تنظیم خانواده در آنها وسیع و در دسترس همگان بوده است.

۳- در کشورهای یاد شده، داشتن خانواده کوچکتر موجب تشویق مادی شده و حتی در بعضی موارد خانواده بزرگتر جریمه شده است.

۴- اصلاحات گسترده ای در شرایط اقتصادی و اجتماعی خود به عمل آورده اند.

گام نخست در طرح یک برنامه ملی و موثر برای آموزش مسائل مربوط به جمعیت این است که با نگرشی دقیق به آینده، طرحهایی که رشد جمعیت را با آینده نظامهای نگهدارنده محیط زیست و روندهای اقتصادی مربوط می کنند ترسیم کنیم.

هنوز هم بهترین نمونه همان طرحهایی است که در میانه دهه هفتاد به عنوان بخشی از برنامه بازنگری در چین به اجرا درآمده است. یکی از سوالاتی که در آن زمان مطرح شد این بود که اگر هر زوج چینی دو فرزند داشته باشد آینده مردم چین چگونه خواهد بود؟

اگر روند چین می بود، تاکنون ۷۰۰ میلیون نفر یعنی تقریباً یک هندوستان دیگر به جمعیت چین اضافه شده بود و وقتی چینی ها این افزایش جمعیت را با این مساله که در آینده چقدر آب، خاک، جنگل، منابع انرژی و بالاخره شغل جدید خواهند خواست مربوط کردند، روشن شد که دو فرزندی بودن خانواده نتیجه ای جز کاهش استانداردهای زندگی مردم کشور به بار نخواهد آورد. گرچه این انتخاب کار مشکلی بود، چین راه دوم را انتخاب کرد و توانست سطح مرگ و میر شیرخواران را به جوامع صنعتی ثروتمند نزدیک سازد.

کلید دستیابی به یک طرح پیش بینی کننده دقیق آن است که روندهای تغییر جمعیت و روندهای اقتصادی و اکولوژیک هر کشور با هم ادغام شوند و فقط با تلفیق این سه با هم است که می توان دست به انتخاب زد.

قدم دیگری که بالقوه ثمرات زیادی خواهد داشت عبارت است از فراهم کردن خدمات تنظیم خانواده برای کسانی که هنوز تحت پوشش فعلی این شبکه قرار نگرفته اند.

جوامعی که اندازه خانواده خود را سریعاً کاهش داده اند بیشتر از طریق قرار دادن مشوقهایی برای خانواده های کوچک و جریمه هایی برای خانواده های بزرگ این کار را پیش برده اند.

یکی از مسائل مهمی که اخیراً مورد بحث قرار گرفته است، تاثیر اشتغال زنان در باروری می باشد. اشتغال زنان به کار در شرایط مساوی مردان در بیرون خانه و در ازای دستمزد، موجب کاهش قابل توجه نرخ موالید می شود در میان عوامل اجتماعی که در نرخ موالید اثر می گذارد مهمتر از همه وضع اجتماعی زنان است.

خوشبختانه نظام جمهوری اسلامی ایران و بویژه مجلس شورای اسلامی ایران در جهت دستیابی به اهداف کنترل بر پایه اصول ذکر شده، کوششهای خاصی را مبذول کرده اند. در سال ۱۳۷۲ لایحه کنترل جمعیت در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و

براساس این مصوبه دو قانون قبلی مشوق افزایش جمعیت نقض گردید و ضمناً بسیاری از ادارات و وزارتخانه های

مرتبط موظف شدند در این زمینه همکاریهای لازم را با وزارت بهداشت و درمان به عمل آورند.



برای بهبود بخشیدن سطح عمومی زندگی، بالا بردن همه جانبه سطح رشد اقتصادی واجد اهمیت است و این امر نه تنها در مورد مصرف خصوصی بلکه در مورد بهینه سازی خدمات عمومی مصداق دارد. پیوستگی افزایش جمعیت و رشد اقتصادی بیش از دو دهه موضوع مباحثات و مجادلات شدیدی بوده است.

تاکنون تاریخ حکایات گوناگونی را در این زمینه نقل کرده است. در اروپای قبل از سال ۱۸۰۰ میلادی در دوره های افزایش جمعیت معمولاً سطح زندگی اغلب مردم سقوط می کرده است. از سوی دیگر کاهشهای شدید جمعیت موجب می شده که در دوره های متعاقب آن سطح زندگی بازماندگان بهبود یابد. این ترتیب حاکی از آن است که زمینهای قابل کشت زراعی تا سرحد امکان مورد بهره برداری قرار گرفته اند، لذا رشد جمعیت توأم با بهبود سطح زندگی، فقط در صورتی میسر است که در تکنولوژی مربوط به تولید غذا، مسکن، کالا و خدمات بیشتر در همان مقدار زمین زیر کشت، پیشرفتهایی حاصل شده و پیشرفت فن آوری همگام با رشد جمعیت باشد. این وضعیت با انقلاب صنعتی که نفت را به عنوان مبنای انرژی جایگزین زمین، تکنولوژی و در نتیجه توسعه نمود، تغییر یافت.

بین سالهای ۱۹۶۵ و ۱۹۸۰ ظاهراً افزایش سریع جمعیت هیچ گونه مشکل محسوسی برای رشد اقتصادی ایجاد نکرد. در دهه ۱۹۸۰ این تصویر به گونه ای بنیانی تغییر کرد و ارتباط متقابل بین جمعیت و رشد اقتصادی در طول دهه ۱۹۸۰ منفی بوده است. با این وجود در این دهه مدیریت صحیح توانسته است تا حدودی آثار نامطلوب رشد جمعیت را تخفیف دهد و در مواردی ضعف مدیریت و عوامل اجتماعی و فرهنگی دیگر موجب رشد سریع جمعیت و تشدید مشکلاتی شده است.

### صندوق جمعیت ملل متحد

صندوق جمعیت ملل متحد در سال ۱۹۶۹ به عنوان یکی از ارگانهای تابعه مجمع عمومی سازمان ملل متحد تاسیس شده است. هدف از تشکیل صندوق کمک به آن دسته از کشورهای جهان است که با مشکل جمعیت مواجه می باشند. در جهت وصول به این هدف، صندوق جمعیت با اعطای کمکهای فنی و مالی به دولت‌ها تواناییهای لازم را برای پاسخگویی به نیازهای جمعیتی و تنظیم خانواده ایجاد می کند.

صندوق از طریق اجرای برنامه هایی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه جهان، آگاهیهای عمومی را در زمینه مسائل جمعیتی و آثار و پیامدهای آن بر رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی و کیفیت زندگی فردی و استراتژیهای را برای رویارویی با مشکل افزایش جمعیت ارائه می کند. اعطای کمک مالی توسط صندوق تنها به تقاضای دولت‌ها صورت می گیرد و صندوق علی

الاصول حامی برنامه های داوطلبانه کشورها برای کنترل جمعیت است . هر سال بیش از یکصد کشور جهان از کمکهای فنی و مالی صندوق برخوردار می شوند.

در حال حاضر ۶۹ کشور بر این باورند که میزان رشد جمعیت در آنها بالاست و ۶۳ کشور با کمک صندوق جمعیت در حال برداشتن گامهایی در راه کاهش این میزان هستند.

این کشورها در بردارنده ۸۵ درصد جمعیت کشورهای در حال توسعه هستند. در ۱۲۹ کشور، دولت مستقیما از برنامه تنظیم خانواده پشتیبانی می کند و در ۱۷ کشور دیگر حمایت دولت جنبه غیر مستقیم دارد. صندوق جمعیت سازمان ملل در حال حاضر به برنامه های جمعیتی در ۱۳۵ کشور جهان کمک می کند.

۲۳ تیر ۱۳۶۱

عملیات رمضان

قبل از آغاز عملیات رمضان ، مسئولین و دست اندرکاران به طور عمده دو مساله اساسی را رویاروی خود داشتند: یکی تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان و دیگری ورود به داخل خاک عراق . طبعاً آنچه در لبنان رخ داد، اساساً بدون ارتباط با پیروزیهای رو به گسترش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی پس از فتح خرمشهر و نیز فراهم سازی زمینه های فشار به ایران ، و اختتام جنگ نبود. بدین معنی که تاثیر پیروزیهای ایران ، اسرائیل را از حضور نزدیک فلسطینیها و شیعیان در کنار مرزهای شمالی خود به وحشت انداخت . اشغال مناطق مسلمان نشین شیعیان جنوب و اردوگاههای فلسطینی نیز برای جلوگیری از وقوع انقلاب اسلامی در لبنان و سپس سرایت آن به فلسطین اشغالی بود. در نتیجه ، اولاً آمریکا می بایست در برابر پیروزیهای جمهوری اسلامی عکس العملی نشان می داد و قدرت خود را به نمایش می گذاشت و ثانیاً، انقلاب اسلامی بر حسب هویت خود، به هیچ روی نمی توانست مسائل خاورمیانه ، بخصوص رژیم اشغالگر قدس را نادیده بگیرد؛ ثالثاً، عراق که پس از فتح خرمشهر به دنبال مفری جهت اتمام جنگ بود، قطعاً می توانست با بهانه قرار دادن مساله حمله اسرائیل ، به صورتی ادامه جنگ را به زیر سؤال ببرد.

پس از فتح خرمشهر دست اندرکاران جنگ ، طراحی عملیات رمضان را در دست داشتند، لیکن پیشامد بحران تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان در ۱۳۶۰ (مصادف با ۱۹۸۲ میلادی ) اذهان را متوجه لبنان کرد.

از سوی دیگر، پیش بینی می شد که جای پا و حضور مناسبی که در لبنان ایجاد شده است ، پس از حل عاجل مسئله جنگ ، گسترش و توسعه خواهد یافت و انقلاب اسلامی در مرحله جدید، به گونه ای جدیدتر و اساسی تر با اسرائیل و آمریکا درگیر بشود. نگرش یاد شده نسبت به مسائل لبنان و از طرفی فروکش کردن تب و تاب انجام عملیات در جبهه ها، آنهم در خارج از مرزهای جمهوری اسلامی و در خاک عراق ، خصوصاً پس از فتح خرمشهر، طبعاً خطرات فزاینده ای را برای جنگ و انقلاب در پی داشت . به عبارت دیگر، این وضع ، بیم گرفتاری ایران در دام استکبار جهانی را می داد.

در این مرحله ، فرمانده کل قوا امام خمینی (ره) با تبیین استراتژی (راه قدس از کربلا می گذرد)، عملاً جهت اصلی تحرکات و اقدامات اساسی جمهوری اسلامی را خاطر نشان فرمودند.

دلایل ورود به داخل خاک عراق

گذشتن از مرزهای بین المللی و ورود به خاک دشمن ، پس از دفع تهاجم ، امری بود که از نظر اعتقادی برای نیروهای رزمنده بهیچ وجهی در بر نداشت ، زیرا که عقب نشینی سراسری دشمن در پی شکستهای سنگینی که متحمل شده بود، به منظور معطل نمودن ایران و ایجاد شرایط نه صلح نه جنگ و حاکم ساختن وضعیت فرسایش در جنگ صورت گرفت .

لازمه حفظ و گسترش ابتکار عمل و برخورداری از روحیه تهاجمی جهت اعاده حقوق جمهوری اسلامی ، شرایطی بود، که ادامه جنگ و ورود به داخل خاک عراق را امکان پذیر می ساخت . لذا، در آن مقطع به انحاء گوناگون دلایل زیر جهت ورود به داخل خاک عراق مطرح می شد.

۱ - پس از تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان و عقب نشینی سراسری عراق از مناطق اشغالی ، کشورهای مرتجع منطقه موقعیت را مغتنم شمرده ، طی نامه هایی که با مسئولین جمهوری اسلامی رد و بدل کردند، عملاً در صدد برآمدند تا حقوق حقه جمهوری اسلامی را نادیده گرفته ، نسبت به موقعیت برتر ایران از خود بی اعتنایی نشان دهند. ورود به خاک عراق ، در حقیقت ، پایان دادن به این گونه برخوردها بود.

۲ - تنبیه صدام به عنوان متجاوز؛ تا بدین وسیله زمینه های هر گونه تجاوز به مرزهای جمهوری اسلامی ، در آینده ، از میان برداشته شود.

۳ - استراتژی (راه قدس از کربلا می گذرد) بر تداوم عملیات تا حل نهایی مساله جنگ تکیه داشت و تلویحاً این نکته را نیز مطرح کرد که انقلاب اسلامی از این طریق می تواند برخورد جدی با غرب و مبارزه با اسرائیل را تدارک بخشد.

۴ - با توجه به این که برنامه های مطلوب غرب ، متوقف ساختن نیروها در پشت مرزها بود، این توقف ، جز گرفتار شدن در یک دام ، معنای دیگری نداشت ، علاوه بر این ، دشمن پس از عقب نشینی ، با فرصت سه ماهه ای که به دنبال حمله اسرائیل به جنوب لبنان به دست آورد، مناسبترین خطوط پدافندی را در نوار مرزی ، متکی بر عوارض طبیعی ، ایجاد کرد و در نتیجه ، در خیلی از جاها خطوط جدیدی که بر نیروهای ایران اسلامی ، تحمیل شد، مناسب برای پدافند نبود و طبعاً در معرض آسیب پذیری قرار داشت .  
تهدید شهر بصره

عملیات رمضان بر این اساس طراحی شد که با حضور قوای نظامی ایران در پشت رودخانه دجله و اروند، و تسلط بر معابر وصولی بصره ، در ادامه عملیات فتح المبین و فتح خرمشهر، عملاً از نظر سیاسی - نظامی موقعیت مناسبی برای جمهوری اسلامی فراهم

آید، به طوری که یا غرب تن به تغییرات سیاسی در عراق بدهد و یا در غیر این صورت ، امکان ادامه جنگ در آینده از موضع قویتری فراهم شود.

موقعیت منطقه عملیاتی شهر بصره

منطقه عملیاتی رمضان محصور بود بین یک زمین مثلث شکل به وسعت ۱۶۰۰ کیلومتر مربع - که از شمال به کوشک و طلائیه (پاسگاههای مرزی ایران در جنوب هویزه) و حاشیه جنوبی هورالهویزه به طول ۵۰ کیلومتر و از غرب به رودخانه اروند (که از نقطه تلاقی رودخانه دجله و فرات به نام القرنه شروع می شد تا شلمچه در غرب خرمشهر) به طول ۸۰ کیلومتر و از شرق به خط مرزی شمالی - جنوبی از کوشک تا شلمچه به طول ۶۰ کیلومتر منتهی می شد - بر روی رودخانه اروند در این قسمت چهار پل (دو پل در منطقه نشوه و دو پل در منطقه تنومه) واقع شده است که در جنوب غربی این رودخانه شهر صنعتی و بندری بصره قرار دارد. دشمن تا قبل از فتح خرمشهر، از آنجا که این شهر را کلید بصره می دانست و امکان از دست دادن این شهر را غیر ممکن می پنداشت ، در شرق بصره مواضع مستحکمی نداشت ؛ لیکن در فرصتی که بر حسب حضور فکری نیروهای خودی در لبنان و تاخیر در انجام عملیات رمضان ، به دست آورد، تغییرات مهمی را در زمین منطقه ایجاد کرد که قسمت اعظم آن ، مبتنی بر تجارب برآمده از عملیاتهای گذشته بود. بدین ترتیب ، دشمن با احداث خاکریزهای مثلثی ، خطوط پدافندی مناسبی را ایجاد کرد که طراحان و مبتکران اصلی آن در گذشته اسرائیلیها بودند. علاوه بر این ، دشمن ، کانالی به طول ۳۰ کیلومتر و عرض ۱ کیلومتر را که مختص به امر پرورش ماهی بود، با پمپاژ آب و احداث موانع و کمین و سنگرهای تیربار، به عنوان مانعی باز دارنده ، در مقابل تعرض نیروهای خودی (جمهوری اسلامی) به سمت بصره ، آماده کرد. از طرف دیگر دشمن در قسمت جنوبی منطقه که مقابل شلمچه واقع است ، آب رها کرد تا مانع از عبور نیروهای ایران اسلامی شود.

دشمن در بیابان شرق بصره ، چیزی بیش از آنچه که ذکر شد، به طور برجسته و عمده نداشت ، اما در جنوب غرب اروند، شهر صنعتی - استراتژیک بصره واقع است . جمعیت این شهر کمتر از یک میلیون نفر است و دارای پالایشگاه ، کارخانه عظیم پتروشیمی ، واحد تصفیه گاز طبیعی و کارخانه های صنعتی دیگر می باشد. همچنین بخش تنومه که متعلق به شهر صنعتی در شرق اروند است ، در نزدیکی بصره ، قرار دارد. علاوه بر این ، صحرایی که در غرب بصره واقع است و نیز سرزمین با تلاقی شمال آن ، عظیمترین منابع نفتی عراق را در خود نهفته دارد. ضمناً، جاده مواصلاتی بغداد به کویت ، به نام صفوان ، که دارای اهمیت استراتژیک است و تدارکات اصلی و تسلیحات و مهمات نظامی دشمن از آن مسیر صورت می گیرد، از جنوب این شهر عبور می کند و پس از گذشتن از شهر مرزی صفوان ، در خاک کویت امتداد می یابد.

ماموریت و طرح مانور

خط حد و محدوده منطقه عملیاتی رمضان از کوشک ، در شمال ، آغاز می شد و تا رودخانه اروند، در جنوب ، امتداد داشت . در این محدوده ، عملیات رمضان از چهار محور یا چهار قرارگاه عملیاتی به منظور انهدام نیروهای سپاه سوم دشمن و تامین خط رودخانه اروند، رود، طراحی شد.

قسمتی از مساله عمده در مانور عملیات ، ضرورت هماهنگی در پیشروی قرارگاهها از محورهای مختلف و حفظ جناحین بود، که اساسا تحقق آن ، با اتکا به تلاشهای مهندسی ، امکان پذیر بود.

از آنجا که در منطقه شرق اروند، عقبه دشمن فقط متکی به چهار پل در (نشوه ) و (تنومه ) بود، پیش بینی می شد که در صورت سرعت عمل و رعایت غافلگیری توام با پیشروی مناسب ، نیروهای زیادی از دشمن به اسارت درآیند و در عمل ، چیزی نظیر واقعه شکستن حصر آبادان (عملیات ثامن الائمه )، تکرار شود. ضمنا سازمان رزم عملیات ، متشکل از نیروهای ارتش و سپاه در نظر گرفته شد و در مجموع ، عبارت بودند از: (۱۰ تیپ باضافه ) از سپاه و (۲ لشکر و یک تیپ باضافه ) از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی .

شرح عملیات (مراحل اول تا پنجم )

عملیات رمضان طی پنج مرحله از تاریخ ۶۱/۴/۲۳ با رمز یا صاحب الزمان درکنی در ساعت ۲۱/۳۰ آغاز شد و تا تاریخ ۶۱/۵/۶ به مدت ۱۵ روز به طول انجامید.

مرحله اول

در مرحله اول عملیات ، سه قرارگاه از سه محور با دشمن درگیر شدند و در جناح شمالی ، دو تیپ باضافه از سپاه و یک تیپ از ارتش ، ماموریت یافتند این جناح عملیات را تامین نمایند؛ لیکن به علت وجود موانع و استحکامات مثلثی شکل و میداین مین ، نتوانستند با سرعت به تمامی اهداف مورد نظر دست یابند؛ لذا با نزدیک شدن روشنایی صبح ، از ادامه پیشروی خودداری شد.

در محور میانی (شمالی پاسگاه زید)، سه تیپ باضافه از سپاه و یک لشکر از نیروی زمینی ارتش شرکت داشتند، و علی رغم این که نتوانستند مقداری پیشروی کنند، لیکن به استحکامات مثلثی شکل دشمن نرسیدند.

در محور جنوبی (جنوب پاسگاه زید)، چهار تیپ باضافه از سپاه و دو تیپ از ارتش نتوانستند با سرعت چشمگیر و قابل ملاحظه ای تمامی مواضع دشمن را درهم بکوبند و تا عمق ۳۰ کیلومتری پیشروی نمایند و خود را به نهر کتیبان ، در شرق اروند، و کانال ماهیگیری برسانند، به طوری که نتوانستند به قرارگاه فرمانده لشکر ۹ زرهی برسند و ماشین بنز فرماندهی را به غنیمت بگیرند. قرارگاه را منهدم ، و از آب کانال ماهیگیری و نهر کتیبان وضو سازند.

در این محور، نیروها بقدری به بصره نزدیک شده بودند که براحتی چراغهای شهر را مشاهده می کردند.

علی رغم موفقیت به دست آمده در این محور، جناح راست نیروهای خودی خالی ماند و پاکسازی کامل نیروها و موانع دشمن صورت نگرفت؛ لذا با روشن شدن هوا، دشمن، با یک لشکر زرهی فشار اصلی را معطوف آنجا کرد و در نتیجه از تامین منطقه، ممانعت به عمل آورد.

طی مرحله اول عملیات، ۸۵ تانک و نفربر و ۱۲ توپ دشمن منهدم شد و ۷۱ تانک و نفربر به غنیمت گرفته شد. علاوه بر این، ۲۷۰۰ تن از عناصر دشمن کشته و زخمی شدند و ۸۵۰ تن به اسارت درآمدند.

#### مرحله دوم

مرحله دوم عملیات، از محور میانی (جنوب پاسگاه زید) با همان یگانهای مرحله اول، با اضافه یک یگان قوی از سپاه با تقویت دو تیپ که تحت امر قرارگاه محور جنوبی بودند، در تاریخ ۱۳۶۱/۴/۲۵، آغاز شد. در این مرحله هدف عمده، استفاده از سر پل به دست آمده (در داخل خاک عراق به وسعت ۶۰ کیلومتر مربع) در مرحله اول و گسترش و توسعه آن تا کانال ماهیگیری (جلوه بصره) بود، که در صورت دستیابی به آن، فاصله رزمندگان تا بصره از ۲۰ کیلومتر به ۱۲ کیلومتر تقلیل می یافت.

نظر به این که دشمن در فاصله مرحله اول و دوم عملیات مجددا در عمق خود میادین مین ایجاد کرده بود؛ و نیز بعلت عدم پاکسازی کامل و الحاق جناحین، تلاش نیروهای خودی به سرانجام مطلوبی منتهی نشد؛ اما در مجموع، تلفات نسبتا زیادی، به دشمن وارد آمد، به طوری که ۱۱۶ تانک و نفربر و ۵۱ دستگاه خودرو منهدم گردید و ۱۵ تانک و نفربر به غنیمت گرفته شد و ۷۰۰ تن از نیروهای آن کشته و زخمی شدند.

#### مرحله سوم

به دنبال تهیه عکس هوایی از منطقه عملیاتی و سایر شواهد و قرائن موجود، مشخص شد که دشمن، نیروهای زرهی خود را با تجمعی بسیار وسیع آرایش داده است و احتمالا مبادرت به پاتک خواهد کرد. بر این اساس مرحله سوم عملیات به طور کلی به منظور انهدام تجهیزات زرهی (تانک و نفربر) تدبیر شد، لذا از شرکت نیروهای زرهی خودی ممانعت به عمل آمد تا بدین وسیله نیروهای پیاده و مجهز، با هر زره پوشی که مواجه شدند، منهدم کنند.

بدین ترتیب عملیات از محور میانی (جنوب پاسگاه زید) با همان نیروهای مرحله دوم، با اضافه سه تیپ، تقویت شد و در تاریخ ۶۱/۴/۳۰ آغاز گردید. قوای خودی در همان ساعات اولیه به صورتی چشمگیر خطوط دشمن را درهم شکستند و با انهدام بخشی وسیع از تجهیزات دشمن، در زمینی به وسعت ۱۸۰ کیلومتر مربع، به پیشروی ادامه دادند. طی این مرحله، نزدیک به ۷۰۰ تانک و نفربر دشمن منهدم شد؛ ۱۴ تانک و نفربر به غنیمت گرفته شد و ۲۱۰۰ تن از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند و ۲۵۹ نفر از آنها به اسارت درآمدند. قابل ذکر است که در میان تانکهای انهدامی دشمن، ۱۶ تانک مدرن و پیشرفته تی - ۷۲ به چشم می خورد، که ۴ تانک از آن نوع نیز به غنیمت گرفته شد.

در تاریخ ۶۱/۵/۱ قرارگاه محور جنوبی عملیات (شملچه) با ۲ تیپ باضافه از سپاه و یگانی از ارتش به صورت ادغامی وارد عمل شدند. لیکن به دلیل هوشیاری دشمن و نیز موانع و استحکامات قابل توجهی که وجود داشت، عملاً امکان عبور از خط اول دشمن فراهم نیامد.

مرحله پنجم

تلاش اصلی در مرحله پنجم عملیات، که در تاریخ ۶۱/۵/۶ انجام گرفت، معطوف به محور شمالی پاسگاه زید، در حد فاصل دژ مرزی عراق و خاکریزهای مثلی دشمن شد. طی این مرحله، هفت تیپ تقویت شده از سپاه و دو تیپ از ارتش شرکت داشتند. در آغاز درگیری، همه چیز طبق روال پیش می رفت. در نتیجه نیروهای خودی توانستند، گذشته از پاکسازی و الحاق، خاکریزی مناسب و دو جداره در جناح شمالی احداث کند، اما از آنجایی که دقت کافی در احداث خاکریز نشده بود، دشمن توانست پنج کیلومتر در آن رخنه کند. در این فاصله نیروها نزدیک به ۴۸ ساعت در مواضع به دست آمده مستقر شدند و امکانات پشتیبانی رزمی و خدماتی به جلو منتقل شد. دشمن نیز که در مرحله گذشته ضرباتی اساسی متحمل شده بود، تحرکی از خود نشان نداد، لیکن علی رغم این که عملیات تا آستانه تثبیت پیش رفته بود، طی بررسی که به عمل آمد، ادامه حضور نیروها مصلحت دیده نشد. در مرحله پنجم، ۱۳۰ تانک و نفربر دشمن منهدم و ۱۱ تانک و نفربر به غنیمت گرفته شد. و ۸۰۰ تن از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند.

در عملیات رمضان آمار کلی تلفات و خسارات به دشمن، عبارت بود از:

هوایمای سرنگون شده: ۵ فروند

انهدام تانک و نفربر: ۱۰۹۷ دستگاه از انواع مختلف

نفرات کشته و زخمی: ۷۴۰۰ نفر

افراد اسیر: ۱۳۱۵ نفر

ضمناً ۴ لشکر و ۳ تیپ زرهی دشمن بین ۲۰ تا ۶۰ منهدم شدند و ۹ تیپ پیاده دشمن نیز بین ۲۰ تا ۱۰۰ خسارت و تلفات را متحمل گردیدند.

۳۱ - ۲۵ تیر

هفته بهزیستی

سازمان بهزیستی کشور، به موجب لایحه قانونی ۱۳۵۹/۴/۱۰ در جهت تحقق مفاد اصول ۳، ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در راستای تحقق عدالت اجتماعی تشکیل شده است.

این سازمان به منظور نیل به اهداف خود با اتخاذ تدابیر لازم و حمایت‌های گوناگون از کودکان نیازمند، زنان و کودکان بی سرپرست ،

ابن السبیل (۵۳) و نیز ارائه خدمات توانبخشی به معلولان جسمی و ذهنی ، مبتلایان به بیماریهای صعب‌العلاج ، معتادان و

ناسازگاران اجتماعی و همچنین پیشگیری از معلولیتها و آسیبهای اجتماعی و... با توجه به حفظ ارزشها و کرامات والای انسانی و

تکیه بر تعاون و همیاری مردم نیکوکار و همکاریهای نزدیک روحانیون متعهد و سایر اقشار دلسوز کشور تلاش می کند.

بی تردید، سلامت جسم و جان و روان ، زیر بنای ترین عامل پیشرفت و تکامل یک جامعه است و امروزه برای دستیابی به این

هدف با اجرای برنامه های پیشرفته بهداشتی و بهزیستی در بسیاری از کشورهای توسعه یافته ، افراد جامعه از دوران شیر خوارگی تا

پایان زندگی تحت مراقبت قرار دارند و سازمانهای ذی ربط با دقت در مواد غذایی و تغذیه ، سالم سازی محیط زندگی ، توسعه برنامه

های مختلف ، پیشگیری و... مانع بروز بسیاری از امراض و معلولیتها می شوند تا سلامت مردم تامین شود.

امیرالمؤمنین حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه می فرماید: (۵۴)

(آگاه باشید که از جمله بلاها فقر و ناداری است و سخت تر از ناداری بیماری تن و سخت تر از بیماری تن بیماری قلبی است )

و در اهمیت تندرستی همین بس که حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در پاسخ سوالی که اگر شب قدر را درک

کردیم چه چیزی از خدای خود طلب نماییم ؟ حضرت جواب فرمود: عافیت را(۵۵).

بی شک اگر کسی این سخن گوهر بار امام صادق (علیه السلام) را بشنود که فرمودند:

(كل شیء ٤ تكون فيه المضره ٤ علی الانسان فی بدنه فحرام اكله الا فی حال الصروره) (۵۶)

خوردن هر چیزی که برای بدن انسان مضر باشد حرام است مگر در حال ضرورت .

این دستور را باید به عنوان تکلیف شرعی تلقی نموده و نصب العین خود قرار دهد.

بنابراین با توجه به احادیث و روایات لازم است برنامه پیشگیری از بیماریهای جسمی و اخلاقی و آسیبهای اجتماعی به منظور حفظ

و تامین بهداشت جسمی و روانی جامعه از دوران شیرخوارگی آغاز شود. با در نظر گرفتن آیه شریفه (من احياها فکانما احيا الناس

جمیعا) (۵۷) (و هر که نفسی را حیات بخشد مثل آنست که تمام مردم را حیات بخشیده) می توان به اهمیت واقعی پیشگیری پی

برد و زندگی انسانها را قبل از این که دچار گرفتاری شوند سرلوحه برنامه های خود قرار داد.

خدمات بهزیستی در ایران

با توجه به فرهنگ غنی اسلام مردم در ایران از دیرباز، همواره طیف وسیعی از خدمات اجتماعی توسط خانواده ها، افراد نیکوکار،

روحانیت و مساجد ارائه می شده و موسسات اجتماعی کوچک و بزرگ با تکیه بر نهاد وقف ، نه تنها در حوزه بهزیستی بلکه در سایر

امور فرهنگی ، اجتماعی و اقتصادی به فعالیت می پرداخته است . نمونه چنین مراکزی ، مکتبخانه ها، مدارس ، حوزه های علمیه ،

شفابخانه ها، مریضخانه ها، کاروانسراها و... که طی قرن متمادی ساخته و دایر شده است می باشند.



افزایش مراودات تجاری ، سیاسی و فرهنگی در قرون اخیر با همسایگان و دولتهای منطقه منجر به بروز تغییراتی در برخی از حوزه های اجتماعی و اقتصادی شده است .

در حوزه بهزیستی اولین یتیم خانه ایران به سبک شبانه روزی مستقل در تهران (محل انبار گندم سابق ) و در دوران ناصرالدین شاه ایجاد شد. از آن زمان به بعد موسسه های مختلفی از سوی دولتها یا افراد و گروههای خیر برای حمایت از نابینایان و ناشنوایان ، معلولین ذهنی و جسمی و همچنین نیازمندان و بی سرپرستان به وجود آمد که خدمات آنها عموماً جنبه رفاهی و آموزشی داشته است .

تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی تشکیلات متمرکزی برای ارائه خدمات بهزیستی وجود نداشت و خدمات نسبتاً مشابهی به صورت پراکنده توسط دستگاههای مختلف ارائه می شد. تعدادی از این سازمانها عبارت بودند از:

۱ - سازمان ملی رفاه خانواده ایران

۲ - سازمان بهزیستی و آموزش کودکان و نوجوانان

۳ - سازمان ملی بهزیستی ناشنوایان ایران

۴ - سازمان ملی رفاه ناشنوایان ایران

۵ - سازمان ملی رفاه نابینایان ایران

۶ - سازمان زنان

۷ - جمعیت حمایت از اطفال بی سرپرست

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران سازمان بهزیستی کشور در بیست و چهارم خرداد ماه ۱۳۵۹ براساس مصوبه شورای عالی انقلاب اسلامی تشکیل شد.

شهید دکتر محمد علی فیاض بخش پس از آن که به پراکندگی سازمانهای رفاهی و توانبخشی کشور و عدم هماهنگی لازم بین آنها

پی برد، با کمک و همفکری شهید سید محمد باقر لواسانی و تنی چند از همفکرانش لایحه تشکیل سازمان بهزیستی کشور را به

شورای انقلاب پیشنهاد کرد و پس از تصویب آن با کار پیگیر و مستمر، سازماندهی تشکیلات و برنامه ریزی برای فعالیت نوین

سازمان بهزیستی پرداخت و در مدت کوتاهی توانست ارگان دولتی و کار آمدی برای خدمت به محرومان و مستضعفان کشور ایجاد

کند. در تاریخ ۵۹/۹/۲۹ سازمان تربیتی شهرداری تهران نیز به بهزیستی واگذار شد و در تاریخ ۱۳۶۳/۱۰/۱۶ بر پایه مصوبه مجلس

شورای اسلامی ، بار دیگر سازمان بهزیستی در شمار سازمانهای وابسته به وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی قرار گرفت .

اصولاً (بهزیستی ) به مجموعه متشکل از تدابیر، خدمات ، فعالیتهای و حمایتهای غیر بیمه ای اطلاق می شود که به منظور بسط

رحمت اسلامی در جامعه و حفظ ارزشها و کرامات انسانی ، با تکیه بر کمکهای مردمی و همکاری نزدیک سازمانهای ذی ربط انجام

می شود و گسترش خدمات توانبخشی ، حمایتی ، بازپروری و کمک به تامین حداقل نیازهای اساسی گروههای محروم و کم در آمد را مد نظر دارد.

کانون اصلی فعاليتها و برنامه های سازمان بهزیستی ، پیشگیری از فرو پاشی زندگی افراد و خانواده هایی است که به علت مشکلات اقتصادی و ناهنجاریهای اجتماعی و فرهنگی دچار آسیب پذیری و ناتوانی های مختلف شده اند و یاز معلوليتهای جسمی و روانی رنج می برند، بدون تردید، خدمات رسانی به این گروهها با کیفیت مطلوب هنگامی امکان پذیر خواهد بود که یک نهاد ویژه برخوردار از توان تخصصی ، اقتصادی ، اجرایی و سیاسی قوی به شکل منسجم جنبه های گوناگون خدمات مورد نیاز محرومان و مستضعفان را عهده دار شود.

روشهای موجود برای ارائه خدمات بهزیستی

خدمات بهزیستی در سه بخش به نیازمندان و مددجویان ارائه می شود:

۱- امور فرهنگی و پیشگیری

۲- امور اجتماعی

۳- امور توانبخشی

در بخش امور فرهنگی و پیشگیری ، دفاتر زیر خدمات لازم را انجام می دهند

۱- دفتر آموزش و پژوهش : وظیفه تحقیق و پژوهش پیرامون علل بروز معلوليتها و دریافت عوامل اصلی ایجاد آسیبهای اجتماعی را بر عهده دار دارد. همچنین تربیت نیروهای انسانی مورد نیاز و بازآموزی نیروهای موجود متناسب با تعییرات جامعه از وظایف این دفتر است .

۲- دفتر پیشگیری از معلوليتها و آسیبهای اجتماعی : وظیفه ارائه آموزشهای مناسب به جامعه با بهره گیری از روشهای منطقی و تکیه بر دستاوردهای پژوهشی را بر عهده دارد.

در بخش امور اجتماعی کار از پیچیدگی روانی برخوردار است . بازآموزی و بازپروری گروههای چون معتادان ، متکدیان ، زنان ویژه (روسپیان) ، فرزندان بدون سرپرست ، زنان بی سرپرست و مانند اینها نیازمند مشارکت عمومی و یاری همه جانبه است . به این منظور باید مربیان ، روانشناسان و مددکاران اجتماعی ورزیده به کار گرفته شوند.

همچنین تفکر جامعه نسبت به این گروهها باید دگرگون شود و روشهای صحیح ارائه کمک به افراد جامعه آموزش داده شود. از سوی دیگر باید زمینه اجتماعی مناسب برای پذیرش افراد پس از طی دوره بازآموزی و بازپروری فراهم شود. روشن است که این همه ، نیازمند عزمی ملی و کار و تلاش شبانه روزی و خستگی ناپذیر است .

در بخش امور اجتماعی خدمات لازم از طریق سه دفتر ارائه می شود:

۱ - دفتر امور کودکان و نوجوانان

۲ - دفتر امور خانواده های بی سرپرست و نیازمند

۳ - دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی

دفتر امور کودکان و نوجوانان مسئولیت پرداختن به امور مربوط به کودکان سرراهی ، کودکان خانواده های از هم گسیخته ، فرزندان والدین زندانی ، فرزندان والدین متواری ، فرزندان والدین بدون صلاحیت و مانند اینها را بر عهده دارد.

ارائه خدمات شیر خوارگاهی سازمان برای نگهداری تربیت و آموزش کودکان و به فرزند خواندگی دادن برخی کودکان مجهول الهویه به خانواده های دارای صلاحیت در قالب برنامه شبه خانواده از دیگر اقدامات و وظایف این دفتر به شمار می رود. مرکز اجرایی تحت نظارت این دفتر، وظیفه نگهداری ، تربیت و آموزش کودکان تحت سرپرستی خود را تا مرحله اجتماعی شدن ، ازدواج ، اشتغال (بازتوانی و ترخیص ) به عهده دارد. همچنین مهد کودک های سازمان بهزیستی ، وزارتخانه ها و دیگر سازمانها و نیز مهدکودک های خصوصی در سراسر کشور با نظارت این دفتر فعالیت می کنند.

دفتر امور خانواده های نیازمند و بی سرپرست ، وظیفه بررسی مسائل و مشکلات و برنامه ریزی بازتوانی مادی و معنوی خانواده های زیر پوشش را به عهده دارد.

دفتر امور آسیب دیدگان اجتماعی به امور معتادان ، زنان ویژه و متکدیان از طریق بررسی مسائل و مشکلات فردی ، گروهی ، اجتماعی ، خانوادگی و نیز شناسایی راههای بازپروری آنان می پردازد.

خدمات امور توانبخشی

سازمان بهزیستی از طریق دفاتر توانبخشی و امور اجتماعی معلولین ، توانبخشی حرفه ای و دفتر توانپزشکی و وسایل توانبخشی به معلولین جسمی و ذهنی ، خدمات توانبخشی ارائه می کند. دریافت کنندگان خدمات از این بخش ، نابینایان ، ناشنوایان و معلولان جسمی - حرکتی هستند. افراد دارای معلولین ذهنی با توجه به بهره هوشی به سه گروه عمیق (ایزوله )، تربیت پذیر و آموزش پذیر تقسیم می شوند. همچنین معلولین جسمی و ذهنی توام که از بدترین نوع معلولیتها است ، زیر پوشش این بخش هستند.

شورای عالی مشارکتهای مردمی

در پی تدوین و اجرای طرح امداد دانش آموزان محروم و معلول توسط عده ای از انسانهای نیکوکار و با پشتیبانی شهید دکتر فیاض بخش رئیس وقت سازمان بهزیستی کشور در اواخر سال ۱۳۶۴ با توجه به اصل ۲۹ قانون اساسی مقدمات تشکیل شورای عالی

مشارکتهای مردمی سازمان بهزیستی فراهم شد و این شورا از فروردین سال ۶۷ فعالیت رسمی خود را آغاز کرد.

از طریق مشارکتهای مردمی و همیاری افراد خیر و نیکوکار اقدامات چشمگیری در راستای اهداف سازمان بهزیستی کشور انجام گرفت. از آن جمله، خرید تجهیزات مورد نیاز مراکز توانبخشی و حمایتی سازمان بهزیستی، پرداخت هزینه های تحصیلی و درمانی مددجویان و تامین دیگر نیازهای آنان قابل ذکر است.

شوراهای مردمی تاکنون هزاران متر مربع ساختمان، زمین، باغ و باغچه را به صورت اهدایی از افراد خیر و نیکوکار برای واحدهای بهزیستی سراسر کشور تحویل گرفته اند.

از نظر امور فرهنگی، شوراهای سراسر کشور تاکنون در حد توان و امکاناتشان در جهت کمک به محرومان گامهای بلندی برداشته اند.

از دیگر اقدامات شورای عالی مشارکتهای مردمی، تاسیس شورای مشارکتهای بانوان نیکوکار تحت نظر ریاست سازمان بهزیستی است که تشکیلات مستقل و مجزایی برای سازماندهی و جذب بانوان نیکوکار داوطلب می باشد. اساسنامه این شورا نیز توسط خود بانوان تهیه و به تصویب رسیده است.

شورای عالی کمکهای مردمی ۳۰ عضو دارد که علاوه بر رئیس سازمان حضرت آیت الله حائری تهرانی یکی از روحانیون نیکوکار که امامت جماعت مساجد (ارک) و (الغدیر) را به عهده دارد و گروهی از افراد خیر عضو آن هستند.

شورای عالی مزبور در ۱۰ کمیته فعالیت و سیاستگزاری می کند که از آن جمله به کمیته های امور فرهنگی و مساجد، امور زیارتگاه ها و اردوگاه ها، جلب مشارکتهای شرکتهای خصوصی، جلب مشارکتهای وزارتخانه ها و موسسات دولتی و کمیته امور خیریه ها می توان اشاره کرد. تعداد اعضاء شورای مشارکت استانها ۲۴ نفر و در شهرستانها ۲۰ نفر است و سعی بر این است که کمکهای شوراها به خود کفایی خانواده های مددجو بیانجامد.

سازمان بهزیستی و سالمندان

وجود ۳/۵ میلیون نفر سالمند در کشور، رقم قابل توجهی است که سازمان بهزیستی باید برای آنها برنامه های بهداشتی، درمانی، کلینیکی، و نیز پر کردن اوقات فراغت آنها با ورزشهای سالمندی، مطالعه و بسیاری از چیزهای دیگر داشته باشد. در حال حاضر به سالمندان در سه بخش دولتی، خصوصی و خیریه ارائه خدمات می شود.

اصولا مراکز خیریه سالمندان با مجوز سازمان تاسیس و به صورت هیات امنایی اداره می شوند. کمکها به صورت جلب مشارکتهای مردمی است که به طور عمده توسط افراد خیر و گمنام تامین می شود.

کهریزک در جنوب تهران یکی از این مراکز است که سالی ۱۵۰ میلیون تومان هزینه دارد.

آسایشگاه های بخش خصوصی تحت نظارت بهزیستی است و امتیاز آن تحت شرایط خاصی به افراد واگذار می شود.

معلولیت و بهزیستی

سازمان بهداشت جهانی، معلولیت را اختلال رابطه فرد با محیط می‌داند و در تعریف توانبخشی اشاره به این دارد که توانبخشی

پاسخ به معلولیت است برای رسیدن به حداکثر تواناییهای یک معلول. اگر جامعه بتواند تسهیلات لازم را تامین کند که وی

مشکلات حضور در جامعه را نداشته و قدرت استفاده از وسایل توانبخشی را داشته باشد، با موانع شهری روبرو نشود، مشکل عبور و مرور نداشته باشد، در فعالیتهای گروهی شرکت نماید و... دیگر آن فرد معلول نیست.

از ۶ میلیون نفر افراد معلول جامعه ایرانی ۶۰ درصد به نحوی در فعالیتهای اجتماعی شرکت داده شده اند و نیازی به خدمات توانبخشی خاص ندارند. ۳۰ درصد نیاز به خدمات توانبخشی تخصصی، و ده درصد نیاز به توانبخشی فوق تخصصی دارند.

با وجود تلاش گسترده سازمان وضعیت اشتغال معلولان در جامعه نابسامان است. معلولان بسیاری، به خاطر کمبود آگاهی برخی از کارفرمایان، موانع شهری و معماری، نداشتن آگاهی کافی جامعه از معلول و معلولیت، یا بیکارند و یا هراس از برخورد با اجتماع در آنها باقی مانده است. در کشور ما حمایت قانونی در زمینه اشتغال معلولان به معنای واقعی وجود ندارد. اختصاص ۳ درصد از استخدامهای دولتی به معلولان در قانون پیش بینی شده، اما در عمل اجرا نمی‌گردد.

رشد معلولیت در جامعه ناشی از عوامل و دلایل شناخته شده ای است و به عنوان نمونه بخش قابل ملاحظه ای از معلولیتها ناشی از حوادث رانندگی است که بر اثر گسترش شهرنشینی و عدم رعایت دقیق قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی به وقوع می‌پیوندد. سایر معلولیتها نیز بر اثر عوامل مادرزادی، فقر بهداشت، عدم و اکسیناسیون کودکان، انواع بیماریها و عدم درمان بموقع آنها شامل کزاز، سیاه سرفه، سل، سرخک، دیفتری و فلج اطفال که قابل پیشگیری نیز هستند، بروز می‌کند.

کارشناسان مقاطع زمانی ابتدای فرد به معلولیتها را به سه مقطع قبل از تولد، هنگام تولد و بعد از تولد تقسیم می‌کنند.

عوامل قبل از تولد از عوامل ارثی و یا محیطی منشا می‌گیرند. این عوامل بر اثر ازدواجهای فامیلی و عدم تناسب (ارهاش  $h-R$ ) خون والدین بروز معلولیت را سبب می‌شود. عوامل محیطی شامل ابتدای مادر باردار به بیماریهای عفونی، مسمومیتهای شیمیایی و یا قرار گرفتن در معرض اشعه ایکس و ضربه های شدید می‌باشد.

عوامل بعد از تولد به دو گروه تقسیم می‌گردد:

اول که ناشی از بیماریها مانند فلج اطفال، رماتیسم، مننژیت، عفونتهای استخوانی، سوء تغذیه و سکتته های قلبی و مغزی در بزرگسالان.

دوم تصافات رانندگی، سوختگی، برق گرفتگی، تنبیهات شدید بدنی و...

ارائه خدمات به معلولان

خدمات بهزیستی به دو صورت فعال و غیر فعال ارائه می‌شود. خدمات فعال شامل فعالیتهای است که با هدف پیشرفت و مستقل و

متکی به خود شدن معلولان انجام می‌شود و در نهایت بازتوانی و جذب آنان به روند عادی زندگی اجتماعی را به دنبال دارد. برای

رسیدن به این هدف امکانات توانبخشی مانند فیزیوتراپی، کار درمانی، فنی ارتوپدی، گفتار درمانی، بینایی‌سنجی و شنوایی

سنجی پیش‌بینی و برای آنها وسایل کمکی مانند اورتز، پروتز، عصا و سمعک در نظر گرفته می‌شود.

خدمات غیر فعال در مورد معلولانی که نمی‌توانند زندگی مستقلی داشته باشند، که از آن جمله معلولان ذهنی و جسمی شدید می‌باشند که این معلولان، غیر قابل بازگشت به زندگی اجتماعی هستند و از این رو مسائل آموزش و استقلال در مورد آنان کمتر معنی دارد و آنچه مهم است، تامین سرپناه و امکانات غذایی می‌باشد.

۲۶ تیر ۱۳۴۷ / ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸

کودتای حزب بعث عراق

سرنگونی رژیم سلطنتی عراق

در سحرگاه روز ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ جمعی از افسران آزاده (۵۸) با انجام یک کودتای نظامی رژیم سلطنتی را سرنگون و رژیم جمهوری را بر پا ساختند. فرد نخست کودتا، سرتیپ ستاد (عبدالکریم قاسم) و دستیارش سرهنگ ستاد (عبدالسلام عارف) بود.

پس از کودتا، عراق ضمن کناره‌گیری از پیمان بغداد (۵۹) در ۲۶ مارس ۱۹۵۹ تدابیری برای خاتمه دادن به دوران وابستگی بریتانیا

اتخاذ کرد. عبدالکریم قاسم فرماندهی کل نیروهای مسلح، نخست‌وزیری و وزارت دفاع را عهده دار شد و سرهنگ عبدالسلام

عارف به سمت معاون فرمانده کل نیروهای مسلح، معاون نخست‌وزیری و وزیر کشور منصوب شد.

عبدالکریم قاسم بعد از پیروزی در کودتا، دست به اصلاحاتی زد که از جمله تدوین قانون اصلاحات ارضی، تشکیل دادگاه خلق و

انتشار قانون جدیدی برای ثبت احوال، که در این قانون تساوی حقوق زن و مرد را در کلیه امور بر خلاف نص صریح قانون اسلام

در مورد قیمومیت مرد بر زن و تفاوت بین مرد و زن در تقسیم ارث مورد تأکید قرار داد.

صدور این قانون و افزایش نقش مارکسیست‌ها، مخالفت اکثر علمای شیعه بویژه آیت‌الله العظمی سید محسن حکیم را با رژیم در پی

داشت.

عبدالکریم قاسم شش روز بعد از استقلال کویت در ۱۹ ژوئن ۱۹۶۱ خواستار الحاق کویت به خاک عراق شد و با ارائه مدارک و

اسنادی از زمان عثمانی‌ها، کویت را بخشی از استان بصره نامید.

تاریخچه حزب بعث عراق

طبق مدارک و شواهد متعدد، اولین کسی که حزبی را به نام (بعث عربی) پایه‌گذاری کرد و افکار و اندیشه‌های (بعث قومی) -

عربی) را تبلیغ کرد دکتر (ارسوزی) است. (سامی الجندی) در کتاب خود تحت عنوان (بعث) بر این مدعا صحه می‌گذارد.

نامبرده یکی از اعضای حزب ارسوزی بود که پس از انحلال آن در سال ۱۹۴۴ به حزب میشل عفلق ملحق شد. اما عفلق ضمن رد

این ادعا خود را اولین بنیانگذار حزب بعث، ایدئولوژی و تشکیلات آن به حساب آورده و درباره ارسوزی می‌گوید:

(ارسوزی رابطه ای با حزب بعث ندارد... این شخص ارتباط نزدیکی با ما داشت و ما او را دوست داشتیم . برخی از نزدیکانش می گویند: (او هنگام تحصیل رشته فلسفه در فرانسه تحت تاثیر عقاید باطنی قرار گرفته و مرتکب انحرافات می شد. به همین خاطر افکار سیاسی او نامتعادل بود و گرفتار خیالبافی می گردید...)

به روایتی دیگر، عفلق سعی کرد در مورد تشکیل حزبی با ارسوزی به تفاهم برسد، ولی ارسوزی با این تصور که عفلق با سازمانهای اطلاعاتی بیگانه در ارتباط می باشد، حاضر به همکاری نشد. در هفتم آوریل ۱۹۴۷ حزب بعث تاسیس یافت و عفلق (۶۰) به عنوان رئیس حزب برگزیده شد.

در سال ۱۹۵۲ حزب سوسیالیست عربی که توسط (اکرم الحورانی) پایه گذاری گردید، با حزب بعث ادغام یافت و به نام (بعث سوسیالیست عربی) نام گذاری شد.

فعالیت علنی بعث عراق در سال ۱۹۵۲ آغاز شد و در همان سال فعالیت جنبش ناسیونالیستهای عربی علنی گردید. (عبدالرحمن الدمین) اولین دبیر کل دائم حزب بعث عراق شد. رابطه حزب بعث با نظامیان به قبل از سال ۱۹۵۴ باز می گردد و حزب، دفتر تشکیلات نظامی را که مستقیماً به کادر رهبری قومی ملحق می شد تاسیس کرد.

بعثی ها با استفاده از پایبندی اکثریت قریب به اتفاق ملت عراق به هویت اسلامی شان در برابر موج الحاد کمونیستی و مخالفت عبدالکریم قاسم با اسلام از طریق انتشار قانون جدیدی برای ثبت احوال، در صدد براندازی رژیم قاسم و به دست گرفتن قدرت برآمدند. تا زمانی که دستیابی عامه مردم به نوشتجات میشل عفلق در مورد اسلام چندان میسر نبود، جای تعجب نداشت که این فریب اسلام خواهی از سوی بعثی ها بر این قشر از جامعه تاثیر بگذارد. میشل عفلق اسلام را به عنوان میراثی به حساب می آورد که بایستی انقلاب عربی با وضعیت کنونی عرب و جو بین المللی، اطراف آن از این میراث نشات بگیرد و اسلام زیر بنای این انقلاب باشد. ولی عربیت هدف نهایی است و میراث اسلامی چیزی جز ابزار برای تحقق این هدف قومی نیست.

به اعتقاد عفلق در عقیده و مرام - بجز حقیقت - چیزی با ارزشتر از عربیت وجود ندارد و مقصود از حقیقت همانا اصول و ارزشهای لائیسیم است که در زمینه متصف نمودن افکار و شیوه های اتخاذ شده برای احیای عربیت بایستی به کار رود.

این نظریه در اثبات غیر اسلامی بودن حزب بعث کافی به نظر می رسد. با این که حقایق، بعدها کذب ادعای برتری حقیقت بر عربیت را - حتی در مفهوم لائیک - از دیدگاه بعثی ها ثابت کرد و آن زمانی بود که صدام حسین در برابر دیدگان میشل عفلق که بعد از اخراج از سوریه از سوی حزب بعث این کشور در بغداد اقامت نمود، بدترین انواع شیوه های تروریستی را در مورد هزاران نفر از شهروندان عراقی، بسیاری از رهبران و اعضای رده بالای حزب بعث، به کار گرفت. اما عفلق در پیروی از نظریه خود هیچ گونه واکنشی نشان نداد.

عجیب این است که در این میان نه فقط عامه مردم ، بلکه بسیاری از روحانیون که می بایستی حداکثر تلاش خود را به کار می بستند تا پس از کسب اطلاعات لازم و کافی به عقاید و ماهیت اصلی حزب بعث پی ببرند، تحت تاثیر اسلام خواهی دروغین بعثی ها قرار گرفتند.

یکی از علل تاثیر پذیری آن بود که این حزب نقش اساسی را در صحنه رویارویی با رژیم قاسم ایفا می کرد. بعثی ها در اجرای تاکتیک مرحله ای خود در تظاهر به اسلام خواهی توانستند انگیزه های اسلامی را در مقابله با موج الحاد کمونیستی و رژیم قاسم از بین ببرند. آنها با یک تیر دو نشان را هدف قرار دادند. اول این که با محو انگیزه های اسلامی از نیروهای بیشتری در رویارویی با کمونیستها و رژیم قاسم برخوردار شدند و دوم این که توانستند از ظهور یک حرکت اسلامی مستقل جلوگیری نمایند؛ چنانکه این قیام از رهبری داهیانہ ای برخوردار بود، می توانست با انسجام و یکپارچگی تمام بر عقاید و روشهای کمونیستها، بعثی ها و دیگر افکار لائیک خط بطلان بکشد.

کودتای ۸ فوریه ۱۹۶۳ - اولین کودتای بعثی ها

دقایقی پیش از ساعت ۸ بامداد روز جمعه ۸ فوریه ۱۹۶۳، ۴ فروند هواپیمای متعلق به کودتاجیان وزارت دفاع ، مقر عبدالکریم قاسم را بمباران و بعد از چند ساعت موفق شدند حکومت قاسم را سرنگون سازند. بلافاصله (عبدالسلام محمد عارف ) به مقام ریاست جمهوری برگزیده شد و به درجه مارشالی ارتقا یافت و (احمد حسن البکر) به نخست وزیری تعیین شد و شورای رهبری انقلاب تشکیل شد.

کودتای ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸ دومین کودتای بعثی ها

بعد از ۱۱ نوامبر ۱۹۶۳ اختلاف و درگیری در کادر حزب بعث عراق بالا گرفت .

در این زمان حسن البکر ریاست جناح مخالف علی صالح السعدی دبیر کل وقت حزب بعث را که در برابر میشل عفلق دبیر کل حزب ایستادگی می کرد، عهده دار بود. حسن البکر بعد از کودتای (عبدالسلام عارف ) در ۱۸ نوامبر ۱۹۶۳ علیه شرکای بعثی خود از سمت نخست وزیری برکنار و به عنوان جانشین رئیس جمهور که یک سمت تشریفاتی بود برگزیده شد، ولی قبول نکرد.

وی مدتی در دوران حکومت عبدالسلام عارف به همراه تعداد کثیری از بعثی ها به اتهام تلاش برای براندازی رژیم زندانی شد.

در سال ۱۹۶۵ بعد از طرد علی صالح السعدی دبیر کل حزب بعث از این تشکیلات ، از سوی شورای رهبری حسن البکر به جای وی منصوب گردید. البکر پس از کشته شدن عبدالسلام عارف در یک سانحه هوایی و روی کار آمدن عبدالرحمن عارف ضعیف النفس و بی کفایت در آوریل ۱۹۶۶، فعالیت سیاسی خود را به منظور به دست گرفتن قدرت گسترش داد.



سرانجام حزب بعث در ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸ با انجام یک کودتا، حکومت را در دست گرفت و حسن البکر را به عنوان رئیس جمهور و رئیس شورای رهبری انقلاب برگزید و وی را به درجه مارشالی مفتخر گردانید.

حسن البکر، رئیس جمهور عراق در ژوئیه ۱۹۷۹ به مناسبت جشنهای ژوئیه، تمامی مسئولیتهای حزبی و دولتی خود را به جانشین خود یعنی صدام حسین تکریتی که در حقیقت زمام امور کشور عراق را حتی در زمان معاونت البکر قبضه کرده بود، واگذار کرد. حسن البکر در سال ۱۹۸۲ در سن ۶۸ سالگی به علت ابتلا به بیماری سرطان درگذشت. صدام حسین که همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران رسماً به قدرت رسیده بود، برای آمریکاییان جایگزین مناسبی برای شاه در منطقه بود تا بتواند عهده دار وظیفه ژاندارمی منطقه شود و در فرصت مناسب علیه انقلاب اسلامی از وی استفاده گردد.

دستگاه تبلیغاتی رژیم بعث عراق از آغاز درصدد برآمد تا در تلاشی همه جانبه چهره مطهر جمهوری اسلامی را در افکار عمومی عراق به شکل منفی ترسیم کند تا در صورت وقوع جنگ این القائات ذهنی را در سطح مردم و نظامیان توسعه بخشد تا مردم و ارتش عراق را برای ایستادن در برابر سپاه توحید آماده کند.

روند رویدادها و پشتیبانی همه جانبه آمریکا در طول هشت سال دفاع مقدس گواه استوار و محکمی بر این مدعاست و صدام حسین نه تنها به عنوان عامل سرکوب انقلاب اسلامی به خدمت گرفته شد، بلکه توانست به طور بی سابقه ای پای آمریکاییان را به منطقه (خلیج فارس) به صورت روزافرونی باز کند.

۲۷ تیر ۱۳۶۷

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت از سوی جمهوری اسلامی ایران

(پیروزی رزمندگان ما در جبهه های نظامی و سیاسی مصادیق بارزی از تحقق وعده خداوند در یاری کردن بندگان صالح اوست. دستاوردهای عظیم نظام اسلامی مرهون عمق ایمان اسلامی در دل امت مسلمان ایران و استحکام و اقتدار معنوی امام عظیم الشان است و همه تصمیم گیریها، عملکردها و جهت گیریهای ما باید با معیار و حکم اسلامی و ایمان مذهبی سنجیده شود و این امر ضامن پیشرفت نظام و دلگرمی مردم به مسئولین خواهد بود.

کسانی که در جبهه های سیاسی مسئول دفاع از انقلاب و نظام اسلامی بودند، فضای سرد سیاسی و توطئه های گوناگون دشمنان اسلام در عرصه بین المللی را بیش از دیگران احساس کردند. آنان با فداکاریهای خود در کنار ارتش، سپاه، بسیج و آحاد ملت ما، دشمن را میبهوت کردند و من این پیروزی بزرگ سیاسی و بین المللی را به دست اندرکاران پیگیری قطعنامه ۵۹۸ که تلاش قابل

تحسینی را به انجام رساندند، تبریک می گویم (۶۱)

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای

دفاع مقدس و قطعنامه های شورای امنیت

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد از سوی جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷ انعکاس ویژه ای در محافل سیاسی و خبری جهان داشت و این ، هشتمین قطعنامه ای بود که شورای امنیت از ابتدای تجاوز علنی رژیم بعثی عراق به جمهوری اسلامی ایران ، صادر کرده بود.

نگرشی بر قطعنامه های صادره به وضوح نزدیک شدن شورای امنیت به مواضع محکم و اصولی جمهوری اسلامی را نشان می دهد، که سرانجام پس از ۸ سال دفاع مقدس ، مواضع بر حق جمهوری اسلامی ایران بر جهانیان به اثبات رسید(۶۲).

بیانیه نخست شورای امنیت

رژیم عراق در تاریخ ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ (۳۱ شهریور ۱۳۵۹) تجاوز آشکار و گسترده ای را علیه ایران آغاز کرد و همان روز دبیر کل سازمان ملل متحد پیشنهاد کرد که مساعی خود را در جهت کمک به حل مسالمت آمیز برخورد میان دو کشور به کار بندد. روز بعد (۲۳ سپتامبر) دبیر کل براساس ماده ۹۹ منشور از شورای امنیت خواست که با توجه به خطر محتمل افزایش مخاصمه میان دو کشور برای صلح و امنیت جهانی فوراً تشکیل جلسه دهد. همان روز، شورای امنیت تشکیل جلسه داد و اولین موضعگیری خود را در قبال جنگ تحمیلی اعلام کرد. نتیجه جلسه شورای امنیت . بیانیه رئیس شورا بود. این برخورد با توجه به ماهیت تجاوز علنی عراق از سوی شورای امنیت ، یک برخورد ضعیف بود.

در اولین بیانیه شورای امنیت آمده بود:

(اعضای شورا پس از مشورت با یکدیگر عمیقاً نگران آنند که این برخورد (جنگ ایران و عراق ) می تواند به طور فزاینده ای گسترش یابد، و از ایران و عراق می خواهند به عنوان اولین قدم به سوی راه حل منازعه از کلیه اقدامات مسلحانه همه اعمالی که ممکن است وضعیت خطرناک فعلی را وخیم تر کند دست بردارند و اختلافات خود را از طریق مسالمت آمیز حل نمایند. همچنین اعضای شورای امنیت از پیشنهاد کاربرد مساعی جمیله دبیر کل حمایت می نماید.)

این بیانیه با عکس العمل جدی روبرو نشد و علت اصلی این بود که عراق سرگرم کار خویش بود و جمهوری اسلامی ایران ضمن درگیری بسیار با مسائل داخلی بویژه ضد انقلاب مترصد فراهم آوردن ابتدایی ترین امکانات دفاعی از کشور و انقلاب نوپای اسلامی خود بود.

صدور قطعنامه ۴۷۹

شورای امنیت پس از بیانیه ۲۳ سپتامبر متوجه عدم کارایی آن شد و مبادرت به صدور قطعنامه ۴۷۹ کرد:

این قطعنامه که در ۵ بند تنظیم شده بود، آغازگر جنگ را معرفی و اعلام نکرده بود، و در آن از (تجاوز)، (تعیین متجاوز) و (تنبیه متجاوز) سخنی به میان نیامده بود و فاقد سه عنصر اساسی و اصلی مذکور بود، در صورتی که اگر شورا در نظر داشت تجاوز را احراز

و متجاوز را تعیین کند، در این زمینه دستور العمل مشخص و معین (که از سوی جامعه جهانی پذیرفته شده بود) را داشت. و قطعنامه ۴۷۹ بیشتر حالت (توصیه) داشت.

پس از صدور قطعنامه ۴۷۹، دولت عراق طی نامه ای خطاب به دبیر کل اعلام داشت:

(موضع ما دقیقا براساس روح قطعنامه ۴۷۹ که طی جلسه شماره ۲۲۴۸ مورخه ۲۸ سپتامبر ۱۹۸۰ (۶ مهر ۱۳۵۹) تصویب شده است می باشد. در نتیجه ما طبعا قطعنامه فوق الذکر شورای امنیت را می پذیریم و آمادگی و انتظار خود را برای اجرای آن در صورتی که طرف ایرانی نیز چنین کند، اعلام می داریم.)

جمهوری اسلامی ایران در اظهار نظر راجع به قطعنامه ۴۷۹ اعلام داشت:

(تا زمانی که تجاوز عراق علیه جمهوری اسلامی ایران ادامه دارد و نیروهای عراقی در داخل خاک ایران به اقدامات تجاوز کارانه و خرابکارانه ادامه می دهند، قطعنامه نمی تواند مورد قبول ایران واقع شود.)

در نیمه دوم اکتبر ۱۹۸۰ شورای امنیت ۵ جلسه دیگر بدون صدور قطعنامه یا بیانیه تشکیل داد. در جلسات ۱۵ و ۱۷ اکتبر، شهید محمد علی رجایی نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران شرکت کرد، اما این جلسات نیز نتیجه خاصی دربر نداشت. پس از صدور قطعنامه ۴۷۹، شورای امنیت در سکوتی سنگین فرو رفت. این سکوت همزمان با پیشروی نیروهای عراقی در داخل خاک ایران و تحکیم مواضع آنها در مناطق اشغالی بود. در ۱۹ اکتبر ۱۹۸۰ (۱۸ مهر ۱۳۵۹) عراق با موشکهای زمین به زمین به شهرهای ایران حمله کرد. مقاومت‌های مردمی در نقاط مورد هجوم و تحت اشغال بروز کرد، اما شورا همچنان در خواب سنگین خود بود. حتی عملیات ثامن الائمه که منجر به شکست محاصره آبادان شد (۱۳۶۰/۷/۵) نتوانست شورای امنیت را از سکوت بیرون آورد؛ اما عواملی به شرح ذیل موجب شکسته شدن سکوت شورای امنیت پس از ۲۲ ماه و صدور قطعنامه ۵۱۴ در ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۲ (۱۳۶۱/۴/۲۱) شد:

۱ - عملیات ثامن الائمه که منجر به شکست محاصره آبادان انجامید. (۶۳)

۲ - عملیات طریق القدس که در ۸ آذر ۱۳۶۰ انجام شد و بخش‌های مهمی از جنوب ایران آزاد گردید. (۶۴)

۳ - عملیات فتح المبین که از ۱۳۶۱/۱/۲ شروع شد و قسمت‌های مهمی از خاک ایران اسلامی در مناطق غرب شوش و دزفول آزاد شد و نیروهای عراقی از منطقه رانده شدند.

۴ - عملیات بیت المقدس که از نهم اردیبهشت ۶۱ با برتری کامل قوای ایران شروع و با فتح و آزادسازی خرمشهر در سوم خرداد ۱۳۶۱ پایان پذیرفت.

این عملیات ضربه سیاسی و روانی مهمی بر دشمنان ایران وارد کرد، زیرا تمامی تصورات آنان در مورد ناتوانی ایران در هم ریخت.

پیروزیهای درخشان جمهوری اسلامی ایران در مناطق مختلف جنگ و نمایش قدرت نظامی ایران باعث گردید که شورای امنیت به درخواست اردن و حمایت آمریکا تشکیل جلسه دهد و در جلسه ۲۳۸۳ خود، قطعنامه شماره ۵۱۴ را در ۱۲ ژوئیه ۱۹۸۲ (۱۳۶۱/۴/۲۱) به اتفاق آرا تصویب کند.

این قطعنامه علاوه بر مقدمه، در ۶ بند تنظیم، که اشاره به بعضی از بندهای آن به وضوح تغییر موضع شورا نسبت به جمهوری اسلامی را نشان می دهد.

۱ - شورای امنیت خواستار آتش بس و خاتمه فوری کلیه عملیات نظامی است .

۲ - خواستار عقب کشیدن نیروها به مرزهای شناخته شده بین المللی است .

۳ - لذا از دبیر کل تقاضا می نماید که ظرف مدت ۳ ماه در مورد اجرایی این قطعنامه گزارش خود را تسلیم نماید.

۱ - در این قطعنامه برای نخستین بار از برقراری آتش بس، عقب نشینی نیروها و تشکیل نیروی پاسدار صلح و استقرار آنها سخن می رود.

۲ - در حالی که در قطعنامه ۴۷۹ از دبیر کل خواسته شده بود ظرف ۴۸ ساعت به شورای امنیت گزارش دهد، این مهلت در قطعنامه ۵۱۴ سه ماه تعیین شده بود که نشان از این داشت که این باز شورای امنیت متوجه شده که مساله تجاوز عراق به ایران اسلامی به راحتی قابل حل نیست .

۳ - عقب نشینی نیروها به مرزهای شناخته شده بین المللی که در بند ۲ قطعنامه مطرح گردید، هنگامی مورد گفتگو قرار گرفت که قوای عراق از اکثر نقاط مهم و استراتژیک ایران بیرون رانده شده بود. به بیان دیگر زمانی صحبت از عقب نشینی نیروها به میان آمد که در مناطق جنوبی جبهه، نیروهای ایران به مرزهای بین المللی رسیده بودند.

به دلایلی که ذکر شد، قبول قطعنامه از طرف عراق و رد آن از طرف ایران قابل پیش بینی بود و این امر تحقق یافت . نهایت آن که جمهوری اسلامی ایران پس از تصویب قطعنامه ۵۱۴ شورای امنیت دست به تحریم شورا زد و در جلسات آن شرکت نکرد.

## قطعنامه ۵۲۲

در فاصله قطعنامه شماره ۵۱۴ تا قطعنامه بعدی (قطعنامه ۵۲۲) دو عملیات عمده در جبهه های جنگ از طرف قوای ایران صورت گرفت . یکی عملیات رمضان که دو روز پس از قطعنامه ۵۱۴ (یعنی در ۲۳ تیر ۶۱) در محور جنوب و جنوب غربی اهواز انجام شد دیگری عملیات مسلم بن عقیل که از تاریخ ۶۱/۷/۹ در منطقه سومار غرب انجام پذیرفت و موجب آزادسازی مناطق زیادی از خاک ایران و نیز تسلط بر شهر مندلی عراق گردید. در نتیجه موجب نگرانی عمیق شورای امنیت شد که در نهایت منجر به صدور قطعنامه ۵۲۲ (در تاریخ ۴ اکتبر ۱۹۸۲ / ۱۳۶۱/۷/۱۲) گردید.

این قطعنامه نیز مانند قطعنامه های قبلی جنبه (توصیه) داشت. با توجه به فاصله زمانی اندک بین این دو قطعنامه و با در نظر گرفتن این که در شکل، متن و محتوا، قطعنامه ۵۲۲ تفاوت چندانی با قطعنامه ۵۱۴ نداشت، و با عنایت به این که تحولات عمده و مهمی نیز در جبهه های جنگ رخ نداده بود، این نتیجه حاصل می شود که صدور قطعنامه ۵۲۲ فقط پاسخی به فشار عراق و طرفدارانش در شورای امنیت بوده است، شورا تحت تاثیر آنها ناگزیر از صدور قطعنامه جدیدی شده که تکرار قطعنامه های پیشین بوده است. البته، این قطعنامه نیز پذیرفته نشد. می توان گفت که اگر در میان قطعنامه های شورای امنیت قطعنامه ۴۷۹ را ظالمانه ترین و غیر منصفانه ترین آنها بدانیم، قطعنامه ۵۲۲ را نیز باید کم ارزش ترین و کم اهمیت ترین آن باید به حساب آورد.

قطعنامه ۵۴۰

در فاصله قطعنامه ۵۲۲ تا قطعنامه ۵۴۰ شش (۶۵) عملیات توسط نیروهای جمهوری اسلامی ایران انجام شد که موفق ترین آنها عملیات والفجر ۴ بود و شاید به همین دلیل شورا باز هم به فکر صدور قطعنامه ای دیگر افتاد و این بار قطعنامه ۵۴۰ در جلسه ۲۴۹۳ شورا در تاریخ ۳۱ اکتبر ۱۹۸۳ (۱۳۶۲/۸/۹) با ۱۲ رای موافق، سه رای ممتنع (پاکستان، نیکاراگوئه و مالت) و بدون رای مخالف تصویب شد.

فاصله زمانی این قطعنامه با قطعنامه قبلی یک سال و بیست و هفت روز است و اگر بگوئیم که قطعنامه ۵۴۰ بیشتر متعاقب عملیات والفجر ۴ بوده، و از آن متاثر شده است سخنی بگزار نیست. در آخرین پاراگراف بخش مقدماتی این قطعنامه شورا بررسی علل جنگ را پذیرفته بود.

هر چند این اعلام با سه اشکال عمده مواجه بود:

۱- این مساله مهم (بررسی علل جنگ) در قسمت مقدماتی مطرح و در قسمت اجرایی برای آن مکانیسمی اختصاص داده نشده بود.

۲- با این که شورا پذیرفته بود که جنگی واقع شده، اما از تجاوز و متجاوز سخنی به میان نیاورده بود.

۳- به مسئله ای با این اهمیت (تجاوز)، بسیار مبهم و گذرا اشاره شده بود.

با این وجود نمی توان منکر شد که همین مقدار پیشرفت نیز چرخش مهم و امیدبخشی را در سلسله حرکات شورا پدید آورده بود. و قطعنامه ۵۴۰ از یک جهت بی سابقه بود که در میان قطعنامه های شورای امنیت در مورد جنگ ایران و عراق به اتفاق آرا به تصویب نرسید و ۳ کشور به آن رای ممتنع داده بودند.

امام جمعه وقت تهران، حضرت آیت الله العظمی خامنه ای در خطبه نماز جمعه تهران رد قطعنامه ۵۴۰ را اعلام نمودند و توجه دادند که اصولاً سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال شورای امنیت تغییری نکرده است، مگر آن که شورا سیاستهای خود را تغییر دهد. البته عراق ضمن طرح ایرادات جزئی قطعنامه ۵۴۰ را پذیرفت.

به دنبال انتساب چند حمله از طرف ایران به کشتیها در خلیج فارس ، شورای همکاری خلیج فارس در تاریخ ۱۴ مه ۱۹۸۴ طی شکایتی به شورای امنیت خواستار گردید که شورا علیه اقدامات تلافی جویانه ایران و نقض حقوق کشتیرانی آزاد در خلیج فارس شدت عمل نشان دهد. لذا شورای امنیت پس از بررسی شکایت در جلسه ۲۵۴۶ مورخه اول ژوئن ۱۹۸۴ (۶۳/۳/۱۱) با ۱۳ رای موافق و دو رای ممتنع قطعنامه ۵۵۲ را تصویب کرد.

بر این قطعنامه ایرادهای متعددی وارد بود، از جمله این که فلسفه وجودی آن به دنبال انتساب چند حمله به کشتیها، توسط جمهوری اسلامی ایران بود؛ اما این که این حملات از جانب جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته باشد، ثابت نشده بود. این در حالی بود که شورا در برابر حملاتی که عراق صراحتاً مسئولیت آنها را به عهده گرفته بود، عکس العمل مناسبی نشان نداده بود. یکی دیگر از ایرادهای وارده به قطعنامه ۵۵۲ این است که از روح و مفاد قطعنامه و تصریح محکومیت حملات اخیر به کشتیهای بازرگانی در مسیر بنادر کویت و عربستان این چنین مستفاد می گردد که شکایت شورای همکاری خلیج فارس مورد تایید شورای امنیت قرار گرفته است ، لذا روشن بود که این قطعنامه نمی توانست کاملاً مورد قبول جمهوری اسلامی ایران واقع شود.

#### صدر قعطنامه ۵۸۲

در فاصله صدر قعطنامه ۵۴۰ تا قطعنامه ۵۸۲ چندین عملیات دیگر توسط نیروهای ایران صورت گرفت که مهمترین آنها عملیات والفجر ۸ بود که در تاریخ ۶۴/۱۱/۲۰ در منطقه فاو آغاز و منجر به تصرف شهر فاو در خاک عراق و قسمتهای دیگری از منطقه مربوطه به وسعت ۷۰۰ کیلومتر مربع گردید.

والفجر ۸ یکی از موفق ترین عملیات های جنگی ایران بود که آثار نظامی ، سیاسی و روانی مهمی بر عراق و منطقه و حتی معادلات جهانی در قبال جنگ گذاشت . با این عملیات ارتباط دریایی مستقیم عراق با خلیج فارس قطع شد و نیروهای ایران به بصره و مرز عراق با کویت نزدیک شدند.

اثر این عملیات آن چنان بود که چند روز پس از آن ، شورای امنیت به درخواست عراق و سایر اعضای گروه هفت اتحادیه عرب (۶۶) تشکیل جلسه داد.

جلسات شورا دو هفته به طول انجامید و طی آن عده ای از اعضای اتحادیه عرب و نیز دبیرکل اتحادیه (شاذلی قلیبی ) در سخنرانیهای خود، ایران را متجاوز خواندند و خواستار اجرای فصل هفتم منشور در مورد جمهوری اسلامی ایران شدند. ایران در بحثهای شورا شرکت نکرد ولی نظرات خود را به طور مستقیم از طریق دبیر کل و بعضی از اعضای شورا مطرح کرد. به هر حال قطعنامه ای که در اصل توسط گروه اتحادیه عرب پیشنهاد شده بود، با تغییراتی در عبارات و کلمات در تاریخ ۲۴ فوریه ۱۹۸۶ (۱۳۶۴/۱۲/۵) در جلسه ۲۶۶۶ شورا به اتفاق آرا و به نام قطعنامه ۵۸۲ تصویب گردید.

۴ - شورا درخواست دارد که مبادله اسرای جنگی ظرف مدت کوتاهی پس از توقف مخاصمات با همکاری کمیته بین المللی صلیب سرخ انجام گیرد.

برای اولین بار بود که مساله اسرای جنگی مطرح می شد و علت آن افزایش تعداد اسرای عراقی نسبت به تعداد اسرای ایرانی بود. این قطعنامه نیز همانند قطعنامه های قبلی جنبه توصیه داشت. فاصله زمانی صدور قطعنامه ۵۵۲ تا قطعنامه ۵۸۲ یک سال و هشت ماه و بیست و پنج روز و تا قطعنامه ۵۴۰ دو سال و ۳ ماه و ۲۶ روز است.

در خلال این مدت طولانی، چندین عملیات نظامی از سوی ایران صورت گرفت که از آن میان عملیات خیبر و والفجر ۸ نتایج چشمگیری داشتند. شورای امنیت به فاصله دو روز پس از شروع عملیات والفجر ۸ بحث خود را در مورد جنگ عراق با ایران آغاز کرد که منجر به صدور قطعنامه ۵۸۲ شد.

بدین ترتیب می توان گفت که عوامل مهم در تعیین زمان صدور قطعنامه ۵۸۲ عملیات والفجر ۸ و تصرف فاو به وسیله قوای ایران بوده است. جمهوری اسلامی ایران در اظهار نظر راجع به قطعنامه ۵۸۲ اعلام داشت:

آن قسمت از قطعنامه که به کل موضوع جنگ و خاتمه خصومتها مربوط می شود، ناقص، بی اعتبار و غیر قابل اجرا است. تا زمانی که شورا قادر نباشد به رغم اعمال نفوذ برخی از اعضای دائم که بر اتخاذ مواضع یکطرفه اصرار می ورزد مواضع عادلانه و صحیح مبتنی بر مسئولیت ادامه جنگ بر عهده شورا است.

شورا عراق را در حمله به خاک ایران محکوم نکرده است. قطعنامه به لزوم حل مسالمت آمیز اختلافات اشاره دارد، ولی از نقض همه جانبه این اصل توسط عراق در هجوم به ایران ذکری نکرده است.

در مورد کاربرد سلاح شیمیایی در قطعنامه برخورد ملایم تری از موضعگیری قبل شورا (بیانیه آوریل ۱۹۸۵) شده است. شوار در مورد حمله به هواپیمای مسافربری و تهدیدات امنیت هوایی و حمله به مناطق مسکونی می بایست موضعگیری محکمتری می کرد. به هر حال جمهوری اسلامی ایران امدهم است در زمینه رعایت مقررات بین المللی با دبیر کل سازمان ملل متحد همکاری نماید. عراق اعلام داشت چنانچه دولت ایران قطعنامه ۵۸۲ را رسم " و بدون قید و شرط قبول و اجرا کند، عراق نیز آماده است آن را اجرا نماید. به این ترتیب این قطعنامه نیز بی اثر ماند.

صدور قطعنامه ۵۸۸

مواردی که در رابطه با قطعنامه ۵۸۸ می توان برشمرد به شرح زیر است:

عنوان قطعنامه چون گذشته (وضعیت ما بین ایران و عراق) است و جنبه توصیه بودن قطعنامه نیز بر جای خود می باشد. ضمن آن که از نظر حجم و تعداد کلمات به کار برده شده، این قطعنامه کوتاه ترین قطعنامه از مجموع قطعنامه های مورد مطالعه است. در

پاراگرافهای اجرایی قطعنامه ۵۸۸ مطلب تازه و جدیدی نیست جز آن که خواستار اجرای قطعنامه ۵۸۲ شده است، درخواست دبیرکل برای شدت بخشیدن به تلاشهایش و اعلام ادامه بررسی شورا نیز تازگی ندارد. تنها در پاراگراف سوم عبارت سوم عبارت (بررسی گزارش دبیرکل و شرایط لازم برای برقراری صلح با دوام بین دو کشور) حاوی مطلب جدیدی است.

می توان گفت که شورا با قطعنامه ۵۸۸ آخرین اتمام حجت خود را برای پذیرش قطعنامه های از نوع آنچه تا زمان صادر کرده بود، انجام داده و راه را برای تحولی اساسی و عظیم در نگرش خود نسبت به کل موضوع جنگ همواره ساخته است.

قطعنامه ۵۹۸ نه یک شبهه به وجود آمد و نه محصول تفکری یک بعدی و یک جانبه بود. این قطعنامه بنایی بود که برای ایجاد آن زمینه ای مناسب لازم داشت و قطعنامه های ۵۸۲ و ۵۸۸ از جمله این زمینه ها بود، زیرا اولین عبارت قطعنامه ۵۹۸ اشاره به

قطعنامه ۵۸۲ دارد. از این رو اهمیت قطعنامه ۵۸۸ و پیام ویژه آن به این لحاظ است و در جنبه های دیگر فاقد ارزش چندان است.

قطعنامه ۵۸۸ در همان روز تصویب (۸ اکتبر ۱۹۸۶ برابر با ۱۶/۷/۱۳۶۵) توسط دبیر کل به وزرای خارجه هر دو کشور ابلاغ شد.

عراق با ارسال نامه ای قطعنامه ۵۸۸ را پذیرفت و جمهوری اسلامی ایران توسط نامه ای که از سوی وزیر امور خارجه وقت دکتر

علی اکبر ولایتی برای دبیر کل سازمان ملل ارسال شد، یکی از صریح ترین و مستدل ترین موضعگیری خود را در قبال قطعنامه

های شورای امنیت عموماً و قطعنامه ۵۸۸ خصوصاً اعلام کرد.

این نامه با شرح اقدامات تجاوز کارانه عراق و موضعگیریهای مقطعی و دور از حقیقت شورای امنیت تا آن روز، زمینه مناسبی ایجاد

کرد تا شورای امنیت به طور جدی در موضع خود نسبت به جنگ تحمیلی تجدید نظر نماید. دبیر کل نظریات طرفین در مورد

قطعنامه ۵۸۸ را به اطلاع شورای امنیت رساند.

به این ترتیب این قطعنامه نیز سرنوشتی مشابه قطعنامه های قبلی پیدا کرد.

در فاصله صدور قطعنامه ۵۸۸ تا ۵۹۸ عملیات متعددی در جبهه های جنگ صورت گرفت که مهمترین آن سلسه عملیات فتح،

کربلا و نصر است.

وجه مشترک اکثر این عملیات این بود که در داخل خاک عراق انجام می شد و اغلب توأم با موفقیت در رسیدن به اهداف تعیین شده

بود. به این ترتیب تهدیدی بسیار فزاینده برای عراق به وجود آمده بود. بویژه با پیشروی نیروهای ایران به سوی بصره، شورای

امنیت نسبت به جنگ بیشتر حساس می شد. در همین زمان نیروی هوایی عراق حملات خود را در منطقه خلیج فارس به روی

تاسیسات انتقال نفت ایران و همچنین نفتکشها گسترش داد. همچنین با بهره برداری از پایگاه های برخی از کشورهای منطقه،

عراق توانست به جزایر سیری و لارک حمله کند. در چنین فضایی بود که قطعنامه ۵۹۸ به عرصه ظهور رسید.

قطعنامه ۵۹۸



شورای امنیت پس از مشورتهای فراوان و با توافقات اصولی به عمل آمده در ۲۹ تیرماه ۱۳۶۶ (۲۰ ژوئیه ۱۹۷۸) در جلسه شماره ۲۷۵۰ خود طرح قطعنامه ای را که قبلا به روی کلمه به کلمه آن توافق شده بود به اتفاق آرا به تصویب رساند. طرح قطعنامه توسط اعضای دائم شورا تهیه و نظریات اعضای غیر دائم نیز تا حدودی ملحوظ شده بود.

متن قطعنامه ۵۹۸:

شورای امنیت، با تایید مجدد قطعنامه (۱۹۸۶) ۵۸۲ خود، با ابراز نگرانی عمیق از این که علی رغم در خواستههایش برای آتش بس، منازعه بین ایران و عراق بشدت سابق با تلفات شدید انسانی و تخریب مادی ادامه دارد، با ابراز تاسف از آغاز و ادامه منازعه، همچنین با ابراز تاسف از بمباران مراکز صرفا مسکونی غیر نظامی، حملات به کشتیرانی بی طرف یا هواپیماهای کشوری، نقض قوانین بین المللی انسان دوستانه و دیگر قوانین ناظر بر درگیری مسلحانه، بویژه کاربرد سلاحهای شیمیایی برخلاف الزامات پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، با ابراز نگرانی عمیق نسبت به احتمال تشدید و گسترش بیشتر منازعه مصمم گردید به تمامی اقدامات نظامی بین ایران و عراق خاتمه بخشد، معتقد گردید که می باید یک راه حل جامع، عادلانه، شرافتمندانه و پایدار بین ایران و عراق به دست آید.

با یادآوری مفاد منشور ملل متحد، بویژه تعهد همه دول عضو به حل اختلافات بین المللی خود از راه های مسالمت آمیز به نحوی که صلح و امنیت بین المللی و عدالت به مخاطره نیفتد، با حکم به این که در منازعه ما بین ایران و عراق زمینه صلح حاصل شده است، با اقدام بر اساس مواد ۳۹ و ۴۰ منشور ملل متحد،

۱ - خواستار آن است که به عنوان یک قدم اولیه جهت حل و فصل (مناقشه) از راه مذاکره، ایران و عراق یک آتش بس فوری را رعایت کرده، به تمامی عملیات نظامی در زمین، دریا و هوا خاتمه داده و تمامی نیروهای خود را بدون درنگ به مرزهای شناخته شده بین المللی بازگردانند.

۲ - از دبیر کل در خواست می کند که یک تیم ناظر ملل متحد را برای بررسی، تایید و نظارت بر آتش بس و عقب نشینی نیروها اعزام نماید و همچنین از دبیر کل درخاست می نماید با مشورت طرفین درگیر، تدابیر لازم را اتخاذ نموده، گزارش آن را به شورای امنیت ارائه نماید.

۳ - مصرانه می خواهد اسرای جنگی آزاد شد و پس از قطع مخاصمات فعال کنونی، بر اساس کنوانسیون سوم ژنو ۱۲ اوت ۱۹۴۹، بدون تاخیر به کشور خود بازگردانده شوند.

۴ - از ایران و عراق می خواهد با دبیرکل در اجرای این قطعنامه و در تلاشهای میانجیگرانه برای حصول یک راه حل جامع، عادلانه و شرافتمندانه مورد قبول دو طرف در خصوص تمام موضوعات موجود، منطبق با اصول مندرج در منشور ملل متحد، همکاری نمایند.

۵ - از تمامی کشورهای دیگر می خواهد که حداکثر خویشتنداری را مبذول دارند و از هرگونه اقدامی که می تواند منجر به تشدید و گسترش بیشتر منازعه گردد احتراز کنند و بدین ترتیب اجرای قطعنامه حاضر را تسهیل نمایند.

۶ - از دبیر کل در خواست می نماید که با مشورت با ایران و عراق ، مساله تفویض اختیار به یک هیات بی طرف برای تحقیق راجع به مسئولیت منازعه را بررسی نموده و در اسرع وقت به شورای امنیت گزارش دهد.

۷ - ابعاد خسارات وارده در خلال منازعه و نیاز به تلاشهای بازسازی با کمکهای مناسب بین المللی پس از خاتمه درگیری تصدیق می گردد و در این خصوص از دبیر کل در خواست می کند که یک هیات کارشناسان را برای مطالعه موضوع بازسازی و گزارش به شورای امنیت تعیین نمایند.

۸ - همچنین از دبیر کل درخواست می کند که با مشورت با ایران و عراق و دیگر کشورهای منطقه ، راههای افزایش امنیت و ثبات منطقه را مورد مذاقه قرار دهد.

۹ - از دبیر کل در خواست می کند که شورای امنیت را در مورد اجرای این قطعنامه مطلع نماید.

۱۰ - مصمم است برای بررسی اقدامات بیشتر جهت رعایت و اجرای این قطعنامه در صورت ضرورت جلسات دیگری مجددا تشکیل دهد.

در تحلیل قطعنامه از نظر صوری در شکلی اهم نکات قابل توجه عبارتند از:

۱ - عنوان قطعنامه ۵۹۸ نظیر قطعنامه های پیشین (وضعیت ما بین ایران و عراق ) نیست ، بلکه برای اولین بار قطعنامه تحت عنوان (منازعه بین ایران و عراق صادر شده است .

۲ - این قطعنامه چه از نظر شکلی و چه از نظر ماهوی توصیه نیست ، بلکه تصمیم برخاسته از اعتقاد شورای امنیت است و این موضوع علاوه بر محتوای قطعنامه ، در آغاز پاراگرافهای ۱، ۷، ۸ و ۱۰ قسمت مقدماتی و پاراگراف ۱۰ اجرایی صراحت دارد. اگر چه در این مورد تناقضی وجود دارد و آن این که در بعضی موارد (اشاره به تعهد دولت به حل مسالمت آمیز اختلافات خود بندهای ۳، ۴، ۵ و ۶ قسمت اجرایی قطعنامه ) حالت قطعنامه توصیه است ، اما به هر حال حالت آمریت قطعنامه غائب است .

۳ - از نظر حجم و تعداد کلمات به کار برده شده ، این قطعنامه مفصل ترین قطعنامه های صادره است .

۴ - این قطعنامه به اتفاق آرا صادر گردید.

۵ - از انتظار فاصله زمانی ، قطعنامه ۵۹۸ با قطعنامه قبلی (۵۸۸) آن نه ماه و نیم فاصله دارد. این بدان معنا نیست که همچون فواصل سایر قطعنامه ها، شورای امنیت جنگ عراق با ایران را به جال خود رها کرده باشد، بلکه در تمام این مدت شورا به مشورتهای فشرده خود برای تنظیم قطعنامه جامعی که فصل مشترک نظریات شورا، عراق و ایران باشد مشغول بود.

۶- وضعیت جبهه های جنگ چنانکه ذکر شد، به صورتی بود که نگرانی شورا را باعث گردیده بود. به عبارت دیگر، اگر چه قطعنامه ۵۹۸ حاصل مدتها مذاکره و مشورت بود، ولی مقطع زمانی صدور آن جالب است .

هم احتمال تشدید و هم احتمال گسترش جنگ موجب نگرانی شورا شده بود، مقصود از تشدید جنگ ، نزدیک شدن قوای ایران به بصره و عملیات پی در پی در داخل خاک عراق بود و مراد از گسترش جنگ ، نزدیک شدن قوای ایران به مرزهای عراق و کویت ، همچنین درگیری در خلیج فارس گسترش یافته بود.

جمهوری اسلامی ایران قطعنامه ۵۹۸ را نه رد کرد و نه قبول . از جمله استدلالهای جمهوری اسلامی ایران توسط سخنگوی وقت شورای عالی دفاع ، آیت الله هاشمی و رفسنجانی بیان شده است :

(پیش از این به علت جهتگیری ناعادلانه قطعنامه های شورای امنیت ، ما این قطعنامه ها را نمی پذیرفتیم . اما در این قطعنامه نکات مثبتی دیدیم که حاضر شدیم پیرامون آن مذاکره کنیم . جمهوری اسلامی ایران قطعنامه ۵۹۸ را به طور کلی رد نکرده است ، چون در آن جای بحث می بیند. توقع دیگران این است که ما قطعنامه را کلا رد کنیم یا بپذیریم ، نکته منفی آن این است که می گوید که به محض شروع مذاکره و پیش از شناسایی متجاوز و محاکمه آن ، آتش بس اعلام شود و ما این بند را قبول نداریم ، بند مربوط به معرفی متجاوز می تواند به عنوان تنها کلید حل مسائل به شمار آید و این نکته مثبتی است ، اما باید پیش از اعلام آتش بس انجام شود، ما به آمریکا سوءظن داریم و می دانیم به محض اعلام آتش بس آنان در عمل صادق نخواهد بود. بنابراین ما نمی توانیم چنین مخاطره ای را بپذیریم . ما می گوییم اول متجاوز معرفی شود بعد راه حل مسائل جدی همواره خواهد شد. معلوم است که محاکمه و تنبیه متجاوز و باز پرداخت غرامت از همین اقدام آغاز خواهد شد. اگر این جابجایی در بندها انجام شود، راه همواره خواهد شد.)

این موضعگیری نزدیک به یک سال ادامه داشت . بهترین منطق و دلیلی که برای اتخاذ این موضع (نه رد و نه قبول ) می توان اقامه کرد است که جمهوری اسلامی ایران به دلیل عدم تحقق کامل نظریاتش قطعنامه را نپذیرفت . اما به خاطر توجهی که به اصول مورد نظر ایران در قطعنامه شده بود و به دلیل این که با توجه به شرایط سیاسی و بین المللی بیش از این امکان امتیاز گرفتن از شورا وجود نداشت و اصولا به خاطر (روز مبادا) قطعنامه را رد هم ننمود.

موضع عراق در قبال قطعنامه ۵۹۸

در ۲۲ ژوئیه ۱۹۷۸، اجلاس مشترک شورای فرماندهی انقلاب و رهبری حزب بعث به ریاست صدام برای بررسی قطعنامه ۵۹۸ تشکیل ، و در همین جلسه قطعنامه مورد پذیرش و استقبال قرار گرفت و آمادگی عراق برای همکاری با دبیر کل و شورای امنیت در جهت اجرای آن و نیل به حل جامع ، عادلانه و شرافتمندانه منازعه اعلام گردید. نهایت آن که آمادگی ایران برای قبول جدی و با

حسن نیت قطعنامه و اجرای آن و اطاعت بدون قید و شرط از آن ، شرط اساسی التزام عراق به قطعنامه عنوان گردید. در این جلسه قرار شد مواضع مذکور توسط وزیر امور خارجه عراق به دبیر کل و شورای امنیت اعلام گردد.

سخنگوی دولت عراق نیز در این خصوص اظهار داشت :

(عراق آماده است قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل را که در آن دستور آتش بس فوری داده شده است ، بپذیرد مشروط بر آن که ایران نیز اقدام مشابهی انجام دهد، تعهد عراق نسبت به این قطعنامه به پذیرش صریح و بدون قید و شرط ایران بستگی دارد)

طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق نیز در ملاقات خود در تاریخ ۲۳ ژوئیه با دبیر کل ، مواضع عراق را تکرار کرد. همچنین سفیر عراق در آمریکا طی مصاحبه ای در همان روز، خبر از واکنش عراق نسبت به قطعنامه داد.

اما پاسخ رسمی عراق به قطعنامه ۵۹۸ در تاریخ ۱۴ اوت به دبیرکل اعلام شد که در آن جمله آمده بود:

(... عراق از قطعنامه ۵۹۸ استقبال می نماید و آماده است برای اجرای آن با دبیرکل و شورای امنیت همکاری کند.)

پذیرش کامل قطعنامه از طرف جمهوری اسلامی ایران

در مورد پذیرش کامل قطعنامه ۵۹۸، رهبر فقید انقلاب اسلامی ، امام خمینی (ره) پیام مهمی به ملت ایران فرستادند. در قسمتی از این پیام آمده بود (۶۷):

(و اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتا مساله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصا برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می دیدم ، ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلا خودداری می کنم ، و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد، و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور - که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم - با قبول قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می دانم ، و خدا می داند که اگر نبود انگیزه ای که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی بودم و مرگ و شهادت برایم گوارتر بود، اما چاره چیست ؟ همه باید به رضایت حق تعالی گردن نهیم ... دیروز روز امتحان الهی بود که گذشت و فردا امتحان دیگری است که پیش می آید... قبول قطعنامه از طرف جمهوری اسلامی ایران به معنای حل مساله جنگ نیست . با اعلام این تصمیم حربه تبلیغات جهانخواران علیه ما کند شده است ... ملت ما هم نباید فعلا مساله را تمام شده بداند. البته ما رسماً اعلام می کنیم که هدف ما تاکتیک جدید در ادامه جنگ نیست ... در این روزها ممکن است بسیاری از افراد به خاطر احساسات و عواطف خود صحبت از چراها و باید نبایدها کنند - که هر چند این مساله به خودی خود یک ارزش بسیار زیباست - اما اکنون وقت پرداختن به آن نیست ... من باز می گویم قبول این مساله برای من از زهر کشنده تر است ، ولی راضی به رضای خدایم و برای

رضایت او این جرعه را نوشیدم ، و نکته ای که تذکر آن لازم است در قبول این قطعنامه فقط مسئولین کشور ایران با اتکای خود

تصمیم گرفتند. تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود... بدانید که پیروزی از آن شماست .)

سرانجام در تاریخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۸۸ (۱۳۶۷/۴/۲۶) سفیر و جانشین نماینده دائمی جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد، عین مرقومه حضرت آیت الله خامنه ای رئیس جمهور وقت ایران را خطاب به دبیر کل سازمان ملل متحد برای وی ارسال ، و در خواست کرد که به عنوان سند شورای امنیت منتشر گردد.

فرازهایی از نامه ریاست جمهوری وقت درباره پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به این شرح است (۶۸):

(درودهای گرم همراه با بهترین آرزوهای مرا برای موفقیت آن عالی جناب در تلاش برای برقرار صلح و عدالت بپذیرید. همان طور که بخوبی استحضار دارید، آتش جنگی که به وسیله رژیم عراق در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ با تجاوز علیه تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران آغاز گردید، اینک ابعاد غیر قابل تصویری به خود گرفته است که کشورهای دیگر و حتی غیر نظامیان بی گناه را نیز در شعله های خود گرفته است .

در چنین موقعیتی ، تلاشهای جنابعالی برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ (۱۹۸۷) حائز اهمیت ویژه ای است . جمهوری اسلامی ایران پیوسته کمک و پشتیبانی خود را نسبت به شما در حصول به این هدف مبذول داشته است . در این زمینه ما مصمم گردیدیم که رسماً اعلام داریم جمهوری اسلامی ایران به خاطر اهمیت حفظ جان انسانها و برقراری عدالت و صلح و امنیت منطقه ای و بین المللی قطعنامه ۵۹۸ (۱۹۸۷) شورای امنیت را می پذیرد. ما امیدواریم که اعلام رسمی این موضع جمهوری اسلامی ایران به شما در ادامه تلاشهایتان که همیشه مورد پشتیبانی و استقبال ما بوده است ، کمک نماید.)

در همین مورد آقای هاشمی رفسنجانی رئیس وقت مجلس شورای اسلامی و سنخگوی شورای عالی دفاع اظهار داشتند (۶۹):  
(مصلحت انقلاب و ملت‌های ایران و عراق و منطقه این است که قطعنامه مذکور پذیرفته شود... ایران تابه حال خواستار آن بود که ابتدا کمیته تعیین متجاوز تشکیل شود، ولی با توجه به شرایط جدیدی که پیش آمده از آن شرط خود صرف نظر می کنیم ...

متأسفانه تبلیغات جهانی ، ما را جنگ افروز و جنگ طلب معرفی کرده ، صدام و حزب بعث متجاوز که تمام قوانین را نقض کرده ، ولی چون یک شعار مشخص دارد، یعنی قطعنامه را پذیرفته و حاضر به قضاوت بین المللی است ، به صورت عوام فریبانه صلح طلب معرفی شده است ، با این کار، یعنی قبول قطعنامه ۵۹۸، ما نشان داده ایم که در این زمینه انعطاف پذیر هستیم ... ما قطعنامه را هرگز رد نکرده بودیم ، بلکه شروطی روی آن گذاشتیم و این اواخر روشن شد که ممکن است حوادث تلخی در منطقه اتفاق افتد که نقطه عطف آن سقوط هواپیماهای ایرانی توسط آمریکا بود.)

برقراری آتش بس

پس از پذیرش رسمی قطعنامه ۵۹۸ از طرف ایران و انجام مذاکرات با دبیر کل سازمان ملل متحد، آتش بس میان طرفین از تاریخ ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ (۲۰ اوت ۱۹۸۸) برقرار شد. شورای امنیت سازمان ملل متحد در تاریخ ۱۸ مرداد ۱۳۶۷ قطعنامه ۶۱۹ را تصویب کرد که به موجب آن گروه ناظران نظامی ایران و عراق و سازمان ملل متحد (یونیماک) تشکیل و عازم مرزهای ایران و عراق شد. نیروهای یونیماک حدود ۴۰۰ نفر بودند که از ۲۵ ملیت مختلف تشکیل شده بود و در دو کشور مستقر شدند. وظایف نیروهای یونیماک عبارت بود از:

۱ - تایید، تحکیم و نظارت بر آتش بس

۲ - کمک به طرفین برای حل مسائل محلی که احتمالاً در مورد تعیین دقیق خطوط مرزی و عقب نشینی به مرزهای بین المللی و یا تیراندازی اتفاقی پدید آید.

۴ - کمک به طرفین برای ایجاد یک منطقه حائل در طول مرزهای دو کشور  
آغاز مذاکرات صلح

نخستین دور مذاکرات صلح بین ایران و عراق با نظارت سازمان ملل متحد، در سوم شهریور ۱۳۶۷ به طور رسمی در ژنو آغاز شد. در این مذاکرات دولت عراق دو پیش شرط را مطرح کرد:

۱ - لایروبی اروند رود

۲ - آزادی کشتیرانی در خلیج فارس

در مقابل ایران اعلام نمود که نه پیش شرطی را مطرح خواهد کرد و نه پیش شرطی را از طرف مقابل خواهد پذیرفت. عراق با در اختیار داشتن بخشی از خاک ایران، تصور می کرد که می تواند برای گرفتن امتیاز، ایران را تحت فشار قرار دهد. از طرف دیگر، طرح آزادی کشتیرانی در خلیج فارس مطابق با درخواست دولتهای غربی بود و به همین جهت از عراق حمایت می کردند.

به علت پافشاری عراق در مورد درخواستهایش و عدم پذیرش آن از طرف ایران پیشرفتی در مذاکرات صورت نگرفت. از این رو برای شکست بن بست مذاکرات، دبیر کل سازمان ملل متحد در ۹ مهر ۱۳۶۷ طرحی مشتمل بر ۴ ماده به دولتین ایران و عراق پیشنهاد کرد که رئوس آن عبارتند از:

۱ - آزادی کشتیرانی در خلیج فارس

۲ - دادن اولویت به حل و فصل مساله شط العرب (اروند رود)

۳ - توافق در مورد مراحل مبادله اسرای جنگی

۴ - عقب نشینی نیروهای دو کشور به مرزهای بین المللی

دبیر کل سازمان ملل در این طرح خواسته‌های عراق را مورد توجه قرار داده بود، اما این طرح نیز با شکستهای مواجه شد. به دنبال آن ، دبیرکل ، (یان الیاسون) نماینده ویژه خود را مامور پیگیری اجرای قطعنامه ۵۹۸ نمود. وی در سالهای ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ دوبار به تهران و بغداد سفر کرد، اما نتوانست موافقت دولتی ایران و عراق را برای آغاز مذاکرات صلح و اجرای قطعنامه ۵۹۸ به دست آورد. ایران در سال ۱۳۶۸ برای شکستن بن بست مذاکرات ، پیشنهاد عقب نشینی همزمان نیروها و مبادله اسرا را مطرح کرد، اما دولت عراق بار دیگر پیشنهاد عقب نشینی نیروها را به مرزهای شناخته شده بین المللی موکول به حل مساله ارون رود کرد. دولت عراق در این زمینه اعلام داشت :

تا زمانی که ایران حق حاکمیت عراق بر ارون رود را نپذیرد، عقب نشینی نیروها انجام خواهد شد (۷۰).

دولت عراق در اتخاذ این مواضع غیر اصولی از حمایت کشورهای عربی نیز برخوردار بود. به عنوان مثال در قطعنامه کنفرانس سران عرب در مراکش در اواخر خرداد ۱۳۶۸ آمده است : کنفرانس همبستگی کامل خود را با عراق حفظ وحدت و یکپارچگی خاک خود و حاکمیت عراق بر شط العرب (ارون رود) را مورد تایید قرار می دهد (۷۱). این مساله در اجلاس کمیته دائمی همکاریهای عربی - آفریقایی در کویت نیز تکرار شد.

حمایتهای یک طرفه رهبران کشورهای عربی از عراق موجب پافشاری این کشور در مواضع غیر اصولی خود و در نتیجه ادامه بن بست مذاکرات صلح بین ایران و عراق شد. علاوه بر آن برخی از دولتهای غربی نیز منافع خود را در ادامه بن بست مذاکرات صلح می دیدند. دولتهای مذکور بویژه آمریکا خواستار ادامه حالت (نه جنگ صلح) تا زمانی که تغییری در سیاست خارجی ایران نسبت به غرب مشاهده نشود، بودند.

در این میان دولت اتحاد جماهیر شوروی سابق ، از اجرای قطعنامه ۵۹۸ حمایت می کرد و خواستار خروج نیروهای عراقی از اراضی اشغالی ایران بود. گنادی گراسیموف سخنگوی وزارت خارجه شوروی در خرداد ماه سال ۱۳۶۸ اظهار داشت : اتحاد جماهیر شوروی از قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد حمایت می کند و تاکید دارد که نیروهای ارتش عراق باید ضمن خروج از سرزمینهای ایران در نوار مرزی تعیین شده در قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر استقرار یابند. (۷۲)

پذیرش مجدد عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر

۱۲ روز بعد از اشغال کویت ، یعنی در ۲۴ مرداد ۱۳۶۹ (۱۴ اوت ۱۹۹۰) رادیو بغداد برنامه های عادی خود را قطع و نامه رئیس جمهوری عراق مبتنی بر پذیرفتن عهدنامه ۱۹۷۵ توسط دولت عراق را قرائت کرد. در این نامه خطاب به رئیس جمهور ایران آمده است :

با این تصمیم ما، دیگر همه چیز روشن شده و به این ترتیب همه آنچه را که می خواستند و بر آن تکیه می کردید، تحقیق می یابد و دیگر اقدامی جز مبادله اسرا باقی نمی ماند. )

به دنبال آن عقب نشینی نیروهای عراقی از خاک ایران آغاز شد به طوری که بعد از مدت ۵ روز به مرزهای بین المللی عقب نشینی کردند. عراق ۲۳۶۳ کیلومتر مربع از اراضی ایران را در اشغال خود داشت. شهرهای مهران، قصر شیرین، خسروی، نفت شهر، سومار، مناطق باوریسی، موسیان، کوشک، شلمچه، ارتفاعات کله قندی، کنجان چم، ارتفاعات قلاویزان طلایه، فلکه و شرهائی از جمله شهرها و مناطق تحت اشغال نیروهای عراقی بود. با این حال عراقیها برخی از مناطق را همچنان در اشغال خود نگاه داشتند. وسعت این مناطق حدود ۶۰۰ کیلومتر مربع بود! آنها مدعی بودند که: به موجب معاهده ۱۹۷۵ ایران باید مناطق میمک، زین القدس و سیف سعد را به عراق واگذار می کرد، و شاه از واگذاری این مناطق به عراق خودداری کرده بود.

یکی از بهانه های عراق برای لغو عهد نامه ۱۹۷۵ و تجاوزز به ایران در سپتامبر ۱۹۸۰ نیز همین مساله بود. این مناطق در ابتدای جنگ به اشغال نیروهای عراقی در آمد. وسعت این مناطق براساس ادعای مقامات عراقی حدود ۳۰۰ کیلومتر مربع می شود. در حالی که آنچه در اشغال عراقیها باقی مانده بود، دو برابر این رقم می باشد. (۷۳) به دنبال اعلام عقب نشینی نیروهای عراقی از اراضی ایران، هیأتی تحت عنوان (هیأت نظارت بر عقب نشینی و نصب علائم مرزی) تشکیل شد. وظیفه این هیأت نظارت بر عقب نشینی کامل نیروهای عراقی، پاکسازی میادین مین، تعیین محل و نصب میله های مرزی جدید براساس عهد نامه ۱۹۷۵ بود. به موجب عهدنامه مذکور ۷۵۰ میله مرزی در طول ۱۲۵۰ کیلومتر مرزهای دو کشور نصب شده بود. در طول جنگ حدود ۴۵۰ میله مرزی جابجا و با تخریب شد و فقط ۲۵۰ میله مرزی سالم بر جا ماند. مختصات این میله ها در ضمیمه پروتکل مربوط به علامت گذاری مجدد مرز زمینی بین ایران و عراق ۱۹۷۵ آورده شده است. (۷۴)

به همین جهت براساس اسناد مذکور و نقشه های موجود، محل نصب این میله ها مشخص می باشد.

۲۷ تیر ۱۳۶۹

هفته نیروهای انتظامی

پس از قبول قطعنامه ۵۹۸ و برقراری آتش بس میان ایران و عراق، مساله ادغام نیروهای انتظامی از طرف وزارت کشور و نمایندگان مجلس به منظور برقراری هر چه بهتر امنیت در داخل کشور و مرزهای جمهوری اسلامی، جلوگیری از صرف هزینه های اضافی و همچنین تداخل وظایف، مسئولیتهای و ماموریتهای مشابه، مطرح و به طور جدی دنبال و سرانجام پس از بحث و بررسیهای فراوان قانون ادغام نیروی انتظامی شامل ۱۱ ماده و ۱۰ تبصره در ۲۷ تیرماه ۱۳۶۹ از تصویب مجلس گذشت و به تایید شورای نگهبان رسید.



پس از گذشت ۶ ماه از تصویب این قانون ، ادغام نیروهای انتظامی سابق (۷۵) آغاز شد و نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی ایران در ۱۲ فروردین ۱۳۷۰ با تایید فرماندهی معظم کل قوا به منصفه ظهور رسید.

براساس ماده ۱ این قانون وزارت کشور موظف گردید، نیروهای انتظامی موجود آن زمان (شهربانی ، کمیته و ژاندارمری ) را حداکثر ظرف مدت یک سال ادغام نماید و سازمانی تحت عنوان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل دهد.

ماده ۲ این قانون می گوید:

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران سازمانی است مسلح در تابعیت فرماندهی کل قوت و وابسته به وزارت کشور که فرمانده آن از طرف فرمانده کل قوا منصوب می شود.

بنا بر ماده ۳ قانون یاد شده ، هدف از تشکیل نیروی انتظامی ، استقرار نظم و امنیت ، تامین آسایش عمومی و فردی ، نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چارچوب این قانون در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران است .

ماموریت و وظایف نیروی انتظامی بر اساس ماده ۴ این قانون مشتمل بر ۲۵ بند است که مهمترین آنها عبارتند از:

استقرار نظم و امنیت و تامین آسایش عمومی و فردی .

مقابله و مبارزه قاطع و مستمر با هرگونه خرابکاری ، تروریسم ، شورش و عوامل حرکتی که مخل امنیت کشور باشد، با همکاری وزارت اطلاعات .

تامین امنیت برای برگزاری اجتماعات ، تشکل ها، راه پیماییها و فعالیتهای قانونی و مجاز و ممانعت و جلوگیری از هر گونه تشکل و راه پیمایی و اجتماع غیر مجاز و مقابله با اغتشاش ، بی نظمی و فعالیتهای غیر مجاز.

اقدام لازم در زمینه کسب اخبار و اطلاعات در محدوده وظایف محوله و همکاری با سایر سازمانها و یگانهای اطلاعاتی کشور در حدود وظایف آنها. حراست از اماکن ، تاسیسات ، تجهیزات و تسهیلات طبقه بندی شده غیر نظامی و حفظ حریم آنها بااستثنای موارد حساس و حیاتی به تشخیص شورای عالی امنیت ملی که به عهده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خواهد بود.

مراقبت و کنترل مرزهای جمهوری اسلامی ایران ، اجرای معاهدات و پروتکل های مصوبه مرزی و استیفای حقوق دولت و اتباع مرزنشین جمهوری اسلامی ایران در مرزها و محدوده انحصاری اقتصادی دریاها.

اجرای قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی و... حفظ حریم راههای کشور.

اجرای قوانین و مقررات وظیفه عمومی و...

بر اساس ماده ۵ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ، سازمانهای حفاظت اطلاعات و عقیدتی سیاسی این نیرو از ادغام سازمانهای مشابه در نیروهای انتظامی سابق تشکیل گردید. در تبصره یک این ماده آمده است :

این سازمانها وظایف و ماموریتهای سازمانهای همنام خود را بر اساس قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران عهده دار خواهند بود.

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای در حکم انتصاب رئیس سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی حجت الاسلام و المسلمین محمد علی رحمانی فرمودند:

هدایت دینی و توجیه سیاسی مسئولان و کارکنان آن نیرو سهم و افری در حسن عمل و رفتار شایسته آنان که در رابطه نزدیک با مردم می باشند، خواهد داشت و مایه حفظ پاکدامنی و صحت عمل آنان خواهد شد. (۷۶)

با نگاهی گذرا به رئوس فعالیت‌های پرسنل نیروی انتظامی طی سالهای گذشته به میزان تلاش، فداکاری و ایثار این انسانهای نمونه و شریف در انجام وظایف محوله به این نیرو پی خواهیم برد، و از این رهگذر به نقش سرنوشت ساز آنان در استقرار امنیت و تامین آسایش عمومی و به طور کلی حاکمیت نظام اسلامی بیش از پیش آگاه می شویم.

۱ - تامین امنیت عمومی شهرها و حفاظت از امنیت روستاها و مناطق دور افتاده کشور.

۲ - مبارزه با عوامل بزهکار، جرم و ناامنی در جامعه.

۳ - تامین امور انتظامی دستگاه عظیم اداری کشور.

۴ - مبارزه با قاچاق و مصرف مواد مخدر به عنوان ریشه دارترین توطئه فرهنگی - اجتماعی.

۵ - نظم و هدایت امور ترافیک جاده ای به عنوان شریانهای حیاتی اقتصاد و ارتباطات کشور.

۶ - انتظام بخشیدن به امور ترافیک و حمل و نقل شهری.

۷ - حفاظت از مرزها در قالب پاسگاه ها و پادگانهای مرزی.

۸ - انجام امور اجرایی مربوط به اتباع کشورهای خارجی در بعد انتظامی و کنترل عملکرد آنان در داخل کشور.

۹ - عهده دار بودن امور انتظامی زندانها و دارالتادیبهها و همچنین ضابط بودن برای قوه قضائیه و مراجع اعمال قانون و حاکمیت آن در سراسر کشور

۱۰ - همکاری با شبکه جهانی پلیس (اینترپول) در راستای اهداف این سازمان بین المللی در خصوص شناسایی و استرداد مجرمین طبق توافق نامه ها و کنوانسیون های بین المللی.

علاوه بر موارد فوق، برگزاری موفق مراحل متعدد همه پرسی ها و انتخابات در سراسر کشور در طی سالیان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با حمایت انتظامی، امنیتی و حراستی این نیرو تحقق یافته است، به نحوی که ایران اسلامی در زمینه برگزاری انتخابات سالم و آرام یکی از موفق ترین و با فرهنگ ترین کشورهای جهان بوده است.

از سوی دیگر از هنگام تجاوز عراق تا پذیرش قطعنامه ۵۹۸، جبهه های نبرد شاهد حضور یگانهای متعددی از نیروی انتظامی بود که علی رغم شرح وظایف سازمانی مشخص خود، در جبهه های جنگ با متجاوزان بعثی صحنه هایی از ایثار و فداکاری را به منصفه ظهور رساندند.

خیل شهدای کلیه نیروهای انتظامی کشور ضمن این که شهادی بر این گفته است خود گویای مراتب ایمان ، رسد، اعتقاد، وفاداری و تعهد آنان به اسلام ، ولایت فقیه و جمهوری اسلامی است که خود مظهر تحقق اراده ملت مسلمان ایران است .

بخشی از رهنمودهای امام خمینی (ره) به پرسنل نیروی انتظامی

شما امروز در رژیم اسلامی واقع هستید، یعنی رژیمی که اساسش بر این است که مردم با طبقات ارتشی و ژاندارمری و شهربانی خودشان را از هم جدا ندانند. شما خودتان را از آنها بدانید، آنها هم خودشان را از شما بدانند و با آغوش باز از شما پذیرایی کنند. شما کوشش کنید که این معنا را در ذهن مردم با اعمالتان وارد کنید... امروز روزی است که ملت با این قشرهای انتظامی رفیق اند و دوست اند و برادرند. آنها می خواهند حفظ کنند این انتظامات را برای ملت . ملت وقتی دید که این طایفه خدمتگزار او هستند و محبت به او می کنند، به کسی که خدمت به او می کند، حفظ می کند نظم مملکتش را، قهرا علاقمند می شود. شما کوشش کنید که همین معنایی را که الان هست که بنا این است که رژیم جمهوری اسلامی رژیم مردمی باشد و همه با هم باشند، در دل ها زنده کنید.

(...شما امروز شهربانی دولت جمهوری اسلامی هستید، افرادتان یکی یکی باید ملاحظه این را بکنند که من در شهربانی اسلامی دارم کار می کنم . رئیس شهربانی هم باید همین معنا را در ذهنش بیاورد. جمعیت تان هم باید همین معنا را در ذهنش باشد که ما در یک مملکتی می خواهیم شهربانی بکنیم که این مملکت مال امام زمان - سلام الله علیه - است ، مال حضرت امیر- سلام الله علیه - و مال پیغمبر(ص) است . ما داریم خدمت به پیغمبر و اسلامی می کنیم . ما نباید به مردم حالا - عرض کنم که - قدرت فروشی بکنیم . خیال بکنیم ما یک قدرتمندی هستیم و مردم چیزی نیستند. اگر این کار را بکنید محبوب مردم نیستید. ثللهاتان مطمئن ، آرام ، وقتی شب می روید منزل ، با دل آرام منزل می خوابید، هیچ تشویشی در کار نیست . اما اگر یک رژیمی باشد که مخالفت بخواهد بکند، حتی آن کسی که ظالم است به حسب نوع مردم - مگر بعضی شان که دیگر متبدل به یک حیوانی شده اند - آنها ناراحت اند از این که اذیت کنند مردم را، این یک چیز جلی است ، آدم وقتی هم به یکی اذیت بکند خودش هم ناراحت می شود. اما در این رژیم باید همه با دل راحت انشاء الله و با قدرت ، اما قدرت برای اشخاصی که فساد می کنند، و رحمت برای دوستان خودتان ، (اشداء علی الکفار رحماء بینهم) دستور خداست که وصف مومنین این است که در مقابل اجانب می ایستند قوی ، بین خودشان دوست و رفیق و رحیم و اینها...)(۷۷)

رهنمودهایی از مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) به پرسنل نیروی انتظامی

(... آنچه من از نیروی انتظامی جمهوری اسلامی توقع دارم در سه فصل قابل بیان است . خصوصیت اول اقتدار است . نیروی انتظامی باید دارای اقتدار باشد. اقتدار یک امر معنوی است و با صدای کلفت و اسلحه تیز و مشت محکم تفاوت دارد. اقتدارهای ظاهری در حقیقت اقتدار نیست . باید وضعیتی به وجود آید که هم نیروی انتظامی در خود احساس قدرت کند و هم آحاد ملت

دریابند که پاسدار و حافظ امنیت فردی و اجتماعی آنها، یک مجموعه مقتدر است و می تواند از مردم دفاع کند و هم دشمن مخل امنیت بفهمد که نیروی انتظامی مقتدر و تواناست .

خصوصیت دوم عزت نفس است . نیروی انتظامی باید در چشم مردم عزیز باشد. این عزت از رفتار نیروی انتظامی و چگونگی انجام وظیفه او ناشی می شود. اگر کسی آلوده و اسیر شهوت و تملق و یا وابسته به پول و مادیات بود، بدون استثنا در چشم مردم ذلیل می شود و به دنبال آن سقوط خواهد کرد. پس عزت نیروی انتظامی به این است که پارسایی و پاکدامنی در تمام ارکان آن مشاهده شود و همه احساس کنند که این نیرو پاکدامن است و خود را آلوده نمی کند و برای عوضهای قلیل مادی و حقیر مادی و پست ارزشی قائل نیست . این یک امر روحی و معنوی است که برای نیروی انتظامی عزت خواهد آورد.

خصوصیت سوم رحمت و مهربانی است . باید نسبت به مردمی که می خواهید از خانه ، جاده ، امنیت ، مرز و کسب و کار آنها محافظت کنید احساس رافت و رحمت داشته باشید، مردم باید این معنا را لمس کنند که همان نیروی مقتدر و باصلابتی که در مقابل مخل امنیت با کمال قدرت و صلابت می ایستد، وقتی با مردم و افراد مظلوم مواجه می شود با رحمت و رافت برخورد می کند. پس سه عنصر قدرت ، عزت و رحمت خصوصیاتی است که در نیروی انتظامی پیدا شد. این نیرو در حدی خواهد بود که جامعه اسلامی می تواند به عنوان پشتوانه ای کار آمد و قابل قبول به او تکیه کند.

نکته ای وجود دارد که در حقیقت محور این بحثها است ، و آن موضوع دفاع از ارزشهای اسلامی است . هم شما و هم آحاد ملت ایران باید به این نکته توجه کنید. اگر مجموعه ای با قدرت و عزت در میان مردم ظاهر شد، همه باید بدانند که این مجموعه بنا دارد از ارزشهای اسلامی دفاع کند. در درون نیروی انتظامی باید ارزشهای اسلامی معیار و میزان باشد.(۷۸)

۲۸ تیر ۱۳۳۴

در گذشت آیت الله محمد حسین کاشف الغطاء

آیت الله محمد حسین کاشف الغطاء به سال ۱۲۹۴ هجری قمری در خاندانی دوستدار دانش و فضیلت در نجف اشرف متولد شد.

نسب او به مالک اشتر تخعی می رسد و نیاکان وی همه از عالمان و زعیمان دین بودند و همواره رهبری یک جنبش عظیم فکری و دینی را بر عهده داشتند. کاشف الغطاء خود در این باره می گوید:

(خودم را در پیشگاه خدا و وجدان مسئول می بینم . زیرا دخالت در سیات از وظایف من و اجداد من است که بیش از سه قرن نه تنها در عراق بلکه در تمام عالم اسلام پیشوای دینی بوده اند.)

جد اعلای ایشان شیخ خضر بن جناحی (م ۱۱۸۰ ق ) بن یحیی بن مطر بن سیف الدین مالکی است که از رهبران مذهبی در نجف اشرف بوده و استادش درباره اش گفته است :

(کسی که می خواهد چهره یکی از بهشتیان را ببیند به چهره تابناک شیخ خضر نگاه کند.)

فرزند شیخ خضر، علامه شیخ جعفر کبیر، (م ۱۲۲۸ ق) عالم و فقیه پرآوازه شیعه صاحب کتاب مفید و معروف به کشف الغطاء است که در آن دشواریهای فقه را شکافت. شیخ جعفر دارای فرزندی بوده که همگی از فقهای بنام شیعه اند که بزرگترین آنان شیخ موسی است که عامل اصلی صلح ایران و عثمانی در سال (۱۲۳۷ ق) بوده و پدرش وی را از تمام فقها باستثنای شهید اول و محقق برتر می دانست. دو فرزند دیگرش شیخ علی و شیخ حسن نام داشتند. پدر شیخ محمد حسین کاشف الغطاء علامه شیخ علی بن شیخ محمد رضا بن شیخ موسی بن شیخ جعفر کاشف الغطاء است.

ایشان مقدمات علوم را در زادگاه خود از محضر بزرگان فن فرا گرفت و به اتمام رساند و آنگاه در حلقه ردرس دانشمندان بزرگ زمان خویش وارد شد.

در علم اصول از محضر مرحوم آیت الله آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، در فقه از محضر مرحوم آیت الله حاج آقا رضا همدانی و سید محمد کاظم یزدی - اعلی الله مقامهم - بهره مند شد. در اخبار و حدیث، محضر محدث بزرگوار حاج میرزا حسین نوری را درک نمود و از محضر ایشان موفق به دریافت اجازه روایتی شد و در علم کلام و فلسفه از محضر مرحوم شیخ احمد شیرازی و از مرحوم علامه میرزا محمد باقر اصطهباناتی و علامه شیخ محمد رضا نجف آبادی که هر یک به نوبه خود از نوایغ عصر بودند، برخوردار شد.

کاشف الغطاء دارای استعدادی شگفت و ذکاوتی سرشار بود و در مدت زمانی کوتاه به مدارج عالی دست یافت و در همان ایام جوانی موقعیت علمی بالایی پیدا کرد و مورد توجه و محل اعتماد مخصوص علمای حوزه نجف مخصوصا استاد بزرگوارش مرحوم آیت الله سید محمد کاظم یزدی قرار گرفت و پاسخ بسیاری از استفتائات و پرسشهای علمی به او و برادرش علامه شیخ احمد واگذار گردید و مرحوم سید آن قدر به این دو برادر اطمینان داشت که در آخر عمر با حضور علما و بزرگان نجف، چهار وصی برای خود انتخاب کرد، این دو برادر از جمله آن چهار نفر بودند از وی نقل شده است که:

(اگر همه کتب فقهیه را بشویند، من از حفظ از طهارت تا دیات را می نویسم.)

مرجعیت مرحوم آیت الله محمد حسین کاشف الغطاء:

پس از وفات مرحوم آیت الله سید محمد کاظم یزدی در سال ۱۳۳۷، عده کثیری از مردم عراق در امر تقلید به برادرش شیخ احمد کاشف الغطاء رجوع کردند و در سال ۱۳۳۸، جمع کثیری از اهل بغداد در تقلید به ایشان مراجعه و روز به روز مقام علمی و ملکات روحی او برای مردم عراق بیشتر روشن گردید و لذا به وی علاقمندتر گشتند و سرانجام مقام مرجعیت عامه در عراق برای او محرز گردید.

حوزه درس و بحث کاشف الغطاء در بیشتر ایام عمرش برقرار بود و همواره جمع بسیاری از فضلا و علما از خرمن دانش او خوشه ها می چیدند تا جایی که شاگردانش دهها جلد کتاب از تقریرات و دروس استاد را نوشته و منتشر ساخته اند.

وی ، علاوه بر مقام علمی در فن خطابه و سخنرانی نیز مقامی بس بلند داشت و دارای بیانی سحر و منطقی نیرومند و فصاحتی کم نظیر بود و به مناسبت‌های مختلف در کشورهای اسلامی ایراد خطاله می کرد و مخاطبان خود را به حدی مجذوب می ساخت که گاهی سخنرانی چند ساعته ایشان بیش از چند دقیقه بر آنان نمی گذشت .

کاشف الغطاء برای تحقق اهداف بلند و آرمانهای عالی و اسلامی خود، سفرهای متعددی به کشورهای مختلف جهان از جمله پنج بار به ایران انجام داد و در هر سفر با دانشمندان و رهبران مذهبی و سیاسی ملاقات کرد و مطالب خود را بیان ، و آگاهیهای لازم را به آنها ارائه نمود. در مصر سه سال اقامت گزید و همه روزه در دانشگاه الازهر تدریس و احیانا سخنرانی می کرد و به ذکر علل عقب ماندگی مسلمین می پرداخت و حتی به کلیساها می رفت و ضمن سخنرانی ، اشتباهات مبشرین مسیحی را روشن می ساخت و در بلاد اسلامی اقامه جماعت می کرد. در سال ۱۳۵۰ هـ ق در کنفرانس اسلامی فلسطین شرکت نمود و پس از اقامه نماز جماعت در مسجد الاقصی در جمع صد و پنجاه نماینده ممالک اسلامی و با حضور بیست هزار نفر سخنرانی کرد و در مورد وحدت و استقلال مسلمین و مبارزه با استعمارگران و اشغالگران صهیونیستی سخنرانی مهیجی ایراد کرد و جمعیت حاضر را تحت تاثیر قرار داد. امتیاز دیگر وی ، صراحت لهجه کم نظیری بود که داشت و با هر کس که مواجه می شد بدون هیچ پرحرفی حق را می گفت و بسیار اتفاق می افتاد که از سیاستمداران به خاطر سیاست غلطشان انتقادی کرد. از جمله هنگامی که (سفیر انگلستان ) از نجف اشرف دیدن کرد و در ۲۰ جمادی الاولی ۱۳۷۴ هـ ق به حضور ایشان رسید وی به صراحت کامل از سیاستهای استعماری انگلیس در نقاط مختلف جهان انتقاد نمود و نسبت به نقش انگلستان در سقوط فلسطین اشغالی و آوارگی ملت مسلمان آن سرزمین اعتراض کرد. چنین اعتراضی به سفیر آمریکا نیز کرد و به او گفت :

(قلبهای ما از دست شما آمریکاییها مجروح است . شما ضربه ناجوانمردانه ای به ما زدید که هرگز ما در برابر آن سکوت نخواهیم کرد). سپس اضافه نمود: (افکار ملت ما همیشه بر ضد شما بسیج شده و به خاطر ضربتی که بر پشت ملت عرب زدید و پشت آنها را شکستید، از دل‌های آنها خون می چکد.)

او سیاست را جزء دین می شمرد و معتقد بود که منظور و مفهوم صحیح سیاست (وعظ و ارشاد، نهی از فساد، نصیحت و پند دادن به زمامداران و قدرتمندان کشورهای اسلامی و بر حذر ساختن آنها از گرفتار شدن در دام استعمار و درهم شکستن زنجیرهای اسارت و تامین آزادی کامل برای تمام کشورها و تمام ملتها است .) او درباره خودش می گفت :

(من از فرق سر تا کف پا غرق در سیاست هستم و دخالت در سیاست از وظایف حتمی من است و اگر دخالت نکنم خود را در پیشگاه خدا و وجدان مسؤل می بینم .) مدیریت دینی ، خلافت الهی بزرگی است که خداوند درباره آن در قرآن می گوید: (ای داوود، تو را در روی زمین نماینده خود قرار دادیم . بین مردم بر مبنای حق حکم کن ) (۷۹)

او غالبا این گفتار حضرت علی (علیه السلام ) را تکرار می نمود:

ان الله اخذ على العلماء الا يقاروا على كظة ظالم و لا سغب مظلوم (۸۰)

یعنی خدای سبحان از علماء پیمان گرفته است که در برابر شکم بارگی پرخواران و گرسنگی مظلومان سکوت نکنند.

بر اساس همین اندیشه های سیاسی بود که در غالب جنبشهای آزادبخش و ملی ضد استعماری علیه متجاوزان از جمله در جنگ

جهانی اول و در نبرد مردم مسلمان نجف بر ضد نیروهای انگلستان و استعمار (غازی) در سال ۱۳۳۴ شرکت جست .

اتحاد و نیرومندی مسلمین از هدفهای مشخص او محسوب می شد که در همه جا به تعقیب آن می پرداخت . وی یکی از مراجعی

بود که بعدها به جمعیت (دار التقرب بین المذاهب الاسلامیه) پیوست ، و نیز می بینیم در ابتدای کتاب ارزشمند (اصل الشیعه و

اصولها) تحت عنوان (چگونه مسلمانان متحد می شوند؟) از اختلاف بیهوده مسلمانان پرده برداشته و این سخنان او در بین مسلمین

حضرت فراوانی دارد که فرمود:

بنی الاسلام علی دعا متین : کلمة التوحید و توحید الکلمة

اسلام بر دو پایه استوار و بر پا شده : بر یگانه پرستی (لا اله الا الله) و اتحاد و یکپارچگی

آثار مرحوم محمد حسین کاشف الغطاء:

کتاب غنی و فاخری که از این دانشمند بر جای مانده و به چاپ رسیده عبارتند از: (۸۱)

۱ - تحریر المجله در پنج جلد (۸۲)

۲ - وجیزه المسائل ، در فقه وجیزه الاحکام ، ۱۳۶۰ ه.ق ، نجف ، ۴ بار چاپ شد.

۳ - حواشی بر عین الحیاء ، ترجمه سفینه النجاه ، ۲ جلد (فارسی) ، ۱۳۴۵ ، بمبئی

۴ - اصل الشیعه و اصولها (۸۳)

۵ - المراجعات الریحانیة (۲ جلد) ، این کتاب در مباحث فقهی و تاریخی است . لله

۶ - الارض و التربة الحسینیة ، ۱۳۶۵ ه.ق ، نجف چاپ ششم : ۱۳۷۷ ه. قاهره ، ترجمه به فارسی در سال ۱۳۲۶ ه.ق توسط آقای

محمد تقی شهرستانی لله

۷ - الدین و الاسلام یا (الدعوة الاسلامیه) در ۴ جلد که دو جلد آن به چاپ رسیده است .

۸ - نقدی بر کتاب (ملوک العرب) تألیف امین ریحانی

۹ - حواشی بر سفینه النجاه تألیف برادرش در ۴ جلد ، نوشته آیه الله احمد کاشف الغطاء

۱۰ - السؤال و الجواب ، ۱۳۵۰ ه.ق نجف ، چاپ دوم ، ۱۳۵۵ ه.ق

۱۱ - زاد المقلدین (فارسی)

۱۲ - حاشیه بر تبصره ، نوشته علامه حلی ، ۱۳۳۸ ه.ق ، بغداد

۱۳ - حاشیه بر عروه الوثقی (۸۴)، نوشته آیه الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی

۱۴ - الفردوس الاعلی

۱۵ - الایات البنیات فی قمع البدع و الضلالت

۱۶ - نبذة من السیاسة الحسینیة - ۱۳۴۹ ه.ق ، دوبر چاپ شد.

۱۷ - مختارات من شعر الاءغانی

۱۸ - الميثاق العربی الوطنی نجف ، همراه شماری دیگر از آثاری وی در مجموعه ای به نام (الحکمه و السیاسه ) در سال ۱۴۰۱ هق در بیروت نیز چاپ شد.

۱۹ - المثل العلیا فی الاسلام لا فی بحمدون (۸۵)

۲۰ - جنه الماوی

تالیفاتی که به چاپ نرسیده است

۲۱ - شرح تفضیلی کتاب عروه الوثقی ، نوشته آیه الله سید محمد کاظم طباطبایی یزدی

۲۲ - تنقیح الاصول

۲۳ - منتخب اشعار، مطالب فلسفی ، عرفانی و...، فارسی و عربی ۱۳۳۳ ه.ق

۲۴ - نزهة السمر و نهضة السفر: سفرنامه حج

۲۵ - حاشیه علی کتاب الاسفار، نوشته ملاصدرا

۲۶ - حاشیه علی رساله العرشیه نوشته ملاصدرا

۲۷ - حاشیه علی کتاب رساله الوجود نوشته ملاصدرا

۲۸ - دائرة المعارف العلیاء در ۳ جلد

۲۹ - حاشیه بر رسائل شیخ انصاری

۳۰ - حاشیه بر مکاسب شیخ انصاری

۳۱ - حاشیه بر کتاب قوانین الاصول ، نوشته میرزای قمی

۳۲ - رساله فی الجمع بین الاحکام الظاهریه و الواقیه

۳۳ - تعلیقهای بر کتاب امالی ، نوشته سید مرتضی

۳۳ - تعلیقهای بر کتاب ادب الکاتب ، نوشته ابن قتیبه

۳۵ - تعلیقهای بر کتاب الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز



۳۶ - تعلیق‌هایی بر نهج البلاغه و نقد شرح نهج البلاغه نوشته شیخ عبده

۳۷ - تعلیق بر کتاب (فتنه الکبری) نوشته طه حسین

۳۸ - العباة العنبرية فی الطبقات الجعفرية

۳۹ - رساله فی الاجتهاد و التقليد

۴۰ - عقود الحياتی : زندگینامه خودش

ترجمه ها

۱ - هیات فارسی

۲ - حجت السعادة

۳ - سفرنامه ناصر خسرو و بعضی از قطعات ادبی

سرانجام با عمری پر برکت چونان عمر مردان نامی تاریخ پس از سالها خدمت و تلاش در جهت نشر اسلام ، در روز دوشنبه ۱۸ ذی القعدة (۸۶) ۱۳۷۳ ه.ق به دنبال بیماری ، نخست در بیمارستان بستری گردید ولی بهبود نیافت و آنگاه برای تغییر آب و هوا به کرد از توابع ایران آمد و بعد از سه روز در همانجا وفات یافت . پیکر پاک او را با شرکت دهها هزار نفر از مسلمانان به بغداد حمل و سپس به نجف منتقل کردند و در آرامگاهی در وادی اسلام به خاک سپردند.

۲۹ تیر ۱۳۶۲

عملیات والفجر ۲

پس از موفقیت رزمندگان اسلام در عملیات والفجر ۱ (۸۷) که در جبهه های میانی اجرا و ضربات سختی بر نیروهای عراقی وارد شد، در شمال غرب و در مناطق سخت و صعب العبور کوهستانی در حد فاصل بین ارتفاعات قمطیره و تمرچین که مامنی برای اشرار و گروهکهای ضد انقلاب داخلی نیز بود، منطقه عملیات والفجر ۲ انتخاب گردید. در این منطقه عملیاتی ، پادگان حاج عمران که از اهمیت سوق الجیشی برخوردار است قرار دارد و از شمال به ارتفاعات چنارستان و کلاشین ، از جنوب به ارتفاعات بسیار مرتفع سکران و کدو، از شرق به ارتفاعات تمرچین و شهر مرزی پیرانشهر و از غرب به تنگه در بند و شهر چومان مصطفی (عراق) محدود می شود.

علاوه بر ارتفاعات مهم که در این منطقه وجود دارد آنچه بر اهمیت منطقه و ضرورت تصرف آن می افزاید، عبارت است از:

۱ - تسلط بر تردد گروهکهای ضد انقلاب و کنترل آنها

۲ - ایجاد تسهیلات و پشتیبانی لازم از افراد مسلمان و مبارز عراقی

۳ - فراهم سازی امکان گسترش عملیات نامنظم در خاک عراق

۴ - حفظ پیرانشهر از هر گونه تهاجم و تجاوز نیروهای عراقی

۵ - زمینه سازی برای نزدیکی بیشتر به شهر و تاسیسات نفتی کرکوک

نیروهای عراقی در سراسر منطقه ، سه رده ، خط پدافندی داشتند که هر رده آن پوشیده از موانع و استحکامات بود. همچنین در اطراف پایگاه ها سیم خاردار و میدین مین نصب و تعبیه و بر روی ارتفاعات نورافکن قرار داده شده بود.

استعداد دشمن در حدود ۲ تیپ پیاده و یک گردان زرهی به عنوان نیروی درگیر و یک تیپ پیاده در احتیاط بود. علاوه بر این دشمن در منطقه دو آتشبار ۱۰۰ م. م ، یک توپ ۱۷۵ م. م و یک آتشبار ۱۲۲ م. م و نیز یک آتشبار ۱۳۰ م. م در چومان مصطفی داشت ؛ در ضمن عراقیها بیش از ۳۰ پایگاه در منطقه داشتند که ۲۰ پایگاه آن اصلی و قوی بود که از کل آنها ۱۵ پایگاه به طور کامل توسط نیروهای خودی شناسایی شده بود.

سازمان رزم رزمندگان جمهوری اسلامی متشکل از رزمندگان سپاهی و بسیجی با استعداد ۱۶ گردان و دلاوران نیروی زمینی ارتش ۶ گردان پیاده و یک گردان مکانیزه بودند که تحت امر قرارگاه نظامی حمزه سید الشهداء قرار داشتند. تیزپروازان هوانیروز نیز پشتیبانی عملیات را بر عهده داشتند.

شرح عملیات

در ساعت ۱ بامداد روز ۲۹ تیر ۱۳۶۲ عملیات والفجر ۲ با رمز (یا الله) آغاز شد. رزمندگان دلاور اسلام در نخستین ساعات عملیات با صعود به ارتفاعات حساس منطقه ای و عبور از آنها ضربات سنگینی بر نیروهای عراقی و اشرار ضد انقلاب وارد ساختند و تعداد زیادی از آنها را به هلاکت رسانیدند.

در ادامه عملیات در صبح روز ۳ / ۵ / ۶۲ روستای رایات به دست نیروهای خودی تصرف شد و ضمن محاصره چند روستای دیگر،

گمرگ جاده پیرانشهر و حاج عمران آزاد گردید. همچنین پس از آن که نیروهای خودی بر قسمتی از ارتفاعات مهم و استراتژیک

(کینگ) (۸۸) (۲۵۱۹) تسلط یافتند. دشمن طی دو نوبت به ارتفاعات یاد شده پاتک نمود که در نوبت اول مجبور به عقب نشینی شد

و در نوبت دوم توانست بر قسمتی از آن تسلط یابد، اما پس از آن که قهرمانان هوانیروز توانستند نیروهای خودی را تدارک

نمایند، مابقی نیروهای دشمن پاکسازی شدند. بدین ترتیب ارتفاعات ۲۵۱۹ به طور کامل به تصرف نیروهای ایران در آمد. عراقیها در

تاریخ ۶۲/۵/۵ با استفاده از ۱۶ فروند هیلکوپتر و انجام عملیات هلی برد به یال ارتفاعات (کلو) حمله کردند. در این عملیات ناموفق

۶ فروند هلی کوپتر دشمن از بین رفت. قابل ذکر است که به لحاظ اهمیت منطقه ، صدام حسین رئیس جمهور عراق در شهر دیانا

حضور پیدا کرد و از آنجا به تشویق ، ارعاب و تهدید نیروهای شکست خورده عراقی پرداخت. همچنین بنا به اظهارات اسراء فرمانده

تیپ ۹۱ پیاده عراق ، از اهالی کردستان ، به دستور صدام در شهر دیانا اعدام شد.

دستاورد و نتایج عملیات والفجر ۲

در نتیجه این عملیات که مدت ۱۶ روز به طول انجامید، تعدادی از شهرهای مناطق کردنشین ایران از تیررس نیروهای عراقی خارج شد و با تصرف ارتفاعات حساس منطقه (۸۹) و پادگان حاج عمران (۹۰) نیروهای ضد انقلاب، نفوذ خود را از دست دادند و رزمندگان اسلام بر شهر چومان مصطفی نیز مسلط گردیدند.

در این عملیات چندین قبضه توپ ۱۲۲ م. م، بیش از ۲۰ دستگاه تانک، دهها دستگاه تفنگ ۱۰۶ م. م با خودرو، انواع مختلف ادوات و نیز مقدار متناهی سلاح و مهمات که از انبار پادگان حاج عمران به دست آمده بود به غنیمت رزمندگان اسلام در آمد. مجموع کشته ها و زخمی های دشمن به بیش از ۴ هزار نفر رسید و ۲۰۰ نفر به اسارت رزمندگان اسلام در آمدند. ۵ فروند و هواپیما و ۱۰ فروند هلی کوپتر، حدود ۴۰ دستگاه تانک و نفربر نیز منهدم شدند. همچنین از مقر تیپ ۹۱ که مامور حفظ پادگان و منطقه بود مدارک و اسناد بی شماری به دست آمد که حاکی از روابط عمیق گروهکهای کومله و دمکرات با حکومت عراق بود.

۳۰ تیر ۱۳۳۱

قیام سی ام تیر به رهبری آیت الله کاشانی

دولت دکتر محمد مصدق در ۲۹ اردیبهشت سال ۱۳۳۱ بر اساس یک تصویبنامه غیر قانونی، دستور توقف انتخابات مجلس را صادر کرد. این در حالی بود که تا آن زمان فقط هشتاد نفر از ۱۳۶ نماینده مجلس انتخاب شده بودند. دولت در توجیه این اقدام غیر قانونی استدلال می کرد که چون اختلافات ایران و انگلیس در زمینه ملی شدن صنعت نفت در دیوان بین المللی دادگستری مطرح است، احتمال دارد عوامل بیگانه از وجود اختلافات بین نامزدهای انتخاباتی بهره برداری کنند و در نتیجه نظم و امنیت کشور مختل شود. از این رو انتخابات بقیه حوزه ها به بعد از خاتمه کار دیوان لاهه موکول شد.

آیت الله کاشانی تذکرات دوستانه ای راجع به این موضوع به دکتر مصدق داد که وی اعتنایی نکرد. در طول سیزده ماهی که مصدق بر سر کار بود انتخابات برگزار نشد و این خود مقدمه ای برای وقوع حادثه سی تیر شد.

مکمل اقدام فوق استعفای ناگهانی و غافلگیر کننده نخست وزیر بود.

پس از اثبات حقانیت ایران در دادگاه لاهه در خصوص ملی شدن صنعت نفت، دولت محمد مصدق بر تمامی مشکلات داخلی و خارجی با همراهی مردم و رهبری آیت الله کاشانی فائق آمد و علی رغم همه مشکلات اقتصادی، آیت اله کاشانی مردم را همراه و همگام دولت نگاه داشت. مصدق که در صدد آن بود بر اختیارات خود بیفزاید خواستار عهده دار شدن وزارت جنگ شد.

به دنبال مخالفت شاه با خواسته مصدق، او مصدق بی آن که آیت الله کاشانی و دیگر مبارزان را آگاه کند در هفته آخر تیر ماه ۱۳۳۱ استعفای خود را تسلیم شاه کرد و شاه بی درنگ فرمان نخست وزیری قوام السلطنه را صادر کرد.

آیت الله کاشانی و مردم ایران زمانی از جریان امر آگاه شدند که قوام با اعلامیه شدید اللحنی آزادیهای سیاسی را محدود کرد و با ارباب و تهدید مردم مراکز حساس شهر را به اشغال نیروهای نظامی درآورد.

آیت الله کاشانی به مخالفت شدید با قوام برخاست و با صدور اعلامیه ای مردم را به مبارزه تشویق کرد. در اعلامیه ایشان آمده بود: (احمد قوام ، عنصری که در دامان دیکتاتوری و استبداد پرورش یافته و تاریخ حیات سیاسی او پر از خیانت و ظلم جور است و بارها امتحان خود را داده و دادگاه ملی حکم مرگ و قطع حیات سیاسی او را صادر کرده است ، برای چندمین بار بر مسند خدمتکاران واقعی گماشته اند. احمد قوام باید بداند در سرزمینی که مردم رنج دیده آن پس از سالها رنج و تعب ، شانه از زیر باز دیکتاتوری کشیده اند، نباید رسماً اختناق افکار و عقاید را اعلام و مردم را به اعدام دسته جمعی تهدید نماید. بر عموم برادران مسلمان من لازم است که در این راه جهاد اکبر، کمر همت بر بسته و برای آخرین مرتبه به صاحبان استعمار ثابت کنند که تلاش آنها در به دست آوردن قدرت و سیطره گذشته محال است .)

در حالی که دکتر مصدق به احمد آباد محل اقامت خود رفته و سکوت اختیار کرده بود، آیت الله کاشانی با صدور این اعلامیه مردم را به حرکت درآورد. روز بعد یعنی ۲۹ تیرماه ۱۳۳۱ در حالی که کامیونهای حامل سربازان سراسر خیابان محل سکونت آیت الله کاشانی را اشغال کرده بودند، بنا به دعوت ایشان خبرنگاران خارجی و داخلی و نمایندگان احزاب و گروهها دسته دسته به دیدار ایشان شتافتند. آیت الله در پاسخ یکی از خبرنگاران که پرسید: (اگر قوام نرود حضرت آیت الله چه تصمیمی می گیرند) با یک حرکت شدید روی صندلی دو زانو نشست و فرمود:

(به خدای لایزال اگر قوام نرود اعلام جهاد می کنم و خودم کفن پوشیده با ملت در پیکار شرکت می نمایم .)

پس از این موضعگیری قاطع آیت الله کاشانی در سی ام تیر ماه ، بازار تعطیل شد و مردم به خیابانها ریختند و خواستار سرنگونی قوام شدند. به دستور قوام مردم به گلوله بسته شدند و عده ای به شهادت رسیدند.

سرلشکر وثوق که فرماندهی ژاندارمری را به عهده داشت مردم کفن پوش را که از طرف کرمانشاه و همدان و قزوین به طرف تهران می آمدند در کاروانسرا سنگی به گلوله بست و از حرکت آنها جلوگیری کرد.

دیدار نماینده شاه با آیت الله کاشانی

شاه که پس از برکناری مصدق قصد از بین بردن رهبر مذهبی مردم را داشت و پیروزی به دست آمده را در خطر می دید در صدد بر آمد نا با تطمیع آیت الله کاشانی او را وادار به سکوت کند. به همین خاطر روز ۲۸ تیر حسین علاء وزیر دربار را به خانه آیت الله فرستاد تا وی را به هر بهانه ای وادار به سکوت کند، و از ادامه مبارزه باز دارد.

در ملاقاتی که بین کاشانی و حسین علاء انجام گرفت رهبر مذهبی مردم با اطلاع کامل از جریان با لحن تندی به وزیر دربار گفت : (به اعلیحضرت بگویند که اگر بی درنگ دکتر مصدق بر سر کار باز نگرود (آیت الله کاشانی) شخصا به خیابان خواهد رفت و مبارزه مردم را مستقیماً متوجه دربار خواهد کرد.)

پس از وزیر دربار حسن ارسنجانی کارگزار قوام السلطنه به خانه ایشان رفت و از سوی قوام پیام برد که جناب اشرف انتخاب شش وزیر را در اختیار حضرت آیت الله می گذارند و در برابر تنها تقاضای خودداری از برانگیختن مردم را دارند.

آیت الله کاشانی ارسنجانی را نیز همچون علاء با پاسخی کوبنده و گزنده بیرون راند و روز بعد نامه زیر را به وزیر دربار نوشت :

(جناب آقای علاء دام ظلّه ، عرض می شود دیروز بعد از شما ارسنجانی از جانب قوام السلطنه آمد و گفت به شرط سکوت ، قوام

انتخاب شش وزیرش را در اختیار من می گذارد. همان طور که حضوری عرض کردم به عرض اعلیحضرت برسانید. اگر در باز گشت دولت مصدق تا فردا نفرمایید دهانه تیز انقلاب را با جلوداری شخص خودم متوجه دربار خواهم کرد. در انتظار اقدامات مجدانه شما. واسلام سید ابوالقاسم کاشانی )

سرانجام در اثر مبارزه دلاورانه مردم که به ندای پیشوای مذهبی و رهبران سیاسی خود پاسخ مثبت گفته و به خیابانها ریخته و سینه های خویش را در برابر گلوله های شاه و قوام سپر کرده بودند و با تهدید و اتمام حجت بی سابقه آیت الله کاشانی ، مقاومت دربار در هم شکست و شاه سرانجام با تلخی به برکناری قوام السلطنه تن در داد و مصدق با فداکاری مردم مسلمان به رهبری روحانیت باز دیگر پیروز و سربلند در حالی که سمت وزارت جنگ را نیز به دست آورده بود بر مسند نخست وزیری جای گرفت و در یک اقدام سرلشکر وثوق را به عنوان معاون وزارت جنگ به همکاری خویش برگزید.

انتصاب نامبرده که در کشتار مردم نقش اصلی را بر عهده داشت با عکس العمل آیت الله کاشانی مواجه شد، و ایشان در یک نامه خصوصی به مصدق ، زبان به همکاری برگزیدن این گونه افراد را که حقا بایستی محاکمه و مجازات می شدند یادآور گردید. اما مصدق در کمال ناباوری یک هفته بعد از واقعه ۳۰ تیر در روز ۶ مرداد ۱۳۳۱ در پاسخ آیت الله کاشانی نامه زیر را فرستاد:

(به عرض می رساند:

مرقومه محترمه شرف وصول ارزانی داد. نمی دانم در انتخاب آقای سرلشکر وثوق و یا آقای دکتر اخوی که بدون حقوق برای خدمتگزاری حاضر شده اند و همچنین آقای نصرت الله امینی که از فعالترین اعضای نخست وزیر هستند، حضرتعالی چه عیب و نقصی مشاهده فرمودید که مورد اعتراض واقع شده اند. بنده صراحتاً عرض می کنم که اکنون در امور اصلاحی عملی نشده و اوضاع سابق مطلقاً تغییر ننموده است و چنانچه بخواهند اصلاحاتی بشود، باید از مداخله در امور مدتی خودداری فرمایند. خاصه این که اصلاحاتی ممکن نیست ، مگر این که متصدی مطلقاً در کار خود آزاد باشد. اگر با این رویه موافقید بنده هم افتخار خدمتگزاری را خواهم داشت . والا چرا حضرتعالی از شهر خارج شوند، اجازه فرمایند بند از مداخله در امور خودداری کنم . والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته - دکتر محمد مصدق )

خلاصه این که بعد از پیروزی بزرگ ملت مسلمان ایران در به تصویب رسانیدن قانون ملی شدن صنعت نفت و کسب پیروزی باور نکردنی و بزرگی که بی گمان بدون رهبری روحانیت و فتاوی مراجع تقلید حاصل نمی شد، متأسفانه با برخورد ناشایست دکتر محمد

مصدق با روحانیت و کنار گذاشتن ایشان از امور نهایتاً وی نتوانست بیش از یکسال به حکومت ملی خود، ادامه دهد و سرانجام با کودتای خونین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ دولت وی سرنگون گردید. (۹۱)

رویدادهای مرداد

۵ مرداد ۱۳۵۸

اقامه اولین نماز جمعه پس از پیروزی انقلاب

(یا ایها الذین امنوا اذا نودی للصلوة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله و ذروا البیع ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون) (۹۲)

(باید ائمه جماعات و ائمه جمعات همه شان توجه کنند به این که تکلیفشان این است که مسائل را به ملت بگویند، توجه بدهند مردم را به مسایل سیاسی، به مسایل اجتماعی نماز جمعه یک اجتماع سیاسی (است) در عین حالی که عبادت است. در خطبه نماز جمعه باید مسایل سیاسی روز طرح شود. گرفتاریهای مسلمانان طرح بشود. اجتماع کنید، نمازهای جمعه را با شکوه بجا بیاورید و نمازهای غیر جمعه را هم که شیطانها از نماز می ترسند. نماز جمعه که نمایشی از قدرت سیاسی و اجتماعی اسلام است باید هر چه شکوهمندتر و پرمحتواتر اقامه شود...) (۹۳)

امام خمینی (ره)

قرآن کتاب آسمانی، مردم را همواره به دو چیز مهم دعوت می کند، یکی (کلمه توحید) و دیگری (توحید کلمه)، یعنی این کتاب الهی از مردم می خواهد که به جای این که دنبال هدفهای گوناگون و مقاصد مختلف حرکت کنند، هدف خود را فقط و فقط در یک متصل قرار دهند و آن کلمه مبارکه (لا اله الا الله) است. از طرف دیگر قرآن مجید از مردم می خواهد که همگی در خواستن و رسیدن به این هدف بزرگ متحد و همراه باشند و از تفرقه پرهیز نمایند. چنانکه می فرماید:

واعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا و اذروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا (۹۴)

چرا که فرقه فرقه شدن و گروه گروه شدن از آثار شرک و چند هدف خواهی است و موجب جنگ و ستیز در میان گروه ها خواهد شد. در این رابطه قرآن کریم، به قبل از بعثت پیامبر اکرم (ص) نیز اشاره می کند: ای مومنین یاد آورید نعمت خدا را بر شما، در آن هنگام که شما قبل از نزول وحی و قبل از ایمان به کلمه توحید، همگی دشمن یکدیگر بودید، و هر کدام به راهی می رفتید تا آن که خداوند بر شما منت گذارد و پیامبری به سوی شما فرستاد و همه شما را به سوی یک کلمه واحد دعوت کرد و همگی در سایه ایمان و توحید آرام گرفتید.

به هر حال شکی نیست که اسلام مردم را به (کلمه توحید) و (توحید کلمه) دعوت کرده است و شریعت اسلام برای تحقق این معنی مردم را به تشکیل اجتماعات تشویق کرده و (روز جمعه) وسیله ای برای تحقق این مطلوب مقرر شده است. به همین علت،

از آغاز ورود پیامبر اکرم (ص) به مدینه و از آغاز هجرت همواره، (روز جمعه)، از اهمیت خاصی برخوردار بوده است و از اولین روزهای تشکیل حکومت در مدینه، نماز جمعه توسط پیامبر اکرم (ص) برگزار می شد و پیامبر خدا (ص) مردم را پیوسته به این وسیله در جریان مسایل و رویدادهای سیاسی و اجتماعی و دینی قرار می دادند و توده های مردم را با مسائل مربوط به آنان آشنا می ساختند.

شریعت مقدس اسلام، برای آگاهی مردم از مسائل جهان اسلام، دو مرحله پیش بینی کرده است. نخست، اجتماع هفتگی در نمازهای جمعه و دیگری اجتماع بزرگ و سراسری (حج) می باشد و بنا بر اهمیتی که اسلام برای این دو فریضه قائل بوده، در قرآن کریم دو سوره به نامهای حج و جمعه نازل شده است.

نخستین نماز جمعه در اسلام (۹۵)

شرع مقدس اسلام مقرر داشته همه مردمی که در مساحت دو فرسخ در دو فرسخ ساکن هستند در روزهای جمعه در یک اجتماع عمومی حضور یابند تا از نزدیک با رهبران و پیشوایان

رسول اکرم اول ماه ربیع الاول از مکه به سوی مدینه هجرت کردند و دوازدهم آن ماه به دهکده قبا نزدیک مدینه نزول اجلال فرمودند. حدود هفت روز در آنجا نزد عمرو بن عوف به انتظار آمدن امیرالمؤمنین (ع) توقف کردند.

رسول خدا به اتفاق حضرت علی (ع) در روز جمعه بر طایفه بنی سالم بن عوف وارد شدند و در آنجا محلی را برای مسجد انتخاب فرمودند و پس از تعیین قبله نخستین نماز جمعه را اقامه کردند.

این اولین نماز جمعه ای بود که توسط بزرگترین پیامبران الهی، خاتم النبیین رسول الله (ص) در مرکز طایفه بنی سالم بن عوف اقامه شد. رسول اکرم (ص) خطبه بلیغی ایراد فرمودند که در اعماق قلوب آنان اثر بدیعی گذاشت. متن خطبه را ابن هشام در سیره، جلد ۱، صفحه ۵۰۰ آورده است. ترجمه متن خطبه حضرت رسول به شرح زیر می باشد:

سپاس و حمد مخصوص خدایی است که حمد او را به جای آوریم. یاری از او می طلبیم و آمرزش و هدایت از او می خواهیم و ایمان به او دارم و (هرگز) کافر به او نشدم، دشمنی می کنم با کسی که به او کافر شده، شهادت می دهم به این که خدایی نیست جز خدای یکتا که همتایی برای او نیست و شهادت می دهم محمد (ص) بنده (شایسته) و رسول (گرامی) اوست.

او را با هدایت و نور و موعظه فرستاد در حالی که از زمان انبیاء تا بعثت پیامبر خیلی فاصله شده بود و مردم با گمراهی و کمی دانش و بریدگی از زمان و نزدیکی و فرا رسیدن اجل روبرو بودند. کسی که از خدا و پیامبرش پیروی کند، التحقیق به هدایت و پیروزی راه یافته است و کسی که از آنها نافرمانی کند گمراه گشته و بیراهه رفته است و به گمراهی ژرف افتاده، شما را به تقوی و خویشتن داری سفارش می کنم. همانا تقوی چیزی است که مسلمان، برادر اسلامیش را به آن توصیه و امر می کند و او را به آخرت برمی انگیزاند. پس شما باید از کیفر الهی بترسید. به تحقیق کسی که دارای تقوای الهی باشد و عمل به آن کند (تنها) خوفش از خداست،

تقوی یاور صادقی است برای آنچه از آخرت بخواهید. کسی که مابین خود خدا را در امر نپنهان و آشکارش اصلاح کند و قصدی جز رضای خدا نداشته باشد (این کار) باعث سعادت دنیای او و ذخیره برای بعد از مرگش می باشد، در آن هنگام که به آنچه از پیش فرستاد نیاز (شدید) دارد، و اگر جز این باشد دوست دارد بین او و کارهایی که مرتکب شده فاصله بسیار باشد. خداوند شما را از کيفرش برحذر می دارد، از آنجا که به بندگاش مهربان است، سوگند به خدایی که گفته اش را به صدق مقرون ساخته و به وعده اش وفا کرده است این گفتار دروغ نیست. همانا خدا می فرماید: (ما یبدل القول لدی و ماانا بظلام للعبید) وعده عذاب من مبدل نخواهد شد و هیچ ستمی به بندگان نخواهم کرد. (سوره ق آیه ۲۹)

پس در امر دنیا و آخرت چه در پنهان و چه آشکار، با تقوی شوید. زیرا هر کس از محرمات الهی اجتناب ورزد، موجب کفاره گناهانش گردد، و پاداش خوبی برای او خواهد بود. و هر که با تقوی شود، تحقیقا به رستگاری بزرگی دست یافته است تقوی جلوی خشم و عقوبت الهی را می گیرد و چهره ها را نورانی و پروردگار را خوشنود می کند و موجب ترفیع درجه می شود، بهره خود را از آن بگیرید. در جوار خداوند غفلت نکنید. (از رحمتش محروم می شوید) خدا احکام قرآن را به شما یاد داد و راهش را برای شما روشن ساخت تا آنان را که راست گویند و دروغ گویند معلوم گرداند. پس نیکی کنید همچنان که خداوند به شما نیکی کرده است. دشمن دارید دشمنانش را، در راهش آن طور که باید جهاد کنید او شما را برگزید و (افتخار) مسلمانی را روی شما گذاشت تا هر که نابود شدنی است بعد از اتمام حجت به زندگی ابد رسد. هیچ قوه و نیرویی نیست جز از جانب خداوند. (پیوسته) یاد خدا زیاد کنید و برای آنچه بعد از مرگ است، کار کنید، پس هر کس اصلاح کند، بین خود و خدایش را خواهیم، بین او و مردم را کفایت کند. همانا، که خداوند حاکم بر مردم است و مردم بر او حاکم نیستند. او مالک انسان است و انسانها مالک خداوند نیستند (الله اکبر ولا حول ولا قوه الا بالله العلی العظیم)

خطبه دوم حضرت رسول در اولین نماز جمعه

همانا، حمد و ستایش مخصوصی خداست، سپاسگزار اویم، و از وی یاری می طلبم. از بدآموزیهای اعمال نفسانی و گناهانمان به خدا پناه می بریم. هر کسی را خدا هدایت کند گمراه کننده برای او نیست و هر که را او گمراه کند، پس راهنمایی برای او نیست. گواهی می دهم به این که خدایی نیست جز خدای یکتا که همتایی برای او نمی باشد. به تحقیق بهترین گفتار، کتاب خدای تبارک و تعالی است. به تحقیق رستگار شد کسی که خدا و قرآن را در قلبش زیور قرار داده است و او را در اسلام وارد ساخته بعد از کفر، خدا برگزید قرآن را بر ما سواي آن. از سخنان مردمان همانا قرآن نیکوتر و رساترین حدیث است و دوست دارید چیزی را که خدا آن را دوست می دارد. خدا را از ته قلب دوست دارید، و از کلام خدا و یاد آن خسته نشوید. بینش خود را مقیاس قرآن قرار ندهید (بلکه قرآن را مقیاس قرار دهید). زیرا خدا قرآن را از میان تمام چیزهایی که آفریده و برگزیده، اختیار کرده است به تحقیق خدا بهترین اعمال و برگزیده از مردم و صالح ترین گفتار و آنچه مردمان از حلال و حرام می آورند، اختیار فرموده است. پس خدا را



عبادت کنید و هیچ به او شرک نیاورید و آن طور با تقوا باشید که شایسته آن است و با بهترین عبارت ، که با آن سخن می گویند، خدا را تصدیق کنید و با رحمت و مهربانی خدا با یکدیگر محبت کنید. همانا خدا خشمناک می شود از شکستن عهد و پیمانش .  
والسلام علیکم .

نماز جمعه از دیدگاه روایات و اخبار و کلمات بزرگان (۹۶)

پیروان نماز جمعه روایات زیادی وارده شده است که جهت نشان دادن اهمیت این فریضه الهی به بعضی از آنها اشاره می شود:  
۱ - پیامبر اسلام (ص) فرمودند:

خداوند، نماز جمعه را تا قیام قیامت بر شما فریضه واجب قرار داده است .

همچنین در حدیث دیگری فرموده اند که :

راه افتادن و حرکت کردن به سوی نماز جمعه ، حج توده های محروم این امت است .

۲ - امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

در حالی که امام (جمعه) خطبه می خواند، کلامی نباید گفت و روی خود را به این سوی و آن سوی نباید کرد، مگر همان مقدار که در نماز فریضه جایز است .

۳ - حضرت امام جعفر صادق (ع) به نقل از پدر بزرگوارشان فرمودند:(۹۷)

هر مسافری که به نماز جمعه حاضر شود و به جهت رغبت در امر نماز آن را بر پای دارد خداوند اجر و پاداش صد جمعه مقیم را به او می دهد.

۴ - امام صادق علیه السلام فرمودند:(۹۸)

در روز جمعه ، سوره جمعه و منافقون را بخوان ، زیرا که قرائت سوره های جمعه و منافقون در روز جمعه در نماز صبح و ظهر و عصر سنت و روش رسول الله (ص) است و سزاوار نیست که در روز جمعه ، سوره ای غیر از این دو سوره در نماز خوانده شود.

۵ - از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمودند:(۹۹)

خداوند مومنین را به وسیله سوره جمعه مورد اکرام و احترام قرار داد و بنابراین پیامبر خدا(ص) ایت سوره را در رکعت اول نماز جمعه مقرر داشت تا موجب بشارت و مژده مومنین باشد و همچنین پیامبر خدا سوره منافقون را در رکعت دوم نماز جمعه قرار داد تا مزید بر توبیخ و ملامت و سرزنش منافقان باشد و بنابراین ترک این دو سوره در نماز جمعه سزاوار نیست و هر کسی عمداً آن را ترک کند، نماز او نماز نیست ، (یعنی نماز کامل نیست).

۶ - از امام رضا علیه السلام منقول است که فرمودند:(۱۰۰)

اگر کسی بگوید که چرا در نماز جمعه خطبه، مقرر شده است، در پاسخ گفته می‌شود: برای این که جمعه محل اجتماع عموم مردم است و خداوند متعال خواسته است که بدین وسیله امام جمعه، سبب موعظه مردم شود و آنان را به اطاعت پروردگار تشویق کند و از معصیت بترساند و آنان را از خیر و ضررشان و از صلاح و فسادشان آگاه نماید.

اقامه اولین نماز جمعه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران

روز جمعه، پنجم مرداد ماه سال ۱۳۵۸ (سوم مبارک رمضان ۱۳۹۹ قمری) اولین نماز جمعه در تهران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به امامت مرحوم آیت الله سید محمود طالقانی در دانشگاه تهران برگزار شد.

امام خمینی (ره) چند روز پیش از این تاریخ، این وظیفه را به ایشان تکلیف کردند و دستور برپایی و اقامه نماز جمعه را صادر فرمودند. واگذاری این تکلیف عظیم و سنگین توسط رهبر فرزانه انقلاب در حساس ترین برهه از زمان انقلاب بر عهده آیت الله طالقانی که همچون ابوذر، زبان گویایی برای بازگویی حقایق و رسوا نمودن دشمنان انقلاب داشت، امر خطیری بود. جالب این است که مکان اقامه نماز را یک مکان علمی یعنی دانشگاه تهران تعیین کردند که این نشان دهنده پیوند عمیق علم با عبادت و سیاست با دیانت است.

جمعیت انبوه و میلیونی که از نخستین ساعات بامداد از نقاط مختلف شهر تهران به دانشگاه و خیابانهای اطراف هجوم آورده بودند با مشاهده امام جمعه، تکبیرگویان به استقبال ایشان رفتند و لحظاتی بعد شعارها به اوج خود رسید و جمعیت با سردادن شعارهای انقلابی، حمایت خویش را از رهبری امام خمینی (ره) و نهضت الهی ایشان اعلام داشتند.

مرحوم آیت الله طالقانی، بمحض ورود به جایگاه، شروع به ایراد خطبه کردند و در خطبه اول، فلسفه اقامه نماز جمعه را تشریح نمودند و در خطبه دوم به بحث درباره مسایل سیاسی روز پرداختند.

آیت الله طالقانی در رابطه با نماز جمعه و تاریخچه آن گفتند:

(نماز جمعه مظهر کاملی است از وحدت توحیدی ملت مسلمان و در عین حال آگاهی و افشا کردن دسایس دشمنان و مطلع کردن همه مسلمانان به وظایفی که در مدت یک هفته در پیش دارند. نماز جمعه با توجه به آیه کریمه (فاذا نودی الصلوة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله ...) آغاز شد. وقتی حضرت محمد(ص) از مکه به مدینه هجرت فرمودند، در جنوب شهر یترب که هنوز به نام مدینه الرسول نامگذاری نشده بود در روبروی مسجد قبا در رور جمعه نماز گزار شدند. در اولین جمعه بعد از این نماز، حضرت

محمد(ص) بین راه مسجد قبا و مدینه، اولین نماز جمعه را به شکلی که بعدها در اسلام مرسوم شد به جای آوردند. این اولین شکل صف توحیدی، صف اقامه و قسط، صف جهاد، و صف نماز جمعه و مظهر کاملی از صف توحیدی ملت اسلام و در عین حال آگاهی، تفسیر، هشیاری، افشاء کردن دسایس دشمن و مطلع کردن همه مسلمانها به وظایف و مسئولیتهایی - که لااقل در مدت یک

هفته در پیش دارند - بود.)

(نماز جمعه صف عبادت و صف حق پرستی، صف قنوت، و وجدانهای بیدار خداپرستان در عین حال صف فرماندهی، صف جنگ و فرمانبری است.)

(آن صف مختصری که در ابتدای هجرت و در آغاز تاسیس مجتمع قسط و عدل اسلامی در بیابانهای مدینه تاسیس شد، گسترش پیدا کرد؛ ادامه یافت و شرق و غرب دنیا را فرا گرفت ....

فلسفه تعطیل شدن یا نیمه تعطیل شدن نماز جمعه در میان مسلمانها بین ما شیعیان همین است که صف نماز، صف جمعه یک صف سیاست و عبادت و اجتماع اسلامی است و باید با رهبری رهبریهای که از مردم و خدا انتخاب شده اند این صفها تشکیل بشود و نماینده چنین رهبریهای الهی باشند. ولی بعد از آن که اسلام و موازین و احکام اسلام به صورت انحرافی در آمد، صف جمعه هم وابسته شد، به صف طاغوتها؛ شیعه در اقامه این جماعت و این اجتماع توقف کرد ولی امروز که طاغوتها و طاغوتیان سرنگون شده اند و رهبری، رهبری الهی است، امامت است، عدل است، قسط است باید ما و همه برادران در شهرها و قصبات و اطراف کشور همان طوری که امام خواسته اند این صف را تشکیل بدهند...)

ایشان در خطبه دوم به مهمترین مسئله سیاسی روز که انتخابات مجلس خبرگان (۱۰۱) جهت تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بود، پرداختند و راهنماییها و تذکراتی را در این جهت ارائه فرمودند.

با آغاز اقامه نماز جمعه، گروهکهای مغرور و منافق که برای فریفتن مردم و برای واژگون نشان دادن مسائل و به انحراف کشیدن انقلاب، دست به تبلیغات بسیار عظیم و خطرناک و حساب شده زده بودند و سرمایه های عظیمی را در این مسیر به کار گرفته بودند تا با پخش شایعات و رواج اکاذیب در بین مردم، انقلاب اسلامی را به انحراف بکشانند و نابود نمایند، ناگهان با یک معجزه بزرگ الهی و اسلامی روبرو شدند و با برپایی نماز دشمن شکن جمعه تمامی نقشه های منافقان نقش بر آب شد و اینان که سالها چهره خود را در پوششی از صلاح و سداد مخفی کرده بودند، نتوانستند این امت را به گمراهی بیاندازند و اتحاد و اجتماع صفوف نماز گزاران نماز جمعه بود که سرانجام توطئه های حساب شده و ترتیب یافته منافقان را خنثی ساخت و حيله و تزویر آنان را در هم شکست. شیاطین و منافقان در همه جا راه یافتند اما در صفوف نماز جمعه هرگز راه نیافتند و در هر کجا عالمی آگاه و نماز جمعه ای با شکوه بود منافقان از آنجا رانده شدند و سرانجام از صفوف همین نماز جمعه ها بود که مشتبهای گره کرده به سوی منافقان و احزاب و گروهکهای مغرور و مستکبر و از خدا بی خبر نشانه رفت و آنان را پراکنده، متواری و نابود ساخت و از همین سنگر الهی نماز جمعه بود که توده های آگاه حزب الله ضد انقلاب را مجبور به شکست کردند و نفرت و خشم و غضب خود را بر سر منافقان و معاندان باراندند.

بشر المنافقین بان لهم عذابا الیما(۱۰۲). (ترجمه : منافقان را بشارت ده که برای آنان عذاب سخت دردناک خواهد بود.)

نفاق از پدیده های شوم خطر نام جوامع انسانی بویژه جوامع اسلامی است که می تواند در اثر کوچکترین غفلت ، زمینه تحقق توطئه های دشمنان را برای نابودی آن جوامع فراهم سازد. خداوند تبارک و تعالی در آیات فراوانی در قرآن مجید خطر منافقین را گوشزد می نماید، و ضمن کوبیدن شخصیت آنها سخت تحقیرشان می کند و رسوایشان می سازد تا در جامعه اسلامی نقشه می کشند و از درون توطئه می کنند و با ظاهری سازی و چهره در نقاب می خواهند خدا را فریب دهند ولی خداوند از نقشه و توطئه و راز دل آنان آگاه است . و همه نقشه های آنها را نقش بر آب می کند و توطئه هایشان را به خودشان برمی گرداند.

ان المنافقین یخادعون الله و عو خادعهم (۱۰۳) (ترجمه : همانا منافقان با خدا مکر و حيله می کنند و خدا نیز با آنها مکر می کند (یعنی مکرشان را باطل می سازد و بر آن مکر و نفاق مجازاتشان هم خواهد کرد)).

آشکار شدن چهره نفاق سازمان مجاهدین خلق !

همزمان با اوجگیری نهضت اسلامی ایران و پیروزی آن در ۱۳۵۷، سازمان باصطلاح مجاهدین خلق با این اعتقاد که نظام مقدس جمهوری اسلامی نظامی مرتجع است و با بزرگ جلوه دادن خطر ارتجاع ، مبارزه علیه انقلاب اسلامی و برنامه ریزی جهت به دست گرفتن حکومت را آغاز کرد.

سازمان با جمع آوری سلاح از پادگانها و جذب و اغفال نیروهای جوان و سازماندهی آنها در پی فراهم شدن یک زمینه اجتماعی مناسب بود. در ابتدا مرورانه خود را همگام و همراه نهضت اسلامی نشان می داد و حتی تمثال مبارک امام (ره) را نیز در کنار آرم سازمان قرار داده و از امام (ره) به عنوان رهبری قاطع و سازش ناپذیر یاد می کرد.

با پیروزی بنی صدر در اولین انتخابات ریاست جمهوری ، منافقین وی را عامل مهمی برای رسیدن به اهداف خود یافتند و حمایت از او را در صدر برنامه های خویش قرار دادند.

با خیانت آشکار بنی صدر و وقایعی که پیرامون این خیانت به وجود آمد (۱۰۴).

مجلس شورای اسلامی رای به عدم کفایت سیاسی بنی صدر و برکناری او داد و امام (ره) قاطعانه وی را ابتدا از فرماندهی کل قوا و سپس براساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی از ریاست جمهوری عزل نمودند.

با برکناری بنی صدر، منافقین زمینه اجتماعی را برای آغاز علنی مبارزه علیه نظام جمهوری اسلامی مناسب دیدند و به خیال خام خود زمان را برای سرنگونی حکومت مناسب یافتند.

اعلان جنگ مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران

همزمان با عزل بنی صدر از ریاست جمهوری ، منافقین که تنها امید خود را از دست رفته می دیدند در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ با انتشار اطلاعیه ای علیه نظام جمهوری اسلامی ایران اعلان جنگ مسلحانه کردند و در صدد نابودی انقلاب اسلامی برآمدند.

منافقین با ایجاد آشوب و هرج و مرج در شهرها به آتش کشیدن وسایل نقلیه عمومی ، ضرب و شتم مردم بی دفاع و ترورهای کورکورانه ، علیه نظام اسلامی به پا خاستند؛ اما جبهه متحد ضد انقلاب به سرکردگی منافقین با رهنمودهای قاطع رهبر کبیر انقلاب اسلامی و هوشیاری مردم حاضر در صحنه ، در همان ساعات اولیه مضمحل شد و در این حادثه ۱۴ تن از پاسداران انقلاب اسلامی و مردم به شهادت رسیدند.

سازمان که در این روز نتوانسته بود به اهداف خود برسد، جهت تضعیف نظام و ساقط نمودن آن ، دست به ترورهای ناجوانمردانه زد و ترور شخصیت ها را در سرلوحه کار خود قرار داد؛ اما از آنجایی که خداوند متعال وعده فرموده که کید و مکر منافقان را به خودشان باز می گرداند با هوشیاری مردم و شناسایی مخفی گاههای آنها در داخل کشور توسط نیروهای انقلاب ، کاملاً قلع و قمع شدند و سران سازمان که زمانی شعار مبارزه با امپریالیسم جهانی را سر داده بود در نهایت به دامان امپریالیسم پناهنده شدند نوکری آنها را بر عهده گرفتند و در خارج از مرزهای کشور به توطئه ها و دسیسه های متنوع خود علیه نظام اسلامی ادامه دادند. امام (ره) در این رابطه فرمودند:

(اینان که از امپریالیسم انتقاد سرسختانه منافق گونه می کردند، اکنون معلوم شد که چهره واقعی آنان چه چهره کریهیی است و امروز به خوبی روشن است که اینان به دامان امپریالیستها پناهنده

و با کمک آنان به توطئه علیه جمهوری اسلامی برخاسته اند و با شایعه سازی و دروغپردازی می خواهند جوانان معصوم را به دام بکشند و با استفاده از خون مظلومان و گول خوردگان ، امر اربابانشان را اجرا کنند.)

با عزل بنی صدر و رسوایی منافقان کور دل ، کوششهای جبهه ضد انقلاب در ساقط نمودن انقلاب اسلامی خنثی شد و بار دیگر لطف و عنایت خداوندی شامل حال این امت گردید.

این پیروزی بزرگ ، انقلاب سوم نامگذاری شد و مردم انقلابی که درگیر با رژیم بعث عراق بودند تمام توان خویش را بعد از این حوادث ، جهت پیروزی در جبهه های جنگ معطوف کردند.

عملیات مرصاد؛ مرگ سیاسی و نظامی سازمان منافقین

پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران ، عراق را در بن بست سیاسی نظامی شدیدی قرار داد، و توطئه های وسیعی را که از جانب استکبار جهانی علیه انقلاب اسلامی تدارک دیده شده بود نقش بر آب کرد و بر گروهها و عناصر باصطلاح (اپوزیسیون) نیز شوم شدیدی وارد ساخت . در این میان ، منافقین به عنوان تنها گروهی که همه حیثیت (!) و هستی سازمان خود را در گرو جنگ نهاده بودند، بیشترین صدمه و لطمه را از پذیرش قطعنامه توسط ایران متحمل شدند؛ و برای خروج از بن بست ، توطئه ای که ماموریت اجرای آن را به عهده داشتند به مرحله اجرا در آوردند.

منافقین در تحلیلهای درون گروهی خویش ، امکان قبول آتش بس از سوی ایران را غیر ممکن دانسته و به صراحت ادعا می کردند که جمهوری اسلامی تنها زمانی به صلح رضایت خواهد داد که از جنبه های سیاسی ، نظامی و اقتصادی به بن بست کامل رسیده باشد و تحت چنین شرایطی سقوط رژیم حتمی و در نتیجه قدرت حکومتی به سازمان منتقل خواهد شد. بنابراین فرصت پیش آمده را زمان مناسبی برای دستیابی به اهداف پلید خود دانسته و علی رغم آن که طرح حمله به ایران برای سالگرد جنگ تدارک دیده شده بود(۱۰۵)، به دنبال پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی ، زمان آن دو ماه به جلو انداخته شد.

قبل از این ، اطلاعاتی به دست آمده بود که رژیم عراق در صدد است ، در مرحله جدید جنگ با استفاده از ضد انقلابیون دست به یکسری عملیات بزند، از آنجا که عراق به خاطر پذیرش قطعنامه ، بهانه ای برای تجاوز جدید به ایران نداشت ، با حمایت و پشتیبانی تسلیحاتی ، لجستیکی و هوایی از منافقین ، نیروهای خود را از انجام دخالت مستقیم در ورود به عمق خاک ایران بر حذر داشت . به همین منظور، ابتدا برای کاستن از حجم نیروهای خودی در غرب ، اقدام به تک وسیعی در خرمشهر نمود و سپس با هجوم و آتش سنگین در منطقه سرپل ذهاب و صالح آباد، این مناطق را به تصرف در آورد و راه ورود منافقین به داخل را هموار ساخت ، عراق همچنین ، پس از ورود منافقین به داخل ، جهت پشتیبانی در چندین نوبت ، اقدام به بمباران هوایی خطوط و نیروهای ایرانی کرد و هلیکوپترهای نیرو بر عراق نیز، طی این مدت مرتبا به پشتیبانی منافقین مشغول بودند.

هدف عملیاتی منافقین از حرکت سریعی که در عمق خاک ایران و تانکهای برزلی دجله (دارای چرخهای لاستیکی و سرعتی معادل ۱۲۰ کیلومتر در ساعت ) انجام می شد، تسخیر چندین شهر و در آخر رسیدن به تهران بود.

منافقین در نظر داشتند با وارد کردن ۱۳ تیپ نیروی رزمی در تهران ، ضمن تسخیر و اشغال مراکز مهم ، قدرت را به خیال خود به دست گیرند. بر طبق زمانبندی این طرح ، نیروهای آنها بایستی ساعت ۶ بعدازظهر روز دوشنبه ۳ مرداد به کرد و ساعت ۸ شب به اسلام آباد و ۱۰ شب به کرمانشاه رسیده و در این شهر، دولت خویش را اعلام نمایند. اگر چه در ساعاتی مقرر به کرد و اسلام آباد رسیدند؛ اما در مسیر اسلام آباد - کرمانشاه در گردنه حسن آباد، از پیشروی آنها جلوگیری شد.

در این عملیات که منافقین نام (فروغ جاویدان ) را انتخاب کرده بودند، باصطلاح با ۲۵ تیپ (هر تیپ به طور متوسط شامل ۲۰۰ نفر بوده است ) شرکت داشتند و بدین ترتیب مجموعا بین ۴ تا ۵ هزار نیروی عملیاتی وارد خاک ایران شدند.

در چارت مربوط به این عملیات که از منافقین به دست آمده ، فرماندهی کل در راس آن قرار داشته و از طریق مسئولین محورها، عملیات را هدایت می کرد.

مقارن ساعت ۱۴/۳۰، در تاریخ ۶۷/۵/۳ منافقین و ارتش عراق ، عملیات مشترک خود را با هجوم زمینی از طریق سرپل ذهاب و هلی برد از جنوب گردنه (پاطاق ) (نزدیکی سرپل ذهاب ) آغاز و به طرف شهر (کرد غرب ) پیشروی کردند و حدود ساعت ۱۸/۳۰ اولین تانکهای عراقی با آرم منافقین وارد شهر کرد غرب شدند و تا ۵ کیلومتری جاده کرد - اسلام آباد اقدام به تعقیب اتومبیلهای

شخصی در حال فرار کردند و مجدداً به شهر باز گشتند. در همین هنگام حدود ۸ دستگاه تانک و نفربر به همراه نیروهای پیاده بعثی ، شهر کربلا را به تصرف در آوردند، و سپس به طرف اسلام آباد غرب پیشروی کردند. بمحض رسیدن به مدخل شهر، اقدام به قطع برق و ارتباط مخابراتی و همچنین تیراندازی و آشفته نمودن اوضاع کردند. در همین حین تعدادی از نیروهای سپاه و مردم با دشمن درگیر شدند که به علت عدم انسجام نیروها و آمیختگی منافقین با مردم ، اوضاع از کنترل نیروهای نظامی خارج شد و شهر به تصرف آنها درآمد. پس از تصرف شهر اسلام آباد، دشمن با استفاده از تعداد زیادی تانک (دجله ) و خودرو به همراه تعدادی از نیروهای پیاده در جاده اسلام آباد به طرف کرمانشاه حمله کرد، لکن در منطقه حسن آباد (۲۰ کیلومتری اسلام آباد) به دلیل سازماندهی جدید رزمندگان ایرانی و جمع آوری نیرو و نیز با توجه به رسیدن یگانهای منظم خودی ، منافقین زمین گیر شدند. نیروهای خودی نیز در فاصله ۲۰۰ متری آنان در ارتفاعات (چهارزبر) ضمن تشکیل خط پدافندی با نیروهای دشمن و ایجاد درگیری ، بعد از ظهر روز ۴ مرداد با محاصره شهر اسلام آباد، ضمن پاکسازی و آزاد نمودن شهر، به منظور انسداد عقبه و راه فرار دشمن سه راه اسلام آباد - کربلا را قطع کردند و آنها را از دو سمت به محاصره در آوردند.

منافقین در گردنه حسن آباد متوقف شدند و نیروهای خودی با سازماندهی و طرح منظم و حساب شده در روز چهارشنبه ۵ مرداد عملیات (مرصاد) را با رمز یا (علی بن ابیطالب (ع)) آغاز نمودند و طی چندین ساعت صدها تن از منافقین را به هلاکت رساندند و مابقی را به فرار واداشتند. در این عملیات ، رزمندگان اسلام از قسمت سه راهی اهواز (پشت پمپ بنزین اسلام آباد) دشمن را دور زدند و تلفات زیادی به منافقین وارد کردند.

در حین عملیات نیز، هوانیروز با اعزام هلی کوپترهای کبری و نیروی هوایی با بمباران دقیق مواضع و ادوات منافقین ، تلفات فراوان و موثری به آنان وارد ساختند. صرفنظر از امدادهای الهی ، اصلی ترین عامل سرکوب این حرکت منافقین ، هجرم گسترده نیروهای مردمی به جبهه ها و انگیزه قوی پدید آمده در آنان برای مقابله با دشمن بود که مرهون انفاس قدسیه امام خمینی (ره) و یاد آور شور و هیجان روزهای نخستین جنگ بود.

در عملیات غرور آفرین (مرصاد) که برگ زرین دیگری در تاریخ جنگ تحمیلی هشت ساله است ، بیش از دو هزار و پانصد تن از منافقین به هلاکت رسیدند و بیش از چهار صد دستگاه خودرو، نفربر و تانک آنان منهدم شد و باقیمانده نیروهای دشمن فرار به داخل خاک عراق را ترجیح دادند.

منافقین در این عملیات (راه بازگشت ) حدود ۵ هزار نفر از اعضا و هواداران خود را سازمان داده بودند. آنها آن قدر گرفتار توهمات احمقانه ناشی از شبخ قدرت و نیروهای نظامی عراق شده بودند که تصمیم داشتند، حداکثر ظرف ۲ روز نیروهای خود را به تهران

بیاورند. رجوی به این تز ابلهانه ای پای فشرده بود که جمهوری اسلامی ایران و منافقین مثل دو مشت زن در رینگ بکس ، با یکدیگر درگیر هستند و مردم تماشاگران این صحنه اند و برای طرف غالب ابراز احساسات می کنند.

مشخص است که این تحلیل ، صرفا یک تحلیل ذهنی بیمار گونه بوده که معیارهای واقعی را مد نظر قرار نداده و سازمان با این که در جریان بسیاری از تظاهرات و راهپیمایی ها، شاهد حضور گسترده مردم در حمایت از جمهوری اسلامی بود، روی عامل مردم حساب نکرده بود.

شواهد و قرائن و اسناد حکایت از آن دارد که منافقین نسبت به پیروزی خود در حرکتی که آغاز کرده بودند، اطمینان بالایی داشته اند. در این حمله تقریباً همه اقرارد رده بالای سازمان شرکت کرده بودند. منافقین شرکت کننده در این عملیات بسیاری از اشیاء شخصی و لوازمی که معمولاً یک نیروی عملیاتی به هنگام عملیات همراه خویش ندارند (نظیر پاسپورت ، عکسهای خانوادگی ، شماره تلفن دوستان ) را با خود آورده بودند، آنها کاملاً مطوئن بودند که در طول مسیر خود با مقابله جدی و درگیری قابل توجهی از سوی رزمندگان اسلام مواجه نخواهند شد. و نهایتاً به دلیل عدم احتمال برخورد با نیروهای اسلام موفقیت خود را قطعی می دانسته اند.

آیت الله هاشمی رفسنجانی در تحلیلی که بعد از خنثی شدن توطئه ضد انقلاب و در راس آنها منافقین در نماز جمعه تهران به عمل آوردند اظهار داشتند:

(... اینها تحلییشان این بود که ملت از رهبری جدا شده مردم به جنگ نمی آیند.

ارتش حاضر نیست همراهی بکند و پاسداران هم آن صلابت سابق را ندارند بنابراین اعماق خاک ایران نفوذپذیر است و طراحی این است که یک حرکتی باید در عمق ایران انجام داد، از درون ، حکومت را یا متزلزل کرده و یا سرنگون ساخت .

... اینها فکر می کردند که از خط اول ما که عبور کنند پشت قضیه دیگر چیزی نیست . حتی تعداد افراد کمیته و سپاه هر جایی را هم تعیین کرده بودند. گفته بودند این مقدار نیرو در مقابل شما هست اینها با یک سیاست خاصی به داخل کشیده شدند.

... این کاری که به سر منافقین در عملیات (مرصاد) آمد، مصداق این آیه است .

(انا فتحنا لک فتحا مبینا) تا به اینجا می رسد که (و یعذب المنافقین و المنافقات و المشرکین و المشرکات الظانین بالله ظن السوء

علیهم دایرة السوء) اصلاً محاصره را مجسم کرده است . من وقتی این آیه را می خواندم به آن محاصره ای که می دانستم اینها

چطور تحت محاصره قرار گرفتند یک مصداق خوبی برای من بود

... یک چنین ضربه ای را به غیر از هعدایت الهی و غیر از انفاس قدسیه رهبری که قضیه را به خوبی به اینجا رساندند هیچ قدرتی در

دنیا نمی توانست طراحی و اجرا کند (۱۰۶).



آرزوی بشر در طول قرن‌ها برای درمان بیماری‌ها سبب شد تا بتدریج ، پایه دانشی نوین به نام انتقال خون در علم پزشکی گذاشته بود. در بیشتر موارد، تنها راه نجات مصدومان یا بیماران تزریق خون است . تا به امروز هیچ ماده ای تحت هیچ شرایطی نتوانسته ، جایگزین این مایع حیاتبخش و منحصر به فرد شود و پژوهشگران تاکنون تنها به گوشه ای از اسرار این پدیده شگفت انگیز دست یافته اند.

با اندکی دقت و در نظر داشتن عواملی چون ازدیاد جمعیت ، توسعه شهرها، صنعتی شدن کشور، افزایش میزان حوادث ، گسترش و تنوع خدمات بهداشتی و درمانی ، لزوم ایجاد و تجهیز مراکز جدید درمانی و بهداشتی و نیز امکان انجام عملهای جراحی تخصصی و پیوند اعضا در داخل کشور، اهمیت مسئله انتقال خون بخوبی آشکار می شود، و از سویی باید به یاد داشت که انسان تنها مولد و مصرف کننده خون خویش و گاهی هم نیازمند به یکی از مشتقات آن است .

### شناخت خون

بدون تردید خون دارای چنان ظرفیتهای و قابلیت‌هایی است که انسان هیچ گاه نمی تواند ادعا کند که به تمام ویژگیها و مختصات این ماده پر رمز و راز واقف شده است . خون در حرکتی پیوسته و بدون وقفه ، مسیری در حدود ۱۲۱ هزار کیلومتر را در بدن آدمی می پیماید تا به جریان زندگی دوام بخشد. چنین مسیری طولانی تراز مجموع خطوط هوایی کلیه شرکتهای هواپیمایی جهان است . خون بافت زنده ای است که در آمد و شد دائمی خود به شصت میلیارد سلول بدن سرکشی می کند و ضمن جمع آوری مواد زاید آنها، موارد لازم برای ادامه حیات و فعالیت را در اختیار سلولها قرار می دهد.

بر خلاف تصور، خونی که در رگهای آدمی جاری است ، یکنواخت بدون تغییر و تحول نیست و بدین لحاظ است که خون را بافت زنده می شناسند. برای نمونه : به فاصله یک مژده بر هم زدن حدود میلیون و دویست هزار از سلولهای قرمز به پایان عمر صد و بیست روزه خود می رسند و در همین زمان مغز استخوان به همان تعداد سلول قرمز تولید و وارد جریان خود می سازد.

استخوان‌ها در طول زندگی انسان ، حدود پانصد کیلوگرم سلول قرمز تولید می کنند و هر سلول تا پایان عمر خود هفتاد و پنج هزار بار از قلب به نقاط مختلف بدن سفر می کند. در وهله نخست ، قلب همانند تلمبه ، خون را به اندامها و بافتها می رساند. جاری شدن خون در رگها به صورت موجهای متناوب و مجزا می باشد و بدین ترتیب وظیفه تنظیم حرکت خون به شاهرگها واگذار شده است . در چنین شرایطی خون به تمام بدن می رسد. فشار خون در انتهای مسیر به صفر می رسد و به همین دلیل ورزش موجب تسریع گردش خون می گردد.

### ترکیبات خون

خون از عناصر سلولی معلق در پلاسما تشکیل شده و عناصر سلولی آن عبارتند از: گلبولهای قرمز، گلبولهای سفید و پلاکتها. میزان حجم این عناصر در خون چهل و پنج درصد است و پنجاه و پنج درصد بقیه حجم خون، پلاسما می باشد.

اما ترکیبات خون عبارتند از: گلبونهای قرمز و چند لوکوسیت یا گویچه های سفید شامل گرانولیسیت، لنفوسیت، مونوسیت، پلاکتها و مقداری محلول مانند کلسترول، قند، املاح، آنزیمها و چربیها که در پلاسما غوطه ورنند. برای ثابت ماندن حجم و فشار خون باید غلظت آن همواره تحت کنترل قرار گیرد به همین منظور خون، میزان آب نوشیده شده را جذب و بخش زاید آن را توسط کلیه ها و پوست (تعرق) دفع می کند. وقتی بدن از نظر آب در مضیقه باشد، خون از کوچکترین ذرات آب موجود در بدن بهره برداری می کند و با ایجاد حس تشنگی، آب می طلبد و دلیل احساس تشنگی پس از خونریزی نیز همین است، زیرا در این حالت حجم و فشار خون در بدن کاهش می یابد و لازم است بلافاصله با ورود آب به بدن فشار خون به حالت اولیه خود باز گردد.

مهمترین عمل گلبولهای قرمز، رساندن اکسیژن از ریه ها به سلولها و بازگرداندن گاز کربنیک به ریه ها است. ریه ها با عمل دم و بازدم وظیفه جذب اکسیژن از خارج بدن و دفع گاز کربنیک به خارج از بدن را به عهده دارند. مهمترین وظیفه گلبولهای سفید دفاع از بدن در مقابل عفونت و بیماریهاست. برخی از گلبولهای سفید، باکتریهای مهاجم را در میان می گیرند و آنها را از بین می برند. دسته ای دیگر از آنان در مقابل بیماریهای مختلف در بدن ایجاد مصونیت می کنند. گلبولهای سفید تک هسته ای در غدد لنفاوی، لوزه ها، طحال، کبد و مغز استخوان ساخته می شوند.

پلاکتها باعث انعقاد خون در هنگام خون ریزی می شوند و کوچکترین سلول بدن می باشد و عمر آن بین هشت تا ده روز که در مغز استخوان ساخته می شوند.

پلاسما، ضمن رساندن آب و مواد غذایی به سلولها، حامل مواد پروتئینی و عوامل انعقاد خون، مواد معدنی و هورمونهای لازم جهت رشد بدن می باشد؛ پلاسما مواد زاید را از سلولها می گیرد و برای دفع به کلیه ها می رساند.

هموگلوبین، ماده ای است پروتئینی و در گلبولهای قرمز وجود دارد و سرخی رنگ خون را باعث می شود. این ماده اکسیژن را به سلولها می رساند و انیدرید کربنیک ( $CO_2$ ) را به ریه باز می گرداند.

عامل ار - هاش (H.R)

(ار - هاش) ساختمان شیمیایی پیچیده و خاصی است که در گلبولهای قرمز خون ۹۰ مردم ایران وجود دارد، لذا این افراد را (ار -

هاش مثبت) یعنی دارنده این عامل می نامند. در خون بقیه افراد این عامل وجود ندارد و (ار - هاش منفی) هستند. در خون افراد

(ار - هاش مثبت) ماده ضد آن وجود ندارد، لذا به افراد عامل مثبت می توان هم عامل مثبت و هم عامل منفی تزریق کرد ولی به

گروههای منفی باید خون متجانس تزریق شود. چنانچه به افراد گروه منفی خون گروه مثبت برای یکبار تزریق شود حادثه ای رخ

نخواهد داد اما در صورت تکرار براساس طبیعت دفاعی بدن که با هر عامل ناشناخته وارده به بدن مبارزه می کند، خون جدید با ماده

ای به نام پادتن مورد حمله قرار می گیرد و عمل ار - هاش آن از بین می رود در نتیجه خون جدید در بدن خراب و نهایتاً منجر به مرگ شخص می شود.

## گروههای خونی

گروههای خونی براساس ساختمان شیمیایی موجود در سطح گلبولهای قرمز به چهار گروه A، B، AB و O تقسیم کرده اند. بدین ترتیب هر گروه خونی کاملاً اختصاصی می باشد و نباید به انسانی دیگر با گروه خونی نامتجانس تزریق شود؛ اما گروه O به دلیل ساختمان خاص گلبولهای آن که نه ضد A و نه ضد B هستند قابل تزریق به تمام گروههای چهارگانه هستند و اصطلاحاً گروه O را گروه دهنده همگانی می نامند.

## تاسیس سازمان انتقال خون ایران

در مرداد ۱۳۵۳ با هدف سامان بخشیدن به وضع آشفته خون رسانی و به منظور ترویج فرهنگ اهدا و تهیه و تامین خون و فرآورده های سالم و مطمئن و رایگان آن برای رفع نیاز بیماران نیازمند، بخصوص مبتلایان به (تالاسمی)، (هموفیلی) و (لوسمی) به وجود آمد.

این سازمان بتدریج با تاکید بر اصول کلی (اهدای داوطلبانه خون و غیر انتفاعی بودن سازمان)، با وضع آئین نامه ها و براساس استانداردهای لازم برای جمع آوری، انجام آزمایشهای لازم، نگهداری و توزیع خون و فرآورده های آن به ارائه خدمات به صورت رایگان پرداخت و با ایجاد سرویسهای اختصاصی به شرح زیر به فعالیتهای خود تنوع بخشید:

- جمع آوری خون از داوطلبان اهدا و آماده سازی آن برای نجات بیماران و مصدومین .
  - اجرای برنامه های آموزشی به منظور آشنایی مردم با اهدا و انتقال خون .
  - ایجاد واحدهای سیار و ثابت در مناطق مختلف شهرها، ایجاد پایگاه در بیمارستانها و اعزام اکیپها به مراکز تجمع مردم جهت جمع آوری خون .
  - ثبت اطلاعات لازم در مورد اهدا کنندگان خون بویژه گروههای نادر به منظور دعوت از آنان برای اهدای خون به هنگام ضرورت .
  - تعیین گروه خون و ار - هاش و انجام آزمایشهای ایمنی از قبیل ایدز، هیپاتیت و سفلیس .
  - توزیع خون و فرآورده های آن به مراکز درمانی و بیمارستانها.
- در بخش تولید عمده ترین فعالیت سازمان انتقال خون عبارت است از:
- تهیه و تفکیک فرآورده های مشتق شده از خون، مانند گلبول قرمز متراکم و شکسته شده، پلاسما، پلاکت، فاکتورهای انعقادی و سایر فرآورده های پلاسمایی مانند آلبومین در غلظت های مختلف، گاماگلوبولین و غیره .
  - پژوهش در مورد دستیابی به روشهای مناسب برای تهیه فرآورده های پلاسمایی و آنتی سرمها.

- تهیه پلاسما به طریقه پلاسما فریزس .

- آزمایش تشخیص و درمان اختلالهای . انعقادی .

- گروه بندی نسوج برای پیوند اعضا و انتقال گلبولهای سفید.

- آموزش پزشکان و دانشجویان پزشکی و علوم آزمایشگاهی در موارد مصرف و استفاده صحیح از خون ومشتقات آن .

- آموزش تکنیسین ها در زمینه انتقال خون و امور وابسته .

- پژوهش در مورد دستیابی به روشهای مناسب برای انجماد خون و فرآورده های آن در (ازت مایع ) .

- پژوهشهای اختصاصی در زمینه ژنتیک و ایمونولوژی ، ایمونوشیمی ، شیمی ، پروتئین ها، سرولوژی ، کرایو بیولوژی و هماتولوژی

و غیره .

## نگهداری

خون در داخل کیسه های مخصوص بین ۲۱ تا ۴۵ روز (بر حسب نوع ماده انعقادی داخل کیسه ) قابل نگهداری است . عمر خون

کوتاه است و مانند هر عنصر زنده مراحل تولد - زندگی و مرگ را طی می کند. نگهداری خون در کیسه های مخصوص ، عمر

عناصر حیاتی آن را کم می کند، اما خوشبختانه امروزه در مراکز انتقال خون به یاری دانش و تکنولوژی و بهره مندی از وسایل و

دستگاههای پیشرفته ، امکان تفکیک فرآورده های خون و پلاسمایی بدون ایجاد آلودگی ، فراهم شده است .

همان گونه که ذکر شد مراکز انتقال خون ، تولید کننده خون نیستند بلکه فقط خونهای اهدا شده را پس از انجام آزمایشهای لازم و

اطمینان از سالم بودن آنها و تهیه فرآورده های مربوطه توسط شبکه خون رسانی به نیازمندان می رساند. به این ترتیب ، نجات جان

بیماران نیازمند بستگی به میزان استقبال مستمر مردم از اهدای خون دارد. بدین لحاظ نباید زمان اهدای خون به شرایط خاص

همچون سوانح طبیعی یا اجتماعی مانند زلزله و جنگ محدود باشد زیرا در هر روز بلکه هر ساعت هزاران نفر به خون و فرآورده

های آن نیازمندند و سازمان انتقال خون برای استمرار بخشیدن به ارائه خدمات به طور دایم و پیوسته به یاری همگانی مردم در

جهت اهدای خون نیازمند است .

طبقه گفته کارشناسان هر فرد بالغ (بین ۱۷ تا ۶۵ سال ) با وزن متوسط (بیش از ۵ کیلوگرم )، حدود پنج و نیم تا شش لیتر خون

دارد و با اهدای ۲۵۰ سی سی تا ۴۵۰ سی سی از خون خود نه تنها سلامتی خود را به محاطره نمی اندازد، بلکه ضمن کمک به

سلامتی خود نجات بخش زندگی نیز دیگری نیز خواهد شد و خون اهدا شده طی چند ساعت به لحاظ حجم و طی یک تا دو ماه به

لحاظ سلولی و گلبولی جبران می شود.

اهداکندگان از مزایای بیمه خون برای خود و بستگان درجه اول به مدت یکسال برخوردار می شود اهدای خون می تواند در کشف

بیماریهای نهفته در اهدا کنندگان کاملاً موثر سالم می تواند در هر سال تا ۴ بار با فاصله هشت هفته خون اهدا کند.

## آغاز جنگ جهانی اول

در ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۴ اعلان جنگ اتریش و هنگری به صربستان باعث بروز یک جنگ عمومی شد که در ۱۱ نوامبر ۱۹۱۸ به موجب متارکه نامه منعقد بین آلمان و متفقین، خاتمه یافت. این جنگ را جنگ بزرگ نامیده اند و منشاء آن رقابت میان دولت های بزرگ بر سر مستعمره ها و مسائل نظامی و ملی در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بود.

بهانه شروع جنگ جهانی اول قتل (فرانسوا فردیناند) ولیعهد اتریش در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۴ در (سارایوو) ایالت بوسنی به دست گاوریلو پرنزیپ اهل صربستان بود.

مردم ایالت بوسنی مایل بودند که به صربستان ملحق شوند، اما دولت اتریش از این کار جلوگیری می کرد. مقامات اتریش دولت صربستان را مسئول این قتل دانستند. و آن را بهانه اعلام یک اولتیماتوم (در ۲۳ ژوئیه) و بعد اعلان جنگ به آن کشور در ۲۸ ژوئیه قرار دادند. اعلان تجهیز عمومی دولت روس (۳۱ ژوئیه) بهانه مداخله آلمان شد که به دولتین روس (اول اوت) و فرانسه (۳ اوت) اعلان جنگ بدهد. سرانجام نیز نقص بیطرفی بلژیک از طرف قوای آلمان، دولت انگلیس را مصمم به اعلان جنگ به آلمان کرد. در جریان جنگ (امپراتوری های مرکزی) (آلمان، اتریش و هنگری) مورد کمک ترکیه و بلغارستان واقع شدند. متفقین (بلژیک، انگلیس، فرانسه، مونته نگرو، روسیه و صربستان) نیز مورد کمک ژاپن، ایتالیا، پرتغال، رومانی، ممالک متحده آمریکا، یونان و برزیل قرار گرفتند. و به عبارت دیگر اعضای اتفاق مثلث (انگلیس، فرانسه و روسیه) و اتحاد مثلث (آلمان، اتریش و ایتالیا) به یکدیگر اعلان جنگ کردند.

ایتالیا از اتحاد مثلث خارج شد و تا سال ۱۹۱۵ بی طرف ماند و در این تاریخ به متفقین پیوست. علت آن بود که می خواست سرزمین ها ایتالیایی زبان را که در تصرف اتریش بود به انضمام چند مستعمره در آفریقا به دست آورد. ترکیه عثمانی به طرفداری از آلمان ها برخاست تا مانع از تسلط روسیه بر تنگه های دریای سیاه شود. آمریکا در سال ۱۹۱۷ با قدرت نظامی، ثروت و تجهیزات فراوان هنگامی به یاری متفقین آمد و این در حالی بود که نیروهای مرکزی پس از سه سال جنگ تقریباً نابود شده بودند. مهمترین صحنه جنگ قاره اروپا در فرانسه بود، آلمانیها از خاک بلژیک عبور و به فرانسه حمله بردند. نقشه جنگی اتریش آلمان بر آن بود که (برق آسا) به فرانسه هجوم ببرد و پاریس را اشغال کند و آن گاه برای نابود ساختن روسیه بدان کشور حمله ور شود. آلمان سه مرتبه تلاش کرد تا فرانسه را تصرف نماید: یکی در (مارن) (۱۰۷) (۶ - ۱۴ سپتامبر ۱۹۱۴) و دیگری در (وردن) (۱۰۸) (فوریه ۱۹۱۶)، و مجدداً در مارن در ژوئیه ۱۹۱۸.

در جبهه شرق ، روسها از آلمانیها به سختی شکست خوردند و هنگامی که در سال ۱۹۱۷ بلشویکها بر روسیه مسلط شدند، با آلمان در شهر (برست لیتوفسک ) عهدنامه ای بستند و از جنگ کناره گرفتند.

متفقین تمام مستعمرات آلمان را در آفریقا و خاور دور به تصرف در آوردند و مستملکات عثمانی در خاور میانه یعنی سوریه و عربستان را متصرف شدند. شکست نهایی آلمانیها در نتیجه حملات متفقین در سال ۱۹۱۸ و به رهبری (مارشال فوش) (۱۰۹) فرانسوی صورت گرفت و آلمان ناچار ترک مخاصمه را خواهان شد و هنگامی که این کشور در ۱۱ نوامبر ۱۹۱۸ شرایط متفقین را پذیرفت جنگ جهانی اول به پایان رسید.

عهدنامه ورسای (۱۱۰)، در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ بر آلمان مغلوب تحمیل ، و به پیروزی دولتهای متفق مهر تایید زد. این عهدنامه با عهدنامه های (سن ژرمن) (۱۱۱) با اتریش (۱۹۱۹)، (نوی) (۱۱۲) با بلغارستان ، (تریانون) (۱۱۳) با هنگری تکمیل شد. این جنگ خسارات بسیار زیاد جانی و مالی بر جای نهاد و مدت ۱۵۶۵ روز طول کشید. در طول این مدت در حدود ۶۵ میلیون نفر بسیج شده بودند. از این عده در حدود ۹ میلیون نفر کشته شدند. در حدود ۲۲ میلیون نفر (نسبت یک سوم ) معلول و از کار افتاده و ۷ میلیون نفر برای همیشه معلول و ناقص شدند. و حدود ۵ میلیون نفر نیز مفقود بر جای گذاشت .

از دیگر آثار جنگ اول جهانی تغییرات ارضی سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی بود که اهم آنها عبارتند از:

انقلاب روسیه (۱۹۱۷)، انحلال امپراتوری روس (۱۹۱۸ - ۱۹۱۷)، انقلاب آلمان (۱۹۱۸) و انحلال امپراتوری اتریش و هنگری (اکتبر - نوامبر) و سقوط امپراتوری ترکیه ، امضای اساسنامه جامعه ملل .

از این دوره انحطاط، دو طرز تفکر جدید پدید آمد، نخست این که (پرزیدنت ویلسن ) رئیس جمهوری وقت امریکا اعلام داشت :

(اکنون وظیفه مقدس ما آن خواهد بود که در راه برقرار ساختن یک دموکراسی واقعی در تمام جهان ، خود سرمشق دیگران قرار

گیریم و با پندها و اندرزهای دوستانه و معقول و با مساعدتهای مادی ، آنها را یاری کنیم و در همین زمان صدای نیکالینین

بزرگترین مرد انقلابی بلشویک ، از روسیه برخاست و وقوع یک انقلاب جهانی را اعلام کرد و با اصرار، پیروان خود را به آن داشت

که تمام جهان را به صورت یک جامعه زیر سلطه کارگران متشکل سازند. هدف ویلسون جهانی نوبنیاد بود، بر مبنای دموکراسی ، اما

عقیده لنین آن بود که (یا همه چیز یا هیچ چیز). البته میان این دو نظریه راه سازشی وجود نداشت .

۱۱ مرداد ۱۲۸۸

شهادت آیت الله شیخ فضل الله نوری رهبر نهضت مشروطه مشروعه

رهبران مشروطه چون شیخ فضل الله نوری و سید عبدالله بهبهانی به دست روشنفکران به ترتیب اعدام و ترور شدند و قلم غریزدگان

و شرق زدگان روشنفکر نیز برای تخطئه و بدنام کردن رهبران واقعی انقلاب مردمی ایرانیان مسلمان - که سعی در رهایی از سلطه

زورگویان استبدادی و پرهیز از تجدد گرایی ضد دینی داشتند - از هیچ کوششی دریغ نورزید. البته شیخ فضل الله ، در این عرصه

مورد حقد و کینه بیشتری قرار گرفت زیرا او تنها شخصیت دوران خود بود که به چهره واقعی از فرنگ برگشتگان باصطلاح روشنفکر پی برده و آنان را رسوا می کرد. بنابراین خشم آنان هرگز از شیخ کاهش نیافت و هم اکنون نیز در کتب مختلف چهره این روشنفکر واقعی مسلمان رامورد هتاک و بی احترامی قرار می دهند. روزی او را انگلیسی ، دیگر روز روسی ، گاهی ریاست طلب و گاه درباری ، رشوه گیر، مخالف مشروطه و هوادار رژیم استبدادی معرفی می کنند.

شیخ فضل الله در سال ۱۲۵۹ ه.ق در نور مازندران دیده به جهان گشود. پس از طی مراحل ابتدایی تحصیل ، برای تکمیل دروس خود در اوایل جوانی به نجف اشرف رفت و در سال ۱۲۹۲ ه.ق با مهاجرات به سامرا در زمره شاگردان درجه اول میرزای شیرازی بزرگمرد و قهرمان مبارزه با استعمار انگلیس در آمد و از محضر وی استفاده برد و سرانجام نیز در سال ۱۳۰۰ ه.ق جهت تبلیغ معارف اسلامی عازم ایران شد و در تهران اقامت گزید.

نیم نگاهی به اعترافات دشمنان شیخ خالی از لطف نیست :

- (... حاجی شیخ فضل الله اگر چند ماهی در عتبات توقف کند شخص اول علمای اسلام خواهد گردید، چه هم حسن سلوک دارد و هم مراتب علمیه و هم نکات ریاست را بهتر از دیگران دار است ...)

(شیخ فضل الله مقام علمی اش بالاتر از سیدین مسندنشین است ، طلاب و بیشتر اهل منبر دور او را دارند...) (۱۱۴)

(متفکر مشروطیت مشروعه شیخ فضل الله نوری از علمای طراز اول که پایه اش را در اجتهاد اسلامی برتر از طباطبائی و بهبهانی شناخته اند.) (۱۱۵)

رهبری و پیشتازی شیخ در نهضت مشروطه زبانزد خاص و عام است چنانکه دشمنان قسم خورده وی نیز به آن اذعان می کنند. (... در اول ظهور مشروطیت حاجی شیخ فضل الله با سایر روحانیون مشروطه خواه همفکر و همقدم بود و با این که با عین الدوله صدر اعظم وقت دوست بود، در مهاجرت به حضرت عبدالعظیم و قم شرکت کرد و تا صدور فرمان مشروطیت و افتتاح مجلس شورای ملی ، کوچکترین مخالفتی از او مشاهده نشد...) و عین (... عین الدوله از حرکت حاج شیخ فضل الله (مهاجرت به قم) بی اندازه ضعیف شد... حرکت حاج شیخ فضل الله خیلی امر آقایان را قوت داد چه مراتب علمیه او از دیگران بهتر و سلوکش نسبت به طلاب و اهل علم از دیگران خوشتر بود) و (... پس از پیشرفت مشروطه و باز شدن مجلس ، دیگران هر یکی بهره ای جسته به کنار رفتند ولی دو سید و حاجی شیخ فضل الله همچنان باز ماندند و چون مشروطه را پدید آورده خود می شماردند، از نگرانی باز نمی ایستادند. ولی حاج شیخ فضل الله رواج شریعت را می طلبید...) (۱۱۶)

این حقیقی است که با آغاز مخالفت شیخ شهید با مشروطه خواهان بسیاری از عالمان اسلامی نیز که تا دیروز در راه استواری (مشروطه) با همه نیرو و توان مبارزه می کردند راه خود را از عناصری که خود را آزادیخواه و مشروطه خواه می خواندند جدا کردند و

به مخالفت با آنان برخاستند تا آنجا که بنا بر نوشته کسروی (از عالمان اسلامی) هیچ کس نماند در میان مشروطه خواهان، مگر آنانکه به یکباره از پیشه ملائی و در آمد و شکوه آن (!! چشم پوشیدند...) (۱۱۷)

آری شیخ از نخستین عالمان اسلامی آن دوران بود که به نقشه استعمار در جهت اسلام زدایی و جایگزین ساختن حکومت لائیک تحت پوشش مشروطه و قانون اساسی پی برد و سعی کرد تا اجازه ندهد ملی گرایی به جای اسلام گرایی بنشیند و به نام آزادی و دموکراسی، بی بند و باری غربی در جامعه اسلامی ایران حاکم شود. چنانکه کسروی نیز به آن اشاره می کند (... چنانکه گفتیم چون پیشگامان جنبش، ملایان بودند تادیری سخن از (شریعت) و رواج آن می رفت و انبوهی از مردم می پنداشتند که آنچه خواسته می شود همین است. سپس کم کم گفتگو از کشور و توده (اومانیسیم) و میهن دوستی (ناسیونالیسم) و این گونه چیزها به میان آمد و گوشهها به آن آشنا گردید و بدین سان یک خواست دیگری پیدا شد که آزادیخواهان میانه آن و این دو دل گردیدند و خود ناسازگاری این درخواست بود که آزادیخواهان و ملایمان را از هم جدا می گردانید... چیزی که هست آزادیخواهان درخواست خود را که کوشید به پیشرفت کشور و توده باشد، راه روشنی در پیش نمی توانستند و هرگامی رابه پیروی از اروپا بر می داشتند. علت مخالفت شیخ ب مشروطه از کلام خود شیخ می توان باز جست.

(... و بعد همینکه مذاکرات مجلس شروع شد و عناوین دائر به اصل مشروطیت و حدود آن در میان آمد از اثناء نطق ها و لوایح و جراید، اموری به ظهور رسید که هیچ کس منتظر نبود و زایدالوصف مایه وحشت و حیرت روسای روحانی و ائمه جماعت و فاطبه مقدسین و متدینین شد؛ از آن جمله در منشور سلطانی که نوشته بود مجلس شورای ملی اسلامی دادیم لفظ اسلامی گم شد و رفت که رفت ... و دیگر در موقع اصرار دستخط مشروطیت از اعلیحضرت اقدس شاهنشاه ... در حضور هزار نفس بلکه بیشتر صریحا گفتند: ما مشروعه نمی خواهیم ...) و در فرازی دیگر آمده است :

(.. شما که بهتر می دانید که دین اسلام اکمل ادیان و اتم شرایع است و این دین دنیا را به عدل و شورا گرفت آیا چه افتاده است که امروز باید دستور عدل ما از پاریس برسد و نسخه شورای ما از انگلیس بیاید...)

(... من آن مجلس شورای ملی را می خواهم که عموم مسلمانان آن را می خواهند به این معنی که البته عموم مسلمانان مجلس کی خواهند که اساسش بر اسلامیت باشد و خلافت قرآن و بر خلافت شریعت محمدی (ص) و بر خلافت مذهب مقدس جعفری، قانونی نگذارند من هم چنین مجلسی می خواهم.)

بررسی اعمال و گفتار شیخ شهید

در بررسی میان گفتارها و نوشتارهای شهید در می یابیم که :

۱ - شیخ فضل الله از نخستین کسانی بود که علیه استبداد قیام، و همراه دیگر رهبران مشروطه به قم مهاجرت کرد و تا حصول نتیجه از اقدام خود طرف نظر نکرد.



۲ - شهید، خود، از ارزمندان حکومت عدل بود چنانچه در پیامش آمده است :

(خدا گواه است کسی ضدیت با عدل ندارد و چه شده است کسی که اول ، مقدم در این امور بوده است ، اقدام بر ضدیت با تخریب این اساس مقدس مغدلت را قصد کند که نه عقلا و نه شرعا جایز، بلکه حرام است . مقصود تطبیق این مجلس است یا قانون محمدی (ص ...) )

۳ - آغاز مبارزه شیخ با عناصر مشروطه خواه به هنگام تصویب متمم قانون اساسی بروز کرد.

۴ - آنچه روشنفکران بیمار از جامعه آن روز می خواستند ریشه کن ظلم و برقراری حکومت مردمی نبود بلکه می خواستند ریشه اسلام را از بیخ و بن بر کنند و حکومت لائیک را در جامعه برقراری سازند. آنان در جهت هدفی که داشتند شیخ فضل الله رابه دار کشیدند، باند سید حسن تقی زاده روشنفکران اقدام به ترور بهبهانی کرد و از سید محمد طباطبایی خواستند تا در سیاست دخالت نکند و الا به سرنوشت بهبهانی دچار خواهد شد. این همه و همه نشانه انحراف نهضت مشروطه از مسیر اصلی و با وجود مجلس ، حاکمیت بی قانونی در کشور بود.

۵ - انگیزه شیخ از بست نشینی مبارزه با اسلام زدایی و غربزدگی بود و بر آن بود تا از حکومت دیکتاتوری تحت لوای مشروطه جلوگیری کند و در این راه جان خویش را نیز فدا کرد.

۶ - استعمار انگلیس که از حرکت شیخ ، سخت به وحشت افتاده بود خواست تا چهره او را مخدوش کند، لذا دست به جو سازی علیه وی زد و حداقل توفیقی که به دست آورد، مردم آن روز را از دریافت رهنمودهای وی بی بهره ساخت و اسارت پنجاه سال سلطنت دوودمان پهلوی را برای ملت ایران به ارمغان آورد.

۷ - انگلیس و روشنفکرهای تحت فرمانش اقدام به جعل تلگراف از سوی نجف کردند که در آن شیخ توسط علما تکفیر شده بود؛ جعلی بودن این تکفیر، خود داستانی است که به نظر می رسد طرح آن ، پرده از حقایق بر خواهد داشت .

در تلگرافی که نقل می کنند و نویسندگان می نویسند آمده است : (حجت الاسلام بهبهانی ، طباطبائی ، تلگراف ثانی و اصل ، نوری چون مخل آسایش و مفسد است تصرفش در امور حرام است .

محمد حسین نجل میرزا خلیل ، محمد کاظم خراسانی ، عبدالله مازندرانی

و از سوی دیگر نقل کرده اند که شیخ نیز در جهت مقابله ، چنین گفته است :

(... شیخ فضل الله تکفیر کرده است حجج اسلامیه عتبات عالیات را و از جناب حاج میرزا حسین و جناب آخوند ملاکاظم و آقای

شیخ عبدالله مازندرانی باید می گوید و آنها را تکفیر کرده است .)

دلایل جعلی بودن این تلگراف و آن ادعاها بسیار واضح است چون :

۱ - سازنده تلگراف آن قدر بی سواده بوده که نمی دانسته در خطاب به دو تن از علماء عنوان حجة الاسلام ، نادرست است .

۲ - اعلام (تصرفش در امور حرام) درباره یک مجتهدی که از نظر علمی همپراز آنهاست نافذ نیست و مشکل را حل نمی کند.

۳ - اگر چنین چیزی صحت داشت، انگلیس و هوادارانش آن چنان طبل رسوایی شیخ را به صدا در می آوردند که بیا و ببین.

۴ - اگر این تلگراف از سوی علمای نجف صادر شده بود بی تردید سید کاظم یزدی که اعلم علمای آن روز نجف بود و موضع همسانی با شیخ داشت در برابر آن سکوت نمی کرد و واکنش تندی از خود نشان می داد.

۵ - علمای اسلامی وارسته تر از آن هستند که روی مخالفت یا موافقت با مشروطه یکدیگر را تکفیر کنند.

در جریان مشروطه علمای ایران و نجف چه آنانکه در راه برقراری تا آخرین نفس ایستادند و چه آنانکه در برابر قانونگذاری مجلس شورای ملی به مخالفت برخاستند و شعار مشروطه مشروعه را سر دادند و چه آنانکه از آغاز، نسبت به این حرکت روی خوش نشان ندادند، همگی یک هدف را دنبال می کردند و آن برقراری عدالت و قانون در چارچوب قوانین اسلام بود، اما برخی از آنان چون شیخ فضل الله به سبب تیزهوشی و ژرف نگری ویژه خود زود دریافتند که دستهای مرموز نامرئی در راه ریشه کن ساختن اسلام و کنار زدن عالمان اسلامی به کار افتاده است و علمای ما اگر چنانچه از یک حکومت جور حمایت کنند در واقع پیشگیری از خطر کفر و الحاد که نابود کننده اسلام است، می کنند.

به طور مثال شیخ فضل الله در حضور محمد علی شاه، درست در شرایطی که مجلس به توپ بسته شده و مشروطه خواهان سرکوب شده اند و مردم کوچه و بازار به مشروطه بد می گفتند و به خیال شاه، مشروطه در باغشاه ذبح شده است می گوید: (... مشروطه خوب لفظی است، شاه دستخط مشروطیت را دادند، شاه مرحوم دستخط داده اند، مشروطه باید باشد ولی مشروطه مشروعه و مجلس محدود نه هرج و مرج.)

به هر حال ایستادگی شیخ تا پای چوبه دار و شهادتش گویای بسیاری از ابهامات و یاهه سراییهای مخالفین وی و باصطلاح روشنفکران مترقی است.

از هجرت به قم تا فتح تهران

شیخ فضل الله که در هجرت علما به قم نقش موثر و سازنده ای داشت و تا تسلیم شدن شاه و دولت دست از تحصن برداشت و تا هنگامی که فرمان مشروطه صادر شد، خیلی محکم و جدی در راه اعتلای مشروطه گام برداشت، و زمانی که مشاهده کرد در مجلس انحراف وجود دارد و نقشه طرد اسلام و جایگزینی غرب را در سر دارند به مخالفت برخاست.

شیخ برای این که صدای خود را به مردم برساند در سوم تیرماه ۱۲۸۶ به حرم عبدالعظیم پناهنده شد. حدود ۵۰۰ نفر او را در این هجرت همراهی کردند، و مشروطه مشروعه را در اینجا مطرح نمود.

شیخ فضل الله در دوران استبداد صغیر، همچنان به مخالفت خود با مشروطه ادامه می داد. او در نهم دی ماه ۱۲۸۷ توسط شخصی به نام کریم دواتگر که از سوی دشمنان شیخ، اجیر شده بود مورد سوء قصد قرار گرفت ولیکن ضارب موفق نشد که شیخ را از بین ببرد. و شیخ پس از مدتی ضارب خود را مورد عطوفت اسلامی قرار داد و بخشید.

پس از فتح تهران که مشروطه خواهان از هر سو به تهران هجوم آوردند و حکومت استبداد محمد علی شاه را سرنگون کردند، بواسطه انحرافات زیادی که در میان ایشان وجود داشت و دستهای خارجی که آنها را هدایت می کرد، منزل شیخ فضل الله نوری را که از رهبران اصلی مشروطیت و از نخستین قیام کنندگان برای ایجاد عدل و برچیدن بساط ظلم بود محاصره کردند. تاریخ نویسان، مواردی که در خانه شیخ گذشت را چنین نوشته اند:

(... یک نفر از سفارت روس وارد شد و با حاج شیخ مذاکره و او را دعوت به سفارتخانه نمود، حاج شیخ جواب داد: مسلمان نباید پناهنده کفر شود، آن هم مثل من. بعد آن شخص اظهار کرد که اگر حاضر نمی شوید بیاید بیرق را بالای سر در خانه نصب نمایید و بیرق را نشان داد و اجازه خواست سر درب عمارت قرار دهند، در این قسمت هم حاج شیخ فضل الله جواب داد که اسلام زیر بیرق کفر نخواهد رفت. آن شخص گفت: برای شما خطر جانی خواهد داشت جواب دادند: زهی شرافت و آرزومندم.)

شیخ که می توانست همچون محمد علی شاه و بسیاری از رجال به سفارتخانه ای پناهنده شود و جان خود را از خطرات محفوظ بدارد، ترجیح داد تا در منزل بماند و زیر باز ننگ نرود در حالی که حق با او بود. وقتی اطرافیان شیخ به او پیشنهاد کردند که در خانه ای پنهان شود و بعد مخفیانه به عتبات برود گفت (۱۱۸):

اگر من پایم را از این خانه بیرون بگذارم، اسلام رسوا خواهد شد. او در مقابل پیشنهاد دیگری که خواستند به سفارتی پناهنده شود با خونسردی پرچم خارجی را که برایش فرستاده بودند را نشان داد و فرمود:

این را فرستاده اند که من بالای خانه ام بزنم و در امان باشم. اما رواست که من پس از هفتاد سال که محاسنم را برای اسلام سفید کرده ام حالا بیایم و بروم زیر بیرق کفر؟

پس از این گفتگوها شیخ همه اطرافیان را مرخص کرد تا مبادا به ایشان آسیبی برسد. سرانجام در ۸ مرداد ۱۲۸۸ مرجع تقلید شیعه را به وسیله ۷۰ نفر مجاهد! دستگیر و با درشکه به اداره نظمیه بردند و زندانی کردند. حکم اعدام شیخ از قبل توسط انگلیسیها صادر شده بود، لکن برای صحنه سازی سه روز او را نگاه داشتند و سپس او را توسط شیخ ابراهیم زنجانی، روحانی نمایی بی سواد و لامذهب و چند نفر از ایادی انگلیس، حدود یکساعتی بازجویی کردند. در این بازجویی شیخ به زنجانی گفت:

(تو کوچکتر از آنی که مرا محاکمه کنی) و مجدداً گفت:

(عالم را با جاهل بحثی نیست.)

او را در روز میلاد حضرت علی (ع) به کاخ گلستان بردند و بار دیگر به بازجویی پرداختند. شیخ در جلسه دادگاه برخاست و خطاب به پیرم خان ارمنی گفت :

(مشروطه تا ابدالدهر حرام خواهد بود، موسسین این مشروطه ، همه لامذهبین صرف هستند و مردم را فریب داده اند.)

نحوه شهادت شیخ فضل الله نوری

جالب اینجاست که وقتی محاکمه صورت می گرفت ، در بیرون مشغول آماده سازی جایگاه اعدام وی بودند. موقعی که می خواستند

او را برای اعدام ببرند اجازه خواندن نماز عصر به وی ندادند و ایشان را به سوی جایگاه اعدام راهنمایی کردند. وی وقتی به درب

نظمیه رسید رو به آسمان کرد و گفت : (افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد)(۱۱۹) و زمان حدود یک ساعت و نیم به غروب روز

سیزده رجب ۱۳۲۷ قمری بود. وقتی به پایه دار نزدیک شد، برگشت و مستخدم خود را صدا زد و مهرهای خود را به او داد تا خرد

کند، مبدا بعد از او به دست دشمنانش بیفتد و برای او پرونده سازی کنند. پس از آن آقا عصا و عبایش را به میان جمعیت انداخت و

روی چهارپایه رفت و قریب ده دقیقه برای مردم صحبت کرد و فرمود:

(خدایا، تو خودت شاهد باش که من آنچه را که باید بگویم به این مردم گفتم ... خدایا تو خودت شاهد باش که من برای این مردم

به قرآن تو قسم یاد کردم ، گفتند قوطی سیگارش بود خدایا تو خودت شاهد باش که در این دم آخر باز هم به این مردم می گویم

که موسس این اساس لامذهبین هستند که مردم را فریب داده اند... این اساس مخالف اسلام است . محاکمه من و شما مردم بماند

پیش پیغمبر محمد بن عبدالله ...) آن گاه عمامه را از سر برداشته و فرمود:

(از سر من این عمامه را برداشتند، از سر همه برخواهند داشت .)(۱۲۰)

در آستانه اعدام یکی از رجال وقت با عجله برای او پیغام آورد که شما این مشروطه را امضاء کنید و خود را از کشتن برهانید و او در

جواب فرمود:

دیشب رسول خدا را در خواب دیدم ، فرمودند: فردا شب مهمان منی و من چنین امضائی نخواهم کرد...)

طناب دار به گردن وی انداخته شد و لحظاتی بعد پیکر بی جان آیت الله شیخ فضل الله نوری بر فراز دار باقی مانده بود و دسته

موزیک شروع به نواختن کرد و مردم از جمله پسر شیخ کف می زدند و شادی می کردند. و این گروه از خدا بی خبر چه بی احترامی

هایی که به جنازه شیخ نکردند.

انتقال مخفیانه جنازه شهید به قم

خانواده وی ، جنازه شیخ را مخفیانه به منزل بردند و در اتاقی در حالی که غسل و کفن شده بود گذاشتند و آن را تیغه کردند و برای

این که کسی بویی نبرد مراسمی ظاهری گرفتند و جنازه ای غیر واقعی را در قبرستان دفن کردند و صورت قبر برای آن ساختند.

پس از هیجده ماه که مردم کم کم با خبر شده بودند و می آمدند و پشت دیوار فاتحه می خواندند و می رفتند و احتمال خطر از هر

سو می رفت جنازه مطهر شیخ فضل الله را بدون آن که کمترین آسیبی دیده باشد از آن اتاق در آوردند و مخفیانه به قم انتقال دادند و در مقبره ای که قبلا در صحن مطهر تدارک دیده بود، دفن کردند. عاش سعیدا و مات سعیدا.

استعمار انگلیس، از شهادت شیخ بهره های فراوان برد و در واقع به تمامی مقاصد خود بدون هیچ مخالفت اساسی جامه عمل پوشاند که همان دوران طولانی سیطره جباران بر این مرز و بوم بود که با انقلاب اسلامی این رشته، گسیخته شد. استعمار با حذف مجلس شورای اسلامی و مشروطه مشروعه که از شعارهای شیخ فضل الله بود، کم کم قید دین و اسلام را از قوانین مدونه زدود و روح ملی گرایی را به جای اسلام خواهی و دینداری نشانید.

پس از شهادت شیخ

مراجع نجف که با شهادت شیخ فضل الله به این قطعیت رسیدند که مشروطه از مسیر خود منحرف شده است، از آن تبری جستند تا آنجا که بزرگترین مرجع تقلید عصر، آیت الله آخوند خراسانی، تصمیم گرفت شخصا به تهران بیاید و از نزدیک مشروطه خواهان را ببیند و در صورت علم به این که بیگانه پرست ها نهضت مشروطه را قبضه کرده اند، طی فتوائی آن را بکلی تحریم کند، اما قبل از حرکت، در دهم ذی حجه ۱۳۲۹ یعنی ۱۶ ماه پس از دار زدن شیخ فضل الله شبانه او را در همان نجف اشرف به طرز مرموزی مسموم کردند. پس از مدتی در ۲۴ تیر ۱۲۸۹ شمسی قریب یکسال پس از شهادت شیخ، یکی دیگر از سران روحانی مشروطه یعنی سید عبدالله بهبهانی را به دستور همان مجاهدینی که شیخ را به شهادت رسانده بودند و به جرم مخالفت با قوانین ضد اسلامی که در مجلس به تصویب می رسید و جلوگیری از رشد فرهنگ غرب در منزلش، به شهادت رساندند و سید محمد طباطبائی را نیز تهدید به مرگ کرده و از گردونه خارج ساختند.

نظرات بزرگان درباره شیخ شهید

در وصف خصائل و فضائل شیخ شهید، سخنهای بسیاری گفته شده و به نگارش در آمده است. از جمله علامه امینی صاحب الغدير در کتاب شهداء الفضيله می نویسد:

(... تا دسته ای از تبهکاران او را که دشمن زشتکاری و فریب و کفر بود، مانع خویش یافتند و او را به دار آویختند و شهید دست ظلم و تجاوز گشت، قربانی راه تبلیغ دین، شهید راه خدا، شهید مبارزه با زشتی و تباهی و فریب شد...)

زنده یاد جلال آل احمد در کتاب خدمت و خیانت روشنفکران می نویسد:

(... از آن روز بود که نقش غربزدگی را همچون داغی بر پیشانی ما زدند و من نعلش آن بزرگواری را بر سر دار همچون پرچی می دانم که بعلافت استیلای غربزدگی پس از دوپست سال کشمکش بر بام سرای این مملکت افراشته شد...)

رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی (ره) در سخنرانیهای بسیاری از شیخ فضل الله نام برده و از او به عنوان سمبل مبارزه علیه استعمار یاد کرده است. ایشان در جمع مردم قم می فرمایند:

(لکن راجع به همین مشروطه و این که مرحوم شیخ فضل الله رحمه الله ایستاده که : (مشروطه باید مشروعه باشد باید قوانین موافق اسلام باشد). در همان وقت که ایشان این امر را فرمود و متمم قانون اساسی هم از کوشش ایشان بود. مخالفین ، خارجیها که یک همچو قدرتی را در روحانیت می دیدند کاری کردند که برای شیخ فضل الله مجاهد مجتهد و دارای مقامات عالیه را یک دادگاه درست کردند و یک نفر منحرف روحانی نما، او را محاکمه کرد و در میدان توپخانه ، شیخ فضل الله را در حضور جمعیت به دار کشیدند.)(۱۲۱)

و در جای دیگر می فرماید:

(جرم شیخ فضل الله بیچاره چه بود؟ جرم شیخ فضل الله این بود که قانون باید اسلامی باشد. جرم شیخ فضل الله این بود که (احکام قصاص غیر انسانی نیست . انسانی است ! او را دار زدند و از بین بردند و شما حالا به او بدگویی می کنید.)(۱۲۲)

و در جای دیگر می فرماید:

(آنها جوسازی کردند به طوری که مثل مرحوم آقا شیخ فضل الله که آن وقت یک آدم شاخص در ایران بود و مورد قبول بود همچو جو سازی کردند که در میدان علنی ایشان را به دار زدند و پای آن هم کف زدند و این نقشه ای بود برای این که اسلام را منعلز کنند و کردند و از آن به بعد دیگر نتوانست مشروطه یک مشروطه ای باشد که علمای نجف می خواستند. قضیه مرحوم آقا شیخ فضل الله را در نجف هم یکجور بدی منعکس کردند که آنجا هم صدائی از ان در نیامد. این جوی که در ایران ساختند و سایر جاها این جو اسباب این شد که مرحوم آقا شیخ فضل الله را با دست بعضی از روحانیون خود ایران محکوم کردند و بعد او را آوردند و به دار کشیدند و پای آن هم ایستادند کف زدند و شکست دادند اسلام را در آن وقت و مردم غفلت داشتند از این عمل حتی علما هم غفلت داشتند...)(۱۲۳)

از شیخ شهید دو اثر گرانبها از مجموعه ص آثارش به یادگار مانده است : ۱ - الصحف المهدویه ۲ - تذکره الغافل و ارشاد الجاهل . علامه امینی در مقام علمی او می گوید: (از اکابر مجتهدین و فقهای امامیه و بزرگترین رهبر مذهبی پایتخت که فضل و دانش از اطراف و جوانبش موج می زد و بر لابلای سخنان و سطور نگارشان می ریخت .)

۱۲ مرداد ۱۳۵۹

تاسیس شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

تبلیغات اساس انسجام یک ملت است .

مساله تبلیغات همان طور که می دانید از مسائل بسیار مهم است و مع الاسف باید بگویم که از اول نهضت تا به حال تبلیغاتمان در خارج صفر بوده است ...

مسئله ای که شما می خواهید دنبال کنید یعنی مسأله هماهنگی بین تمام نهادها، بسیار مهم است شما باید احساس کنید که صلاح دین و مکتب ما اصلاح مملکت ما این است که همه با هم یک کار را دنبال کنیم ...

از آنجا که تبلیغات اساس کار است و موجب تشمت و یا انسجام یک ملت است شما هماهنگی و اتحادتان ر حفظ کنید...)(۱۲۴) برگزاری مناسبتها، مراسم عمومی و راهپیماییهای سراسری کشور علاوه بر تعظیم شعائر مذهبی ، ملی و انقلابی دارای اثرات بالقوه بالای فرهنگی ، اجتماعی و سیاسی است که با بازتابهای گسترده بین المللی وجهه مردمی نظام مقدس جمهوری اسلامی را به نمایش می گذارد.

موضوع فعالیت مرکزی توانا و پویا برای تقبل مسئولیت یاد شده و اداره صحیح و سازماندهی در جریان حرکت عمومی مردم ، در قالب (شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی) به عنوان مرکز هماهنگی و مشارکت جمعی ارگانهای ذی ربط رسمیت یافت و با تائید امام خمینی (ره) و سرپرستی حجت الاسلام والمسلمین حقانی مرکز موجودیت رسمی یافت و در طول عمر پر پرکت انقلاب همراه با شور و شوق وصف ناپذیر آحاد ملت به وظیفه پاسداری از حضور امت مسلمان ایران در صحنه انقلاب پرداخت .

شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی در حال حاضر به عنون نهادی مستقل تحت نظارت و هدایت عالیه مقام معظم رهبری و با مسئولیت نماینده معظم له و دبیر این شورا حضرت آیت الله جنتی و یا همراهی موسین این نهادها (بنیاد شهید، سپاه پاسداران ، جهاد سازندگی ، سازمان تبلیغات اسلامی ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ، سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و جامعه روحانیت مبارز تهران ) انجام وظیفه می کند.

در اساسنامه این شورا پیرموان اهداف کاری آن آمده است :

(شورا به عنوان مرکز هماهنگی ، مشارکت و همفکری تشکیلات فرهنگی - تبلیغی نهادهای عضو در حرکتهای عمومی و فراگیر جامعه و اجرای طرحهای تبلیغی مشترک و عمومی ، انقلاب را یاری می دهد).

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای (مدظله العالی) در زمینه و نقش و عملکرد این شورا فرموده اند:

(اگر ما این شورای هماهنگی را نداشتیم بی شک ناسازگارها و اشکالات فراوانی را در ایجاد و اداره و راه اندازی مراسم مختلف شاهد بودیم . الحمدلله این شورا تشکیل شد و به همین دلیل هم این شورا باید بماند و به طور جدی باید تقویت و سطح فعالیتهای آن بالا برود... وجود این تشکیلات (شورای هماهنگی) برای سازماندهی و نظم بخشیدن و اداره صحیح مراسم عمومی از قبیل دهه فجر و امثال آن بسیار مفید و لازم است و من از آن حمایت می کنم .)

ارزیابی روند فعالیتهای شورای و تامل در مبانی حرکت آن نشان می دهد که در طول هشت سال دفاع مقدس ، شورا اساسی ترین

نقش را در تدارک و برگزاری راه پیمایی ها عظیم و سرنوشت ساز و تقویت و تحکیم حضور موثر آحاد ملت در مراسم عمومی ،

بزرگداشت ایام الله و مناسبتها متعدد انقلاب اسلامی داشته است و شورا با استفاده از این فرصتها توانسته است به مقتضای شرایط

و ضروریات ، در خدمت به انقلاب اسلامی و اعتلای فرهنگ ملی ، مستقل از جریانات و جناحهای سیاسی ، تنها در خط امام (ره) رهبری و نظام بهره گیرد.

در پی فرامین مقام معظم رهبری ، ریاست جمهوری اسلامی وقت آیت الله هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۷۱، طی بخشنامه ای با اشاره بر لزوم تمرکز سازماندهی و مدیریت برگزاری مراسم عمومی کشور، این شورا را به عنوان مسئول کلیه مراسم و راهپیمایی های عمومی و مناسبتهای رسمی به تمام وزارتخانه ها و سازمانها و نهادها معرفی و آنها را ملزم به اعمال همکاری و هماهنگی با این شورا به منظور هر چه با شکوهتر برگزار شدن این گونه تبلیغات عمومی و سراسری نمودند.

مراسم و فعالیتهای که در شرایط کنونی در برنامه کار شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی قرار دارد عبارتند از:

دهه مبارک فجر انقلاب اسلامی ، راهپیمایی های ۲۲ بهمن ، ۱۲ فروردین روز جمهوری اسلامی ، روز کارگر، روز معلم ، مراسم عمومی سالگرد ارتحال امام (ره) ، ۱۵ خرداد، ۷ تیر، ۱۷ شهریور، مراسم هفته دفاع مقدس ، ۱۳ آبان روز ملی مبارزه با استکبار جهانی و روز دانش آموز و روز زن .

۱۴ مرداد ۱۲۵۸

نهضت مشروطیت ایران

ناصر الدین شاه قاجار در ۱۷ ذیقعه ۱۳۱۳ مطابق با ۱۱ اردیبهشت ۱۲۵۷ درست یک روز قبل از برپایی جشن آغاز پنجاهمین سال پادشاهی خود به هنگام زیارت حضرت عبدالعظیم (ع) توسط میرزا رضا کرمانی (۱۲۵) که از شاگردان و مریدان سید جمال الدین اسد آبادی اندیشمند بزرگ اسلامی بود، به قتل رسید و پس از وی فرزندش مظفر الدین شاه بر اریکه قدرت تکیه زد و عین الدوله را که مردی مستبد بود به صدارت اعظم برگزید.

ریشه انقلاب مشروطیت را باید در رفتار ظالمانه پادشاهان قاجار و تعدی و تجاوز شاهزادگان و وابستگان دربار و حکومت مستبدانه حاکمان ولایات و مداخله بی حد و حصر دولتهای روس و انگلیس در امور ایران و مخالفت مردم با آنها دانست . از طرف دیگر عدم درک صحیح مظفر الدین شاه از اصول مملکت داری و نیز با توجه به بیماری وی و عزیمت مکرر به فرنگ جهت معالجه ، اوضاع کشور روز بروز نابسامان تر می شد و ظلم حاکمان نیز به تبع آن افزایش می یافت .

امین السلطان صدر اعظم وی ، شخص قدرت طلب بود و پیوسته سعی بر این داشت تا به جای رسیدگی به امور مملکت و مشکلات مردم موقعیت خویش را با بذل و بخششهای بی دریغ مستحکم کند به طوری که در اثر اسرافکاریهای وی دولت وامهای متعددی از روس و انگلیس دریافت کرد و در مقابل منابع اقتصادی کشور مثل گمرکات ، شیلات ، پست و تلگراف را در گرو این وامها قرار داد این وامها نیز صرف خوشگذرانی های درباریان و سفر شاه به فرنگستان شد و مردمی که از این وامها طرفی نبسته ، و دانستند که مسئولیت تمام این نابسامانیها به عهده امین السلطان می باشد، با او به مخالفت برخاستند تا سرانجام مظفر الدین شاه وی را عزل



کرد و عین الدوله را جایگزین امین السلطان ساخت . عین الدوله در اوایل کار، خود را موافق ملت نشان داد، اما مدتی بعد با آزادیخواهان از در دشمنی در آمد. در زمان او کار ظلم و تعدی و فساد اخلاق و بی دینی و رشوه خواری چنان بالا گرفت که حوصله مردم و بالاخص علمای دین سر آمد و زمزمه های شورش علیه دولت از گوشه و کنار مملکت به وضوح آغاز شد. با ازدیاد فشار و اختناق ، آیت الله طباطبائی و آیت الله بهبهانی از رهبران نهضت ، انجمنی متشکل از آزادیخواهان تشکیل دادند تا حکومت استبدادی را به مشروطه تبدیل کنند.

در این میان چند حادثه ، باعث شد تا حرکت مردم و شورش عمومی تسریع شود. یکی از این حوادث های ماجرای مسیونوز بلژیکی بود که در سال ۱۲۸۱ به همراه عده ای از هموطنانش به ایران آمدند تا به اداره گمرکات کشور بپردازند. مسیو نوز کلیه تعرفه های گمرکی را علیه بازرگانان وضع کرد و این امر موجبات نارضایتی آنان را فراهم آورد. سرانجام با انتشار عکسی که در آن مسیو نوز در لباس روحانیت ، در یک مجلس رقص در حال کشیدن قلیان بود، خشم عمومی را برانگیخت و مردم خواستار عزل او شدند. دیگری مساله بانک استقراضی روس بود. بدین شرح که روسها در محل قبرستان متروکه ای در وسط بازار در حال بنای ساختمان بانک مزبور بودند که در اثنای ساخت آن ، استخوانهای تازه مردگان کشف شد، روسها با بی اعتنائی اجساد و استخوانها را به چاهی ریختند. به دنبال آن یکی از روحانیون ، در حین سخنرانی در ماه مبارک رمضان اعلام کرد که مردم بیایید قدم رنجه کنیم و سری به اموات بزیم و فاتحه ای برای آنها بخوانیم و با آنان وداع کنیم و خود از منبر پایین آمد و به راه افتاد و مردم نیز به دنبال او راه افتادند. نتیجه این حرکت تلی خاک بود که از بنای ساختمان بانک یاد شده بر جای ماند.

حادثه مهمتری که در واقع باعث آغاز نهضت به طور جدی و فراگیر شد مساله به چوب بستن بازرگانان بود. ماجرا از این قرار بود که در حین جنگ روس و ژاپن ، قند گرانند، علاء الدوله حاکم وقت تهران تعدادی از بازرگانان را که در اعتراض به اعمال مسیو نوز تحصن کرده بودند به بهانه گران کردن قند و در واقع به قصد گوشمالی مردم احضار کرد و به چوب بست . با انتشار این خبر بازاریان مغازه ها را بستند و به عنوان اعتراض در مسجد بازار اجتماع کردند. دولت به وحشت افتاد و با دخالت امام جمعه تهران قرار شد که فردای آن روز جهت اخذ تصمیم به مسجد شاه بروند.

روز بعد هنگامی که مردم در مسجد اجتماع کرده بودند و آیت الله سید محمد طباطبائی و آیت الله سید عبدالله بهبهانی در مسجد نشسته بودند، سید جمال واعظ خطیب مشهور بالای منبر رفت و هنوز لحظاتی از سخنرانی او نگذشته بود که ، امام جمعه داماد شاه با بهانه کردن قسمتی از سخنان وی ، سر به فریاد برداشت و تعدادی از فراشان را که از قبل در نقاط مختلف مسجد طبق قرار قبلی به انتظار نشسته بودند و بر سر مردم ریخت و آنان ضمن پایین کشیدن سید جمال واعظ از منبر، با چوب و چماق به سر مردم ریختند و جلسه را بر هم زدند.

مردم پراکنده شدند، اما شب هنگام در منزل آیت الله طباطبائی گرد آمدند.

تلاش عین الدوله برای نزدیکی و صلح با آقایان بهبهانی و طباطبائی به جایی نرسید و سیدین نه تنها عین الدوله را خواستار شدند، بلکه سخن از مشروطیت و حکومت قانون به میان آوردند.

مهاجرت علما به حرم حضرت عبدالعظیم در اعتراض به دولت

علما که از وضع موجود در جامعه بشدت رنج می بردند با فراهم شدن این زمینه ، جهت اصلاح اوضاع و فشار به دولت تصمیم به

مهاجرت از تهران به حرم حضرت عبدالعظیم حسنی گرفتند. عده ای از روحانیون و طلاب و حدود دو هزار نفر از مردم و در

پیشاپیش ایشان رهبران نهضت مشروطه به طرف شهر ری حرکت کردند. عین الدوله ابتدا تصمیم گرفت تا جلوی این حرکت

مذهبی - ملی را بگیرد؛ اما وقتی مردم را در عزم خود راسخ دید، از قصد خود منصرف شد. این سفر که در تاریخ ۱۶ شوال ۱۳۲۳

قمری مصادف با ۲۲ دی ۱۲۸۴ شمسی صورت گرفت به مهاجرت صغری شهرت یافت .

هر روز به تعداد متحصنین زاویه مقدسه شاه عبدالعظیم افزوده می شد و وعاظ و خطبا دائما بر منبر رفته و از استبداد حکومت عین

الدوله سخنها می گفتند و خواستار تشکیل عدالتخانه می شدند. در این زمان بازار تهران به کل تعطیل شده بود و تعداد متحصنین از

مرز ۱۰ هزار نفر تجاوز می کرد.

دیگر شهرهای کشور نیز به این حرکت پیوستند و شورشهایی در آنها رخ داد که بعضا موجب کشت و کشتار و ایجاد تلفات نیز شد.

شاه با مشاهده و خامت اوضاع در صدد حل قضیه بر آمد. متحصنین نیز در خواستهای خود را از طریق سفیر عثمانی به گوش شاه

رساندند که طی آن خواستار تاسیس عدالتخانه در کلیه شهرهای ایران ، اجرای قوانین اسلام در سراسر کشور و عزل مسیونوز

بلژیکی و علاء الدوله حاکم تهران شدند.

سرانجام مظفر الدین شاه به خواسته متحصنین تن در داد و با آنها موافقت نمود. و با اعزام در شکه ها و کالسکه های سلطنتی ، در

تاریخ ۲۲ بهمن ۱۲۸۴ ایشان را با احترام به تهران بازگرداند.

عین الدوله که هرگز حاضر نبود تن به خواسته مردم بدهد با گذراندن وقت و امروز و فردا کردن از پذیرش در خواست متحصنین

طرفه می رفت و سعی داشت تا با ایجاد اختلاف در صفوف علما و مردم و همچنین زندانی و تبعید کردن رجال و شخصیتها غائله را

ختم کند.

این اوضاع ادامه داشت و علما بر فراز منبرها علیه حکومت استبداد داد سخن می دادند و شدیداً به عین الدوله حمله می کردند. در

این میان آیت الله طباطبائی بارها سعی کرد تا شرایط اوضاع را به اطلاع شاه برساند ولیکن با تمهیدات عین الدوله ممکن نشد. بدین

ترتیب انجمن های سری روز بروز افزایش یافت و مردم همگی خواستار مشروطیت شدند تا این که یک روز عین الدوله دستور

دستگیری روحانی مبارزه شیخ محمد واعظ را که در مساجد منشاء آگاهی و حرکت مردم بود، صادر کرد. ماموران او را در خیابان

دستگیر و به قراولخانه بردند. مردم و طلاب زیادی جلوی قراولخانه تجمع کردند و با حمله بدانجا او را آزاد ساختند. فرمانده سربازان

دستور تیراندازی را صادر کرد در نتیجه یکی از طلاب به نام سید عبدالحمید شهید شد. مردم نیز با برداشتن جنازه شهید، تظاهرات عظیمی به راه انداختند و در مساجد اجتماع کردند و بازار تهران تعطیل شد و علمای شهر چون آقایان طباطبائی و بهبهانی و شیخ فضل الله نوری در مسجد جامع بازار گرد آمدند. نصر السلطنه حاکم تهران با محاصره مسجد مانع از خروج مردم شد تا وارد خیابانها نشوند. مردم از مسجد بیرون ریختند و تیر اندازی آغاز شد و قریب یکصد نفر کشته و زخمی شدند.

علما خواستار خروج از مسجد و عزیمت به قم شدند، عین الدوله با درخواست ایشان موافقت نمود. بدین ترتیب آقایان طباطبائی و بهبهانی به همراه عده ای از مردم به قصد شهر قم از تهران خارج شدند و شیخ فضل الله نوری که در شهر مانده بود پس از ۳ روز با فراهم آوردن جمعیت بسیار زیادی از تهران به قصد قم مهاجرت نمود.

حاکم تهران قبل از سفر شیخ فضل الله چندین بار با وی مذاکره نمود تا او را از قصدش منصرف کند اما شیخ ترتیب اثر نداد و از تهران خارج شد. این حرکت شیخ در تضعیف موقعیت عین الدوله بی اندازه موثر بود. درست در همین زمان اولین دسته از مردم که حدود ۵۰ نفر می شدند ناآگاهانه به سفارت انگلیس پناهنده شدند و در حیاط سفارت بست نشستند. این حرکت بواسطه دستهای مرموزی که در جریان بود و روز به روز وحشت مردم مبنی بر حمله احتمالی دولت به مردم بویژه در غیاب علما می افزود انجام شد و در واقع اولین انحراف در نهضت مشروطیت از همین جا آغاز گردید و بسرعت توسعه یافت به طوری که هر روز تعداد زیادی از مردم به جماعت حاضر در سفارت انگلیس تا حدود بیست هزار اضافه شدند. هر روز در باغ سفارت دیگهای غذا، روی آتش قرار می گرفت و عده زیادی از آن استفاده می کردند که البته هزینه آن را تعدادی از تجار به عهده گرفته بودند.

متحصنین در سفارت نیز خواسته های خود را از طریق وزیر مختار انگلیس و در طی ۵ مورد به شرح زیر به عرض شاه رساندند: الف - باز گرداندن علمای مهاجر به تهران ، ب - دادن تضمین بر این که احدی دستگیر و شکنجه نخواهد شد، ج - برقرای امنیت در کشور، د - تاسیس عدالتخانه ، ه - تعقیب قاتلین مردم .

در خواست مهاجران به شرح زیر بود: ۱ - بازگشت علما به تهران ۲ - عین الدوله ۳ - افتتاح دارالشوری ۴ - قصاص قاتلین ۵ - بازگرداندن تبعید شدگان

با انتشار اخبار مهاجرت علما به قم و بست نشستن مردم در سفارت انگلستان شورشهای پراکنده ای در شهرهای مختلف کشور صورت گرفت .

پذیرش در خواستهای متحصنین توسط شاه

مظفر الدین شاه که از اوضاع مملکت به وحشت افتاده بود بناچار تمامی درخواستهای متحصنین را پذیرفت و در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ شمسی طی فرمانی ضمن عزل عین الدوله دستور داد تا گروه مشورتی تشکیل شود و این گروه نظرات خود را در رابطه با دیگر موارد خواسته شده به عرض وی برساند، اما از آنجایی که مردم به خواسته های خود نرسیده بودند، دست از تحسن نکشیدند تا این که شاه

مجبور شد دو روز بعد فرمانی صادر کند که طی آن دولت مامور برگزاری انتخابات و تشکیل مجلس شورای اسلامی گردید. بدین ترتیب علما از قم به تهران بازگشتند و متحصنین در سفارت انگلیس نیز به تحصن خود خاتمه دادند و آرامش نسبی برقرار شد. سرانجام نظامنامه انتخابات توسط غضدالملک تدوین شد و در روز پنجشنبه ۲۳ رجب ۱۳۲۴ انتخابات تهران آغاز و در ۱۸ شعبان همان سال برابر با ۱۷ مهرماه ۱۲۸۵ مجلس افتتاح شد.

تصویب قانون اساسی و مرگ مظفرالدین شاه

متن قانون اساسی تنظیم شده توسط دولت و مجلس که مشتمل بر ۵۱ اصل و با نام نظامنامه سیاسی بود، در تاریخ ۸ دی ۱۲۸۵ از طرف مظفرالدین شاه تصویب و امضا شد و صورت قانونی یافت و شاه ۱۰ روز پس از امضا قانون اساسی در گذشت. البته قانون اساسی امضا شده توسط شاه دربرگیرنده خواست واقعی مردم و علما نبود و اصولاً بدون وقت کافی و با عجله به طور عمده در جهت مسائل مجلس شورای ملی تدوین شده بود و بسیاری از مسائل مهم و اساسی دیگر حقوقی را که می باید در قانون اساسی مطرح می شد، فاقد بود. از سوی دیگر روشنگری روحانیت که در صف مقدم نهضت و مبارزات مشروطیت بود، علی رغم کارشکنیهای مداوم درباریان روشنفکر و غربزده شرایط وجوی رابه وجود آورد که پس از مرگ مظفرالدین شاه، در همان آغاز سلطنت محمد علی میرزا، کمیسیون در مجلس شورای ملی به منظور تهیه متمم قانون اساسی تشکیل شد. این کمیسیون که مرکب از پنج نفر بود متنی را براساس قانون اساسی بلژیک و فرانسه و بالکان تهیه کرد که قابل قبول همه نمایندگان مجلس نبود.

نفوذ روشنفکران غربگرا و اهمال رهبران روحانی و شاید اعتماد آنان به این عناصر، باعث شد که در تنظیم متمم قانون اساسی گرایشهای غرب گرایانه و محافظه کارانه بیشتر شود. می توان گفت اگر مقاومت شیخ فضل الله نوری که پافشاری برافزودن ماده ای بر متمم قانون اساسی نمی بود، همان ماده نیز که به تصویب رسید و بر اساس آن قرار شد پنج تن از علمای عصر بر مصوبات مجلس نظارت داشته باشند تا چیزی بر خلاف اسلام به تصویب مجلس نرسد به تصویب نمی رسید و متمم قانون اساسی بیش از آنچه که بود رنگ غربی به خود می گرفت. این متمم پس از تصویب در مجلس، در ۱۵ مهر ماه ۱۲۸۶ شمسی به امضا محمد علی شاه رسید. با شکستن استبداد کبیر و آغاز کار اولین دوره مجلس شورای ملی در ۱۳ مهر ۱۲۸۵ حکومت مشروطه عملاً آغاز و وارد نخستین مرحله خود شد و با تصویب قانون اساسی در ۱۵ مهر ۱۲۸۶ شکل و محتوای خود را باز یافت.

۶ اوت ۱۹۴۵ / ۱۵ مرداد ۱۳۲۴

بمباران اتمی هیروشیما

حکومت ژاپن در ژوئن ۱۹۱۹ م. هنگامی که عهدنامه ورسا، سرزمین (شانتونگ) را به آن واگذار نمود به موفقیت دیپلماتیک شایانی دست یافت، اما این پیروزی زودگذر بود؛ زیرا از طرفی با مخالفت شدید محافل سیاسی و مذهبی در ایالات متحده مواجه شد و از طرف دیگر سیاست انگلیس در مورد ژاپن تغییر یافت.

در مارس ۱۹۲۱ بمجرد روی کار آمدن جمهوریخواهان در آمریکا، ژاپن به طور مستقیم تحت فشار قرار گرفت. سیاستی که آمریکا در برابر ژاپن پیش گرفت، این بود که از طرفی آن کشور را تهدید به مسابقه تسلیحاتی کند، مسابقه ای که مسلماً با توجه به مقدرات ژاپن به نفع واشنگتن تمام می شد، و از طرف دیگر آمادگی خود را برای انصراف از چنین مسابقه ای اعلام دارد. مشروط بر آن که حکومت توکیو حرص و آز خود را در قاره آسیا محدود کند.

مساله تسلیحات دریایی در عهدنامه ای معروف به (عهدنامه پنج جانبه) در ۶ فوریه ۱۹۲۲ حل و فصل گردید و ژاپن نیز موافقت کرد که تناسب نیروها از لحاظ واحدهای رزمی دریایی ۳ برای ژاپن، ۵ برای کشورهای ایالات متحده و بریتانیای کبیر و ۱/۷۵ برای فرانسه و ایتالیا باشد. حکومت ژاپن مدتی از قبول این تناسب امتناع ورزید، اما وقتی ایالات متحده تهدید کرد که مسابقه تسلیحاتی را سرعت خواهد بخشید و آهنگ تولید ناوهای جنگی را چهار برابر آنچه ژاپن قدرت ساختن آن را دارد بالا خواهد برد، ژاپن تسلیم شد و ایالات متحده با جلوگیری از ادامه سیاست گسترش ژاپن سعی کرد، جلوی پیشرفت آن کشور را سد کند.

دولت آمریکا که از ژانویه ۱۹۳۹، نبرد با ژاپن و آلمان را قریب الوقوع می دید، بر آن شد که بخش بزرگتر و بیشتر امکانات خود را در جبهه های نبرد به کار گیرد.

از آنجایی که ژاپنیهها در حمله به چین از تدارکات آمریکایی سود برده بودند، دولت امریکا در سال ۱۹۴۰ روابط تجاری خود را با ژاپن محدود کرد و پس از اشغال هندوچین فرانسه توسط ژاپنیهها در سال ۱۹۴۱، محدودیتهای بیشتری را بر داد و ستد با ژاپن وضع کرد. در اکتبر ۱۹۴۱ (ژنرال توجو) که عهده دار وزارت جنگ ژاپن بود به نخست وزیر رسید. در این زمان دولت امریکا بر عقب نشینی قوای ژاپنی از سرزمینهای اشغالی آن کشور اصرار می ورزید اما به دلیل حضور نظامیان در کابینه، سیاست کلی دولت ژاپن با اطمینان به خود همراه بود. در همان سال به نیروی دریایی ژاپن، تحت فرماندهی (آدمیرال یا موتو) دستور داده شد که طرح یک حمله غافلگیرانه را به متفقین بریزد. در پی آن در ۷ دسامبر، ۱۸۳ هواپیمای جنگی ژاپن که از روی ناوهای هواپیمابر برخاسته بودند به ناوگان آمریکا در (پرا هاربر)(۱۲۶) واقع در مجمع الجزایر هاوایی یورش بردند. یورش ژاپن به ناوگان آمریکا در (پرل هاربر) برتری ژاپن را در اقیانوس آرام و ورود آسیا به جنگ جهانی دوم در پی داشت.

پس از نخستین بمبی که روی پرل هاربر افتاد، ایالات متحده بی درنگ آماده جنگ شد. (پرزیدنت روزولت) در ژانویه ۱۹۴۲ برنامه ای برای تولید جنگ افزاری پیشنهاد کرد که هرگز در جهان سابقه نداشت.

حمله ناگهانی ژاپن، در اقیانوس آرام مشکلات زیادی برای امریکا پیش آورد و اشغال جزایر گوام (۱۲۷) و (میدوی (۱۲۸)) و (ویک (۱۲۹)) به وسیله ژاپن، ارتباط مستقیم ایالات متحده را با خاور دور قطع کرد. ژاپن که در (تایلند) جا پایی برای خود به دست آورده بود از راه شبه جزیره (مالایا) به طرف (سنگاپور) حمله برد. هدف نهایی ژاپن جزایر شرقی هند و هلند بود، و ژاپنیهها می خواستند از ورود کالاهای آمریکایی به این منطقه جلوگیری کنند.

در ۸ دسامبر ۱۹۴۱ آمریکا و انگلستان به ژاپن اعلان جنگ دادند و از آنجا که آلمان، ایتالیا و ژاپن در سپتامبر ۱۹۴۰ پیمان سه جانبه ای در مورد دخالت در نبرد، در صورت حمله دشمن به هر یک از سه کشور امضا کرده بودند، هیتلر نیز در ۱۱ دسامبر به آمریکا اعلان جنگ داد.

ارتش ژاپن در سال ۱۹۴۰ و به دنبال شکست فرانسه در اروپا، منطقه هندوچین را اشغال کرد. در پنجم دسامبر ۱۹۴۱ هنگ کنگ به دست نیروهای ژاپنی افتاد. پس از آن در یک رشته عملیات گسترده و سریع، ارتش ژاپن توانست در مدت اندکی فیلیپین، مالایا، سنگاپور، برمه، و اندونزی را اشغال کند. در این حال، نیروهای انگلیسی از جبهه هندوستان به ژاپن حمله بردند و در برمه چریکهای این کشور دست به عملیات پارتیزانی در پشت خطوط ژاپن زدند.

تجاوز وسیع بحری و بری ژاپن در خاور دور، در ۷ - ۸ ماه مه سال ۱۹۴۲، هنگامی که دسته ای از نیروهایش در (دریای کورال (۱۳۰)) واقع در شمال شرقی ایتالیا دستگیر شدند، متوقف گردید، و به وسیله ناوگان متفقین سخت در هم شکسته شد. نیروی دریایی آمریکا در ۷ اوت ۱۹۴۲، در کانال (گودال) (۱۳۱) واقع در (سالومون) (۱۳۲) پیاده شدند. در همین موقع در ۸ اویل ۱۹۴۲، نخستین حمله هوایی ناگهانی به شهر (توکیو) به وسیله بمب افکنهای متوسط صورت گرفت.

در نوامبر ۱۹۴۳ سربازان آمریکایی (جزایر ژیلبرت) (۱۳۳) را اشغال کردند و در ژانویه ۱۹۴۴، بر جزایر (مارشال) حمله بردند. افراد نیروی هوایی آمریکا نیز از پایگاههای جدید (جزایر ماریانا) بر ژاپن حمله بردند و بدین ترتیب امپراتوری بزرگ ژاپن در این تاریخ به دو نیم گردید.

در اکتبر ۱۹۴۴، نیروهای آمریکایی، کشتیهای ژاپنی را در خلیج لیت (۱۳۴) واقع در فیلیپین منهدم کردند و در نتیجه این سرزمین به دست ارتش آمریکا افتاد.

در مارس ۱۹۴۵، نیروهای آمریکایی جزایر (ایوجیما) (۱۳۵) واقع در ۱۲۰۰ کیلومتری توکیو را اشغال کردند و سپس در ماه ژوئن به جزیره (اوکیناوا) واقع در ۵۵۰ کیلومتری سرزمین اصلی ژاپن یورش بردند. در آن زمان ژاپن به هیچ سیستم راداری موثری مجهز نبود و در نتیجه به هدف سهل الوصول هواپیماهای بمب افکن بی - ۲۹ آمریکایی بدل شده بود.

کار بر روی یک جنگ افزار اتمی در حقیقت به منظور مقابله با تلاش آلمان در همین زمینه، آغاز شد.

ماجرا از این قرار بود که متفقین در جریان جنگ دوم جهانی دریافته اند که فیزیکدانان آلمانی، تحقیقات مفصل و دامنه داری را در زمینه هسته ای آغاز کرده اند و از ترس این که هیتلر زودتر از دیگران به این جنگ افزار نابود کننده دست یابد و برای دستیابی به مقاصد توسعه طلبانه اش آن را به کار گیرد با سرعت زیادی دست به کار شدند. در همان ایام دو یهودی دانشمند و نابغه از ترس ماشین نابود کننده ضد یهودی فاشیسم، از اروپا به آمریکا مهاجرت کردند.

پرفسور (انریکو فرمی) Fermi از ایتالیا و (آلبرت اینشتین) از آلمان در آمریکا به هم رسیدند و به اتفاق هم برنامه تحقیقات اتمی آمریکا را پی ریزی کردند. در سال ۱۹۴۰ تحقیقات در داخل لابراتوارهای دانشگاههای آمریکا شروع و در همان سال دانشگاه لوس آنجلس ثابت کرد که بین دو تا صد کیلوگرم اورانیوم لازم است تا بمبی تهیه گردد که دارای قدرتی معادل چندین هزار تن ماده منفجر تی . ان . تی باشد. در همین هنگام یکنفر از دانشمندان استرالیائی با مقامات امریکایی ملاقات کرد و به آنها یادآور شد که عنقریب انگلستان تحت تاثیر بمب های اتمی آلمانها محو و نابود خواهد شد. در نتیجه دانشمندان اتمی آمریکا فعالیت خود را بیشتر نمودند تا جایی که در اواخر سال ۱۹۴۲ بیش از یکصد هزار نفر از علمای دانشگاهی جمع شدند و با اعتبار نامحدود شروع به تحقیقات کردند. معادن اورانیوم کنگو و کانادا با جدیت فوق العاده ای به کار افتاد و سرانجام در ژوئیه سال ۱۹۴۵ پس از پنج سال تلاش شبانه روزی اولین بمب در حضور یکصد نفر از علمای اتمی در صحرای آلاموگوردو (Alamogordo) از ایالت نیومکزیکو واقع در جنوب غربی ایالات متحده منفجر شد.

سپس انفجار بمب اتمی روی شهر هیروشیما که در ساعت ۸:۱۵ روز دوشنبه ۶ اوت ۱۹۴۵ انجام گرفت پیدایش قدرت فوق العاده ای را به بشر اطلاع داد و چنان مردم گیتی از این پدیده عجیب مان و مبهوت شده بودند که تا مدتها نمی توانستند تصور کنند که یک بمب کوچک چنین معرکه ای را برپا ساخته است . کسانی که از اثرات این جنگ افزار نیمه سالم مانده بودند خیال می کردند هزاران هواپیما میلیونها تن مواد منفجره مستقیما روی سر آنها فرو ریخته اند.

در آن روز جهانیان اخبار عجیبی از کشتار دسته جمعی در هیروشیما شنیدند ارقامی که تا آن زمان سابقه نداشت . بمب اتمی که روی شهر هیروشیما منفجر شد دارای قدرتی برابر نیروی انفجاری ۲۰ هزار تن ماده منفجره تی . ان . تی (T.N.T) بود و مستقیما ۶۰۰۰۰ مرد و زن و بچه را کشت ، ۱۰۰،۰۰۰ نفر را زخمی کرد و تمام شهر هیروشیما(۱۳۶) را با ۲۵۰،۰۰۰ نفر جمعیت به آتش کشید و با خاک یکسان نمود.

دو روز بعد بر طبق شرایط قرار داد (یالتا)(فوریه ۱۹۴۵) روسیه شوروی به ژاپن اعلان جنگ داد و به مرزهای منچوری حمله برد. در ۹ اوت دومین بمب اتم روی شهر (ناکازاکی)(۱۳۷) پرتاب شد و ژاپنیها را مطمئن ساخت که دیگر مقاومت بی فایده است . ژاپنیها در ۱۴ اوت ، شرایط پیشنهادی متفقین را پذیرفتند و در دوم دسامبر ۱۹۴۵ سند تسلیم بلاشرط را در کشتی امریکایی (میسوری)(۱۳۸) در خلیج توکیو امضا کردند.

استفاده از بمب اتم بر روی کشوری که تقریبا از پای در آمده و در پرتگاه سقوط قرار داشت ، دو نتیجه بسیار مهم به دنبال داشت : الف : این باور ژاپنی ها که متفقین هرگز بمب اتم را بر روی یک کشور سفید پوست مانند آلمان فرو نمی انداختند و دلیل استفاده آن علیه ژاپن ، زردپوست بودن آنها به شمار می رفت ، در نتیجه نفرت آسیاییها از اروپاییان و آمریکا دو چندان شد.

ب : خودداری ترومن از بیان جزئیات بمب اتم به استالین ، موجب سخت تر شدن موضع روسیه نسبت به غرب و نخستین گام به سوی جنگ سرد برداشته شد.

چرا بمب اتم به کار برده شد؟

دولت آمریکا از اعضای یک کمیته ویژه در خواست کرده بود که میان استفاده از بمب اتم و یا تهاجم سراسری به ژاپن یکی را برگزینند. دو راه حل دیگر که عبارت بودند از محاصره دریایی ژاپن و نیز نشان دادن اثرات ویران کننده این بمب در یک منطقه غیر مسکونی به مقامهای ژاپنی ، هرگز مورد بررسی قرار نگرفت .

عوامل مهمی که موجب استفاده آمریکا از بمب اتمی شد به قرار زیر بود:

الف : پایان سریع جنگ

چنین دلیل آورده می شد که استفاده از بمب اتم ، موجب تسلیم سریع ژاپن خواهد شد. آمریکاییها بر این باور بودند که تهاجم سراسری به خاک ژاپن ، با تلفات بسیار سنگینی همراه خواهد بود.

ب : محدود نمودن پیروزیهای روسیه در خاور دور.

در حالی که تا ۲۴ آوریل ۱۹۴۵، بسیاری از کارشناسان نظامی آمریکا به پیروزی در جنگ با ژاپن ، بدون دخالت روسیه ، باور آورده بودند، ارتش روسیه در روز ۸ اوت ، حمله به نیروهای ژاپنی را آغاز کرد. آمریکا با استفاده از بمب اتم تلاش کرد که پیش از گسترش پیروزیهای ارتش سرخ ، ژاپن را به زانو در آورد و به این ترتیب به فرمانروای مطلق اقیانوس آرام و شرق آسیا بدل گردد. ب : قدرمند نبودن دیپلماسی آمریکا در برابر روسیه .

رهبران آمریکا بر این اندیشه بودند که پیروزیهای روسیه در اروپای خاوری بیش از اندازه بزرگ است و استفاده از بمب اتم ، قدرت چانه زدن آنان را در برابر مسکو افزایش خواهد داد. (در حقیقت این عمل نتیجه ای معکوس به بار آورد و روسیه از دادن امتیازات بیشتر خودداری کرد.)

در مدت اشغال ژاپن ، دنیای غرب برای منزوی کردن هر چه بیشتر این کشور از کشورهای آسیایی بویژه آسیای سوسیالیست بعد از ۱۹۴۹ و وابسته کردن آن به کشورهای تحت سلطه آمریکا کوشش فراوانی به عمل آورد و در این راه تا حدودی موفق شد، زیرا در حالی که آمریکا بیش از ۲/۳ واردات ژاپن را تامین می کرد فقط ۱/۴ صادرات آن را در بازارهای داخلی خود می پذیرفت به عبارت دیگر، ژاپن به صورت بازار انحصاری کالاهای صادراتی آمریکا در آمد.

از لحاظ سیاسی ژنرال (مک آرتور) قانون اساسی ژاپن را مطابق قانون اساسی آمریکا و توأم با آینده نگری دقیقی تنظیم کرد و

اصولی را در آن گنجانید که براساس آنها اولاً: قدرت امپراتوری به مردم تفویض می شد، ثانياً: (ماده ۹) بدون هیچ گونه قید و شرطی

ژاپن را از داشتن نیروهای سه گانه (هوایی - زمینی - دریائی) محروم می کرد.



طی چند پیمان و موافقنامه بین المللی ، از ژاپن نسبت به کلیه سرزمینهای متصرفی در قاره آسیا اعم از کره ، تایوان ، و جزایر اطراف خلع مالکیت شد و آمریکا نیز تعدادی از جزایر را به صورت مستعمره در اختیار خود گرفت .

اثرات انفجارات اتمی در ژاپن

ساکنان شهرهای هیروشیما و ناکازاکی ژاپن نخستین قربانیان سلاحهای اتمی می باشند که مستقیم در معرض اثرات کشنده و نابود کننده بمبهای اتمی قرار گرفتند. اثرات تخریبی بمبهای یاده شده با مقیاس وسیعتری شباهت زیادی به اثرات سلاحهای کلاسیک مانند بمبهای هواپیماها، گلوله های توپخانه و موشکها که دارای آثار موج انفجار، حرارت و نور دارند، اما انفجارات اتمی علاوه بر آثار یاد شده دارای آثار دیگری از جمله تشعشع هسته ای اولیه می باشد که از نظر زمان محدود اما بسیار بسیار خطرناک می باشد. نسبت اثرات یک ترکش هوایی اتمی به شرح زیر است :

اثر موج انفجار: ۵۰ درصد

اثر حرارت و نور: ۳۵ درصد

اثر تشعشع : ۱۵ درصد

در انفجارات اتمی هیروشیما و ناکازاکی که دارای قدرت انفجاری معادل ۲۰ کیلوتن تی . ان . تی بود، هیچ یک از ساکنان آن شهرها که در فواصل بیش از ۳ کیلو متر از نقطه صفر(۱۳۹) انفجار بوده اند در معرض هیچ گونه اثرات فوری سلاح قرار نگرفتند. اما نباید فراموش کرد که انفجارات هسته ای دارای اثرات باقیه می باشند از جمله دارای ریزشهای رادیو اکتیو می باشند. این ریزشها به سه نوع طبقه بندی می شوند:

۱ - ریزشهای نزدیک ۲ - ریزشهای دور ۳ - ریزشهای جهانی

ریزشهای نزدیک تشکیل شده اند از ذرات درشت سریع و فعال و تکه های خاکی که در موقع انفجار از زمین کنده شده و تحت تاثیر قوه ثقل به پایین ریزش می کنند. این مواد در ظرف چندین ساعت به سطح زمین می رسند و بر حسب قدرت انفجار انجام شده در یک مسافت بین ۱۰۰ تا ۴۰۰ کیلومتر در جهت باد و در حدود ۵۰ کیلومتر در جهت عمود به مسیر باد تقسیم می شوند. ریزشهای نزدیک حاوی یک سمت زیاد محصولات رادیو اکتیو کم عمر می باشند.

ریزشهای دور از ذرات ریز و نرم تر تشکیل شده و در قشرهای پایین جوی (به طور متوسط، ارتفاع ۱۲۰۰۰ متری یا تروپوسفر Troposphere) پرتاب و پخش می شوند. تروپوسفر نزدیکترین قشر جوی به زمین می باشد که ضخامت آن ۱۱ کیلومتر است . ریزشها به وسیله باد به گرد زمین نقل مکان پیدا می کنند و اغلب بتدریج با پخش شدن در یک نوار وسیع جغرافیایی در اطراف زمینی که انفجار در آن انجام شده است به وسیله ته نشینی ها جوی به زمین می رسند. ریزشهای جهانی از ذرات بسیار ریز و نرم

تشکیل شده اند و در استراتوسفر Stratosphere (بالتر از ۱۲۰۰۰ متر) پخش می شوند و اثر قوه ثقل زمین روی این ذرات بسیار ضعیف است (ضخامت استراتوسفر ۳۰ کیلومتر می باشد).

از میان ریزشهای فوق تنها ریزشهای نزدیک خطرناک می باشند

انفجارات هسته ای بویژه هوایی ، در جو تعدادی زیادی محصولات فسیون (تجزیه ) پخش می کنند که می توانند برای بدن انسان زیان آور باشند. این محصولات ، تشعشعات و ذراتی را پخش می کنند که با آزاد کردن انرژی خود در نسوج زنده موجودات می توانند موجبات فاسد و ضایع شدن آنها را فراهم سازند و یا اختلالاتی در عمل آنها ایجاد نمایند که از جمله آنها اثرات ارثی است و در نتیجه این خطر را در بر دارد که روی نسلهای بعدی نیز تاثیر بگذارند.

۱۵ مرداد ۱۳۶۶

شهادت سرلشکر خلبان عباس بابایی

سرلشکر خلبان ، شهید عباس بابایی ، بزرگ مردی بود که در مکتب شهادت پرورش یافت . مجاهدی که زهد و تقوایش بسان دریایی خروشان بود و هر لحظه از زندگانش موجها در برداشت . مرد وارسته ای که سراسر وجودش عشق و از خودگذشتگی و کرامت بود، رزمنده ای که دلاور میدان جنگ بود و مبارزی سترگ با نفس اماره خویش . از آن زمان که خود را شناخت کوشید که تا جز در جهت خشنودی حق تعالی گام برندارد. براستی او گمنام ، اما آشنای همه بود. از آن روستایی ساده دل ، تا آن خلبان دلیر و بی باک .

شهید سرلشکر بابایی در سال ۱۳۲۹ در شهرستان قزوین دیده به جهان گشود.

دوره ابتدایی م متوسطه را در همان شهر طی کرد و در سال ۱۳۸۴ به دانشکده خلبانی نیروی هوایی راه یافت و پس از گذراندن دوره آموزش مقدماتی برای تکمیل دوره به آمریکا اعزام شد.

شهید بابایی در آمریکا

شهید بابایی در سال ۱۳۴۹ برای گذراندن دوره خلبانی به آمریکا رفت . طبق مقررات دانشکده می بایست به مدت دو ماه با یکی از دانشجویان آمریکایی هم اتاق می شد. آمریکاییها، در ظاهر، هدف از این برنامه را پیشرفت دانشجویان در روند فراگیری زبان انگلیسی عنوان می کردند؛ اما واقعیت چیز دیگری بود. چون عباس در همان شرایط تمام واجبات دینی خود را انجام می داد از بی بند و باری موجود در جامعه امریکا پرهیز می کرد. هم اتاقی او در گزارشی که از ویژگیها و روحیات عباس نوشته ، یادآور می شود که بابایی فردی منزوی و در برخوردها، نسبت به آداب و هنجارهای اجتماعی بی تفاوت است . از رفتار او بر می آید که نسبت به فرهنگ غرب دارای موضع منفی می باشد و شدیداً به فرهنگ سنتی ایرانی پای بند است . همچنین اشاره کرده که او به گوشه ای می رود و با خودش حرف می زند؛ که منظور او نماز و دعا خواندن عباس بوده است .

ماجرای فارغ التحصیلی را از دانشکده خلبانی ایالات متحده آمریکا خود چنین تعریف کرده است :

(دوره خلبانی ما در آمریکا تمام شده بود اما به خاطر گزارشاتی که در پرونده خدمتیم درج شده بود تکلیفم روشن نبود و به من گواهینامه نمی دادند؛ تا این که روزی به دفتر مسئول دانشکده که یک ژنرال آمریکایی بود احضار شدم . به اتاقش رفتم و احترام گذاشتم . او از من خواست که بنشینم . پرونده من در جلو او، روی میز بود. ژنرال آخرین فردی بود که می بایستی نسبت به قبول و یا رد شدنم اظهار نظر می کرد.

او پرسش هایی کرد که من پاسخش را دادم . از سوالهای ژنرال بر می آمد که نظر خوشی نسبت به من ندارد. این ملاقات ارتباط مستقیمی با آبرو و حیثیت من داشت ؛ زیرا احساس می کردم که رنج دو سال دوری از خانواده و شوق برنامه هایی که برای زندگی آینده ام در دل داشتم ، همه در یک لحظه در حال محو و نابودی است و باید دست خالی و بدون دریافت گواهینامه خلبانی به ایران برگردم . در همین فکر بودم که در اتاق به صدا در آمد و شخصی اجازه خواست تا داخل شود او ضمن احترام ، از ژنرال خواست تا برای کار مهمی به خارج از اتاق برود. با رفتن ژنرال ، من لحظاتی را در اتاق تنها ماندم . به ساعت نگاه کردم ؛ وقت نماز ظهر بود. با خود گفتم کاش در اینجا نبودم و می توانستم نماز را اول وقت بخوانم . انتظارم برای آمدن ژنرال طولانی شد. گفتم که هیچ کار مهمی بالاتر از نماز نیست ، همین جا نماز را می خوانم . ان شاء ...، تا نماز تمام شود او نخواهد آمد. به گوشه ای از اتاق رفتم و روزنامه ای را که همراه داشتم به زمین انداختم و مشغول نماز شدم . در حال خواندن نماز بودم که متوجه شدم ژنرال وارد اتاق شده است . با خود گفتم چه کنم ؟ نماز را ادامه بدهم یا بشکنم ؟ بالاخره گفتم نمازم را ادامه می دهم ، هر چه خدا بخواهد همان خواهد شد. سرانجام نماز کردم و در حالی که بر روی صندلی می نشستم از ژنرال معذرت خواهی کردم . ژنرال پس از چند لحظه سکوت نگاه معناداری به من کرد و گفت : چه می کردی ؟

گفتم : عبادت می کردم .

گفت : بیشتر توضیح بده .

گفتم : در دین ما دستور بر این است که در ساعت هایی معین از شبانه روز باید با خداوند به نیایش بپردازیم و در این ساعت زمان آن فرار رسیده بود؛ من هم از نبودن شما در اتاق استفاده کردم و این واجب دینی را انجام دادم .

ژنرال با توضیحات من سری تکان داد و گفت :

همه این مطالبی که در پرونده تو آمده مثل این که راجع به همین کارهاست . این طور نیست ؟

پاسخ دادم : آری همین طور است .

او لبخندی زد. از نوع نگاهش پیدا بود که از صداقت و پای بندی من به سنت و فرهنگ و رنگ نباختنم در برابر تجدد جامعه آمریکا خوشش آمده است. با چهره ای بشاش خودنویس را از جیبش بیرون آورد و پرونده ام را امضا کرد. سپس با حالتی احترام آمیز از جا برخاست و دستش را به سوی من دراز کرد و گفت: به شما تبریک می گویم. شما قبول شدید. برای شما آرزوی موفقیت دارم. من هم متقابلاً از او تشکر کردم. احترام گذاشتم و از اتاق خارج شدم. آن روز به اولین محل خلوتی که رسیدم به پاس این نعمت بزرگی که خداوند به من عطا کرده بود، دو رکعت نماز شکر خواندم.)

با ورود هواپیماهای پیشرفته اف - ۱۴ به نیروی هوایی، شهید بابایی که جزو خلبانهای تیزهوش و ماهر در پرواز با هواپیمای شکاری اف - ۵ بود، به همراه تعداد دیگری از همکاران برای پرواز با هواپیمای اف - ۱۴ انتخاب و به پایگاه هوایی اصفهان منتقل شد.

با اوجگیری مبارزات علیه نظام ستمشاهی، بابایی به عنوان یکی از پرسنل انقلابی نیروی هوایی، در جمع دیگر افراد متعهد ارتش به میدان مبارزه وارد شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، وی گذشته از انجام وظایف روزمره، بعنوان سرپرست انجمن اسلامی پایگاه، به پاسداری از دستاوردهای پرشکوه انقلاب اسلامی پرداخت. شهید بابایی با دارا بودن تعهد، ایمان، تخصص و مدیریت اسلامی چنان درخشید که شایستگی فرماندهی وی محرز و در تاریخ ۱۳۶۰/۵/۷ فرماندهی پایگاه هشتم هوایی بر عهده وی گذاشته شد.

شهید بابایی با استفاده از امکانات موجود در پایگاه به عمران و آبادانی روستاهای مستضعف نشین حومه پایگاه و شهر اصفهان پرداخت و با تامین آب آشامیدنی و بهداشتی، برق و احداث حمام و دیگر ملزومات بهداشتی و آموزشی در این روستاها، گذشته از تقویت خط سازندگی انقلاب اسلامی، در روند هر چه مردمی کردن ارتش و پیوند هر چه بیشتر ارتش با مردم خدمات شایان توجهی را انجام داد. شهید بابایی، با کفایت، لیاقت و تعهد بی پایانی که در زمان تصدی فرماندهی پایگاه اصفهان از خود نشان داد در تاریخ ۶۲/۹/۹ با ارتقاء به درجه سرهنگی به سمت معاون عملیات فرماندهی نیروی هوایی ارتش منصوب و به تهران منتقل گردید. او با روحیه شهادت طلبی به همراه شجاعت و ایثاری که در طول سالهای بعد، در جبهه های نور و شرف به نمایش گذاشت، صفحات نوین و زرینی بر تاریخ دفاع مقدس و نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران افزود و با بیش از ۳۰۰۰ ساعت پرواز با انواع هواپیماهای جنگنده، قسمت اعظم عمر خویش را در طول این سالها در پروازهای عملیاتی و یا قرارگاه ها و جبهه های جنگ در غرب و جنوب کشور سپری کرد و به همین ترتیب چهره آشنای (بسیجیان) و یا وفادار فرماندهان قرارگاه های عملیاتی بود و تنها از سال ۱۳۶۴ تا هنگام شهادت، بیش از ۶۰ ماموریت جنگی را با موفقیت کامل به انجام رسانید.

شهید بابایی برای پیشرفت سریع عملیاتها و حسن انجام امور، تنها به نظارت اکتفا نمی کرد، بلکه شخصا پیشگام و پرچم دار می شد و در جمیع ماموریتهای جنگی طراحی شده، برای آگاهی از مشکلات و خطرات احتمالی، اولین خلبانی بود که در این گونه ماموریتها شرکت می کرد.

شهید سرلشکر بابائی به علت لیاقت و رشادتهایی که در دفاع از آرمانهای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و سرکوب و دفع تجاوزات دشمنان از خود بروز داد در تاریخ ۶۶/۲/۸ به درجه سرتیپی مفتخر شد و در پانزدهم مرداد همان سال در حالی که به درخواستهای پی در پی دوستان و نزدیکانش مبنی بر شرکت در مراسم حج آن سال پاسخ نه را داده بود برابر با روز عید قربان در یک عملیات برون مرزی به شهادت رسید. از نزدیکان شهید نقل شده که وی چند روز قبل از شهادت در پاسخ پافشاریهای بیش از حد دوستانش جهت عزیمت به مراسم حج گفته بود:

(تا عید قربان خودم را به شما می رسانم.)

سرلشکر شهید بابایی در هنگام شهادت ۳۷ سال داشت، او اسوه ای بود که از کودکی تا واپسین لحظات عمر گرانقدرش همواره با فداکاری و ایثار زندگی کرد و سرانجام نیز به آرزوی بزرگ خود که شهادت بود در روز عید قربان دست یافت و نام پرآوازه اش در تاریخ پر افتخار ارتش جمهوری اسلامی ایران جاودانه شد.

عید قربان : اسماعیل نیروی هوایی در مسلخ عشق

(صدای عباس فضای کابین را پر کرد. او این مصراع از تعزیه مسلم را زمزمه می کرد:

مسلم سلامت می کند یا حسین

و ناگهان صدای انفجار مهیبی همه چیز را دگرگون کرد. او در یک لحظه احساس کرد که به دور کعبه در حال طواف است. با صدای نرم و آرامی گفت :

اللهم لیبک . لیبک لاشربک لک لیبک ....

و آخرین حرف ناتمام ماند.

دادپی، یکی از خلبانان و دوستان تیمسار بابایی، می گوید که عاشقان کعبه در حال طواف بودند، صدای اذان در فضا پیچید. ناگهان بر جای خود میخکوب شدم و با چشمانی شگفت زده عباس را دیدم که احرام بسته، سراسیمه سف زائران را شکافتم تا خود را به او برسانم؛ ولی هر چه گشتم او را نیافتم.

همسر تیمسار بابایی می گوید که آن روز در مکه، هنوز رکعت دوم نماز را تمام نکرده بودم که احساس کردم در دلم طوفانی برپا شده، لحظه ای چشمانم سیاهی رفت؛ ولی بر خود مسلط شدم. ناخواسته اشک جلو چشمانم را سیاه کرد.

... سرهنگ نادری هواپیما را روی کاروان (۱۴۰) تنظیم کرد. احساس می کرد هر لحظه حالش بدتر می شود. درد شدیدی در پشت بازویش احساس کرد. چشمانش سیاهی رفت؛ ولی تکان شدید به خود داد تا خواستن را جمع کند. با صدایی حاکی از درد گفت:   
حالم هیچ مساعد نیست.

افسر کاروان گفت:

خونسرد باش محمد جان! خدا تو را کمک می کند. همه چیز برای فرود آماده است. روی همان زاویه ای که هستی روی باند بیا من تو را با دوربین می بینم.

سرهنگ نادری در حالی که ارتفاع هواپیما را کم می کرد، باند فروردگاه را دید. با تمام توان کوشید تا خود را به آن سمت بکشد؛ ولی ناگهان صدایش در رادیوی کاروان پیچید:   
- دور موتور کم نمیشه.

افسر کاروان در حالی که سعی می کرد به سرهنگ نادری دلداری دهد، گفت: چاره ای نیست محمد جان! بیا روی باند. سرهنگ با حالتی ملتمسانه گفت:   
خدایا خودت کمک کن.

سرهنگ نادری در حالی که چشمانش از حدقه در آمده بود با همان سرعت پرنده را روی باند کشید. جنگنده با سرعت سرسام آوری روی باند می دوید. ترمزها را امتحان کرد؛ ولی ناامید شد فریاد زد:   
ترمزها کار نمی کنند.

افسر کاروان گفت: چتر رو بزن.

وقتی چتر هواپیما باز نشد. افسر کاروان فریاد کشید:

خدایا خودت کمک کن.

چتر رها شد و هواپیما با همان سرعت به انتهای باند نزدیک شد. در این لحظه در برابر سیمای بهت زده نادری (تور باربر) (۱۴۱) چون سدی عظیم جنگنده را در آغوش گرفت. در اثر سایش، چرخهای پرنده، آتش گرفت ولی در همان لحظه نیروهای آتش نشانی و امداد خود رابه هواپیما رساندند و آن را خاموش کردند. چند نفر از امدادگران به سوی هواپیما دویدند.

سرهنگ نادری آخرین تلاش خود را به کار گرفت و از کابین خارج شد و در حالی که با قدمهای لرزان از هواپیما فاصله می گرفت نگاهی به کابین شکسته عباس انداخت.

سرگرد بالازاده، اولین کسی بود که خود را به کابین هواپیما رساند. با شتاب از هواپیما بالا رفت. لحظاتی بعد در جلوی نگاه ماتم زده حاضران، با دست بر سر خود کوبید و فریاد زد:

عباس داخل کابین است .

شیون و غوغایی برپا شد. سرهنگ بختیاری وقتی به کاروان رسید فریاد زد:

چه شده؟...

افسر کاروان با صدای گرفته ای گفت :

متأسفم .

سرهنگ پاهایش سست شد و با چهره شگفت زده ای به انتهای باند خیره شد. سپس آرام و در حالی که اشک می ریخت ، سرش را در میان دو دست پنهان کرد.

آخرین کلام مؤذن در فضای باند پیچید:

(الله اکبر... الله اکبر)

در لحظه های اذان ظهر عید قربان پیکر پاک تیمسار بابایی بر روی دستها تشییع شد و با آمبولانس به بیمارستانهای پایگاه انتقال یافت ...

... سرهنگ بختیاری با گامهایی لرزان از فرمانده پایگاه جدا شد و به وسط رمپ رفت . وقتی نزدیک گارد احترام رسید، با تمام قدرت سعی کرد که بر خود مسلط باشد. صدای سرهنگ در فضای رمپ پیچید:

گوش به فرمان من ... گارد مسلح ... به احترام شهید... پیش فنگ .

و آن گاه نوای عزاء، توسط گروه موزیک در فضای پایگاه طنین افکند. چندتن از خلبانان به پیش رفتند و تابوت را بر دوش گذاشتند و با قدمهای آهسته به سوی هواپیما رفتند. مشابعت کنندگان به حالت احترام در جای خود ایستاده بودند.

وقتی تابوت رابه داخل هواپیما بردند، بار دیگر صدای دردآلود سرهنگ بختیاری در فضای باند پیچید:

گارد احترام ! پا... فنگ .

چند دقیقه بعد جت فالکون سفید به نرمی حرکت قو، از روی باند به هوا برخاست و در آسمان اوج گرفت . همه به مسیر پرواز خیره شده بودند و در منظرگاهشان ، اشعه سرخ فام خورشید که در حال افول بود، پهنه آسمان را به رنگ خون تصویر کرد.

خبر شهادت تیمسار بابایی چون باد در سراسر ایران پیچید. دوستانش در اصفهان در عزایش سیه پوش شدند. شهرستان قزوین

سراسر ماتم زده شد و بر سر هر دری بیرقی سیاه برافراشته شد. نیروی هوایی ، عزای عمومی اعلام کرد و همه پایگاهها سیاه پوش شدند.

جمعه عید قربان ، خطیب نماز جمعه خبر شهادت تیمسار بابایی را اعلام کرد.

بانگ نوحه در فضای لاجوردی پیچید و تا کرانه های خاک مطهر ایران زمین پرواز کرد.

چند روز بعد وقتی همسر عباس بر بالای سر او آمد، کفن خونین او را کنار زد و با بغض شکسته در گلو، اما به صلابت کوهساران گفت :

تو مرا به زیارت کعبه روانه کردی ؛ اما، اما خود به دیدار صاحب کعبه رفتی .

پیرمردی روستایی از اهالی ده زیار اصفهان ، وقتی وارد شهر شد عکس عباس را بر در و دیوار گریان و حیران به هر که می رسید، می گفت :

او دوست من بود.

وقتی بر مزار عباس سینه چاک می کرد، کسی به او گفت :

پدر می دانی او که بود؟

پیرمرد روستایی ، که حلقه اشک را بر پهنای صورت ، با آستین پاک می کرد گفت :

(ناشناس آمد و ناشناس رفت .)

سخنان مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا در مورد شهید بابایی :

(این شهید عزیزمان انسانی مومن و متقی و سربازی عاشق و فداکار بود و در طول این چند سالی که من ایشان را می شناختم ، همیشه بر همین خصوصیات ثابت و پابرجا بود.)

(او هیچ گاه به مصالح خود فکر نمی کرد و تنها مصالح سازمان و انقلاب و اسلام را مدنظر داشت . او فرمانده ای بود که با

زبردستان بسیار فروتن و صمیمی بود؛ اما در مقابل اعمال بد و زشت ، خیلی و بی تاب و سختگیر بود.)

(این شهید عزیز یک انقلابی حقیقی و صادق بود؛ و من به حال او حسرت می خوردم و احساس می کنم که در این میدان عظیم و پر حماسه از او عقب مانده ام .)

۱۶ مرداد ۱۳۵۹

تشکیل جهاد دانشگاهی

باورتان باشد که خود ما هم می توانیم صنعتی داشته باشیم و می توانیم ابتکاری داشته باشیم ، همین باور توانایی ، شما را توانا می کند.(۱۴۲)

امام خمینی (ره)

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی اصلی ترین و ضروری ترین نیاز نظام مقدس و نوپا، جایگزین ساختن فرهنگ اصیل و ناب

اسلام محمدی صلی الله علیه و آله و سلم به جای فرهنگ بجا مانده از رژیم گذشته بود و از آنجا که فضای جامعه خصوصا

دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور دستخوش برخوردهای لفظی و در پاره ای از موارد، برخوردهای فیزیکی و طرز تفکرات



گروه‌های مختلف موافق و مخالف نظام جمهوری اسلامی شده بود، فریاد ضرورت وقوع انقلاب فرهنگی که در واقع خمیر مایه و خاستگاه انقلاب اسلامی بود در سطوح مختلف جامعه، خاصه در طیف دانشجویان مسلمان و دلسوز پیرو خط امام (ره) طنین افکند و علی‌رغم این که ابرهای تیره تردید و دو دلی بر دلها و اندیشه‌های بسیاری سایه افکنده بود، تحصیلکرده‌های کشور به عقیم بودن دانشگاهها در طول پنجاه سال آموزش و پرورش اعتقاد راسخ داشتند، روشنفکران درس خوانده خود را از مردم جدا می‌دانستند و دلسوزان مملکت متفکران و باسوادان جامعه را نسبت به خود بی‌اعتماد و نسبت به جهان علم و تفکر و تمدن غرب تسلیم مطلق می‌دانستند.

در اسفند ماه ۱۳۵۸ در جلسات شوراهای دانشجویان مسلمان پیرو خط امام با الهام از رهنمودهای امام خمینی (ره) جرقه‌های فکری انقلاب فرهنگی زده شد و پس از بررسی‌های لازم در اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ طی برنامه ریزی کاملاً مشخص و با کسب اجازه از امام (ره) ضمن تهیه کارت شناسایی برای تعدادی از دانشجویان مسلمان و متعهد، کلیه دانشگاهها و مراکز آموزش عالی را تعطیل کردند. این کار با مقاومت گروهکهای معاند و همچنین بنی صدر رئیس‌جمهور وقت و نیز دشمنان انقلاب اسلامی در خارج روبرو شد که جملگی فریاد (نبود آزادی) و بسته شدن دریهای علم و پیشرفت را سر داده بودند. لکن عنایت خداوند بار دیگر جامعه انقلاب ایران اسلامی را مورد رحمت خویش قرار داد و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران به این خواسته و اقدام بر حق دانشجویان عنایت خاص نشان دادند و در ۲۳ / ۳ / ۱۳۵۹ فرمان تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی را صادر و اعضای آن را تعیین و منصوب نمودند. (۱۴۳) با تشکیل ستاد یاد شده نیروهای مسلمان و متعهدی که به صورتهای گوناگون اعم از کمیته‌های جذب نیرو، اردوهای علمی و فرهنگی که با هدف تغییر و دگرگونی نظام دانشگاهی در جهت خدمت به جامعه انقلابی مشغول فعالیت بودند منسجم تر شدند. ستاد انقلاب فرهنگی در جلسه ۱۶ / ۵ / ۱۳۵۹ به منظور تحقق بخشیدن به اهداف انقلاب فرهنگی، جهاد فرهنگی، جهاد دانشگاهی رابه عنوان یک نهاد انقلابی برخاسته از انقلاب فرهنگی تاسیس کرد.

ضرورت تشکیل جهاد دانشگاهی و تبیین روندتکامل آن

جهاد دانشگاهی یکی از ثمرات انقلاب فرهنگی است. جهاد گران دانشگاهی که با حضور در انجمنهای اسلامی دانشجویی و تشکلهای اسلامی کارمندان و استادان، با فرهنگ منحط غرب و مظاهر شرک آلود آن مبارزه می‌کردند، با الهام از فرمایشات امام خمینی (ره) - که در دیدار با انجمنهای اسلامی دانشگاهی و مدارس عالی فرمودند - پیگیر تحقق انقلاب فرهنگی شوند: (دانشگاهها باید تغییر بنیانی کند و باید از نو ساخته بشود که جوانان ما را تربیت کنند به تربیتهای اسلامی، اگر چنانچه تحصیل علم می‌کنند در کنار آن تربیت اسلامی باشد، نه آن که اینها را تربیت کنند به تربیت‌های غربی، نه آن که یک دسته به طرف غرب بکشاند جوانهای ما را، و یک دسته به طرف شرق و... (۱۴۴))

و در فرازی دیگر فرمودند:

( ما از دانشگاهی می ترسیم که جوانهای ما را آن طور تربیت کنند که خدمت به غرب بکنند. ما از دانشگاهی می ترسیم که آن طور جوانهای ما را تربیت کنند که خدمت به کمونیسم کنند... )

امیدوارم همان طور که پیشنهاد شده است دانشگاهها را از همه عناصر تخلیه کنند و از همه وابستگی ها تخلیه کنند تا این که انشاء الله یک دانشگاه صحیح با اخلاق اسلامی و فرهنگ اسلامی تحقق پیدا بکند (۱۴۵).

انقلاب فرهنگی به نوبه خود جهاد دانشگاهی را در راستای جهش و تکامل خویش و نیز حفظ و صیانت اصول و اهداف و دستاورهای بنیان گذاشت . این نهاد انقلابی که نقش آن در دانشگاهها در جهت پیروی از ولی فقیه به روشنی مشخص بود، علی رغم نغمه های شوم گروهکهای معاند و ضد انقلاب مراحل پرفراز و افتخار آفرینی را از جهت مختلف گذراند: از شکل گرفتن اولین هسته های (جذب نیرو) در دانشگاهها تا تشکیل آن توسط ستاد انقلاب فرهنگی و سرانجام در سال ۱۳۶۳ به عنوان ستد اجرایی انقلاب فرهنگی تغییر نام داد.

در سال ۱۳۶۴ پس از استقلال دانشگاهها و جدا شدن وزارت و آموزش عالی از آن ، مجدداً به عنوان جهاد دانشگاهی تغییر نام داد و در سال ۱۳۶۹ به عنوان پلی میان دانشگاه و بخش صنعتی و خدماتی کشور معرفی و محل استقرار آن بیرون از دانشگاه تعیین شد. جهاد دانشگاهی در حال حاضر به عنوان علمدار انقلاب فرهنگی و پاسدار ارزشهای انقلاب اسلامی در دانشگاهها و به عنوان یک نهاد پا بر جا، تا جهادی شدن کلیه ارکان ، بافت و تشکیلات آموزش و تحقیق و فرهنگ دانشگاه یعنی تحقق دانشگاه اسلامی باقی مانده است و تضمینی در جهت تداوم و تکامل حرکت و رشد دانشگاهها در خط اصیل انقلاب ، در خدمتگزاری به مردم می باشد و این حقیقی است الهام یافته از فرمایشات مقام رهبری که در دیدار با اعضای شورای مرکزی جهاد فرمودند:

(... جهاد دانشگاهی می تواند دستگاهی باشد که با فعالیتهای فرهنگی و تحقیقاتی ، قشر جوان و دانشجوی کشور را در داخل دانشگاهها هدایت کند و آنان را به پختگی و کمال لازم برساند.

- حفظ و تقویت جهاد دانشگاهی به عنوان یک نهاد انقلابی ضروری است .

- جهاد دانشگاهی با توجه به امکانات و برنامه ریزی دقیق خود می تواند سهم بسزایی داشته باشد و فعالیتهای فرهنگی ، هنری و تحقیقاتی خود را برای هدایت جوانان دانشجو در خط صحیح فکری و عملی متمرکز کند.)

ساختار، اهداف و وظایف جهاد دانشگاهی

الف - ساختار:

ماده یک اساسنامه جهاد دانشگاهی این نهاد را به شرح زیر تعریف می کند:

جهاد دانشگاهی نهادی است عمومی و غیر دولتی زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی، دارای شخصیت مستقل و از لحاظ استخدامی و مالی تابع مقرراتی است که در چهارچوب اختیارات قانونی به تصویب هیئت امنای جهاد دانشگاهی می رسد.

بر اساس این تعریف، ماده ۴ اساسنامه مزبور ساختار آن را چنین بیان می دارد: ارکان جهاد دانشگاهی عبارتند از:

۱ - هیات امنا ۲ - شورای علمی ۳ - رئیس جهاد دانشگاهی

ب - اهداف :

ماده ۲ اساسنامه، اهداف جهاد دانشگاهی را چنین اشعار می دارد:

- گسترش تحقیقات و شکوفایی روحیه تتبع و استعدادها در سطح جامعه برای نیل به خودکفایی

- توسعه امور فرهنگی در سطح جامعه، از طریق همکاری با حوزه و دانشگاه و سایر مراجع و نهادی فرهنگی بخصوص برای نسل جوان.

- گسترش طرحهای کاربردی و نیمه صنعتی از طریق پیوند با مراکز علمی و تحقیقاتی به منظور به کارگیری نتایج پژوهش

ج - وظایف :

وظایف نهاد جهاد دانشگاهی بر اساس ماده ۳ اساسنامه آن عبارت است از:

۱ - تبلیغ و ترویج فرهنگ و هنر اسلامی و برنامه ریزی فرهنگی و تربیتی و ایجاد آمادگی فکری و مکتبی در طبقه جوان کشور، بویژه دانش آموزان دبیرستانی و دانشجویان به منظور مقابله با غرب زدگی و انحرافات فرهنگی در چهارچوب سیاستهای فرهنگی کشور.

۲ - ایجاد تشکیلات مناسب به منظور تالیف، ترجمه و انتشار کتب، نشریات نتایج تحقیقات و مقالات علمی - فرهنگی و تولید مواد کمک آموزشی

۳ - انجام تحقیقات توسعه ای و کاربردی.

۴ - پیگیری طرحهای تحقیقاتی جهاد تا پایان مرحله نیمه صنعتی و صنعتی

۵ - ارائه خدمات علمی - فنی در زمینه های مختلف و مورد نیاز جامعه.

۶ - حمایت، تشویق و جذب دانشجویان و پژوهشگران جوان و مستعد و برنامه ریزی و ایجاد شرایط و امکانات لازم به منظور فراهم آوردن زمینه فعالیتهای علمی و پژوهشی آنان بر مبنای شناخت مشکلات واقعی و نیازهای تخصصی جامعه.

۷ - اجرای دوره های رسمی آموزشهای علمی - کاربردی مطابق ضوابط و مقررات آموزش عالی کشور.

۸ - ایجاد تشکیلات آموزشی و تحقیقاتی مطرح شده در بندهای این ماده براساس قوانین و مقررات آموزش عالی.

محورهای فعالیت و تواناییهای تخصصی

جهاد دانشگاهی پس از تشکیل ، ابتدا پرسشنامه ای برای کلیه اساتید، ارسال و از آنها خواست تا زمینه کاری مورد علاقه خود را اعلام دارند، همچنین از کلیه وزارتخانه ها و ارگانها خواست تا تعداد نیروی متخصص مورد نیاز خود را با ذکر نوع تخصص اعلام کنند. بدین نحو تا حدودی ضمن به کارگیری نیروهای متخصص ، نیازهای مراکز دولتی را تامین کرد. همزمان با این اقدام کلیه کارگاههای دانشگاهها را به مراکز پژوهشی تبدیل و با بررسی نیازهای صنعتی ، پزشکی و... سعی و کوشش در تامین نیازهای کشور نمود.

با شروع جنگ تحمیلی جهاد دانشگاهی با تمام توان و نیرو در اختیار جنگ و رزمندگان اسلام قرار گرفت و کمکهای تخصصی و فنی زیادی به جبهه ها کرد و با شروع کار دانشگاهها در سال ۱۳۶۲ دروس معارف اسلامی را جزء مواد بررسی کلیه رشته های تحصیلی گنجانده و در حال حاضر در چهار محور فرهنگی ، طرح و تحقیقات ، برنامه ریزی و تشکیلات و امور دانشگاهی فعالیت می کند.

تواناییهای جهاد دانشگاهی در حال حاضر با توجه به این که دانشگاهها و محیطهای علمی و تخصصی کشور دارای استعدادهای شکوفا و ثمربخشی هستند در گروه های زیر خلاصه می شود:

گروه فنی و مهندسی ، گروه کشاورزی و منابع طبیعی ، گروه علوم پایه ، گروه هنر، گروه پزشکی ، گروه علوم انسانی .

که این شش گروه به ۵۳ شاخه تقسیم می شود و در مجموع شاخه های تخصصی این گروهها نزدیک به ۷۶۰ طرح تحقیقاتی انجام شده و به نتیجه رسیده است . در گروه فنی و مهندسی ۲۸۶ طرح در گروه علوم پایه ۱۳۲ طرح ، در گروه پزشکی ۵۶ طرح ، در گروه علوم انسانی ۶۵ طرح ، در گروه کشاورزی و منابع طبیعی ۴۷ طرح و در گروه هنر ۱۷۲ طرح تحقیقاتی انجام شده است .

به عنوان مثال در گروه پزشکی در شاخه طب نظامی در زمینه مبارزه با گازهای شیمیایی و درمان مصدومین شیمیایی تحقیقات وسیعی صورت گرفته است که به چند نمونه آنها اشاره می کنیم

۱ - تولید آمپول امیل نیتريت

۲ - بررسی اختلالات ایمنی در مجروحین جنگی با گاز خردل

۳ - تهیه آنتی بادی و مطالعه اثر آنتی بادی تولید شده بر علیه گازهای طبیعی

۴ - بررسی تغییرات هماتولوژیک در مجروحین شیمیایی با گاز خردل

۲۱ مرداد ۱۳۷۶

شهادت میرزا رضا کرمانی

استبداد مخوف قاجار، ایران را به زندانی هول انگیز تبدیل کرده بود. ناصر الدین شاه چونان سلف خود، محمد خان قاجار، خود را مالک الرقاب مردم می دانست . هیچ کس را در برابر اوامر او حق سخن نبود و هر گونه مخالفت در برابر استبداد و ستم ، عکس

العمل شدید او را در پی داشت . شاه که در برابر قدرتهای بیگانه با خفت زانو می زد برای مقابله با ناراضیان و مخالفان ، مشتی آهنین داشت ، تا آن جا که شکار انسانهای مبارز رواج یافت . دستگاه اداری کشور از درون پوسیده بود. رشوه ، فساد، تملق ، زورگویی ، فروش مناصب دولتی و... رواج تام داشت . ظلم و ستم قحطی و خشکسالی که چندین سال طول کشید، نواحی پر جمعیت ایران را از سکنه خالی کرد و در حالی که دستگاه مالیات گیری حساب و کتابی نداشت خزانه کشور روز به روز تهی تر می گشت . اشتهای بیمارگونه و سیری ناپذیر ناصر الدین شاه در انباشتن پول و طلا و نقره و دلبستگی او به زندگی مجلل و زنان و شیفتگی او نسبت به تمدن اروپا بویژه پس از آخرین سفرش به غرب از یک سو و طمع کاری کشورهای استعماری و رقابت آنها در غارت منابع سرزمین های شرقی از سوی دیگر، سبب شده بود که سپردن امتیازات مالی و سیاسی به بیگانگان فزونی یابد. یکی از این امتیازها که با واکنش شدید علما و روحانیون روبرو شد، واگذاری امتیاز انحصاری توتون و تنباکو به تالبوت یا در واقع به انگلستان بود.(۱۴۶) این قرارداد ننگین با فتوای معروف آیت الله میرزای بزرگ شیرازی فسخ گردید و منجر به عقب نشینی ناصر الدین شاه در برابر علما و مردم شد. بعد از این ماجرا، موقعیت ناصر الدین شاه و حکومت استبدادی قاجار تضعیف گشت و چهار سال بعد، ماجرای قتل او به وقوع پیوست . نویسنده تاریخ بیداری ایرانیان در بیان حالات ناصر الدین شاه و پیرامون جنایات او می نویسد:

(در ایام سلطنت این پادشاه اعظم خساراتی که به ایران وارد آمد، شهادت میرزا تقی خان امیر نظام اتابک اعظم بود که گناهی جز جلوگیری از حرکات بچگانه پادشاه و خیرخواهی مملکت و سلطنت نداشت . کم کم خرابی در اداره نظامی شروع شد و گرفتن رشوه و فروختن نشان و لقب نظامی شیوع یافت ... در پنجاه سال سلطنت یک قدم به جانب اصلاحات برنداشت ، پنجاه سال بهترین اوقات مغتنم ایران را به رایگان از دست داد. هر کس را که استشمام ترقی در او می نمود به قتل می رسانید...)

آشنایی میرزا رضا با سید جمال الدین اسدآبادی :

میرزا رضا، در منزل حاج امین الضرب با سید جمال آشنا و شیفته اندیشه و افکار وی شد. در هنگام دستگیری سید در حضرت عبدالعظیم ، میرزا جزء کسانی بود که لب به اعتراض گشود. او به سبب شور و محبتی که نسبت به مرادش داشت ، پس از تبعید وی بارها به گونه کتبی و شفاهی به ناصر الدین شاه و درباریانش اخطار نمود که وی به جهت بی احترامی و ستمی که درباره سید روا داشته است کشته خواهد شد.

زبان تیز و حرکات اعتراض آمیز او را رژیم استبدادی تحمل نکرد و وی را به مدت هفت ماه و نیم به زندان افکند. میرزا پس از آزادی ، با تن مجروح و شکنجه شده به اسلامبول رفت و در آنجا به دستور سید جمال الدین در بیمارستان بستری و نزدیک چهل روز تحت مداوا قرار گرفت .

بعد از معالجه ، نخستین باری که میرزا رضا در اسلامبول به حضور سید رسید، لب به شکوه گشود و با گریه از مصائب حکومت قاجار سخن گفت . سید در برابر شکوائیه میرزا عصبانی شد و گفت : (گریه کار پیرزنان است ، مادامی که دروازه مرگ برای انسان باز است

، تن به ظلم و پستی نباید بدهد. برو ریشه ظلم را از ایران بیرون بیاور، والا تا ریشه در آب است هر یک از شاخه های او را بزنی جوانه تازه می دهد.)

این عبارات عالی از صاعقه آسمانی برای میرزا مهیب تر بود، به گونه ای که در همان جا مصمم شد از شاه انتقام بگیرد و به ظلم او خاتمه دهد.

عبدالله مستوفی می نویسد:

یک مرتبه میرزا زیاد از اوضاع و ظلمی که به وی شده شکوه می کند سید به وی می گوید: مگر پدرت روضه خوان بوده است که این قدر در تشریح بدبختی خود نکات دقیق و حساس به کار می بری؟ تو که می گویی من از عمرم بیزارم و آرزوی مرگ می کنی چرا دشمنت را نکشتی که در مقابل ترا هم بکشند و به قول خودت از این زندگی سراپا سخت خلاص شوی؟

میرزا در تاریخ ۲۶ رجب ۱۳۱۳ ه.ق به طرف ایران حرکت ، و یک تپانچه پنج لول روسی تهیه می کند و در دوم شوال همان سال وارد شهر ری می گردد و مخفیانه به دیدار شیخ هادی نجم آبادی می شتابد.

قتل ناصر الدین شاه

شاه ، که در تدارک برگزاری جشنهای پنجاهمین سال سلطنت خود بود، به حضرت عبدالعظیم می رود و میرزا رضای کرمانی در همان روز (جمعه ۱۷ ذی القعدة ۱۳۱۳ ه.ق / اول مه ۱۸۹۶ م ) شاه را در حرم حضرت عبدالعظیم به ضرب پنج گلوله از پای در می آورد و خود توسط عمال شاه دستگیر می شود.

امین السلطان که مردی بسیار محیل بود از موقعیت پیش آمده استفاده کرده و با برقراری رابطه با همه مدعیان و ایجاد رقابت بین آنها بر نفوذ و قدرت خود می افزاید و تا به سلطنت رسیدن مظفر الدین شاه که چهل روز طول می کشد، حاکم مطلق و بی چون و چرای کشور می گردد و بیت المال را تا آنجایی که می تواند غارت می کند. در این موقعیت وضعیت خزانه مملکت به قدری خراب بود که برای هزینه تاجگذاری مظفر الدین شاه مجبور به استقراض از بانک شاهی یعنی از انگلیسیها می شوند.

شهادت میرزا رضای کرمانی

پس از دستگیری میرزا از وی استنطاق مفصلی به عمل می آید. این استنطاق و پاسخهای مهم و در خور تامل ، به طور کامل ، در روزنامه صور اسرافیل و در کتاب بیداری ایرانیان درج شده است .

میرزا در قسمتی از استنطاق خود می گوید:

(دولت ایران قدر سید را نشناخت و نتوانست از وجود محترم او فوائد و منافع ببرد به آن خفت و افتضاح او را نفی کردند...)

پس از قتل شاه بسیاری در صدد برآمدند که تا با تبلیغات گسترده از شاه معدون ، چهره ای به عنوان شاه شهید بسازند، میرزا با بیان حقایق در دادگاه فرمایشی نقشه آنها را خنثی و در کمال شهامت حکومت شاهان را رسوا می کند:

(مگر این مردم بیچاره و این یک مشت اهالی ایران ودایع خدا نیستند؟ قدری پایتان را از خاک ایران بیرون بگذارید، در عراق عرب و بلاد قفقاز و عشق آباد و اوایل خاک روسیه هزار هزار رعیت بیچاره ایرانی را ببینید که از وطن عزیز خود از دست تعدی و ظلم فرار کرده ، کثیف ترین کسب و شغل ها را از ناچاری پیش گرفته اند... ظلم و تعدی بی حد و حساب چیست و کدام است از این بالاتر چه می شود؟ گوشت بدن رعیت را می کنند و به خورد چند باز شکاری می دهند. صد هزار تومان از فلان بی مروت می گیرند، قباله مالکیت جان و مال و عرض و ناموس یک شهر و یا یک مملکتی را به دست او می دهند. رعیت فقیر و اسیر و بیچاره را در زیر بار تعدیات مجبور می کنند که یک مرد، زن منحصر به فرد خود را اضطراراً طلاق بدهد و خودشان صدتا صدتا زن می گیرند و سالی یک کرور پول که به این خونخواری و بی رحمی از مردم می گیرند خرج عزیز السلطان می کنند که نه برای دولت مصرف دارد و نه برای ملت و نه برای حفظ نفس شخصی و غیره و غیره )

میرزا در پایان دفاعیه خود به عنوان نتیجه گیری و دفاع از اقدام انقلابی خود می گوید:

(من قدری هستم ، و مومن به قدر، و معتقد که بی حکم قدر برگ از درخت نمی افتد. حالا هم به خیال خودم یک خدمتی به تمام خلائق کرده و ملت و دولت را بیدار کرده ام و این تخم را من آبیاری کردم و سبز شد. همه خواب بودند، بیدار شوند. یک درخت خشک بی ثمری را که زیرش همه قسم حیوانات موذی درنده جمع بودند، از بیخ انداختم و آن جانورها را متفرق کردم ).

افشاگریهای بموقع ، قاطع و مستدل میرزا رضا در محکمه و پخش آن در سطح جامعه بسیار کارگر افتاد و تاثیر خود را به خوبی بر جای گذاشت تا جایی که حتی بعد از شهادت مظلومانه اش یاد و خاطره او پیوسته بر سر زبانها بود و با تجلیل ، از جانب روحانیون و مردم از او یاد می شد. در جریان به دار کشیدن وی دستگاه قاجار با خشم و نفرت فراوان مردم مواجه شد و از این طریق نخستین ضربه را چشید.

سرانجام میرزا رضای کرمانی در روز چهارشنبه دوم ربیع الاول ۱۳۱۴ ه.ق برابر با ۲۱ مرداد ۱۲۷۶ توسط دستگاه حکومتی قاجار به دار آمیخته شد و به شهادت نایل آمد.

میرزا در آخرین لحظات ، جمله ای را بر زبان آورد که نشان دهنده ادامه نهضت توسط بزرگمردان دیگری از تاریخ بود:

(این چوبه دار را به یادگار نگهدارید، من آخرین نفر نیستم ...)

۲۴ مرداد ۱۳۶۲

تشکیل نخستین مجلس خبرگان رهبری

همه نظامهای مکتبی که بر ایده واحدی متکی هستند دارای رهبر و امامی می باشند که تمامی حرکات برنامه ها، افکار و راهنماییهای او برای آنان حجت است خصوصاً در نظامهای الهی که اساسی ترین ارکان ، مساله رهبری است ، زیرا وظیفه اصلی

تمام پیامبران الهی رهبری و هدایت قوم و قبیله خود به سوی سعادت و نیکبختی بوده و در این میان تنها مکتب اسلام است که مدعی حق رهبری بشریت تا جهان آخرت (روز قیامت) می باشد.

مطالعه ۱۴ قرن تاریخ اسلام و فراز و نشیبهای آن از یک سو و نیز بررسی نقش امام خمینی (ره) در تاریخ معاصر که منجر به انقلابی بزرگ و عالمگیر شد به روشنی نشان می دهد که مساله رهبری و جامعه و رابطه بین آنها نه تنها در سرنوشت مسلمانان موثر است، بلکه با سرنوشت همه مردم جهان نیز در ارتباط می باشد. برای اثبات این امر از دو جهت می توان مساله را بررسی کرد: اول آن که ماهیت جهانی بودن دین مبین اسلام و نیز نبوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم در قرآن به طور واضح بیان گردیده است.

و ما ارسلناک الا کافه للناس بشیرا و نذیرا (۱۴۷)

(وما نفرستادیم ترا مگر برای بشارت و بیم دادن به همگی مردم)

جهت دوم آن که آنچه تاکنون در عمل نشان داده شده و تاریخ آن را در سینه خود حفظ نموده آن است که در هر مرحله از تاریخ اسلام که مسلمانان از یک رهبری قوی برخوردار بودند، توانستند جهان را تحت تأثیری قرار داده و در اصول حاکم بین ملتها، تغییرات قابل توجهی به وجود آورند. نمونه بسیار روشن و بارز آن انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) می باشد.

مساله رهبری (ولایت) و جامعه، در اسلام، دارای پیوند و یگانگی خاصی می باشد و امری است خاص خداوند متعال و به عنوان یک تکلیف و مسئولیت به عهده پیامبر گرامی اسلام نهاده شده است و پس از رحلت آن حضرت این مسئولیت به امر خداوند به ائمه اطهار علیهم السلام واگذار شده است که بدین جهت رهبری اهل بیت علیهم السلام یک نوع رهبری ویژه به حساب می آید که تنها رهبری حضرت رسول (ص) به آن شبیه است؛ البته بدون در نظر گرفتن مساله وحی و رسالت که با توجه به مساله عصمت وجه تمایز رهبری اهل بیت علیهم السلام با سایر رهبران تاریخ جهان کاملا مشخص می شود و الهی بودن رهبری ائمه علیهم السلام به اثبات می رسد، لذا بیعت مردم و امت اسلامی با آنها بیعت خدایی و اعتقادی است نه بیعت بر اساس رای و افکار عمومی.

این رهبری از خود پیامبر (ص) شروع شده و تاکنون - که زمان رهبری حضرت بقیه الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد - ادامه دارد. لکن در این عصر و زمان به خواست خداوند متعال که آن وجود مقدس و شریف از انظار مخفی و در پس پرده غیبت کبری قرار دارند و جامعه مسلمین از حضور فیزیکی ایشان محروم می باشد، مساله رهبری امت اسلام بالاتکلیف نمانده و حسب الامر، امام جعفر صادق (ع) بر عهده فقهای جامع شرایط گذارده شده است یعنی حضرت، علائم و مشخصاتی را بیان کرده و فرموده اند که هر کس این علائم و مشخصات را دارد دارای شرایط جهت کسب رهبری مسلمین است.



(... فاما من كان من الفقهاء صائنا لنفسه ، حافظا لدينه ، مخالفا على هواه مطيعا لامر مولاه ، فللعوام ان يقلدوه ، و ذلك لا يكون الا بعض فقهاء الشيعة لا كلهم (۱۴۸)

ترجمه : پس هر کدام از فقها که دارای صیانت نفس ، حافظ دین ، و مخالف هوای نفس و مطیع امر مولی باشد بر مردم است که از او تقلید کنند و چنین خصوصیتی یافت نمی شود مگر در بعضی از فقهاء شیعه و نه در همه آنها.  
خبرگان در قانون اساسی :

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در فصل هشتم که مربوط به رهبر یا شورای رهبری است در اصول ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۱ راجع به خبرگان رهبری صحبت بعمل آمده است :

فصل هشتم - رهبر یا شورای رهبری

اصل یکصد و هفتم

پس از مرجع عالیقدر تقلید و رهبر کبیر انقلاب جهانی اسلام و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیت الله العظمی امام خمینی قدس سره الشریف که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدند. تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است .

خبرگان رهبری درباره همه فقهای واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم بررسی و مشورت می کنند هر گاه یکی از آنان را اعلم به احکام موضوعات فقهی یا مسائل سیاسی اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه یا واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل یکصد و نهم تشخیص دهند او را به رهبری انتخاب می کنند در غیر این صورت یکی از آنان را به عنوان رهبر انتخاب و معرفی می نمایند. رهبر منتخب خبرگان ، ولایت امر و همه مسئولیتهای ناشی از آن را بر عهده خواهد داشت .  
رهبر در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است .

اصل یکصد و هشتم

قانون مربوط به تعداد و شرایط خبرگان ، کیفیت انتخاب آنها و آیین نامه داخلی جلسات آنان برای نخستین دوره باید به وسیله فقهای اولین شورای نگهبان تهیه و با اکثریت آرای آنان تصویب شود و به تصویب نهایی رهبر برسد. از آن پس هرگونه تغییر و تجدید نظر در این قانون و تصویب سایر مقررات مربوط به وظایف خبرگان در صلاحیت خود آنان است .

اصل یکصد و نهم

شرایط و صفات رهبر:

۱ - صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه

۲ - عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام .

۳ - بینش صحیح سیاسی ، اجتماعی ، تدبیر، شجاعت ، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری .

در صورت تعدد واجدین شرایط فوق ، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قویتر باشد مقدم است .

اصل یکصد و دهم

وظایف و اختیارات رهبر:

۱ - تعیین سیاستهای کلی نظام جمهوری اسلامی ایران پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام .

۲ - نظام بر حسن اجرای سیاستهای کلی نظام .

۳ - فرمان همه پرسی .

۴ - فرماندهی کل نیروهای مسلح .

۵ - اعلان جنگ ، صلح و بسیج نیروها.

۶ - نصب ، عزل و قبول استعفا:

الف - فقهای شورای نگهبان .

ب - عالیترین مقام قوه قضائیه .

ج - رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران .

د - رییس ستاد مشترک

ه - فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی .

و - فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی .

۷ - حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه گانه .

۸ - حل معضلات نظام که از طرق عادی قابل حل نیست ، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام .

۹- امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم ، صلاحیت دواطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این

قانون می آید، باید قبل از انتخابات به تایید شورای نگهبان و در دوره اول به تایید رهبری برسد.

۱۰ - عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور پس از حکم دیوانعالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی ، یا رای مجلس

شورای اسلامی به عدم کفایت وی بر اساس اصل هشتاد و نهم .

۱۱ - عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه .

رهبر می تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند.

اصل یکصد و یازدهم

هر گاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود یا فاقد، یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد، یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود بر کنار خواهد شد. تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم می باشد.

در صورت فوت، کناره گیری یا عزل رهبر، خبرگان موظفند در اسرع وقت نسبت به تعیین و معرفی رهبر جدید اقدام نمایند. و تا هنگام معرفی رهبر، شورایی مرکب از رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه و یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام، همه وظایف رهبری را به طور موقت به عهده می گیرد و چنانچه در این مدت یکی از آنان به هر دلیل نتواند انجام وظیفه نماید، فرد دیگری به انتخاب مجمع، با حفظ اکثریت فقها در شورا، به جای وی منصوب می گردد.

این شورا در خصوص وظایف بندهای ۱ و ۲ و ۳ و ۵ و ۱۰ و قسمتهای (د) و (ه) و (و) بند ۶ اصل یکصد و دهم، پس از تصویب ۳/۴ اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام اقدام می کند.

هرگاه رهبر بر اثر بیماری یا حادثه دیگری موقتاً از انجام وظایف رهبری ناتوان شود در این مدت شورای مذکور در این اصل وظایف او را عهده دار خواهد بود.

اولین مجلس خبرگان رهبری: (مجلس خبرگان دوم)

اولین مجلس خبرگان که وظیفه بسیار خطیری بر عهده داشت و براساس اصل ۱۰۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی مهمترین وظیفه آن تعیین رهبر نظام اسلامی بود، در شرایطی تشکیل شد که کشور در حال نبردی نابرابر با حکومت عراق و دنیای استکبار بود و متجاوزان عراقی برای شکست ملت قهرمان ایران هر روز متوسل به شیوه ای جدید در جنگ می شدند انتخابات مجلس خبرگان (رهبری) با شرکت مردم شجاع و مقاوم ایران در ۱۹ آذر ۱۳۶۱ برگزار گردید و نزدیک به هیجده میلیون نفر در این انتخابات شرکت نمودند.

در این دوره ۷۵ نفر از نمایندگان مجلس خبرگان تعیین شدند (انتخاب بقیه نمایندگان به دور دوم کشید)

اولین مجلس خبرگان رهبری که در واقع دومین مجلس خبرگان جامعه اسلامی بود در ساعت ۹:۱۰ دقیقه ۱۳۶۲/۵/۲۴ تشکیل و پیام امام خمینی (ره) قرائت شد.

پیام امام خمینی به مناسبت افتتاح مجلس خبرگان (۱۴۹) (رهبری)

بسم الله الرحمن الرحيم

با تایید خداوند متعال جل و علی و پشتیبانی حضرت ولی الله اعظم بقیه الله اورا حنا لمقدمه الفداء، بر حسب اصل یکصد و هفتم قانون

اساسی جمهوری اسلامی، مجلس خبرگان که به وسیله آراء ملت عظیم الشان ایران، شماری از علمای اعلام و حجج اسلام ادام

الله بقائهم برای تعیین رهبر یا شورای رهبری انتخاب شده اند مفتوح گردید؛ مجلسی که برای ادامه نظام جمهوری اسلامی و

شرعیت بخشیدن به آن ، نقشی اساسی دارد. مجلسی که علاقه مندان به اسلام و جمهوری اسلامی دل بدان بسته و مخالفان و دشمنان آن چشم به آن دوخته اند. آنان دل بسته اند که منتخبین آنها که از علماء متعهد و آگاه به مصالح و مفاسدند، با رای مبارک خود شایسته ترین و آگاه ترین و متعهدترین فقیه یا فقها را برای این مقام که صیانت نظام جمهوری اسلامی و هدایت آن به طور شایسته و موافق با شریعت مطهره بستگی به آن دارد، با اعتقاد به حضور خداوند متعال و نظارت او (جل و علی) بر آراء و اعمال و احوال آنان را تعیین نمایند و رضای او را بر رضای خود و دیگران مقدم دارند. و اینان چشم طمع دوخته اند که شاید به وسیله ایادی خود بتوانند لغزشی خدای نخواستہ ایجاد کنند که در آتیه ای ولو دراز مدت نظام اسلامی را به انحراف کشانند. ما می دانیم که ابرقدرت ها و حکومت های وابسته به آنان با اسلام شاهنشاهی و ملکی مخالف نیستند، بلکه بی شک آن را تایید نیز می کنند. اسلامی که به وسیله ایادی ابلیسی خود و جهال به صورت عالم ، عرضه می شود که علمای اسلام و مسلمانان نباید در امور سیاسی و اجتماعی مسلمین دخالت کنند و نباید در امور مسلمانان اهتمام نمایند و حکم واضح عقل موافق با قرآن را نادیده گرفته و حدیث (مجارى الامور بيد العلماء بالله) را ضعیف و سخن شریف (و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة احادیثنا) و دیگر احادیث از این قبیل را بی مبنا یا به تاویل کشانند، صد در صد مورد تایید آنان است . چه بهتر که دست علمای متعهد و مسلمانان بیدار را این درباریان روحانی نما و بازیخوردگان غافل از سیاست بازی شیاطین ببندند و راه را برای چپاول و سلطه قدرت ها باز کنند. آنان از اسلامی که موید آنهاست چه باک دارند؟ از اسلام علی ابن ابیطالب علیه صلوة الله و سلامه می ترسند. اگر آن شهید دلباخته اسلام و اسلام شناس حقیقی مثل اینان فکر می کرد و به گوشه عزلت و عبادت خدا مشغول می شد و راهی جز بین مسجد و منزل نمی پیمود، نه جنگ صفین و نهروان پیش می آمد و نه جنگ جمل و نه مسلمانان فوج فوج به قتل می رسیدند و شهید می شدند و اگر سیدالشهدا علیه السلام مثل اینان فکر می کرد و در کنار قبر جدش به ذکر و دعا می پرداخت ، فاجعه بزرگ کربلا پیش نمی آمد و دوستان ارجمند خداوند قطعه قطعه نمی شدند و آل الله به اسارت نمی رفتند و از آنها بالاتر، اگر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مانند اینان فکر می کرد و به نصحیت و بیان احکام عبادات می پرداخت ، آنهمه رنج و مصیبت نمی دید و آن همه مسلمانان به شهادت نمی رسیدند و در علمای معاصر اگر مرحوم آیت الله عظیم الشان آقا میرزا محمد تقی شیرازی با آن مقام بزرگ در علم و ورع و تقوا همانند اینان فکر می کرد در عراق جنگ بین مسلمانان و انگلیسی های متجاوز غاصب پیش نمی آمد و آنهمه مسلمانان شهید نمی شدند و استقلال عراق تامین نمی شد. حکومت هایی که در عصر حاضر با دل و جان و اسم اسلام در خدمت ابرقدرت ها بویژه آمریکا هستند و عامل تامین منافع آنان در جهان می باشند و آخوندهای درباری از خدا بی خبر که موید آنان و مخالف با رژیم اسلامی هستند و کوشش در هدم اسلام پرخاشگر بر ستمگران به سیره رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و علم کردن اسلام شاهنشاهی و ملوکی هستند که مسلمانان متعهد را به جرم شکایت از ظلم آمریکا و اسرائیل می خواهند از فریضه حج محروم کنند، باید مورد تایید شوروی ، آمریکا و اسرائیل باشند.

و اکنون شما ای فقهای شورای خبرگان و ای برگزیدگان ملت ستمدیده در طول تاریخ شاهنشاهی و ستمشاهی! مسوولیتی را قبول فرمودید که در راس همه مسوولیت هاست و آغاز به کاری کردید که سرنوشت اسلام، ملت رنجدیده، شهید داده و داغدیده گرو آن است. تاریخ و نسل های آینده درباره شما قضاوت خواهند کرد و اولیاء بزرگ ناظر آراء و اعمال شما می باشند. (و الله من ورائهم محیط ورقیب) کوچکترین سهل انگاری و مسامحه و کوچکترین اعمال نظرهای شخصی و خدای نخواستہ تبعیت از هواهای نفسانی که ممکن است این عمل شریف الهی را به انحراف کشاند، بزرگترین فاجعه تاریخ را بوجود خواهد آورد. اگر اسلام عزیز و جمهوری اسلامی نوپا به انحراف کشیده شود، سیلی بخورد و به شکست منتهی شود، خدای نخواستہ اسلام برای قرن ها به طاق نسیان سپرده می شود و به جای آن اسلام شاهنشاهی و ملوکی جایگزین آن خواهد شد. شما برگزیدگان مستضعفان می دانید که با کوتاه شدن دست ابرقدرت های چپاولگر از کشور اسلامی شما، آنان و وابستگان به آنها ماهیت اسلام و قدرت الهی آن را لمس نمودند و چون افعی زخم خورده در کمین نشسته اند که از هر راهی بتوانند خود با به وسیله پیروان از خدا بی خبر خود این نظام الهی را از مسیر خود منحرف نمایند. و بالاترین انحراف که منجر به انحراف تمام ارگان ها می شود، انحراف رهبری است که امروز شما نقش اول آن را دارید، شما دیدید و شنیدید که با اصل پنجم قانون اساسی چه مخالفت ها شد و چه جار و جنجالها بپا کردند و بحمدالله تعالی موفق نشدند ماموریت خود را انجام دهند و اخیرا با همین تعیین خبرگان نیز مخالفت کردند و سمپاشی نمودند و خناسان غافل باشید. راه خود را با قدرت الهی و تعهد به اسلام بزرگ و قوت ایمانی و روحی ادامه دهید و به هیچ چیز الا مصالح اسلام و مسلمین فکر نکنید و در این صورت خداوند تعالی پشت و پناه شماست.

لازم است به رهبر محترم آتیه با شورای رهبری تذکری برادرانه و مخلصانه بدهم: رهبر و رهبری در ادیان آسمانی و اسلام بزرگ چیزی نیست که خود به خود ارزش داشته باشد و انسان را خدای نخواستہ به غرور و بزرگ اندیشی خود وادارد. آن همان است که مولای ما علی ابن ابیطالب درباره آن گوشزد فرموده است. اساسا انبیاء خدا صلوة الله و سلامه علیهم مبعوث شدند برای خدمت به بندگان خدا، خدمت های معنوی و ارشادی و اخراج بشر از ظلمات به نور و خدمت به مظلومان و ستمدیدگان و اقامه عدل، عدل فردی و اجتماعی.

شما که خود را پیروان اصحاب وحی و اولیاء عظیم الشان می دانید و بحمدالله هستید، خود را جز خدمتگزار به ملت های ستمدیده ندانید و باید بدانید که تبهکاران و جنایت پیشگان بیش از هر کس چشم طمع به شما دوخته اند و با اشخاص منحرف نفوذی در بیوت شما با چهره های صد در صد اسلامی و انقلابی ممکن است خدای نخواستہ بیار آورند و با یک عمل انحرافی نظام را به انحراف کشانند و با دست شما به اسلام و جمهوری اسلامی سیلی زنند. الله الله در انتخاب اصحاب خود، الله الله در تعجیل تصمیم گیری خصوصا در امور مهمه و باید بدانید و می دانید که انسان از اشتباه و خطا مامون نیست. به مجرد احراز اشتباه و خطا از آن

برگزیدید و اقرار به خطا کنید، که آن کمال انسانی است، توجیه و پافشاری در امر خطا، نقص و از شیطان است. در امور مهمه با کارشناسان مشورت کنید و جانب احتیاط را مراعات نمایید.

اینجانب مطالبی را در سی صفحه به عنوان وصیت نامه نوشته ام و یک نسخه آن را در مجلس مبارک خبرگان امانت می گذارم که پس از مرگ اینجانب منتشر خواهد شد.

از خداوند متعال عاجزانه مسئلت می نمایم که اسلام بزرگ را عظمت بیشتر بخشد و توفیق وحدت را برای حفظ کیان اسلام و کشورهای اسلامی نصیب ملت های اسلامی فرماید و جمهوری اسلامی را هر چه بیشتر تقویت نماید و ما را مورد عنایت حضرت بقیه الله (عجل الله فرجه الشریف و روحی لمقدمه الفداء) قرار دهد.

والسلام علی عبادالله الصالحین

روح الله الموسوی الخمینی

نتایج اولین اجلاس مجلس خبرگان رهبری

هیئت رئیسه مجلس خبرگان رهبری در پایان جلسه افتتاحیه خبرگان با انتشار اطلاعیه ای نتایج این اجلاس را به اطلاع مردم شریف ایران رسانید. در قسمتی از این اطلاعیه ای آمده است: (۱۵۰)

بسم الله الرحمن الرحیم

جلوه ای دیگر از الطاف الهی که در ۵ سال گذشته امت عظیم اسلامی از آن برخوردار بود تشکیل مجلس خبرگان است با توجه خاص امام امت و با تلاشهای خالصانه شورای نگهبان و با استقبال کم نظیر امت شهید پرور خبرگان انتخاب و انقلاب اسلامی به یکی از مهمترین نهادهای خود که در قانون اساسی طراحی شده است دست یافت. قانون اساسی پیش بینی کرده که جمعی از علماء و دانشمندان صالح و آگاه به مقتضیات زمان به منظور تحکیم وضع و موقعیت و حفظ حراست این پایه و مایه اصلی نظام اسلامی از طرف مردم انتخاب و آماده انجام وظیفه قانونی برای تقویت و تداوم صلاحیت رهبری باشند. طبیعی است با حضور چنین نهادی مرکب از ده ها دانشمند و فقیه عادل و مورد اعتماد خلق، هم رهبر و هم مردم آرامش خاطر و اعتماد به حال و آینده دارند و هم دشمنان اسلام از تلاشهای خود در جهت تضعیف روحیه مردم و ایجاد تزلزل در بنیاد انقلاب از طریق تضعیف رهبری مایوس خواهند گردید...

در این اجلاس همچنین وصیت نامه سیاسی الهی امام (ره) به عنوان امانت تحویل خبرگان مردم گردید، در این رابطه آمده است:

(... وصیت نامه سیاسی ۳۰ صفحه ای معظم له که افتخار امانتداری این گنجینه پر بهاء را به دست آوردیم، هم مایه امید و قرار

مسلمانان انقلابی جهان گردید و هم به اعتبار و ارج خبرگان افزود، و هم به عنوان هدیه و قدرشناسی رهبر از مردم همیشه در

صحنه ، تاییدی بر حسن انفاسشان و ارج گذاری بر تلاشها و مجاهدتهایشان در تاریخ انقلاب خونباران جای گرفت ... در این

اجلاسیه آئین نامه داخلی و مقررات اجرای اصل ۱۱۱ قانون اساسی مورد بحث و بررسی قرار گرفت .

مجلس خبرگان رهبری (اول )، پس از بحث در جهت انتخاب جانشین امام خمینی (ره ) آیت الله منتظری را به عنوان قائم مقام

رهبری انتخاب کرد که صلاحیت ایشان در ۱۳۶۸/۱/۶ توسط امام (ره ) برای رهبری جامعه اسلامی رد شد و بدنبال آن ایشان نیز در

تاریخ ۱۳۶۸/۱/۸ از مقام خود استعفا دادند. پس از ارتحال امام (ره ) مجلس خبرگان وارد شور شد و با عنایت خاص الهی حضرت

آیت الله خامنه ای را به مقام رهبری برگزید.(۱۵۱)

اسامی آیات عظام و مجتهدین و حجج اسلامی که برای تشکیل مجلس خبرگان اول انتخاب شدند به شرح ذیل است :

- ۱ - تهران : سید علی خامنه ای ، اکبر هاشمی رفسنجانی ، سید عبدالکریم موسوی اردبیلی ، علی اکبر مشکینی ، محمد امامی کاشانی ، محمد محمدی گیلانی ، یوسف صانعی ، محمد باقر باقری کنی ، محمد باقر خوانساری ، غلامرضا رضوانی ، احمد آذری قمی ، سید هادی خسرو شاهی ، حسین راستی
- ۲ - چهار محال : ابراهیم امینی نجف آبادی
- ۳ - سیستان : مولوی اسحق مدنی ، سید مهدی عبادی
- ۴ - کردستان : عبدالله محمدی
- ۵ - فارس : سید علی محمد دستغیب ، فاضل هرندی ، محی الدین حائری شیرازی ، اسد الله ایمانی ، سید علی اصغر دستغیب
- ۶ - هرمزگان : محمد انواری
- ۷ - کرمانشاهان : حسین ملازم معصومی زرندی
- ۸ - مرکزی : مهدی سید روحانی ، جلال طاهر شمس گلپایگانی
- ۹- مازندران : عبدالله واعظ جوادی (جوادی آملی )، هادی روحانی زاده ، اسماعیل صالحی نفت چالی ، سید جعفر دیوکلائی ، حسین محمدی
- ۱۰ - ۱۰ آذربایجانشرقی : مسلم ملکوتی ، میرزا محمد علی انگجی ، سید حسین پور میر غفاری ، بیوک خلیل زاده مروج ، محسن مجتهد شبستری ، عبدالحسین تبریزی غروی
- ۱۱ - سمنان : محمد دانش زاده (مومن )
- ۱۲ - کهگیلویه و بویر احمد: حاج قربانعلی شه میری
- ۱۳ - خوزستان : غلامحسین جمی ، سید محمد علی موسوی جزاری ، احمد جنتی ، سید مجدالدین قاضی ، محمد حسین مجتهدی
- ۱۴ - لرستان : سید حسن طاهری خرم آبادی ، سید محمد باقر طباطبائی

۱۵ - خراسان : ابوالحسن مقدسی ، عباس واعظ طبسی ، ابوالقاسم خزعلی ، محمد مهدی ربانی املشی ، علی اصغر معصومی ،

عبدالجواد غرویان ، اسماعیل فردوسی پور، علی اکبر اسلامی تربتی

۱۶ - یزد: روح الله خاتمی

۱۷ - ایلام : عبدالرحمن حیدی ، حاج علی الهی

۱۸ - اصفهان : سید جلال طاهری حسین آبادی ، سید حسین مجلسی خادمی ، عباس ایزدی ، سید مهدی یثربی

۱۹ - زنجان : هادی باریک بین ، موسوی خوئینی ها، سید اسماعیل موسوی زنجان

۲۰ - استان مرکزی : محمد موحدی گیلانی (فاضل)

۲۱ - کرمان : محمد هاشمیان ، مرتضی فهیم ، محمد علی موحدی

۲۲ - همدان : محمد باقر محی الدین انواری ، حسین انواری

۲۳ - آذربایجانغربی : مرتضی بنی فضل ، سید علی اکبر قریشی ، علی احمد میانجی

۲۴ - گیلان : صادق احسانبخش ، محمد علی امینیان

در مجموع در دور اول انتخابات خبرگان رهبری ۷۵ نفر به مجلس راه یافتند و مرحله دوم انتخابات مجلس خبرگان رهبری در تاریخ

۲۶ فروردین ۱۳۶۳ در سالروز ولادیت امیرالمؤمنین علی (ع) (۱۳ رجب ۱۴۰۴ قمری)

همزمان با برگزاری دومین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی انجام شد.

در این مرحله افراد ذیل به مجلس خبرگان را یافتند:

۱ - استان تهران : سید صادق گیوی خلخالی

۲ - استان کردستان : سید علی حسینی

۳ - گیلان : محمد علی فیض - عباس محفوظی

۴ - مازندران : سید کاظم نور مفیدی

۵ - بوشهر: محمد یزدی

۲۶ مرداد ۱۳۶۹

ورود آزادگان سرافراز به ایران اسلامی

ان الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل عليهم الملائكة الا تخافوا و لا تحزنوا و ابشروا بالجنة التي كنتم توعدون (۱۵۲)

اگر روز اسراء برگشتند و من نبودم سلام مرا به آنها برسانید و بگوئید خمینی در فکرتان بود



(ما را چه رسد که با این قلم های شکسته و بیانه های نارسا در وصف شهیدان و جانبازان و مفقودان و اسیرانی که در جهاد فی سبیل الله جان خود را فدا کرده و یا سلامت خویش را از دست داده اند یا به دست دشمنان اسلام اسیر شده اند، مطلبی نوشته یا سخنی بگوییم؟ زبان و بیان ما عاجز از ترسیم مقام بلند پایه عزیزانی است که برای اعتلای کلمه حق و دفاع از اسلام و کشور اسلامی جانبازی نموده اند.) (۱۵۳)

(بارالها، اسرای ما اسیر جانی ترین دژخیم زمان می باشند. مقاومت آنها دنیا را شگفت زده کرده است هر چه زودتر آنها را برای خدمت به تو و بندگانت آزاد فرما و به خاندان محترم همه صبر، اجر، سلامت و مغفرت عنایت فرما.) (۱۵۴)

امام خمینی (ره)

روز ۲۶ مرداد ۱۳۶۹ میهن اسلامی شاهد حضور کبوتران سبکبالی بود که پس از سالها زندان در اسارتگاههای مخوف رژیم بعث عراق قدم به خاک پاک میهن اسلامی خود می گذاشتند. در هر حال، قاصدک آزادی در چنین روزی پیام آور رهایی شده و این کبوتران از بند رسته به آغوش گرم ملت خود بازگشتند. میهن اسلامی چراغانی بود. شرف و سروری وصف ناپذیر از حضور این رسولان، انقلاب و جنگ سراسر ایران را فراگرفته بود.

اولین عکس العمل آزادگان از دیدن وطن، بوسه زدن بر خاک آن بود، سرزمینی که قدم به قدم آن با خون بهترین فرزندان این ملت و اسوه جوانان کشور تطهیر شده بود. حرکت بعدی زیارت مرقد پیر و مرادشان خمینی کبیر (ره) و بیعت با جانشین خلف او مقام عظمای ولایت حضرت آیت الله العظمی خامنه ای بود و این همه نشان از علاقه و افر و پابندی آنان به اسلام، انقلاب و میهن عزیزشان بود.

آنها توانستند در سالهای زجر و شکنجه، درد و بیماری جسمی، روح و روان خود را توفنده و مقاوم حفظ کنند و تقوا و مردانگی خود را مضاعف نمایند تا در بازگشت به ایران اسلامی در صحنه های مختلف اجتماعی سرمشق و نمونه ای باشند برای جوانان، برای پیران و خلاصه برای همه تا در دوران سازندگی ایران اسلامی، ملت ما پرصلابت تر، مقاومتر، با دشمنان خود روبرو شود و مشکلات و مصائب را با صبر و بادباری به منظور پیشرفت، ترقی و عظمت ایران اسلامی تحمل نماید.

مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا درباره آزادگان می فرمایند: (۱۵۵)

آزادگان آبروی این ملت را حفظ کردند...

... یکی از چیزهایی که شما را، دلهایتان را زنده نگه می داشت، پرامید نگه می داشت، یاد آن چهره و روحیه پرصلابت امام عزیزمان بود. آن بزرگوار هم خیلی به یاد اسرا بودند. حال پدری را که فرزندانش به این شکل از او دور شده باشند، راحت می شود فهمید.)

(مساله اسارت طولانی فرزندان این ملت به نوبه خود امتحان دیگری بود که ملت ما با موفقیت آن را به انجام رسانده و اسرای ما همانند ملت ایران از خود آزاد مردی نشان دادند و سرانجام با موفقیت و سرافرازی به وطن بازگشتند...

... شما در دوران اسارت شرایط سختی را گذرانید، اما در عین حال با حفظ دین و اعتقادات و دلبستگی خود به اسلام، امام و انقلاب موجب افتخار و آبرومندی ملت خود در برابر دشمن شدید.)

تشکیل ستاد رسیدگی به امور آزادگان (۱۵۶)

ستاد رسیدگی به امور آزادگان در ۲۲ مرداد ۱۳۶۹ براساس قانون حمایت از آزادگان مصوب ۱۳۶۸/۹/۱۳ مجلس شورای اسلامی تشکیل شد. و در نخستین گام با تبادل انبوه اسرا مواجه گردید و براساس همان قانون و با مساعدت و همراهی دیگر دستگاهها مسئولیت این کار عظیم را به دوش گرفت و تبادل بیش از ۴۰۰۰۰ آزاده و به همین تعداد اسیر عراقی را انجام داد. این ستاد با الهام از رهنمودهای مقام معظم رهبری بیش از ۲۷۰ واحد ستادی در سراسر کشور تشکیل داد و ادائه خدمات به آزادگان سرافراز را در زمینه گوناگون آغاز نمود. و در زمینه اشتغال توانست نزدیک به ۹۶ (بیش از ۳۶ هزار نفر) از آزادگان را در دستگاههای دولتی و غیر دولتی مشغول به کار کند.

در زمینه تحصیل کار تا سال ۱۳۷۵ بیش از ۵۳۰۰ نفر از آزادگان موفق به راهیابی و تحصیل در موسسات عالی کشور شده که از این عده ۳۶۵ نفر در رشته پزشکی و دندانپزشکی و داروسازی و ۴۰۶ نفر در رشته های مهندسی و سایر رشته ها پذیرفته شدند. حدود ۵۰۰۰ نفر از آنان در کلاسهای تقویت بنیه علمی و پیش دانشگاهی شرکت کردند و بیش از ۷۰۰ نفر به تحصیل در مقاطع زیر دیپلم توفیق یافتند و نیمی از آزادگان بی سواد طی سالهای ۷۴ - ۱۳۷۱ دوره کلاس نهضت سوادآموزی را با موفقیت طی کردند.

۲۸ مرداد ۱۳۳۲

کودتای امریکایی

پس از پیروزی قیام سی تیر ۱۳۳۰ به رهبری آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی، دکتر محمد مصدق علاوه بر نخست وزیر پست وزارت دفاع را نیز در دست گرفت و زمینه مساعدی فراهم آمد تا بتواند اصلاحات اساسی خود را در زمینه های مختلف آغاز کند. مردم نیز که در تمامی مراحل نقش عظیمی در پیروزیها داشتند با هدایت روحانیت بعد از شروع مجدد صدارت دکتر مصدق از هیچ کوششی فروگذار نکردند و از او پشتیبانی کردند.

انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی، برگزار، و آیت الله کاشانی از تهران انتخاب و علی رغم میل باطنی به ریاست مجلس برگزیده شد. ایشان در این باره گفته اند:

(چون مقام ریاست مجلس به وجهه اینجانب چیزی اضافه نمی کند، بلکه با شائبه های سیاسی این شغل بیشتر مرا لکه دار می سازد؛ توصیه می نمایم که از اعضای فراکسیون (۱۵۷) نهضت ملی، شخصی که شایسته باشد انتخاب کنند. ولی اگر خدای نخواستند فراکسیون نتوانست توافقی پیدا کند و این عدم توافق امکان بروز اختلافات را بنماید من حاضرم فداکاری کرده و این سمت را قبول کنم. اما متأسفم که بواسطه ضعف مزاج قادر به حضور در مجلس و اداره امور آن نیستم.)

با وجود حمایت مردم و آیت الله کاشانی از دکتر مصدق، او در صدد توسعه قدرت و نفوذ خود برآمد و موجب تشدید برخوردهای اختلاف برانگیز شد. در ۲۰ مرداد ۱۳۳۱ لایحه ای را به مجلس فرستاد که به موجب آن اختیار قانونگذاری را برای شش ماه در خواست کرد. دکتر مصدق برای توجیه خواسته خود، مدعی شد که چون دولت در صدد انجام کارهای بزرگ و موثری است، پس باید رئیس دولت اختیارات کافی داشته باشد و این اختیارات فقط در پیشبرد برنامه های سودبخش برای مردم است.

آیت الله کاشانی در عکس العمل به این لایحه نامه ای به این شرح نوشت:

(زیان بزرگ این قانون ناهنجار و نسنجیده در این است که اگر قدرتهای بزرگ خارجی به همدستی قدرتهای داخلی پرچم ملیت ایرانی را واژگون کنند، همین قانون را بر فرق ملیون این مملکت خواهند کوفت و از آن برای سرکوبی، استفاده عظیم خواهند کرد...)

سرانجام مجلس علی رغم میل باطنی موافقت کرد و بعد، لایحه جدیدی را برای انتخابات تهیه کردند که به موجب یکی از بنده های آن، تعداد نمایندگان مجلس از ۱۳۶ تن به ۱۷۲ نفر افزایش می یافت. در صورت تصویب این لایحه می باید ۸۷ نماینده در مجلس حضور داشته باشند، در حالی که مجلس هفدهم فقط با ۷۹ نفر به کار خود ادامه می داد. چون تعداد نمایندگان موجود از حد نصاب تعیین شده کمتر بود، تصویب لایحه مزبور عملاً به تعطیلی مجلس منجر می شد.

اختیارات شش ماهه در شرف اتمام بود. مصدق با وجود داشتن اختیارات و حمایت آیت الله کاشانی، ماده واحده تمدید یکساله اختیارات خود را در ۱۸ دی ماه همان سال با دو فوریت تقدیم مجلس کرد. هنگام طرح این ماده، آیت الله کاشانی که در بیمارستان بستری بود به گروهی از نمایندگان کسبه و اصناف گفتند که مصدق مرد عمل نیست و تاکید مصدق بر گرفتن اختیارات، نقض روشن و آشکار قانون اساسی است، آیت الله، پیامی نیز به مجلس ارسال داشت.

مجلس به پیروی و احترام آیت الله کاشانی تعطیل شد و مصدق از فرصت استفاده کرد و با ارسال نامه ای عدم قبول اختیارات را به مثابه رای عدم اعتماد دانست و از این طریق آیت الله کاشانی و مجلس را در تنگنا قرار داد. آیت الله کاشانی نامه ای دیگر در ۳۰ دی به مصدق نوشت و علی رغم میل باطنی آیت الله دو روز بعد از این نامه، لایحه مذکور به تصویب رسید ولی مصدق سکوت اختیار و حتی به نامه آیت الله نیز پاسخی نداد.

با این حال ، کاشانی به منظور جلوگیری از افزایش اختلاف و سوء استفاده نکردن دشمن ، و جهت حل اختلافات ، ملاقات با مصدق را پذیرفت . پس از این گفتگو اعلامیه ای مشترک به شرح زیر منتشر شد:

(... لازم دانستیم به اطلاع عموم هموطنان عزیز برسانیم ما همان طور که از او ان نهضت ملت ایران همقدم بوده ایم . اکنون هم در راه مشترک ، که تامین استقلال کشور و سعادت مردم مملکت بر آن استوار می باشد، همواره مساعی بوده هر یک در انجام وظایف خود در حصول به مقصود، از هیچ گونه همکاری خودداری نخواهیم داشت ...)

دکتر مصدق با داشتن اختیارات فراوان هر چه را می خواست به صورت قانون در می آورد و کافی بود که امضای خود را زیر آن بگذارد و در حقیقت اصل تفکیک قوا از بین رفته بود.

خارج کردن رهبری از دست آیت الله کاشانی

روند حوادث ، پس از تصویب اختیارات نشان داد که هدف از گرفتن اختیارات ، رفع سریعتر نابسامانیهای مملکت نبوده و عملاً مساله نفت تا پایان نخست وزیری مصدق به تعویق افتاد. نابسامانی اقتصادی کشور مردم را به ستوه آورده و آن اختیارات عملاً موجب بروز بحران در کشور شکاف ، چند دستگی بین مجلس و نهایتاً فراهم ساختن زمینه انحلال آن شد. یکی از مهمترین پیامدهای این حوادث ، بی اعتبار کردن آیت الله کاشانی بود که در اثر به راه انداختن تبلیغات سوء، جنگ روانی گسترده از سوی مزدوران بیگانه و روزنامه های وابسته به دولت علیه آیت الله کاشانی بروز کرده بود.

دکتر مصدق بدون توجه به این نکته که اگر نقش و رهبری کاشانی و حمایت روحانیون نبود، هیچ گاه نمی توانست دوباره به پست نخست وزیری برسد، به پیاده نمودن شعار (جدایی دین از سیاست ) پرداخت و دست به دستگیری و بازداشت روحانیون و نزدیکان آیت الله کاشانی زد. عوامل داخلی و خارجی نیز آن چنان شخصیت این مرد بزرگ و شریف روحانی را لکه دار کردند که شاید بتوان آن را در تاریخ ایران بی سابقه دانست ، این همان چیزی بود ه استعمارگران انگلیس و آمریکا مایل بودند از طریق مصدق و دوستانش عملی شود.

خروج شاه از ایران مقدمه ای برای کودتا

روز نهم اسفند ۱۳۳۱، بار دیگر دکتر مصدق در صدد اجرای نقشه ای بود تا صحنه را خالی کند. او می خواست با رفتن شاه از ایران سبب تحریک بعضی از گروه ها شود و با یک کودتای ساختگی مطابق همان قولی که هندرسون ، سفیر آمریکا به او داده بود، با وجهه ملی کنار برود. او به یقین (یقیناً) می دانست که با رفتن شاه ، شورای عالی سلطنتی تشکیل می شود و به هر صورت ، دست دربار از امور مملکت کوتاه نمی شود و نخست وزیر نمی تواند نظارت و کنترلی بر شاه که در خارج از ایران به سر می برد، داشته باشد. اگر واقعا توطئه ای در کار نبود، چطور این امر را از آیت الله کاشانی که عهده دار ریاست مجلس شورای ملی بود، مخفی نگه داشتند. زیرا به خوبی می دانستند که آیت الله کاشانی نمی گذرد مصدق با این نقشه ، خود را کنار بکشد. از این رو، آیت الله کاشانی

به عنوان رئیس مجلس و در جهت حفظ مصالح کشور و با خواهش عده ای از سران مبارز نهضت ، نامه ای به شاه نوشت و در آن گوشزد کرد که بدون اجازه مجلس ، مملکت را ترک نکند. پس از وقایع نه اسفند، روزنامه های دولیت آیت الله کاشانی را به باد تهمت و افترا گرفتند، کاری که مطابق میل قدرتهای بیگانه بود. وی نیز برای روشن کردن اذهان مردم و زدودن شایعات نادرست ، تنها در جلسات مذهبی ، سخنرانی می کرد و مدعیان آزادی و دموکراسی حق دفاع را از ایشان سلب کرده بودند و سرانجام نیز با بی حرمتی منزل آیت الله را سنگ باران ، و با حمایت پلیس بدانجا هجوم بردند و دو نوه وی را به اتهام قتل دستگیر و بازداشت کردند. شایعه همکاری آیت الله کاشانی با سپهبد زاهدی

همزمان با قضیه خروج شاه و مخالفت آیت الله کاشانی با این اقدام که منجر به وارد آمدن اتهامات بی اساس به ایشان شد، حادثه دیگری نیز در شرف وقوع بود.

سپهبد فضل الله زاهدی که در کابینه مصدق ، وزیر کشور (۱۵۸) بود از پست خود کناره گیری و بظاهر در جناح مخالف مصدق و در رأس آنان قرار گرفت و به عنوان کاندیدای نخست وزیری معرفی شد و برای این که روند جریانات ، طبیعی جلوه کند . روز ۶ / ۱۲ / ۱۳۳۱ حکومت نظامی دولت مصدق ، سرلشکر زاهدی را توقیف کرد. هدف این دستگیری و بازداشت ، فراهم کردن زمینه و طبیعی جلوه دادن وقایع بود، تا سرانجام زاهدی بر سر کار بیاید و مصدق بدون این که از وجهه ملی اش کم شود خود را کنار بکشد. برای سهولت کار، قرار شد این اقدامات بدون حضور شاه در کشور انجام گیرد؛ ولی آیت الله کاشانی این توطئه را نیز مانند دیگر توطئه ها با ممانعت کردن از مسافرت شاه از کشور خنثی کرد، به عبارت دیگر همان کاری که در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ صورت گیرد، بنا بود در این مقطع تاریخی یصورت گیرد، که انجام آن ممکن نشد.

قضیه پنهانده شدن زاهدی به مجلس ، بزرگترین نمایشی بود که می توانست او را معروفتر کند، تا برای اجرای کودتا نظامی آماده شود.

نقشه زیرکانه مصدق این بار هم اجرا نشد و نتوانست از زیر بار مسؤ لیتی که داشت بگریزد. سرانجام در ۲۹ تیر ۱۳۳۲ پس از این که نظر دولت و فراکسیون نهضت ملی مبنی بر انحلال مجلس هفدهم مسلم شد سرلشکر زاهدی با میانجیگیری رئیس مجلس از پناهگاه خود خارج شد، بیانگر این واقعیت است که مصدق مایل به زندانی کردن زاهدی نبود و تحصن او را در مجلس فقط برای آیت الله کاشانی پیراهن عثمان کرده و برای ایجاد این ذهنیت که آیت الله کاشانی با زاهدی ، در جریان کودتا همکاری داشته ، موضوع کاندید نخست وزیر شدن زاهدی را از طرف آیت الله کاشانی شایع کردند.

در حقیقت با این کار دو هدف را دنبال می کردند: اول این که در صدد ایجاد ذهنیت برای مردم ، نسبت به همکاری آیت الله زاهدی بودند و دوم القای این نکته که کاشانی مخالف سرسخت مصدق در همه زمینه هاست .

نامه آیت الله کاشانی به دکتر محمد مصدق در ۲۷ مرداد ۱۳۳۲

یک روز قبل از کودتا آیت الله کاشانی طی نامه ای ، مصدق را از وقوع کودتا آگاه می سازد.

(حضرت نخست وزیر معظم ، جناب آقای دکتر مصدق دام اقباله .

عرض می شود، گرچه امکاناتی برای عرایض نمانده ، ولی صلاح دین و ملت برای این خادم اسلام بالاتر از احساسات شخصی است و علی رغم غرض ورزیها و بوق کرنای تبلیغات شما، خودتان بهتر از هر کس می دانید که هم و غم ، در نگهداری دولت جنابعالی است ، که خودتان به بقای آن مایل نیستید از تجربیات روی کار آمدن قوام و لجبازیهای اخیر، بر من مسلم است که می خواهید مانند سی ام تیر کذابی ، یک بار دیگر ملت را تنها گذاشته و قهرمانه بروید.

حرف اینجانب را در خصوص اصرارم در عدم اجرای رفراندوم نشنیدید مرا لکه حیض کردید. خانه ام را سنگباران و یاران و فرزندانم را زندانی فرمودید و مجلس را که ترس داشتید شما را ببرد، بستند و حالا نه مجلس هست و نه تکیه گاهی برای این ملت گذاشته اید. زاهدی را که من با زحمت در مجلس تحت نظر و کنترل نگاه داشته بودم با لطایف الحیل خارج کردید و حالا همان طور که واضح بوده درصدد باصطلاح کودتاست .

اگر نقشه شما نیست ، که مانند سی ام تیر عقب نشینی و به ظاهر قهرمان بمانید و اگر حدس و نظر من صحیح نیست که همان طور که در آخرین ملاقاتم در دزاشیب به شما گفتم و به هندرسون هم گوشزد کردم که آمریکا ما را در گرفتن نفت از انگلیسها کمک کرد و حالا به صورت ملی و دنیا پسندی می خواهد به دست جنابعالی این ثروت ما را به چنگ آورد و اگر واقعا با دیپلماسی نمی خواهید کنار بروید، این نامه من سندی در تاریخ ملت ایران خواهد بود که من ، شما را با وجود همه بدیههای خصوصیتان نسبت به خودم ، از وقوع حتمی یک کودتا وسیله زاهدی ، که مطابق با نقشه خود شماست ، آگاه کردم که فردا جای هیچ گونه عذر موجهی نباشد. اگر برآستی در این فکر اشتباه می کنم ، با اظهار تمایل شما، سید مصطفی و ناصر خان قشقایی را برای مذاکره خدمت شما می فرستم . خدا به همه رحم بفرماید. ایام به کام باد.

سید ابوالقاسم کاشانی )

جواب سربالای دکتر مصدق و پیروزی زاهدی

در پاسخ به این نامه تاریخی ، مصدق تنها به نوشتن این جمله کوتاه مبادرت نمود:

(موقومه حضرت آقا، بوسیله آقای حسن آقا سالمی زیارت شد. اینجانب مستظهر به پشتیبانی ملت ایران هستم ) والسلام .

دکتر محمد مصدق

دکتر مصدق که خود را مستظهر به پشتیبانی ملت می دانست با اقداماتی از قبیل انحلال مجلس هفدهم ، رفراندوم سی تیر و... تنها به فکر خویش بود و به قول آیت الله کاشانی این هدف را تعقیب می نمود که قهرمانانه زنده بماند و زمینه های لازم را برای کودتا فراهم کرده بود. مصدق با وجود این که از فعالیتهای پشت پرده اطلاع دقیق و کافی داشت و نیز برای جلوگیری از آن ابزار و قدرت

کافی در اختیار داشت ، در عین حال نسبت به فرماندهان واحدهای ارتش مستقر در تهران اعتماد کرد. وی نه تنها با اطلاع از تمام ماجرا مماشات کرد، حتی پس از شروع کودتا نیز سعی در مبارزه با کودتاپیان نکرد. مصدق حتی به درخواست دوستانش که اصرار داشتند رادیو، خبر کودتا را به مردم اعلام کند و از مردم استمداد بطلبد، توجهی نکرد و با این کار مخالفت کرد. سرانجام زاهدی با نقشه شوم کودتا، که توسط سازمان سیا، پس از خروج شاه از ایران طرح ریزی شده بود، موفق شد دولت ملی را از بین ببرد و مصدق فوراً خود را تسلیم زاهدی کرد و در یک دادگاه به سه سال حبس محکوم شد ؛ اما آیت الله کاشانی به مخالفت خود با زاهدی ادامه داد و علم مبارزه را بلند کرد و ملت را از یاد نبرد و سرانجام دستگیر و زندانی شد و پسرش مصطفی نیز در این راه به شهادت رسید. آیت الله کاشانی بعد از کودتای ننگین ۲۸ مرداد در نامه ای خصوصی ، اوضاع مملکت را چنین تشریح می نماید:

(... فساد و تباهی ، وحشتزاست . یک مشت مردم بی سر و پا، به جان ، مال و ناموس ملت مسلط هستند. همان روزهایی که از آن ترس داشتیم ، رسیده است . مصدق با خودخواهی و لجبازی همه سنگرهای دفاعی ملت را خرد و نابود کرد شاه که در دست ما (موم) بود، اکنون صدقه سر مصدق یک تازی می کند. مصطفی را کشت . خواستم خونخواهی کنم ، مرا به زندان روانه کرد. نمی دانم شرح ما وقع را شنیده اید یا خیر؟ در استنطاقی که کردند گفتند؛ شما محرک قتل رزم آرا هستید. به مدعی العموم گفتم : اگر مصدق مرا با لجاج ، عناد و یا به دستور خارجی از اثر نینداخته بود، حکم نابودی یک ، یک شما را می دادم که مثل زالو خون ملت بیرمق را می مکید. در زندان خیلی صدمه خوردم . از اطراف و اکناف ، حتی آقای بروجردی اقداماتی کردند، وگرنه شاه می خواست مرا هم نابود کند...

ضعف ، مریضی و ناراحتی شدید از اوضاع مردم ، عنقریب مرا از پای می اندازد.

هر چه فریاد زدم که دست از خودخواهی و تجاوز به قانون ، که تنها پناهگاه ملت است بردارند، گوش شنوایی نبود. در هر زمان که مصالح اسلام و ملت در کار بوده ، خود و شخصیتم را فراموش کردم . مگر می دانستم که با بوق و کرنایی که مصدق در اختیار دارد، مخالف او حرف زدن انتحار سیاسی است ؟ ولی من اگر سکوت می کردم ! در مقابل تاریخ این ملت مسئول بودم . تا ابدالدهر متجاوزین به قانون اساسی این مردم ، خواهند شنید که کسی هم در این مملکت بوده که واهمه نداشته و برای دفاع از قانون اساسی که ارثیه قیمتی مجاهدین مشروطه است ، از اسم و رسم و مقام چشم پوشیده ...)

نامه زیر که از سوی آیت الله کاشانی در تاریخ ۱۳۳۲/۱۱/۲۰ خطاب به رئیس سازمان ملل نگاشته شده است ، بیانگر موضع با قدرت ، اصولی و خیر خواهانه ایشان نسبت به ملک و ملت ایران و نیز اوضاع بسیار آشفته ، هرج و مرج و تاریک روزهای بعد از کودتا است .

جناب آقای هامراسکیولد دبیر کل سازمانملل متحد (۱۵۹)

بدین وسیله به اطلاع سازمان ملل متحد که تنظیم و تصویب کننده حقوق بشر است می‌رساند، تا دنیای آزاد بداند که هیچ وقت وضعیت مملکت ایران به این اندازه اسف‌انگیز و دلخراش نبوده و آزادی جز برای خائنین و عمال اجنبیانی که در صدد تامین منافع استعماری خود می‌باشند وجود ندارد. در این ایام که انتخابات مجلسین (شوری و سنا) جریان دارد دولت تمام روزنامه‌های ملی بنام مخالف را توقیف کرده و با کنترل شدید چاپخانه‌ها بوسیله قوای مسلح امکان انتقاد و نشر حقایق را از قاطبه ملت سلب نموده است و جرائدی که اکنون منتشر می‌شود، تحت سانسور شدید بوده و حتی اجازه ندارند که خبر قتل و کشتگانی را که هر روز در کوچه و خیابان به دست مامورین دولت از پا در می‌آیند منتشر سازند، و نیز عدم آزادی به حدی است که مخبرین خبرگزاری‌های خارجی قادر به مخابره جریانات واقعی نبوده و به انواع تزییقات دچار و با تهدید به اخراج از کشور، نمی‌توانند وظیفه خود را انجام دهند. اکنون جمعی از ملیون و آزادیخواهان متدین که مورد علاقه مردم می‌باشند یا در زندان بسر برده، یا خانه و مسکن آنان تحت نظر پلیس و مامورین کارآگاهی می‌باشد. در همین شرایط دزدان، جانپان، عناصر بد سابقه و نوکران استعمار خارجی در کمال وقاحت و به زور سرنیزه به عنوان نماینده ملت به مردم بی‌پناه این مملکت تحمیل می‌شوند.

من باب نمونه انتخابات دو درجه مجلس سنا، در تهران که توأم با تقلب و تزویز و تهدید جریان یافته قابل ذکر است. چه، علاوه بر آن که انجمنهای اصلی و فرعی نظارت انتخابات شامل اشخاص غیر معتمد مردم و اکثرا از بستگان کاندیدهای دولتی تشکیل گردیده و قانونا می‌بایست رای بطور مخفی و آزاد از طرف اشخاصی با سواد داده شود، لیست کاندیدای دولتی، بوسیله ادارات - موسسات دولتی به کارمندان (کارگران تحمیل و آنها را وادار نمودند، بر طبق آن رای دهند و افرادی که برای دادن رای به حوزه‌های انتخابیه وارد می‌شدند رای آنها را اخیرا کنترل و در صورت عدم تطبیق با لیست دولتی قبل از دادن رای بوسیله رجاله و اوباش اجیر شده دولتی، مضروب و مجروح گردیده با کامیون پلیس به زندان تحویل می‌شدند. نیز تعداد زیادی رای از اشخاص بیسواد یا بدون شناسنامه گرفته شده و همچنین با توجه به ساعات اخذ رای و مجموع آراء موجود در صندوقها مقدار معتناهی بالغ بر نصف کلیه آراء ماخوذه از طرف متصدی مربوطه آراء قلابی به صندوقها وارد گردیده است. با کیفیت مزبور آراء ملی و طبیعی، کسانی که توانسته‌اند با وجود تزییقات و مخاطرات رای خود را بنفع کاندیدهای ملی به صندوق بریزند در موقع شمارش و قرائت آراء از منع حضور مخبرین جرائد و نظار ملی که در تمام ادوار معمول بوده استفاده کرده و آنها را به حساب کاندیدهای دولتی احصاء و بالنتیجه آنها را حایز اکثریت نمودند.

این مختصری از جریانات انتخابات پایتخت مملکت است که حدیث مفصل انتخابات شوری و سنای شهرستانها را می‌توان از این مجمل فهمید.



البته ملل آزاد جهان از خود می پرسند منظور دولت فعلی از این همه اعمال ضد انسانی و کشتار مردم آزادیخواه و دانشجویان بیگناه دانشگاه ، کارگران آبادان ، حبس و تبعید مخالفین رویه حکومت و ضرب و شتم معترضین به سوء جریان انتخابات و اعمال فشار چیست ؟

هدف دولت فعلی اینست که ، برای تهیه پول به هر وسیله و به هر شرط، جز اخذ عوارض و مالیاتهای قانونی از مالکین عمده و سرمایه داران بزرگ به منظور حفظ مقام و موقعیت خود و خوراندن به دار و دسته دزد و قطاع الطریقی که از او حمایت می کنند اقدام نموده تا حکومت منفور تحمیلی خود را به بهانه ظاهر فریب مبارزه با کمونیسم ادامه داده و انتخابات مجلسین قانون گذاری را به بهانه ظاهر حقوق ملی و قوانین موجود و سنن مشروطیت در چنان شرایطی که نظیر آن در کشورهای دیکتاتوری هم دیده نمی شود به انجام رسانده تا با وجوه دریافتی از خارجه و تکیه به سر نیزه سلطه خود را حفظ نماید و امیدوار باشد که اعضای مجلسینی که انتصاب خود را به عنوان نماینده مردم فقط و فقط مدیون مداخلات غیر قانونی و بیشرمانه می دانند از او حمایت نموده و قرار دادهائی را که برای فروش نفت ایران و تهیه پول منعقد می سازد و همچنین قوانینی را که با مابینت با حیثیت و استقلال و آزادی کشور تهیه می نماید تصویب کنند.

بدیهیست دولت حاضر در چنین شرایط و اوصافی که تنها با توسل به وسائل غیر قانونی به حکومت خود ادامه می دهد هر قول و قراری که بدهد و هر قرار دادی را امضاء کند و یا قوانینی به تصویب برساند به هیچ وجه از طرف ملت ایران رسمیت نخواهد داشت و هر دولت یا موسسه خارجی که پولی به این دولت بپردازد یا اعتباری برایش باز کند ناگزیر بعدا باید برای استرداد و تسویه حساب خود را با اشخاص طرف بداند.

ملت ایران به خود حق می دهد به موقع در اولین فرصت ممکنه مرتکبین این اعمال ضد انسانی و مسببین کشتارهای دسته جمعی متجاوزین به حقوق اولیه و اساسی خویش را به شدیدترین وجهی مجازات نماید.

غرض از این نامه آنست که : اولا توسط آن سازمان بین المللی صدای اعتراض ملت ایران را به گوش دنیای آزاد برساند و در ثانی اعلام بدارد دولت زاهدی اصول مسلمة قانون اساسی مملکت و مواد مصوبه منشور ملل متفق و اعلامیه جهانی حقوق بشر را زیر پا گذاشته ، نمی تواند مظهر اراده ملت و منبعث از ملت باشد؛ بنابراین هر قرار و تعهدی را بنماید و مجلسینی که چگونگی آن ذکر شد،

تصویب کنند فاقد ارزش و نفوذ قانونی بوده و ملت ایران خود را ملزم به احترام و اجرای آن نخواهد دانست ، این نامه به عنوان اطلاعیه ای قبلی تقدیم آن سازمان می گردد تا دولتهای وابسته به آن سازمان و موسسات تابعه آن دولتها بدانند که از عدم اجرای قول و قرارهای این دولت حق مراجعه و شکایت از ملت ایران را نخواهند داشت . ملت ایران از آن سازمان و اعضاء آن سازمان که منشور ملل متحد و اعلامیه حقوق بشر را امضاء و تصویب نموده اند انتظار دارد به احترام اصولی که میلیونها نفر انسان به خاطر آن جان فدا کرده اند خود را به حقایق اوضاع اسفناک کشور ما آشنا ساخته و برای تامین جزئی منافع مادی که از معامله نفت ایران به

دست می آید، حاضر نشوند که یک ملت زنده تحت فشار قوای استعماری قرار گیرد و موجباتی پیش آید که متضمن عواقب و خیم برای صلح در این نقطه از جهان گردد.

در پایان اضافه می شود بواسطه جلوگیری از مخابره تلگرافات و ارسال نامه پستی بوسیله دولت فعلی این نامه توسط قاصد مخصوص به لبنان ارسال شد که از آنجا به سازمان ملل متحد فرستاده شود و همین موضوع به خوبی چگونگی وضع ایران را روشن می نماید.

سید ابوالقاسم کاشانی

۲۸ مرداد ۱۳۵۸

تشکیل مجلس خبرگان بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و برگزاری اولین انتخابات که منجر به تعیین نوع حکومت و تشکیل جمهوری اسلامی در ایران گردید، بحث راجع به تعیین قانون اساسی نظام در محافل مختلف گسترش یافت. این مرحله از مبانی استقرار نظام نیز با تیزبین و آینده نگری امام خمینی (ره) با موفقیت پشت سر گذاشته شد. پیش نویس قانون اساسی که از پیش به دستور امام (ره) نگارش یافته و متن آن توسط شورای انقلاب و هیئت دولت موقت، مورد بحث و بررسی قرار گرفته که جهت جلب آراء و انظار مردم و اندیشمندان در تاریخ ۱۳۵۸/۳/۲۴ در روزنامه های کثیرالانتشار، در ۱۲ فصل و ۱۵۱ ماده منتشر گردید.

بعد از انتشار پیش نویس قانون اساسی نغمه های شوم در جهت جلوگیری از تصویب قانون اساسی و ممانعت از تسریع در تصویب آن آغاز گشت. جبهه متحد ضد انقلاب با مطرح کردن اشکالاتی در متن قانون اساسی و نحوه تصویب آن سعی داشت مانع از تصویب قانون اساسی صد در صد اسلامی گردد. به همین خاطر در ابتدا با مطرح کردن تشکیل مجلس موسسان جهت بررسی این قانون، اولین قدم را در جهت تضعیف آن برداشتند.

جهت تشکیل مجلس موسسان که مجموعه دو مجلس سنا و شوری را در بر می گرفت مدت زمان زیادی لازم بود. کثرت و تعداد نمایندگان و بالطبع تشتت آراء نیز مانع از تصویب سریع قانون اساسی و انسجام لازم در این قانون می گردید.

امام (ره) با هوشیاری تمام، این جریان را یک توطئه معرفی کرده و مخالفت خویش را با آن اعلام نمودند.

(توطئه اینست که تصویب قانون اساسی را به تعویق بیندازند... من امروز ملت را آگاه کردم که طرح مجلس موسسان به آن معنایی

که از غرب گرفته شده است و الهام از شیاطین گرفته شده است موجب تعویق می شود و موجب فساد.) (۱۶۰)

امام خمینی (ره) در دیدار با علماء و روحانیون به تاریخ ۱۳۵۸/۳/۳۰ در رابطه با پیش نویس قانون اساسی فرمودند:

(این قانون که پیش نویس شده است برای اینست که همه نظر بدهند، شما آقایان، شما علمای اعلام، شما متفکرین، شما

اشخاصی که علاقه به دیانت مقدسه اسلام دارید و عقیده دارید هیچ حکومتی مثل حکومت اسلام نیست و هیچ رژیمی مثل رژیم

اسلام نیست باید نظر کنید به یک یک مواد این قانون ... این حق شماسست . درباره قانون اسلام باید اسلام شناس نظر بدهد، قانون اساسی جمهوری اسلامی یعنی قانون اساسی اسلام (۱۶۱)

با تاکید امام (ره) مبنی بر تشکیل مجلس (خبرگان) بررسی نهایی قانون اساسی لایحه قانون انتخابات مجلس خبرگان در هشت فصل و ۴۰ ماده به تصویب هیئت دولت و شورای انقلاب رسید.  
در ماده یک این لایحه آمده است :

(ماده ۱: به منظور اظهار نظر نهایی درباره متن قانون اساسی جمهوری اسلامی، که قبلا تنظیم و در مراحل مختلف بررسی شده مجلس، بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در تهران تشکیل می شود.  
در ماده در مورد تعداد نمایندگان مجلس خبرگان آمده است :

(عده اعضای مجلس، بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با نمایندگان اقلیتهای مذهبی ۷۵ نفر خواهد بود که وزارت (کشور) با رعایت جمعیت و ضوابط جغرافیایی به استانها تقسیم خواهد کرد.)

بنا به تصویب دولت موقت برگزاری انتخابات خبرگان ۱۲ مرداد ۱۳۵۸ اعلام گردید که این انتخابات با شرکت گسترده مردم برگزار شد و تمامی ۷۵ نفر نماینده انتخاب شدند.

افتتاح مجلس خبرگان، بررسی قانون اساسی

مجلس خبرگان (اول) در روز ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ با پیام امام خمینی (ره) که توسط آیت الله هاشمی رفسنجانی قرائت گردید، افتتاح شد.

متن پیام امام (ره) بدین شرح است (۱۶۲):

بسم الله الرحمن الرحيم

(اکنون که با عنایت خداوند متعال و تایید حضرت ولی الله اعظم - عجل الله فرجه - با یمن و برکت، مجلس رسیدگی پیش نویس

قانون اساسی کار خود را شروع می کند، بجاست تذکراتی به ملت شریف و حضرات علمای عظام و سایر وکلای محترم بدهم :

۱ - بر هیچ یک از آنان که از انقلاب اسلامی ایران اطلاع دارند، پوشیده نیست که انگیزه این انقلاب و رمز پیروزی آن اسلام بوده

و ملت ما در سراسر کشور از مرکز تا دور افتاده ترین شهرها و قراء و قصبات با اهدای خون و فریاد الله اکبر جمهوری اسلامی را

خواستار شدند و در فراندم بیسابقه و اعجاب آور، با اکثریت قریب به اتفاق به جمهوری اسلامی رای دادند و دولت های اسلامی و

غیر اسلامی، رژیم و دولت ایران را به عنوان جمهوری اسلامی به رسمیت شناختند.

۲ - با توجه به مراتب فوق، قانون اساسی و سایر قوانین در این جمهوری باید صد در صد براساس اسلام باشد و اگر یک ماده هم

بر خلاف احکام اسلام باشد، تخلف از جمهوری و آرای اکثریت قریب به اتفاق ملت است. بر این اساس هر رای یا طراحی که از

طرف یک یا چند نماینده به مجلس داده شود که ، مخالف اسلام باشد، مردود و مخالف مسیر ملت و جمهوری اسلامی است و اصولاً نمایندگانی که بر این اساس انتخاب شده باشند، وکالت آنان محدود به حدود جمهوری اسلامی است و اظهار نظر و رسیدگی به پیشنهاد مخالف اسلام یا مخالف نظام جمهوری ، خروج از حدود وکالت آنهاست .

۳ - تشخیص مخالفت و موافقت با احکام اسلام مختصراً در صلاحیت فقهای عظام است که الحمدلله گروهی از آنان در مجلس وجود دارند و چون این امر تخصصی است ، دخالت وکلای محترم دیگر در این اجتهاد و تشخیص احکام شرعی از کتاب و سنت ، دخالت در تخصص دیگران بدون داشتن صلاحیت و تخصص لازم است . البته در میان نمایندگان ، افراد فاضل و لایقی هستند که در رشته های حقوقی ، اداری و سیاسی تخصص دارند و صاحب نظرند که از تخصصشان در همین جهات قوانین استفاده می شود و در صورت اختلاف متخصصان ، نظر اکثریت متخصصان معتبر است .

۴ - من با کمال تاکید توصیه می کنم که اگر بعضی از وکلای مجلس تمایل به مکاتب غرب یا شرق داشته یا تحت تاثیر افکار انحرافی باشند، تمایل خودشان را در قانون اساسی جمهوری اسلامی دخالت ندهند و مسیر انحرافی خود را از این قانون جدا کنند، زیرا صلاح و سعادت ملت ما در دوری از چنین مکتب هایی است که در محیط خودشان هم عقب زده شده و رو به شکست و زوال است .

از گفته ها و نوشته های بعضی از جناح ها به دست می آید: افرادی که صلاحیت تشخیص احکام و معارف اسلامی را ندارند، تحت تاثیر مکتب های انحرافی ، آیات قرآن کریم و متون احادیث را به میل خود تفسیر کرده و با آن مکتب ها تطبیق می نمایند و توجه ندارند که مدارک فقه اسلامی براساسی مبتنی است که محتاج به درس ، بحث و تحقیق طولانی دارد و با آن استدلال های مضحک ، سطحی و بدون توجه به ادله ، معارض و بررسی همه جانبه معارف بلند پایه و عمیق اسلامی را نمی توان به دست آورد و من انتظار دارم محیط مجلس خبرگان از چنین رویه ای به دور باشد.

۵ - علمای اسلام حاضر در مجلس اگر ماده ای از پیش نویس قانون اساسی و یا پیشنهادهای وارده را مخالفت با اسلام دیدند، لازم است با صراحت اعلام دارند و از جنجال روزنامه ها و نویسندگان غربزده نهراسند، که اینان خود را شکست خورده می بینند و از مناقشان و خرده گیریها دست بردار نیستند.

۶ - نمایندگان محترم مجلس خبرگان باید همه مساعی خویش را به کار برند تا قانون اساسی جامع و دارای خصوصیت زیر باشد:

الف - حفظ، حمایت حقوق و مصالح تمام قشرهای ملت ، دور از تبعیض های ناروا.

ب - پیش بینی نیازها، منافع نسل های آینده ، آنگونه که مدنظر شارع مقدس در معارف ابدی اسلام است .

ج - صراحت و روشنی مفاهیم قانون به نحوی که امکان تفسیر و تاویل غلط در مسیر هوس های دیکتاتورها و خودپرستان تاریخ در

آن نباشد.

د - صلاحیت نمونه و راهنما قرار گرفتن برای نهضت های اسلامی دیگر که با الهام از انقلاب اسلامی ایران در صدد ایجاد جامعه اسلامی بر می آیند.

در خاتمه از خداوند متعال ، توفیق و تایید همگان را خواستارم و امیدوارم به برکت تلاش آقایان ، قانون اساسی واقعا اسلامی و مترقی به تصویب برسد.)

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

روح الله الموسوی الخمینی

مجلس خبرگان در عصر همان روز آیت الله منتظری را به ریاست مجلس انتخاب و روز بعد، آیت الله منتظری ریاست مجلس خبرگان را به شهید مظلوم دکتر بهشتی واگذار کرد.

این شهید بزرگوار با مدیریت عالی و درایت تمام توانست جلسات متعددی را که جهت بررسی قانون اساسی تشکیل می شد اداره کند. و سرانجام مجلس خبرگان پس از سه ماه تلاش و فعالیت فوق العاده کار پر مسئولیت تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را در ۲۴ آبان ۱۳۵۸ در ۱۲ فصل و ۱۷۵ اصل و با یک مقدمه و موخره تنظیم نمود و در تاریخ ۱۳۵۹/۹/۱۲ به تصویب نهایی ملت ایران رسید.

شهادی مجلس خبرگان

در دوران بحرانی انقلاب ، چندین از نمایندگان خبرگان اول به دست منافقین به شهادت رسیدند که عبارتند از:

شهید آیت الله دکتر محمد حسینی بهشتی ، آیت الله اسد الله مدنی ، آیت الله سید عبدالحسین دستغیب ، آیت الله محمد علی

صدوقی ، حجت الاسلام والمسلمین عبدالکریم هاشمی نژاد، حجت الاسلام محمد تقی بشارت ، دکتر حسن آیت ، دکتر محمد جواد

باهنر، دکتر حسن عضدی

اسامی نمایندگان منتخب در مجلس خبرگان ، بررسی قانون اساسی :

۱ - تهران : آیات عظام سید محمود طالقانی ، سید محمد حسینی بهشتی ، حسینعلی منتظری ، موسوی اردبیلی و آقایان سید

ابوالحسن بنی صدر، دکتر علی گلزاده غفوری ، دکتر عباس شیبانی ، مهندس عزت الله سبحانی ، علی محمد عرب و خانم منیره

گرچی

۲ - گیلان : حجت الاسلام محمد مهدی ربانی املشی ، دکتر سید عبدالله ضیائی ، دکتر حسن عضدی

۳ - یزد: آیت الله محمد علی صدوقی

۴ - آذربایجانغربی : حجج الاسلام سید علی اکبر قریشی و محمد فوزی ، و آقای عبدالرحمن قاسملو

۵ - ایلام : شیخ عبدالرحمن حیدری

۷ - زنجان : آیات عظام هادی باریک بین و سید اسماعیل موسوی زنجان

۸ - همدان : آیت الله سید اسد الله مدنی و سید کاظم اکرمی

۹ - کهگیلویه و بویر احمد: حاج شیخ محمد تقی بشارت

۱۰ - کرمان : دکتر محمد جواد باهنر، محمد جواد حجتی کرمانی

۱۱ - سیستان و بلوچستان : مولوی عبدالغریز ملازاده ، حمید اله میر مرادی زهی

۱۲ - کرمانشاهان : شیخ محمد یزدی ، سید موسی موسوی

۱۳ - لرستان : حجج الاسلام سید حسین طاهری خرم آبادی ، سید محمد باقر طباطبایی سلطانی

۱۴ - چهارمحال بختیاری : دکتر احمد نوربخش

۱۵ - استان ساحلی : حجت الاسلام حاج میرزا محمد انواری

۱۶ - اصفهان : حجت الاسلام سید جلال طاهری ، سید علی اکبر پرورش ، آیت الله حاج آقا حسین خادمی ، دکتر حسن آیت

۱۷ - کردستان : حجت الاسلام حسینعلی رحمانی ، حجت الاسلام شیخ جواد فاتحی

۱۸ - خوزستان : سید محمد کیاوش ، آیت الله شیخ محمد کرمی ، حجت الاسلام سید محمد علی موسوی جزایری ، محمد رشیدیان

۱۹ - مرکزی : آیت عظام شیخ مرتضی حائری ، شیخ لطف اله صافی

۲۰ - سمنان : آیت الله ابوالقاسم خزعلی

۲۱ - فارس : آیت عظام شیخ عبدالرحیم ربانی ، سید عبدالحسین دستغیب ناصر مکارم شیرازی و حجت الاسلام سید منبر الدین

حسینی هاشمی

۲۲ - مازندران : آیت الله جوادی آملی ، حجت الاسلام عبدالکریم هاشمی نژاد، سید جعفر کریمی دیوکلائی ، حبیب الله طاهری و آقا

دکتر علی قائمی امیری

۲۳ - خراسان : آیات عظام میرزا جواد ترخانی (تهران) ، ابوالحسن مقدسی (شیرازی) ، علی فلسفی تنکابنی ، دکتر محمود روحانی ،

استاد جلال الدین فارسی ، حجت الاسلام محمد حسین خامنه ای ، حجت الاسلام علی مراد خانی ارنگه

۲۴ - آذربایجانشرقی : آیات عظام جعفر سبحانی ، سید محمد علی انگجی ، سید جعفر اشراقی ، مهندس رحمت اله مراغه ای ،

حجت الاسلام سید ابوالفضل موسوی ، میرزا علی مشکینی

نمایندگان اقلیتها:

موید رستم شهزادی (زرتشتیان) ، سرگن بیت اوشانا (آشوری و کلدانی) ، هرایر خالاتیان (ارامنه) ، عزیز دانش راد (کلیمیان)

## شهادت سید علی اندرزگو

شهید سید علی اندرزگو در رمضان سال ۱۳۱۸ شمسی در بازارچه گمرک خیابان شوش تهران در یک خانواده متوسط دیده به جهان گشود. او پس از طی دوران کودکی و در پایان تحصیلات ابتدایی به سبب مشکلات معیشتی، ترک تحصیل نمود و در یک کارگاه نجاری مشغول به کار شد. از آنجایی که سید علی به علوم دینی علاقه و آفری داشت پس از بازگشت از کار روزانه به منزل، تا پاسی از شب از چشمه فیاض این علوم بهره ها می برد و نیز در مسجد هرنندی دروس فقه و اصول می خواند.

شهید اندرزگو، در نوجوانی و سالهای شکل گیری شخصیتش با نواب صفوی آشنا شد. منش و شخصیت این روحانی مبارز در ذهن و ضمیر او اثری ژرف گذاشت و فرایند این تاثیر روحی، آشنایی با تشکیلات فدائیان اسلام و راه مبارزاتی آنها بود که در تعیین مشی مبارزاتی شهید اندرزگو نقش آفرین بود.

وی که در آن سالها به سلاح علم و ایمان، خود را مسلح می ساخت، سرانجام با درک و لمس روح نهضت ۱۵ خرداد به رهبری امام خمینی (ره) در سن هیجده سالگی گام به عرصه مبارزه با رژیم پهلوی نهاد. شهید اندرزگو در جریان قیام ۱۵ خرداد خود یکی از عاملین تظاهرات پرشور مردم بود که همان شب با اهداء کتابی از امام مورد تقدیر قرار گرفت.

پس از واقعه ۱۵ خرداد در همین رابطه دستگیر و تحت شدیدترین شکنجه ها قرار گرفت، و با این که در زیر شکنجه بیهوش شده بود، به سبب عزم خدادادی کوچکترین کلامی که بتواند شکنجه گران را به مقصودشان رهنمون سازد بر زبان نیاورد. پس از رهایی از زندان با شهید حاج صادق امانی و دیگر دوستانی که از سابق می شناخت ارتباط برقرار کرد و تصمیم به مبارزه ای پیگیر و مسلحانه علیه رژیم شاهنشاهی گرفت و در راستای این هدف وارد شاخه نظامی هیئت موتلفه جمعیت‌های اسلامی شد. و در همین زمان مساله ترور حسنعلی منصور نخست وزیر وقت مطرح گردید و او به همراه دیگر افراد شرکت کننده در این ترور، در مراسم تحلیف شرکت کرد و اولین نفری بود که دست روی قرآن گذاشت و سوگند یاد کرد که تا آخرین قطره خون خود نسبت به نهضت و آرمانهای اسلامی آن وفادار بماند.

اعدام انقلابی حسنعلی منصور با همکاری شهیدان محمد بخارائی، رضا صفار هرنندی، مرتضی نیک نژاد و حاج صادق امانی جامعه عمل پوشید. شهید اندرزگو که ۱۹ سال بیشتر نداشت در این عملیات مسئولیت کند کردن اتومبیل منصور را در محدوده بهارستان بر عهده داشت، تا شهید بخارائی بتواند با دقت عمل او را از پای در آورد. وقتی که شهید اندرزگو با موفقیت وظیفه خود را انجام داد، منصور به ناچار در نزدیکی مجلس از اتومبیل پیاده، و عازم مجلس شد و همین امر فرصتی فراهم آورد که شهید بخارائی از این موقعیت به دست آمده، استفاده کرد و خشم و نفرت ملت مسلمان ایران را با گلوله ای که شلیک کرد در گلوی او نشانده ابراز کرد.

پس از این حرکت ، شهید اندرزگو برای اطمینان از مرگ منصور، خود را به او رساند و گلوله دیگری در مغزش خالی کرد و بسرعت متواری شد. و از آن بعد زندگی مخفی اختیار ولی هرگز خود را از مبارزه پس نکشید و بیش از پیش در این عرصه گام برداشت . او مخفیانه در قم زندگی و تحصیل علوم حوزوی را ادامه داد.

رژیم که از یافتن وی مایوس شده بود او را غیابا محاکمه و به اعدام محکوم کرد.

پس از مدتی که او و دیگر همزمانش مشغول فراگیری علوم حوزوی بودند، توسط ساواک شناسایی شدند. اما اندرزگو توانست فرار کند و خود را مخفیانه به عراق رساند و از نعمات وجودی امام (ره) از نزدیک استفاده ها ببرد؛ ضمنا هر وقت فرصتی پیش می آمد با سخنرانیهای پرشور خود در شنوندگان تاثیر بسزایی می گذاشت و آنان را به تحرک وادار می داشت . شهید، در سال ۱۳۴۵ به ایران بازگشت و به قم رفت و مجددا سرگرم فعالیتهای انقلابی شد که دوباره شناسایی گردید و ناگزیر به تهران آمد و در محله چیدر(۱۶۳) سکنی گزید.

در چیدر تحصیل علوم دینی و مبارزاتش را از نو و در بعدی دیگر آغاز کرد. در همین جا بود که ازدواج کرد و یکسال و نیم در یک اتاق اجاره ای با همسرش زندگی کرد. افراد زیادی به عنوان میهمان به منزل وی رفت و آمد می کردند که بعدها معلوم شد، آنها سربازان واقعی آقا امام زمان (عج) بودند و تحت آموزش وی قرار می گرفتند. وی به مرور زمان بر وسعت فعالیتهای انقلابییش افزود و برای این که شناسایی نشود منزلش را پس از مدتی عوض کرد. (۱۶۴)

در سال ۱۳۵۱ شمسی ، یکی از دوستان وی دستگیر، و در زیر شکنجه های طاقت فرسا به مواردی در رابطه با شهید اندرزگو اعتراف کرد و ساواک از سر نخى که به دست آورده بود، در صدد دستگیری وی برآمد، اما او توانست مثل همیشه از دست ساواک بگریزد و به قم برود. در قم مجددا با نام مستعار و با ظاهری دیگر، اتاقی اجاره کرد و مشغول فعالیت شد و با گروههای مبارز مسلمان به برگزاری ارتباط پرداخت و برای آنها پول و اسلحه و مهمات و امکانات فراهم ساخت . بار دیگر ساواک موفق به شناسایی و محل زندگی او شد و این بار نیز وقتی به اتاق او ریختند وی از معرکه گریخت و با نامی دیگر و در لباسی مبدل ، خود را به مشهد رساند و در آن شهر با حجت الاسلام عباس واعظ طبسی (تولیت فعلی آستان قدس رضوی)(۱۶۵) تماس گرفت و با کمک ایشان توانست همراه همسرش و به طور پنهانی از طریق زابل و زاهدان به افغانستان فرار کند.

وی در افغانستان تنها یک ماه دوام آورد و روح بلند او نتوانست دور از مبارزه باشد، لذا تصمیم به بازگشت گرفت و مخفیانه خود را به مشهد رساند.

در این دوران شهید اندرزگو، روزها با لباس مبدل و با نامهای مستعار به شهرستانهای مختلف مسافرت می کرد و به فعالیتهای تبلیغی مشغول می شد و شبها نیز در نزد ادیب نیشابوری به توسعه معلومات می پرداخت و همزمان ، طلاب دیگر را نیز از اطلاعات علمی و مبارزاتی اش بهره مند می ساخت . او در مشهد چندین خانه عوض کرد و نیز پنهانی به سفر حج مشرف شد. در سفر دیگری



که عازم انجام عمره شده بود خود را به نجف اشرف رساند و به زیارت امام (ره) نائل و از انفاس قدسی این دریایی بیکران فیض، نیرو گرفت. و سپس به سوریه و لبنان سفر کرد و بر تجربه های مبارزاتی خویش افزود.

در لبنان با نماینده امام (ره) در سازمان الفتح تماس گرفت و ضمن دیدن تعلیمات نظامی طرز استفاده از سلاحهای سنگین را فرا گرفت و مقدمات وارد کردن چنین اسلحه ای را به ایران تدارک دید.

سید پس از بازگشت به ایران همزمان با اوجگیری انقلاب اسلامی تصمیم به نابودی شاه گرفت. لذا با یک برنامه ۶ ماهه، رفت و آمدهای شاه را تحت نظر گرفت تا بتواند با وارد کردن مواد منفجره از فلسطین، هدف خود را پیاده کند، لیکن در این امر توفیق نیافت، لذا دست به کار شد، تا به کمک شخصی در داخل کاخ سلطنتی به این مهم دست یابد که با رویداد شهادتش توفیق اجرای آن را از دست داد.

نحوه شهادت شهید اندرزگو

از آنجایی که ماموران ساواک به طور دایم در جستجوی شهید اندرزگو بودند، توانستند اطلاعاتی حین شکنجه تعدادی از مبارزان اسلامی، از اندرزگو به دست آورند. ساواکیها در چارچوب این اطلاعات تلفنهای قسمت وسیعی از شهر تهران را تحت کنترل گرفتند تا توانستند، رد مکالمات او را به دست آورند و پی بردند که شهید اندرزگو روز ۱۹ ماه مبارک رمضان افطار را در منزل یکی از دوستانش خواهد بود.

شهید اندرزگو نزدیکی غروب آن روز با یک موتور گازی راهی منزل دوستش شد؛ ماموران ساواک قبلا منطقه را به محاصره خود در آورده بودند. وی پس از ورود به خیابان سقاباشی متوجه حضور ماموران ساواک شد، اما برای فرار از مهلکه، دیگر دیر شده بود، لذا با پناه گرفتن در پشت یک اتومبیل سعی در گمراه کردن ماموران کرد، اما ماموران رژیم از فاصله دور پاهای او را مورد هدف قرار دادند. شهید اندرزگو در حالی که خون، بشدت از پاهایش جاری بود توانست تعدادی از اسنادی را که در جیب داشت در دهان گذاشته و بجد و تعداد دیگر را نیز با خون خود آغشته کرد تا به دست ماموران ساواک نیفتد. دژخیمان رژیم که سخت از این چریک مسلمان وحشت داشتند از فاصله دور او را به گلوله بسته بودند و از این باک داشتند که اندرزگو به خودش مواد منفجره بسته باشد، آنها وقتی مطمئن شدند که اندرزگو قادر به انجام حرکتی نیست به وی نزدیک، و او را روی برانکارد قرار دادند، اما سید با تکانی خود را از روی برانکارد به داخل جوی آب انداخت. لحظه شهادت فرا رسیده بود و او در روز ضربت خوردن مولایش علی (ع) و در حالی که روزه بود و روزه خود را با خوردن اسناد باز کرد و به لقاء پروردگارش شتافت. سید همواره گفته بود که: (زنده مرا نخواهند یافت) و سرانجام نیز چنین شد (۱۶۶).

شهید اندرزگو چریکی بود که دامنه مبارزاتش، از لبنان تا افغانستان گسترده بود.

او در مدت اقامتش در لبنان ، در تشکل بخشیدن به گروههای بسیاری از مبارزان پراکنده فلسطینی موفقیت‌های کسب کرد. ساواک ۱۵ سال سایه وار دنبال او می گشت ، لکن هر وقت به مخفیگاه وی می رسید سید توانسته بود از دام ماموران بگریزد. عبدالکریم سپهرنیا، دکتر حسینی ، شیخ عباس تهرانی ، ابوالحسن نحوی ، سید ابوالقاسم واسعی ، محمد حسین الجوهرجی نامهایی بودند که سید از آنها استفاده می کرد و مناسب هر نام ، به چهره ای ظاهر می گردید.

۳ شهریور ۴۷۴ / ۲۵ اوت ۱۰۹۵

آغاز جنگهای صلیبی

در ساحل شرقی بحرالروم (۱۶۷) بین شام و مصر و عربستان سرزمین کوهستانی کوچکی واقع شده که فلسطین نام دارد و مساحتش بیست و پنج هزار کیلومتر مربع است .

شهر مذهبی بیت المقدس که به عقیده مسیحیان مدفن عیسی مسیح (ع) می باشد. در اواسط قرن هفتم میلادی به تصرف

مسلمانان در آمد. چهار قرن بعد، اروپاییها ظاهرا به خاطر نجات قبر مسیح و عملا برای تحصیل عنائم و استملاک اراضی

حاصلخیز خاورمیانه به فلسطین ، سوریه ، لبنان ، انطاکیه و مصر حمله ور شدند و مدت دوپست سال یعنی از اواخر قرن یازدهم تا

اواخر قرن سیزدهم میلادی به طول انجامید. چون سپاهان اروپایی در این جنگها، روی سینه و پیراهنهای خود علامت صلیب رسم

می کردند و در اردوگاهها پرچم صلیب می افراشتند آنها را جنگهای صلیبی نامیدند. میان جنگ های متعدد و فزون از شماری که

این مدت به وقوع پیوست فقط هشت مورد آنها حائز اهمیت بسیار می باشند.

بدون تردید، جنگهای صلیبی ، نقش حساسی در تاریخ شرق و غرب داشته است و می توان آن را از جلوه های مهم نزاع اسلام و

مسیحیت دانست . این جنگها پیامدهای مهمی برای دو ملت ، خصوصا غرب ، به دنبال داشت .

قبل از ظهور اسلام در صحنه سیاسی جهان ، دو قدرت آن وقت ؛ یعنی ایران و روم با هم در کشاکش دائمی ، که ناشی از سلطه

جویی سران و پادشاهان هر یک از دو کشور بود، به سر می بردند و تنها رقبا و قدرتهای بالفعل جهان بودند. جنگهای پی در پی ، در

میان آنان باعث شده بود تا از توانایی این دو قدرت به مرور کاسته شود و رنجها و بدبختیهای فراوان گریبانگیر مردم کشورهای فوق

و مستعمرات آنها بشود. در همین راستا امپراتوری عظیم روم به دو قسمت تقسیم شد و امپراتوری پهناور ایران نیز دچار جنگهای

شدید داخلی گردید. یکی از تحولاتی که بدون شک تاثیرات فراوانی در آینده تاریخ نیز گذاشت ، تغییر دین در امپراتوری روم شرقی

بود، زیرا از این دوران به بعد، نیروهای جنگنده منظم و تعلیم دیده آن امپراتوری با رنگ و آب مذهبی به کشور گشایی ها و جنگهای

پی در پی دست زدند. بعد از گرویدن امپراتوری دوم شرقی به آیین مسیحیت و تغییر دین ، جنگهای ایران و روم ، نمایی دیگر به

خود گرفت . این کشاکشهای دو امپراتوری ، تا ظهور اسلام ادامه داشت ، لیکن بعد از ظهور اسلام و حضورش در صحنه های

سیاسی و اجتماعی دنیا، کم کم تعادل جهان آن روز به هم خورد، بدین معنا که بر خلاف گذشته گروههای انبوه مردم ، از

مستعمرات این دو قدرت ، شاهد طرز تفکر نوین اسلامی بودند که ندای عدالت برادری را سر داده و صداقت و انسانیت را به همراه خود آورده بود؛ در نتیجه انبوه مردم به آیین اسلام روی آوردند و خود به خود تعادل به نفع اسلام به هم خورد. در قرنهای هفتم و هشتم میلادی ، اسلام پیشرفتهای چشمگیری کرد و موج رو به گسترش اسلام تا نزدیکیهای اروپا نفوذ کرد و از آن به بعد امپراتوری روم شرقی خود را مواجه با حرکت نوینی دید، لذا حملات جدیدی را علیه مردم که به آیین جدید یعنی اسلام گرویده بودند، آغاز کرد. این حملات خصمانه بتدریج ریشه بین المللی به خود گرفت و فوج فوج سربازان صلیبی از اروپا، امپراتوری بیزانس (روم شرقی) و... روانه سرزمینهای اسلامی شدند تا ریشه این آیین نوپا را بر کنند.

## علل هجوم صلیبیها

۱ - انگیزه مذهبی : مسلمانان معاصر جنگهای صلیبی ، اعم از سلاطین ، امیران ، نویسندگان و سایر مردم بر این عقیده بودند که نخستین انگیزه صلیبیها بر پایه اعتقادات دینی و مذهبی قرار داشت و نقش فعالی که ارباب کلیسا و رجال دین مسیح در برافروختن آتش جنگ داشتند، این نظر را قوت می بخشید.

(پاپ اوربان دوم) II Urban Pope در سال ۴۸۸ ه.ق / ۱۰۹۵ با شعار (این است اراده خدا) در مجمع کلرمونت (۱۶۸) Clermont فرانسه خطابه ای ایراد کرد و چنین سخن گفت (۱۶۹):

(ای یاران مسیح ! آن سرزمین مقدس که از برکت وجود مخلص (عیسی مسیح) تبرک یافت ، آن دخمه ای که از آن نجات دهنده ماست ، آن کوهستانی که عیسی به خاطر نجات ما، در آن به سر برد و محنت کشید، آن مزاری که در آن دفن گردید، اینک تماما به تصرف دشمن در آمده و میراث مشرکان شده است . آن کلیساهای مقدس ، آن اماکن فروزانی که جهان را تابناک کرده بودند، اکنون در مفاک تاریکی فرو رفته و از نظر ناپدید شده اند، به طوری که در سراسر آن سرزمین پهناور حتی یک وجب خاکی که در آن برای خدا عبادت شود، باقی نمانده است . همان بیت المقدسی که مایه افتخار و سرچشمه فیاض ما بود، اینک به دست مسلمانان افتاده است ، مسلمانانی که غیر از مآثر دینی خود اثر دیگری در آن باقی نگذاشته اند...

ای دلاوران عزیز! آن شمشیرهایی را که تاکنون به سینه یکدیگر فرو می بردید و در مقابل اهانتی کوچک با برادران دینی دوئل می کردید، اکنون باید به سینه دشمن فرو برید... این جهادی که امروز عازم آن هستید تنها برای فتح بیت المقدس نیست ، بلکه باید تمام اقلیم پرثروت آسیا و خزاین آکنده و بی حساب آن را تصاحب نمایید. امروز باید به جانب بیت المقدس بروید و تمام آن سرزمینها را از دست اشغالگران بگیریید و خود وارث آنها شوید... ای دلاوران ! با این شمشیری که به جهاد مقدس می روید، خزائن آسمانها را تملک خواهید کرد. اگر در این جنگ فاتح شوید تمام کشورهای مشرق زمین از آن شما خواهد شد، و اگر کشته شدید به شرافتی بس بزرگ نایل آمده اید، یعنی در نقطه ای شهید شدید اید که عیسی در آن شربت شهادت نوشیده است ).

پس از آن که امپراتوری (بیزانس) پیرو (ارتدوکس) در جنگ (ملازگرد) یا (منازگرد) مغلوب سلجوقیان شد، جدایی و رقابت با مذهب (کاتولیکی) روم را خطر آفرین یافت و از کلیسای روم علیه مسلمانان یاری خواست، کلیسای روم این ندا را لیبیک گفت. بنابراین می بایست وحدت دو کلیسای شرق و غرب را سرآغاز تهاجم گسترده علیه اسلام دانست. بدین ترتیب با تجدید تفکر دینی در غرب، پاپ رهبر مذهبی جهان غرب شد و این وحدت، سرفصل جنگهای صلیبی گردید.

۲- انگیزه اقتصادی: در آن دوران سیمای اقتصادی و اجتماعی اروپا تیره بود.

نظام زمینداری و ارباب رعیتی در اروپا بیداد می کرد. طبقه عادی جامعه، در بدترین شرایط اجتماعی و فقر و بیچارگی زندگی می کردند. زمینداران بزرگ در صدد گسترش اراضی خود مخصوصاً در مشرق زمین بودند. از سوی دیگر گرانی، رشد بیماری، قحطی و کمبود آذوقه که مردم را وادار به گیاهخواری کرده بود، عاملی در فرار مردم از غرب به شرق بود.

انگیزه های تجاری و بازرگانی نقش عمده ای در گسترش جنگهای صلیبی داشت و همان طور که (تامسون) در تاریخ اجتماعی و اقتصادی خود بیان کرده است، جنگهای صلیبی اولین تجربه استعمار غرب بود که برای تحقق بهره برداریهای همه جانبه اقتصادی صورت گرفت.

۳- ادعای کاذب زائران مسیحی بیت المقدس مبنی بر این که مورد اذیت و آزار مسلمانان قرار می گیرد وسیله ای برای تحریک عواطف مسیحیان و انگیزش جنگها بود.

آغاز جنگهای صلیبی

هنگامی که اسلام با تسخیر قلبها تا مرکز اروپا پیش رفت، اروپا در توحش و بربریت و نزاعهای قومی و قدرت طلبی شوالیه ها، بارون ها و کنت ها، دست به گریبان بود. با آمدن اسلام به سرزمینهای اروپا و به دنبال رسیدن تمدن شکوفا و انسانی اسلام به دروازه های آنجا، جامعه بسته اروپا ناگهان احساس خطر کرد، زیرا خود را مواجه با تفکری می دید که برابری، مساوات و آزادی انسانی را به مردم نوید می داد و برخلاف عقاید و خرافات حاکم بر جامعه اروپای قرون وسطی، آینده ای روشن و الهی را برای آنان ترسیم می نمود.

اروپاییان که هیچ مانعی را بر سر راه گسترش اسلام نمی دیدند، به فکر جلوگیری از گسترش سریع آن افتادند، لیکن حربه ای که می بایست احساسات مردم رنج دیده اروپا را برای مقابله با نیروی اسلام تهییج کند در دست نبود، لذا کلیسا قدم به میدان نهاد و (پطرس زاهد) کشیش فرانسوی، که برای زیارت به بیت المقدس رفته بود، پس از مشاهده سیادت و سروری مسلمانان بر بیت المقدس در بازگشت به غرب، بهانه نامنی را ساز کرد و سوار بر قاطر ایتالیا و فرانسه را در نوردید و احساسات مسیحیان و صاحبان کلیسا را برانگیخت.

اجتماع تاریخی (کلرمونت) در ۱۵ اوت ۱۰۹۵ تشکیل ، و کلیسا علیه مسلمانان که آنها را کافر می نامیدند، اعلان جهاد کرد. سپاه صلیبی با استفاده از داوطلبان مسیحی تشکیل و آماده نبرد با مسلمانان شد و سرانجام نیز به سوی قسطنطنیه حرکت کرد. اولین جنگ صلیبی ۲۵ اوت ۱۰۹۵ م با قتل عام مسلمانان ، یهودیها و حتی مسیحیان شرقی و آسیایی ، توسط صلیبیان آغاز شد و هزاران نفر قربانی صلیبیان شدند و انطاکیه و بیت المقدس به دست ایشان افتاد و در یک شب در بیت المقدس ۱۲ هزار نفر از مسلمانان و تعدادی از یهودیان را قتل عام کردند. صلیبیها پس از پیروزی ، خطاب به پاپ نوشتند: (اگر مایلید بدانید چه بر دشمن می گذشت ، همین بس که اسبهای ما در ایوان سلیمان و معبد او تا زانو در خون مسلمانان شناور بودند).

دوره اول جنگهای صلیبی که در سال ۱۰۹۵ م علیه مسلمانان شروع شد تا سال ۱۲۷۰ م پایان جنگ هشتم ادامه یافت و سرانجام صلیبیها از سرزمینهای اسلامی بیرون رانده شدند و بقایای صلیبیها نیز از شام در سال ۶۹۰ هـ ق برابر با ۱۲۹۱ م بیرون رفتند. تاریخ میلادی جنگهای یاد شده به شرح زیر است :

جنگ اول ۱۰۹۵ الی ۱۰۹۹ ، جنگ دوم ۱۱۴۷ الی ۱۱۴۹ ، جنگ سوم ۱۱۸۹ الی ۱۱۹۲ ، جنگ چهارم ۱۲۰۲ الی ۱۲۰۴ ، جنگ پنجم ۱۲۱۷ الی ۱۲۲۱ ، جنگ ششم ۱۲۲۸ الی ۱۲۲۹ ، جنگ هفتم ۱۲۴۸ الی ۱۲۵۴ ، جنگ هشتم ۱۲۷۰ ، جنگ نهم ۱۲۷۱ الی ۱۲۷۲ میلادی .

آزاد سازی بیت المقدس به دست سپاهیان اسلام

(صلاح الدین ایوبی) وزیر العاضد، آخرین خلیفه فاطمی ، پس از مرگ مخدوم خود، روز عاشورای ۵۶۷ هـ ق دولت مستقل ایوبی را تاسیس کرد و سیاستهای ضد صلیبی پیشینیان ، خصوصا نور الدین زنگی را دنبال کرد، صلاح الدین ایوبی بعد از جنگهای متعدد با پادشاه بیت المقدس ، آن شهر را به محاصره در آورد. ابتدا خطاب به اشغالگران نوشت : (من به قدس احترام می گذارم و تمایلی به خونریزی ندارم ، لذا شما را به ترک آن نصیحت می کنم و تعهد می کنم که اموالتان در امان باشد... صلیبیان نپذیرفتند و کارزار شروع شد و سپاهیان اسلام پیروزمندانه به پیش رفتند. پادشاه بیت المقدس (گی) که توان مقابله با مسلمان را نداشت ، تسلیم شد و شهر بیت المقدس پس از ۹۱ سال اسارت در ۱۷ رجب ۵۸۳ هـ ق آزاد شد. صلاح الدین بعد از ورود به بیت المقدس هیچیک از بناهای مسیحیان را ویران نکرد و نسوزاند و سه روز پس از ورود بشهر کلیسای شهر را به کشیشان سپرد، و (گی) را آزاد کرد تا به اروپا بازگردد.

صلاح الدین پس از ۲۲ سال حکومت به سال ۵۹۸ هـ ق در سن ۵۷ سالگی در گذشت . مقبره صلاح الدین ایوبی در نزدیکی مسجد اموی در شهر دمشق قرار دارد.

گرچه (صلاح الدین ایوبی) بعد از ۹۱ سال اسارت بیت المقدس موفق به آزادی آن شد ولی با گذشت بیش از هشت قرن از این واقعه ، قبله اول مسلمین مجددا در ۱۴ مه سال ۱۹۴۸ در جریان یک توطئه از پیش طراحی شده توسط صهیونیسم جهانی به اشغال

یهودیان متعصب در آمد (۱۷۰) و تاکنون (۱۹۹۸ م) که پنجاه سال از اشغال این سرزمین می گذرد در اثر وجود تفرقه بین مسلمانان و دولتهای اسلامی، یهودیان توانسته اند حاکمیت خویش را با زور و تزویر در این سرزمین اسلامی تثبیت کنند. بعد از اشغال بیت المقدس یکی از صهیونیستهای متعصب جملاتی بدین مضمون گفته بود که جنگهای صلیبی امروز پایان یافته و ما انتقام خون یهودیان بنی قریضه را از [حضرت] محمد [ص] گرفتیم که این نشان دهنده (۱۷۱) خوی و رفتار کینه ورزانه و انتقام جویانه صهیونیستهای اشغالگر قدس شریف می باشد. جنگهای صلیبی هم اکنون نیز به شکل تهاجمات بی امان فرهنگی در گسترده جهان توسط صلیبی های متعصب عصر حاضر با همکاری صهیونیستهای نژاد پرست ادامه دارد.

۳ شهریور ۱۳۲۰ / ۲۵ اوت ۱۹۴۱

اشغال ایران توسط قوای متفقین و اخراج رضا شاه

جنگ جهانی دوم، در اول سپتامبر ۱۹۳۹ (دهم شهریور ۱۳۱۸) با حمله آلمان به لهستان آغاز شد. هیتلر، با اطمینان از پیمانی که در تاریخ ۲۳ اوت ۱۹۳۹ (اول شهریور ۱۳۱۸) بین آلمان و اتحاد جماهیر شوروی منعقد شده و عملاً بی طرفی شوروی را موجب شده بود به لهستان حمله کرد و در اندک مدتی آن سرزمین را متصرف، و ضمیمه خاک آلمان کرد؛ شوروی نیز از این فرصت بهره جست و ضمن ضمیمه کردن ایالتهای لهستان که در همسایگی اش قرار داشتند، کشورهای منطقه بالتیک را نیز به شناسایی تقسیم لهستان و عقد قرار دادهای دوستی با آلمان و پیمان عدم تجاوز با شوروی واداشت. انگلیس و فرانسه زیر بار این تحولات نرفتند و در سوم سپتامبر (دوازدهم شهریور) رسماً علیه آلمان وارد جنگ شدند. از آن پس کشورهای دیگر بتدریج به سود کشورهای محور و یا متفقین وارد جنگ خانمانسوزی شدند که نزدیک شش سال تداوم یافت و طی آن صرف نظر از هزینه ها و ویرانیها و تنگناها و پاره ای دشواریهای دیگر، نزدیک به ۳۹ میلیون انسان جان باختند. هیتلر پس از تصرف لهستان متوجه کشورهای حوزه بالتیک شد و در اندک مدتی دانمارک و نروژ را تصرف کرد و سپس ارتش او راهی بلژیک، لوکزامبورگ و هلند گردید و خیلی زود به پیروزیهای سریع در شمال غربی اروپا دست یافت و فرانسه را به اشغال خود در آورد و در هشتم اوت ۱۹۴۰ نیروی هوایی آلمان شروع به بمباران لندن و سایر شهرهای صنعتی انگلستان کرد. لیکن این حملات هوایی نتوانست انگلستان را به زانو در آورد، اما در جبهه شرق اروپا، دست اندازی هیتلر بر سرزمینهای اطراف رود دانوب سرانجام استالین را از خواب غفلت بیدار کرد و وضعیت عدم تجاوز میان دو کشور، جای خود را به کشمکش و جنگی داد که در ابتدای آن نیروهای هیتلر با حمله های برق آسا شکستهای سخت برقوای اتحاد جماهیر شوروی وارد آوردند و تا نزدیکی مسکو پیش رفتند.

اعلان بیطرفی ایران

ورود اتحاد جماهیر شوروی، همسایه شمالی ایران، به جنگ علیه آلمان و قرار گرفتن آن در کنار فرانسه و انگلیس دگرگونیهای نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بسیار در همه جهان و مخصوصاً در ایران به دنبال داشت. رژیم پهلوی که ساخته و پرداخته

استعمار انگلیس بود و سنواری پیش برای این که وانمود کند که دولت انگلستان در کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ نقشی نداشته است ، ابتدا به لغو قرار داد ۱۹۱۹ و ثوق الدوله اقدام کرد، دولت انگلیس نیز این امر را پذیرفت . از همان زمان ، ایران در جهت تامین منافع بیگانگان به سرعت به سمت بلوک غرب پیش می رفت و به همین منظور تعداد فراوانی از متخصصان غربی مخصوصا آلمانی را - البته با تایید انگلیس - در امر تاسیس و ایجاد کارخانه ها، راه آهن و امور اداری به استخدام در آورد.

دولت ایران ، از همان لحظه که جنگ در اروپا در گرفت ، آشکارا و رسماً اعلام بی طرفی کرد، اما بی طرف ماندن عملاً غیر ممکن بود. شوروی که در جبهه جنگ شکست خورده بود، در جبهه تبلیغات بسیار نیرومند ظاهر شد و با برخورداری از بیش از دو هزار کیلومتر مرز مشترک با ایران و نیز سابقه ارتباطات بازرگانی ، قومی و مشترکات زبانی ، همواره در کار تحریک و توطئه بود. ترکیه نیز که هنوز خاطره شکست در جنگ جهانی اول و تجزیه امپراتوری عثمانی را از یاد نبرده بود اعلام بی طرفی کرد. عراق که از جنگ جهانی اول تحت قیمومت انگلیس قرار گرفته بود به پایگاه عملیاتی و تحرکات و تحریکات انگلیس در خاور میانه تبدیل شده و خلیج فارس و سرزمینهای جنوبی آن نیز به طور در بست در حیطه فعالیت و نفوذ انگلیس قرار گرفت . هند که هنوز یکپارچگی خود را حفظ کرده بود، همچون معدن عظیمی از ذخایر انسانی و مالی یکسره در چنگ انگلیس قرار گرفته بود و در افغانستان نیز حکومت دست نشانده انگلیس بر سر کار بود. بنابراین کشور ایران گرفتار و محصور کشورهای همسایه بود و کمترین مفری نداشت .

اوضاع داخلی ایران

اوضاع داخلی ایران از موقعیت مناسبی برخوردار نبود. رضاخان که به اراده و پشتیبانی انگلیس به قدرت رسیده بود یکی از سخت ترین و دهشت آورترین حکومت‌های استبدادی را که تا آن هنگام ، ایران کمتر به خود دیده بود، حاکم ساخته بود. او به دلایل گوناگون ، تغییرات بسیاری در همه شوون کشور مخصوصاً در بعد مذهبی پدید آورده و کوشیده بود تا این سرزمین را در جهتی معین و فرمایشی قالب بندی کند؛ اما این تلاشها، واکنشهای مخالف و بازدارنده ای در میان عموم مردم از عالم و عامی ، روشنفکر و روحانی ، کاسب و کارگر برانگیخت و سبب شد تا فرمانروای مستبد حاکم بر ایران ، باطنا فاقد هرگونه پایگاه اجتماعی و مردمی باشد. در واقع هر اقدامی که آن چکمه پوش خودخواه در طول بیست سال سیطره مطلق انجام داد، در نهایت به زیانش تمام شد و نتیجه وارونه داد و هنگامی که جنگ در اروپا در گرفت ، دیگر در جایگاهی نبود که بتواند خود و مملکت را حفظ کند.

آغاز اشغال ایران توسط متفقین

تهاجم آلمان به سرزمین اتحاد شوروی ، بدون مداخله متفقین ، ممکن بود به همان نتایج برسد که طی دو قرن گذشته از تهاجم نیروهای خارجی به دست آمده بود، یعنی رها کردن (سرزمینهای سوخته ) در دست دشمن و گرفتار کردن او به دست (سرمای ) سوزان و وحشت انگیزی که تا آن هنگام هر مهاجمی را در هم کوبیده و از پا در آورده بود. اما انگلیس جز این ، در سر داشت و می خواست که با انتقال مرکز ثقل جبهه جنگ از مغرب به مشرق اروپا، خطر را از سر خود دور کند و شوروی را هر چه بیشتر در ورطه

جنگ بیندازد. به همین دلیل پس از هم پیمانی با شوروی، دیگر کشورهای هم پیمان خود را بر آن داشت تا برای شوروی کمک غذایی و تبلیغاتی بفرستند. در آن زمان ایران بهترین، نزدیک ترین و مطمئن ترین راه کمک رسانی به شوروی بود. اما ایران، از همان آغاز جنگ اعلان بی طرفی کرده بود و این بی طرفی نمی توانست بدون دلیل و بهانه نقض شود. بدین ترتیب متفقین به بهانه هایی واهی از قبیل حضور جاسوسان آلمانی در ایران متوسل شدند و به اشغال غیر قانونی آن مبادرت ورزیدند. رضا شاه که مانند هر دیکتاتور مغرور به درستی از میزان پوشالی بودن حکومت خود خبر نداشت، در ابتدا تصمیم به مقاومت گرفت، اما چون او فاقد پایگاه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در کشور بود و نارضایتی عمومی مردم از سیاستها و عملکرد او به هنگام برکناری وی امری مسلم بود، به همین جهت، تهاجم بیگانگان و ورود نیروهایشان به خاک ایران با اندک مقاومتی انجام گرفت و اشغال ایران خیلی زود و بسیار آسان تحقق یافت، چرا که نهادهایی که تا پیش از این امیدی به ایستادگی و مقاومتشان بود از صحنه حذف و یا به انزوا کشیده شده بودند. سرکوب لرها، کردها،

قشقایی ها، بلوچها، بختیارپها و... خلع سلاح و کوچ آنان به زور، و اعدام سران آنها، بستر حداقل پایداری را خشکانده بود و رضاشاه که از مدتها قبل تاج ساسانی را به جای تاج قاجاری به عنوان نماد احیای ایران به سر نهاده و تبلیغات حکومتی خود را از نژاد پاک ایرانی پنداشته و به مردم معرفی کرده بود ناگزیر شد در نهایت خواری و رسوایی ایران را ترک کند. اشغال ایران در سوم شهریور ۱۳۲۰ خیلی سریع و آسان تحقق یافت و با تهاجم نیروهای انگلیس و شوروی از جنوب و شمال صورت رسمی و جدی به خود گرفت و تا پایان جنگ در سال ۱۳۴۲ ادامه یافت.

عوارض سوء تجاوز متفقین

اشغال ایران توسط قوای متفقین، عوارض و آثار گوناگونی در پی داشت که از جنبه های مختلفی قابل بررسی است؛ از سویی، با یورش نیروهای بیگانه، تمامیت ارضی و حاکمیت سیاسی ایران پایمال شد که باعث حضور و سلطه قدرتهای استعماری تا سالیان زیادی گردید؛ از سوی دیگر بر اثر بروز جنگ، مشکلات فراوانی از قبیل قحطی و گرانی، کمبود مایحتاج عمومی گریبانگیر مردم شد و حضور بیگانگان و تامین مایحتاج آنان نیز از داخل کشور، این مشکلات را افزونتر ساخت.

حضور قوای بیگانه علاوه بر جوانب سیاسی و اقتصادی، از جنبه فرهنگی نیز قابل تامل است. تحریکات سیاسی موثر بر گروهها و احزاب تازه سیاسی که آشکار و نهان، تحت تاثیر فکر و مشی سیاسی بیگانگان قرار داشتند (بویژه حزب توده و هواداران آن)، اوضاع در هم ریخته ایران را وخیمتر کرد. این قبیل احزاب با بهره وری از احساسات بی آرایش جوانان صادق آن روزگار نه تنها عملا و علنا به توجیه اشغال ایران می پرداختند، بلکه با همکاری اشغالگران به شکار نیروهای ضد بیگانه تحت پوشش هواداری از آلمان مشغول شدند.



گذشت زمان ثابت کرد که عمل متفقین در آن زمان ، نافی استقلال و حق حاکمیت کشور و تنها ناظر بر منافع طرفین درگیر، خاصه امدادسانی به شوروی سابق بوده و عنوان ستون پنجم آلمان در ایران به مثابه توجیه اشغال کشور، افسانه و دستاویزی بیش نبوده است ؛ دستاویزی که به رغم تبلیغات رسانه های متفقین ، دولتها و سازمانهای اطلاعاتی آنها بیش از هر کس ، بر بی پایه بودن آن واقف بودند.

ایران سرزمین کهنی است که در طول تاریخ به دفعات مورد تهاجم و تسخیر و فروپاشی بعدی و مسائل مترتب بر اشغال است . ۱۳۲۰، دل هر آزاده ای را می آزارد، سرعت تهاجم و تسخیر و فروپاشی بعدی و مسائل مترتب بر اشغال است .

فروپاشی نیروهای مسلح ایران که گویی تنها به کارسان و رژه می خوردند از دستاوردهای دو دهه دیکتاتوری بود و عدم مقاومت مردم نیز در رابطه با همین دیکتاتوری بیست ساله حاصل آمد. بی مایگی و سرسپردگی و عدم حمیت ، جانشین دیکتاتور و دولتهای بی ثباتش چنان بود که حتی نتوانست متجاوزان را به جبران خسارت و حداقل عذرخواهی از پیشگاه ملتی وادارد که همه چیزش لگدمال شده بود.

آنچه گفته شد، قضاوت نسلی است که اینک تجربه تجاوزی دیگر را با مقاومتی هشت ساله و دفع متجاوز با مقاومت دلیرانه رد تقویم حیات خود ثبت کرده است ، تجاوزی که تمامی ابرقدرتها در غالب یک کشور به حقوق ملتی دست درازی کرده بودند که با رهبری قاطع و روشن امام خمینی (ره) و دفاع جانانه جوانان غیور این ملت شکستی سخت را متحمل گشتند. این پایداری نشان داد که مردم قهرمان ایران در راه حفظ اعتقادات خود می توانند دافع هر تجاوز و عامل استقلال کشور خود باشند.

نفوذ آمریکا به ایران پس از شهریور ۱۳۲۰

پس از اشغال ایران توسط قوای متفقین ، نیروهای آمریکایی نیز در ۱۶ آذر ۱۳۲۰ وارد ایران شدند و سرهنگ شوار تسکف عملا فرمانده ژاندارمی ایران و ژنرال ریدلی مامور تجدید سازمان ارتش شد.

آژانس مرکزی اطلاعات آمریکا (سیا) که در اواخر ۱۳۱۹ شمسی به وجود آمده بود، ایران را به یکی از فعالترین ستادهای ماورای دریاهای خود تبدیل کرد و در همین راستا دولتمردان بسیاری را به خدمت گرفت و احزاب و جمعیتهای دست نشانده زیادی را ایجاد کرد.

آغاز فعالیت احزاب پس از شهریور ۱۳۲۰

پس از به قدرت رسیدن رضاخان ، تاسیس هر نوعی حزبی ممنوع شده بود، حتی تشکیل جمعیتهای پنج نفری خلاف قانون تلقی می شد و از ۱۳۰۴ تا شهریور ۱۳۲۰ بجز یکی دو حزب هیچ حزب دیگری فعالیت نداشت .

پس از شهریور ۱۳۲۰، قریب ۱۶ حزب درافق سیاسی ایران نمودار شدند، ولی تا سال ۱۳۲۳ بیشتر این احزاب یا از بین رفتند و یا از فعالیت دست کشیدند و بعضی هم جای خود را به احزاب دیگر دادند و یا تجزیه شدند. هیچ یک از این احزاب نتوانست یک جنبش

واقعی در میان مردم برانگیزد. نزدیک به اکثریت آنها فاقد ایدئولوژی مشخص بودند و کنار رفتن آنها از صحنه سیاست تاثیری بر شرایط اجتماعی آن روز نگذاشت. مردم سرگردان بودند از سویی دیکتاتوری و الحاد رژیم رضاخان، روح و روان مردم را خسته کرده بود و از سوی دیگر تمایلات غربگرایانه و شرق باورانه احزاب، نیاز به استقلال فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مردم را تامین نمی کرد. این احزاب نیز همانند احزاب پس از انقلاب اسلامی، تمامی رمز سعادت جامعه را در یکی دو واژه (دموکراسی) و (ناسیونالیسم) می دانستند و گاهی نیز (سوسیالیسم) را به این دو می افزودند.

بعد از شهریور ۱۳۲۰ و تبعید رضا شاه به جزیره موریس در آفریقای جنوبی، اولین حزب سیاسی که به وجود آمد (حزب توده ایران) بود که به شوروی وابسته بود و منافع آن را در ایران تامین می کرد و با خیانت بزرگی که در جریان درخواست شوروی (امتیاز نفت شمال) از ایران داشت کاملاً رسوا گردید و فرصتی پیش آمد که مردم ایران ماهیت این حزب را بهتر بشناسند. بدین معنی که در پاییز ۱۳۲۳ که اتحاد جماهیر شوروی درخواست واگذاری امتیاز نفت شمال را به این کشور مطرح نمود، حزب توده از این درخواست شوروی پشتیبانی کرد و در تمام شهرهای کشور میتینگ راه انداخت و از شاه خواست که به این درخواست شوروی ترتیب اثر جدی بدهد.

۸ شهریور ۱۳۶۰

شهادت مظلومانه رجائی و باهنر

(... هر چه عزیزان این ملت را ترور می کنند... ملت ما آگاه تر می شود)

امام خمینی (ره)

شهادت تحفه قدسی است؛ میراث مقدس اولیاء و ابرار است؛ باب خاص بهشت است. این تحفه را به هدایت هر کس نبرند و این ارث را ارزانی سفلگان نمی کنند و این در را جز به روی خاصان و خالصان نمی گشایند.

تاریخ شهادت، از هابیل تا حسین (ع) و از حسین (ع) تا امروز، مکرر بر این حقیقت مهر تایید زده است: در مسلخ عشق جز نکو را نکشند.

به برکت انقلاب اسلامی، فیض شهادت، چون باران بر سر عالم و عامی و بزرگ و کوچک این مرز و بوم بارید. کدامین روزگار را سراغ دارید که این همه ابرار به خود دیده باشد؟

در شهیدستان ایران، نه تنها آن طفل سیزده ساله که کهنسالان نیز، و نه تنها مردم عادی، که دولتمردان نیز، در صف دلسوختگان این عشق (سرکش و خونی) وارد شده اند، دولتمردانی که چون یاران مولایشان امیر المومنین (ع)، زخم زجرها برگرده و رنج محرومیتها بر جبین داشتند که از (دولت محرومان) و (دولت مستضعفان)، جز این نشاید.

در تاریخ هر ملتی نشیب و فرازهای تلخ و شیرینی وجود دارند که بعضا تعیین کننده سرنوشت و سازنده فرهنگ آن ملت می باشند. تحقق نظام جمهوری اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی (ره) بزرگمردی که جهان، مانند او را کمتر به خود دیده است و جان فشانی های فرزندان فداکار این مرز و بوم، بزرگترین و عظیم ترین فراز تاریخ ماست، که دارای خاطرات تلخ و شیرین زیادی است.

خاطرات شهادت هفتاد و دو تن و شهادت دو چهره صمیمی و فداکار اسلام رجائی و باهنر دو شهیدی که همواره در سنگرهای مختلف فکری، آموزشی و سیاسی، همکار و هم‌رزم بودند، تا آنجا که در کنار یکدیگر به آتش کین مناقان سوختند و فصلی از شهادت را به نام (هفته دولت) در تاریخ انقلاب گشودند. علت نامگذاری چنین هفته ای این است که دولت شهید رجائی، نخستین دولت مکتبی بود که پس از حاکمیت لیبرالها بر کشور، عهده دار امور مملکت گردید، و در آن دوره بحرانی حداکثر تلاش و کوشش خود را برای خدمت به اهداف مقدس انقلاب صادقانه اعمال کرد. صداقتی که در آن تعهد نسبت به مکتب و خط پویای امام راحل نهفته بود، تا آنجا که جان خویش را بر سر آن نهادند.

پس از آن که بنی صدر به عنوان اولین رئیس جمهور، زمام قدرت اجرائی مملکت را به عهده گرفت بنای مخالفت با روحانیت و نهادهای انقلابی و نیروهای مومن و متعهد در خط امام را گذاشت تا بلکه بتواند مراکز حساس حکومتی را یکی پس از دیگری به چنگ آورد و مسیر انقلاب را به میل خود تغییر دهد. او ابتدا اقدام به حمایت های ظاهری و لفظی از امام (ره) و روحانیت نمود تا توانست بین مردم وجهه ای قابل قبول کسب کند، سپس نیات و مقاصد خود را به مرور گسترش داد. تحت شرایط یاد شده و در اثر تلاشهای پیگیر نیروهای خط امام، اولین مجلس شورای اسلامی با اکثریت قاطع نیروهای مخلص و طرفدار خط امام روی کار آمد. مسلما چنین مجلسی مورد پسند بنی صدر نبود، چون می دانست که این مجلس، مجلسی نیست که به نخست وزیر مورد نظر او رای اعتماد بدهد و دولتی را که مورد علاقه وی است روی کار آورد، عملا شروع به بهانه گیری و انتقاد نمود و مبارزه منفی را با نظام آغاز کرد. با تذکر بسیار مهم امام خمینی (ره) که فرمودند: اگر دولت مثل سابق باشد باید عزای انقلاب را بگیریم. نمایندگان مجلس با دقت و مراقبت خاص مانع روی کار آمدن نخست وزیر و دولتی همچون نخست وزیر و دولت سابق شدند.

فشارهای بنی صدر بی فایده ماند و سرانجام مجبور شد، تسلیم خواسته مجلس شود و شهید محمد علی رجائی را به مجلس معرفی کرد. با روی کار آمدن نخست وزیر و دولت مکتبی، مخالفت های بنی صدر به اوج خود رسید.

امام (ره) که همواره جریانات را دقیقا زیر نظر داشتند، بنی صدر را نصیحت نمودند که از نزدیکی و همکاری با منافقین و مخالفت با مجلس و روحانیت دست بکشد و همگام با اصول نظام باشد، اما بنی صدر روش خود را تغییر نداد و بر اقدامات تنش زای خود افزود تا این که سرانجام امام (ره) در یک موقعیت حساس او را از فرماندهی کل قوا عزل نمودند و مجلس شورای اسلامی بلافاصله با

اکثریت قاطع به عدم کفایت سیاسی بنی صدر رای داد و آن گاه رهبر کبیر انقلاب اسلامی با استفاده از حق قانونی خود در قانون اساسی ، بر اساس اصل ۱۱۰ او را از ریاست جمهوری خلع کرد.

در تقابل با این اقدامات ، دشمنان انقلاب سعی در براندازی حکومت اسلامی با از میان بردن مسئولین نظام کردند و فاجعه جانگداز هفتم تیر سال ۱۳۶۰ که منجر به شهادت شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی و ۷۲ تن از یاران دلسوز و رهروان وفادار امام و انقلاب گردید ثمره تصمیم شیطانی استکبار جهانی و دشمنان انقلاب بود. گرچه عکس العمل سریع ، قاطع و انقلابی رهبر کبیر انقلاب و ملت بزرگ ایران هر گونه ابتکار عمل را از آنها سلب نمود ولی کار به زعم دشمنان هنوز به اتمام نرسیده بود و طرح نابودی مسئولین طراز اول مملکت در راس فعالیت‌های آنها قرار داشت . بدین ترتیب واقعه هشتم شهریور در همان سال به وقوع پیوست و رئیس جمهور محبوب محمد علی رجائی و نخست وزیر متفکر و دانشمندش حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد جواد باهنر در انفجار دفتر نخست وزیری به درجه رفیع شهادت نایل آمدند. این واقعه همچون واقعه ۷ تیر علی رغم خیال باطل دشمنان اسلام که معتقد بودند موجبات منزوی شدن مردم و سقوط نظام را فراهم می آورد باعث رشد و آگاهی و حضور بیشتر فعال مردم در صحنه گردید و نظام کاملاً تثبیت شد.

برای گرمی داشت خاطره این عزیزان هفته اول شهریور ماه به عنوان هفته دولت نامگذاری شد تا یادآور خاطرات تلخ و جانگداز آن دوران ، دوران تلاش و سخت کوشی عناصری دلسوز و ایثارگر در نظام اجرایی انقلاب که تمام هم و غمشان رفع مشکلات محرومین و حل مسائل مردم بود، باشد.

بیانات امام خمینی (ره) در جمع اقشار مختلف مردم به مناسبت شهادت آقایان محمدعلی رجایی و دکتر محمد جواد باهنر(۱۷۲) بسم الله الرحمن الرحيم

منطق ما، منطق ملت ما، منطق مومنین ، منطق قرآن است ، (انالله و انا الیه راجعون ) با این منطق هیچ قدرتی نمی تواند مقابله کند. جمعیتی که ، ملتی که خود را از خدا می دانند و همه چیز خود را از خدا می دانند و رفتن از اینجا را به سوی محبوب خود مطلوب خود می دانند، با این ملت نمی توانند مقابله کنند. آن که شهادت را در آغوش ، همچون عزیزی می پذیرد، آن کوردلان نمی توانند مقابله کنند. اینها یک اشتباه دارند و آن این که شناخت از اسلام و شناخت از ایمان و شناخت از ملت اسلامی ما ندارند. آنها گمان می کنند که با ترور شخصیت ها، ترور اشخاص ، می توانند با این ملت مقابله کنند و ندیدند و کور بودند که ببینند که در هر موقعی که ما شهید دادیم ملت ما منسجم شد.

ملتی که قیام کرده است در مقابل همه قدرتهای عالم ، ملتی که برای اسلام قیام کرده است ، برای خدا قیام کرده است ، برای پیشرفت احکام قرآن قیام کرده است ، این ملت را با ترور نمی شود عقب راند. آنها گمان می کنند که افکار مومنین و ملت بپاخاسته ما همچون افکار غربرزده ها و غرب است که جز به دنیا فکری نمی کنند و جز متاع دنیا را نمی بینند، اینها هم آن طورند.

ملتی که از اول ، از صدر اسلام پیشوایان آن جان خودشان را فدا کردند، برای هدف خودشان که آن خدا و اسلام است ، به این مسائل و به امور از بین خواهند رفت و سستی نخواهند داشت . ملت ما، ملت عزیز ما در تاریخ خوانده است که علی بن ابیطالب - سلام الله علیه - با دست یکی از همین منافقین ، با دست یکی از همین اشخاصی که به صورت ، اسلام و از اسلام جدا بودند فرق مبارکش شکافت . ملت ما چون علی بن ابیطالب را فدا کرده است از برای اسلام ، فدا کردن امثال این شهدا برای ملت ما یک مساله مهم نیست ، گرچه خود واقعه و خود این افرادی که شهید شده اند

در نظر همه ما عزیز و ارجمندند و آقای رجایی و آقای باهنر هر دو شهیدی هستند که با هم در جبهه های نبرد با قدرتهای فاسد هم جنگ و هم‌رزم بودند و مرحوم شهید رجایی به من گفتند که من ۲۰ سال است که با آقای باهنر همراه بودم ، و خداوند خواست که با هم از این دنیا هجرت کنند و به سوی او هجرت کنند. کسی که هجرت را به سوی خدا می داند و شهادت را فوز عظیم می داند و شهدایی که در صدر اسلام و از صدر اسلام تاکنون داده است عالی تر و بالاتر از تمام افرادی هستند که در این قرن موجودند، مثل علی بن ابیطالب - سلام الله علیه - و حسن بن علی - سلام الله علیه - و حسین بن علی و اصحاب - سلام الله علیهم - و سایر ائمه ما - علیهم السلام - آنها همه عمر خودشان را صرف کرده اند تا اسلام را حفظ کنند و ما هم تمام عمرمان را باید صرف کنیم تا اسلام را که به دست ما سپرده است حفظ کنیم .

من در عین حال که شهادت این دو بزرگوار برای من بسیار مشکل است در عین حال می دانم که آنها به رفیق اعلا متصل شده اند و برای آنها آرامش هست و این طور گرفتاری هایی که الان برای ما هست دیگر برای آنها نیست و آنها رسیدند و مطلوب خودشان و از این جهت به آنها و به خانواده های آنها و ملت اسلامی تبریک عرض می کنم که چنین شهدایی تقدیم می کنند. در عین حالی که مصایب اینها مشکل است برای ما، لکن کشور ما و ملت ما با تمام قدرت ایستاده اند تا همچو شهدایی تقدیم کنند و هیچ راه عقب نشینی ندارند و فکر نمی کنند به سستی . آن کوردلانی که گمان کرده اند که جمهوری اسلامی با نبود چند نفر بین خواهد رفت و سقوط خواهد کرد، آنها افکارشان ، افکار اسلامی نیست و از اسلام خبری ندارند و از ایمان اطلاعی ندارند و افکارشان ، افکار مادی و برای دنیا کار می کنند و به هوای دنیا هستند.

باید دید که اینهایی که این طور کارها را انجام می دهند انگیزه آنها چیست . انگیزه آنها این است که برای ملت بعد یک دسته دیگری از صنف خودشان بیایند و حکومت کنند؟ اینها مگر نشناخته اند این ملت را که کسی که انحراف دارد از اسلام و کسی که سرکرده تروریست ها هستند، کسانی که / در / سرکرده اینها هستند و اینها را وادار به خرابکاری می کنند در بین ملت جای ندارند. ما حکومتمان و افرادی که در راس حکومت بودند چون از همین مردم هستند و از اشخاصی نیستند که از آن بالاها، یعنی آن پایین ها آمده باشند و حکومت کرده باشند بر ملت ، از این جهت ملت ما آرام است ، دلش مطمئن است به این که وقتی که این شهدا نباشند، به جای آنها داوطلبانی برای شهادت حاضر به صحنه هستند. ما در عین حال که برای این شهدا متاثر هستیم و اینها

اشخاص ارزنده ای برای ملت ما و برای جمهوری ما بودند لکن ما باز در صف های دنبال آنها افراد داریم و اشخاص متعهد داریم و اشخاص مومن متعهد به اسلام داریم و دنبال او ملت داریم و ملتی که هیچ گونه عقب نشینی در این مسائل نخواهد کرد و با این ترتیب جمهوری اسلامی آسیبی نخواهد دید.

در زمانهای سابق ، زمان رژیم هایی ، که در سابق بودند، رژیم هایی سلطنتی وضع این طور بود که اگر یک سلطانی کشته می شد یا می مرد کشور به هم می خورد. نکته او این بود که آن سلطان و عمال آن سلطان به قدری ظلم کرده بودند بر مردم و بر توده های میلیونی مردم که به مجرد این که او از بین می رفت خود مردم قیام می کردند بر ضد حکومت ، لکن جمهوری اسلامی ما وضعی دارد که خود ملت یک فردی را می آورند و خود ملت یک فردی را کنار می گذارند و خود ملت وقتی که یک فردی شهید شد به جای او باز یکی را انتخاب می کنند و خود را از دولت می دانند و دولت را از خود می دانند و خود را از رئیس جمهوری مکتبی می دانند و رئیس جمهوری مکتبی را از خود می دانند از این جهت ولو این که رئیس جمهور شهید بشود، نخست وزیر شهید بشود و هر مقامی شهید بشود، ملت ما هیچ خم به ابرو نمی آورند و کسان دیگر را به جای آنها انتخاب می کنند.

الان سرتاسر کشور ما را اگر چنانچه ملاحظه کنید، تهران با آن جمعیت کثیری که الان در نزدیک دانشگاه متمرکز هستند و سایر شهرها هم مثل تهران ، مابین این جمهوری و جمهوریهای عالم و مابین دولت و دولتهای سابق این کشور می توانید حکومت (۱۷۳) کنید که چه فرقها هست . اگر صدراعظمی در زمان سابقه کشته می شد امکان نداشت که مردم ، توده مردم ، بازار مردم هیچ عکس العملی از خود نشان بدهند الا سرور، الا مسرت .

و امروز که / یک نفر از ما و / دو نفر شهید معظم از ما رفته است سرتاسر کشور ما به عزا نشسته است و سرتاسر کشور ما انسجام خودش را حفظ می کند و حفظ کرده است و فردا که اعلام می کنند و برای انتخاب رئیس جمهور، همه این مردم برای انتخاب حاضرند.

من می دانم که در خارج الان عنصرهایی که با این جمهوری اسلامی بلکه با اسلام مخالف هستند و بوقهای خارج و تبلیغاتی ،

خواهند گفت که این دو نفر که شهید شدند ایران به هم می خورد و خواهند گفت که در عزای اینها مردم بی تفاوت بودند یا

خوشحال بودند و آنها با این که می دانند، کوردلانه این طور انتشارات و تبلیغات را انجام می دهند، الان ببینید که سرتاسر کشور ما امروز در سوگ هستند و در همه خیابانها و کوچه ها و بازارها در سوگ نشسته اند و الان که به من اطلاع دادند گفتند جمعیت بیشتر از آن وقتی است که ۷۲ تن شهید شدند.

ملت ما این طور است ، اگر بعد از این هم خدای نخواستہ اشخاصی شهید بشوند ملت ما همین ملت است و نهضت ما همین نهضت

. و آن عمده این است که کاری که برای خداست ، نه برای افراد، نه برای اشخاص ، نه برای شخصیت ها، این کار رکود نمی کند با

رفتن افراد و با رفتن شخصیتها. کشوری ، از رفتن شخصیتهای خود تزلزل پیدا می کند که ملت او و افراد ان ملت دل به شخص

بسته باشند، دل به اشخاص بسته باشند، اما کشوری که دل او به خدا پیوسته است و برای خدا قیام کرده است و از اول ، نه شرقی و نه غربی و جمهوری اسلامی را ندا داده است و با بانگ الله اکبر صغیر و کبیر و زن و مردش در صحنه حاضر شده اند و این نهضت را و این انقلاب را بپا کرده اند، همین ملت هستند، برای این که خدا هست . رجایی و دیگران اگر نیستند خدا هست . در جنگی که در صدر اسلام بود، ندا در دادند منافقین به این که پیغمبر شهید شد، لکن بعضی گفتند اگر شما پیغمبر را می پرستید، شهید شد، به شهادت او ترتیب اثر بدهید و اگر خدا را می پرستید خدا هست ولو پیغمبر رحلت بفرماید. امیرالمؤمنین - سلام الله علیه - جان خودش را فدا کرد برای اسلام و شهید شد و اسلام به جای خودش بود. امام حسین - سلام الله علیه - خود و تمام فرزندان و اقربای خودش را فدا کرد و پس از شهادت او اسلام قویتر شد.

با رفتن شهدایی با این که بسیار ارزشمند بودند و هستند، با رفتن شهدا در عین حال که متاثر هستیم ، لکن چون ما توجه مان به خداست و برای خداست و ملت ما برای خدا قیام کرده است ، با رفتن اشخاص هیچ سستی به خودشان راه نمی دهند و گرفتار این خطا نیستند که افراد یک مساله ای را ایجاد می کنند.

خدای تبارک و تعالی از اول با شما بوده است که شما در صحنه باشید و ان شاء الله هستید و خواهید بود، خدای تبارک و تعالی شما را پشتیبانی می کند و شما قوی خواهید بود. قوای مسلحه ما در جبهه های جنگ باید توجه کنند که آنها برای خدا می جنگند نه برای رئیس جمهور و برای نخست وزیر و برای دیگران ، آنها دل را قویتر کنند و هر چه اشخاص فاسد به این کشور صدمه وارد می کنند، آنها قویتر در مرکز خودشان مشغول به مجاهده و مبارزه باشند. و گمان نکنید که اینها از روی قدرت یک همچو کارهایی را انجام می دهند. یک بمب در یک جا منفجر کردن ، یک بچه ۱۲ ساله هم می تواند او را بگیرد یک جایی بگذارد و خود او منفجر بشود، این قدرتی نیست ، این کمال ضعف است . من ابن ملجم را از اینها مردتر می دانم برای این که او آمد و در حضور مردم کار خودش را کرد و خداوند او را لعنت کند، و اینها آن مردانگی آن نامرد را هم ندارند و به طور دزدی یک کاری انجام می دهند و

خودشان را اصلا ظاهر نمی کنند. اینهایی که از اینجا فرار کردند و از خارج دستور می دهند که مردم را اقتیال کنند و به طور دزدکی بکشند، اینها تز نامردهاست . من امیدوارم که کشور ما به همان طوری که در مقابل همه قدرتها ایستاد و ایستادگی کرد و زن و مردش و جوان و پیرمردش و بچه و بزرگش در مقابل ، مشتها را گره کرد و ایستاد و قدرتهای بزرگ را از مملکت راند و به جهنم فرستاد، ان شاء الله الان هم در صحنه هستند و همه اینها ایستاده اند، در مقابل این طور گرفتاریها صبر می کنند و منطق آنها این است که ما از خدا هستیم و به سوی خدا می رویم . ما که از خدا هستیم ، همه چیز ما از خداست ، در راه خدا داریم صرف می کنیم و باکی نداریم و این طور نیست که گمان کنیم که از اینجا که رفتیم دیگر خبری نیست . آنها باید بترسند که قیامت را هم در همین جا خیال می کنند هست ، بعثت را هم منکر هستند. آنها باید بترسند که مرگ حیوانی را بر مرگ انسانی ترجیح می دهند. و اما جوانهای ما و سردمرداران ما که برای شهادت حاضر و آغوش را باز کردند برای شهادت ، اینها باکی از شهادت ندارند و ملت ما از

این شهادتها بسیار دیده است و در این چند ساله اخیر صدها شهید داده و هزاران شهید و هزاران معلول ، و پایدار ایستاده است و امثال این آقایان که شهید شده اند در عین حال که در نظر ما بسیار ارجمند هستند، لکن آنها پیش خدا رفتند و ما به جای آنها اشخاص داریم مکتبی ، انسانی که به شهادت فکر می کند و داوطلب شهادت است .

و من امیدوارم که ملت ما انسجام خودش را بیشتر کند و در صحنه بیشتر از سابق حاضر باشد و امثال این تفاله هایی که مانده اند از رژیم سابق و از اشخاصی که فرار کرده اند، اینها را ان شاء الله با نظارت خودشان و با نظر خودشان هر جا دیدند معرفی کنند و قوای انتظامی و نظامی ما و خصوصا شهربانی بیشتر قیام کند به امر انتظامات و نظام و سایر چیزها. و امیدوارم که شما پیروز باشید و شما پیروز هستید.

والسلام علیکم و رحمۀ الله

زندگینامه شهید محمد علی رجایی

شهید محمد علی رجایی ، در سال ۱۳۱۲ ه.ق در شهرستان قزوین متولد شد، تحصیلات ابتدایی را تا اخذ گواهینامه ششم ابتدای در همین شهرستان به انجام رساند. در سن چهار سالگی از وجود داشتن نعمت پدر محروم شد و تحت تکفل مادر مهربان و منیع الطبع قرار گرفت . در سال ۱۳۲۷ به تهران مهاجرت کرد و سال بعد یعنی در ۱۳۲۸ وارد نیروی هوایی شد. در مدت ۵ سال خدمت در نیروی هوایی ، دوره متوسطه را با تحصیل شبانه گذراند، سپس در سال ۱۳۳۵ به دانشسرای عالی رفت و به سال ۱۳۳۸ دوره لیسانس خود را در رشته ریاضی به پایان برد و به سمت دبیر ریاضی به استخدام وزارت فرهنگ در آمد و به ترتیب در شهرستانهای خوانسار، قزوین و تهران به تدریس ، اشتغال ورزید.

شهید رجائی در مدت تدریس ، همیشه آموزگاری دلسوز، پرکار و شایسته بود و صمن تدریس ، به فرا گرفتن علوم اسلامی و انجام فعالیتهای سیاسی همت می گماشت . در سال ۱۳۴۰ به عضویت نهضت آزادی در آمد که منجر به دستگیری وی (در اردیبهشت ۱۳۴۲) و پنجاه روز زندان شد. پس آزادی از زندان با شهید باهنر به سازماندهی مجدد هیات موتلفه پرداخت و برای پرورش افرادی که بتوانند نبردی مسلحانه را اداره نمایند به اعزام داوطلبانی به جبهه فلسطین دست زد. در همین رابطه و برای تکمیل برنامه مزبور (در سال ۱۳۵۰) خود شخصا به خارج از کشور سفر کرد. ابتدا به فرانسه و ترکیه رفت و از آنجا عازم سوریه شد.

شهید رجایی همگام با فعالیتهای سیاسی لحظه ای نیز از خدمات فرهنگی غافل نبود از آن جمله تدریس در مدارس کمال و رفاه ، همکاری با بنیاد رفاه و تعاون اسلامی با همکاری شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی و شهید دکتر باهنر و آیت الله هاشمی رفسنجانی .



ایشان با نهایت شجاعت و شهامت مدت دو سال ، در زندانهای انفرادی رژیم پهلوی انواع و اقسام شکنجه ها را تحمل نمود و چون کوهی استوار مقاومت کرد. در اثر این مقاومتها او را به زندان قصر و سپس به اوین فرستادند. او در زندان به ماهیت واقعی منافقین پی برد و از آنها تبری جست . دوران زندان مجموعاً چهار سال به درازا کشید و شهید رجائی در سال ۱۳۵۷ با اوج گیری انقلاب اسلامی همراه دیگر زندانیان سیاسی آزاد شد و بلافاصله وارد مبارزات سیاسی و فرهنگی گردید و به اتفاق عده ای از همکارانش برای بسیج و سازماندهی مبارزات مخفی معلمان مسلمان ، تلاش گسترده ای را آغاز کرد و موفق به ایجاد انجمن اسلامی معلمان شد. او در راه پیماییهای عظیم سال ۱۳۵۷ مخلصانه و با تمام توان کوشید و نقش موثری در فعالیتهای تبلیغاتی آنها داشت .

شهید رجائی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در سال ۱۳۵۸، مسئولیت وزارت آموزش و پرورش را به عهده گرفت و در زمان وزارت خود موفق به دولتی کردن کلیه مدارس شد. سپس به عنوان نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی انتخاب گردید و به دنبال تمایل مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۵۹/۵/۱۸ به عنوان اولین نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران به مجلس معرفی و با رای قاطع به نخست وزیری انتخاب شد. شهید رجائی در این مسئولیت خطیر، علی رغم این که به فاصله بسیار کوتاهی با توطئه عظیم استکبار جهانی در ایجاد جنگ تحمیلی از سوی رژیم صدام روبرو شد و همچنین کارشکنی های بنی صدر و متحدانش و خرابکاریهای منافقین و ساواکیها را در پیش رو داشت ، اما توانست به بهترین وجه از عهده انجام وظایف و مسئولیتهای سنگین خود بر آید.

به دنبال عزل بنی صدر از ریاست جمهوری ، شهید رجائی با رای اکثریت مردم محرومی که شاهد تلاشهای صادقانه (این فرزند صدیق ملت و مقلد با وفای امام (ره) بودند به ریاست جمهوری انتخاب شد. دشمنان قسم خورده انقلاب اسلامی که توان تحمل وجود این مایه امید مستضعفان و عنصر ارزشمند و دلسوز را نداشتند در هشتم شهریور ماه ۱۳۶۰ او را به همراه یار قدیمی اش شهید باهنر در انفجار دفتر نخست وزیری به شهادت رساندند.

زندگینامه شهید حجت الاسلام دکتر محمد جواد باهنر

شهید حجت الاسلام دکتر محمد جواد باهنر، در سال ۱۳۱۲ در یک خانواده پیشه ور ساده در شهر کرمان به دنیا آمد و خواندن و نوشتن و قرائت قرآن را در مکتب آموخت و سپس به تحصیل علوم دینی در مدرسه معصومیه آن شهر پرداخت .

همزمان ، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را نیز ادامه داد و پس از اخذ دیپلم در سال ۱۳۳۲ به قم رفت و سطوح عالی علوم اسلامی را در حوزه علمیه قم طی کرد. وی فقه را در محضر مرحوم آیت الله بروجردی ، فقه و اصول را در محضر امام خمینی (ره) و تفسیر و فلسفه را نزد علامه طباطبایی فراگرفت .

شهید باهنر سپس به تحصیلات دانشگاهی رو آورد و حدود سال ۱۳۳۷ موفق به اخذ لیسانس در رشته الهیات و بعد از آن موفق به اخذ فوق لیسانس در رشته علوم تربیتی و سپس دکترای الهیات از دانشگاه تهران شد.

شهید باهنر ضمن تدریس و ایراد خطابه و برنامه ریزی ، دینی ، به تالیف کتب درسی اشتغال ورزید و حدود سی کتاب و جزوه تعلیمات دینی را برای تدریس (از دوره ابتدایی تا دانشسرا) تالیف کرد؛ وی همزمان ، فعالیتهای اجتماعی خود را نیز ادامه داد و در تاسیس (دفتر نشر و فرهنگ اسلامی ) کانون توحید و (مدرسه رفاه ) نقش موثری داشت .

شهید باهنر در سال ۱۳۴۱، همکاری خود را با نهضت اسلامی و سیاسی روحانیت به رهبری امام خمینی (ره) آغاز کرد و در اسفند ماه ۱۳۴۲ پس از ایراد سخنرانی هایی در مساجد، (هدایت )، (الجواد) و (حسینیه ارشاد)، به مناسبت سالگرد حادثه (فیضیه )، دستگیر شد و پس از آن متناوبا شش بار به زندانهای کوتاه مدت محکوم شد و از سال ۱۳۵۰ ممنوع المنبر گردید و بالاجبار در جلساتی که به عنوان کلاس درس برپا می شد، سخنرانی و به بیان نقطه نظرات اسلامی ، انقلابی خود می پرداخت .

وی در سال ۱۳۵۷ به فرمان امام (ره) و به همراه چندتن از یاران ، مامور تنظیم اعتصابات شد و در همان سال نیز با فرمان امام (ره) ( به عضویت شورای انقلاب اسلامی در آمد.

دیگر مسئولیتهای شهید باهنر پس از پیروزی انقلاب اسلامی عبارتند از:

مسئولیت نهضت سواد آموزی ، نماینده مردم کرمان در مجلس خبرگان ، نماینده شورای انقلاب اسلامی در وزارت آموزش و پرورش ، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی .

شهید باهنر که به سرنوشت آموزش کشور و آینده نونهالان انقلاب بی اندازه توجه داشت و مدام در فکر بهبود و پیشرفت آن بود، سرانجام در کابینه محمد علی رجائی به سمت وزیر آموزش و پرورش منصوب شد. پس از فاجعه شوم بمب گذاری در دفتر حزب جمهوری اسلامی و شهادت دکتر بهشتی ، شهید باهنر به عنوان دبیر کل حزب جمهوری اسلامی انتخاب شد و به دنبال انتخاب شهید رجائی به سمت ریاست جمهوری ، به عنوان نخست وزیر جمهوری اسلامی به مجلس معرفی شد که با رای قاطع مجلس به تشکیل کابینه خود پرداخت .

این شهید فرزانه و سراسر اخلاق و اخلاص و تواضع ، که خود را وقف خدمت به مردم ستمدیده کرده بود، سرانجام پس از سالها مبارزه تلاش ، به همراه یار و یاور دیرینه اش (محمد علی رجائی ) رئیس جمهور اسلامی ایران ، در هشتم شهریور ۱۳۶۰ در انفجار ساختمان نخست وزیری که به دست منافقین کوردل صورت گرفت به مقام منیع شهادت دست یافت .

۹ شهریور ۱۳۵۷

ناپدید امام موسی صدر

روز نهم شهریور هر سال ، در لبنان اوضاع خاصی وجود دارد. مناطق مسلمان نشین کشور اعم از شمال ، جنوب و حتی بیروت به حال تعطیل در می آید.

کارمندان مسلمان ادارات دولتی دست از کار می کشند، فعالیت فرودگاه بین المللی بیروت چند ساعت متوقف می شود. مردم غرق در ماتم و اندوه ، گروه گروه به خیابانها می آیند و پس از انجام تظاهرات و راهپیمایی ، در مساجد و حسینیه ها و تکایا گرد هم می آیند. آنها با قلبی سرشار از عشق و صفا چشم انتظار بازگشت گمشده ای والا و بسیار عزیز را دارند، گمگشته ای که همه واژه های مقدس خود را یکجا در وجود او می جویند، اسلام ، امام خمینی (ره) ، انقلاب اسلامی ، مبارزه و...

آنها با قطع امید از همه جا را همه کس ملتمسانه دست دعا به درگاه الهی بلند می کنند و آرزوی بازگشت معجزه آسای این یار و یاور بزرگ و دیرین خود را می نمایند. این مراسم همه ساله با شور بسیار تکرار می گردد. از تولد تا هجرت

امام موسی صدر در ۲۴ اسفند ۱۳۱۷ در خانواده ای که اصالتا از جبل عامل بود در شهر مقدس قو تولد یافت . نام این خانواده روحانی با علوم دینی ، اجتهاد، ترقی خواهی و مبارزه با استکبار و شورش علیه ستمگری پیوند خورده و در همین راه بسیاری از فرزندان عالم خود را در لبنان ، عراق و ایران فدا کرده است . پدر امام موسی صدر آیت الله صدر، رئیس حوزه علمیه قم ، فرزند آقا سید اسماعیل صدر از مراجع بزرگ تقلید شیعه است که پس از میرزای شیرازی مرجعیت به ایشان منتقل گردید، اما ایشان از ادامه آن صرف نظر کردند. مادر امام موسی صدر، دختر آیت الله قمی (که پس از رحلت مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی ، همراه با آیت الله بروجردی به مرجعیت رسیدند) می باشد.

امام موسی صدر پس از پایان دروس حوزوی وارد دانشگاه تهران و در رشته حقوق موفق به اخذ لیسانس شد. در مسافرتی کوتاه که به لبنان داشت حضرت آیت الله سید شرف الدین (رهبر شیعیان لبنان ) به وی علاقمند شدند. امام موسی صدر در سال ۱۹۵۹ میلادی (۱۳۳۸) به دعوت مصرانه سید شرف الدین و به پیشنهاد حضرت آیت الله بروجردی به لبنان هجرت نمود و امام جماعت یکی از مساجد شهر صور گردید. به سبب این که آیت الله سید شرف الدین همواره سخنانی بر زبان می آوردند که حاکی از صلاحیت امام موسی صدر برای جانشینی خود بود، یکسال بعد و پس از رحلت سید شرف الدین رهبر شیعیان لبنان شد.

فعالتهای امام موسی صدر در لبنان

دهه ۱۹۷۰، در لبنان ، دهه تجدید حیات اسلام ، قدرتمند شدن مسلمانان و احیای عزت و شرف شیعیان بود. در گذشته های نه چندان دور مسلمانان شیعه لبنان احساس حقارت می کردند و در بدترین شرایط اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی و اقتصادی بسر می بردند، زیرا دولت فرانسه که به ظاهر سلطه خود را از لبنان برچیده بود، جهت محروم نگهداشتن شیعیان در آن کشور برنامه ریزی وسیعی کرده بود. شیعیان در لبنان جا، مکان حق و حقوقی نداشتند و در اثر فقر و فلاکت اجتماعی ، سرکوفتهای مداوم عوامل وابسته از خود بیزاری می جستند و به مکاتب دیگر پناه می بردند. جهل به فرهنگ غنی اسلام که توسط استعمارگران ، به مسلمانان لبنان تحمیل شده بود مزید بر علت بود؛ فقر فرهنگی و اقتصادی به حدی رسیده بود که مسلمانان جنوب ، مراسم عروسی و عزای

خود را در کلیساها برگزار می کردند و اموات خود را در گورستان مسیحیان دفن می کردند. دختران محروم شیعه برای فرار از فقر راهی بیروت می شدند و بتدریج طعمه دام باندهای فساد و فحشای عوامل ضد اسلامی می گشتند. از سوی دیگر این فقر و جهل سبب گرایش جوانان شیعه به مکاتب الحادی شده بود تا جایی که حزب کمونیست و اکثر احزاب چپ لبنان را شیعیان سر خورده از همه جا تشکیل می دادند. در این دوران امام موسی صدر با فعالیتهای شبانه روزی و مسافرتهای مکرر، به روستاها و شهرکهای مسلمان نشین به آموزش مسائل فرهنگی و اعتقادی پرداخت. در اثر مجاهدتهای ایشان، سرنوشت لبنان عوض شد. جوانان شیعه وی را همچون نگین انگشتی در میان گرفتند، ترس و وحشت را به کناری زدند و در جهت احقاق حقوق را دسته رفته خود را بازیافتن عزت و شرف دینی خویش با امام موسی بیعت کردند.

فعالتهای امام موسی؛ علاوه بر آگاهی دادن مستمر به شیعیان، مشتمل بر مجموعه ای از خدمات است که موارد زیر آن جمله است:

تاسیس موسسه صنعتی حرفه ای جبل عامل، چندین کارگاه آموزشی، مدارس متعدد، مدرسه مذهبی صور برای تربیت روحانیون شیعه، چند انجمن مطالعات اسلامی، چند دارالایتام برای فرزندان شهدای جنگهای داخلی و علیه اسرائیل، تعدادی بیمارستان و مدرسه پرستاری و...

او سعی نمود فئودالیسم سیاسی و اقتصادی چندین خانواده حاکم بر لبنان را در هم بشکند که البته موفق هم بود. امام موسی هویت اسلامی را به محرومان جنوب و دیگر نقاط لبنان بازگرداند و همواره با بیسوادی و بیکاری و آوارگی مبارزه کردند. اما تنها کار فرهنگی کارگشا نبود و شیعیان باید به یک تشکیلات مکتبی - سیاسی برای احقاق حقوقشان دست می یافتند؛ بدین منظور با تهییج و بسیج مردم و فشار بر دولت، سرانجام توانست قانون شماره ۶۷/۷۲ مورخه ۱۹۶۷/۲/۱۹ را درباره تشکیلات مربوط به امور شیعیان در مجلس لبنان به تصویب رساند و با انتخابات آزاد از سوی مردم به ریاست این مجلس انتخاب گردید، این قانون به اعتبار این که لبنان متکی بر سیستم فرقه های مذهبی می باشد (و بر همین اساس تشکیلات خاص برای فرقه اسلامی سنی و تشکیلات ویژه ای برای فرقه دروزی تاسیس شده بود) تصویب شد.

خط کلی و روش امام صدر پیش از جنگ

امام موسی صدر به محض انتخاب به ریاست شورای عالی اسلامی شیعی در تاریخ ۱۹۶۹/۵/۲۲ در یک سخنرانی که در گردهمایی انتخاب کنندگانش ایراد کرد، اهداف شورای عالی اسلامی شیعه را در زمینه تنظیم امور فرقه اسلامی شیعی و کوششهای فرزندان این مذهب به شرح زیر ترسیم نمود:

- ایفای کامل نقش اسلامی خود از حیث اندیشه، عمل و جهاد با تاکید بر این که تشکیلات مطلقا باعث تفرقه میان مسلمین نبوده، بلکه وظیفه ایجاد اتحاد کامل از طریق گفتگو و تفاهم میان نمایندگان حقیقی را آسان می سازد.

- بهبود بخشیدن به اوضاع اجتماعی ، اقتصادی ، بسیج جسمی - روحی آنان و تجهیز نیروهایشان برای انجام وظیفه به طور کامل برای حراست از خاک میهن و دفاع از آن در برابر دشمن غدار (اسرائیل) ، ضمن مشارکت صحیح با برادران سنی برای کمک به پایداری فلسطین در جهت آزادی سرزمینهای غصب شده .

- پیکار با جهل ، فقر و عقب ماندگی ، بی عدالتی اجتماعی و همکاری با همه خانواده های روحانی لبنان در راه مبارزه با فساد روزافزون اخلاقی که سرنوشت لبنان و همه جهان را تهدید می کند، تا هر چه بیشتر به صورت دستی نیرومند و بازویی توانا برای لبنان و اسلام در هر جا که هست در آیند.

در نخستین بیانیه عمومی که در تاریخ ۱۹۶۹/۶/۱۰ صادر شد به گونه ای ویژه تاکید کرد که :

فرزندان فرقه اسلامی شیعه برای بذل همه نیروهای خود و ایثار جان در راه اعتلای اسلام و دفاع از میهن و مشارکت با کشورهای عربی برادر، در آزاد ساختن فلسطین مقدس و پشتیبانی از مقاومت فلسطینیان آماده اند.

روش امام صدر

به هنگام تجاوز اسرائیل غاصب به جنوب لبنان سکنه این منطقه به مهاجرت پرداختند، امام صدر رهبری جنبش را به دست گرفت ، از مقامات لبنانی خواست تا با تجهیز روستاهای جنوب به استحکامات دفاعی ، اهالی آنجا را آموزش داده مسلح نماید. همچنین خطراتی که جنوب لبنان را در نتیجه مطامع و اهداف توسعه طلبانه اسرائیل تهدید می کرد، تشریح نمود و اهالی را به عدم مهاجرت و اقامت و استقامت دعوت کرد.

امام موسی صدر در تاریخ ۱۹۷۰/۵/۱۳ به ابتکار خود و با شرکت روسای دینی فرقه های مختلف جنوب ، (هیات پشتیبانی و یاری جنوب ) را برای حمایت از خواسته های مربوط به پایداری و دفاع از فلسطین تاسیس نمود و مردم را به یک اعتصاب عمومی مسالمت آمیز دعوت کرد، که با موفقیت در تمام مناطق لبنان صورت گرفت و مجلس شورای نمایندگان در عصر همان روز تشکیل جلسه داد و قانون (تاسیس یک شورای ویژه جنوب برای برآوردن نیازهای منطقه جنوب و ایجاد وسایل امنیت و آرامش ) را برای رویارویی جدی با اسرائیل به تصویب رساند.

امام صدر، شعار (السلاح زینت الرجل ) را در لبنان فریاد کرد و اهالی جنوب را به مقاومت در برابر تجاوزات وحشیانه اسرائیل دعوت نمود. در سالن اجتماعات دانشگاه بیروت ، برای بیش از هزار و دویست دانشجو به سخنرانی پرداخت و فریاد برآورد که : سکوت در برابر تجاوزات اسرائیل به جنوب ، رضایت دادن به خواری ، و خیانت به لبنان است ... اسرائیل ، اسلام و اعراب ، فلسطینیان و لبنانیها را مورد تهدید قرار می دهد، راه حل فقط نابود ساختن اسرائیل است و راه رسیدن به آن همان مقاومت مومنانه فلسطین است که باید گسترش یابد تا هسته نبرد همه جانبه مردمی گردد. جمله معروفش برای همیشه در اذهان فلسطینیان خواهد ماند که گفت :

(مقاومت فلسطینی شعله ای است مقدس که ما آن را با جسم و جان خود حفظ خواهیم کرد.)

او به حق بزرگترین یاور صدیق و حقیقی مقاومت فلسطین بود. او خود و شیعیان لبنان را سپر بالای فلسطینیان ساخت و مرتباً دامنه نبرد، بلکه صحنه های نبرد را از اردوگاههای فلسطینی به محلات شیعه نشین لبنان کشید تا مقاومت فلسطین آسیب نبیند و همانند سپتامبر سیاه اردن تجربه نگردد. او گفته بود: تا من زنده هستم نخواهم گذاشت دست احدی از شیعه به خون فلسطینیان آغشته گردد. مردم لبنان شهادت می دهند که در زمان امام صدر هیچ کس از نبرد با اسرائیل منع نشد، بلکه مبارزه با اسرائیل، افتخار و هرگونه تماس و مسالمت با اسرائیل حرام شمرده می شد زیرا امام صدر گفته بود: التعامل مع اسرائیل حرام ... اسرائیل شر مطلق ... امام موسی از مقاومت فلسطین در مقابل حکومت لبنان و احزاب دست راستی قاطعانه دفاع نمود و بارها مصالح شیعیان را فدای مصالح فلسطین کرد. در سالن یونسکو صریحاً به یاسر عرفات گفت: ای ابوعمار! حرمت قدس ابا دارد از این که به دست غیر مؤمنین آزاد گردد.)

در روز جمعه ۱۸ / ۵ / ۱۹۷۳ طی خطبه نماز جمعه در مسجد صور، اصل مقدس بودن تلاش و جهاد در راه آزادی فلسطین را اعلام داشت و گفت: تلاش برای آزادی فلسطین، تلاش برای آزادی مقدسات اسلامی و مسیحی و تلاش برای آزادی انسان است و همچنین تلاش برای جلوگیری از آلوده شدن نام خداوند در روی زمین، زیرا صهیونیسم با رفتارهای خود نام خداوند را آلوده می سازد.

در جنگ اکتبر سال ۱۹۷۳ که در ماه مبارک رمضان در گرفت، امام صدر با صدور پیامی مجاهدین را به جهاد در راه خدا تشویق کرد و گفت:

- اگر پیامبر اسلام (علیه الصلوٰة والسلام) تاکید کرده است که ما در خلال این ماه میهمان خدا هستیم. بهترین شرایط و والاترین نتایجی که از این مهمانی حاصل می آید جهاد در راه دین و تطهیر مقدسات و شرافت انسانی است.

تظاهرات مسلحانه بعلبک که واقعا لبنان را لرزاند در خاطره ها زنده است در این راهپیمایی امام صدر از هم میهنان خواست تا اردوگاههایی برای آموزش نظامی در بقاع و جنوب ایجاد کنند. او گفت: ما می خواهیم آماده بشویم و نسلی را بپروریم که بتواند با یک دست دیگر قرآن برگردد و بالیمان به الله به مبارزه ادامه دهد. ما ناگزیر از آموزش نظامی و مسلح نمودن فرزندانمان برای حفظ و حراست از شرف و خانه هایمان و نوامیس خود هستیم در این راه پیمانیها توده های مردم مسلمان سوگند یاد کردند که همچنان خواستار حقوق اجتماعی خویش و همه محرومان باشند و بدینسان (حرکه المجرومین) تولد یافت.

هیئت عمومی مجلس عالی شیعه در تاریخ ۲۹ / ۳ / ۱۹۷۵ با حضور ۱۰۴۱ عضو تشکیل جلسه داد و امام صدر رابه عنوان رئیس طایفه اسلامی شیعه تا پایان سن ۶۵ سالگی ایفا کرد.

امام موسی نشان داد که وجدان تمام گروهها و فرق ملت لبنان نیز هست، زیرا از تائید و حمایت رهبران فکری و اندیشمندان لبنانی برخوردار بود و ۱۹۰ تن از همین متفکران نامه ای را در تائید جنبش محرومین امضاء کردند و نیز مفسرین مطبوعاتی مطالبی تائیدآمیز درباره جنبش محرومین نوشتند.

استاد مفسر مطبوعاتی الیاس الدیری در ستون (موضع امروز) در روز نامه ای پرتیراژ (النهار) در تاریخ ۱۹۷۵/۴/۱ نوشت: (خداوند امام موسی صدر را صد و یک سال حفظ فرماید تا نافوسی خروشان و فریادی طنین انداز درجهان باشد و وجدانی باشد که خفتگان غرق در خواب رابه هنگامی که خلق از نگرانی دیده بر هم نمی گذارند و ناله می کنند، پر آشوبد. خداوند او را برای طایفه محروم خود و سایر محرومان لبنان در طول تاریخ محفوظ بدارد... شاید برای نخستین بار است که جنبش یک رجل دینی رنگ فرقه ای ندارد و از تعصب عاری است زیرا و اعجاب و تقدیر و همدلی مارونی ها، سنی ها و ارتدکسها را اجماعا به خود جذب کرده است و از این روی عنوان دفاع از انسان را در لبنان یافته است، نه دفاع از حقوق طایفه یا فردی از این طایفه را... او بهترین منادی وحدت بود، اگر چه رهبری شیعی بود ولی، در قلب برادران اهل سنت نیز جایگاهی خاص داشت و بزرگان اهل سنت لبنان نیز او را بزرگ می شمردند. مسیحیان نیز به او به دیده احترام می نگریستند. و ایشان را یک روحانی شیعه علاقه مند به حضرت مسیح و آشنای به آیین مسیحیت می یافتند که برایشان از انجیل و مسیح مقدس سخنها می گفت. او در روزهایی که جنگ داخلی توسط فالانژهای دست راستی به اوج خود رسیده بود در تلویزیون ظاهر شد و در یک خطابه پانزده دقیقه ای آن چنان معجزه ای نمود که مسیحیان به خیابانها و محله های شیعه نشین ریختند برادران هموطن شیعه و مسلمان خود را در آغوش گرفتند و کشیشهای لبنان اعتراف کردند که روحانیت و قداستی که امام موسی صدر در طول یک ساعت وعظ در دیرها به وجود آورد از تاثیر کشیشان در طول ۷ سال بیشتر بوده است.

به طور کلی موضع امام صدر از همان آغاز جنگ داخلی لبنان یعنی از اوایل سال ۱۹۷۵ تا زمانی که ناپدید شد به شرح زیر استوار بوده است:

- ۱ - حفاظت اصل همزیستی مسالمت آمیز فرقه های مذهبی مختلف کشور لبنان و تلاش در جهت جلوگیری از تجزیه کشور
- ۲ - حفظ اصل همزیستی مسالمت آمیز لبنان و فلسطین و حمایت همه جانبه از انقلاب فلسطین.
- ۳ - تکیه بر اصل مبارزه در جهت رفع هرگونه اختلاف و تفرقه برای به ثمر رسانیدن اصلاحات سیاسی و اجتماعی.
- ۴ - اجتناب از تعصبات مذهبی و فرقه ای و احتراز از هر گونه درگیری و ستیز فرقه گرایانه.
- ۵ - احترام به رعایت دفاع از خویشان برای هر گروه و دسته یا افراد.
- ۶ - مبارزه با خط تجزیه کشور و تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان و جلوگیری از سرکوب شدن انقلاب فلسطین.
- ۷ - مبارزه مداوم با اسرائیل تجاوزگر تا نابودی کامل غاصب فلسطین.

سرانجام این مجاهد نستوه و مبارز خستگی ناپذیر با هدف ، ایجاد اتحاد بین اعراب و جلب حمایت کشورهای عربی و متقاعد ساختن آنان به منزوی کردن اسرائیل متجاوز و تحریم هرگونه رابطه با اشغالگران فلسطین و به منظور تقویت جنبش محرومین و تهیه سلاح ، به کشورهای مختلف مسافرت کرد، و پس از سفر به الجزیره و مذاکره با مقامات آن کشور در تاریخ ۲۵ اوت ۱۹۷۸ به همراه شیخ محمد یعقوب و یک روزنامه نگار به نام عباس بدر الدین ، وارد طرابلس شد و پس از پنج روز اقامت در هتل شاطی لیبی ، (همزمان با اوجگیری مبارزات ملت شریف ایران و شکوفایی انقلاب اسلامی ) خبر ناپدید شدن این سلاله پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم ) انتشار یافت . ایشان طبق برنامه می باید پس از لیبی به ایتالیا مسافرت می کرد. دولت ایتالیا با ارائه مدارک معتبر ورود ایشان را به ایتالیا (که توسط لیبی ادعا می شد) تکذیب نمود. و تاکنون سرنوشت این مجاهد نستوه در پرده ابهام باقی مانده است .

اولسپتامبر ۱۹۳۹ / ۱۰ شهریور ۱۳۱۸

آغاز جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵ - ۱۹۳۹)

جنگ جهانی دوم ، آتشی بود که شعله های آن تقریباً در سراسر نیمکره شرقی زبانه کشید و هستی میلیونها تن از مردم جهان را نابود کرد و در اوضاع سیاسی ، اقتصادی و حتی فرهنگی ملل جهان بویژه آنهایی که مستقیم یا غیر مستقیم درگیر آن شدند تحولات و دگرگونیهای عمیقی به وجود آورد.

مرگ آریستید بریان (1862 - 1932) Briand Aristide سیاستمدار معروف فرانسه در هفتم مارس ۱۹۳۲ و نیز نایل آمدن آدولف هیتلر Adolf Hitler (؟) (۱۸۸۹ - ۱۹۴۵) به مقام صدارت عظمای آلمان در ۳۰ ژانویه ۱۹۳۳ دو روز سرنوشت ساز تاریخی بودند که ، بعد از آن اروپا به سرایشی جنگ افتاد.

رویداد نخست ، راه اقدامات و ابتکارات ملل را برای تشکیل سازمان صلح و امنیت دسته جمعی مسدود ساخت و رویداد دوم ، دول جهان را بخ مسابقه مجدد تسلیحاتی سوق داد. از آن به بعد قدرت جامعه ملل روز به روز به افول رفت و سیستمهای منطقه ای برای حفظ صلح که به موجب معاهده لوکارنو (۱۷۴) (16 Locarno) اکتبر ۱۹۲۵) و عهدنامه بالکان و... به رسمیت شناخته شده بودند به طور عملی ملغی شدند، در حالی که دولت آلمان نقشه وسیعی برای تجدید تسلیحات خود طرح می کرد.

آلمان در اکتبر سال ۱۹۳۳ از کنفرانس خلع سلاح خارج شد و در مارس ۱۹۳۵ با نقض پیمان ورسای (۱۷۵) خدمت نظام اجباری را مجدداً برقرار ساخت . از سوی دیگر توافقی که به موجب معاهده واشنگتن (۶ فوریه ۱۹۲۲) و معاهده دریایی لندن (۲۲ آوریل ۱۹۳۰) و پیمان دریایی آلمان و انگلیس (۱۸ ژوئن ۱۹۳۵) راجع به تجدید تسلیحات دریایی به عمل آمده بود یا عملی نشد و یا از طرف دولتهای آلمان و ژاپن ملغی گردید. آلمان در هفتم مارس ۱۹۳۶ فسخ معاهده لوکارنو را اعلام کرد و سربازان آن کشور ایالت رنانه Rhenane را مجدداً اشغال کردند. از طرف دیگر حمله جدید ژاپن در سال ۱۹۳۷ به چین مقررات متارکه جنگ را که در مه ۱۹۳۲



منعقد شده بود نقض کرد. ژاپن و آلمان شرکت در کنفرانس کشورهای امضاء کننده پیمان ۹ دولت را که در سال ۱۹۲۲ راجع به امور چین منعقد شده بود به طور آشکار رد کردند. دخالت جامعه ملل که ژاپن از سال ۱۹۲۳ به بعد از عضویت آن استعفا داده بود، بی نتیجه ماند. آلمان نیز در اکتبر ۱۹۳۳ از عضویت جامعه ملل استعفا داد.

از سال ۱۹۳۶ به بعد محقق شد که آلمان، ایتالیا و ژاپن حاضر شده اند که خطرات جنگ را تحمل کنند. هیتلر پیشوای آلمان نازی در فوریه ۱۹۳۸ با در دست گرفتن فرماندهی کل قوای آلمان، موقعیت خود را استحکام بخشید و بتدریج مقامات حساس و مهم دولت را به نازی های اتریش بخشید. روز ۱۲ مارس قوای آلمان از مرز اتریش سرازیر و روز بعد الحاق اتریش به آلمان اعلام شد. هیتلر مصمم شد تا با یاری سه میلیون چک آلمانی زبان ساکن ایالت (سودت)، آن کشور را نیز ضمیمه آلمان سازد. در ماه مارس سال ۱۹۳۹ هیتلر علنا به چکسلواکی حمله کرد و سرتاسر آن کشور را اشغال و به آلمان الحاق نمود. پس از اشغال این دو کشور هیتلر شروع به تهدید لهستان کرد و در اوت ۱۹۳۹ آلمان و اتحاد جماهیر شوروی (سابق) قرار داد عدم تجاوز با یکدیگر را امضاء کردند.

روز اول سپتامبر ۱۹۳۹ قوای موتوریزه آلمان با حمایت گسترده (لوفت وافه) Waffe Luft (نیروی هوایی آن کشور) ظرف چهار هفته، لهستان را تصرف کرد. بهانه جنگ مزبور، ظاهرا تحمیل مقررات سنگین و حقارت آور (عهدنامه ورسای) (۲۸ ژوئن ۱۹۱۹) بر آلمان بود. پس از این تجاوزات، لهستان، بریتانیا و فرانسه مشترکا علیه آلمان اعلام جنگ دادند، و در ماه ژوئیه، نبردهای هوایی آلمان و انگلیس در گرفت.

در نهم آوریل ۱۹۴۰، آلمان به دانمارک حمله کرد و آن کشور را وادار به تسلیم نمود. در حمله به نروژ، قوای فرانسوی و انگلیسی به کمک نیروهای نروژی شتافتند، اما مقاومت آنها نیز در ۱۰ ژوئن پایان یافت. آلمان در ۱۰ مه همان سال به هلند، بلژیک، لوگزامبورگ حمله، و آنها را متصرف شد. در ۲۶ ماه ارتش بلژیک نیز تسلیم شد.

در روز پنجم ژوئن ۱۹۴۰ قوای آلمان نازی خطوط دفاعی ارتش فرانسه را در هم شکسته و بسرعت عازم جنوب شدند. ایتالیا بعنوان متحد آلمان، در روز ۱۰ ژوئن به فرانسه اعلان جنگ داد. آلمانها پس از ورود به پاریس در ۲۲ ژوئن ۱۹۴۰ شرایط صلح خود را به فرانسه دیکته کردند که براساس آن فرانسه به دو قسمت تقسیم شد. بخشی از آن زیر نفوذ آلمان و بخش دیگر که پایتختش شهر (ویشی) Vichy بود تحت حاکمیت فرانسه قرار گرفت. ریاست حکومت را مارشال پتن.

1856 - 1951) Petain Philippe Henri) بر عهده داشت. فرانسه ویشی در سال ۱۹۴۲ توسط قوای آلمان اشغال شد اما حکومت پتن تا سال ۱۹۴۴ باقی ماند.

در ژوئیه ۱۹۴۰ نیروهای آلمانی، حملات هوایی خود را با (عملیات عقاب) علیه انگلستان آغاز کردند. انگلیسی ها به علت دارا بودن دستگاههای رادار ضربات فراوانی بر نیروهای (لوفت وافه) وارد ساختند.

در ماه ژوئن ۱۹۴۱ ارتشهای زمینی و هوایی هیتلر خاک اتحاد جماهیر شوروی را مورد تهاجم قرار داده و شروع به پیشروی کردند.

این تهاجم با مقاومت مردم در استالینگراد (نبرد استالینگراد) متوقف شد. در طول جنگ دولتهای محور (آلمان، ایتالیا، ژاپن) سرزمینهای تازه ای را نیز فتح کردند.

در هفتم دسامبر ۱۹۴۱ ژاپنها (بندر پرل هاربر(۱۷۶)) HarburPearl را مورد تهاجم قرار دادند و سرانجام آمریکا در ماه مه ۱۹۴۲ علیه دولتهای محور، وارد جنگ شد.

در اواخر سال ۱۹۴۲ انگلیسی ها ضد حمله وسیعی را تدارک دیدند و توانستند بتدریج آلمانیها و ایتالیائیها را از شمال آفریقا بیرون برانند (جنگ العلمین) (۱۷۷).

در سال ۱۹۴۳ متفقین با حمله به سیسیل اقدام به گشودن جبهه دو می کردند. این نیروها پس از سرنگونی موسولینی در ژانویه ۱۹۴۴ در بندر (گنزیو) در نزدیکی رم پیاده شدند.

در ۶ ژوئن ۱۹۴۴ ارتشهای عظیمی از نیروهای آمریکا، انگلیس، کانادا در ساحل (نورماندی) فرانسه که در اشغال نازیها بود پیاده شدند. در عملیات (نورماندی) به فرماندهی (ژنرال) (آیزنهاور) متفقین ضربات مرگبار خود را بر پیکر ماشین جنگی آلمان وارد ساختند و پس از نبردهای شدیدی آلمانیها به عقب رانده شدند و سرانجام در روز ۱۵ اوت ۱۹۴۴ قوای متفقین در جنوب فرانسه پیاده شدند. در فوریه ۱۹۴۵ خط دفاعی (زیگفرد) شکسته شد و نیروهای متفقین در ماه مارس وارد آلمان شدند در ژانویه ۱۹۴۵ نیروهای اتحاد جماهیر شوروی (سابق) بسرعت های قوای آلمان را از خاک خود بیرون داندند و از شرق به آلمان نزدیک شدند. نیروهای مشترک انگلیس و آمریکا نیز از غرب آماده حمله به پایتخت آلمان شدند.

روز ۲۴ آوریل قوای شوروی (سابق) وارد برلن شد و به قوای آمریکا پیوست سرانجام ارتش آلمان تسلیم و این جنگ خونین روز هشتم ماه مه ۱۹۴۵ در قاره اروپا پایان یافت.

ارتش آمریکا برای تسلیم نهایی ژاپن و نیز نمایش قدرت بمب اتمی بر فراز شهرهای (هیروشیما) و (ناکازاکی) پرتاب کرد (۶ و ۹ اوت ۱۹۴۵) و مقاومت آن کشور را در هم شکست. ژاپنها در تاریخ ۱۴ اوت ۱۹۴۵ تسلیم بلاشرط را پذیرفتند و به این ترتیب جنگ جهانی دوم، در تمامی جبهه ها رسماً به پایان رسید.

این جنگ که بزرگترین و هواناکترین جنگ در طول تاریخ بشر، تا به امروز است چهار تغییر اساسی در وضع بین المللی به وجود آورد:

۱ - سیستم قدیمی دولتهای اروپا که در جنگ جهانی اول، ضربه خرد کننده ای بر آن وارد شده بود، تقریباً از میان رفت. فرانسه دیگر به صورت یک دولت قدرتمند در قاره اروپا نبود وانگلستان دیگر قادر نبود با افزودن وزنه سیاسی خویش سیاست خود را درباره تعادل قوا، در مقابل نیرومندترین کشورهای قاره اروپا دنبال کند.

۲ - صحنه قطعی قدرت جهانی ، از محل طبیعی قدیمی اروپائی به ایالات متحده و روسیه شوروی تغییر مکان داد و هر کدام از این دو کشور امکان یافتند که کانون سلطه جهانی شوند.

۳ - اختراع سلاحی جدید، مفاهیم جغرافیای نظامی را به طور مؤثری تغییر داد، و در عصر سلاحهای اتمی ، ضعف روز افزونی در ارکان دولتهای صنعتی غرب بویژه بریتانیا، راه یافت .

۴ - نیروی حیاتی ناسیونالیسم تا آسیا و آفریقا توسعه یافت و ملتهای استعمار شده خواستار استقلال داخلی و پایان یافتن سلطه امپریالیزم شدند و این امر وضع موجود سیاسی و اقتصادی را واژگون ساخت .

از نتایج ناپدید جنگ جهانی دوم می توان به : کنفرانس (پوتسدام) Potsdam

(۱۷۸) که برای روشن شدن نحوه اداره آلمان در ژوئیه ۱۹۴۵ در شهر پوتسدام نزدیک برلین ، مرکب از نمایندگان ایالات متحده ، و اتحاد جماهیر شوروی تشکیل شده بود اشاره کرد. در این کنفرانس دول متفق بر محاکمه سران نازی ، گرفتن غرامت جنگی به صورت جنسی از آلمان و نیز کوچاندن آلمانیهای ساکن اروپای شرقی به خاک اصلی آلمان توافق کردند. علی رغم این توافقهها، اختلاف نظر شدیدی درباره سرنوشت کشورهای اروپای شرقی ، آینده یونان و چگونگی کنترل تنگه های (بسفر و داردانل ) میان اتحاد جماهیر شوروی (سابق ) و ایالات متحده آمریکا و انگلیس بروز کرد، که این نخستین اختلاف آشکار متفقین از آغاز جنگ تا این زمان بود.

از دیگر نتایج جنگ می توان به کنفرانس صلح (پاریس ) که با توافق قدرتهای بزرگ در ژوئیه ۱۹۴۶ مرکب از بیست و یک دولت که علیه آلمان اعلان جنگ کرده بودند اشاره کرد، هدف این کنفرانس آن بود تا به امضای صلحی میان متفقین با کشورهای ایتالیا، رومانی ، بلغارستان ، مجارستان و فنلاند که در طول جنگ از متحدین آلمان بودند نایل گردند. آلمان تنها کشوری بود که عقد پیمان صلح با آن انجام نگرفت ؛ زیرا این کشور پس از خودکشی (؟) هیتلر فاقد دولت بود.

کنفرانس مسکو

در مارس ۱۹۴۷ بار دیگر دول متفق در مسکو اجتماع کردند، دستور کار این کنفرانس بحث درباره اتریش و آینده آلمان بود. چون روسها حاضر به خروج از اتریش نبودند و در مورد آلمان ، روسها با دیگر کشورها در سه مورد مرزهای شرقی آلمان ، کمیت و کیفیت گرفتن غرامات و وحدت سیاسی آن کشور، اختلاف نظر داشتند، همچنین تقسیم جهان به دو قطب غرب و شرق از دیگر نتایج جنگ جهانی دوم بود که غربیها به بلوک شرقی اصطلاح کشورهای (پشت پرده آهنین ) و روسها به دول غرب (پرده اورانیوم ) را لقب دادند.

از نتایج پایدار جنگ جهانی دوم می توان به (ایجاد سازمان ملل ) اشاره کرد که در ژوئن ۱۹۴۵ نمایندگان پنجاه کشور طرح تاسیس

آن را در (سانفرانسیسکو) امضاء کردند و یکسال بعد سازمان ملل کار خود را آغاز کرد. همچنین می توان به (جنگ سرد) War

Cold میان آمریکا و شوروی (سابق) اشاره کرد که مبین کشمکش سیاسی - عقیدتی میان دو ابرقدرت شرق و غرب بود که بدون

استفاده از نیروی نظامی به ایجاد دسته بندیهای سیاسی - نظامی و رقابت تسلیحاتی دست زدند.

اثرات جنگ

بسیاری از اثرات جنگ جهانی دوم چون افزایش قدرت دولتها، ایجاد تلفات سنگین و نیز پیشرفت تکنولوژی و... به مانند جنگ اول جهانی بود. جنگ، اهمیت علوم و اثر آن به صنعت را دو چندان نمود و بسیاری از اختراعات، چون رادار، موتور جت و انرژی اتمی به منظور استفاده در جبهه های جنگ پا به عرصه گذاردند.

جنگ جهانی دوم، موجب آزادی بسیاری از مستعمرات انگلستان و فرانسه و هلند بویژه در خاور دور گردید. در طول جنگ ۷/۵ میلیون سرباز روسی، ۳ میلیون سرباز آلمانی، ۱/۵ میلیون سرباز ژاپنی، ۴۰۰ هزار سرباز انگلیسی، ۳۰۰ هزار سرباز آمریکایی، ۲۱۰ هزار سرباز فرانسوی، ۱۸۷ هزار سرباز ایتالیایی و ۱۴۷ هزار سرباز کشورهای کامنولث (۱۷۹) کشته شدند. کل کشته شدگان جنگ جهانی دوم را حدود ۳۹ میلیون نفر تخمین زده اند که اتحاد جماهیر شوروی (سابق) با بیشترین آن یعنی ۱۷/۵ میلیون نفر در راس کشورهای مصیبت زده از جنگ قرار گرفت.

تصویب نظام بانکداری بدون ربا ۱۰ شهریور ۱۳۶۲

نظام بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران، یکی از دستاوردهای پرارزش انقلاب اسلامی است. پس از پیروزی، اداره بانکها براساس موازین اسلامی و احکام الهی، از جمله خواستههای برحق مردم بود. در دی ماه ۱۳۵۸، با اعلام برقراری حداقل سود تضمین شده، به جای بهره سپرده های و کارمزد به جای بهره وامها و اعتبارات مورد مصرف بانکها عنوان شد که، بانکها اسلامی شده اند، ولی با عنایت به فقه پرپار اسلام و احکام مربوط به معاملات اسلامی، این تغییرات جزئی نمی توانست به عنوان (بانکدای اسلامی) مورد قبول مردم باشد، به همین سبب، پیش نویس قانون عملیات بانکی بدون ربا که به وسیله متخصصین مجرب و آگاهان مسائل شرعی تهیه شده بود به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد و در دهم شهریور ماه ۱۳۶۲، از تصویب مجلس و تائید شورای نگهبان گذشت. آئین نامه اجرایی قانون مزبور نیز طرف مدتی کوتاه به تصویب هیئت دولت رسید و دستورالعملهای اجرایی مربوطه هم از تصویب شورای پول و اعتبار گذشت و به بانکهای سراسر کشور ابلاغ شد و به این ترتیب نظام بانکداری بدون ربا، از اول فروردین ماه ۱۳۶۳، توسط بانکهای کشور به مورد اجرا گذاشته شد.

تاریخچه بانکداری اسلامی در جهان

نظام بانکداری متداول در کشورهای جهان امروز، نظام متکی بر (ربا) و اخذ بهره های کلان از مشتریان است. به عبارتی رساتر، بانکداری جهان امروز، بر ربا و بهره استوار است و در کشورهای سرمایه داری و غیر سرمایه داری بانکداری یکی از منابع سرشار حکومتها و بخش خصوصی، به شمار می رود. بدیهی است این نظام که در حقیقت شکل تکامل یافته و پرسودتر نزول خواری و

مرایحه است ، با احکام عالیہ اسلام در تضاد کامل است و به همین سبب فکر ایجاد نظام بانکی بر مبنای احکام اسلامی ، از دیرباز بین مسلمانان جهان ، بویژه مردم کشورهای اسلامی مطرح بود، در این راستا تلاشهایی هم صورت گرفته است .

اولین بانکی که در قالب اسلامی موجودیت یافت ، (بانک پس انداز) بود که در اوایل دهه ۱۹۶۰، در مصر تشکیل شد. این بانک که با اتکا به سپرده های اشخاص موجودیت یافته بود، به منزله انباری که کالا را می پذیرد و برای مصرف در اختیار مناطق مختلف می گذارد عمل می کرد. بدین معنی که با پذیرش سپرده های اشخاص ، منابع حاصله را به سایر مؤسسات وام می داد. در دهه ۱۹۷۰ نیز تعدادی بانک مشابه بانکی که در مصر تاسیس شده بود، در کشورهای کویت ، امارات متحده ، اردن ، سودان و پاکستان تشکیل شد و همزمان ، دو بانک نظیر این بانکها در کشورهای لوگزامبورگ و سوئیس دایر شد.

در سال ۱۹۷۵ نیز یک بانک بین المللی ، با نام (بانک توسعه اسلامی) در جده (عربستان سعودی) تاسیس شد.

از سال ۱۹۸۰ تلاش برای اسلامی کردن نظام بانکی کشورهای مسلمان و کوشش برای از بین بردن نظام بانکی متکی به ربا، سرعت گرفت . به عنوان نمونه دولت پاکستان از سال ۱۹۷۸ بهره معاملات را از تمام نظام بانکی کشور حذف کرده و از اول ژوئیه ۱۹۸۵، کلیه معاملاتی که با بانکها صورت می گیرد، بر پایه مشارکت است و طرفین به رعایت قوانین شرعی در این خصوص ملزم هستند.

## چگونگی پیدایش بانک

اقتصاددانان معتقدند که اقتصاد جهان بر مبنای نحوه مبادلات کالا تاکنون دو مرحله را پشت سر گذارده است و در حال مرحله سوم را طی می کند.

۱ - اقتصاد مبتنی بر مبادلات پایاپای

۲ - اقتصاد مبتنی بر پول

۳ - اقتصاد مبتنی بر اعتبار

حال با توجه با این سه مورد تاریخ تولد بانک را باید در دوران دوم و یا اقتصاد مبتنی بر پول جستجو کرد.

صرافان پایه گذاران اصلی بانکها

به تحقیق روشهای بانکداری امروز جهان نتیجه تحول رویه ای است که صرافان قدیم آغازگر آن بوده اند. این اشخاص طلا و جواهرات مردم را می گرفتند و نزد خود به امانت نگه می داشتند. امانت گذار رسیدی دریافت می کرد و سپس هنگام دریافت امانت رسید را مسترد می داشت و به صراف نیز بابت این کار مبلغی می پرداخت .

صرافان و زرگران بتدریج دریافته‌اند که لازم نیست به هر شخصی همان قطعه طلایی را که از او دریافت داشته‌اند مسترد کنند، بلکه مشتریان حاضرند رسیدی دریافت دارند که در آن مقدار طلا به ارزش معینی ذکر شده باشد و در این صورت به دریافت عین قطعات طلایی که به امانت گذارده‌اند اصرار ندارند. ابتدا صرافان لندن در قبال سپرده‌های طلا و نقره قبضه‌های رسید قابل انتقالی را به کار انداختند که به دنبال آن استفاده از سفته و برات، به منظور انجام پرداخت‌های مختلف معمول و مرسوم گردید.

از سوی دیگر مقارن با همین احوال سرمایه‌داران (یا بهتر بگوییم رباخواران) بزرگ به صورت انفرادی و یا شراکتی دست به ایجاد صرافی‌های بزرگ زدند که به بانک موسوم شد. بدین ترتیب بانک انگلستان، بانک پروس، صندوق تنزیل پاریس یکی پس از دیگری به وجود آمدند و سرانجام در نیمه دوم قرن هفدهم میلادی بانک سوئد از طریق انتشار اوراق رسید متحد الشکل و بی نام در مقابل سپرده‌های فلزات گرانبها برای اولین بار اسکناس جدید را بوجود آورد. بدین ترتیب مقدمات ایجاد پول کاغذی فراهم شد. اولین اثرات عملیات ربوی بانکها در قرن نوزدهم

سنگ بنای اولین بانکهایی که بر پایه ربا در دوران سوداگری (صاحبان عقاید مبتنی بر کسب هر چه بیشتر فلزات گرانبها) گذارده شده بود در اوایل قرن نوزدهم میلادی یعنی در اوج اقتدار پیروان مکتب کلاسیک (عقاید مبتنی بر فرد) بیش از پیش نقش ویرانگر خود را نمایان ساخت.

آدام اسمیت بنیانگذار مکتب کلاسیک تحت این عنوان که محرک فعالیت اقتصادی هر فرد منفعت شخصی اوست، معتقد به آزادی کامل و بی چون و چرای فردی در تکوین و افزایش سرمایه‌ها بود. این نظریه که در اواخر قرن هیجدهم عنوان شده بود خیلی زود با پدید آمدن بحرانهای شدید اقتصادی در اوایل قرن نوزدهم میلادی رنگ و لعاب بظاهر فریبنده خود را از دست داد. بدین شکل که نفع شخصی سرمایه‌داران نه تنها کل جامعه را متنعم نکرد، بلکه این امر به رقابتهای بی رحمانه‌ای بین کارفرمایان تبدیل شد، که در این میان کارگران و افراد کم سرمایه بیش از هر زمان دیگر در زیر چرخهای ظالمانه صاحبان سرمایه خرد شدند. از سوی دیگر بانکها و موسسات اعتباری و به طور کلی مناسبات ربوی آنها نقش عمده‌ای از این روند استثماری را ایفا می‌کرد، تا حد امکان سعی در سود دهی به صاحبان سرمایه را داشته‌باشند. سرانجام با بالا گرفتن عملیات ربوی و شتاب صاحبان سرمایه در ازدیاد و توسعه ثروت، کارگران و افراد کم سرمایه را ناچار به قیامهای خونین کرد.

تاریخچه بانکداری در ایران

سنگ بنای بانکداری در ایران نیز توسط صرافان و بر مبنای عملیات ربوی گذاشته شد. این صرافان که عموماً یهودی بودند علی‌رغم تحریم مسلم و صریح ربا در دین مبین اسلام با سوء استفاده از توسعه تجارت در زمان صفویه عملیات صرافی خود را رونق بخشیدند.

بانکداری در دوران قاجاریه :

در اواسط قرن نوزدهم میلادی استعمار پیر انگلیس در پی رسیدن به اهداف شوم خود مبنی بر احاطه بر اقتصاد کشورهای زیر سلطه و گشودن درهای تجاری بر تولیدات خود در صدد گرفتن امتیاز تاسیس واحدهای بانکی و حق انحصاری نشر اسکناسازمان ملل متحد در ایران بر آمد. با چنین هدفی برای اولین بار در سال ۱۲۶۶ شمسی بانکهای خارجی در ایران تاسیس شدند. بانکهایی که در دوران حکومت قاجاریه تا قبل از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و استقرار سلطنت پهلوی تاسیس شدند عبارتند از:

۱ - بانکهای جدید شرق :

این بانک که مرکز آن در لندن بود از سال ۱۲۶۶ فعالیت خود در ایران آغاز کرد.

۲ - بانک شاهی :

در سال ۱۲۶۷ شمسی ناصرالدین شاه قاجار در قبال دریافت مبلغ ناچیزی امتیاز فعالیتهای صنعتی ، تجاری و بانکی را با حق معافیت از مالیات صدور اسکناس و بروات به بارون جولپوس دو رویتز مؤسس خبرگزاری رویتز داد.

این بانک با داشتن امتیازات فراوان به غارت اموال مردم پرداخت و با وجود این که مدت امتیاز ۶۰ ساله آن در سال ۱۳۲۷ منقضی شد اما تحت عنوان بانک انگلیس تا سال ۱۳۳۱ به فعالیت خود ادامه داد.

۳ - بانک استقراضی :

امتیاز این بانک توسط ناصرالدین شاه و به سال ۱۲۷۰ شمسی به یکی از اتباع دولت روسیه (بنام ژاک پولیا) واگذار شد و پس از چندی با دخالت دولت روسیه در امور بانکی موجب انتقال کلیه سهام این بانک به بانک دولتی پترزبورگ گردید و رسماً تحت اداره دولت روسیه تزاری در آمد.

چهره بانکها پس از کودتای ۱۲۹۹

پس از استقرار مشروطیت و آگاهی نسبی مردم نسبت به مسائل سیاسی روز دولت انگلیس با شناخت این احساسات بلافاصله پس از کودتای ۱۲۹۹ و آغاز ماموریت رضاخان به منظور انحراف افکار عمومی و ملی جلوه دادن وی تشکیل بانک ایرانی و واگذاری نشر اسکناس را توصیه کرد. بانکداری در ایران از این تاریخ به بعد به چهار دوره قابل تقسیم است :

الف : از سال ۱۲۹۹ تا شهریور ۱۳۲۰:

سر سلسله بانکهای بظاهر ایرانی که با سرمایه ایرانی تشکیل شد، بانک پهلوی قشون بود که با موجودی صندوق باز نشستگی ارتش در سال ۱۳۰۴ هجری تاسیس شد. این بانک بعدها به بانک سپه تغییر نام یافت .

بانکهای دیگر این دوره عبارتند از:

۱ - بانک ملی که در سال ۱۳۰۷ تاسیس شد. قابل ذکر است که این بانک در سال ۱۳۱۰ در اثر فعالیت نمایندگان دوره اول مجلس شورای ملی دارای حق انحصاری انتشار اسکناس گردید که تا آن سال در اختیار بانک شاهی بود.

۲ - تاسیس بانک کشاورزی در سال ۱۳۱۲

۳ - تاسیس بانک رهنی ایران در سال ۱۳۱۷

ب: از شهریور ۱۳۲۰ تا کودتای ۱۳۳۲

در این دوره که باصطلاح شروع برنامه های هفت ساله اول (۱۳۲۸) در آن قرار داشت زمینه ورود بخش خصوصی به صحنه بانکداری فراهم شد. این دوره را می توان دوران حاکمیت صرافان و رباخواران بر بانکداری ایران نامید.

بانکهای این دوره عبارتند از:

۱ - بانک بازرگانی ایران (۱۳۲۸)، ۲ - بانک بیمه بازرگانان (۱۳۳۱)، ۳ - بانک پارس (۱۳۳۱)، ۴ - بانک صادرات و معادن (۱۳۳۱)،

۵ - بانک تهران (۱۳۳۱)، ۶ - بانک عمران (۱۳۳۱)

ج: از سال ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۲

در پی کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به کارگردانی آمریکا و انعقاد قراردادهای فروش نفت به استعمارگران بتدریج در آمدهای نفتی

به اقتصاد کشور وارد گردید. هجوم رباخواران بین المللی یکی از مشخصه های اصلی این دوره بانکداری ایران است. استعمارگران

در شاخه پولی به منظور چپاول ثروتهای ملی، مقدمات تاسیس بانکهای مختلط با سرمایه های خارجی و سرمایه داران بخش

خصوصی ایرانی را فراهم کردند که این امر نشنندهنده وابسته تر شدن هر چه بیشتر، صنایع، اتکاء صد در صد به نفت و بالاخره

آسوده خاطر بودن سرمایه داران جهانی از اوضاع سیاسی کشور بود.

بانکهای تاسیس شده در این دوره عبارتند از:

۱ - بانک اعتبارات صنعتی (۱۳۳۵)،

۲ - بانک اعتبارات ایران (۱۳۳۷)،

۳ - بانک اصناف ایران شهر (۱۳۳۷)،

۴ - بانک بانک ایران و انگلیس (۱۳۳۷)،

۵ - بانک بیمه ایران (۱۳۳۷)،

۶ - بانک تجارت خارجی ایران (۱۳۳۷)،

۷ - بانک تجارتي ایران و هلند (۱۳۳۷)،

۸ - بانک کار (۱۳۳۷)،



۹- بانک اعتبارات تعاونی و توزیع (۱۳۳۸)،

۱۰ - بانک ایران و خاور میانه (۱۳۳۸)،

۱۱ - بانک ایرانیان (۱۳۳۸)،

۱۲ - بانک بین المللی ایران و ژاپن (۱۳۳۸)،

۱۳ - بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران (۱۳۳۸)،

۱۴ - بانک رفاه کارگران (۱۳۴۰)

تاسیس بانک مرکزی

تاسیس بانک مرکزی نیز در این دوره و در سال ۱۳۳۹ صورت گرفت. اصولاً بانک مرکزی سالها قبل از آغاز بانکداری در ایران در اثر گسترش و رقابت بیش از حد بانکها در کشورهای اروپایی و آمریکایی ایجاد گردید، که عمده ترین هدف آن جلوگیری از ورشکستگی بانکها و کنترل عملیات بانکی بود.

در ایران نیز با توجه به اعمال سیاستهای درهای باز و با رشد بی رویه بانکها و با توجه به رقابتی که بین آنها به وجود آمد و از سوی دیگر بروز بحران اقتصادی سال ۱۳۳۸ تاسیس بانک مرکزی ضروری به نظر می رسید. این بانک موظف شد که بدون رقابت با سایر بانکها ضمن اشراف بر سیستم بانکی وظایفی از قبیل: انجام خدمات بانکی برای دولت، انتشار اسکناس و کنترل اعتبارات و حجم پول را به عهده گیرد؛ به همین جهت وظایف بانک مرکزی از بانک ملی جدا شد و این بانک در سال ۱۳۳۹ رسماً شروع به کار کرد.

د: وضعیت بانکداری از سال ۱۳۴۲ تا پیروزی انقلاب اسلامی:

در این دوره دوازده بانک جدید تاسیس شد.

۱ - بانک توسعه کشاورزی ایران (۱۳۴۷)،

۲ - بانک داریوش (۱۳۵۲)،

۳ - بانک شهریار (۱۳۵۲)،

۴ - بانک صنایع ایران (۱۳۵۲)،

۵ - بانک توسعه و سرمایه گذاری ایران (۱۳۵۲)

۶ - بانک ساختمان (۱۳۵۲)،

۷ - بانک ایران و عرب (۱۳۵۴)،

۸ - بانک بین المللی ایران (۱۳۵۴)،

۹ - بانک گسترش آذربایجان (۱۳۵۴)،

۱۰ - بانک گسترش خزر (۱۳۵۴)،

۱۱ - بانک گسترش خوزستان (۱۳۵۴)،

۱۲ - بانک فرهنگیان (۱۳۵۶).

از سال ۱۳۵۲ به بعد که در فروش و قیمت نفت جهش تازه ای ایجاد گردید و با توجه به رشد صنایع موثناژ تجارت رها شده و بی بند و بار بخش خصوصی و سرمایه داران را بیش از گذشته به سمت ایجاد بانکهای متعدد کشاند.

بانک و بانکداری پس از پیروزی انقلاب اسلامی

به طور کلی در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی ، ۳۶ بانک با ۸۲۷۴ شعبه و بیش از ۷۰ هزار کارمند به عنوان نظامی از هم پاشیده

وبال گردن اقتصاد پرآشوب دوران انقلاب گردید. در اولین اقدام در تاریخ ۱۸ خرداد ماه سال ۱۳۵۸ کلیه بانکهای کشور از سوی

شورای انقلاب ملی اعلام شد. لکن این ملی شدن که در نتیجه ورشکستگی کامل و به منظور رفع نگرانی مشتریان بانکها از سپرده هایشان صورت گرفت ، ناشی از ضرورتی بود که مرور بر آن عملکرد ضعیف و سهل انگاری دولت موقت را در این زمینه نشان می دهد.

دومین اقدامی که در بانکداری پس از انقلاب واقع شد، ادغام بانکها بود براساس طرحی که از سوم دی ماه ۱۳۵۸ به مرحله اجرا در آمد کلیه بانکهای تجاری در دو بانک تجارت و ملت و کلیه بانکهای تخصصی نیز در سه بانک صنعت و معدن ، کشاورزی و مسکن ادغام شدند و بانکهای ملی ، سپه و رفاه کارگران نیز به همان وضع سابق خود باقی ماندند.

مساله حذف بهره

از همان ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی مساله بهره و به عبارت دیگر ربای بانکی مد نظر و مورد اعتراض مسئولان و فقهای گرانقدر قرار گرفت . امام خمینی ( ره ) در دیدار با اعضای شورای انقلاب در آبان ماه سال ۱۳۵۸ تاکید کردند که ربا بایستی هر چه زودتر از سیستم بانکی حذف شود. در سوم دی ماه ۱۳۵۸ مسئولان وزارت اقتصاد و دارائی اعلام کردند که بهره از سیستم بانکی حذف می شود و از آن تاریخ به بعد بانکها به جای بهره ، ۴ درصد کارمزد دریافت کردند و برای سپرده ها سودی به عنوان حداقل سود تضمین شده با نرخ ۷ تا ۸/۵ درصد در سال پرداخت شد که این مسئله یعنی حداقل سود تضمین شده فرق زیادی با بهره بانکی نمی کرد و مورد اعتراض قرار گرفت .

قانون عملیات بانکی بدون ربا

قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب دهم شهریور ماه ۱۳۶۲ ضمن تاکید بر حذف ربا، حداقل سود تضمین شده و کارمزد ثابت ،

نظر بر حذف بهره از سپرده های قرض الحسنه و جاری و اعطای جوایز غیر ثابت نقدی یا جنسی برای این گونه سپرده ها، و

همچنین مشارکت در سپرده های مدت دار، در اشکال مختلف مضاربه ، اجاره به شرط تملیک ، معاملات اقساطی ، مزارعه ، مساقات

، سرمایه گذاری مستقیم ، معاملات سلف و جعاله دارد. این قانون از دو جنبه قابل بررسی است : ۱ - حذف بهره از پس انداز، ۲ - چگونگی مشارکت بانکها با سپرده گذاران .

قانون فوق که مشتمل بر ۲۷ ماده و ۴ تبصره می باشد، هشتم شهریور ماه ۱۳۶۲ در مجلس شورای اسلامی تصویب و در دهم شهریور همان سال به تایید شورای نگهبان رسید و از اول سال ۱۳۶۳ به اجرا در آمد.

این قانون به پنج فصل تقسیم شد که فصل اول آن اهداف و وظایف نظام بانکی در جمهوری اسلامی را بیان کرده است و در فصول بعدی به تجهیز منابع پولی ، تسهیلات اعطایی بانکی بانک مرکزی ایران و سیاست پولی و در فصل آخر به متفرقه ها پرداخته است .

فصل اول - اهداف و وظایف نظام بانکی در جمهوری اسلامی ایران

ماده ۱ - اهداف نظام بانکی عبارتند از:

۱ - استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (ضوابط اسلامی) به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور.

۲ - فعالیت در جهت تحقق اهداف و سیاستها و برنامه های اقتصادی دولت جمهوری اسلامی با ابزارهای پولی و اعتباری .

۳ - ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش تعاون عمومی و قرض الحسنه از طریق جذب و جلب وجوه آزاد و اندوخته ها و پس اندازها و سپرده ها و بسیج و تجهیز آنها در جهت تامین شرایط و امکانات کار و سرمایه گذاری به منظور اجرای بند (۲) و (۹) اصل چهل و سوم قانون اساسی .

۴ - حفظ ارزش پول و ایجاد تعادل در موازنه پرداختها و تسهیل مبادلات بازرگانی .

۵ - تسهیل در امور پرداختها و دریافتها و مبادلات و معاملات و سایر خدماتی که به موجب قانون بر عهده بانک گذاشته می شود.

ماده ۲ - وظایف نظام بانکی عبارتند از:

۱ - انتشار اسکناس و سکه های فلزی رایج کشور طبق قانون و مقررات .

۲ - تنظیم ، کنترل و هدایت گردش پول و اعتبار طبق قانون و مقررات .

۳ - انجام کلیه عملیات بانکی ارزی و ریالی و تعهد یا تضمین پرداختهای ارزی دولت طبق قانون و مقررات .

۴ - نظارت بر معاملات طلا و ارز و ورود و صدور پول رایج ایران و ارز و تنظیم مقررات مربوط به آنها طبق قانون .

۵ - انجام عملیات مربوط به اوراق و اسناد بهادار طبق قانون و مقررات .

۶ - اعمال سیاستهای پولی و اعتباری طبق قانون و مقررات .

۷ - عملیات بانکی مربوط به آن قسمت از برنامه های اقتصادی مصوب که از طریق سیستم پولی و اعتباری باید انجام گیرد.

۸ - افتتاح انواع حسابهای قرض الحسنه (جاری و پس انداز) و سپرده های سرمایه گذاری مدت دار و صدور اسناد مربوط به آنها بر طبق قوانین و مقررات .

۹- اعطای وام و اعتبار بدون ربا (بهره ) طبق قانون و مقررات .

۱۰ - اعطای وام و اعتبار و ارائه سایر خدمات بانکی به تعاونیهای قانونی جهت تحقق بند (۲) اصل ۴۳ قانون اساسی .

۱۱ - انجام معاملات طلا و نقره و نگاهداری و اداره ذخائر ارزی و طلای کشور با رعایت قوانین و مقررات مربوط به آن .

۱۲ - نگاهداری وجوه ریالی موسسات پول و مالی بین المللی و یا موسسات مشابه و یا وابسته به این موسسات طبق قانون و مقررات .

۱۳ - انعقاد موافقتنامه پرداخت در اجرای قراردادهای پولی و بازرگانی و ترانزیتی بین دولت و سایر کشورها طبق قانون و مقررات .

۱۴ - قبول و نگاهداری امانات طلا و نقره و اشیاء گرانبها و اوراق بهادار و اسناد رسمی از اشخاص حقیقی و حقوقی و اجاره صندوق امانات .

۱۵ - صدور و تایید و قبول ضمانتنامه ارزی و ریالی جهت مشتریان .

۱۶ - انجام خدمات وکالت و وصایت بر طبق قانون و مقررات .

۱۱ شهریور ۱۳۶۵

عملیات کربلای ۳

به منظور انجام عملیات ایدایی و محدود، طرحی جهت حمله به اسکله الامیه (۱۸۰) عراق در منطقه خلیج فارس تصویب (۱۸۱) و

اجرای این ماموریت به نیروی دریایی سپاه واگذار شد و یکی از یگانهای با تجربه نیروی زمینی سپاه از لشگر ۱۴ امام حسین (ع)،

برای انجام این عملیات ، به قرارگاه نوح مامور گردید و در ساعت ۱/۳۰ دقیقه بامداد روز سه شنبه ۱۳۶۵/۶/۱۱ با رمز مقدس (حسبنا

الله و نعم الوکیل ) در منطقه خلیج فارس آغاز گردید.

مختصری از موقعیت جغرافیایی منطقه و اهمیت آن

دو اسکله الامیه و البکر در آبهای خلیج فارس و در جنوب شرقی (راس البیشه )، با فاصله ۱۲ کیلو متر از یکدیگر، در یک راستا -

نسبت به خط شمال - واقع شده اند. سواحل جمهوری اسلامی ، در شمال این اسکله ها، و بندر فاو، خور عبدالله و بوبیان نیز در

غرب آن ، قرار دارند.

محل تعبیه این سکوها، نقطه تلاقی آبهای اروند رود و خور عبدالله با خلیج فارس است . عمق آب در اطراف این اسکله ها - در

حالت مد - ۳۴ متر و در حالت جزر، بین ۳۰ تا ۳۱ متر است .

فاصله این دو سکو تا مواضع خوددی (در نهر قاسمیه)، به ترتیب، ۲۵ و ۳۵ کیلو متر است و طی مسافت میان این اسکله ها تا ام القصر، به وسیله ناوچه های دشمن، ۳ ساعت به طول می انجامد.

سکوهای البکر و الامیه، قبل از شروع جنگ، از عمده ترین محل های صدور نفت عراق بودند که کشتیهای بزرگ با تناژ بیش از ۳۰۰ هزار تن، با پهلوی گرفتن در کنار این سکوها، بارگیری می کردند و به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص این دو اسکله (عمیق بودن آب در این منطقه و...) یک سوم نفت عراق از این منطقه صادر می شد. علاوه بر این، با قرار گرفتن این دو اسکله بر سر راه ام القصر و بندر بصره، کشتیهای بازرگانی عراق، در کنار آنان لنگر می انداختند و پس از فرا رسیدن موعد تخلیه و یا بارگیری، راهی بنادر مذکور می شده اند.

با شروع جنگ و تلاش عراق برای افزایش صدور نفت، فعالیت این سکوها زیاد و در نتیجه، به صورت یکی از اهداف مورد حمله ایران در آمدند.

با وجود همه موانع و مشکلات موجود، تصرف سکوها - به دلیل اهمیت این منطقه برای جمهوری اسلامی - ارزش فراوانی داشت و مزایای زیر را در برداشت:

۱ - ارزش سیاسی اسکله

تصرف این دو اسکله، تسلط بر شمال خلیج فارس را به دنبال داشت. و لازم به یاد آوری است - که بعد از عملیات والفجر ۸ - که جمهوری اسلامی اعلام کرد بر شمال خلیج فارس مسلط شده است - عراق تعدادی خبرنگار و فیلمبردار به روی اسکله ها آورده بود، تا بدین وسیله نشان دهد که هنوز این منطقه، دارای فعالیت است. همچنین این عملیات مقارن با تشکیل کنفرانس سران غیر متعهد در حراره بود و لذا قبل از این که آن را عملیات نظامی صرف محسوب کنیم می بایستی بعنوان یک عملیات سیاسی نظامی قلمداد کرد.

۲ - زمینه سازی برای تصرف و تهدید ام القصر

با گذاشتن امکانات وسیعی روی آن، رفتن به سوی ام القصر به راحتی انجام می گرفت. از طرف دیگر، نیروهای خودی می توانستند، روزها در این منطقه مستقر و شبها جهت انجام عملیات، به سوی بوبیان حرکت و مجدداً به این منطقه باز گردند.

شرح عملیات

شب اول (۶۵/۶/۹)

نیروهای رزمنده پس از آن که توسط امام جمعه اصفهان آیت الله طاهری از زیر قرآن عبور کردند در ساعت ۲۱ سوار قایقها شده، حرکت کردند، اما به دلایلی موفق نشدند در زمانبندی مورد نظر، خود را به موقعیتهای از قبل تعیین شده برسانند و بعد از ظاهر شدن اشکالاتی، انجام عملیات در آن شب منتفی و در ساعت ۰۰/۴۲ دقیقه بامداد، به آنها دستور برگشت داده شد.

بعد از عقب نشینی نیروها، که تا حدود ساعت ۳ بامداد به طول انجامید، فرماندهی دستور داد که اولاً، کلیه قایقها - به دلیل

پروازهای احتمالی هواپیماهای دشمن در روز - داخل نهرها استتار شود؛ ثانياً: جهت جلوگیری از خروج اطلاعات پیرامون عملیات، از خروج کلیه نیروها از منطقه عملیاتی جلوگیری شود.

شب دوم عملیات

با در نظر گرفتن اشکالات به وجود آمده در منطقه، تصمیم گرفته شد که نیروها، در ارتباط با عملیات بیشتر توجیه شوند. این توجیه، تا ظهر روز ۱۰ شهریور به طول انجامید. از ظهر تا ساعت ۱۶ آن روز نیز نیروها استراحت کردند و بر خلاف شب قبل، در ساعت ۱۷ بعد از خوردن شام - به طرف اسکله خودی به راه افتادند. حدود نیم ساعت بعد در اسکله خودی حاضر شدند. وضعیت عقب نشینی شب گذشته و جلوه دادن آن برای نیروها، به گونه ای بود که همگی گمان می کردند که حرکت شب گذشته، جهت آمادگی بوده است.

درباره چگونگی حرکت غواصها، مسئولین معتقد بودند که حرکت شب گذشته آنها، از لحاظ رعایت غافلگیری و به کار بستن تاکتیکهای مورد نظر، موفق بوده؛ زیرا در غیر این صورت، هواپیماهای عراق می بایست از صبح، منطقه را بمباران می کردند. بدین ترتیب، با استفاده از تجربیات شب اول، تدابیری در جهت رفع پاره ای از نقایص و تقویت بیشتر نقاط قوت، اتخاذ شد. با آغاز تاریکی، نیروها نماز را در اسکله شهید شمس (۱۸۲) به جا آوردند، پس از آن، حدود ۱۰ دقیقه مراسم نوحه خوانی بود، که شور و حالی ایجاد کرد و بعد، بتدریج، آماده حرکت شدند. (۱۸۳)

به دنبال حرکت این نیروها، هماهنگی لازم برای آمادگی نیروهای موج دوم و... انجام گرفت.

در ساعت ۲۱/۱۷، بیسیم خبر داد که غواصها به اولین منطقه تعیین شده رسیده و مشغول پوشیدن لباسهای خود هستند.

در ساعت ۲۲/۱۵، مسئول محور گزارش داد که به دومین نقطه تعیین شده رسیده و از آنجا به طرف نقطه سوم حرکت کرده است.

بعد از این گزارش، دستور سوار شدن اولین گروه های رزمنده صادر شد و حدود ساعت ۲۲/۳۵، این نیروها از اسکله به راه افتادند.

از اینجا به بعد، پیدا کردن سومین نقطه تعیین شده، به صورت مسئله عمده غواصها مطرح شد و در این رابطه، برخی اشکالات بروز کرد. از آنجا که در ساعت ۲۳/۰۰ شب، جزر شروع می شد، پیدا نکردن آن نقطه تا این ساعت به معنای ایجاد وقفه و بروز مشکلات اساسی در انجام عملیات تلقی می شد.

در این حال، نیروها با وجود آن که حدود یک کیلومتری نقطه مورد نظر بودند، اما نمی توانستند به آن دست پیدا کنند، از این رو در صدد بر آمدند که بوسیله رادار قرارگاه نوح، مشکل را حل کنند.

در ساعت ۲۳/۳۲، پس از رفع برخی اشکالات، گرای لازم جهت حرکت نیروها داده شد؛ اما باز هم گشایشی در کار حاصل نشد.

اشکال کار در این بود که برادران، شبهای گذشته با گرای دیگری همین مسیر را می رفتند و به همین دلیل، حرکت با گرای داده

شده ، برای آنها مفهوم نبود. سرانجام ، در یک هماهنگی بین برادران ، قرار شد یکی از مسئولین قرارگاه ، با قایق مجهز به رادار خود، برای هدایت نیروها به جلو برود. او در ساعت ۲۳/۳۷ حرکت کرد.

در ساعت ۲۳/۳۵، فرماندهی لشکر، به نیروهای احتیاط سوار شناور دستور داد، یک گروهان را آماده حرکت کنند تا بنا به دستور، سریعاً به جلو بیایند. این کار از آن جهت ضروری بود که احتمال تغییر در تاکتیکهای پیش بینی شده ، وجود داشت . ۸ دقیقه بعد از نیمه شب ، فرماندهی لشکر، تصمیم گرفت خود به جلو حرکت کند و چند دقیقه بعد، این کار عملی شد.

در ساعت ۰۰/۳۷، به فرماندهی که در راه بود، خبر داده شد که غواصها کار خود را برای پیشروی - با تغییر مختصری در شیوه پیش بینی شده - شروع کرده اند. براساس پیش بینی قبلی ، حرکت نیروهای موج اول ، بدین صورت بود که بعد از پیاده شدن در آب ، در سه محور مشخص حرکت می کردند و به سه نقطه جداگانه از اسکله حمله ور می شدند. با ورود غواصان به داخل آب و توجه به مسیر آن ، معلوم شد که بر خلاف پیش بینی قبلی ، جهت وزش باد، تقریباً بر عکس نیاز است و موجب می شود که آب ، به سینه نیروهایی که به طرف اسکله حرکت می کنند، کوبیده شده ، ضمن کند کردن حرکت ، باعث خستگی آنها بشود.

در همین حال که قایق فرماندهی در حال حرکت به سمت جلو بود، تماس بیسیم با نیروهای غواص قطع شد و تلاش برای ایجاد تماس با آنها به جایی نرسید. این در حالی بود بودن که طبق تماس قبلی ، نیروها در عین اخلاقی که در یکی از محورها به وجود آمده بود، با موفقیت در حال پیشروی به سوی اسکله بودند. علاوه بر آن ، با نزدیک شدن ساعت ۳ بامداد و مد آب ، حرکت برای نیروها دشوارتر می شد.(۱۸۴)

با شروع مد، هر گونه امیدواری نسبت به موفقیت غواصها، بتدریج ، تبدیل به یاس می شد. موج آب ، شدید بود و همه گمان می بردند که آب ، نیروهای غواص را به طرف اسکله خودی خواهد راند.

قطع بیسیم ، منجر به طرح این سؤال که چه باید کرد! آیا نیروها را باید به عقب کشید؟ یا در همین حال ، سوار شناورها را وارد عمل کرد؟ حتی این مسئله مطرح شد که آیا می توان با قایقهایی به جمع کردن غواصها پرداخت؟! زمان بسرعت می گذشت و نزدیک ساعت ۴ صبح ، هوا کم کم در حال روشن شدن بود. در واقع ، قطع تماس با نیروهای غواص ، تردید و دو دلی ناراحت کننده ای را در گرفتن تصمیم قاطع به وجود آورده بود.

از یک طرف ، غواصهای پیشتاز در داخل آب قرار داشتند و از وضعیت آنها اطلاع درستی در دست نبود و احتمال می رفت که بر اثر فشار مد به عقب رانده شده باشند و این ترس وجود داشت که بر اثر ورود و حمله سوار شناورها، غواصهایی که جای آنها مشخص نبود، توسط قایقها زیر گرفته شوند. از سوی دیگر، با فرا رسیدن روز، دیده شدن قایقهای آماده ، توسط دشمن عکس العمل طبیعی وی را نیز به دنبال داشت و احتمال محاصره غواص ها نیز از طرف دشمن می رفت .

رسیدن نیروها و شروع عملیات در اسکله

بعد از قطع ارتباط بیسیم غواصها به راه خود ادامه دادند. در این میان ضمن این که بین ستونها فاصله افتاده بود ارتباط آنها نیز با یکدیگر قطع شده بود. با مد آب و تلاطم فوق العاده و تغییر جهت آن ، برادران جناح چپ و وسط، عملا از مقابل اسکله رد شده ؛ ولی در محور راست ، نیروها توانسته بودند، حدود ساعت ۴ صبح ، در سمت چپ اسکله به پد هلیکوپتر برسند. اکنون بایستی تصمیم می گرفتند: آیا ماموریت نیروهای دیگر را باید انجام بدهند؟ چگونه ؟ تصمیم مشخص بود. در همانجا با مشورتی کوتاه ، طرحی ریخته شد که بر طبق آن ، وارد عمل شدند. بر اساس این طرح ، در صد متری اسکله ، فرمانده نیروهای محور راست ، به همراه معاون خود و یکی از مسئولین دسته ها، از گروه جدا شده ، به طرف اسکله حرکت کردند و به زیر آن رسیدند. این برادران ، با یک سلسله حرکات و تاکتیکهای بی نظیر، موفق شدند خود را به بالای اسکله - روی پد هلیکوپتر - برسانند.

رزمندگان در بالای پد، به یک سنگر نگهبانی عراقیها برخوردند که سه نفر نگهبان در آن مستقر بودند و بایستی این قسمت از اسکله ، بدون سر و صدا پاکسازی می شد.

دقایقی گذشت ؛ برادران در تاریکی ایستاده ، منتظر فرصتی برای غافلگیر ساختن دشمن بودند، در این هنگام ، با خوردن دست یکی از آنها به کلاه آهنی که در کنار سنگر بود و با افتادن کلاه بر روی زمین ، یکی از افراد دشمن هشیار شده ، پس از لحظه ای ، به سوی مکانی که از آن صدا برخاسته بود، حرکت کرد و بدین ترتیب ، دیگر چاره ای جز درگیری باقی نماند.

درست در زمان رسیدن نگهبان دشمن به نزدیکی غواصان ، یکی از آنها بلند شد و ایستاد. این رزمنده ، نظیر سایر برادران ، به لباس غواصی سپاه ملبس بود، و لوله مخصوص لباس نیز به آن آویزان بود. نگهبان مزبور که در تاریک و روشن بامداد، ناگهان خود را با موجود عجیب و پرهیبتی مواجه می دید، از شدت وحشت بیهوش شد و به زمین افتاد. با افتادن وی ، رزمندگان توانستند با استفاده از اسلحه کلت ، بدون دادن فرصتی به نگهبان دیگر، آنها را به هلاکت برسانند.

شعاع پد، حدودا یک کیلومتر بود. برادران غواص ، بسرعت عملیات پاکسازی پد، انهدام موانع ، و آماده کرن محل برای ورود دیگران را انجام دادند. بدین ترتیب ، نیروها عازم بالا رفتن از اسکله شدند. در این هنگام ، یک نفر عراقی - در حالی که فریاد می زد و تیراندازی می کرد - به بالای سر نیروهای خودی رسید، که توسط رزمندگان ایرانی ، با کلت هدف قرار گرفت . دشمن متوجه حضور نیروهای ایرانی در اطراف پد هلیکوپتر شده بود، اما دیگر دیر بود و در این زمان نصف نیروهای محور راست ، از اسکله بالا رفته بودند، بدین ترتیب دشمن از اقدامات خود سودی نبرد و بشدت سرکوب شد و نفرات خودی توانستند بدون دادن تلفات تا ساعت ۴/۳۰ به بالای اسکله برسند.

از این سوء در وضعیت نومیدی و نگرانی و در شرایطی که تنها حدود نیم ساعت به روشنی هوا مانده بود ایستگاه شنود خبر داد که بالای اسکله درگیری است . به دنبال آن ، چند رگبار تیر رسام ، شلیک و سپس قطع شد. اکنون باید دقیقا مشخص می شد که آیا عراقیها تیراندازی کرده اند و یا این که نیروهای پیشتاز، درگیری را آغاز کرده اند. از آنجا که قرار بود رزمندگان ایرانی ، با رسیدن به



اسکله ، با پرتاب گلوله منور علامت بدهند و این امر اتفاق نیفتاده بود، هنوز شک و دو دلی ، به قوت خود باقی بود. با این وجود، سوار شناورها، آماده صدور فرمان حرکت شدند.

این زمانی بود که هوا روشن شده ، شبح اسکله از دور دیده می شد. در این هنگام ، بار دیگر تیراندازی آغاز شد و همراه آن ، دو گلوله آر پی جی ، نیز شلیک شد. با شلیک دیگر گلوله های آر پی جی مسلم شد که نیروها درگیر شده اند و دستور حرکت سوار شناورها به سوی اسکله صادر گردید.

از سوی دیگر، نیروهای جلو، پاکسازی اسکله را آغاز کردند. در این حال ، نیروهای غواص ، با سلاحهای محدود خود، توانستند از پد هلیکوپتر تا بریدگی وسط اسکله را پاکسازی کنند.

مقاومت دشمن در سمت مقابل ، زیاد بود. علاوه بر آن ، رزمندگان خودی همگی خسته شده بودند و محدودیت سلاح موجود نیز مانع از پیشروی بیشتر آنان از این نقطه می شد. در ساعت ۵/۳۰ گروهان سوار شناور به اسکله رسید. دشمن به علت در دست داشتن سمت راست اسکله ، با سلاح ۵۷ میلیمتری به سوی قایقهای خودی شلیک می کرد. با وارد شدن گروهان سوار شناور، از فشار وارده بر برادران غواص کاهش یافت . تا این مرحله از کار، نیروهای عمل کننده غواص ، تنها چند مجروح داشتند.

از سوی دیگر، با روشن شدن هوا، تعدادی از غواصان محورهای دیگر، موقعیت را یافتند که خود را به اسکله برسانند و تعدادی دیگر نیز توسط نیروهای خودی ، از سطح آب جمع آوری شدند.

دریا همچنان تلاطم داشت و حرکت قایقهای سوار شناور، بر روی موجهای آب ، تلاطم خاصی به آن بخشیده بود. اما قایقها با سرعت ، بر روی امواج ، به طرف اسکله حرکت می کردند. در نزدیکی اسکله ، دشمن بر روی نیروها توسط چهار لولهها، و ۷۵ م م اجرای آتش می کرد، که چند قایق نیز مورد هدف قرار گرفت و تعدادی از رزمندگان ، زخمی شدند. همزمان یک فروند هواپیمای دشمن نیز در آسمان ظاهر شد ؛ ولی به علت حضور نیروهای عراقی بر روی اسکله ، از حمله خودداری کرد و در عوض ، با تیربار، به قایقهای ایرانی حمله کرد و خساراتی نیز وارد ساخت .

در این هنگام ، یکی از غواصان ، به وسیله چهار لوله که سه لول آن خراب بود، به طرف هواپیما تیراندازی کرد. هواپیما هدف قرار گرفت و سقوط کرد و خلبان آن علی رغم خارج شدن از هواپیما، به علت انفجار آن ، کشته شد.

سقوط هواپیما و رسیدن نیروهای تازه نفس احتیاط، همان اندازه در تقویت روحیه نیروهای ایرانی موثر بود که در تضعیف روحیه دشمن ، دشمن در انتهای سمت راست اسکله ، دو قبضه توپ ۵۷ م م داشت ، که با استفاده از آنها، اسکله و مسیر قایقهای ایرانی را زیر آتش می گرفت . علاوه بر آن ، عراقیها با استفاده از هتل بلند واقع در سمت راست اسکله ، سنگر گرفته ، نیروهای ایرانی را مورد هدف قرار می دادند، در مقابل ، رزمندگان ایرانی نیز در پناه آتش آر پی جی های خود، به جلو رفته ، به پاکسازی و تامین

منطقه اقدام می کردند. از سوی دیگر، با ورود توپهای ۲۳ و ۱۰۶ م م دشمن در سمت راست و شلیک آن به داخل ساختمان هتل ، باقیمانده عراقیها تسلیم شدند. بدین ترتیب ، کار تصرف اسکله نزدیک ساعت ۸ صبح پایان یافت .

استقرار بر روی اسکله و حملات هوایی دشمن

با تصرف اسکله ، فرماندهی نیروهای حمله ور تصمیم گرفت که نیروهای اضافه ، هر چه سریعتر، تخلیه شده ، فقط تعداد محدودی از رزمندگان برای پدافند باقی بمانند. این کار، با توجه به سرعت عمل عراق ، در استفاده از هواپیماها، هر چه سریعتر انجام پذیرفت و حدود ساعت ۱۰ صبح ، کلیه نیروهای موج اول و دوم عقب کشیده شدند و نیروهای احتیاط، به تعداد مورد نیاز، در اسکله استقرار یافتند.

بالای اسکله ، تعداد چهار قبضه پدافند چهار لول ، دو عدد دو لول ، چند قبضه ۵۷ م م و دو قبضه شلیکا موجود بود، که بلافاصله ، اقدام به راه اندازی آنها شد. از سوی دیگر، اسکله البکر نیز که صبح هنگام به آتش کشیده شده بود در حال سوختن بود. نخستین فشار دشمن به اسکله الامیه ، با زدن یک موشک به پد هلیکوپتر - در ساعت ۱۰ صبح آغاز شد. این در حالی بود که در این مکان ، تعدادی از زخمیهای خودی و عده ای از اسرایی که آماده تخلیه بودند، مورد اصابت گلوله قرار گرفتند. بدین جهت ، با هماهنگی فرماندهی با مسئولین واحدهای ، قرار شد که حتی المقدور، تعداد نیروهای موجود بالای اسکله ، محدود باشد تا از تلفات بیشتر جلوگیری شود.

در این حال ، طبق گزارشات شنود، نیروهای دشمن مستقر در اسکله البکر، به علت آتش سوزی شدید، دائما تقاضای انتقال از منطقه را می کردند. سوختن اسکله البکر، از اسکله خودی در کنار اروند رود - یعنی از فاصله ۳۵ کیلومتری - بوضوح مشخص بود و دود سیاه غلیظی آسمان اطراف البکر را پوشانده بود.

در این وضعیت ، دشمن برای ادامه فشار خود بر روی اسکله الامیه ، از موشکهای دوربرد استفاده کرد. علاوه بر موشک صبح ، به هنگام عصر نیز از موشک دیگری استفاده کرد، که به ۱۵۰ متری پد هلیکوپتر اصابت کرد و دو یا سه نفر تلفات داشت . دشمن علاوه بر پرتاب موشکها، حدود پنجاه بار نیز اقدام به بمباران هوایی کرد که فشار زیادی بر رزمندگان خودی وارد نکرد.

علی رغم تصور نیروهای ایرانی ، مبنی بر عدم فعالیت دشمن در شب ، نخستین موشک دشمن در ساعت ۱۰ شب به اسکله اصابت کرد و تا صبح ۴ فرزند موشک دیگر نیز به سوی اسکله شلیک شد که در نزدیکی صبح ، یکی از آنها به اسکله خورد و سه فرزند دیگر به انحراف رفت .

شلیک موشک اولی در ابتدای شب ، باعث شد که از این پس نیروها دائما در انتظار اصابت موشک دوم باشند. بدنی ترتیب ، هیچ جای اسکله ، محل امنی برای استراحت آنها به شمار نمی رفت .

دشمن توانست حوالی نیمه شب ، هشت فروند شناور خود را به طرف اسکله های البکر و الامیه بیاورد. ورود شناورها با وجود مشکلات مربوطه ، گواه این مطلب بود که عراق ، بر حفاظت از اسکله البکر و تصرف مجدد الامیه اصرار داد و بدین ترتیب ، با آمدن شناورها، واضح بود که دشمن از صبح فردا، علاوه بر بمباران ، با شناورها نیز به اسکله حمله خواهد کرد.

روز سوم ، تشدید حملات و تهدیدات دشمن و تصمیم به عقب نشینی

به دنبال موشکی که صبح هنگام به اسکله شلیک شد و به آن اصابت کرد، با روشن شدن هوا، هواپیماهای دشمن ، در منطقه حضور و به بمباران اسکله پرداختند.

سپس ، ناوچه های دشمن نیز آرایش گرفته ، در حالی که هلیکوپترها در بالای سر آنها قرار گرفته بودند، به سمت اسکله حرکت کردند.

فشار بر روی نیروهای خودی ، هر لحظه بیشتر می شد و مشخص بود که بدون عملیات پشتیبانی و تکمیلی (که انجام آن به دلایلی صورت نگرفت ) و بدون پشتیبانی هوایی و دریایی لازم ، می بایست عملیات تهاجمی پایان می یافت و نیروهای خودی اعم از آنهایی که روی اسکله مستقر بودند و آنهایی که در قایقها می جنگیدند، منطقه را ترک کنند و سرانجام براساس تدبیر اتخاذ شده رزمندگان دلاور جمهوری اسلامی ایران اقدام به عقب نشینی کردند و ساعتی به ظهر مانده ، که نیروهای دشمن از اسکله بالا رفته ولی دیگر نه از تاسیسات اثری مانده بود و نه از تجهیزات مربوطه .

از کشته های دشمن در این عملیات ، آمار دقیقی در دست نیست ؛ اما بنا به گفته رزمندگانی که در جریان تک به اسکله حضور داشتند، حدود پنجاه تن از دشمن کشته شده و حدود ۱۱۰ نفر به اسارت در آمدند ؛ که به هنگام انتقال آنان ، بر اثر اصابت موشک دشمن به پد هلیکوپتر اسکله ، تعدادی از آنان به قتل رسیدند و حدود ۹۰ تن تخلیه شدند.

۱۲ شهریور ۱۳۹۴ / ۳ سپتامبر ۱۹۱۵

شهادت رئیسعلی دلواری

رئیس علی دلواری فرزند رئیس محمد کد خدای ده دلوار (۱۸۵) بود که در سال ۱۲۹۹ ه.ق متولد شد. او در عصر مشروطیت جوانی بیست و چهار ساله بود و جوانی بلند همت ، شجاع ، در صدق و وفا بی مانند و در حب وطن کم نظیر و در توکل به خدا ضرب المثل بود. اگر چه سواد کامل و معلومات کافی نداشت . اما پاکی سرشت و صفات حمیده او طوری بود که زبانزد خاص و عام بود. رئیس علی بعد از این که قوای اشغالگر انگلیس بوشهر را به تصرف خود در آوردند با شجاعتی وصف ناپذیر به مقابله با متجاوزان پرداخت و شکست سنگینی بر قوای انگلیس وارد کرد و در حین مبارزه با دشمنان اسلام و ایران ، از پشت مورد هدف گلوله فرد خائنی قرار گرفت و در منطقه تنگک صفر، در بیست و سوم شوال ۱۳۳۳ ه.ق / ۳ سپتامبر ۱۹۱۵ به شهادت رسید.

بوشهر و تاریخچه هجوم انگلیسیها به آن

بوشهر از بنادر بزرگ و مهم ایران می باشد که قریب به یکصد سال است ، به عنوان مرکز بنادر جنوب کشور شناخته شده است . قبل از ظهور و ورود دین اسلام به ایران ، بندری به نام بوشهر اساسا وجود نداشته است و آبادی در دو فرسنگی سمت جنوب بوشهر در ساحل دریا بوده که آنجا را (ریشهر) می نامیده اند.

به قول مولفین (فارسانه ناصری ) و (گنج دانش )، بوشهر از زمان کریم خان زند رو به آبادی گذاشت و در زمان ناصر الدین شاه رو به عمران بیشتر گذاشت و از بنادر تجاری مهم محسوب شد. تا در سال ۱۲۷۳ هجری قمری که شهر هرات از طرف دولت ایران محاصره شد، انگلیسیها خائف گشتند و برای انصراف ایران از تصرف هرات که کلید هندوستان شمرده می شد، سی فروند کشتی جنگی به خلیج فارس فرستادند و پس از جنگ با دلاورمردان تنگستان این بندر را تصرف کردند. (این درگیری بین باقر خان ضابط تنگستانی و پسر رشیدش احمد خان تنگستانی با چهار صد تفنگچی در قلعه ریشهر روی داد و احمد خان تنگستانی به همراه ۷۲ نفر در این راه شهید شدند.)

دومین هجوم قوای انگلیس به بوشهر

در آغاز جنگ جهانی اول (۱۹۱۴) قوای روس از شمال و نیروهای انگلیس از جنوب کشور، ما را در معرض هجوم قرار دادند و کشتیهای جنگی انگلیس در مقابل بوشهر لنگر انداختند و نیروهای اشغالگر در ۸ اوت ۱۹۱۵، برابر با ۱۷ مرداد ۱۲۹۴ (۲۶ رمضان ۱۳۳۳)، شهر بوشهر را به اشغال خود در آورند. یک روز از پس از اشغال بوشهر، چهارده نفر از احرار آن علیه اشغالگران اعتراض کردند ولی چون اهل جدال و اسلحه نبودند دستگیر و به هندوستان تبعید شدند.

رئیسعلی خان دلواری و شیخ حسین خان چاه کوتاهی و زایر خضر خان اهرمی سه نفر خوانین دلیر تنگستان از این وقایع آگاه شدند و تصمیم گرفتند که علیه دشمن قیام ، و در مقام مدافعه از وطن برآیند.

حدود دو ماه قبل از این که قوای انگلیس بوشهر را اشغال کنند، جنرال کاکس کنسول انگلیس در خلیج فارس ، نامه ای به مرحوم شیخ محمد حسین برازجانی روحانی متنفذ و مجتهد معروف دشتستان نوشت که جواب آن نامه انگیزه قیام رئیسعلی دلواری آن قهرمان نامی ایران و اسلام شد.

کنسول انگلیس در این نامه از شیخ محمد حسین برازجانی خواسته بود که از نفوذ خود استفاده کند و از هرگونه آشوب و قیام علیه اشغالگران جلوگیری نماید. در این نامه تاکید شده بود که از دشمنی با دولت انگلیس هیچ سودی عاید ملت ایران نخواهد شد، بلکه در صورتی که ایرانیان وارد جنگ شوند، انگلیس یک سوم خاک ایران را به تصرف خود در خواهد آورد.

شیخ ، در پاسخ به این نامه تمام مصیبتها را از طرف دولت انگلیس بر شمرده و اعلام کرده بود که چنانچه عملیات انتقام جویانه علیه اشغالگران صورت پذیرد مسئولیت آن بر عهده انگلیسیها خواهد بود.

رئیسعلی، در نامه های متعدد به شیخ محمد حسین برازجانی از برای جهاد و قیام علیه قوای انگلیس کسب تکلیف می کند که سرانجام مرحوم شیخ صورتی از حکم جهادی که مراجع شیعه از نجف اشرف ارسال داشته بودند به ضمیمه حکم خود مبنی بر وجوب جهاد با کفار انگلیسی و جلوگیری از رخنه آنها به بنادر جنوب و دشتی و تنگستان و لزوم همکاری خوانین این مناطق و بسیج مردم مسلمان برای رفتن به میدان جنگ صادر می کند و برای همه خوانین می فرستد.

رئیسعلی دلواری همین که از حکم جهاد مرحوم شیخ محمد حسین برازجانی و دیگر مراجع دینی آگاهی می یابد، آماده نبرد با قدرت امپراتوری انگلیس می شود و مقدمات کار را در خانه حاج سید محمد رضای کازرونی فراهم می سازد.

رئیسعلی همراه دوستش خالو حسین دشتی در اوایل ماه رمضان ۱۳۳۳ ه.ق در عمارت حاج سید محمد رضا کازرونی، پس از مذاکراتی با وی آمادگی خود را برای دفاع از بوشهر و جلوگیری از پیشروی نیروهای انگلیسی اعلام می دارد.

رئیسعلی پس از اظهار تشکر، قرآن مجید را می طلبد و همین که خادم قرآن می آورد برمی خیزد و تعظیم می کند و با احترام تمام آن را روی میز جلو خود می گذارد، آن گاه رو به حاضرین کرده و می گوید:

(ای کلام الله گفتار مرا شاهد باش. من به تو سوگند یاد می کنم که اگر انگلیسیها بخواهند بوشهر را تصرف کنند و به خاک وطن من تجاوز نمایند در مقام مدافعه برآیم، و تا آخرین قطره خون من بر زمین نریخته است، دست از جنگ و ستیز با آنان نکشم، و اگر غیر از این رفتار کنم در شمار منکرین و کافرین به تو باشم، و خدا و رسول از من بیزار شوند)

بعد از اشغال شهر بوشهر در ۲۶ رمضان ۱۳۳۳ ه.ق، نیروهای انگلیسی قصد تصرف ناحیه دلوار را می کنند. دلوار محلی بود که پیش از آن چند بار سربازان انگلیسی بدانجا تجاوز کرده اما طعم تلخ شکست را در ناحیه چشیده بود.

رئیسعلی خان دلواری و شیخ حسین خان کوتاهی و زایر حضرخان اهرمی که از این وقایع آگاه و در مقام دفاع از وطن بر می آیند. قیام دلبران تنگستان علیه اشغالگران انگلیس آغاز می شود و نیروهای متجاوز انگلیس که قریب به پنج هزار بودند در دام دلبر مردان تنگستانی گرفتار می آیند و عده زیادی از متجاوزان انگلیسی در این حمله از بین می روند. قیام مردم تنگستان بر روی هم هفت سال طول می کشد و در این مدت دلبران تنگستانی دو هدف عمده را دنبال می کند:

۱ - پاسداری از بوشهر و دشتستان و تنگستان به عنوان منطقه سکوت خود.

۲ - جلوگیری از حرکت قوای بیگانه به درون مرزهای ایران و دفاع از استقلال وطن.

رئیسعلی دلواری که در حقیقت روح قیام شورانگیز مردم جنوب ایران به شمار می رفت و از حیث خصائص اخلاقی و نظامی بر

سایرین تفوق داشت، قبل از این که زندگی را به درون گوید، بارها مرگ خود را پیش بینی کرده بود تا این که سرانجام، در شب

هجوم دشمن در ناحیه (تنگگ صفر) هنگام شبیخون به دشمن از پشت سر توسط غلامحسین تنگکی در روز بیست و سوم ۱۳۳۳

ه.ق به فیض شهادت نایل می آید. درباره علل قتل رئیسعلی به صراحت نمی توان چیزی گفت چه وقایع نگاران و مورخان آن عصر

به این موضوع اشاره ای نکرده اند. ولی غلامحسین تنگکی قبل از به شهادت رساندن رئیسعلی خطاب به صاحب منصب انگلیسی گفته است: (من تشنه خون رئیسعلی هستم چون جد او قاتل پسر عموی من است و مدت‌هاست که منتظر هستم با یک گلوله او را سوراخ کنم.)

رئیسعلی سمبل مبارزه با استعمار

رئیسعلی دلواری در مبارزه با استعمار چهره واقعی و ژرفای ایمان خود را نشان داد و به قیام خونین ضد اجنبی مردم نواحی دشتی، دشتستان و تنگستان رنگ خاصی بخشید.

روح استقلال طلبی و عشق به میهن و غیرت و حمیت وی از او شخصیتی به وجود آورده بود که آوازه جانبازی و فداکاری در سراسر ایران طنین افکند. وی نبرد علیه قوای مهاجم را وظیفه ملی و مذهبی خود می دانست و فعالیت‌های ضد انگلیسی او از این اعتقاد مایه می گرفت و تقویت می شد. رئیسعلی قاطعانه تصمیم گرفت خود را فدای استقلال و تمامیت ارضی وطن افکند. مقامات انگلیسی که اغلب با تزویز و نیرنگ و پرداخت رشوه و رز و سیم بر حریف چیره می شدند، پس از اتخاذ تصمیم قطعی درباره اشغال بوشهر و پیشروی به سوی شیراز به منظور تطمیع رئیسعلی، دو نفر از متابعان حیدرخان حیات داودی رابه دلوار گسیل می دارند تا به رغم خود موافقت او را مبنی بر پیاده شدن قوای انگلیسی در کرانه خلیج فارس و حرکت به سوی شیراز جلب کنند. نمایندگان حیدرخان ضمن ملاقات با رئیسعلی متذکر می شوند که چنانچه او از قیام علیه قوای اشغالگر صرف نظر کند، مقامات انگلیسی چهل هزار پوند به او خواهند پرداخت. رئیسعلی با صراحت و شجاعت تمام می گویند: (چگونه می توانم بی طرفی اختیار کنم در حالی که استقلال ایران در معرض خطر جدی قرار گرفته است؟)

پس از مراجعت نمایندگان حیدرخان که تیزشان به هدف مقصود اصابت نکرده بود، نامه تهدیدآمیزی از طرف مقامات انگلیسی به رئیسعلی نگاشته می شود مبنی بر این که:

(چنانچه بر ضد دولت انگلیس قیام و اقدام کنید، مبادرت به جنگ می نمایم در این صورت خانه هایشان ویران و نخلهایشان را قطع خواهیم کرد.)

رئیسعلی در پاسخ مقامات انگلیسی می نویسد: (خانه ما کوه است و انهدام و تخریب آنها خارج از حیطه قدرت و امکان امپراطوری بریتانیای کبیر است. بدیهی است که در صورت اقدام آن دولت به جنگ با ما، تا آخرین حد امکان مقاومت خواهیم کرد.)

۱۳ شهریور ۱۳۷۰

روز تعاون

تعاونوا علی البر و التقوی

(این احساسی که در ملت ما پیدا شده است که باید تعاون کند، باید اعانت کند. این از برکات این انقلاب است)

امام خمینی (ره)

(تعاونیها وسیعترین شبکه اشتراک و دخالت حقیقی مردم در کارهاست)

(مقام معظم رهبری)

تعاون و همکاری می تواند در جهت رشد و شکوفایی جامعه نقش بسزایی داشته باشد. باگسترش فرهنگ تعاون وحدت و یکدلی در جامعه حاکم و ابتکارها و خلاقیتها پدیدار می گردد، و جامعه از آسیب دشمنان مصون می ماند.

در حدیث پیامبر اسلام محمد (ص) می فرمایند:

(لو اجتمعتم علی البر لتحاببتم)

اگر همه شما در راه خیر و نیکوکاری بهم بیبوندید و هم آهنگ شوید، دوستدار و علاقمند به یکدیگر خواهید شد. (۱۸۶)

این حدیث حکایت از آن دارد که تعاون در اسلام جایگاه خاصی دارد و در همه امور همکاری، محبت، صفا و صمیمیت مطرح است. در جهان امروز می باید برای کسب توفیق و سرافرازی در کلیه مسائل اقتصادی، فرهنگی و سیاسی همکاری باشد و همواره می باید آیه شریفه تعاونوا علی البر و التقوی الگوی اعمال و رفتار انسانها باشد، تا بتوان به اهداف و مقاصد عالی دست یافت.

(تعاونوا علی البر و التقوی و لا تعاونوا علی الاثم والعدوان و اتقوا الله ان الله شدید العقاب (۱۸۷))

به موجب اصل چهل و چهارم قانون اساسی نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است.

به منظور تحقق اهداف مقرر در قانون اساسی، قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۳۷۰/۶/۱۳ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در اجرای ماده ۶۵ این قانون، وزارت تعاون به منظور اعمال نظارت دولت و حمایت و پشتیبانی از بخش تعاون در تاریخ ۱۳۷۰/۱۰/۱۰ تشکیل گردید.

اهداف بخش تعاون

براساس ماده ۱ قانون بخش تعاون، اهداف بخش تعاون عبارت است از:

- ۱- ایجاد و تامین شرایط و امکانات کار برای همه، به منظور رسیدن به اشتغال کامل.
- ۲- قرار دادن وسایل کار در اختیار کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند.
- ۳- پیشگیری از تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروههای خاص جهت تحقق عدالت اجتماعی.
- ۴- جلوگیری از کارفرمای مطلق شدن دولت.

۵- قرار گرفتن مدیریت و سرمایه و منافع حاصله در اختیار نیروی کار و تشویق بهره برداری از حاصل کار خود.

۶ - پیشگیری از انحصار، احتکار تورم و اضرار به غیر.

۷ - توسعه تحکیم مشارکت و تعاون عمومی بین همه مردم .

تقسیم بندی تعاونیها

تعاونیها با توجه به نوع فعالیتی که دارند در قالب گروههای ذیل طبقه بندی شده اند:

۱ - تعاونیهای تولیدی

این بخش به چهار بخش تعاونیهای (کشاورزی ، صنعتی ، عمرانی و معدنی ) که همگی در تولید نقش فعال دارند، تقسیم می شود.

۲ - تعاونیهای خدماتی

این تعاونیها در زمینه آموزشگاههای فنی و حرفه ای ، مراکز تفریحی ، درمانی ، هنری ، ورزشی و سایر خدمات فعالیت می نمایند.

۳ - تعاونیهای توزیعی

این بخش تامین کننده نیاز مصرف کنندگان ، تامین کننده نیاز تولید کنندگان مسکن ، اعتبار، حمل و نقل می باشد.

قانون اساسی - تعاون - عدالت اجتماعی

قانون اساسی

اسلام

تعاون - عدالت اجتماعی

و تعاونوا علی البر و التقوی

لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط.(۱۸۸)

با توجه به آیات شریفه و نمودار بالا این واقعیت آشکار می شود که قانون اساسی ، عدالت اجتماعی و تعاون نشأت گرفته از اسلام

ناب محمدی (ص) مبتنی بر احکام اسلام عزیز می باشد.

ارسال رسل و انزال کتب از جانب اقدس حق تعالی برای برقراری قسط و عدالت اجتماعی در جوامع بشری بوده است که خود تولید

است و سیرالی الله بی گمان انتخاب روز و هفته تعاون ، همانند دیگر روزها و هفته ها، نه به قصد توجه به یک دوره زمانی خاص ،

بلکه با نیت مروری بر دست آوردها و پیشرفتهای، تاملی در سیاست گزاریهها و روشهای اجرایی ، و سرانجام تجدید عزم برای اتخاذ

مواضعی پویا و مستحکم جهت کسب موفقیت های بیشتر است .

برگزیدن تاریخ تصویب قانون بخش تعاون (سیزدهم شهریور سال ۱۳۷۰) در مجلس شورای اسلامی به عنوان روز تعاون قبل از هر

چیز به مثابه تجلیل و استقبال از قانونمندی و به گونه ای اعلام پایبندی قاطع تعاونگران به نظم و ترتیب و رعایت قوانین و مقررات

است . خصلت اصلی قانون تعاون ، نیت قانونگذاران در اجتناب از ایجاد تعاونیهای غیر واقعی و بدون هدف است و موید آن است که



قانونگزاری صحیح اغلب به دنبال تکامل طبیعی تعاون واقعی آغاز می شود و نمی تواند پیشاپیش شرکتهای تعاونی شکوفا و موفق گام بردارد. یک قانون تعاونی فقط که جایی می تواند موثر باشد که پیش از آن تعاون عملی در آنجا وجود داشته باشد.

از آغاز تشکیل وزارت تعاون ، کوششهایی در زمینه افزایش فعالیت و پویایی و تبلور شکوفایی اقتصاد تعاونیها با اعمال نظارت ، راهنمایی ، حمایت و آموزش صورت گرفته است .

### ارزشهای معنوی تعاونیها

اگر چه در نظر اول ، هدف از فعالیتهای و توسعه تشکیلات تعاونی و توجه و پیوستن گروههای مختلف اجتماعی به تعاونیها، دلایل اقتصادی و رفع نیازهای مادی افراد را به خاطر می آورد، لکن تلاشهای تعاونی ، متکی بر اساس معنوی دقیقی است که موجبات همبستگی عمیق مردم را فراهم می سازد و در دگرگونی روابط اجتماعی و تصحیح امور جامعه به سود اکثریتی است که از طریق خودیاری ، تشکیل شرکتهای تعاونی را بر اقدامات فردی ترجیح داده اند. قبول بار مسئولیت ناشی از عضویت در تعاونیها و تعهد و احساس وظیفه در امور مادی و اخلاقی و اجتماعی ، سازنده انسانهایی است که قادرند سازمانها و موسسات متعلق به خود را با اعتقاد و ایمان کامل ، اداره و سرپرستی نمایند و با کمک هم ، روی پای خود بایستند، تا از طریق این اعتقاد به نفس ، در جامعه متحول و پر کشمکش کنونی ، به موجودیت و حیات خود در قالب انسانهای آزاده و سرافراز حقیقت بخشیده ، از مزایای زندگی شرافتمندانه بهره مند گردند.

به همین علت ، صرفنظر از مزایا و ارزشهای اقتصادی که در کار تعاونیها نهفته است ، جنبه های معنوی و اجتماعی و اثرات سازنده ای که تعاونیها در بهبود وضع اخلاقی و تربیتی و تغییر افکار و اندیشه های افراد دارند، باید مورد توجه قرار گیرد.

مردمی که از طریق پیوستن به تعاونیها، قوای پراکنده خویش را متحد و استعدادها و امکانات خود را صرف بهبود زندگی خویش می نمایند، سازندگان خوامعی هستند که عدالت ، تقوی ، همکاری و کمک متقابل ، معیارهای مورد احترام آنهاست .

اگر رشد و توسعه تعاونیها به اندازه ای باشد که اکثریت مردم را در بر گیرد و به تغییر اوضاع جامعه به گونه ای که از نهضت تعاون مورد انتظار است بیانجامد، تحقق آرمانهای اجتماع ، در زمینه های توزیع عادلانه ثروت ، توفیق در ریشه کن ساختن فقر و تهیدستی و اختلافات فاحش طبقاتی ، هدفی دور از دسترس نخواهد بود.

تعاونیها، مبشر آزادی و برابری هستند. در مکتب تعاون ، انتخاب راه نیکو برای زندگی بهتر به عهده انسانهاست . همه مختارند با توجه به حقوق هموعان خود، روشهای مطلوب را پیش بگیرند و بر رونق و اعتلای کار و زندگی خود بیفزایند و به باروری استعدادها بپردازند، و با کار و کوشش و لیاقت ، به کسب شخصیت و اعتبار مقام شایسته نایل شوند.

۱۴ شهریور ۱۳۶۰

شهادت آیت الله حاج شیخ علی قدوسی

علی قدوسی ، در سال ۱۳۰۶ در یک خانواده روحانی در شهر نهاوند متولد شد.

پدرش یکی از روحانیون برجسته نهاوند و نزد آیت الله العظمی بروجردی از احترام خاصی برخوردار بود. شهید قدوسی تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش به پایان رسانید و در سال ۱۳۲۳ هجری شمسی وارد حوزه علمیه قم شد و دوره کامل فقه و اصول را در محضر آیت الله العظمی بروجردی و امام خمینی (ره) و قبل از حادثه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به پایان رسانید و به مقام والای اجتهاد نایل آمد.

شهید از همان آغاز طلبگی ، علاقه خاصی به اخلاق و عرفان داشت و در پی این علاقه بود که از همان ابتدا به کسب فضایل اخلاقی پرداخت .

شهید قدوسی در میدان مبارزه علیه رژیم شاهنشاهی همیشه از پیشگامان بود و سابقه مبارزات وی به سالها پیش از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ برمی گردد، البته طی سالهای ۴۲ - ۱۳۴۱ این مبارزات در پرتو خروش امام خمینی (ره) علیه شاه به اوج خود رسید و وی نیز به عنوان یک شاگرد عاشق امام با فداکاری و سختکوشی به یاری مراد خویش قیام کرد و این مبارزه را همچنان ادامه داد تا این که در سال ۱۳۴۵ به دنبال کشف تشکیلات مبارزاتی گروهی از علما و روحانیون که رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای و آیت الله هاشمی رفسنجانی نیز از اعضای آن بودند، شهید قدوسی به همراه مرحوم آیت الله ربانی شیرازی دستگیر و به زندان قزل قلعه انتقال یافت .

مرحوم قدوسی برای احیای فرهنگ پر بار اسلامی همین ویژه ای قائل بود به همین جهت اهم فعالیت خود را صرف پایه ریزی یک سیستم آموزشی نو و پرثمر نمود و اعتقاد داشت که به موازت فعالیت سیاسی باید زیر بنای فرهنگی و مکتبی را نیز تقویت کرد. به دنبال این اندیشه بود که با همکاری و طراحی شهید مظلوم آیت الله بهشتی اقدام به تاسیس مدرسه حقانی (منتظریه) و (مکتب توحید) کرد و با اعمال شیوه ای نو و کارساز، این دو نهاد آموزشی را الگویی برای سایر جاها قرار دارد.

شهید فلسفه را نزد علامه طباطبائی صاحب تفسیر المیزان فرا گرفت و در فراگیری رموز فلسفه از خود نبوع فراوانی بروز داد به گونه ای که مورد توجه استاد خود قرار گرفت و استاد، ایشان را به دامادی خود پذیرفت . شهید از اعضای هیئت مدرسین و مورد اعتماد کامل زعمای حوزه علمیه قم بود.

نامبرده بعد از پیروزی انقلاب به فرمان امام خمینی (ره) به سمت دادستان کل انقلاب برگزیده شد. و پس از ۳۱ ماه خدمت صادقانه در سنگر قضاوت به دنبال رسوایی منافقین ناجوانمردانه بر اثر انفجار یک بمب آتش زا در دادستانی کل انقلاب به فیض عظمای شهادت نایل آمد.

پیام امام خمینی (ره) (۱۸۹)

(اینجانب سالیان طولانی از نزدیک با او (شهید قدوسی) سابقه داشتم و آن بزرگوار را به تقوا و حسن عمل و استقامت و مقاومت و تعهد در راه هدف می شناختم .

شهادت بر او مبارک ، و فود الی الله و خروج از ظلمات به سوی نور بر او ارزانی باد.

راهی است که باید پیموده و سفری است که باید رفت چه بهتر که در حال خدمت به اسلام و ملت شریف اسلامی شربت شهادت نوشید و با سرافرازی به لقاء الله رسید و این همان است که اولیای معظم حق تعالی که آرزوی آن را می کردند و از خدای بزرگ در مناجات خود طلب می کردند دست یافت .

گوارا باد شربت شهادت بر شهدای انقلاب اسلامی و خصوص شهدای اخیر ما که با دست جنایتکار منفورترین عناصر پلید به جوار رحمت حق شتافتند و افتخار برای اسلام و ننگ و نفرت برای دشمنان دژخیم ملت شریف آفریدند.)

شهید قدوسی از دیدگاه مقام معظم رهبری

(... هم پرکار بود، خسته نمی شد، هم پشتکار داشت . این طور نبود که یک کاری را رها کند و دنبال کار دیگری برود. نمونه آن مدرسه حقانی ، اگر ریاست مدرسه حقانی با کسی غیر از آقای قدوسی بود من باور نمی کنم که این مدرسه به این اندازه از فوائد و آثار می رسید. این مرد بود که نشست آنجا، حواسش را جمع کرد از همه کارهای خود برید، به هیچ کاری نپرداخت تا این مدرسه را به این رونق رساند و از لحاظ شکل و محتوی مدرسه را به حد مطلوب و قابل توجهی قرار داد.)

آیت الله هاشمی رفسنجانی درباره شهید قدوسی گفته اند

(یک خصوصیت بارز ایشان نظم و قاطعیت بود، در بین همه ما ایشان زبانزد بود به نظم و قاطعیت و به همین دلیل ما برای ایشان مدیریتی قائل بودمی و کارهایی که در آن روزها احتیاج به مدیریت قاطعی داشت به ایشان سپرده می شد و به همین دلیل هم ایشان را مسئول محاکمات آن زمان کردند و اول مسئول زندانی ها بازداشتی از رژیم قبل در روزهای اول انقلاب که خیلی بی نظم بود کردند و این کار برای این انجام شد که بشود به آنجا نظمی داد.)

۱۷ شهریور ۱۳۵۷

فاجعه خونین هفده شهریور

۱۷ شهریور مکرر عاشورا و میدان شهدا مکرر کربلا و شهدای ما مکرر شهدای کربلا و مخالفان ملت ما مکرر یزید و وابستگان

هستند(۱۹۰))

امام خمینی (ره)

دولت جمشید آموزگار که از نخستین روزهای زمامداری ، سیاست تحقیق مردم را پیش گرفته بود و با همان سازمانهای امنیتی موجود، بحرآنهارا پشت سر بگذارد و رژیم را حفظ کند، نتوانست در برابر امواج توفنده انقلاب اسلامی پایداری کند.

تظاهرات مردمی و راهپیمایی های عظیم روز به روز گسترش می یافت و مراکز فساد و قمارخانه ها، کاباره ها مورد هجوم مردم قرار می گرفت و اعتراضات مردمی علنی تر می شد. به دنبال شکست کابینه آموزگار و ناتوانی دولت در پاسخگویی به استیضاح نمایندگان مجلس فرمایشی شورای ملی در خصوص حادثه سینما رکس آبادان و قاطعیت انقلابی مردم در پیشبرد خواسته هایشان ، پس از یکسال در چهارم شهریور ۱۳۵۷ مجبور به استعفا و شاه مخلوع جعفر شریف امامی را که از رجال مشهور وابسته رژیم که ۱۵ سال رئیس مجلس سنا و در سال ۱۳۳۹ نخست وزیر بود، به قصد کنترل اوضاع مامور تشکیل کابینه کرد. نقشه شاه و آمریکا این بود که با این تغییر و تحول تا حدی از خشم و نفرت عمومی بکاهد. شریف امامی برنامه دولت خود را براساس (آشتی ملی) و (احترام به روحانیت) قرار داد و با آزادی ۲۳۷ نفر از زندانیان سیاسی و تعطیلی قمارخانه ها و کازینوها خواست چهره خود را مردمی نشان دهد ولی این ترفندها کارساز شد و همان روز که مصادف با شهادت مولای متقیان علی (ع) بود، تظاهرات و برخوردهای خونین ادامه یافت .

در پنجم شهریور تظاهرات گسترده مردم در شهرهای قم ، تهران و... ادامه پیدا کرد و ده ها نفر نیز به شهادت رسیدند. رژیم شاه در یک عقب نشینی آشکار، تقویم شاهنشاهی را که از چندی پیش (سال ۱۳۵۴) رسمی کرده بود مجدداً به تقویم هجری شمسی مبدل ساخت. (۱۹۱)

در بیست و سوم ماه مبارک رمضان (ششم شهریور ۱۳۵۷) امام خمینی (ره) خطاب به ملت مسلمان ایران پیامی منتشر کرد و نسبت به حيله های دشمنان اسلام و تعویض مهره ها، تغییر تقویم و... اعلام خطر نمود(۱۹۲):

(در این موقع حساس تاریخ ایران ، شاه به وسیله کارشناسان خود دست به توطئه خطرناکی زده است که با اندکی سستی و تغافل ، ملت ایران باید از به دست آوردن آزادی و استقلال و حقوق بشر مایوس شود و خود را برای همه نوع اختناق و شکنجه و قتل و غارت مهیا کند و اسلام باید از احکام نورانی خود چشم ببوشد...)

(... ملت ایران بداند که در لب پرتگاهی است که با اندک غفلت سقوط می کند و تمام زحمات و رنجهای چندین ساله او پایمال می شود و تا آخر روی سعادت نخواهد دید و در نزد متعال مسئول است ...)

سیزدهم شهریور ۱۳۵۷ (عید سعید فطر) - برگزاری راهپیمایی بزرگ در تهران

اختناقی که رژیم از سالها قبل ایجاد کرده بودت در یکی دو ماه اخیر به اوج خود رسیده بود، اما پیگیری ادامه نهضت از طرف امام (ره) و روحانیت معظم ، در روز عید فطر آن سال تجلی نمود و مردم در شهرهای خمین ، تهران ، قم ، کرج و ایلام و دیگر شهرها پس از برگزاری نماز عید به حرکت در آمدند و شعارهای کوبنده بر ضد رژیم سر دادند. بزرگترین این راهپیماییها در تهران با شرکت نزدیک به یک میلیون نفر برگزار شد و روزنه امید پیروزی و نقطه عطف تاریخ سازی را در نهضت اسلامی پدید آورد. تظاهر کنندگان با مشت‌های گره کرده و فریادهای کوبنده خواستار الغای رژیم شاهنشاهی و تاسیس حکومت اسلامی شدند.

راهپیمایان در تهران با ابراز محبت به سربازان ارتشی و بوسیدن آنها خواستار پیوستن ارتش به ملت شدند. امام خمینی (ره) به مناسبت عید سعید فطر اعلامیه ای منتشر و در آن خطاب به ملت ایران فرمودند:

(مردم مسلمان ایران به دنبال برگزاری نماز عید دست به عبادت ارزنده دیگری زدند که آن فریادهای کوبنده علیه دستگاه جبار و چپاولگر برای به پاداشتن حکومت عدل الهی است که کوشش در این راه اعظم عبادت است و فدایی دادن در راه آن سیره انبیاء عظام خصوصا نبی اکرم اسلام و وصی بزرگ او امیرمومنان است ،....

ملت عظیم الشان ایران! نهضت خود را ادامه داده و هرگز سستی به خود راه ندهید که نمی دهید. مطمئن باشید به امید خدا پیروزی و سرافرازی نزدیک است.)

امام خمینی (ره) در این اعلامیه ارتشیان را برادران خود خوانده و خواستار احترام بیشتر به آنان شدند و فرمودند:

(... ای سربازان غیور که برای وطن و کشور خود فداکار می کنید، به پاخیزید، ذلت و اسارت بس است ، پیوند خود را با ملت عزیز استوارتر کنید...((۱۹۳)))

تظاهرات روز عید فطر زمینه ای برای تظاهرات ۱۶ شهریور گردید. در این روز راهپیمایی بزرگ تهران انجام شد. ابتدا ماموران کوشش کردند که جلوی راهپیمایی را بگیرند و چون توفیقی نیافتند خود نیز به دنبال جمعیت به حرکت در آمدند.

راهپیمایی و تعطیل عمومی شانزدهم شهریور به خاطر حرمت خون کشته شدگان روزهای پیشین بود. ماموران رژیم از شب قبل در میدانهای مهم شهر مستقر شده و آماده هرگونه درگیری با تظاهر کنندگان بودند. حرکت از مسجد قبا در قیطره آغاز شد و به طرف میدان ژاله ادامه یافت. در این راهپیمایی شعارهای (خمینی رهبر ماست)، (ایران کشور ماست)، (برادر ارتشی چرا برادر کشی)، (مسلمان به پاخیز برادرت کشته شد) شنیده می شد و عکسهایی از امام (ره) بر فراز دستها مشاهده می گردید. و در بین مردم اعلام شد که صبح روز بعد (جمعه ۱۷ شهریور) در میدان و خیابان ژاله تجمع صورت خواهد گرفت.

جمعه سرخ یا ۱۷ شهریور: اعلام حکومت نظامی و قتل عام مسلمانان

در اولین ساعات جمعه ۱۷ شهریور سال ۱۳۵۷، ارتشبد غلامعلی اویسی از رادیوی تهران و حومه اعلام حکومت نظامی کرد و اطلاعاتیه شماره یک فرمانداری نظامی را بشرح زیر قرائت کرد:

۱ - دولت شاهنشاهی ایران به منظور ایجاد رفاه مردم و حفظ نظم از ساعت ۶ صبح روز جمعه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ مقررات حکومت نظامی را به مدت ۶ ماه در شهرهای ... کشور اعلام می نماید.

۲ - این جانب (ارتشبد اویسی) به سمت فرماندار نظامی تهران و حومه منصوب گردیده ام.

۳ - ساعات منع عبور و مرور از ساعت ۲۱ تا ۵ صبح روز بعد تعیین می گردد...

و براساس اطلاعاتی شماره سه فرمانداری نظامی اجتماع بیش از دو نفر در تهران ممنوع اعلام گردید. مردم تهران که از حکومت نظامی اطلاع نداشتند پیش از ساعت ۶ صبح و پس از ادای فریضه نماز برای چهارمین روز متوالی، از خانه ها بیرون آمده و سیل آسا روی به خیابانها آوردند. مرکز تجمع آنان میدان ژاله (میدان شهدای کنونی) بود، همین که مردم به خیابانها رسیدند، ناگهان با دیدن تانک ها و زره پوشهای نظامی و ماموران مسلسل به دست حکومت نظامی غافلگیر شدند. مردم بدون اعتنا به سربازان به حرکت خود ادامه دادند. همگان در دل احساس نوعی شجاعت از جان گذشتگی می کردند. از خیابانهای اطراف سیل، انبوه جمعیت با سردادن شعارهای انقلابی به سمت میدان ژاله در حرکت بودند.

ماموران مسلح پس از اخطار از زمین و هوا جمعیت را ناجوانمردانه هدف رگبار مسلسل قرار دادند. فریاد الله اکبر و لا اله الا الله همه جا را پر کرد. جمعیت وحشت زده و هراسان به هر سمتی می دویدند، تا مامنی برای خود پیدا نمایند و گروهی روی زمین دراز کشیده بودند و رگبار مسلسل ها اجازه حرکت به ایشان نمی داد.

ضجه و ناله و فریاد با صدای گلوله در هم آمیخته بود و بوی خون و دود و باورت همه جا به مشام می رسید. با نزدیک شدن ظهر بتدریج میدان ژاله که اینک واقعا به میدان شهدا تبدیل گشته بود در هاله ای از سکوت مرگبار فرو رفت. در حول و حوش میدان آنچه به چشم می خورد جنازه شهیدانی بود که در صحنه نبرد نابرابر همچنان باقی مانده و خونهایی که هر گوشه ای از میدان را گلگون کرده بود.

رژیم در حال اضمحلال، تعداد کل شهدای ۱۷ شهریور را ۵۸ نفر و مجروحان این فاجعه را ۲۰۵ نفر اعلام داشت و تجمع گسترده و عظیم مردم تهران را نقشه خارجی اعلام کرد.

شمار دقیق قربانیان مظلوم حادثه ۱۷ شهریور در میدان شهدا هیچ گاه مشخص نگردید، لیکن آنچه قطعی و یقین است این رقم از چهار هزار افزون تر بود و یکی از بزرگترین فجایع تاریخ انقلاب در میدان شهدا اتفاق افتاد.

پیام امام خمینی (ره) به مناسبت کشتار بی رحمانه مردم تهران (۱۹۴)

امام (ره) در ششم شوال ۱۳۹۸، فردای هفدهم شهریور جمعه سیاه، با ارسال پیامی به ملت شریف و شجاع ایران ضمن ابراز همدردی با ملت، کشتار وحشیانه را محکوم نمودند و دولت آشتی ملی را دولتی تحمیلی و غیر قانونی اعلام کردند.

امام (ره) در گوشه ای از پیام خود فرمودند: (... چهره ایران امروز گلگون است و دلاوری و نشاط در تمام اماکن به چشم می خورد، آری این چنین است راه امیرالمؤمنین علی علیه السلام و سرور شهیدان امام حسین علیه السلام.

ای کاش خمینی در میان شما بود و در کنار شما در جبهه دفاع برای خدای تعالی کشته می شد... باید علما و روشنفکران ملت در زیر چکمه دژخیمان خرد شوند تا کسی خیال آزادی به خود راه ندهد. شما ای ملت محترم ایران که تصمیم گرفته اید خود را از شر

رژیم شاه خلاص گردانید و در فرماندگی که در سوم و چهارم شوال در برابر ناظران سراسر جهان انجام دادید، به دنیا نشان دادید که رژیم شاه جایی برای خود در ایران ندارد...

۱۸ شهریور ۱۳۴۸

در گذشت ناگهانی و مرموز جلال آل احمد (۱۹۵)

جلال آل احمد یا به تعبیر مقام معظم رهبری جلال آل قلم در ۱۱ آذر ۱۳۰۲ در خانواده ای روحانی در تهران چشم به جهان گشود. پدر او سید احمد حسینی (متولد ۱۲۶۶ شمسی) تحصیلاتش را در حوزه مروی تهران گذرانده بود و او از روحانیون مبارز دوران استبداد رضاخانی بود.

تولد جلال مقارن با انقراض سلسله قاجاریه و به قدرت رسیدن رضاخان و عصر تاریک ستم بر روحانیون و مردم دیندار بود. پدر جلال که امام جماعت مسجد و حاکم شرع محل بود در اعتراض به بی حرمتی های عمال رژیم و بدرفتاری آنان با مردم، محضرش را بست و امامت جماعت را رها کرد و خانه نشین شد.

دوران کودکی جلال که زمان بلوغ ظلم بود، هر روز ستم تازه ای بر مردم وارد می شد و جلال در زیر سایه پدر و در این عصر بیداد و ظلم، دوران دبستان را به پایان رساند و در پیش استاد پدرش مرحوم سید هادی طالقانی به تلمذ مشغول شد و چون پدرش عزم کرده بود که از جلال جانشینی برای مسجد و محراب بسازد راضی نبود که او وارد دبیرستان شود؛ زیرا پیش بینی می کرد که تحصیل در این مدارس به بی دینی می انجامد. به همین سبب از تمام امکانات مادی و معنوی خویش بهره گرفت و سرانجام پس از ختم دوره دبیرستان، جلال را به نجف اشرف و نزد برادر بزرگش سید محمد تقی (۱۹۶) فرستاد.

جلال به سال ۱۳۲۲ به قصد تحصیل در بیروت، عازم نجف اشرف شد و سه ماه نزد برادر ماندگار شد. ولی بعد از سه ماه احساس عجیبی به او دست داد و از این سفر رو گرداند و به تهران بازگشت و در همان سال وارد دانشسرای عالی گردید و در رشته ادبیات مشغول تحصیل شد. جلال در پایان تحصیلاتش پایان نامه خود را درباره سوره یوسف به نام احسن القصص ارائه داد و یکسال بعد از فارغ التحصیلی از دانشگاه به خدمت وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش) در آمد.

جلال آل احمد علاوه بر شغل معلمی به نویسندگی و روزنامه نگاری نیز مشغول شد و برای حزب توده که در سال ۱۳۲۲ به عضویت آن در آمده بود به قلمزدن پرداخت. نویسندگی برای جلال پیشه و شغلی نبود که از این راه زندگی کند، بلکه برای او وبالی شد که عاقبت حیات وی را نتوانست تحمل کند. علت مرگ جلال را باید در (جوهر قلم) او جستجو کرد. جلال با به جا گذاشتن آثاری چون غریبزدگی و خدمت و خیانت روشنفکران و خسی در میقات، هویت اصلی رژیم حاکم را برملا ساخت.

بازگشت به خویشتن خویش

جلال در سال ۱۳۲۳ به خاطر نوشته هایش مورد توجه حزب توده قرار گرفت به طوری که به عنوان مدیر روزنامه (بشر) ارگان دانشجویان حزب توده انتخاب گردید و سال بعد مدیر داخلی (مجله ماهانه مردم) ارگان تئوریک حزب شد و در کمتر از دو سال به عضویت کمیته ایالتی تهران انتخاب شد. جلال که در اثر تنفر از مذهب، به سوی حزب کشیده شده بود بزودی متوجه اشتباه خود شد. سر خوردگی اولیه جلال از حزب توده در سال ۱۳۲۶ پس از شکست مفتضح رهبری حزب توده در حوادث تاریخی آن سالها و خیانت آشکار به ملت و کشور ایران آشکار گردید و در همین راستا او به همراه چندتن دیگر تصمیم به استعفای جمعی از حزب گرفتند.

جلال در برابر خیانت‌های حزب احساس گناه می کرد و خود را موظف به اقرار در برابر گناهانش می دید. در این هنگام روسها از فرصت پدید آمده استفاده کردند و سعی نمودند جلال را جذب سوسیالیسم روسی نمایند و او بدون مجوز دولت، خودش را به روسیه رساند، اما در بازگشت، روسها را نیز ناامید کرد.

از آنجایی که انسان موجودی است الهی و از جوهره الهی سهمی را داراست تا زمانی که ایمان نیاورده زیانکار است، مگر آن که دل به حق بندد و به صبر توصیه شده اهتمام ورزد تا شاید نوری الهی بر دلش بتابد و به صراط مستقیم رهنمون گردد. جلال این سید غریب در آرزوی صداقتش از هر چه مکتب غیر خودی بود جز فریب و استثمار و استعمار چیزی یافت و بازگشت به خویشتن خویش را تنها راه نجات یافت. تا زمانی که جلال به این حقیقت واقف نشده بود، مسافری بود که در دیار غربت به دنبال راه نجات می گشت و خطر آن چنانی برای حکومت نبود. وقتی جلال به خویشتن خویش رسید، دیگر حکومت نمی توانست تحملش کند. او در پاییز ۱۳۳۲ و بعد از کودتای ۲۸ مرداد برای اولین بار به اسارت ساواک در آمد و در دیدار خود با تیمور بختیار اولین رئیس ساواک، مجبور شد که تعهد بدهد که با سیاست کاری نداشته باشد، در این باره چنین می نویسد:

(من از اردیبهشت ماه ۱۳۳۲، سیاست را بوسیده ام گذاشته ام کنار)

منظور جلال، آن طور که بعدها در عمل نشان داد سیاست به معنای گروه گرایی و حزب بازی بود که دیگر پس از آن تاریخ کار تشکیلاتی و حزبی نکرد، اما سیاست به طور اعم را نه تنها نگذاشت بلکه هر روز بیشتر به آن پرداخت.

بعد از حادثه خونین ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ جلال با آن نظریه معروفش درباره روحانیت و امام (ره) یک خط اصلی ترسیم کرد که تنها امید رهایی و بسیج توده ها در دست روحانیت آگاه است و نه در دست روشنفکران. که این نظریه با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران به حقیقت پیوست.

مرگ مشکوک جلال

بعد از این که جلال نسبت به روحانیت بویژه نسبت به امام خمینی (ره) اظهار علاقه نمود، ساواک به وحشت افتاد و به عناوین مختلف او را مورد تهدید قرار داد و سعی کرد که جلال را از روحانیت جدا نماید. در سال ۱۳۴۷ تهدید به مرگ شد. ساواک می



خواست که جلال را بدون سر و صدا از میان بردارد و به همین خاطر وی را به اسالم در استان گیلان (ویلاهی تابستانی جلال) تبعید نمود و سرانجام در یک صحنه ساختگی و مشکوک در روز سه شنبه ۱۸ شهریور ماه ۱۳۴۸ بدون هیچ گونه سابقه بیماری دارفانی را وداع گفت و توسط خانواده اش در تهران در مسجد فیروزآبادی نزدیک حضرت عبدالعظیم به خاک سپرده شد. روزنامه ها با اشاره ساواک مرگ او را عادی جلوه داده و در اثر سکت قلبی قلمداد نمودند.

آثار جلال آل احمد

آثار جلال از نخستین باری که در سال ۱۳۲۲ چاپ شده اند با رنگ اجتماعی در برابر مسائل خرافی جامعه بیشتر موضعی انتقادی داشت، اما پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آثارش با گذشت زمان سیاسی تر شد و این امر در کلیه نوشته ها حتی در قصه هایش متجلی گردید.

جلال در ۴۶ سال زندگی خود، نزدیک به سی سال نویسندگی کرد که نتیجه آن حدود چهل اثر جاوید می باشد که به سه بخش داستان، مقالات و سفرنامه و گزارشها تقسیم می شود.

کتابهای قصه و داستانی او عبارتند از: از رنجی که می بریم، دید و بازدید، مدیر مدرسه، سه تار، سرگذشت کندوها، نون و القلم، پنج داستان، سنگی بر گوری، نفرین زمین. مقالات جلال عبارتند از: سه مقاله، هفت مقاله، ارزیابی شتابزده، یک چاه و دو چاله و مثلا شرح احوالات، غرب زدگی، در خدمت و خیانت روشنفکران سفرنامه ها و گزارشات جلال عبارتند از: اورازان، تات نشینهای بلوک زهرا، جزیره خارک در یتیم خلیج، و خسی در میقات.

بعضی از آثار جلال در زمان حیاتش به چاپ رسیده که بعضا به نامهای مستعار نیز بوده است و برخی از آنها در طی بیست سال بعد از مرگش توسط اوصیای او به چاپ رسیده اند.

نامه جلال آل احمد به امام (ره) از بیت الله الحرام

مرحوم جلال آل احمد در سال ۱۳۴۳، نامه ای از بیت الله الحرام به محضر امام خمینی (ره) فرستادند. این نامه که پس از آزادی

ایشان از زندان در سال ۱۳۴۳، و انتقال امام (ره) به قم در ۳۱ فروردین همان سال در مکه نگارش یافته است، در پی یورش

ساواک به بیت شریف امام (ره) در قم در سال ۱۳۴۵ به یغما رفت و بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در پرونده جلال آل

احمد در ساواک که بایگانی گردیده بود، پیدا شد. جلال در آغاز نامه خطاب به امام (ره) می نویسد:

(آیه الله)

وقتی خبر خوش آزادی آن حضرت تهران را به شادی واداشت فقرا منتظر پرواز (!) بودند به سمت بیت الله. این است که فرصت

دست بوسی مجدد نشد. اما اینجا دو سه خبر اتفاق افتاده و شنیده شده که، دیدم اگر آنها را وسیله ای کنم برای عرض سلامی بد

نیست.

اول این که مردی شیعه جعفری را دیدم از اهالی الاحساء، جنوب غربی خلیج فارس، حوالی کویت و ظهران، می گفت ۸۰ درصد اهالی الاحساء و ضوف و قطیف شیعه اند و از اخبار آن واقعه مولمه پانزده خرداد حسابی خبر داشت و مضطرب بود و از شنیدن خبر آزادی شما شاد شد...

نظر امام خمینی (ره) درباره جلال آل احمد (۱۹۷)

... آقای جلال آل احمد را جز یک ربع ساعت بیشتر ندیده ام. در اوایل نهضت یک روز دیدم که آقایان در اطاق نشسته اند و کتاب ایشان، غریبزدگی در جلوی من بود ایشان به من گفتند: (چطور این چرت و پرتها پیش شما آمده است) یک همچو تعبیری، و فهمیدم که ایشان هستند. مع الوصف دیگر او را ندیدم. خداوند ایشان را رحمت کند.

نظر حضرت آیت الله خامنه ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره جلال آل احمد (۱۹۸)

(با تشکر از انتشارات رواق، اولاً به خاطر احیاء نام جلال آل احمد و از غربت در آوردن کسی که روزی جریان روشنفکری اصیل و مردمی را از غربت در آورد، و ثانیاً به خاطر نظر خواهی از من که بهترین سالهای جوانیم با محبت و ارادت به آن (جلال آل قلم) گذشته است ...)

جلال آل احمد از زبان مرحوم آیت الله طالقانی (۱۹۹)

مرحوم آیت الله سید محمود طالقانی در شهریور ۱۳۵۸ درباره جلال آل احمد گفته اند:

اولاً: باید بدانید که (جلال) پسر عمومی من بوده است و از بچه های (طالقان) بود. پدر ایشان از پیشنمازان خوش بیان و متعبد بود... جلال از بچگی با هوش بود و با هم معاشرت خانوادگی داشتیم. در سال ۲۲ و ۲۳ در خیابان شاهپور (انجمن تبلیغات اسلام) تشکیل داده بودند و ایشان از همان ابتدا عضو فعال آنجا بود، ولی وقتی مکتب کمونیستها به وسیله (توده) ای ها گسترش پیدا کرد، جلال عضو فعال و از نویسندگان های حزب شد که مسائلی را به صورت رماتیک می نوشت و در این اواخر بعد از اضمحلال (توده) ای ها مطالعاتش که عمیق شد، تقریباً به ملت و آداب و سنن خودمان برگشت و به مذهب گرایش پیدا کرد. بهترین کتابهایش به نظر من، دو کتاب (غریبزدگی) و (خسی در میقات) اوست که این خسی در میقات را در سفر حج خود نوشته است، که هم جنبه سیاسی دارد و هم فلسفه حج را در بعضی جاها خوب بیان کرده است. آن وقتیایی که در شمیران جلسات تفسیر قرآن داشتیم، به آنجا می آمد... در این اواخر جلال خیلی خوب شده بود و به سنت اسلام علاقمند...

مرحوم آیت الله طالقانی در جای دیگر می گوید:

... جلال به برداشتهای عمیق و تعابیر جالبی درباره مسائل اسلامی رسیده بود.

بخصوص این اواخر، هر چه می گذشت، درباره اسلام و تشیع به بصیرت و بینش بهتری می رسید. جلال در بعضی جلسات تفسیر

قرآنی که داشتم شرکت می کرد و گاهی اظهاراتی هم داشت. یک بار با شوخی به من گفت: (آقا شما هم ما را کافر می دانید؟)

(او برای اسلام به منزله ابودر زمان بود. زبان گویای او چون شمشیر مالک اشتر بود. برنده بود و کوبنده)

امام خمینی (ره)

مرحوم آیت الله طالقانی در سال ۱۲۸۹ هجری شمسی دیده به جهان گشود، او در خانواده ای اهل علم و فضیلت و دارای روحیات انقلابی و ضد ظلم رشد نمود و برای نخستین بار در مکتب پدرش سید ابوالحسن آغاز به یادگیری مفاهیم اسلامی و درس تقوا کرد - همان کس که امام (ره) از او به سر آمد پرهیزکاران یاد می کند - او تحصیلات دینی خود را در مدارس رضویه و فیضیه قم به پایان رساند.

آیت الله طالقانی در زمان طلبگی آشنایی فراوانی با امام (ره) داشت و روابط متقابل آن دو، بسیاری را در شگفتی افکنده بود.

مرحوم طالقانی موفق به کسب اجازه نامه اجتهاد از مرجع بزرگ آن روز آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی گردیده و بعد از اتمام تحصیلات به تهران آمده و در مدرسه شهید مطهری (سپهسالار سابق) به تدریس علوم دینی مشغول شد. در سال ۱۳۱۸ برای اولین بار خشم خویش را نسبت به رژیم و دستگاه حکومتی، با دادن یک اعلامیه ای در رابطه با کشف حجاب ابراز کرد و در پی آن دستگیر و زندانی شد.

پس از شهریور ۱۳۲۰، با تشکیل گروههای گوناگون سیاسی، مبارزه را به طور رسمی آغاز کرد، اما طولی نکشید که این دوران را وقفه ای پیش آمد؛ چرا که پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، ساواک، مرحوم طالقانی را به جرم مخفی کردن نواب صفوی در خانه اش، دستگیر، و به زندان افکند، اما این دستگیری کوتاه و موقت بود و بزودی آزاد و فعالیت دوباره را آغاز کرد.

مرحوم طالقانی در کنگره جهانی شعوب المسلمین که در کراچی تشکیل می شد شرکت کرد و نیز در کنگره اسلامی قدس که سالی یکبار تشکیل می گردید دوبار در مقام ریاست هیئت نمایندگی ایران به بیت المقدس سفر کرد.

ترتیب یافتن (دارالتقرب بین المذاهب الاسلامیه) که در نزدیکی تشیع و تسنن سهمی بسزا داشته، یکی از بزرگترین اقدامات قرن اخیر بشمار می رود. آیت الله طالقانی به نمایندگی مرحوم آیت الله العظمی بروجردی (ره) برای رسانیدن پیام ایشان به شیخ شلتوت - هم او که جواز تقلید از او صادر کرد - به آن دیار مسافرت نمود.

آیت الله طالقانی در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران مبارزات ارزنده ای داشت و تلاشهای فراوانی در جهت رهانیدن حقوق ملت مسلمان ایران از چنگال استعمارگران چپاول پیشه انجام داد.

پس از شکل گیری نهضت روحانیت به رهبری امام خمینی (ره) در سال ۱۳۴۱ و طرح مسائلی چون انجمنهای ایالتی و ولایتی و انقلاب باصطلاح سفید، به پیروی از امام (ره) به مخالفت با رژیم پرداخت و به دلیل فعالیتهای زیاد در همان سال به زندان افتاد و

پس از آزادی مجدداً در سال ۱۳۴۲ در ارتباط با وقایع ۱۵ خرداد دستگیر و به ده سال زندان محکوم شد. آیت الله طالقانی در زندان نیز دست از مبارزه و ارشاد برنداشت، رفتار مناسب حتی روی ماموران زندان اثر مثبت گذاشت و در پی همین تلاشهای فرهنگی و تبلیغی بود که در زندان، با نوشتن تفسیر (پرتوی از قرآن) سعی در آشنا کردن افراد به عظمت و سازندگی قرآن کرد. ایشان درباره خود می گوید:

(من پیش از این که در کسوت یک سیاستمدار متعارف و معمول باشم یک شاگرد کوچک مکتب قرآن و معلم قرآنم.)

زندانی شدن مرحوم طالقانی در این مرحله بیش از ۴ سال طول نکشید و در سال ۱۳۴۶ به واسطه فشارهای داخلی و خارجی بر رژیم شاه از زندان آزاد شد. و بعد از آزادی مبارزه را همچون گذشته ادامه داد و در آستانه سال ۱۳۵۰ همزمان با برگزاری جشنهای ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی دستگیر و به مدت سه سال در زابل و ۱۸ ماه در بافت کرمان در بدترین شرایط به حالت تبعید بسر برد. در سال ۱۳۵۴ مجدداً به دست ساواک گرفتار شد و به ۱۰ سال زندان محکوم گردید.

آیت الله طالقانی در دوران انقلاب اسلامی، پس از آزادی از زندان نهایت تلاش خود را در جهت پیروزی انقلاب نمود و پس از پیروزی به ریاست شورای انقلاب اسلامی برگزیده شد و در انتخابات مجلس خبرگان قانون گذاری (۱۲ مرداد ۱۳۵۸) از سوی مردم تهران به عنوان نماینده انتخاب شد.

در اوایل مرداد ۱۳۵۸ از سوی امام خمینی (ره) مامور تشکیل نماز جمعه تهران شد و اولین و با شکوهترین نماز جمعه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در پنجم مرداد به امامت ایشان در دانشگاه تهران برگزار گردید. بعد از انتصاب به عنوان امام جمعه تهران، موفق به برگزاری پنج نماز جمعه شد که آخرین نماز جمعه به مناسبت فرارسیدن سالگرد جمعه خونین ۱۷ شهریور در بهشت زهرا و کنار مزار شهدا برگزار شد.

آیت الله طالقانی در خطبه های این نماز جمعه، حمله شدید للحنی به منافقین نمود و با بیانات محکم و روشن، منافقین را رسوا و بیزاری خود را از آنان اعلام کرد.

(هر چه ما مسلمانها بعد از اسلام ضربه خوردیم به دست منافقین بوده است، نه به دست کفار، کفار چهره شناخته شده ای دارند صفشان جداست، ولی منافقن یعنی انسان چند چهره ... ما دچار چنین منافقین شرور و حيله گر و فریبکاری هستیم که گاه به چهره اسلام در می آیند، به چهره ایرانی، اصلاً هم بسیار اظهار دلسوزی می کنند برای مردم ولی وابسته به جاهای دیگر هستند. موتلف با جاهای دیگر هستند، چهره چهره ایرانی، ولی روح و درون و نفسش، نفس، اندیشه، فکر خلق، امپریالیست، صهیونیست و دیگر قدرتهاست، یعنی کوبیدن مسلمانها ...)

آیت الله طالقانی در مراسم عید فطر آن سال طی خطبه های پرشوری موضع خود را نسبت به گروههای منحرف، چپها و راستها اعلام نمود و تمام گرفتاریهای مسلمانان را از طرف این گروهها دانست. (کسی که روبروی انقلاب بایستد باید هلاک بشود، باید

نابود بشود، انقلاب ، انقلاب محرومین است ، انقلاب انقلاب توده مسلمان است . انقلاب انقلاب قرآن است ، توحید است هر کسی از این مسیر منحرف شود باید پایمال بشود.)

ارادت خاص این عالم مبارز به رهبری انقلاب ، حکایت از تعبد زاید الوصف ایشان در مساله (ولایت فقیه ) می کرد. درباره امام می گفت :

(من از دوران طلبگی از نزدیک با ایشان بوده ام و افکار و نظریات و حسن سوابق ایشان ، برای همه روشن است و آشکار است . حضرت آیت الله العظمی خمینی از همان آغاز، دارای تقدس خاص و از هر جهت ممتاز بوده اند و هستند.)

وی درباره رهبری امام تاکید فراوان داشت : (... رهبری حضرت آیت الله امام خمینی را، نه ما، دنیا پذیرفته است ) و در جای دیگر بیان کردند: (رهبری بزرگ و قاطع امام ، حضرت آیت الله العظمی خمینی ، با آن رهبریت قاطع ، این انقلاب را به ثمر رساند...)

سرانجام در سحرگاه نوزدهم شهریور سال ۱۳۵۸ این عالم مجاهد پس از سالها فعالیت‌های علمی و مبارزات سیاسی علیه رژیم

ستمشاهی و عمری تلاش خستگی ناپذیر در راه پیاده کردن احکام اسلام ، در اثر سکنه قلبی دارفانی را وداع گفت و به دیدار معبود

شتافت . خبر ارتحال آیت الله طالقانی از نخستین ساعات بامداد در شهر تهران پیچید و مردم شهر که در درگذشت ایشان با خبر شده

بودند به خیابانها ریختند و ضمن عزاداری به سوی منزل ایشان حرکت کردند. سیل جمعیت در هم فشرده در محدوده خانه این

مجاهد بزرگ ، به قدری بود که نفسها را بند می آورد.

جمعیت عظیم دیگری عزادار و ماتم زده به سوی دانشگاه تهران محل اقامه نماز جمعه تهران حرکت کرد و در این محل با سر دادن

شعارهایی به عزاداری پرداختند. سرانجام پیکر عالم ، مجاهد، از دانشگاه تهران به سوی بهشت زهرا تشییع گردید و در بهشت زهرا

به علت کثرت جمعیت و ازدحام بیش از حد، مراسم تدفین به روز بعد موکول گردید.

جنازه مجاهد و مفسر بزرگ قرآن ، را طبق وصیت آن بزرگوار در میدانگاهی وسط قطعات ۱۷ و ۲۱ بهشت زهرا که مدفن هزاران

شهید انقلاب اسلامی است ، به خاک سپردند.

در مراسم تشییع جنازه ، صدها نفر از هوش رفتند و گروهی نیز زیر دست و پا مصدوم شدند. در حال حاضر مقبره ایشان زیارتگاه

عاشقان انقلاب و یاران وفادار امام (ره) می باشد. مرحوم آیت الله طالقانی که در آبان ۱۳۵۷ از زندان آزاد شده بود نقش عظیمی در

برپایی راهپیمایی عظیم تاسوعا و عاشورای آن سال داشت . او تا آخرین لحظه زندگانی پربارش دست از فعالیت‌های سیاسی و

اجتماعی برنداشت . در شب آخر زندگانش نیز به عنوان رئیس شورای انقلاب اسلامی نزدیک دو ساعت و نیم با سفیر شوروی

(سابق ) ملاقات و گفتگو داشت . امام خمینی (ره) در پیامی بعد از آزادی از زندان خطاب به آیت الله طالقانی فرموده اند:

(بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت حجة الاسلام و المسلمین آقای سید محمود طالقانی دامت برکاته

این مسئله امر طبیعی است که شخصیت‌های مثل جناب‌عالی که عمر گرانمایه خود را در راه آزادی و استقلال کشور و مخالفت بی‌امان با دستگاه جبار و غارتگران بین‌المللی صرف نموده‌اند در حبس و شکنجه به سر برند و از آزادی محروم باشند. آزادی امثال جناب‌عالی بر خلاف منطق شاه و موازین دولت است ...)

پیام امام خمینی (ره) به مناسبت ارتحال آیت‌الله طالقانی (۲۰۰):

انالله و انالیه راجعون

فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر

عمر طولانی این عیب را دارد که هر روز عزیزی را از دست می‌دهد و به سوگ شخصی می‌نشیند و در غم برادری فرو می‌رود. مجاهد عظیم‌الشان برادر بسیار عزیز حضرت حجه‌الاسلام و المسلمین آقای طالقانی از بین ما رفت به ابدیت پیوست و به ملاء علی با اجداد گرامیش محشور شد. برای آن بزرگوار سعادت و راحت و برای ما و امت تاسف و تأثر و اندوه. آقای طالقانی یک عمر در جهاد روشنگری و ارشاد گذراند.

او یک شخصیتی بود که از حبسی به حبس دیگر و از رنجی به رنج دیگر در رفت و آمد بود و هیچ‌گاه در جهاد بزرگ خود سستی و سردی نداشت. من انتظار نداشتم که بمانم و دوستان عزیز و پرارج خودم را یکی پس از دیگری از دست بدهم. او برای اسلام به منزله حضرت ابوذر بود. زبان گویای او چون شمشیر مالک اشتر بود برنده بود و کوبنده. مرگ او زودرس بود و عمر او با برکت. رحمت خداوند بر پدر بزرگوار او که در راس پرهیزگاران بود بر روان خودش که بازوی توانای اسلام. من به امت اسلام و ملت ایران و عاقله ارجمند و بازماندگان او این ضایعه بزرگ را تسلیت می‌دهم. رحمت بر او و بر همه مجاهدان راه حق.

والسلام علی عبادالله الصالحین

روح الموسوی الخمینی

۱۹ شهریور ۱۳۵۸ / ۱۸ شوال ۱۳۹۹

۲۰ شهریور ۱۳۶۰

شهادت اولین شهید محراب، آیت‌الله اسدالله مدنی

در بیستم شهریور ۱۳۶۰، شهید مدنی، نماینده امام خمینی (ره) و امام جمعه تبریز، مجسمه تقوی و فضیلت و پارسایی که زهد و تقوای او زبانزد خاص و عام بود، بعد از اقامه نماز در محراب نماز جمعه، همچون جدش امیرالمؤمنین علی (ع) به دست یکی از شقی‌ترین منافقین روزگار به شهادت رسید.

ارتجاع داخلی با حمایت سرمایه داران و استثمارگران داخل و خارج ، امام جمعه تبریز را به عنوان قربانی تبلیغات و حرکت ضد انقلابی خود برگزیده ، بود زیرا دومین شهید محراب ، برای افشاری ماهیت پلید آنها به صورت خستگی ناپذیری فعالیت می کرد، به عبارت دیگر آیت الله مدنی یکی از کسانی بود که در چهارچوب اجرای سیاست ضد انقلابی (حذف چهره های اصیل ) از صحنه انقلاب اسلامی ، به شهادت رسید. چهره ای که با توجه به نفوذ و محبوبیتش و نیز داشتن تفکر و اندیشه مستضعف گرا، وجودش برای جریانان انحرافی تحمل پذیر نبود.

این مجاهد بزرگ در سال ۱۲۹۳ هجری شمسی در شهر دهخوارقان (آزاد شهر) استان آذربایجان شرقی متولد شد. در آغاز سنین بلوغ ، به قم عزیمت کرد و پس از گذراندن درسهای مقدماتی ، حدود چهار سال به تحصیل دروس فقه و اصول در محض امام (ره) مشغول شد.

پنج سال بعد به نجف اشرف عزیمت کرد و همزمان به تحصیل و تدریس پرداخت . بدینسان که در جلسات دروس آیات عظام سید عبدالهادی شیرازی ، سید محسن حکیم و حاج سید ابوالقاسم خوئی به قصد تحصیل شرکت و ضمن تحصیل نیز روزانه چندین جلسه درس ، از کفایه ، رسایل ، مکاسب و لمعه را برای شاگردان خود تدریس می کرد.

آیت الله مدنی اولین کسی بود که در جریان انقلاب سال ۱۳۴۲ شمسی مردم بپاخاسته کشورمان در نجف از امام تبعیت کرد، و در انتشار اعلامیه آیت الله حکیم به همین مناسبت ، نقش بسزایی داشت . آیت الله مدنی سوابق مبارزاتی زیادی در نجف داشت ، به طوری که در زمان حکومت عبدالسلام عارف ، برادر عبدالرحمان عارف ، از طرف آیت الله حکیم ، که از مراجع بزرگ شیعه در آن زمان بود، فتوایی صادر شد با این عنوان که کمونیست بودن کفر و الحاد است .

درباره این فتوا از طرف بعثیون و کمونیستهایی که در حکومت عراق رسوخ کرده بودند، اهانتهایی به ایشان شد و آیت الله حکیم به عنوان اعتراض به این اعمال به کوفه رفت . در آن موقع شهید آیت الله مدنی دست به عمل ابتکاری زد، طلاب را جمع کرد و جملگی کفن پوشیدند و به منزل آیت الله حکیم رفتند و از ایشان خواستند که دستور جهاد بدهند.

آیت الله مدنی در سال ۱۳۵۰ به فرمان امام خمینی (ره) ، جهت تدریس علوم دینی به خرم آباد رفت و حوزه علمیه کمالیه (خرم آباد) به همت و تلاش ایشان تاسیس شد. چندی بعد بر اثر فعالیتهایی که علیه رژیم ستمشاهی داشت به نور آباد ممسنی ، گنبد کاووس ، بندر کنگان و مهاباد تبعید شد و با اوج گیری انقلاب اسلامی از تبعید به قم بازگشت و پس از پیروزی انقلاب به دعوت مردم همدان راهی این شهر شد.

آیت الله مدنی در جریان تشکیل مجلس خبرگان ، از سوی مردم همدان به آن مجلس راه یافت و پس از شهادت آیت الله قاضی طباطبایی که امام جمعه تبریز بود، از سوی امام خمینی (ره) به عنوان نماینده امام و امام جمعه تبریز انتخاب شد.

پیام امام خمینی (ره) به مناسبت شهادت آیت الله مدنی (۲۰۱)

با شهید نمودن یک تن دیگر از ذریه رسول الله و اولاد روحانی و جسمانی شهید بزرگ امیرالمؤمنین (ع) سند جنایت منحرفان و منافقان به ثبت رسید.

سید بزرگوار و عالم عادل عالی قدر و معلم اخلاق و معنویات، حجت الاسلام و المسلمین شهید عظیم الشان مرحوم حاج سید اسدالله مدنی رضوان الله علیه، همچون جد بزرگوارش در محراب عبادت به دست منافقی شقی به شهادت رسید. اگر با به شهادت رسیدن مولای متقیان اسلام محو و مسلمانان نابود شدند، شهادت امثال فرزند عزیزش شهید مدنی هم آرزوی منافقان را بر آورده خواهد کرد. اگر خوارج سیاه بخت از شهادت ولی الله الاعظم طرفی بستند و به حکومت رسیدند، این گروهکهای خائن نیز به آمال خبیث خود که سقوط حکومت اسلام و برقراری حکومت آمریکایی است می رسند. آنان لعنت خدا و رسول و ننگ ابدی را برای خود و اینان عذاب ابدی خدا و نفرت و لعنت قادر متعال و امت اسلام را برای خود و هم پیمانان و اربابان خونخوار خویش به بار آوردند. ملت بزرگ و روحانیت معظم چون صفی مرصوص ایستاده اند که هر پرچمی از دست توانای سرداری بیفتد سردار دیگری آن را برداشته و به میدان آید و با قدرت بیشتر در حفظ پرچم اسلامی به کوشش برخیزد. شهید مدنی با شهادت مظلومانه خود ضد انقلاب و منافقین ضد اسلام را بکلی منزوی کرد. این چهره نورانی اسلامی عمری را در تهذیب نفس و خدمت به اسلام و تربیت مسلمانان و مجاهده در راه حق علیه باطل گذراند و از چهره های کم نظیری بود که به حد و افر از علم و عمل و تقوی و تعهد و زهد و خودسازی برخوردار بود.

به شهادت رساندن چنین شخصیتی به تمام معنی اسلامی همراه با تنی چند از فرزندان اسلام و یاران باوفای انقلاب اسلامی در میعادگاه نماز جمعه و در حضور جماعت مسلمین جز عناد با اسلام و کمر بستن به محو آثار شریعت و تعطیل جمعه و جماعت مسلمین توجیهی ندارد.

اگر تا امروز برای جنایتها و شرارتهای خود بهانه های بی پایه ای می تراشیدند، در شهادت این عالم متقی که جز درباره خدمت به اسلام و مسلمانان نمی اندیشید بهانه ای جز انتقام از اسلام و ملت شریف نمی توانند بتراشند. انتقام از اسلام که آن را اساس سقوط دستگاههای جبار و شکست ابرقدرتها در ایران و پس از آن در منطقه می بینند و از ملت قدرتمند که پشت بر آنان نموده و کاخهای آمال و آرزوی آنان را در هم کوبیده و تمامی آنانرا از صحنه تا ابد بیرون رانده است می گیرند.

مردم رزمنده ایران و خصوص مردم غیرتمند آذربایجان که چنین روحانی متعهد و معلم عالی قدری را از دست داده اند و حریف شکست خورده خود را می شناسند، با عزمی جزم و اراده ای خلل ناپذیر انتقام خود را از آنان می گیرند.



اینجانب ، شهادت این مجاهد عزیز عظیم و یاران باوفایش را به پیشگاه اجداد طاهرینش ، خصوصا بقیه الله - ارواحنا له الفدا - و به ملت مجاهد ایران و اهالی غیور و شجاع آذربایجان و به حوزه های علمیه و به خاندان محترم این شهیدان تبریک و تسلیم می گویم .

خط سرخ شهادت ، خط آل محمد ( ص ) و علی ( ع ) است و این افتخار از خاندان نبوت و ولایت به ذریه طیبه آن بزرگواران و به پیروان خط آنان به ارث رسیده است . درود خداوند و سلام امت اسلام بر این خط سرخ شهادت و رحمت بی پایان حق تعالی بر شهیدان این خط در طول تاریخ و افتخار و سرافرازی بر فرزندان پرتوان پیروزی آفرین اسلام و شهدای راه آن و ننگ و نفرت و لعنت ابدی بر وابستگان و پیروان شیاطین شرق و غرب خصوصا شیطان بزرگ آمریکای جنایتکار که با نقشه های شیطانی شکست خورده خود گمان کرده ملتی را که برای خداوند متعال و اسلام بزرگ قیام نموده و هزاران شهید و معلول تقدیم نموده با این دغل بازبها می تواند سست کند و یا از میدان به در برد.

اینان پیروان سید شهیدانند که در راه اسلام و قرآن کریم ، از طفل شش ماهه تا پیرمرد هشتاد ساله را قربان کرد و اسلام عزیز را با خون پاک خود آبیاری و زنده نمود.

ارتش و سپاه و بسیج و سایر قوای مسلح نظامی و انتظامی و مردمی ما پیرو اولیایی هستند که همه چیز خود را در راه هدف و عقیده فدا نموده و برای اسلام و پیروان معظم آن شرف و افتخار آفریدند. از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین و رحمت برای شهیدان خصوصا شهدای اخیرمان و بالاخص شهید عزیز مدنی معظم و سلامت کامل برای مجرومین این حادثه و صبر و استقامت برای ملت بزرگ خصوصا آذربایجانیهای عزیز و بازماندگان شهیدان خواهانم . سلام و درود بر همگان .

والسلام علی عبادالله الصالحین ،

روح الله الموسوی الخمینی

۲۱ شهریور ۱۳۶۰

۱۷ سپتامبر ۱۹۷۰ / ۲۶ شهریور ۱۳۴۹

سپتامبر سیاه ، کشتار فلسطینیان در اردن

اردن با مساحتی معادل ۸۹۲۰۶ کیلومتر مربع ، در جنوب غربی آسیا واقع شده است که در واقع بخشی از دشتهای وسیع گوشه شمال غربی شبه جزیره عربستان محسوب می شود. نواحی مجاور دریای مرده (بحر المیت ) در غرب کشور که ۴۰۰ متر از سطح دریا پایین تر است ، گودترین ناحیه جهان می باشد. مرزهای این کشور با سوریه ، عراق و عربستان سعودی هیچ گونه حد فاصل طبیعی ندارد. تنها راه این کشور به دریا از طریق بندر عقبه در خلیج عقبه است .

مهمترین رود این کشور با ۳۰۰ کیلومتر طول ، رود اردن یا (نهر الاردن ) است که از کوههای شرقی سرچشمه گرفته و از بهم پیوستن سه رود الحاصبانی (لبنان ) واللدان و بانیاس (سوریه ) تشکیل و پس از عبور از فلسطین اشغالی به طرف جنوب روانه شده و به بحر المیت می ریزد.

اردن دارای آب و هوای معتدل مدیترانه ای است . تابستانهای خشک و سوزان و زمستانهای سرد و مرطوب دارد.

طبق آخرین سرشماری رسمی در سال ۱۹۹۴ میلادی جمعیت این کشور به ۴،۲۵۰،۰۰۰ نفر بالغ می گردد. قریب نیمی از جمعیت این کشور را آوارگان فلسطینی تشکیل می دهند. این مهاجر پذیری قابل ملاحظه ، از طریق مهاجرت مردم اردن به سایر کشورهای عربی ثروتمند تولید کننده نفت جبران و یا تعدیل می شود. مردم امیر نشین اولیه ماوراء اردن را، اکثرا گروههای قبایل اعراب بدوی تشکیل می دادند. در پی تشکیل دولت اسرائیل و تملک غاصبانه سرزمین فلسطین توسط صهیونیستها در سال ۱۹۴۸، بسیاری از گروههای فلسطینی که از موطن اصلی خود رانده شده و یا حاضر به تبعیت از حاکمیت دولت اسرائیل غاصب نبودند، به اردن مهاجرت کردند؛ اما نفوذ اقتصادی و فرهنگی مهاجران فلسطینی در این ملت همواره بسیار فراتر از عده شان بوده است .

زبان رسمی اردن ، عربی است و همچون اسلام یکی از عوامل وحدت بخش این ملت به حساب می آید. تا قبل از انتخابات سال ۱۹۸۹ نقش مذهب در زندگی سیاسی - اجتماعی مردم و نظام حکومتی کشور چندان محسوس نبوده لکن اغتشاشات داخلی سال ۱۹۸۹ که بر اثر فشار اقتصادی مردم و وضع نه چندان خوب دولت بروز کرده بود، رفته رفته رنگ اسلامی به خود گرفت و دولت را مجبور به دادن امتیازاتی از جمله برخورداری از آزادیهای نسبی و پذیرش انتخابات آزاد کشور کرد. از آن تاریخ به بعد مذهب در اردن به عنوان یک عامل قدرتمند همواره در عرصه های سیاسی - اجتماعی خودنمایی کرده است ، تا جایی که در انتخابات سال ۱۹۸۹ گروههای اسلامی به نیمی از کرسیهای مجلس دست یافتند و امروز نیز به عنوان وزنه ای که قادر است در سرنوشت حکومت نقش داشته باشد به حساب می آید.

(شاه حسین ) که خود را هاشمی و منتسب به خاندان پیامبر (ص ) می داند، اعتقادی به دخالت دین در سیاست ندارد و طی نطقی در مراسم پنجاهمین سالگرد تولدش ، گروههای اسلامی فعال در کشور را از هرگونه دخالت در امور سیاسی برحذر داشت و آنها را به عنوان بزرگترین مانع بر سر راه سیاستهای صلح آمیز در خاور میانه خواند. شاه حسین معتقد است مشکل بیت المقدس حل نخواهد شد، مگر این که مسائل سیاسی از مذهب جدا شوند. بر این مبنا دولت اردن برای جلوگیری از فعالیت گروههای اسلامی در اردن ، قانون جدیدی را به تصویب رساند که براساس آن خطبه های نماز جمعه منحصر به امور عبادی گردیده و ائمه جمعه و سخنرانان از پرداختن به مسائل سیاسی و اجتماعی منع شده اند. اردن به خاطر وجود ملیتهای مختلف ، دارای فرهنگهای متفاوت و در نتیجه آداب و رسوم خاص خود می باشد.

اصطلاح سپتامبر سیاه به سلسله حوادثی اطلاق می شود که به کشتار بی رحمانه فلسطینی ها و اخراج آنها از اردن انجامید. پس ز پیروزی فلسطینی ها در نبرد کرامه (مارس ۱۹۸۶) و رونق کار مقاومت فلسطین ، از پاییز همان سال شهر عمان پایتخت مملکت اردن بتدریج شکل فلسطینی به خود می گرفت . در این شهر نیم میلیون نفر که اکثریت آن را اردنی های فلسطینی الاصل تشکیل می دادند، متجاوز از ۶۰۰۰ چریک فلسطینی سازمان فتح با اسلحه و تجهیزات نظامی در رفت و آمد بودند و بیش از ۱۵۰۰۰ جوان عرب در زمینه های تبلیغاتی و جمع آوری اعانات با سازمانهای مزبور همکاری داشتند.

آزادی عمل چریکها در نقل و انتقالات نظامی و رفتار با مقامات دولت اردن ، بویژه با ماموران امنیتی این کشور، بتدریج این احساس را به وجود آورد که دولتی در داخل دولت اردن تشکیل شده که حاضر به هماهنگی با آن نیست .

از طرفی دیگر روابط دوستانه چریکهای فلسطینی با سلیمان نابلسی نخست وزیر پیشین اردن که در راس یک گروه ترقی خواه خواستار آزادیهای سیاسی بیشتری در کشور اردن شده بود، بیش از پیش رژیم سلطنتی اردن را نگران آینده خود کرده بود.

ملک حسین ، با توجه به این که فلسطینی ها بیش از نصف جمعیت اردن را تشکیل می دهند، همواره نگران این بوده است که مبادا به وسیله فلسطینی ها و یا به خاطر آنها تاج و تخت خود را از دست بدهد یا این که وحدت کشورش مخدوش شود؛ به همین سبب

طی سخنان در تاریخ ۱۰ آوریل ۱۹۶۹ در باشگاه ملی روزنامه نگاری در واشنگتن اعلام کرد که دولت وی تابعیت اردن را به پناهندگان فلسطینی اعطاء نموده اما بیش از یک میلیون نفر از فلسطینی هها مایلند که به موجب قطعنامه های پی در پی مجمع عمومی سازمان ملل متحد سرنوشت خویش را شخصا تعیین کنند و بر این اساس همه کشورهای عرب وظیفه دارند که پناهندگان فلسطینی را یاری دهند.

از گفته های شاه اردن چنین استنباط شد که وی مایل به دادن تابعیت اردن به همه پناهندگان فلسطینی نیست و تعیین سرنوشت فلسطینی ها را وظیفه همه کشورهای عرب می داند و استمرار اقامت فلسطینی ها در اردن و پیوستن نهایی آنان به اتباع اردن می تواند به طور جدی بقای سلطنت او را تهدید کند.

سال ۱۹۶۹ شاهد گسترش بی سابقه عملیات چریکی سازمانهای مقاومت فلسطین علیه افراد و موسسات رژیم صهیونیستی بود. بیشتر این عملیات نظامی که گاهی به شش اقدام در روز که معمولا از داخل خاک اردن شروع می شد و بنابراین عملیات انتقامی

رژیم صهیونیستی نیز متوجه اردن بود، تا آنجا که مرز غربی اردن از خلیج عقبه در جنوب تا شمالی ترین نقطه مرزی در همسایگی خاک سوریه در معرض تاخت و تاز نیروهای صهیونیستی قرار داشت و در بعضی از این عملیات انتقامی که از زمین و هوا صورت می

گرفت ، صهیونیستها از بمب های (ناپالم ) استفاده می کردند.

در چار چوب فعالیتهای سیاسی که پس از جنگ شش روزه سال ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل برای حل مسالمت آمیز بحران خاور میانه صورت گرفت ، ملک حسین همانند برخی دیگر از روسای کشورهای عرب ، از جمله جمال عبدالناصر رهبر مصر، به سوی پذیرش قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت متمایل شد.

این قطعنامه به مصوبه ای از شورای امنیت سازمان ملل اطلاق می شود که در تاریخ ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ به تصویب رسید. براساس قطعنامه مذکور، شورا اشغال سرزمینهای عربی از طریق جنگ را نپذیرفت و خواستار برقراری صلحی عادلانه و پایدار در منطقه شد که در آن کلیه کشورها دارای حق حیات در یک محیط امن باشند. برای تحقق چنین اصلی ، شورای امنیت از (اسرائیل ) خواست تا نسبت به خروج نیروهایش از سرزمینهای اشغالی که در جنگ شش روزه به تصرف در آورده بود، اقدام نماید و از طرفین متحارب نیز خواست که به حالت جنگ میان یکدیگر پایان بخشند.

این قطعنامه همچنین به لزوم زندگی در داخل مرزهای امن و شناخته شده بدور از هرگونه زور و تهدید تاکید ورزیده و حق کشتیرانی در آبراهه های بین المللی را محترم شمرده است .

بنابه تمایل ملک حسین در پذیرش قطعنامه ، که باعتقاد او راه حل‌های مسالمت آمیز می توانست مسائل و مشکلات اعراب بویژه فلسطینیان را با اسرائیل چاره اندیشی کند؛ اما چریکهای فلسطینی معتقد بودند که راه حل مسالمت آمیز به جایی نخواهد رسید و این تضاد موجود بین دنیای عرب و موجودیت صهیونیستی دیر با زود به صورت نبرد مسلحانه بروز خواهد کرد.

در این میان ، شاه حسین در سخنرانی ۱۰ آوریل ۱۹۶۹، طرح ۱۰ ماده ای خود را که در واقع شکل گسترش یافته قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت بود، ارائه داد. این طرح که در زمینه کشتیرانی خلیج عقبه و کانال سوئز امتیازی بیشتر از قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت به اسرائیل داده بود، با عکس العمل شدید فلسطینی ها مواجه شد. بعلاوه در این طرح از حل (مشکل پناهندگان ) صحبت شده بود که فلسطینی ها همواره نسبت به آن حساسیت نشان داده و می دهند و می گویند که اگر قرار باشد روزی قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت را بپذیرند باید این (اصطلاح ) از آن حذف و (به ملت فلسطین ) مبدل شود.

با توجه به جهات فوق ، طرح شاه حسین از سوی فلسطینی ها رد شد و کلیه فعالیتهای بین المللی برای به اجرا در آوردن قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت پیرامون تاسیس دولت فلسطین در ساحل غربی رود اردن و نوار غزه محکوم گردید.

در اول سپتامبر ۱۹۷۰، شاه حسین از کاخ سلطنتی حمر در عمان راهی فرودگاه عمان بود تا از همسرش (۲۰۲) استقبال کند، که خود روی وی گلوله باران شد، ولی وی از معرکه جان سالم بدر برد. و این سوء قصد هنگامی صورت گرفت که خیابانهای عمان ، شاهد برخوردی روزانه چریکهای فلسطینی با ارتش اردن بود.

در تاریخ ۴ سپتامبر، توپخانه ارتش اردن ، مقر کمیته مرکزی سازمان آزادی بخش فلسطین را در حالی که جلسه رهبران فلسطینی در آن منعقد بود، به آتش بست .

در تاریخ ۶ سپتامبر، گروهی از عناصر جبهه خلق برای آزادی فلسطین تحت فرماندهی (ودیع حداد) به ربودن چهار هواپیمای مسافری اقدام کرد.

در روز ۹ سپتامبر نیز یک هواپیمای دی . سی . ۱۰ متعلق به شرکت انگلیسی بی . او . ای . سی . که از بحرین برخاسته بود به صحرای زرقاء (۲۰۳) برده شد.

در روز ۱۴ سپتامبر شهرهای شمالی اردن یعنی اربد، لسلط، زرقاء و جرش عملاً توسط چریکهای فلسطینی اداره می شد و جبهه خلق برای آزادی فلسطین در شهر اربد شورهایی را به سبک کشورهای سوسیالیستی دائر کرده بود.

در روز ۱۵ سپتامبر موافقت نامه ای پیرامون چگونگی روابط سازمان آزادی بخش فلسطین با دولت اردن توسط یاسر عرفات وصفی التل نخست وزیر وقت اردن امضاء شد، ولی این موافقت نامه شاه حسین را متقاعد نکرده و نسبت به اجرای عملی آن اطمینان چندانی نداشت . وی در همان روز تصمیم خطر ناک خود را پیرامون حل مساله از طریق زور و در نتیجه نابودی انقلاب فلسطین در خاک اردن ، اتخاذ کرد. و در بعد از ظهر همان روز با مشاوران بلند پایه خود مذاکره و آنان نظر دادند که باید قبل از فرو رفتن اردن در مسائل حادثه دست به کار شد و تاکید نمودند که عملیات از چند ساعت یا احياناً یک روز تجاوز نخواهد کرد.

شاه حسین ، سپهبد عمر داود، یکی از ژانرالهای فلسطینی الاصل ارتش اردن را با وی در میان گذاشت ، تا هر گونه شک و شبهه نسبت به نیت رژیم اردن علیه انقلاب فلسطین را از بین ببرد.

در ساعت ۶ بامداد روز ۱۶ سپتامبر، رادیو عمان اعلام کرد که یک کابینه نظامی مرکب از تعدادی ژنرال ، سرهنگ و سرگرد تشکیل شده و ژنرال جاس المجالی نیز به عنوان رئیس ستاد و فرماندار کل نظامی کشور تعیین شده است . این کار از دیدگاه سازمان آزادی بخش فلسطین به عنوان اعلان جنگ از جانب دولت اردن به سازمان مزبور تلقی شد. لذا کمیته مرکزی سازمان در همان روز در منطقه (جبل الحسین) تشکیل جلسه داد و در خلال آن یک شورای جنگی شکل گرفت و همه نیروهای مسلح فلسطینی اعم از چریک و میلیشیا در داخل اردن (در حدود ۳۰ تا ۴۰ هزار نفر) تحت فرماندهی کل یاسر عرفات متحد شدند.

عرفات به نیروهای تحت فرماندهی هود دستور داد که آغازگر تیر اندازی نباشند خود را به عمان پایتخت اردن و دیگر شهرهای شمالی کشور (مراکز تجمع چریکهای فلسطینی) آغاز کرد.

ارتش اردن با پشتیبانی سیصد دستگاه تانک و با استفاده از ۵۵ هزار نظامی آموزش دیده تصور می کرد که ظرف چند ساعت ،

چریکهای فلسطینی را از پای در می آورد، ولی علی رغم امکانات ارتش اردن ، این نبرد ۱۰ روز به دارازا کشید، و ارتش اردن با گلوله باران مراکز فلسطینی از جمله اردوگاههای آوارگان ، بی رحمانه مردم بی دفاع را در هم کوبید.

در روز ۱۹ سپتامبر، اخباری به اردنی ها رسید مبنی بر این که از تیپ حطین (۲۰۴) وابسته به ارتش آزادی بخش فلسطین که در سوریه مستقر بوده است ، تعداد ۳۰ تا ۵۰ دستگاه تانک از مرز مشترک سوریه و اردن گذشته و به منظور کمک به چریکهای

فلسطینی وارد خاک اردن شده است . بامداد ۲۰ سپتامبر، مارشال جاس المجالی فرمانده نیروهای اردن اعلام کرد که شب پیش یک تیپ زرهی سوری وارد خاک اردن شده و تیپ ۴۰ اردن به مقابله با آن برخاسته است ، و یک نیروی زرهی دیگر سوری نیز مرکب از ۲۰۰ دستگاه تانک وارد اردن شده است .

در این هنگام شاه حسین مضطرب گردید و سفرای کشورهای آمریکا، فرانسه شوروی و انگلستان را به کاخ خود احضار و از آنها خواست تا برای حفظ استقلال اردن اقدام کنند.

بر خلاف پیش بینی فرماندهان ارتش اردن ، نبرد با چریکهای فلسطینی در خیابانها و محله های عمان ادامه داشت و مقاومت و ایستادگی چریکهای فلسطینی بسیار سرسختانه و غیر مترقبه بود. ارتش اردن ناچار شد که بعضی از واحدهای خود را از پایتخت به سوی شمال کشور حرکت دهد و به این ترتیب اردنی ها در یک زمان خود را در دو جبهه درگیر دیدند.

شاه اردن هم پی در پی از آمریکا کمک می خواست و آمریکا با همکاری رژیم صهیونیستی طرحی را تهیه نمود که هدف آن نجات رژیم سلطنتی اردن و جلوگیری از سقوط آن بود. افشاری عمده این طرح به قصد ارباب طرفهای ذی نفع و بویژه سوریه ، موجب شد که بدون مداخله مستقیم نیروی هوایی رژیم صهیونیستی یا تحرک عملی آمریکا، موقعیت نظامی به سود شاه اردن تغییر شکل دهد و نیروی هوایی بسیار محدود اردن در غیاب نیروی هوایی سوریه توانست نیروهای زرهی سوریه را که وارد خاک اردن شده بودند متواری سازد، این تحول به ارتش اردن فرصت دیگری داد تا بدون نگرانی از تهدیدهای خارجی به سرکوبی چریکهای فلسطینی در داخل شهرهای اردن و تصفیه نهایی با انقلاب فلسطین در اردن بپردازد.

بعد از دفع نیروهای زرهی سوریه که براساس برخی اخبار، با از دست دادن ۱۰۳ دستگاه تانک و ۱۷۰ خودرو مختلف نظامی به داخل سوریه عقب نشینی کردند، نیروهای اردنی بر اوضاع عمومی مسلط شدند و برای یکسره کردن کار نبردهای خیابانی عمان ، که در آتش می سوخت و آب و برق اغلب محله های آن قطع شده بود و بلدوزرها در حال کندن قبرهای دسته جمعی برای انبوه جنازه ها در آن شهر بودند، رهسپار شدند. نبردهای سنگین بین ارتش اردن و چریکهای فلسطینی تا ۲۵ سپتامبر ادامه داشت ، تا این که در آن تاریخ هیات آشتی عرب به ریاست (جعفر نومیری ) رییس جمهوری وقت سودان که بین قاهره و عمان در رفت و آمد بودت توانست موافقت یاسر عرفات و شاه حسین را با برقراری آتش بس بین طرفین به دست آورد اما علی رغم آن سربازان اردنی همچنان به شکستن آتش بس مبادرت می ورزیدند.

رژیم سلطنتی اردن برای اغفال افکار عمومی در تاریخ ۲۶ سپتامبر و بعد از این که هزاران چریک فلسطینی را قتل عام کرده بود، ظاهرا حکومت نظامی را کنار گذاشت و یک کابینه غیر نظامی به ریاست (احمد طوفان ) ۷۵ ساله فلسطینی الاصل و اهل نابلس تشکیل داد. هر چند وزیران نظامی در راس وزارتخانه های حساس باقی ماندند و ژنرال جاس المجالی نیز همچنان به عنوان فرماندار کل نظامی باقی ماند.

شاه اردن بعد از اطمینان از انجام نقشه های خود در سرکوبی مقاومت فلسطین و در حالی که موضع خود را برای شرکت در اجتماع سران عرب در قاهره به اندازه کافی مستحکم دید، دعوت جمال عبدالناصر را برای حضور در قاهره پذیرفت تا اقدامات خود را توجیه نماید.

بعد از انجام مذاکرات مفصل شش ساعته در روز ۲۷ سپتامبر بین یاسر عرفات و شاه حسین موافقتنامه ای در قاهره به امضای طرفین و هشت کشور عرب شرکت کننده در مذاکرات رسید که به موجب آن هیچ یک از طرفین در نبردهای ۱۰ روزه پیروز شناخته نشدند، زیرا چریکهای فلسطینی علی رغم انهدام اردوگاههای (وحدت) و (حبل عمان) همچنان بر شهر عمان مسلط بودند و ژنرالهای ملک حسین برای نابوددی کامل چریکها همچنان نیازمند چند روز دیگر بودند تا کار مقاومت فلسطین را به نبرد تن به تن و با اسلحه سرد بکشانند.

نکات مهم موافقت نامه یاد شده این بود که نیروهای مسلح اردنی و چریکهای فلسطینی از عمان خارج شوند. شهر اربد و دیگر شهرهای اردنی به حالت عادی قبل از بروز حوادث باز گردانده شود و مقررات حکومت نظامی در اردن پایان پذیرد. بعلاوه یک کمیته سه نفره مرکب از نمایندگان اردن، فلسطین و تونس به ریاست نخست وزیر تونس برای پیگیری مسائل اجرایی موافقت نامه قاهره تشکیل شد. متعاقب آن در تاریخ ۱۳ اکتبر ۱۹۷۰، موافقت نامه مفصل تری پیرامون روابط اردن با فلسطینی ها به امضای ملک حسین و یاسر عرفات رسید که به موجب آن اردن تحت فشار افکار عمومی جهان و بر اثر انزوای شدیدی که خود را بدان کشانده بود، موافقت کرد که با تمام امکانات خود از مبارزات مردم فلسطین حمایت کند و انقلاب فلسطین را به عنوان نماینده ملت فلسطین بداند و چریکهای مسلح فلسطین یا قبول اصل تمرکز در پایگاههایی در غرب اردن از آزادی عمل و رفت و آمد در مناطق مزبور برخوردار باشند.

بنابراین جنگهای خونین ارتش اردن با چریکهای فلسطین که در فاصله بین ۱۷ سپتامبر تا ۱۶ اکتبر ۱۹۷۰ به کشته شدن هزاران مسلح و غیر نظامی فلسطینی و اردنی و زخمی شدن ده ها هزار نفر و وارد شدن خسارات سنگین مادی منجر شده بود، در ابتدای امر نتوانست به حضور مسلحانه فلسطینی ها در اردن خاتمه دهد، ولی جریان حوادث به فرماندهان ارتش اردن نشان داد که آنچه را به سرعت و طی چند روز موفق به انجام آن شدند می توانند بتدریج و با توجه به تجربه هایی که از نبرد با فلسطینی ها کسب کرده اند عملی سازند. (۲۰۵)

۱۷ سپتامبر ۱۹۸۲ / ۲۶ شهریور ۱۳۶۱

قتل عام فلسطینیان در اردوگاههای صبرا و شتیلا

گرچه ریشه نژادی لبنان را فینیقیها تشکیل می دهند، اما پیدایش آن به صورت یک دولت از وقایع قرن حاضر است. لبنان دارای

جغرافیای تاریخی و فرهنگ پیچیده ای است. کوههای لبنان که ارتفاع آنها حدودا به سه هزار متر می رسد و در شعاع ۲۵

کیلومتری ساحل مدیترانه قرار دارند، همیشه پناهنگاه مناسبی برای گروههای اقلیت مذهبی که از ترس آزار و شکنجه به آنجا پناهنده می شدند، بوده است .

بعد از حمله لشکریان اسلام در قرن هفتم میلادی به این منطقه ، مسیحیان مارونی و بعدها اقلیتهای مسلمان دروز و شیعه در منطقه کوهستانی داخلی متمرکز شدند. لبنان از نظر مذهبی نامتجانس ترین کشور منطقه است . به طور رسمی ، ۱۷ فرقه یا کلیسای شناخته شده در آن وجود دارد و حداقل ۶۰ درصد همه لبنانیها مسلمان هستند. جالب اینجاست که چون مسیحیان و مسلمانان هر دو دارای تقسیمات کوچکتر فرقه ای به شرح زیر هستند هیچ فرقه ای به تنهایی نتوانسته است اکثریت پیدا کند.

(۲۰۶)

### جوامع مذهبی در لبنان

جامعه	در صد تخمینی از جمعیت
کل مسلمانان:	60درصد
سنی	26درصد
شیعه	27درصد
دروز	7درصد
کل مسیحیان:	40درصد
مارونی	23درصد
ارتدکس یونانی	7درصد
کاتولیک یونانی	5درصد
سایر مسیحیان	5درصد



به منظور همسازی سیاسی میان فرقه ای مختلف و یافتن شیوه ای مناسب برای همزیستی مسالمت آمیز یک سیستم پیچیده تقسیم نسبی قدرت در پیمان ملی ۱۹۴۳ میلادی گنجانده شد. کلیه مقامات رسمی اعم از هیئت وزیران ، کرسی های پارلمان و مقامات اداری بر اساس تقسیم بندیهای ثابت به جوامع مختلف داده شد. مقام ریاست جمهوری برای همیشه در دست مارونیها باقی ماند، نخست وزیری به سنی ها داده شد و ریاست مجلس به شیعیان واگذار گردید.

مارونیها با اختصاص دادن پستهای حساس نظامی و امنیت داخلی به خود، قدرتمندترین گروه شدند. برای این که به لبنان مجال ابقاء داده شود، مسیحیان موافقت کردند که از پیوند زدند لبنان به فرانسه و غرب خودداری کنند و مسلمانان نیز از تلاش برای ایجاد وحدت با سایر دولتهای عرب ، بویژه سوریه ، صرفنظر کنند این مصالحه تا مدتی نتیجه بخش بود.

لبنانی ها به مطبوعات قوی و آزاد دسترسی داشتند و آشکارا می توانستند به بیان عقاید سیاسی خود پردازند. به طور قطع برای مدت چند سال ایران لبنان به عنوان متحمل ترین کشور در جهان عرب مورد تحسین قرار می گرفت و آن هم مغرور از این وضع خود را (سویس خاور میانه ) خطاب می کرد. ولی آرامش فریب دهنده بود. این نظام سیاسی غیر قابل انعطاف تا زمانی درست عمل می کرد که با مسائل و تقاضاهای جدید رو به رو نشده بود.

لبنان از همان ابتدای موجودیت ، به انگیزه این که هویت محلی و قومی بر هویت ملی غلبه کرده بود (یک جمهوری متزلزل ) بوده است .

عدم رضایت مسلمانان در مورد توزیع غیر عادلانه قدرت سیاسی ملی که کفه آن به طرف مارونیها سنگینی می کند، در دهه ۱۹۶۰ به صورت یک مشکل عمده در آمده بود و احتمالاً یکی از اهم دلایل جنگ داخلی به شمار می رفت . با وجود سیستم پیچیده سهمیه بندی برای تمامی مقامات دولتی مارونیها بوضوح لبنان را تحت فرمان خود داشتند. شیعیان بویژه در نارضایتی خود کاملاً محق بودند، چون پیمان ملی ۱۹۴۳ اساساً قرار دادی بود که بین رهبران سنی مارونی و جوامع سنی بسته شده بود.

حضور فلسطینی ها در لبنان

حضور ۴۰۰ تا ۶۰۰ هزار فلسطینی در لبنان احتمالاً به مثابه یک (کاتالیست ) (۲۰۷) در جنگ داخلی ۷۶ - ۱۹۷۵ بود. این پناهندگان غالباً مسلمان ، که ۱۵ تا ۲۰ درصد جمعیت را تشکیل می دهند امروزه یکی از بزرگترین جوامع هستند، که طی سه موج وارد لبنان شدند: بعد از پیدایش اسرائیل در ۱۹۴۸، پس از جنگ ۱۹۶۷ و جنگ داخلی لبنان در ۱۹۷۰.

در ابتدا از نظر سیاسی خاموش بودند، ولی جراحت حاصل از شکست اعراب در ۱۹۶۷ موجب رشد سریع سازمانهای چریکی فلسطینی ، که بسیاری از آنها از جنوب لبنان به عنوان پایگاه برای حمله علیه اسرائیل استفاده می کردند، شد. حکومت مرکزی به علت ضعف ، نه قدرت کنترل آنها را داشت و نه می توانست از حملات تلافی جویانه اسرائیل جلوگیری به عمل آورد که اولی موجب خشم مارونیها گردید و دومی موجب خشم شیعیان در جنوب شد که قربانیان اصلی بودند.

این مسئله بعد از این که اغلب چریکهای فلسطینی اخراج شده از اردن (۱۹۷۰) بالقوه در مبارزه برای کسب قدرت بیشتر استقبال نمودند. بر همین اساس مارونیها به آنها به صورت بر هم زننده موازنه ناپایداری که اساس موجودیت لبنان را تشکیل می داد، نگاه می کردند.

در اوایل دهه ۱۹۷۰، اردوگاههای پناهندگان فلسطینی عملاً به صورت یک دولت در دولت در آمده بود. کشمکش زمان که به درگیری منجر شد، تنها یک اختلاف ساده فرقه ای بین مسلمانان و مسیحیان نبود، بلکه کشمکش بین دارا و ندار، بین کسانی که خواهان حفظ نظام سیاسی موجود و آنهایی که در پی اصلاح . لائیک کردن آن بودند، بین آنهایی که طرفدار تجارت درهای باز و روش سرمایه داری در توسعه اقتصادی و یک نقش حداقل برای دولت و آنهایی که احساس می کردند، مسائل لبنان از طریق سوسیالیستی کردن کشور و یک مرکز قوی تصمیم گیری حل می شود، سرانجام بین ناسیونالیستهای لبنانی و عرب و حتی بین نسلهای مختلف سیاسی بود.

حملات مکرر مسلمانان نهایتاً نیروهای چند ملیتی را وادار به ترک منطقه کرد. و اسرائیل با یک حمله ناگهانی به لبنان جنگ داخلی را به طور موقت به نفع مارونی ها تمام کرد.

تهاجم اسرائیل به لبنان در ژوئن ۱۹۸۲ که به منظور انهدام سازمان آزادی بخش فلسطین و ایجاد یک (منطقه امنیتی) در جنوب، و تحمیل یک حکومت مرکزی مارونی قدرتمند که با آن بتواند روابط صلح آمیز داشته باشد، انجام شد. تهاجم اسرائیل به لبنان نه تنها مسائل آن را حل نکرد، بلکه بر مشکلات آن افزود.

### جنگ لبنان (ژوئن و سپتامبر ۱۹۸۲)

این جنگ به تعبیری به پنجمین نبرد اعراب و اسرائیل شهرت دارد، با هدفهای متعددی از سوی محافل صهیونیستی آغاز شد. رژیم صهیونیستی به منظور در هم شکستن استخوان بندی سازمان آزادی بخش فلسطین و اخراج چریکهای فلسطینی از لبنان، روی کار آمدن یک دولت دست نشانده و گسترش پیمان (کمپ دیوید)، متعاقب ترور سفیر آن کشور در لندن (۳ ژوئن ۱۹۸۲)، در روز چهارم ژوئن عراده جنگی خود را با رویای یک جنگ برق آسا از طریق تهاجم گسترده هوایی، زمینی و دریایی به حرکت در آورد. عملیات نظامی با عنوان (تامین امنیت جلیله) با بمباران اردوگاههای فلسطینی در اطراف بیرون آغاز شد و نیروی صهیونیستها نیز تجاوز خود را به سوی شمال ادامه داد.

بنا به گفته مقامات ارتش صهیونیستی، ۱۵۰ هزار نفر در این تهاجم شرکت داشتند. این نیروها پس از ده روز جنگ تمام عیار، قسمت غربی بیرون را محاصر کردند، ولی مقاومت شدید نیروهای فلسطینی و لبنانی بیش از هشتاد روز طول کشید. در این حملات بیرون صحنه آزمون پیشرفته ترین جنگ افزارهای ویرانگر نظیر بمب های خوشه ای، فسفری، ساچمه ای و غیره بود. حجم نیروهای فلسطینی در برابر این یورش نامتعادل به ۲۴۵۰۰ نفر می رسید. ادامه یورشهای رژیم صهیونیستی باعث شد تا سازمان

آزادی بخش فلسطین ضربه نظامی شدیدی را متحمل شود. آمریکا و عربستان سعودی با تاکید به لزوم ادامه حیات این سازمان به عنوان یک سازمان سیاسی معتدل و به کارگیری راه حل های آمریکایی ، رهبری ساف را وادار ساختند تا در طی ۱۰ روز ۱۲۰۰۰ چریک فلسطینی را به همراه رهبران آن از لبنان خارج نماید و آنها را روانه اردن ، عراق ، تونس ، یمن جنوبی و شمالی ، سودان ، قبرس ، یونان ، سوریه و الجزایر کند.

همزمان با خروج آخرین دسته از چریکهای فلسطینی (۱/۹/۱۹۸۲) طرح رونالد ریگان رئیس جمهور وقت آمریکا که حالی از امکان مذاکره مستقیم میان فلسطینی ها و رژیم صهیونیستی بود در واشنگتن اعلام گردید که بلافاصله با مخالفت رژیم صهیونیستی روبرو شد.

راه حل دیگری که برای این مسئله ارائه شد، (طرح فاس) بود. در پی کنفرانس سران کشورهای عرب در ۶ سپتامبر در شهر (فاس واقع در کشور مغرب) قطعنامه ای صادر شد که مورد تصویب همه کشورهای عربی (جز لیبی) و سازمان آزادی بخش فلسطین قرار گرفت ، بر طبق این قطعنامه مقرر گردید:

۱ - نیروهای اسرائیلی از همه سرزمین هایی که رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۶۷ اشغال کرده است ، از جمله قدس عربی ، عقب نشینی کند.

۲ - شهرکهای یهودی نشین که بعد از سال ۱۹۶۷ در سرزمین های اشغالی تاسیس شده است بر چیده شوند.

۳ - آزادی عبادت و انجام مراسم مذهبی برای تمام ادیان در اماکن مقدسه تضمین شود.

۴ - تاکید بر حق ملت فلسطین در تعیین سرنوشت و اعمال حقوق ملی به رهبری سازمان آزادی بخش فلسطین به عنوان تنها نماینده قانونی ملت فلسطین و نیز جبران خسارت کسانی که مایل به بازگشت به فلسطین نیستند.

۵ - ساحل غربی و غزه شاهد یک مرحله انتقالی زیر نظر سازمان ملل متحد خواهد بود که بیش از ۶ ماه طول نخواهد کشید.

۶ - تاسیس دولت مستقل فلسطین که پایتخت آن قدس خواهد بود.

۷ - شورای امنیت ، تضمین های صلح میان همه کشورهای منطقه از جمله دولت مستقل فلسطین را تنظیم می کند.

۸ - شورای امنیت سازمان ملل متحد ضامن اجرای اصول فوق باشد.

سازمانهای دیگر فلسطین مانند (جبهه خلق برای آزادی فلسطین) ت (صاعقه) و (جبهه مبارزه خلق) با این طرح مخالفت کردند.

از سوی دیگر، رهبران اتحاد شوروی سابق نیز که جنگ لبنان را عاملی برای توسعه نفوذ و اعمال استراتژی آمریکا در خاور میانه و

اجرای عملی پیمان استراتژیک آمریکا و رژیم صهیونیستی می دانستند، در تاریخ ۱۵ سپتامبر ۱۹۸۲ طرح (برژنف) را عرضه کردند.

مفاد طرح مزبور به قرار ذیل بود:

- احترام به اصل عدم مشروعیت تسلط بر سرزمین های دیگران از راه تجاوز؛ - استرداد سرزمین های اشغالی ۱۹۶۷؛

- تامین حقوق مشروع ملت فلسطین ؛

- بازگرداندن قسمت شرقی شهر اورشلیم (قدس شرقی)؛

- آزادی عبادات مذهبی برای ادیان سه گانه اسلام ، مسیحیت و یهود؛

- تامین حق وجود امنیت برای همه کشورهای منطقه به شرط رعایت اصل عمل متقابل ؛

- پایان دادن به حالت جنگ و تحقق صلح ؛

- احترام به تمامیت ارضی کشورها؛

- تصویب مقررات و تضمین های بین المللی ،

- نظارت شورای امنیت ملل متحد.

در ادامه تجاوز یاد شده ، نیروهای صهیونیستی در پی قتل بشیر جمیل در روزهای ۱۶ و ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۲ به اردوگاههای فلسطینی

صبرا و شتیلا حمله بردند و ۳۲۹۷ نفر از سکنه آنها را به قتل رساندند. بدین ترتیب برگ سیاه دیگری بر تاریخ صهیونیسم و برگ

خونینی بر تاریخ ملت فلسطین افزوده شد(۲۰۸)

نیروهای فالانژیست که با صهیونیستها همکاری می کردند روز جمعه در ورودی اردوگاه را بستند و با دور کردن مردم از این ناحیه

سعی کردند صدای رگبار به گوش خبرنگاران و مردم نرسد.

خبرنگاران خارجی که از نزدیک شاهد این اعمال وحشیانه بودند گزارش دادند که سربازان رژیم صهیونیستی و فالانژیستها پس از

گردآوری فلسطینی ها در حومه بیروت بدون استثناء به روی آنان آتش گشودند. در این حال تانکهای اسرائیلی هر چیزی را در سر

راه خود یافتند نابود کردند و سربازان نیز به روی هر کسی که دیده می شد آتش گشودند. وسیعترین قتل عام در اردوگاه شتیلا اتفاق

افتاد که کنترل آن پس از هجوم سربازان اسرائیلی به فالانژیستها سپرده شده بود، فالانژیستها در این اردوگاه به کشتاری شبیه آنچه

که در سال ۱۹۷۵ در تل زعتر انجام داده بودند دست زدند، در اردوگاه شتیلا هیچ کس زنده نماند تا آنچه را که بر آنان رفته بود

توضیح دهد.

از سوی دیگر (داوود کلوتی ) نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین تایید و تاکید کرد که نیروهای صهیونیستی ، فالانژیستها و سربازان

سرگرد شورشی (سعد حداد) مشترکا در ساعتی پس از ظهر آن روز ۱۴۰۰ تن از فلسطینی های ساکن در اردوگاه برج البراجنه و

شتیلا را در غرب بیروت به طور وحشیانه قتل عام کردند.(۲۰۹)

اسرائیل در توجیه این تهاجم (وحشیگری ) ادعا کرد که این عمل در دفاع از خود انجام گرفته است . شورای امنیت در خواست کرد

که (اسرائیل تمامی نیروهای نظامی اش را فوراً و بدون قید و شرط به مرزهای شناخته شده بین المللی لبنان به عقب بکشد.) اما

(اسرائیل) به حملاتش در بیروت ادامه داد و سراسر منطقه را با بمبارانهای هوایی تخریب کرد و راه رسیدن تدارکات غذایی و پزشکی را به قربانیان بمبارانها بست. شورای امنیت خواستار شد که راه را باز کنند و نیازهای مردم برطرف شود. شورای امنیت و مجمع عمومی این کشتارها را به عنوان (قتل عام جنایی غیر نظامیان فلسطینی) محکوم کرد و مجمع عمومی آن را (یک کشتار) خواند. در نتیجه، اسرائیل از بخش اعظم لبنان عقب نشینی کرد، اما شماری از نیروهایش را در جنوب لبنان نگه داشت) (۲۱۰).

۳۱ شهریور - ۶ مهر

هفته دفاع مقدس

هفته دفاع مقدس بر همه ارتشیان، سپاه پاسداران، بسیج و نیروهای مردمی و با ایمانی که مخلصانه در گوشه و کنار این کشور خود را برای اسلام و قرآن آماده کرده اند مبارک باد.

فرمانده معظم کل قوا - آیت الله العظمی خامنه ای

حیات راستین یک ملت، همواره در گرو شناخت، معرفت و آن گاه توجه نسبت به آرمانها و ارزشهای خویش است و کوشش و تلاش جدی در حفظ پیشینه ها و دستاوردهای ارزشمند و گرانقدر آرمانی و ملی هر قوم و امتی خود از جایگاه رفیع و والایی برخوردار می باشند.

دوران هشت سال دفاع مشروع امت سلشخور ایران، در حفظ و اعتلای نظام مقدس اسلامی و حراست از مرزهای عزت و شرف این مرز و بوم - به مثابه یکی از حساس ترین بارزترین برهه ای حیات راستین این ملت - همچون نگینی، تا همیشه زمان، پرتارک تاریخ حماسه و ایثار و پایداری آزادگان جهان می درخشد و اهتمام و تلاش در عرصه های گوناگون حفظ پاسداری از آن ارزشها و والاییها، نیز به همان میزان مقدس و در خور ارج نهادن است.

حدیث هشت سال دفاع مقدس، مقاومت و مظلومیت ملتی که قله های سربلند ایثار و حماسه و شرف را در راه دفاع از کیان مکتب، انقلاب و میهن اسلامی خویش در نورزیده است حکایت نامکرر و ماندگار دلاوری شهیدان و شاهدانی است که با خون و جانشان سطر سطر تاریخ این مرز و بوم اسلامی را نگاشته اند.

مطرح ساختن این همه شجاعت، رشادت و مقاومت دلیرانه در چند صفحه کاری بس سخت و دشوار است و نمی توان حتی گوشه ای از آن را بیان کرد که چگونه ملت ایران مردانه ایستادگی کردند و پیروز شدند.

در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ رژیم بعثی عراق با تصمیم و طرح و با هدف برانداختن نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران جنگی تمام عیار را علیه این کشور آغاز کرد. رئیس جمهور عراق با ظاهر شدن در برابر دوربین های تلویزیون عراق با پاره کردن قرارداد ۱۹۷۵، آن

قرارداد را یکطرفه زیرپا گذاشت و آغاز تجاوز رژیم بعثی را اعلام کرد تا مگر بتواند مطامع و خواسته های جاه طلبانه خود را از طریق جنگی ظالمانه و ناخواسته بر مردم ایران تحمیل کند.

جنگی نابرابر در شرایطی به ایران اسلامی تحمیل شد که از جانب استکبار جهانی بویژه آمریکا تحت فشار شدیدی قرار داشت و در داخل کشور نیز جناحهای وابسته به غرب و شرق با ایجاد هیاهوی تبلیغاتی و ایجاد درگیری های نظامی درصدد تضعیف دولت و تفرقه افکنی بودند و نیروهای نظامی کشور نیز به خاطر تبعات قهری انقلاب هنوز مراحل بازسازی و ساماندهی راه به طور کامل پشت سر ننهاده و هیچ گونه آمادگی برای مقابله با یک تهاجم گسترده و سراسری به طول ۱۲۰۰ کیلومتر را با دشمن نداشتند. امریکا برای به سازش کشاندن جمهوری اسلامی و در نهایت تسلیم آن ، فرصت حاصله از رخداد جنگی تحمیلی عنیمت شمرد و حمایتهای پنهان و آشکار لازم را در کلیه زمینه های سیاسی ، نظامی و اقتصادی از رژیم بعثی عراق به مورد اجرا گذاشت . از سوی دیگر اتحاد جماهیر شوروی سابق ، با ترکیب حکومتی وقت ، که متحد عراق محسوب می شد، به خاطر ماهیت مستقل و غیروابسته انقلاب اسلامی که شعار نه شرقی نه غربی را در سرلوحه سیاست خارجی خود قرار داده و در رابطه با اشغال افغانستان موضعگیری مستقلانه ای اتخاذ کرده و تجاوز این ابرقدرت را محکوم کرده بود، خصومتش را با ارائه کمکهای مختلف نظامی و اقتصادی به رژیم عراق مضاعف گردانید.

ارتش عراق که براساس محاسبات عجولانه خود از وضعیت و شرایط داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ، فتح یک هفته ای تهران را تعقیب می کرد، در روزهای نخست تجاوز، بدون آن که بامانعی جدی در مرزها برخورد کند، تا دروازه های اهواز و خرمشهر پیش تاخت و با مشاهده این وضعیت ، به تداوم تجاوز علاقه مندتر شد. تحت چنین اوضاع و احوال ، امام (ره) به فروش آمد و ندای ملکوتیش دلهای شیفتگان انقلاب و جمهوری اسلامی را مطمئن و آرام نمود و ملت شجاع ایران را جهت دفاع از کیان نظام مقدس جمهوری اسلامی و کشور ایران آماده کرده بدینسان دشمن که در روزهای اول تجاوز مقاومتی جدی و چشمگیر در برابر خود مشاهده نکرده بود، به هنگام هجوم به خرمشهر با مقاومت قهرمانانه مردم این شهر و رزمندگان اسلام رو به رو شد و این واقعیت را پذیرفت که آنچه را محاسبه و پیش بینی شده بود، فرضیه ای بیش نبوده و بین خیالپردازیها و واقعیات فاصله بسیار وجود دارد. خلق حماسه ها آغاز شد، و علی رغم کارشکنی های رئیس جمهور وقت ، در جایگاه فرماندهی کل قوا مقاومت سرسختانه دلاوران اسلام و فرزندان قرآن اوج گرفت . سراسر جبهه ها، آوردگاه تن و تانک بود عشق و ایمان به مبداء و معاد عشقی بی پایان و فناپذیر به خدا و امدادهای الهی ، و اعتقاد و ایمان به مبداء و معاد عاملی بود تا دلاورمردان جمهوری اسلامی مرگ را با آغوش باز پذیرا شوند، و شهادت را کمال مطلوب بدانند.

دفاع مقدس و همه جانبه مردم مسلمان و انقلابی ایران اعم از واحدهای جنگ های چریکی و پارتیزانی که توسط (سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) سازماندهی شده بود و عناصر (واحد جنگهای نا منظم) تحت فرماندهی شهید دکتر چمران (وزیر دفاع و نماینده

امام خمینی (ره) در شورای عالی دفاع، واحدهای کلاه سبزه‌های نیروی زمینی ارتش و تکاوران نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، گروهی چریکی تحت سرپرستی و نظارت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب و نیز برخی از گروه‌های عشایری مسلح (که بیشتر در نواحی مرزی شمالغرب و غرب کشور مستقر بودند) با حملات متعدد و زنجیره‌ای علیه واحدها، سنگرها و خودروها و نفرات جلودار و نیز گشتیهای قوای متجاوز عراق آغاز گردید.

همزمان با مقاومت این نیروها، واحدهای توپخانه، هواپیماها و هلیکوپترهای بمب افکن و موشک انداز ارتش جمهوری اسلامی ایران خطوط و نیروهای پیشتاز ارتش متجاوز عراق و نیز خطوط و واحدهای عقبه و پشتیبانی ارتش عراق، پلها، انبارهای مهمات، ستونهای تانک و زرهپوش، خودروهای حامل نفرات و مهمات و تجهیزات و نیز تاسیسات و پایگاههای اقتصادی و نظامی رژیم عراق را در عمق آن کشور و نیز نواحی اشغال شده در خاک ایران را آماج حملات کوبنده خود قرار دادند که حمله حدود ۱۴۰ فروند از هواپیماهای جنگنده ارتش اسلام در یکی از نخستین روزهای دفاع مقدس از جمله جالبترین آنهاست.

مجموعه این عملیاتها و امدادهای الهی شگفت انگیز و ربیبی که خدای متعال در دل دشمن انداخت مانع شد تا نیروهای عراقی در مناطقی که قابل پیشروی به نظر می‌رسید مکث و تامل کنند و این امر باعث شد مناطقی مثل دزفول و اندیمشک و تاسیسات نظامی و اقتصادی آنها سالم بماند و اهواز از خطر محاصره دشمن در امان بماند.

سابقه اختلافات مرزی ایران با همسایگان غرب کشور

اختلافات مرزی ایران و عراق به دوران حکومت سلسله صفوی در ایران و دولت عثمانی که عراق بخشی از خاک آن بوده است، باز می‌گردد و همیشه شاخص‌ترین مظهر اختلافات بین ایران و همسایه غربی و او مسائل مربوط به حدود دو کشور بوده که همیشه سیاست تهران - استانبول و بعدا بغداد را توجیه می‌کرده و سایر مسائل را هر چند ریشه‌های عمیق داشته اند تحت الشعاع قرار می‌داده است.

تا دوران قاجاریه حدود و ثغور دو کشور تعیین نشده بود - در آن هنگام برای نخستین بار تلاشهایی در این زمینه انجام شد؛ یعنی مسائل مرزی اساس اختلافات و شاخص روابط سیاسی ایران و عثمانی گردید. پس از تاسیس کشور عراق نیز، بار دیگر موضوع تعیین دقیق مرزهای دو کشور محور روابط سیاسی بوده و این مسئله همیشه باعث پیچیدگی روابط شده است. از جمله قراردادهایی که در مورد اختلافات ایران و عراق به ثبت رسیده است می‌توان به این قراردادها اشاره کرد:

قرار داد سال ۱۶۳۹ میلادی ما بین دولتهای صفوی و عثمانی در مورد مرزهای آبی و خشکی دو کشور، قرارداد مرزی ۱۷۴۶ میان نادر شاه افشار و سلطان عثمانی، قرارداد (ارض روم) که متعاقب جنگهای دو ساله (۲۳ - ۱۸۲۱) بین حکومت وقت ایران و امپراتوری عثمانی در مورد حدود مرزی دو کشور به امضاء رسید، معاهده ۲۱ دسامبر ۱۹۱۱ در تهران و معاهده ۱۹۱۳ در قسطنطنیه (ترکیه امروزی) که به موجب آن کمیسیون متشکل از نمایندگان ایران و عراق، عثمانی، روسیه و انگلیس کار تعیین مرزها را به

عاهده می گرفت ، قرارداد سال ۱۹۳۷ مرزی ایران و عراق که تحت فشار انگلیسیها به ایران تحمیل شد و برخلاف اصول و قواعد جاری بین المللی - که مبتنی بر حاکمیت مشترک کشورهای همجوار بر رودخانه مرزی است و مرز آبی بین کشور را در خط میانه یا خط القعر رودخانه در نظر می گیرد - براساس حاکمیت عراق بر محدوده کوچک مقابل آبادان که در حدود پنج کیلومتر می باشد تنظیم شده است . با وجود این عراق هم تعهداتی در حدود تامین آزادی کشتیرانی در شط العرب و رعایت حقوق ایران در این رودخانه مرزی و صرف عواید حاصله از محل عوارض ماخوذه از کشتی ها برای نگهداری و لایروبی و بهبود کشتیرانی در این راه آبی به عهده گرفته بود که عملا آنها را مراعات نمی کرد.

دولت عراق به تعهدات خود در مورد تعیین خطوط مرزهای زمینی دو کشور و نصب علائم مرزی هم عمل نکرده بود تا این که در سال ۱۹۵۷، ایران و عراق درباره اجرای مفاد این قرار داد و تعیین یک داور سوئدی برای تعیین خطوط مرزی و نصب علائم موافقت کردند، ولی پیش از آن که این توافق به مرحله عمل برسد، رژیم سلطنتی عراق با یک کودتای نظامی در ژوئیه سال ۱۹۵۸ سرنگون شد و ژنرال عبدالکریم قاسم رهبر نظامی جدید این کشور شد.

عبدالکریم قاسم در تاریخ ۱۱ آذر ۱۳۳۸ (۱۲ دسامبر ۱۹۵۹) گفت : (۲۱۱)

(... عهدنامه ۱۹۳۷ بر اثر فشار به عراق تحمیل شد و حاکمیت دولت عراق به اندازه ۵ کیلومتر در مقابل آبادان فقط برای این منظور بخشیده شد که از طرف شرکتهای نفتی مورد استفاده قرار گیرد و آنها از پرداخت مالیات به عراق رهایی یابند. عراق در موقعی که وضع بغرنجی داشت و تحت تاثیر عوامل فشار، ۵ کیلومتر به ایران بخشید و در این باره ایران مستحق نبود، ولی عراق امیدوار بود که مسائل مرزی حل شود. لیکن مسائل مرزی مثل سایر تاکنون حل نشد و اگر این مسائل در آینده حل نشود، در مورد بخشش این ۵ کیلومتر پایبند نخواهیم بود و آن را به مادر میهن باز خواهیم گرداند...)

بعد از اظهارات عبدالکریم قاسم ، رادیو و مطبوعات عراق جنگ تبلیغاتی شدیدی علیه ایران آغاز کردند که رادیو مطبوعات ایران هم پاسخ گفتند و وزیر امور خارجه وقت ایران در آذر ۱۳۳۸ سخنان مشروحه در مجلس شورای ملی ایراد کرد.

حکومت عبدالکریم قاسم طی یک کودتای نظامی در ۱۹ بهمن ۱۳۴۱ توسط یک نیروی ائتلافی طرفدار جمال عبدالناصر و حزب بعث سرنگون شد و عبدالسلام عارف ، که طرفدار پان عربیسم بود رئیس جمهور شد. به دلیل نزدیکی عارف با ناصر و با توجه به تیرگی روز افزون روابط بین دولت ایران و حکومت ناصر، رژیم ایران نتوانست با دولت عبدالسلام عارف در مورد اختلافهای دو کشور به توافق رسد.

به دنبال قتل عبدالسلام عارف در سال ۱۳۴۵ برادرش عبدالرحمان عارف جانشین او شد. عبدالرحمن بزار نخست وزیر عبدالرحمن عارف به منظور جلوگیری از تیره شدن روابط با ایران و عراق ، اعلام کرد که قصد دارد مذاکراتی با مسئولان ایرانی انجام دهد و سرانجام نیز دو کشور در مورد موضوعات زیر به توافق رسیدند:



۱ - عقب نشینی نیروهای ایرانی از نواحی مرزی

۲ - پایان دادن متقابل به اتهامات و جنگ تبلیغاتی

۳ - تشکیل کمیته های مشترک به منظور مذاکره درباره مسائل مورد اختلاف

سازمان افسران جوان (جنبش انقلابی عرب) به رهبری ژنرال حسن البکر و صالح عمّاش و حردان تکریتی در صبحگاه ۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸ کاخ نخست وزیری و رئیس جمهوری را محاصره کردند. عبدالرحمان عارف تسلیم شد. و به دنبال آن رژیم بعثی جدید عراق به ریاست احمد حسن البکر سیاست خشن و آشتی ناپذیری را نسبت به ایران در پیش گرفت .

روز پانزدهم آوریل سال ۱۹۶۹ دولت عراق شط العرب را جزئی از قلمرو خود اعلام کرد و به دولت ایران اخطار نمود، به کشتی هایی که پرچم ایران را در شط العرب برافراشته است دستور دهد که پرچم خود را پائین بیاورند. عراق همچنین تهدید کرد: (اگر در این کشتی ها افرادی از نیروی دریایی ایران باشند باید آن کشتی ها را ترک کنند و در غیر این صورت عراق با قوه قهریه افراد نیروی دریایی ایران را از کشتی ها خارج خواهد کرد و در آینده نیز اجازه نخواهد داد کشتی هایی که به بنادر ایران حرکت می کنند وارد شط العرب شوند...)

واکنش دولت ایران نسبت به سخنان معاون وزارت امور خارجه عراق - (نعمه النعمه) که آن را یک اتمام حجت به شمار می آورد - سریع و قاطع بود.

امیر خسرو افشار قائم مقام وقت وزیر امور خارجه ایران در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۴۸ (آوریل ۱۹۶۹) طی نطقی در مجلس سنالغو معاهده ۱۹۳۷ را به طور رسمی اعلام کرد. دولت عراق که با عزم راسخ ایران در دفاع از حقوق خود مواجه شده بود، از هرگونه اقدام نظامی علیه ایران خودداری کرد.

در ۹ آذر ۱۳۵۰ (۳۰ نوامبر ۱۹۷۱) نیروهای نظامی ایران وارد جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک شدند و به این ترتیب حاکمیت ایران بر جزایر مذکور اعاده شد. این اقدام ۲۴ ساعت قبل از انقضای مدت معاهده قیمومت بریتانیا و خروج نیروهای آن کشور از خلیج فارس صورت گرفت و دلیل این امر بظاهر آن بود که دولت ایران در این مساله خود را با بریتانیا طرف می دانست نه با شیخ نشینها.

این مسئله بهانه تازه ای برای تشدید جنگ تبلیغاتی علیه ایران شد. دولت عراق در واکنش به این حرکت ایران؛ با اعزام عده ای از مقامهای عالیرتبه حزبی و دولتی به کشورهای جنوب خلیج فارس، تلاش گسترده ای به عمل آورد.

روز ۱۰ آذر، دولت عراق روابط سیاسی خود را با ایران و بریتانیا به اتهام تبانی آن کشور با ایران قطع کرد. روابط ایران و عراق به دنبال قطع مناسبات دیپلماتیک بین دو کشور به سرعت رو به رو خامت گذاشت .

سابقه برخوردهای مرزی ایران و عراق قبل از شروع جنگ

از سال ۱۳۵۰ برخوردهای مرزی بین دو کشور رو به افزایش گذاشت و این موضوع با تحولات سیاسی در روابط دو کشور و نیز منطقه در ارتباط مستقیم بود.

به دنبال اعاده حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه در آذر ماه ۱۳۵۰ نیروهای نظامی ایران و عراق در مرزهای دو کشور متمرکز شدند و برخوردهایی نیز بین دو طرف روی داد.

پس از امضای قرارداد دوستی و همکاری پانزده ساله عراق و اتحاد جماهیر شوروی سابق ، در فروردین ۱۳۵۰ (آوریل ۱۹۷۲) برخورد شدیدی بین نیروهای دو کشور ایران و عراق روی داد. در این برخوردها، طرفین از تانک ، توپخانه و توپهای صحرایی استفاده کردند.

در سال ۱۳۵۲ از تعداد برخوردها کاسته شد، اما بر شدت آنها افزوده شد. شدیدترین و خونین ترین برخورد، معروف به (یکشنبه خونین) در ۲۱ بهمن ۱۳۵۲ (۱۰ فوریه ۱۹۷۴) در منطقه مهران و در حد علائم ۳۲ و ۳۳ مرزی ( روی داد. متعاقب این برخورد دولت عراق پیشدستی کرده و به شورای امنیت سازمان ملل شکایت کرد و ادعا نمود ایران ، پنج کیلومتر مربع از خاک عراق را اشغال کرده است و قصد تجاوز همه جانبه به عراق را دارد. دولت ایران ضمن این که از دبیر کل خواست ، تا نماینده ای برای بازدید منطقه اعزام کند، ادعاهای عراق را رد کرد و اعلام داشت که سربازان عراقی به داخل خاک ایران تجاوز کرده اند.

شورای امنیت پس از استماع نظرات نمایندگان دو کشور در ۲۸ فوریه ۱۹۷۴ (۹ اسفند ۱۳۵۲) طی جلسه ای تصمیم گرفت که نماینده ویژه ای به منطقه اعزام کند تا پس از بررسیهای لازم نتیجه را گزارش نماید. سرانجام آتش بس در ۱۶ اسفند ۱۳۵۲ (۷ مارس ۱۹۷۴) مورد اجرا گذاشته شد.

شورای امنیت برای استماع گزارش نماینده ویژه دبیر کل سازمان ملل تشکیل جلسه داد و پس از بررسی و مطالعه گزارش وی ، به تنظیم قطعنامه شماره ۳۴۸ مبادرت ورزید. در این قطعنامه گفته شد که دو طرف در این موارد به توافق رسیده اند.

۱ - رعایت اکید قرارداد آتش بس ۱۷ اسفند ۱۳۵۲ (۷ مارس ۱۹۷۴)

۲ - عقب نشینی سریع و همزمان نیروهای دو کشور از نواحی مرزی .

۳ - اجتناب از به کار بستن هر نوع اعمال خصمانه علیه یکدیگر.

۴ - از سر گرفتن مذاکرات دو کشور بدون هیچ گونه قید و شرط به منظور حل همه مسائل دو جانبه .

پس از مدتی دو کشور موفق شدند دستور مذاکرات را تنظیم کنند. البته این به معنی پایان مناقشات نبود، اما برای نخستین بار پس از پنج سال چاره جویی برای حل اختلافهای دو کشور به وجود آمد.

وزیران امور خارجه ایران و عراق روز ۱۹ مهر ۱۳۵۳ نخستین دور مذاکراتشان را در نیویورک انجام دادند. دومین دور مذاکرات

وزیران امور خارجه در ۲۴ مهر انجام شد و دو طرف توافق کردند که تماسهای خود را برای حل اختلافهای موجود ادامه دهند.

طی مذاکراتی که در استانبول در ۲۶ دی ۱۳۵۳ (۱۶ ژانویه ۱۹۷۵) با حضور وزیران خارجه ایران و عراق آغاز شد و تا ۳۰ دی ماه به طول انجامید، دولت ایران در خواستهایی را به شرح زیر مطرح کرد:

۱ - عراق تاسیسات نظامی به اتحاد جماهیر شوروی ندهد.

۲ - عراق به عناصر مخالف رژیم ایران پناه ندهد.

۳ - عراق به تبلیغات ضد ایرانی پایان دهد.

۴ - با همکاری ایران به حفظ امنیت خلیج فارس بپردازد.

البته اینها در خواستههای سیاسی ایران بود و در مورد مسائل مرزی، ایران خواهان انعقاد قرارداد جدیدی در مورد ارون رود براساس خط تالوگ بود، دولت عراق نیز حل مساله کردها را خواستار بود. مشکل ترین قسمت مذاکرات مربوط به ارون رود بود و همین مساله به بن بست مذاکرات و سرانجام عدم موفقیت آن منجر شد. عراق بر روی قرارداد ۱۳۱۶ همچنان پافشاری می کرد، در حالی که ایران انعقاد قرارداد جدیدی براساس خط تالوگ را خواهان بود.

قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر چگونه شکل گرفت ؟

یک ماه و نیم بعد از کنفرانس استانبول، در جریان کنفرانس سران عضو اوپک با میانجیگری هواری بومدین - رهبر فقید الجزیره، ملاقاتی بین محمد رضا شاه و صدام حسین روسای وقت دو کشور صورت گرفت که نتیجه آن اعلامیه الجزیره بود. به موجب این اعلامیه دو کشور توافق کردند که مرزهای آبی خود را براساس خط تالوگ (۲۱۲) تعیین کنند و در مرزها نیز یک کنترل دقیق و موثری به منظور رفع هرگونه نفوذی که جنبه (خرابکارانه) داشته باشد، اعمال نمایند.

به منظور اجرای اعلامیه الجزیره، وزرای امور خارجه ایران، عراق، و الجزایر از تاریخ ۱۵ مارس تا ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵ به ترتیب در تهران، بغداد، الجزیره و بغداد گرد آمدند. نتیجه این چهار نشست امضای (عهدنامه مربوط به مرز مشترک و حسن همجواری بین ایران و عراق) در ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵ بود. این عهدهنامه دارای ۳ پروتکل (۲۱۳) ضمیمه و یک الحاقیه به شرح زیر می باشد:

۱ - پروتکل راجع به علامتگذاری مجدد سرزمینی بین ایران و عراق .

۲ - پروتکل راجع به تعیین مرز در رودخانه های بین ایران و عراق .

۳ - پروتکل مربوط به امنیت در مرز ایران و عراق .

۴ - الحاقیه مربوط به بند ۵ ماده ۶ عهدهنامه .

عهدهنامه ۱۹۷۵ دارای ۴ موافقتنامه تکمیلی نیز هست که در ۲۶ دسامبر ۱۹۷۵ در بغداد به امضا رسید. این موافقتنامه ها عبارتند از:

- موافقتنامه راجع به مقررات مربوط به کشتیرانی در ارون رود.

- موافقتنامه راجع به استفاده از آب رودخانه های مرزی .

- موافقنامه راجع به تعلیف احشام .

- و موافقنامه راجع به به کلانتران مرزی .

عهدنامه مذکور و ۳ پروتکل منظم به آن و چهار موافقتنامه تکمیلی به تصویب قوه مقننه ایران و عراق رسیده است .

طی اجلاس سران کشورهای عضو اوپک که در الجزیره برگزار شد، با رعایت اصول احترام به تمامیت ارضی و تجاوز ناپذیری مرزها و عدم دخالت در امور داخلی ، طرفین تصمیم گرفتند:

۱ - مرزهای زمینی خود را براساس پروتکل قسطنطنیه مورخه ۱۹۱۳ و صورتجلسه های کمیسیون تعیین مرز مورخه ۱۹۱۴ تعیین کنند.

۲ - مرزهای آبی خود را براساس خط تالوگ تعیین نمایند.

۳ - با این کار دو کشور امنیت و اعتماد متقابل را در امتداد مرزهای مشترک خویش برقرار خواهند ساخت .

۴ - دو طرف توافق کرده اند که مقررات فوق ، عواملی تجربه ناپذیر جهت یک راه حل کلی بوده و نتیجتاً بدیهی است که نقض هر یک از مفاد موارد فوق ، مغایر روحیه توافق الجزیره می باشد.

در جریان انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ و مراحل مختلف آن ، وزیر خارجه الجزیره به عنوان نماینده دولت مورد قبول طرفین شرکت داشت و اسناد را امضا می نمود.

روابط ایران و عراق که از سال ۱۹۷۵ بر مفاد قرارداد الجزایر متکی بود با ظهور دولت جمهوری اسلامی ایران براساس احترام به

(اصل وفای به عهد) ادامه یافت و دولت انقلابی ایران مفاد آن را دقیقاً رعایت کرد. پایبندی دولت جمهوری اسلامی ایران به

عهدنامه ۱۹۷۵ تا این حد بود که حتی پس از بمباران روستاهای مرزی ایران در تاریخ ۱۳۵۸/۳/۱۴ توسط جنگنده های عراق ، دولت

ایران بدون اقدام متقابل و به منظور کاهش تشنج ، استاندار آذربایجان غربی را جهت مذاکره با استاندار سلیمانیه ، به عراق اعزام کرد.

چرا قرارداد ۱۹۷۵ الجزیره، متزلزل شد؟

اگر چه در عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر مرز دو کشور ایران و عراق در (اروند رود) براساس خط تالوگ تعیین شده و صدام حسین رئیس

جمهور عراق هم قبلاً اعلام کرده بود که عراق حاکمیت مشترک ایران و عراق را بر اروند رود، محرز و پذیرفته شده می داند، ولی

ظهور انقلاب اسلامی در ایران و ارزیابی غلط حزب بعث عراق و حامیانش از اوضاع داخلی ایران موجب شد که آنها مجدداً در صدد

دستیابی به کل این آبراه بر آیند و از این رو عمده سخنان حکام عراق حول حاکمیت بر این رودخانه دور می زد.

صدام حسین در سال ۱۳۵۹ اعلام داشت که (قرارداد مرزی یا مرز بندی مزبور در آبهای شط العرب به نفع ایرانیان بوده است

وی در فروردین سال ۱۳۵۹ مطابق با آوریل ۱۹۸۰ طی مصاحبه ای که به وسیله خبرگزاری ها مخابره شد، برای توقف حالت خصمانه ایران و عراق سه شرط اعلام کرد:

۱ - خروج بی قید و شرط ایران از جزایر تنب بزرگ ، تنب کوچک و ابوموسی .

۲ - بازگرداندن دنباله شط العرب به حالت قبل از ۱۹۷۵.

۳ - به رسمیت شناختن عربی بودن خوزستان (با نام مجهول عربستان )

دستاویز دیگری که حکام عراق بر آن تاکید داشتند، مساله الحاق قسمتی از خاک ایران یعنی استان خوزستان بود که چشم حکام بعث به آن دوخته شده و دیگری مساله عربی بودن سه جزیره ایرانی تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی بود.

صدام حسین در فروردین ۱۳۵۹ در شمال عراق ، طی یک حمله شدید به مقامات جمهوری اسلامی ایران ، گفت :  
(عراق آماده است با زور تمام اختلافات خود را با ایران حل کند)!

وی در اجلاس فوق العاده مجلس ملی عراق در تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ (۱۳۵۹/۶/۲۶) ضمن اعلام لغو یکجانبه عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر گفت :

(الغای عهدنامه مذکور، مصب (۲۱۵) شط العرب را به وضع قانونی آن قبل از قرارداد ۶ مارس ۱۹۷۵ باز می گرداند و بدنی ترتیب رودخانه مذکور همان طور که در طول تاریخ نیز چنین بوده است ، به عراق و اعراب تعلق می گیرد و عراق علیه هر کسی که بخواهد با این تصمیم قانونی و بر حق مخالفت ورزد با قدرت و توانایی تمام مقابله خواهد کرد.)

سوالی که مطرح می شود این است که چرا صدام حسین قراردادی را که براساس ماده ۴ آن (دائمی ) و (لایتغیر) و (غیر قابل نقض ) بود، را یکجانبه نقض کرد و حتی در تلویزیون عراق این معاهده را پاره کرد؟

دولت نوپای جمهوری اسلامی بارها و در موقعیتهای مختلف موضوع پایبندی خود را به معاهده الجزایر به اطلاع مقامات عراق رسانده و یادآوری کرده بود که آمادگی هرگونه اقدام مشترک در خصوص اجرای قرارداد مزبور را دارد.

رژیم بعثی عراق بر مردم ایران تحمیل شد، تنها محدود به خطوط مقدم جبهه ها نبود، بلکه تمام سرزمین اسلامی ما اعم از شهرها و روستاها را در بر گرفت .

از آنجا که نظام جمهوری اسلامی در تعارض مستقیم با قدرتهای سلطه گر قرار داشت ، لذا از همان ابتدا با مقابله جدی آنان مواجه شد که به عنوان مثال : می توان به کودتاها، عملیتهای براندازی ، درگیریهای داخلی و شورشهای محلی در قالب ادعای خود مختاریها اشاره کرد.

در جریان یک مبارزه سیاسی در مقابل پناهندگی شاه به آمریکا، سفارت آمریکا در تهران به تصرف دانشجویان پیرو خط امام در آمد. این واقعه شکل جدیدی به رویارویی ایران با این قدرت استکباری بخشید، آمریکا تاب چنین تحقیری را نداشت ، لذا با حمله نظامی

به طبع تلاش کرد این حقارت را جبران نماید لیکن به صورتی مفتضحانه شکست خورد. از این رو آمریکا در یک بررسی منطقه ای جهت مهار گسترش انقلاب اسلامی و نیز جبران شکستهای پی در پی خویش ، ابتدا اقدام به تحریم اقتصادی و تسلیحاتی ایران نمود و سپس توسط رژیم بعثی عراق به عملیات نظامی علیه ایران پرداخت .

در عراق نیز صدام با روحیه قدرت طلبی و سلطه گری ، حسن البکر را طی کودتایی از صحنه قدرت راند و با طمع رهبری جهان عرب و پر کردن خلاء قدرت در منطقه و به دست آوردن امتیازات از دست داده در قرارداد ۱۹۷۵، خود را به عنوان وسیله ای که غرب می تواند توسط او به اهداف سلطه گرانه اش دست یابد معرفی کرد. به همین منظور نیز در اولین اقدام به سرکوبی شیعیان عراق دست زد و همزمان به بمب گذاری در تاسیسات نفتی ایران توسط گروههای ضد انقلاب مبادرت کرد. در عین حال جنگ تبلیغاتی شدیدی علیه ایران اسلام آغاز کرد و در تلویزیون دولتی به بهانه باز پس گیری سه جزیره ابوموسی و تنبهای بزرگ و کوچک حملات مستقیم و غیر مستقیم تبلیغاتی را متوجه ایران کرد، و سرانجام پس از یک دوره مذاکرات مسئولین عراقی با مسئولین آمریکایی و حضور برخی فرماندهان ارشد نظامی شاه در عراق ، وزارت امور خارجه آن کشور به صورت رسمی در ۵۹/۶/۲۶ طی یادداشتی قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را لغو نمود و ارتش عراق نیز در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۳۱ حمله سراسری خود را به مرزهای جمهوری اسلامی آغاز کرد.

این امر در حالی صورت پذیرفت که امام خمینی (ره) از ماهها قبل از آغاز حمله عراق جهت آمادگی و افزایش توان نظامی ایرن تلاش می نمودند.

ایشان در مورخه ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ در پیامی به مناسبت باز شدن مدارس درباره آغاز جنگ تحمیلی فرمودند:

(این جنگ ، جنگ با اسلام است به هواداری کفر، و یک همچنین جنگی بر خلاف رضای خداست . و خدای تبارک و تعالی نخواهد بخشید بر این کسانی که بر ضد اسلام قیام کنند به واسطه همراهی با کفر.)

همچنین امام (ره) اولین فرمان خود را درباره جنگ در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱ صادر فرمودند.(۲۱۶)

بسم الله الرحمن الرحيم

۱ - باید اطاعت از شورای فرماندهی بدون کوچکترین تخلف انجام گیرد و متخلفین با سرعت و قاطعیت باید تعیین و مجازات شوند.  
۲ - باید اشخاص و مقامات غیر مسئول از دخالت در امر فرماندهی خودداری کنند و فرمانده کل قوا به نمایندگی این جانب و شورای فرماندهی ، مسئول امور جنگی هستند.

۳ - در شرایط فعلی اقدام دادگاههای ارتش در اموری که شورای فرماندهی صلاح نمی داند بدون اطلاع این جانب ممنوع اعلام می گردد.

۴ - رادیو و تلویزیون موظفند اخباری را نقل کنند که صد در صد صحت آن ثابت می باشد و برای عدم اضطراب و تشویش اذهان ، اخبار را از غیر منابع موثق نقل نمایند.

۵ - نیروهای انتظامی موظف هستند کسانی را که دست به شایعه سازی می زنند از هر قشر و گروهی که باشند، فوراً دستگیر و به دادگاههای انقلاب تسلیم و دادگاههای مذکور آنان را در حد ضد انقلابیون مجازات نمایند. مردم مبارز ایران موظف هستند شایعه سازان را به دادگاههای انقلاب معرفی و با نیروهای انتظامی همکاری نمایند.

۶ - روزنامه ها در وضع فعلی موظفند از نشر مقالات و اخباری که قوای مسلح را تضعیف می نماید جدا خودداری نمایند که امروز تضعیف این قوا عملاً و شرعاً حرام و کمک به ضد انقلاب است . من کرارا از نیروهای مسلح عزیز پشتیبانی نموده ام و امروز که آنان در جبهه جنگ با صدام کافر هستند، تشکر می کنم و از زحمات آنان قدردانی می نمایم و از خداوند متعال توفیق و پیروزی برای آنان طلب می نمایم .

۷ - اکیدا همه قشرهای ملت و ارگانهای دولتی موظف شرعی هستند که دست از مخالفت های جزئی که دارند، بردارند و با مخالفت خود کمک به دشمنان اسلام ننمایند.

والسلام )

ادوار مختلف جنگ تحمیلی

دوره اول جنگ از شروع جنگ تحمیلی تا آزادی خرمشهر و دوره دوم آن را آزادی خرمشهر تا پایان جنگ می باشد.

این دو دوره به ۶ مقطع ( ۲ مقطع به دوره اول و ۴ مقطع مربوط به دوره دوم ) تقسیم شده است .

دوره اول : دشمن پس از یک ارزیابی غلط از اوضاع ایران اسلامی و عدم شناخت از پشتوانه های مردمی انقلاب ، با یک زمینه سازی وسیع اقدام به تهاجمی همه جانبه کرد و تا اندازه ای توانست در خاک ایران اسلامی نفوذ کند؛ اما با حضور نیروهای مدافع انقلاب ، دشمن زمین گیر شد و پس از یک تحول سیاسی و نظامی و با برکناری عناصر غیرمومن به انقلاب ، امکان حضور نیروهای مردمی در جبهه ها فراهم گردید. با این برتری نظامی ، ابتکار هکل در دست نیروهای خودی قرار گرفت و طی یک سلسله عملیات ، خرمشهر آزاد شد.

دوره دوم جنگ در حالی آغاز شد که دشمنان در جستجوی راههایی جهت مهار قدرت رزمندگان اسلام بودند. لذا این دوره شاهد حضور فعالیت قدرتهای خارجی در صحنه مستقیم نبرد و تلاشهای بی حد و حصر اقتصادی و سیاسی برای مهار نظامی ایران است .

این امر در حالی صورت پذیرفت که دشمن منفعلانه با یک تغییر استراتژی شتابزده ، شعار صلح خواهی را محور ادعاهای خویش قرارداده و عمده نیروهایش به پشت مرزهای بین المللی رانده شده بود.

الف - دوره اول

در ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ نیروهای عراق با آمادگی قبلی و زمینه سازی مناسب ، حمله به مرزهای ایران را در طول نوار مرزی از آبادان تا قصر شیرین آغاز کردند. همزمان با این حمله ، هواپیماهای دشمن بسیاری از مراکز نظامی و استراتژیک و فرودگاههای ایران و نیز ۱۹ شهر را مورد بمباران قرار دادند. اهداف اصلی عراق در این تهاجم عبارت بودند از:

- حاکمیت بر اروند رود و بازپس گیری سه جزیره ایرانی خلیج فارس به منظور جبران قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر.

- جدا سازی استان خوزستان و الحاق آن به عراق و یا استقلال آن به نام عربستان .

- تضعیف جمهوری نوپای اسلامی تا مرز سقوط

به منظور دستیابی به این اهداف عراق یک استراتژی جنگ سریع (سه روزه ) را طراحی کرد با این تصور که نیرویی که توانایی مقابله با ارتش آن کشور را داشته باشد وجود ندارد.

عراق با انتخاب مناطق جغرافیایی و تقسیم آنها بین یگانهای رزمی ، این استراتژی را در پناه یک جو تبلیغاتی شدید و دیپلماسی پرتحرک و نیز با در اختیار داشتن ستون پنجم ، در حالی که پاسگاههای مرزی تاب مقاومت در برابر تهاجم دشمن را نداشتند، هجوم خود را آغاز کرد و به دلیل عدم آمادگی نیروهای ایرانی به راحتی وارد خاک جمهوری اسلامی شد. بدین ترتیب ارتش عراق طی ۴۸ ساعت به نزدیکی شهرهای مرزی رسید. لیکن آنچه مورد ارزیابی و توجه دشمن قرار نگرفته بود میزان فداکاری مردم و مقاومت عناصر بومی بود. بدین شکل استراتژی جنگ سریع به شکست انجامید.

در این میان ، به دلیل حضور نیروهای لیبرال در راس امور، از جمله وجود بنی صدر به عنوان ریاست جمهوری تحریمی داخلی علیه مدافعان انقلاب ، صورت گرفت و با شهادت فرماندهان محلی و جوانان در شهرها، عراق موفق به تصرف بسیاری از شهرهای مرزی و سرانجام خرمشهر گردید. به این ترتیب گرچه عراق نتوانست به اهداف اولیه خویش دست یابد، لیکن قسمتهایی از خاک ایران را تصرف کرد. در این مرحله ، عراق موضع سیاسی خود را تغییر داد و در تمامی مناطق اشغال شده اقدام به پدافند نمود و به ایران پیشنهاد آتش بس و مذاکره نمود. ایران هرگونه پذیرش آتش بس را، پیش از خروج نیروهای عراق رد کرد.

پس از پاسخ ایران ، عراق تلاش کرد خطوط پدافندی خود را اصلاح نموده و برای یک جنگ دراز مدت ، نقاط مناسب و حساس استراتژیک را به دست آورد. لذا همچنان به فشار خود به منظور تصرف آبادان و اهواز ادامه داد اما با مقاومت عناصر پراکنده محلی و مردمی که بدون سازمان خود را به جبهه رسانده بودند روبرو و متوقف شد. در این زمان عملاً فرصتی مناسب برای رزمندگان ایران فراهم شد تا به سازماندی و تقویت خود بپردازند.

در طی این فرصت ، ایران دست به انجام چندین عملیات محدود منظم زد. لیکن توفیق چندانی نیافت . ولی برخی عملیات محدود ایذائی که به صورت مشترک توسط یگانهای ارتش و سپاه و نیروهای مردمی انجامشد از موفقیت بیشتری برخوردار گردید.



امام خمینی (ره) با توجه به موضع منفی بنی صدر در قبال پیروزیهای رزمندگان ارتش اسلام در تاریخ ۱۳۶۰/۳/۲۱ وی را از فرماندهی نیروهای مسلح عزل و بلافاصله مجلس، عدم کفایت وی را تصویب کرد. بدین ترتیب مقطع دوم جنگ آغاز شد.

## ۲ - مقطع دوم : دفع تجاوز عراق

با عزل بنی صدر، شرایط در جبهه های نبرد متحول گردید، به گونه ای که عملیات نسبتاً بزرگی، در همان شب عزل وی در جبهه های جنوب با رمز فرماندهی کل قوا خمینی روح خدا انجام گرفت که به پیروزی منجر شد. این پیروزی سرآغاز طراحی عملیاتیهای مشترک ارتش و سپاه با پشتیبانی نیروهای مردمی گردید. از طرف دیگر آمریکا با از دست دادن مهره موثر خود یعنی بنی صدر، گروههای سیاسی مخالف انقلاب را وادار کرد که علیه نظام اسلامی ایران وارد جنگ مسلحانه شوند. این حرکت نیروهای مخالف که به طور عمده در دانشگاه تهران تجلی یافته بود منجر به صدور فرمان انقلاب فرهنگی در دانشگاهها از سوی امام (ره) گردید؛ و با خلع بنی صدر، و انتخاب شهیدان رجایی و باهنر ایران از نظر سیاسی یکپارچه گردید.

تحت چنین شرایطی، استکبار جهانی دستور حذف رهبران سیاسی مکتبی ایران را صادر کرد؛ و پس از آن بود که مردم جهان شاهد ترور بهترین یاران وفادار امام (ره) شدند؛ اما این شهادتها منجر به استقامت هر چه بیشتر اقشار مختلف مردم و نیز رسوا گشتن چهره منافقین و لیبرالها گردید.

تنها پس از گذشت یک ماه از شهادت شهیدان رجایی و باهنر، بزرگترین عملیات مشترک ارتش و سپاه تحت عنوان ثامن الائمه آغاز شد. پیروزیهای پی در پی منجر به تقویت روح وحدت ملی در کشور گردید و عملاً حضور ضد انقلاب در ایجاد درگیریها کاهش یافت و در پی آن ثبات ساختار سیاسی و اقتصادی جلوه گر شد. در این اثنا رزمندگان اسلام به طراحی عملیات بزرگ دیگری در اولین شب سال ۱۳۶۱ با نام فتح المبین (۲۱۷) دست زدند. متعاقب این عملیات اولین گردانهای تانک، توپخانه و پدافند هوایی و مهندسی از غنائم به دست آمده شکل گرفت.

عراق در پی شکستهای متوالی، داعیه صلح خواهی و آتش بس را سرداد در حالیکه منتظر حرکت رزمندگان در یک تهاجم بزرگ برای فتح خرمشهر بود. سپاهیان اسلام با یک تدبیر ماهرانه و توکل بر خدا از چند محور کارون و جاده اهواز - خرمشهر عملیات خود را طی سه مرحله آغاز و سرانجام در سوم خرداد سال ۱۳۶۱ وارد خرمشهر شدند. حرکت رزمندگان در این منطقه منجر به پاکسازی کامل مناطق جنوبی از نیروهای عراقی گردید.

بدین ترتیب با فتح خرمشهر دوره دوم جنگ که در طی آن آمریکا به صورت مستقیم وارد صحنه نبرد گردید، آغاز شد.

ب : دوره دوم

## ۱ - مقطع اول : تعقیب و تنبیه متجاوز

دوره اول جنگ ، در حالی پایان پذیرفت که اغلب ضعفهای ناشی از بحران انقلاب در یک بسیج مردمی برطرف گردید، و ساختار نظامی ایران شکل خود را به خوبی بازیافت .

دشمن که توانایی انقلاب اسلامی را درک کرده بود در پی چاره ای

برای گریز از این مهلکه بود؛ لذا رئیس جمهور عراق دو هفته پس از بازپس گیری خرمشهر توسط رزمندگان اسلام به کلیه نیروهای خود دستور عقب نشینی به مرزهای بین المللی را داد، و در همین حال به دعوت از مجامع بین المللی پرداخت در حالی که هدف اصلی ، تقویت بنیه نظامی ارتش عراق بود.

در همین راستا، اسرائیل به تهاجمی همه جانبه به منظور تصرف لبنان دست زد.

این اقدام همزمان با طرح سه شرط اساسی ایران به منظور خاتمه دادن به جنگ بود. این شرایط عبارت بودند از: خروج نیروهای اشغالگر، تعیین و تنبیه متجاوز و پرداخت غرامت .

در بین شرایط بالا، تنبیه متجاوز شرطی بود که استکبار حاضر به پذیرش آن نبود.

به همین منظور با طرح مساله حمله اسرائیل ، عراق شعار صلح خواهی را با شعار اتحاد علیه اسرائیل در هم آمیخت و تلاش کرد

ایران را در مقابل کشورهای اسلامی قرار دهد و با استفاده از این فرصت به تحکیم مواضع خود بپردازد. در این میان نیروهای ایرانی از طریق مرز سوریه سعی کردند به تجاوز اسرائیل پاسخی دندان شکن دهند. امام خمینی (ره) با هوشیاری تمام و طرح شعار (راه قدس از کربلا می گذرد) توجه نیروهای رزمنده را به جبهه های داخلی معطوف گرداند.

به همین منظور عملیات رمضان ، در سال ۱۳۶۱ طراحی شد تا هدف تنبیه متجاوز به صورت عملی جلوه گر شود. اگر چه این عملیات دستاورد مهم نظامی در پی نداشت ، لیکن عزم مردم ایران را متجلی نمود.

در این مقطع از جنگ ، تلاش عراق تنها معطوف به ایجاد استحکامات در مرزها و آمادگی مقابله با نیروهای ایرانی بود.

هر چند در طی این مدت عملیتهای پراکنده کوچک و بزرگی صورت گرفت ، اما هیچ یک جای پای بزرگی برای نیروهای ایرانی

نگشود. ناگفته نماند که در این مقطع عناصر جاسوسی دشمن و تجهیزات ماهواره ای استکبار جهانی یکی از عوامل موثر بود، به

همین جهت فرماندهی جنگ تصمیم گرفت به طراحی عملیاتی دست نزنند که از دید دستگاههای جاسوسی دشمن پنهان بماند.

نتیجه چنین عملیاتی (۲۱۸) تصرف جزایر مجنون بود که می توان پس از فتح خرمشهر آن را بزرگترین دستاورد سیاسی ، اقتصادی

و نظامی دانست . پس از این عملیات و اتمام ماموریت ، نیروهای ایرانی از منطقه خارج شدند و تا فاصله زمانی یکسال عملیات

بزرگی اجرا نشد.

در اواخر سال ۱۳۶۳ عملیات بدر به وقوع پیوست و پس از این عملیات نیروهای ایران تهاجمات ایدایی و پراکنده بسیاری انجام دادند

که منجر به اشتغال دشمن از یک سو و فراهم کردن زمینه به منظور طراحی عملیات بزرگ بعدی گردید.

عملیات والفجر ۸ که در ۱۳۶۴/۱۱/۲۰ صورت گرفت ، تصرف بندر فاو عراق را در پی داشت و منجر به ایجاد مرز زمینی ایران و کویت شد. این ضربه آن چنان هولناک بود که عراق با تمام استعداد زرهی و هوایی خود طی ۷۰ روز تلاش کرد بخشهای تصرف شده را باز پس گیرد، لیکن به دلیل اهمیت استراتژیک این منطقه علی رغم حمایت‌های بین المللی اعم از ارائه سلاحهای شیمیایی و هواپیماهای پیشرفته ، کاری از پیش نبرد. بدین ترتیب دستور العمل تهاجم دوباره ، تحت عنوان دفاع متحرک برای ارتش عراق صادر گردید.

## ۲ - مقطع دوم : رویارویی دوباره عراق

در مقطع اول از دوره دوم عراق در مقابل عملیات والفجر ۸ و تصرف فاو به زانو در آمد و در بازپس گیری این منطقه نیز با شکست مواجه گردید.

از آنجا که نیروهای بسیج ایرانی در پایان ماموریت‌های عملیاتی ۳ ماهه از یگانها جدا می شدند، عراق در چند جبهه و در ظرف مدت کمتر از سه ماه به بیش از ۱۱ نقطه ، از مرزهای ایران حمله کرد و توانست در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۶۵ شهر مهران را تصرف کند. رزمندگان اسلام با شایستگی به تمام حملات دشمن پاسخ گفتند و با انجام عملیات متعدد مهران و حاج عمران را باز پس گرفتند. در زمستان همان سال نیروهای ایرانی عملیات بزرگ دیگری را طراحی کرده به مورد اجرا گذاشتند. عملیاتیهای کربلای ۳ و ۴ و بلافاصله کربلای ۵ آغاز گردید و شلمچه که بزرگترین دژ دفاعی عراق بود توسط ایرانیان تسخیر شد. متعاقب آنها عملیاتیهای کربلای ۸، نصر ۴ و ۷ صورت گرفت که منجر به تقویت شهر ماووت عراق گردید تا جایی که در تیر ماه ۱۳۶۶ قطعنامه ۵۹۸ تصویب و بلافاصله پس از آن نیروهای بیگانه رسماً وارد خلیج فارس شدند.

این اقدامات و فشارهای اقتصادی شدید، بمباران شدید شهرها و حتی فاجعه شکستن حریم امن مکه مکرمه ، هیچ کدام خللی در روند برنامه ها ایجاد نکرد و سرانجام در اواخر سال ۱۳۶۶، حلبچه نیز فتح شد. امام خمینی (ره) در پیامی به همین مناسبت چنین فرمودند:

امروز روز حضور در حمله شهادت و میدان نبرد است . روز نشاط عاشقان خداست . روز جشن و سرور عارفان الهی است . امروز روز نغمه سرایی فرشتگان در ستایش انسانهای مجاهد ماست ... امروز باید لباس محبت دنیا را از تن بیرون نمود و زره مقدس جهاد و مقاومت پوشید و در افق طلوع فجر تا ظهور شمس به پیش تاخت و ضامن بقای خون شهیدان بود، فرزندانم ! دشمن در بمباران شیمیایی مناطق مسکونی نهایت قساوت و درندگی خود را نشان داده است و با حمله شیمیایی به مردم بی دفاع عراق حتی پایه های حمایت حامیان خود را نیز سست کرده است . به سوی جبهه ها هجوم برید تا ضربات پی در پی شما قرار و امان او را بگیرد که انشاء الله پیروز خواهید شد.(۲۱۹)

## ۳ - مقطع سوم : تهاجم دوباره سراسری عراق

مقطع دوم ، از دوره دوم ، حدود یکسال و نیم به طول انجامید، در طی این مدت تهاجمات زمینی دشمن ، به شدت سرکوب شد، و علی رغم تمامی فشارهای اقتصادی و سیاسی و نیز بمباران شهرها، ایران از مواضع خود عقب نشینی نکرد.

عراق با استفاده از تبعات ، پیروزی در فاو، شلمچه و پس از ۱۰ روز شهر ماووت را متصرف شد و در ادامه این تهاجمات با کمک منافقین شهر مهران و در فاصله چند روز جزایر مجنون را اشغال کرد و پس از گذشت زمانی اندک به مرز دهلران رسید.

این تهاجمات در حالی صورت پذیرفت که کشتیهای آمریکایی در خلیج فارس به سکوهای نفتی ایران حمله کرده و راه را بر کشتیهای غیر نظامی ایران بسته بودند. در این بین ، یک فروند هواپیمای مسافربری توسط ناوگان آمریکایی در خلیج فارس سرنگون گشت و کلیه مسافران و خدمه آن مظلومانه به شهادت رسیدند. با توجه به فشارهای شدید نظامی ، سیاسی و اقتصادی در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۲۷ جمهوری اسلامی ایران قطعنامه ۵۹۸ را مشروط به تنبیه و توبیخ متجاوز پذیرفت .

با این اقدام غیر منتظره ایران ، تمام اهرمهای فشار بین المللی و محاصره های اقتصادی و سیاسی در تردید واقع گردیدند. قوای نظامی عراق که احساس قدرت مطلق می نمود ابزار خود (قطعنامه ) را رود در روی خویش دید، لیکن به تهاجم خود ادامه داد، چرا که تصور می کرد خواهد توانست اهدافی را که در آغاز جنگ به دست نیاورده است به چنگ آورد، بنابراین دگرباره وارد سرزمین مقدس ایران اسلامی شد. بدین ترتیب مقطع چهارم پدیدار گردید.

#### ۴ - مقطع چهارم : دفع دوباره تهاجم عراق

آخرین مقطع جنگ در موقعیتی شکل گرفت که تمامی شرایط علیه ایران بود.

فشارهای شدید اقتصادی ، تهاجم گسترده ناوهای آمریکایی موشکباران و بمباران شهرهای ایران ، حضور فعال منافقین در همراهی با دشمن ، و بسیاری موانع عظیم دیگر باعث گردید تا عراق به حملات پیاپی خود بیفزاید.

عراق در روزهای ۳۰ و ۳۱ مرداد ۱۳۶۷ حمله خود را به منظور تصرف اهواز و خرمشهر آغاز کرد. اما این شرایط یکی از حماسی ترین دوران دفاع مقدس را رقم زد. زیرا در همین ایام پیام امام (ره) باعث ایجاد جریانی مردمی گردید. در طی این جریان ، جماعت کثیری اعم از رزمنده و غیر رزمنده به سمت جبهه ها هجوم آوردند و ظرف کمتر از چند روز نیروهای مهاجم عراقی را به آن سوی مرزها راندند.

منافقینی که در محور غرب فعالیت داشتند نیز محاصره و بکلی منهدم شدند.

عملیاتی در ۱۳۶۷/۵/۵ برای عبور از مرزهای عراق تدارک دیده

شد لیکن به فرمان امام (ره) و این که در پذیرش قطعنامه استوار هستیم ، حملات مزبور متوقف شد.

با حملات متهورانه نیروهای رزمنده در تاریخ ۶۷/۵/۱۰، عراق پس از گذشت دو هفته فشار همه جانبه ، قطعنامه را پذیرفت و با حضور نیروهای فعال سازمان ملل در تاریخ ۶۷/۵/۲۹ توپخانه جنگ از آتش باز ایستاد.

این مقطع از جنگ نشان داد که ابتکار عمل در دست رزمندگان ایرانی قرار داشته و علی رغم کمبود امکانات ، همچنان بر سر ارزشهای خویش استوار باقی مانده اند و این همان چیزی بود که دشمن از آن واهمه داشت .

نتیجه گیری :

تجاوز عراق به ایران که در سپتامبر ۱۹۸۰ آغاز شد و به مدت ۸ سال ادامه یافت ، طولانی ترین و بی سابقه ترین جنگ متعارف قرن حاضر به شمار می رود، چرا که جنگ جهانی اول و دوم مدتی کمتر از هشت سال ادامه یافتند، و جنگهای دیگر، مانند جنگ ویتنام شمالی و جنوبی نیز به عنوان یک جنگ متعارف همانند جنگ ایران و عراق شناخته نشده است . تاریخ از هشت سال جنگ برای ایران ، شرف و آزادگی و مقاومت و ایمان به خدا را در صفحات خود ثبت کرد، اما از متجاوز و متحدان او که طی هشت سال او را یاری و تشویق کردند، جز به زشتی یاد نخواهد کرد.

۱- سوره آل عمران آیه ۱۰۴

ترجمه : و باید از شما مسلمانان برخی (که دانا و با تقوی ترند) خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و مردم را به نیکوکاری امر کرده از بدکاری نهی کنند و اینان که به حقیقت واسطه هدایت خلق هستند در دو عالم در کمال پیروزیختی و رستگاری خواهند بود.

۲- خطبه اول نهج البلاغه ، صبحی صالح

۳- صحیفه نور، جلد ۱۴ - ص ۴۱ - ص ۴۵

۴- صحیفه نور جلد ۲۱ - ص ۱۱۳

۵- اعضاء هیات امناء عبارت بودند از: آیت الله جنتی ، حجج اسلام و المسلمین عراقی و محمد علی زم ، دکتر افروز، دکتر پور نجاتی ، دکتر حداد عادل ، حجج اسلام قرائتی ، ابوالحسن نواب ، محمد علی تسخیری ، علی اکبر رشاد.

۶- صحیفه نور چاپ دوم جلد: ۸، ص : ۳۱۲ و ص ۳۱۳.

۷- صحیفه نور - چاپ دوم - ۱۳۷۷ - جلد: ۱۴ - ص ۳۹۹.

۸- حدیث ولایت ، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری - جلد دوم - ص ۱۱۲ و ص ۱۲۴

۹- حدیث ولایت - مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری - جلد ۷ - ص ۱۷۵ (۱۳۷۰/۴/۵)

۱۰- قانون اساسی برای همه ، آیت الله محمد یزدی ، موسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۵، ص ۶۶۷

۱۱- اصل پنجاه و هفتم : قوای حاکم در جمهوری اسلامی عبارتند از قوه مقننه ، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می گردد.

این قوا مستقل از یکدیگرند و ارتباط میان آنها به وسیله رئیس جمهور برقرار می گردد.

۱۲- به معنای اموال و حقوق از بین رفته و به هدف نرسیده (بلا تکلیف ) تا اموال وقف شده

۱۳- مراجعه فرمایید به کتاب قانون اساسی برای همه تالیف آیت الله یزدی

۱۴- اصل ۱۵۸: ۱) ایجاد تشکیلاتی لازم در دادگستری به تناسب مسئولیتهای اصل یکصد و پنجاه و ششم ۲) تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی ۳) استخدام قضات عادل و شایسته و عزل و نصب آنها و تغییر محل ماموریت و تعیین مشاغل و ترفیع آن و مانند اینها از امور اداری طبق قانون .

۱۵- outline Multidisciplinary comprehensive (طرح جامع مبارزه با مواد مخدر)

۱۶- ۱۳۶۸/۵/۱۹

۱۷- اعضاء ستاد مبارزه با مواد مخدر با اصلاح قانون قبلی در مجمع تشخیص مصلحت (۱۳۶۸/۵/۱۹) به شرح ذیل می باشند

۱) رئیس جمهور که رئیس ستاد خواهد بود ۲) دادستان کل کشور، وزیر کشور، وزیر اطلاعات ، وزیر بهداشت - درمان و آموزش پزشکی ، رئیس سازمان صدا و سیما ایران ، فرمانده نیروی انتظامی ، سرپرست سازمان زندانها تامینی و تربیتی ، سرپرست دادگاه و دادرهای مبارزه با مواد مخدر

۱۸- این طرح به نام عملیات پشه مالاریا نامگذاری شده و دارای چند مرحله بود.

۱۹- یکی از دست اندرکاران و اشنگتن اعلام کرده که بیش از ۸۰ درصد مواد مصرفی آمریکا به طور غیر قانونی از ترکیه تامین می شود.

۲۰- گروهک فرقان : اندیشه جریان محارب فرقان از جمله تفکرات استعماری بود که در راستای مخالفت با روحانیت متعهد و آگاه

شیعه و با این اندیشه که اسلام در زندان روحانیت است و باید آن را نجات داد، به وجود آمد. اکبر گودرزی (معدوم ) که بینانگذار اصلی این جریان محارب بود در سال ۱۳۵۶ به کار سازماندهی این تشکیلات پرداخت . همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی که حمله به پادگانها و مراکز نظامی مرسوم بود، این گروهک با استفاده از موقعیت پیش آمده موفق به جمع آوری سلاح و مهمات لازمه شد.

بعد از آن با سرقتهای مسلحانه از بانکها نیاز مالی خود را نیز برآورده کرد. گروهک فرقان از اوایل سال ۱۳۵۸ فعالیتش را گسترش

داد و با تغییر خط مشی خود دست به ترور شخصیتهای انقلابی و مذهبی زد. در اولین ترور رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری

اسلامی سپهبد قرنی و در فاصله زمانی کوتاهی استاد بزرگوار مرتضی مطهری را به شهادت رسانید. در ادامه ترورها شخصیت‌های بزرگوار هم چون حاج مهدی عراقی به همراه فرزندش، آیت الله قاضی طباطبایی و استاد مفتاح و دو پاسدار همراهش را به شهادت رسانید. البته ترورهای دیگری نیز انجام دادند، ولی همیشه به خواست خداوند متعال موفق به انجام ترورها نمی شدند.

۲۱- این تک مصرع از غزل فصیح الزمان واعظ متخلص به رضوانی می باشد. که بیت کامل آن این چنین است :

بشکست اگر دل من به فدای چشم مست

سر خم می سلامت ، شکند اگر سبویی

۲۲- صحیفه نور، چاپ دوم ، جلد ۸، ص ۵۱۱ - ۵۱۲

۲۳- جمهوری اسلامی ، پنجشنبه ۶۱/۱۱/۲۸، شماره ۱۰۸۰، سال چهارم .

۲۴- جمهوری اسلامی ، ویژه پنجمین سالگرد فاجعه هفتم تیر، سال ۶۵ شماره ۲۰۵۲، سال هشتم .

۲۵- صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره) جلد بیستم، ص ۹۳ - ۱۱/۳/۱۳۶۶.

۲۶- صحیفه نور - چاپ دوم - جلد ۸ - ص ۵۲۲ تا ۵۲۳.

۲۷- صحیفه نور، چاپ دوم ، جلد ۸، ص ۵۲۵

۲۸- لیس لا حد من المسلمین ان ینتخب و یختار غیر المسلم للامارة و السلطنة علی المسلمین

۲۹- آیت الله شیرازی پس از نقل مکان از سامرا به کربلا در پایان سال ۱۹۱۷ ملقب به حائری شد. (حائری) زمینهای پستی است که قبر امام حسین را در بر دارد و پستی زمینها همه به سوی قبر است .

۳۰- بسم الله الرحمن الرحيم

مطالبه حقوق بر همه عراقیها واجب است و بر آنها واجب است ضمن مطالبه حقوقشان رعایت مسالمت و امنیت را بنمایند و در صورتی که انگلستان از قبول خواسته های آنها امتناع ورزید، توسل به قدرت دفاعی جایز است .

الاحقر: محمد تقی حائری شیرازی

۳۱- ترجمه دقیق فارسی آن (استراتژی دفاع فعال ) می باشد

۳۲- صدام در جریان اعطای مدال به فرمانده لشکر ۱۷ پس از تصرف مهران گفته بود: (از این پس ما باید یک کارخانه مدالسازی درست کنیم .)

۳۳- صحیفه نور - جلد ۸ - ص ۲۵۹ - (۱۳۵۸/۵/۳۱)

۳۴- فرمان امام (ره) به آیت الله صدوقی ۱۳۶۰/۳/۲۲ - صحیفه نور - جلد ۱۴ - (ص) ۲۷۶

۳۵- صحیفه نور - چاپ دوم - جلد ۹ - ص ۴۵۵ - ۴۵۶ - ۱۳۶۱/۴/۱۱

۳۶- مولف (مصباح الساکین) - چاپ تبریز

۳۷- مولف (معنی حدیث الغدیر) - چاپ نجف ، و (نثرات الکواکب علی خیارات المکاسب) - چاپ تبریز و (هدایه الامه الی زیاره

الائمه) چاپ مشهد

۳۸- مولف (هدیه الا نام) - چاپ تبریز

۳۹- الغدیر - علامه امینی - ترجمه محمد تقی واحدی - جلد سوم - ص ۴۳

۴۰- الغدیر، علامه امینی - ج ۳، ص ۴۳ - ۴۴

۴۱- یادنامه علامه امینی ، مجموعه مقالات تحقیقی ، به اهتمام دکتر سید جعفر شهیدی ، محمد رضا حکیمی ، کتاب اول - ۱۳۵۲ ،

ص ۲۴

۴۲- شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران - عباس هدایتی خمینی - ۱۳۷۰ دفتر مطالعات سیاسی و

بین المللی - ص ۲۲۲ - ۲۲۵

۴۳- ایکائو سازمان هواپیمایی کشوری بین المللی .

قرار داد مربوط به تاسیس سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری در هفتم دسامبر ۱۹۴۴ در شیکاگوی ایالات متحده به امضا رسید و

بعد از تصویب ۲۶ کشور در سال ۱۹۴۷ سازمان مزبور رسمیت یافت . ایران در ۷ دسامبر ۱۹۴۴ به عضویت آن در آمد.

۴۴- شورای ایکائو در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۲۳ / ۱۴ ژوئیه ۱۹۸۸ با صدور بیانیه ای ضمن ابراز همدردی با تاکید بر اصل عدم کاربرد زور

علیه هواپیماهای غیر نظامی کاربرد سلاح علیه یک هواپیمای مسافری (بدون ذکر جزئیات) را تقبیح کرد.

۴۵- سید محمد تقی بافقی یکی از چهره های پاک ، متقی و مبارزه قرن گذشته است . او در سال ۱۲۹۲ هق در قریه بافق که در

۱۰ فرسنگی یزد قرار دارد به دنیا آمد. در ۲۸ سالگی به عتبات رفت و پس از ۱۷ سال راهی قم شد و در آنجا اقامت گزید. آیت الله

بافقی از جمله کسانی بود که آیت الله حائری شیرازی را تشویق به ایجاد حوزه علمیه قم کرد. سرانجام به سبب مبارزات و اقدامات

اسلام خواهانه شان دستگیر و به تهران آورده شد. پنج ماه زندانی گردید و سپس مجبور به اقامت در شهر ری شد و سرانجام در سن

۷۲ سالگی در همان شهر به درود حیات گفت .

۴۶- علی دوانی - جلد ۲



- ۴۷- شهید سرهنگ دوم خلبان محمد نوژه که در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۲۵ در پاسخگویی به فرمان امام (ره) در رابطه با یاری دادن شهید چمران برای پیشگیری از سقوط پناه به شهادت رسید. این پایگاه که قبل از انقلاب به نام پایگاه شاهرخی و بعد از انقلاب به نام پایگاه حر نامیده شد، بعد از شهادت این خلبان شجاع به پایگاه شهید نوژه تغییر نام یافت .
- ۴۸- جمهوری اسلامی ایران بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۵ از این پیمان خارج گردید. جهت کسب اطلاعات بیشتر به جلد اول روزها و رویدادها ص ۷۱ مراجعه گردد.
- ۴۹- کودتای نوژه - موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی - ۱۳۶۷ (محمد ری شهری)
- ۵۰- صحیفه نور چاپ دوم ، ۱۳۷۲ ، جلد هفتم ، ص ۳۸۱
- ۵۱- Program Development Nations United
- ۵۲- نشریه سازمان ملل متحد، شماره ۳۵، فوریه ۱۹۹۶
- ۵۳- در راه مانده یا کودکان سرراهی
- ۵۴- کلمات قصارش ۳۸۸
- ۵۵- کلیات مفاتیح الجنان ص ۲۲۶
- ۵۶- تحف العقول نویسنده : حسین بن شهبه الحرائی - ترجمه احمد جنتی عطایی - انتشارت علمیه اسلامیة - چاپ اول ۱۳۶۳ - ص ۳۲۹
- ۵۷- سوره مائده ۳۲
- ۵۸- تشکیلات افسران آزاده در سال ۱۹۵۴ به وجود آمد و عبدالکریم قاسم بعدها مسئولیت اداره آن را بر عهده گرفت .
- ۵۹- پیمان بغداد در سال ۱۹۵۵ با عضویت ایران ، عراق ، پاکستان ، ترکیه و بریتانیا به وجود آمد.
- ۶۰- میشل عفلق در سال ۱۹۱۰ در دمشق به دنیا آمد. پدر او مسیحی و مادرش احتمالاً یهودی بود. از سال ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۳ در دانشگاه سوربن پاریس تحصیل کرد و در رشته تاریخ اسلام فارغ التحصیل گردید. هنگامی که در فرانسه اقامت داشت با افکار و اندیشه های مارکس آشنا و به حزب کمونیست فرانسه گرایش پیدا کرد.
- ۶۱- در دیدار اعضای ستاد پیگیری اجرای قطعنامه ۵۹۸ (۱۳۷۰/۱۱/۳۰)
- ۶۲- در تاریخ ۱۳۷۰/۹/۱۸ سازمان ملل متحد رژیم عراق را به عنوان متجاوز معرفی نمود. جهت کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به جلد سوم کتاب روزها و رویدادها مراجعه نمایید.
- ۶۳- این عملیات به فرمان امام (ره) در ساعت یک بامداد ۶۰/۷/۵ با رمز نصر من الله و فتح قریب آغاز شد.
- ۶۴- این عملیات منجر به آزادسازی شهر بستان گردید.

۶۵- شش عملیات مهمی که توسط رزمندگان اسلام انجام گرفت عبارتند از: عملیات محرم ، والفجر مقدماتی ، والفجرهای ۱ ، ۲ ، ۳

و ۴.

۶۶- اردن ، تونس ، مراکش ، کویت ، عربستان ، و یمن شمالی

۶۷- کتاب صحیفه نور، جلد ۲۰ - ص ۲۴۱ - ۲۳۸

۶۸- شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران - عباس هدایتی خمینی (ص ۱۷۱)

۶۹- اطلاعات - ۲۸ تیرماه ۱۳۶۷ - ص ۲

۷۰- کیهان ، ۳۰ مرداد ۱۳۶۹

۷۱- اصغر جعفری ولدانی ، روابط عراق با کویت ، تهران ، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی ، ۱۳۶۹ ص ۲۶.

۷۲- کیهان ، ۳۰ مرداد ۱۳۶۹

۷۳- دکتر اصغر جعفری ولدانی ، بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق (تهران دفتر مطالعات سیاسی بین المللی ۱۳۷۰)

چاپ دوم ص ۵۵ - ۵۴

۷۴- وزارت دادگستری ، مجموعه قوانین سال ۱۳۵۵، ص ۱۵۰ - ۱۰۳

۷۵- قبل از طرح ادغام نیروهای انتظامی شامل شهربانی ، ژاندارمری ، کمیته انقلاب اسلامی ، پلیس قضایی بود.

۷۶- حدیث ولایت - جلد هفتم - ۱۳۷۶ - ص ۷

۷۷- صحیفه نور جلد ۸ - ص ۲۰۶ - ۲۰۹ (۱۳۵۸/۵/۱)

۷۸- بولتن نگرشی بر تحولات سیاسی ، دفتر سیاسی سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی . (شماره ۳۹ مرداد ماه ۱۳۷۴)

۷۹- سوره ص آیه ۲۶

۸۰- نهج البلاغه فیض الاسلام ۵۳/۲

۸۱- کتاب دیدار با ابرار (۲۴) کاشف الغطاء ص ۱۷۰ - ۱۷۵

۸۲- کتاب المجله حاوی مباحث حقوقی بر اساس مذهب حنفی است که در بغداد تدریس می شده و معظم له آن را با حقوق تطبیق

کرده است .

۸۳- این کتاب تاکنون پیش از بیست بار در ایران ، نجف اشرف ، قاهره ، بغداد، لبنان و... به طبع رسیده و به زبانهای مختلف مانند

فارسی ، انگلیسی و هندی ترجمه شده است که یک بار ترجمه و شرح فارسی آن تحت عنوان (این است آئین ما) توسط استاد آیت

الله ناصر مکارم شیرازی و یک بار هم توسط آقای علی رضا خسروانی تحت عنوان (ریشه شیعه و پایه های آن) به فارسی برگردانده

شده است .

- ۸۴- این حاشیه را در زمان حیات استاد خود (صاحب عروه) نوشته و برای شاگردان خود تدریس می کرده است .
- ۸۵- ایادی استعمار از ایشان برای شرکت در کنگره بحدون در لبنان دعوت کردند. معظم له این دعوت را صریحاً رد کرد و به همین هم اکتفا نمود و کتاب فوق را در پاسخ آنان و این که کنفرانس مزبور توطئه ای علیه اسلام و به کار گرفتن مذهب است ، منتشر ساخت و تاکنون پیش از ۳۰ بار به چاپ رسیده است .
- ۸۶- مطابق با ۱۳۳۴/۴/۲۸
- ۸۷- عملیات والفجر ۱ در تاریخ ۱۳۶۱/۱/۲۰ در منطقه عملیاتی فکه حمزین تا شمال غرب فکه به مورد اجرا گذاشته شد.
- ۸۸- این ارتفاعات به ارتفاعات گرده مند نیز معروف است که بعد از تصرف توسط رزمندگان به ارتفاعات آزادی نام گذاری شد.
- ۸۹- ارتفاعات مهم که به دست رزمندگان سلحشور آزاد گردید عبارتند از: سلسله ارتفاعات (کلو) و قله استراتژیک ۲۹۹۹ آن ، ارتفاعات ۲۵۱۹ (گرده مند) سرسول ، ۳۷۰۰ سلمان ، ۲۴۰۰ (شیوه کارتا) و (بردزرد)
- ۹۰- این عملیات به عملیات حاج عمران نیز معروف است .
- ۹۱- شرح کامل این واقعه در مقاله کودتای ۲۸ مرداد در همین جلد آمده است .
- ۹۲- سوره جمعه ، آیه ۹
- ۹۳- صحیفه نور ج ۱۵ - ص ۲۴۷ - ۲۵۱
- ۹۴- آل عمران آیه ۱۰۳
- ۹۵- بحثی پیرامون نماز جمعه ، تالیف : سید ابوالفتح دعوتی - محسنی گرگانی - انتشارات معارف اسلامی
- ۹۶- کتاب بحثی پیرامون نماز جمعه - تالیف سید ابوالفتح دعوتی - محسن گرگانی - انتشارات معارف اسلامی
- ۹۷- مجالس صدوق
- ۹۸- علل الشرایع جلد ۲ صفحه ۴۴
- ۹۹- کتاب العروس
- ۱۰۰- عیون اخبار الرضا و علل الشرایع
- ۱۰۱- اولین انتخابات مجلس خبرگان جهت بررسی و تدوین قانون اساسی در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۱۲ برگزار شد.
- ۱۰۲- سوره نساء آیه ۱۳۸
- ۱۰۳- سوره نساء آیه ۱۴۲
- ۱۰۴- از مهمترین این وقایع ، واقعه ۱۴ اسفند ۱۳۵۹ دانشگاه تهران بود که طرفداران بنی صدر در این دانشگاه آشوب به راه انداختند و امت حزب الله را مورد ضرب و شتم قرار دادند.

۱۰۵- برداشت از کتاب گذر از بحران ۶۷، دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸ ص ۱۳۴.

۱۰۶- خطبه های نماز جمعه تهران - (جمعه) ۱۳۶۷/۵/۷ - روزنامه جمهوری اسلامی شنبه ۱۳۶۷/۵/۸ شماره ۲۶۵۸ صفحه ۹

۱۰۷- Marne

۱۰۸- Verdun

۱۰۹- Foch

۱۱۰- Versailles

۱۱۱- Germain - Sailnt

۱۱۲- Neuilly

۱۱۳- Trianon

۱۱۴- شهدای روحانیت شیعه در یکصد ساله اخیر علی ربانی خلخالی - جلد اول - ص ۱۱۵

۱۱۵- ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران ج ۱ - ص ۴۲۹

۱۱۶- ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران ج ۱ - ص ۴۲۹

۱۱۷- تاریخ مشروطه ایران - احمد کسروی

۱۱۸- شهدای روحانیت شیعه در یکصد ساله اخیر - علی ربانی خلخالی - جلد اول - ص ۱۱۶

۱۱۹- شهدای روحانیت شیعه در یکصد ساله اخیر - علی ربانی خلخالی - جلد اول

۱۲۰- شهدای روحانیت شیعه در یکصد ساله اخیر - علی ربانی خلخالی - جلد اول ص ۱۱۸

۱۲۱- صحیفه نور - جلد ۱۳ - ص ۱۷۵ - ۱۸۲ - (۱۳۵۹/۸/۲۷)

۱۲۲- صحیفه نور - جلد ۱۵ - ص ۱۰ - ۲۱ - (۱۳۶۰/۳/۲۵)

۱۲۳- صحیفه نور - جلد ۱۸ - ص ۱۸۱ - ۱۸۷ - (۱۳۶۱/۹/۲۶)

۱۲۴- صحیفه نور - جلد ۱۵ - ص ۲۱۹ - ۲۴ - ۱۳۶۰/۸

قسمتی از بیانات امام در جمع اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی

۱۲۵- جهت کسب اطلاعات بیشتر به مقاله شهادت میرزا رضا کرمانی (۱۳۷۶/۵/۲۱) مراجعه فرمایید.

۱۲۶- Harbor Pearl

۱۲۷- Guam

۱۲۸- Midway

Wake - ۱۲۹

Sea Coral - ۱۳۰

canal - Guadal - ۱۳۱

Solomons - ۱۳۲

Islands Gilbert - ۱۳۳

Leyte - ۱۳۴

Jima Iwo - ۱۳۵

Hiroshima - ۱۳۶

Nagasaki - ۱۳۷

Missouri - ۱۳۸

Point Zero - ۱۳۹

۱۴۰- کاروان محلی است که خلبان ناظر در آن مستقر شده و بر پرواز هواپیماها به هنگام نشستن و برخاستن نظارت می کند.

۱۴۱- توری است که برای توقف هواپیما در وضعیت اضطراری بر باند پرواز، مورد استفاده قرار می گیرد.

۱۴۲- صحیفه نور - جلد ۱۴ - از ص ۱۹۳ - ۱۹۵ - (۶۰/۱/۳۱)

۱۴۳- صحیفه نور - جلد ۱۲ - ص ۱۷۷

۱۴۴- صحیفه نور - جلد ۱۲ - ص ۵۲ - ۵۳

۱۴۵- صحیفه نور - جلد ۱۲ - ص ۵۲ - ۵۳

۱۴۶- جلد اول روزها رویدادها، صفحه ۳۳۵، لغو امتیاز تنباکو به فتوای آیت الله میرزای شیرازی

۱۴۷- سوره سبا - آیه ۲۸

۱۴۸- وسایل الشیعۀ - علامه شیخ حر عاملی - انتشارات اسلامیة - ۱۳۶۷ باب صفات قاضی - حدیث (۲۰) - (۳۳۳۸۵) - ص ۹۴

۹۵ -

۱۴۹- صحیفه نور، جلد ۱۸ - ص ۴۱ - ۴۳ - ۱۳۶۲/۴/۲۳

۱۵۰- روزنامه جمهوری اسلامی - ۱۳۶۲/۵/۲۴ - صفحه ۱۰ - شماره ۱۲۱۹

۱۵۱- ملاحظه فرمایید جلد اول همین مجموعه (۱۴ خرداد ۱۳۶۸) (روزها و رویدادها)

۱۵۲- سوره فصلت آیه ۳۰

۱۵۳- صحیفه نور - جلد ۱۹ - ص ۴۰

۱۵۴- صحیفه نور جلد ۱۸ ص ۲۲۷

۱۵۵- مجله آزادگان شماره ۲۲ - مرداد ۷۶ - صفحه ۸

۱۵۶- مجله آزادگان - شماره ۱۸ سال ۷۴

۱۵۷- فراکسیون جبهه ملی با حضور آیت الله کاشانی و دکتر مصدق در ۲۴ خرداد ۱۳۲۹ قبل از ملی شدن صنعت نفت تشکیل شد.

۱۵۸- زاهدی زمانی که وزیر کشور بود در انتخابات دوره شانزدهم با جلوگیری از تعویض صندوقهای انتخابات ، موجب انتخابات دکتر مصدق و نمایندگان جبهه ملی شد.

۱۵۹- نهضت روحانیون ، علی دوانی ، جلد دوم

۱۶۰- صحیفه نور - جلد ۴ - چاپ دوم - ۱۳۷۱ - ص ۴۲۴ - ۴۲۵ - ۱۳۵۸/۳/۲۵

۱۶۱- صحیفه نور - جلد ۴ - چاپ دوم - ۱۳۷۱ - ص ۴۶۳

۱۶۲- صحیفه نور - جلد ۴ - چاپ دوم - ۱۳۷۱ - ص ۳۱۰ - ۳۱۱

۱۶۳- محله چیدر یکی از مناطق قدیمی در شمال تهران می باشد

۱۶۴- شهید اندرزگو در طرح اعدام انقلابی مستشاران آمریکایی در سالهای ۵۱ - ۱۳۵۰ شرکت مستقیم داشت .

۱۶۵- ایشان در تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۲۵ از طرف امام (ره) به سرپرستی آستان رضوی منصوب گردید.

۱۶۶- جنازه شهید اندرزگو در بهشت زهرا(قطعه ۳۹) به خاک سپرده شده است .

۱۶۷- بحرالقوم با مدیترانه دریایی است بین سه قاره اروپا، آسیا و افریقا که حدود ۴۵۰۰ متر عمق و سه میلیون کیلومتر مربع وسعت دارد و بواسطه تنگه جبل الطارق با اقیانوس اطلس و تنگه سوئز با دریای احمر مربوط می شود.

۱۶۸- جنوب شرقی فرانسه

۱۶۹- به نقل از بیت المقدس شهر پیامبران ، ص ۴۶ - ۴۸

۱۷۰- جهت کسب اطلاعات بیشتر به جلد اول روزها و رویدادها ص ۳۴۳ مراجعه فرمایید.

۱۷۱- جهت شناخت هر چه بیشتر این توطئه و عمق فاجعه به کتاب پروتکل‌های دانشوران صهیون نوشته عجاج نوبهض ترجمه حمید رضا شیخی از انتشارات آستان قدس رضوی مراجعه فرمایید.

۱۷۲- صحیفه نور - چاپ دوم - جلد ۹- ص ۱۲ - ۱۶

۱۷۳- منظور از حکومت کردن ، حکم کردن و قضاوت کردن است .

۱۷۴- پیمانی میان دولتهای آلمان و انگلستان ، بلژیک و فرانسه که ضمن آن حفظ مرزهای موجود پذیرفته شد و موافقت گردید که از به کار بردن زور علیه یکدیگر خودداری کنند.

۱۷۵- این پیمان در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ میان دولتهای پیروز جنگ جهانی اول و آلمان شکست خورده در کاخ ورسای در پاریس بسته شد. نخستین بخش آن مربوط به بنیاد (جامعه ملل) بود و در بخش دوم آلمان سرزمینهایی را به دول فرانسه ، بلژیک ، لهستان ، لیتوانی ، چکسلواکی و دانمارک واگذار کرد و از حاکمیت خود بر دالان دانتزیک (شمال لهستان) چشم پوشید. ضمنا نظام وظیفه نیز در آلمان لغو شد و ارتش آن به یکصد هزار نفر و نیروی دریایی اش به شش ناو جنگی محدود شد و موارد بسیار دیگر...

۱۷۶- ناوگان ژاپن به فرماندهی دریاسالار ناگومو Nagumo بدون اعلان جنگ به ناوگان امریکا در بندر پرل هاربر واقع در هاوایی حمله برد، در این حمله ۸ ناو زره دار، ۳ رزمناو، ناوشکن و ۲۴۸ هواپیمای امریکایی نابود شد.

۱۷۷- نبرد العلمین شاهکاری است از جنگ در صحرا که در سال ۱۹۴۲ در شمال افریقا به وقوع پیوست و به شکست نیروهای محور منتهی شد. تاریخ ۲۳ اکتبر ۱۹۴۲ تاریخ برگشت سرنوشت جنگ است .

۱۷۸- در ۱۷ ژوئیه ۱۹۴۵ در پوتسدام چرچیل با استالین و ترومن ملاقات کرد تا راجع به سرنوشت آلمان پس از جنگ اتخاذ تصمیم کنند.

۱۷۹- کامنولث (جامعه کشورهای مشترک المنافع) Nations of Wealth Common مشترک المنافع انگلیس ، کشورهای مستقل و غیر مستقلی که قبله بخشی از امپراتوری انگلستان را تشکیل می دادند.

۱۸۰- اسکله الامیه در مختصات جغرافیایی - عرض ۲۹۴۶۴۵ شمالی و طول ۴۸۴۸۳۷ شرقی و اسکله البکر در مختصات جغرافیایی - عرض ۲۹۴۰۳۶ شمالی در طول ۴۸۴۸۳۸ شرقی ، قرار دارند.

۱۸۱- استخراج از کتاب جنگ در سال ۱۶۵ کارنامه یکساله سپاه ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ، ستاد مرکزی ، صفحات ۱۴۵ به بعد.

۱۸۲- اسکله اصلی لشکر، به نام شهید شمس - یکی از برادران غواص که در عملیات والفجر ۸ به شهادت رسیده بود - نامگذاری شده بود.

۱۸۳- پیش از سوار شدن نیروها، جانشین فرمانده لشکر (شهید حسین خرازی ، فرمانده لشکر امام حسین ، به دلیل سفر حج ، در منطقه حضور نداشت )، در مورد ویژگی عملیات آن شب و اهمیت آن ، برای نیروها سخنرانی کرد. به هنگام سوار شدن ، روحیه و نشاط نیروها برای هر ناظری جالب توجه بود ؛ گویا نوجوانانی به مجلس جشن و سرور می روند. در ساعت ۲۰/۲۰، با ذکر (اللهم کن لولیک الحجۃ ابن الحسن )، نیروها شروع به حرکت کردند. در عقب قایقها فسفریهای سبز رنگی جهت راهنمایی قایقهای دیگر نصب کرده بودند، که به زیبایی منظره حرکت قایقها می افزود.

- ۱۸۴- مد آب ، موجب افزایش فوق العاده تلاطم آن شد ؛ به گونه ای که قایق فرماندهی ، بر اثر رفتن آب به داخل آن ، از حرکت باز ماند. شدن موج به حدی بود که دوبار، آب وارد قایق شده ، برادران حاضر، سریعا به تخلیه آن با هر وسیله ممکن اقدام کردند.
- علاوه بر این ، با هر موجی که به سوی قایق می آمد، آب زیادی به داخل قایق می پاشید و موجب خیس شدن بیسیمها و در نتیجه ، مشکل شدن ارتباطات می شد. در همین حال ، آب به داخل قایقهای همراه نیز راه پیدا کرد و بر مشکلات افزود.
- ۱۸۵- دلوار دهی از دهستان ساحلی بخش اهرم شهرستان بوشهر، در سی کیلومتری جنوب باختر اهرم ، کنار جاده سابق بوشهر به لنگه در ساحل دریا واقع شده است . این روستا که جزء خاک تنگستان محسوب می شود در شش فرسخی بوشهر قرار دارد.
- ۱۸۶- کتاب الحدیث - مرتضی فرید - جلد اول چاپ هشتم - (۱۳۷۱) - ص ۳۲۲ یا مجموعه ورام - جلد اول - ص ۱۳۴
- ۱۸۷- سوره مائده آیه ۲ ترجمه : و باید شما در نیکوکاری و تقوی به یکدیگر کمک کنید نه بر گناه و ستمکاری و از خدا بترسید که عقاب خدا بسیار سخت است .
- ۱۸۸- سوره حدید آیه ۲۵: همانا ما پیامبران خود را با ادله و معجزات (به خلق ) فرستادیم و برایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم بر راستی عدالت گرایند.
- ۱۸۹- صحیفه نور چاپ دوم - ج ۹- صفحه ۲۲
- ۱۹۰- صحیفه نور جلد ۹- ص ۵۲
- ۱۹۱- جهت کسب اطلاعات بیشتر به جلد سوم این کتاب به تاریخ ۱۳۵۴/۱۲/۲۵ مراجعه گردد.
- ۱۹۲- صحیفه نور - چاپ دوم - جلد اول صفحه ۵۶۸ و ۵۶۹
- ۱۹۳- صحیفه نور - چاپ دوم - جلد اول صفحه ۵۷۹
- ۱۹۴- صحیفه نور جلد ۲ - ص ۱۰۰ - ۱۰۱ (۱۳۵۷/۶/۱۸)
- ۱۹۵- از چشم برادر - شمس آل احمد - انتشارات کتاب سعدی - ۱۳۶۹
- ۱۹۶- محمد تقی برادر بزرگ جلال در دوران جوانی به نجف رفته بود و سرآمد حوزه های علمیه آن روز شده بود. او با استاد محمد تقی جعفری همدرس و هم مباحثه بود و مورد عنایت ویژه مرجع تقلید زمان ، حضرت آیت الله اصفهانی واقع شده بود که در مدینه در سال ۱۳۳۰ با قهوه ای مسموم به دست وهابیون به شهادت رسید.
- ۱۹۷- از چشم برادر - شمس آل احمد - انتشارات سعدی - ص ۵۲۶
- ۱۹۸- همان منبع - ص ۵۲۸ - ۵۳۲
- ۱۹۹- کیهان شهریور ۱۳۵۸، شماره ۱۱۰۸۷
- ۲۰۰- صحیفه نور - جلد پنجم - چاپ دوم - ۱۳۷۱ - ص ۴۲۷



۲۰۲- پرنس عالیا، یا ملکه عالیا همسر شاه حسین ملکه اردن می باشد که در زمان حکومت پهلوی چندین بار نیز از ایران دیدن کرده است .

۲۰۳- صحرائی در ۱۵ کیلومتری شمال شرقی شهر زرقاء در اردن

۲۰۴- حطین : در خلال سال ۱۹۶۶ - ۱۹۶۵ ارتش آزادی بخش فلسطین اقدام به ایجاد لشکرهای ویژه ارتش یعنی نیروهای (حطین) در سوریه ، نیروهای (قادسیه) در عراق (و عین جالوت) در مصر کرد تا نیروهای مبارز فلسطینی به این لشکرها بپیوندند.

۲۰۵- فرهنگ تاریخی سیاسی ایران و خاور میانه - غلامرضا علی بابائی - انتشارات رسا - ۱۳۷۴ - جلد دوم ص ۳۲۲

۲۰۶- جغرافیایی سیاسی خاور میانه و شمال آفریقا درایسدل و اچ . بلیک ، ترجمه دره میر حیدر (مهاجرانی) ص ۲۶۶

۲۰۷- کاتالیست از نظر سیاسی به عواملی گفته می شود که حضورشان در صحنه موجب فعل و انفعالاتی می شود، بدون آن که آنها خود در آن فعل و انفعالات به طور مستقیم دخالت داشته باشند.

۲۰۸- فرهنگ تاریخی - سیاسی ایران و خاور میانه - تالیف غلامرضا علی بابایی جلد اول ص ۲۵۴

۲۰۹- روزنامه کیهان ۱۳۶۱/۶/۸

۲۱۰- فلسطین و اسرائیل رویارویی با عدالت - جان کوئیگلی - ترجمه سهیلا ناصری - ص ۲۸۶

۲۱۱- روز جمهوری اسلامی دوشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۷۶، شماره ۵۲۹۹

۲۱۲- خط فرضی است که از عمیق ترین قسمت قابل کشتیرانی بستر رودخانه عبور می کند، چنین خطی برای تعیین مرز در رودخانه های مرزی بین کشورها بسیار مناسب است .

۲۱۳- به معنای صورت جلسه مذاکرات سیاسی - متمم قراردادها و عهدنامه های رسمی

۲۱۴- جمهوری اسلامی شماره ۵۳۰ - اول مهر ۱۳۷۶

۲۱۵- مصب : به معنای جای ریزش آب - جایی که آب رودخانه و ارد دریا می شود.

۲۱۶- صحیفه نور - مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره)، بهمن ماه ۱۳۶۲، جلد ۱۳، ص ۹۴

۲۱۷- تاریخ دقیق این عملیات ۱۳۶۱/۱/۲ می باشد که به اشتباه در جلد اول این کتاب در صفحه ۴۱ ۱۳۶۰/۱/۲ تایپ شده است .

۲۱۸- عملیات خیبر ۱۳۶۲/۱۲/۳

۲۱۹- صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره)، انتشارات سازمان مدارک انقلاب اسلامی ، چاپ اول جلد بیستم ۱۳۶۹،